



یادداشت ماه

زبان‌شناسی بسیار مفید است که دربارهٔ این اثر در گفتگوی این شماره با حق‌شناس اشاره شده است.

کتاب نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب نحو برنامه کمپنکی تألیف دکتر سیدعلی میرعمادی از آثار تألیفی مهم در حوزهٔ زبان‌شناسی است که در آینده‌ای نزدیک دربارهٔ این اثر بحث و گفتگو خواهیم کرد. کتاب مبانی زبان نوشتهٔ رابرت لارنس ترسک با ترجمهٔ علی فامیان از کتاب‌های قابل توجه در این حوزه است.

در ماه گذشته، یکی دیگر از ستارگان شعر و ادب، دعوت یگانه خالق زیبایی‌ها را لبیک گفت. فریدون مشیری، شاعری بود که با زبانی ساده می‌سرود و تفکر او ریشه در عاطفه‌ای مردمی داشت. شعر مشیری، شعری عاشقانه، لطیف، ساده و در عین حال بسیار صمیمی است که مخاطبان فراوانی در طول چهاردههٔ گذشته داشته است و چون شعرش، ساده، هموار و آسان است با بیان شاعرانه از مسائلی سخن می‌گوید که کمابیش زندگی روزانهٔ آدمیان را پر کرده است، به همین سبب به ذهن مردم نزدیک تر است و در میان اقشار شعر خوان جامعهٔ ما، طیف وسیع‌تری را به خود جذب کرده است. گفتارش نشان‌دهندهٔ رفتارش بود.

در فرصتی دیگر به بررسی زندگی و شعرش می‌پردازیم. در گذشت مشیری را به خانوادهٔ ایشان و اهل ادب و فرهنگ تسلیت می‌گوییم.

در گذشته‌اند، همراه بود. معرفی بهترین آثار ادبی دو دهه ادبیات دفاع مقدس و تقدیر از پدیدآورندگان این آثار، تقدیر از خادمان نشر و معرفی مترجمان، منتقدان، مؤلفان و ویراستاران نمونه از دیگر برنامه‌های هفته کتاب بود. حال که هشتمین هفته کتاب به پایان رسید. لازم است که مسؤولان هفته کتاب با همفکری با صاحب‌نظران، فعالیت‌های این هفته را ارزیابی کنند و با بررسی کاستی‌ها، در رفع آنها بکوشند تا هفته کتاب سال آتی، پربارتر برگزار شود و تحولاتی که در یک سال آینده در عرصه کتاب رخ خواهد داد بررسی شود.

در مهرماه سالجاری، در حوزه ادبیات، زبان، فلسفه و روانشناسی مجموعاً ۵۸۲ عنوان کتاب منتشر شد که ۲۶۹ کتاب در حوزه ادبیات، ۲۲۵ کتاب در حوزه زبان و ۶۸ کتاب در حوزه فلسفه و روانشناسی است. از آثار ادبی قابل تأمل این ماه می‌توان به نویسنده، نقد و فرهنگ نوشته جورج لوکاچ با ترجمه اکبر معصوم بیگی، بدیع: از دیدگاه زیبایی‌شناسی نوشته دکتر تقی وحیدیان کامیار، سال مرگ ریکاردو وریش نوشته ساراماگو با ترجمه عباس پژمان، دفترهای مالدۀ لائوریس بریگه نوشته ریلکه و ترجمه مهدی غبرایی، الیاس پورتولو نوشته گراتز یادلد و ترجمه بهمن فرزانه یادکرد.

۲۴۵ اثر در حوزهٔ زبان منتشر شده است که ۹۰ درصد آن کتاب‌های کمک آموزشی است. از آثار ارزشمند این حوزه، کتاب زبان اثر بلومفیلد با ترجمه دکتر علی محمد حق‌شناس است که از آثار کلاسیک زبان‌شناسی است و برای دانشجویان و علاقه‌مندان به

سه سال از فعالیت کتاب ماه ادبیات و فلسفه گذشت و با انتشار این شماره، وارد چهارمین سال می‌شویم. جشن سومین سالگرد انتشار کتاب ماه ادبیات و فلسفه در دهم آبان ماه سالجاری، همزمان با میلاد حضرت (امام حسین (ع) با حضور جمعی از نویسندگان، مترجمان، ناشران، استادان رشته‌های ادبیات و فلسفه دانشگاه‌ها در موسسه خانه کتاب برگزار شد. در این مراسم، مدیرمسئول و سردبیر کتاب ماه، دکتر محمد خوانساری، سیدفرید قاسمی، دکتر محمود فتوحی و احمدغلامی دربارهٔ نشریات نقد کتاب و جایگاه کتاب ماه ادبیات و فلسفه سخن گفتند که گزارش مشروح این برنامه در شمارهٔ آینده منتشر خواهد شد. در اینجا از صاحب‌نظران ر استادان و خوانندگان کتاب ماه دعوت می‌کنیم که با ارائه پیشنهادها و راهنمایی‌های خود، ما را در ادامه کار یاری رسانند.

از رویدادهای مهم فرهنگی در آبان ماه، هشتمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، با هدف ترویج فرهنگ کتابخوانی بود که از هفدهم آبان‌ماه به مدت یک هفته در سراسر کشور برگزار شد. برنامه‌های مختلفی در این هفته برگزار شد که هرکدام از آنها می‌تواند نقش موثری در ترویج کتابخوانی داشته باشد. تقدیر از نویسندگان کتاب‌های تشویق شده سال گذشته در حوزه‌های مختلف ادبیات، فلسفه، هنر، علوم اجتماعی، کودک و نوجوان، حقوق، دین، تاریخ و... در اولین روز هفته کتاب انجام شد که با تجلیل از خانواده‌های استادان و فرهیختگانی که در ۲۰ سال اخیر

علی اصغر محمدخانی

اهل زبان و ادبیات علی محمد حق شناس را به خوبی می‌شناسند. وی از برجستگان زبان‌شناسی ایران است و در راه اعتلای ادبیات معاصر ایران قدم‌های فراوانی برداشته است. او علاوه بر زبان‌شناس، شاعر، منتقد و مترجم بودن، همواره در تدریس و راهنمایی دانشجویان و نوقلمان کوشیده است. درباره زندگی و آثارش نشست با حق شناس تشکیل داده‌ایم که دکتر هرمز میلانیان، دکتر کورش صفوی، دکتر حسین سامعی، دکتر مسعود جعفری و شهرام رفیع‌زاده همراهی‌مان کرده‌اند. حاصل این نشست پیش روی شماست.

□ محمدخانی: آقای دکتر حق شناس ضمن تشکر از حضور جنابعالی و دیگر دوستان از شما می‌خواهم تا ابتدا درباره زندگی و تحصیلات خود مطالبی بفرمایید؟

■ حق شناس: راستش را بخواهید زندگی من چندان شیدنی نیست، چون چیزی برای گفتن در آن وجود ندارد. زندگی یک دانشگاهی، یک معلم، در واقع شکل گرفته از مجموعه جشن‌هایی است که نرفته، مهمانی‌هایی که نپذیرفته، سفرهایی که نکرده، سینماهایی که نرفته و جاهایی که ندیده و... و در عوض پر است از کتابهایی که خوانده و کاغذهایی که سیاه کرده و کتابهایی که ترجمه کرده یا نوشته و جز اینها. یک زندگی معمولی که تنها صرف کتاب خواندن و بازخواندن و گاه نوشتن شده است. شاید جالبتر از زندگی شخصی من روزگاری باشد که این زندگی در آن جریان داشته است. روزگار ما روزگار جالبی بود و از بسیاری جهات قابل تأمل و در خور بحث و بررسی. به هر حال امتثال امر می‌کنم و به اجمال عرض می‌کنم که در چهارم به دنیا آمدم، در ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۱۹؛ در یک خانواده بازاری، کشاورز و مذهبی. پدرم تاجر بود و مادرم از خانواده‌های باغدار چهارم بود و عموهایم عمدتاً روحانی و اهل علم بودند. در تکوین شخصیت من بیش از همه یکی از عموهایم مؤثر بود: آقا سید ابراهیم حق شناس (اتفاقاً همین کتاب زبان بلوم فیلد که تازه از چاپ درآمده به او تقدیم شده است). تأثیر او در زندگی من تا حدی است که به جرئت می‌توانم بگویم هر چه دارم اگر خوب است از اوست. روحانی بود، به معنی واقعی کلمه، انسانی استثنایی بود، در علوم دینی سرآمد اقران بود، سعه صدر داشت با ذهنی باز و آماده پذیرش افکار نو. کتابهایی را که من می‌خریدم همه را می‌خواند، خواه رمان و داستان، خواه کتب مربوط به علوم جدید. شاعر بود، عربی خوب می‌دانست، به عربی شعر می‌گفت، به فارسی هم همین‌طور. مهم‌تر از همه اینها انسان بسیار بسیار لطیفی بود، لطیف، شفاف، باانصاف، بخشنده و بخشاینده و من اگر در زندگی خود سمت و سوی درستی را دنبال کرده‌ام اینهمه از برکت راهنمایی‌های او بوده است. اگر او در زندگی من نبود، حالا من حتماً چیز دیگری بودم.

باری، گفتم در چهارم به دنیا آمدم و تحصیلاتم را تا پایان سیکل اول در چهارم گذراندم یعنی تا کلاس نهم. می‌دانید که در آن زمان دوران تحصیلات متشکل از شش سال دوره ابتدایی بود و دو سیکل سه ساله و من، به هر حال، سیکل اول را در چهارم گذراندم. بعد به شیراز رفتم و در آنجا دیپلم ادبی گرفتم. علت اینکه در چهارم نماندم همان شوق ادامه تحصیل در رشته ادبی بود. چهارم رشته ادبی نداشت و من می‌خواستم هر طور شده همین رشته را بخوانم. جالب است که خانواده‌ام، به خصوص پدرم، مصر بودند که نباید ادبیات بخوانم. می‌گفتند اگر ادبیات بخوانم، شاعر می‌شوم، دیوانه می‌شوم و مردم را هم دیوانه می‌کنم! خب! مردم را دیوانه نکردم! خودم هم ظاهرأ بودم، دیگر شدن نداشت.

باری، مجبورم کردند در چهارم بمانم و رشته طبیعی را دنبال کنم. من هم ماندم. اما لاجزانه از درس خواندن سرپیچیدم و سرانجام هم با معدل «غ» در سال چهارم طبیعی مردود شدم. این هم گواه دیوانه بودن من. پدر که عمق دیوانگی مرا تا بدین حد دید، سال بعد مرا به شیراز فرستاد. در آنجا دیپلم ادبی گرفتم، در دبیرستان ملی نمازی. در آنجا دو سه تا معلم بسیار خوب داشتیم که همگی در شخصیت من واقعاً تأثیر مثبت و ماندگار گذاشتند، از آن جمله یکی استاد واجد بود و دیگری سیسختی و این دومی آدمی بسیار پرشور و شوق بود و بسیار شور و شوق آفرین، با بهره‌ای خوش از علم و دانش و معرفت. دبیر ادبیات ما بود و ما را بیش از آنکه درس بدهد می‌پروراند. هنوز هم هستند و امید که سایه او همیشه بر سر ما شاگردان او گسترده باشد.

بعد به تهران آمدم، گمانم سال ۱۳۳۹ بود، و در چند کنکور شرکت کردم. در آن موقع کنکور هر دانشکده جداگانه برگزار می‌شد و من علاوه بر کنکور دانشسرای عالی تهران — دانشگاه تربیت معلم امروزی — به اصرار برادرم که پزشکی می‌خواند در کنکور حقوق و در کنکور جامعه‌شناسی هم شرکت کردم. در هر سه هم قبول شدم. آخر آن سال‌ها کنکورهای آسان بودند. مثل حالا نبود، که! در کنکور دانشسرای عالی شاگرد اول شدم و در حقوق هم نمره خوبی آوردم. خوب یادم است که شب اعلام نتایج دانشسرای عالی در حول و حوش لاله‌زار و

اسلامبول و نادری و فردوسی بودم. تفریحگاه شبانه آن ایام همان جاها بود، کتابخانه‌ای هم در آنجا بود به نام دانش که به گمانم در سعدی شمالی بود. باری، جلو بساط یک روزنامه فروشی بود که عنوان یکی از روزنامه‌های عصر به چشمم خورد. با خطی جلی نوشته بود: نمره شاگرد اول رشته ادبیات فلان قدر از نمره شاگرد اول رشته ریاضی و علوم بیشتر است. با دیدن آن عنوان چنان حسرتی به دل من روستایی دنیا ندیده نشست که نگو. پیش خود می‌گفتم چه خوب که آدم هم قبول بشود و هم شاگرد اول. چه آدم خوشبختی باید باشد این آدم! اندکی بعد حیرت‌زده دیدم آن آدم خوشبخت که من او را نمی‌شناختم — و هنوز هم نمی‌شناسم — خود ناچیزم بودم. باز برادرم به جانم افتاد که حالا که رشته ادبیات فارسی را انتخاب کرده‌ای، الا و بالا حقوق را هم باید بخوانی تا لااقل بتوانی نان و نوایی برای خودت دست و پا کنی. پزشکی که نخواندی و حرف پدر را که نپذیرفتی، لااقل حقوق بخوان. هفت روزی به اجبار به دانشکده حقوق رفتم. در آن هفت روز دنیا برایم تیره شده بود. انگار خورشید را از پشت شیشه دودی می‌دیدم. بعد با اصرار از برادرم خواستم که مرا معاف بدارد و اجازه بدهد ادبیات بخوانم. البته این هم داستانی دارد که دیگر نمی‌گویم. ماحصل داستان این بود که من کسی نیستم که به امید «نان و نوا» بتوانم دست به هر کاری بزنم. داستان را که شنید گفت راست می‌گوییم. تو آدم نمی‌شوی. بهتر است همان زبان و ادبیات فارسی بخوانی تا از گرسنگی بمیری! (جالب است، نیست! تلقی ما را نسبت به رشته‌های ادبی خوب نشان می‌دهد!) و گفت که حالا که لیج کرده‌ای پس بهتر است به دانشسرای عالی بروی تا لااقل حقوق معلمی به دست برسد.

سه سال در دانشسرای عالی بودم و به اخذ لیسانس زبان و ادبیات فارسی نائل آمدم و شاگرد اول شدم و مرا به خارج فرستادند و این در سال ۴۴ بود. البته در سال تحصیلی ۴۴ — ۴۳، پس از اخذ درجه لیسانس، یک سالی در دبیرستان حکیم نظامی قم دبیری کردم.

□ محمدخانی: آقای دکتر در دوره دانشسرای عالی

گفت وگو با علی محمد حق شناس

سرم در زبان‌شناسی است اما

استادان شما چه کسانی بودند؟ و از کدام یک بیشتر بهره گرفتید؟

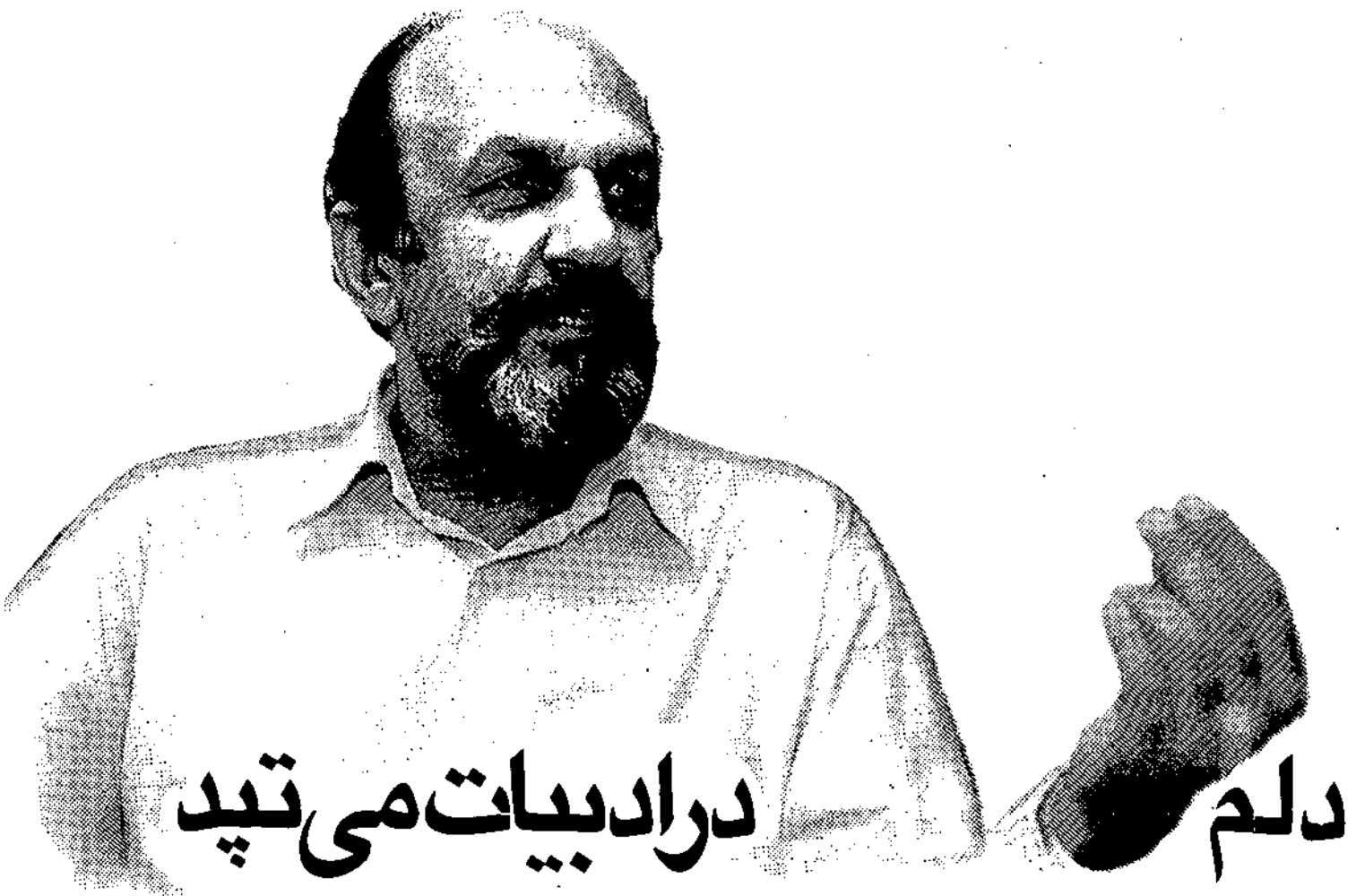
■ **حق شناسی:** از استادان ما در آن دوره، یکی مرحوم ذبیح الله صفا بود، دیگری مرحوم بدیع الزمان فروزانفر، سوم مرحوم سید ضیاءالدین سجادی، چهارم مرحوم قاسم توپسرکانی، پنجم استاد دکتر امیرحسین آریان پور، ششم مرحوم محمد جعفر محبوب که الحق از جمله استادانی بود که فراموش کردنشان محال است. از جمله کسانی که بهره بسیار از محضرشان گرفتم یکی استاد فروزانفر بود. آدم وقتی آن بزرگوار را می دید دیگر فراموش نمی کرد، حالا ممکن بود دوستش داشته باشی یا نداشته باشی. در هر حال، انسان را حیرت زده می کرد. استاد محبوب هم همین طور بود، اما به گونه ای دیگر. او هم در من بسیار اثر گذاشت. استاد توپسرکانی، فردی بسیار دقیق، بسیار منضبط و منظم بود. استاد عربی ما بود. همه کارها را چنان به دقت و سر وقت انجام می داد که آدم حیرت می کرد. او به ما درس انضباط، درس سروقت آمدن و سروقت رفتن و دقت به خرج دادن آموخت. از استاد محبوب درس صفا و یکپارگی و همدلی و پاکدلی آموختیم و درس گستره طبع و بی نیازی، گذشته از آن که حافظه و عمق معلومات او نیز ما را شگفت زده می کرد. کلاس او بسیار مفتنم بود. مرحوم صفا بیشتر کتاب تاریخ ادبیات خود را تدریس می کردند. استاد فروزانفر شخصیتی هزار پهلو و ذوقتون بود. از جهات بسیار آدم را شگفت زده می کرد. حافظه اش حیرت انگیز بود. هنوز خاطره اولین بار که به کلاس آمد در ذهنم هست. با هیبت تمام پشت میز نشست،

آرنجها را روی میز گذاشت، ساعد روی ساعد. به اطراف نگاهی کرد و رو به نزدیکترین دانشجو به خود کرد و پرسید فرزند اسم تو چیست؟ دانشجو اسم خود را گفت. استاد اسم پهلو دستی او را پرسید و همین طور اسامی همه را یکی یکی پرسید و ما سی تن بودیم. بعد هم شروع به درس دادن کرد. در آخر هم کتاب حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر را برای هفته بعد تعیین کرد و گفت: هفته آینده درباره این کتاب صحبت می کنیم. هفته بعد با همان هیبت آمد و همان طور پشت میز نشست. آنگاه به اطراف نگاهی انداخت و گفت: اتابکی تو هفته گذشته اینجا نشسته بودی، چرا به اینجا رفته ای؟ حق شناس تو اینجا بودی چرا اینجا نشسته ای؟ استاد در واقع، همه افراد را با دقت تمام و به ترتیب نشستشان در کنار هم از حفظ داشت. این به لحاظ حافظه او. به لحاظ شوخ طبعی نیز همه می دانیم که استاد شهره بود. بد نیست یکی دو مورد را نمونه وار در اینجا بیاورم: همان دوستان اتابکی که یادش خیر! - همیشه دیر به کلاس می آمد. کارمند بانک بود و مجبور بود کارهای بانک را اول راست و ریس کند و بعد به کلاس بیاید. این بود که معمولاً دیر می کرد. استاد هم هر بار نگاهی به او می کرد و می گفت: اتابکی دیر آمدی. اتابکی هم شرم زده عذری می خواست و می رفت و می نشست. اتفاقاً یک روز اتابکی زودتر از استاد آمده بود. استاد که وارد شد، اتابکی گفت: استاد دیر آمدید! فروزانفر نگاهی به او انداخت، سکوتی کرد و آنگاه گفت: فرزند ما ابوالوقتیم؛ تو این وقتی!

□ **میلانیان:** حال که سخن از شوخ طبعی استاد

فروزانفر شد من نیز خاطره ای می گویم. ایشان به خود من لقبی دادند. هر کسی در آن موقع افتخار می کرد که شاگرد استاد فروزانفر باشد. اما منزل من در امیریه بود و تا رسیدن به بهارستان باید سه تا خط عوض می کردم. کلاس هم ساعت ۸ صبح شروع می شد، در نتیجه هیچ وقت سر کلاس ایشان نمی رسیدم. یک روز تصمیم گرفتم هر طور شده سر کلاس حاضر شوم. برف شدیدی باریده بود، پالتو و شال گردن پوشیدم و راه افتادم. وقتی رسیدم یک ربع از وقت کلاس گذشته بود. کلاس هم ساکت بود و فقط صدای استاد فروزانفر می آمد. مردد بودم که وارد کلاس بشوم یا نشوم. در زدم و اجازه گرفتم. ایشان گفتند: بفرماید. سالن کلاس دراز و باریک بود و دوردیف نیمکت چیده بودند. ته کلاس جایی خالی بود، رفتم بنشینم و در حین رفتن برف ها را می تکاندم، ناگهان دیدم همه کلاس و خود استاد به من نگاه می کنند. ایشان گفتند اسمت چیست؟ گفتیم: میلانیان. استاد گفتند: بفرماید بنشینید آقای «بی میلانیان».

■ **حق شناسی:** از روز برفی گفتید. یک روز هوا برفی بود و استاد نیامدند. ما واقعاً به کلاس ایشان علاقه داشتیم. هفته بعد که آمدند پرسیدیم: استاد هفته گذشته تشریف نیاوردید، ان شاء الله که خیر بوده و حالتان خوب بوده باشد. استاد گفتند: از خواب بیدار شدم، دیدم حالم بهتر از آن است که با شما بگذرانم و نیامدم. اما وقتی سر حال بودند و درباره مطلبی سخن می گفتند، انصافاً داد سخن می دادند و حق مطلب را از هر جهت ادا می کردند. یک روز درباره عشق سخن می گفتند، از پیش تعیین کرده بودند که باب عشق و جوانی را در



در ادبیات می تپد

دللم

گلستان و بوستان سعدی بخوانیم. آن روز چنان شوری در مجلس افکندند که لااقل من هنوز گرم آن شورم یک روز دیگر دربارهٔ آلات موسیقی در شعر فارسی سخن می‌گفتند. چنان از انواع آلات موسیقی و اجزای آنها و طرز کوک کردن هر یک و مقام استفاده بهینه از آنها صحبت کردند که ما حیرت کردیم؟

□ محمدخانی: آقای دکتر هم دوره‌های شما چه کسانی بودند؟

■ حق شناس: از کسانی که هم دوره ما بودند یکی دکتر عبدالمعین انصاری بود که بعداً در آمریکا جامعه‌شناسی خواند و اکنون هم در دانشگاه واشنگتن تدریس می‌کند. دیگری سرکار خانم دکتر ثریا مکنون بود که حالا استاد دانشگاه تهران است. دیگران به اطراف پراکنده شدند اما از افرادی که یک دوره بیشتر از ما بودند و من با آنان محشور شدم، می‌توانم از دکتر باطنی یاد کنم و از دکتر حقدان و اسماعیل خویی و منوچهر آتشی و نعمتی که منوچهر آتشی خیلی به او دلبسته بود، و از عباس پاشایی، یکی چند تن داستان‌نویس خوب هم داشتیم که آثارشان با تأخیری سی ساله همین اواخر چاپ شد و مورد استقبال قرار گرفت؛ مثل بیژن نجدی و پوروی محسنی آزاد. اشخاص دیگری هم بودند که متأسفانه نامشان را به خاطر ندارم. شرمندهم که فراموش کردم از یکی از استادان بسیار ارجمند و بسیار پرمایه هم به جای خود نام ببرم و او استاد دکتر حسین خطیبی بود. کلاس ایشان به راستی بسیار پربار و پرثمر بود. سایه‌شان بردوام باد!

□ سامعی: آقای دکتر شما به انتخاب‌های خود دربارهٔ دانشگاه و رشته تحصیلی اشاره کردید، آن موقع دانشکدهٔ ادبیات در دانشگاه تهران تشکیل شده بود، چرا دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران را انتخاب نکردید؟ این سؤال را برای این می‌پرسم که به احتمال زیاد اگر در آن تاریخ گروه ادبیات تشکیل شده بود گرایش‌های مختلفی را در دانشجویان این گروه‌های ادبیات فارسی در مؤسسات مختلف می‌توانستند ایجاد کنند. دانشسرای عالی به طور سنتی ابتدا تقریباً دبیر می‌پروراند، در حالیکه کسانی که در دانشگاه تهران در دانشکدهٔ ادبیات بودند کمتر برای چنین شغلی تربیت می‌شدند و بیشتر برای ورود به مباحث ادبی آماده می‌شدند. آیا شما تعمداً داشتید که دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران را انتخاب نکنید؟

■ حق شناس: راستش، یادم نیست که آیا در کنکور دانشگاه تهران برای رشتهٔ ادبیات هم شرکت کردم یا نه. ممکن است شرکت کرده باشم و قبول هم شده باشم. چون دانش آموز درسخوان و سربه‌راهی بودم و در حد قبول شدن در کنکور معلومات داشتم. اما همانطور که عرض کردم برادرم اصرار داشت که حالا که می‌خواهی زندگی خود را خراب کنی و ادبیات فارسی بخوانی، لااقل به دانشسرای عالی برو تا امید معلم شدن و نان

معلمی خوردن برایت وجود داشته باشد! ضمناً در آن دوران شرکت نفت به شاگرد اول‌های کنکور ۲۰۰ تومان در ماه کمک هزینه می‌داد و این مبلغ زیادی بود. دانشجویان آن زمان معمولاً با ماهی حدود ۸۰ تومان زندگی می‌کردند. آن ۲۰۰ تومان هم به هر حال جاذبه‌ای داشت. به تعبیری، ملاحظات اقتصادی هم در انتخاب من اثر داشت.

□ رفیع‌زاده: آقای دکتر آیا در آن دوره شعر هم می‌گفتید و آیا آثارتان چاپ می‌شد یا نه؟

■ حق شناس: من از اوان کودکی مرتکب شعر گفتن شدم. مشوق من در این زمینه عمویم آقا سیدابراهیم حق شناس بود. ایشان شعرهای مرا می‌خواند. با هم مشاعره می‌کردیم، مرا تشویق می‌کرد، شعرهایم را تصحیح می‌کرد، برایم جایزه می‌خرید از جمله دیوان حافظ، کلیات سعدی، دیوان پروین اعتصامی. در واقع از سال سوم یا چهارم ابتدایی شعر می‌گفتم. طی مدتی که در شیراز بودم شعرهایم کم‌کم به مرتبه‌ای رسید که قابل طرح در حلقهٔ محدود دوستانم باشد و وقتی به دانشسرای عالی رسیدم شعرهایم آن قدر پخته شده بود که بتوان در مجالس خودمانی خواندشان. یادم هست کتاب حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر، که گفتم به توصیهٔ استاد فروزانفر خواندیم، در من اثری فوق‌العاده گذاشت. از اینرو گزارشی که باید در آن باره به استاد عرضه می‌کردم خواسته و ناخواسته به صورت شعر درآمد. شعر را پیش از کلاس برای دوستان خواندم، استاد که آمد دوستان ایشان را در جریان گذاشتند؛ استاد امر فرمودند که شعر را در کلاس بخوانم و خواندم؛

گر به پای دل سری می‌داشتم
بر سر خود افسری می‌داشتم
گر نمی‌بودم عنان در دست نفس
رسم و راه دیگری می‌داشتم
چون صدف در سینه خاموش خویش
از حقیقت گوهری می‌داشتم...

تا آخر. استاد لطف فرمودند و یکی چند جا به به و آفرینی حوالتم کردند. از جمله وقتی به این بیت رسیدم که:

مرد نحوی مُرد هین محوم کنبد
کاشکی تلقین گری می‌داشتم
شعر که تمام شد، استاد فروزانفر گفتند: صلهٔ شعر تو، فرزند، دکتري ادبیات است. برو پیش دکتر صفا — که در آن وقت رئیس دانشکدهٔ ادبیات بود — و در دورهٔ دکتري شرکت کن. غرض اینکه تا به دانشسرا برسم شرم در این ماه و در این حدود بود. اما از اواخر دورهٔ لیسانس و اوائل دورهٔ دکتري اندک‌اندک پا به وادی شعر جدید گذاشتم و رفته رفته در اینجا مستقر شدم، البته در همان حدی که اسم مرا می‌شود شاعر گذاشت و اسم چیزهایی را هم که می‌نویسم می‌توان شعر گذاشت.

□ محمدخانی: آقای دکتر لطفاً از چگونگی عزیمت خود به انگلیس صحبت کنید و از استادی که در آنجا داشتید؟

■ حق شناس: مرا به انگلیس فرستادند که روانشناسی بخوانم. البته به انتخاب خودم بود، چون به روانشناسی خیلی علاقه داشتم. در ایران آن روزگار روانشناسی خیلی باب بود. نقد آثاری هم که چاپ می‌شد، مثل آثار سارتر، کامو، بالزاک و تورگنیف و جز آن عمدتاً نقد روانشناسانه بود. همین چیزها مرا به نحوی به روانشناسی علاقه‌مند کرد. من هم به انگلیس رفتم تا روانشناسی بخوانم. ولی در آنجا از گروه زبانشناسی سر درآوردم — مثل الکنی که رفت کشمش بخرد و در ادای لفظ «کشمش» درماند و ناگزیر ماست خرید — زبانشناسی را در دانشگاه لندن خواندم، در SOAS، همان مدرسهٔ مطالعات آفریقایی و آسیایی که در حقیقت مرکز زبانشناسی فرث بود که به مکتب زبانشناسی انگلیسی هم موسوم است.

□ میلانیان: آقای دکتر لطفاً فرث (Firth) را معرفی کنید؟

■ حق شناس: فرث بنیانگذار رشتهٔ زبانشناسی، لااقل، در انگلستان است. نخستین استاد صاحب کرسی زبانشناسی بود و مؤسس مکتبی که به مکتب لندن یا مکتب فرث مشهور است. همین مکتب است که مایکل هلیدی آن را بسط و گسترش داد و به اوج رساند و اکنون همطراز مکتب چومسکی است. شخص فرث را من ندیدم. در دورهٔ ما او از جهان رفته بود. ظاهراً آدم بسیار پرشور و حرارت و شوق‌انگیزی بوده که در شاگردانش نفوذ و تأثیری عظیم داشته است و شاگردان او از جمله، پروفسور روبینز، پروفسور یوجینی هندرسن، پروفسور کارنگان و استاد راهنمای من خانم ناتالی واترسون بودند. در محضر همین شاگردان فرث بود که من زبانشناسی آموختم. همینطور مایکل هلیدی، جان لاینز، پروفسور میچل و آلن نیز از شاگردان او بودند. ولی اینان دیگر در دانشگاه لندن نبودند. لذا محضر آنان را من درک نکردم. مکتبی که فرث به وجود آورده و من نیز در آن مکتب پرورده شدم در شمار مکتب‌های نقشگرا است و خود به مکتب زبانشناسی «چند نظامی» (poly systemic) هم معروف است. طبق این نظریه کار زبان ارسال پیام و انتقال «معنی» است، به تعبیری دیگر، زبان، در واقع، حکم معماری معنی را دارد و ما به کمک زبان می‌کوشیم تا معنایی را که در ذهن داریم به صورت ساختاری محسوس و عینی درآوریم؛ ساختاری که یا صوتی است یا نوشتاری؛ تا از آن طریق معنای مزبور را به دیگران انتقال دهیم.

□ محمدخانی: این دوره تا چه سالی طول کشید؟ در آنجا ظاهراً یکی از هم‌دوره‌های شما در مدرسهٔ مطالعات آسیایی و آفریقایی دکتر حمید عنایت بود؟

■ حق شناس: راستش، من در طول زندگی همیشه وضع کسی را داشته‌ام که اندکی پس از برپیده شدن

سفره به مجلس مهمانی رسیده است. در مورد دکتر عنایت هم همین احساس را دارم. وقتی من به SOAS رسیدم، او از آنجا رفته بود. دکترای خود را از SOAS گرفته بود و به تونس رفته بود و در آنجا به تدریس پرداخته بود. بعد هم به تهران آمده بود. من تنها در مسافرت‌هایی که بعداً از تهران به انگلیس داشت و از طریق دوستان مشترکی که داشتیم با او آشنا شدم. بعدها هم در جلسات دوستانه‌ای که در تهران بعد از بازگشت من تشکیل می‌شد او را می‌دیدم. انسان بی‌نظیری بود. متین، مهربان، پذیرا و تا بخواهی خوش‌سخن با خنده‌هایی مختص خودش؛ نمی‌شد او را دید و دوست نداشت. در همه ما، معاشران او، تأثیری ماندگار و مثبت داشت. در ما احساسی از درستی آمیخته به احترام برمی‌انگیخت. کسی از هم‌دوره‌ای‌های او را سراغ ندارم که از او جز به نیکی و با عشق و عطف یاد کند. حکم محوری را داشت که هر جا بود، همگان را دور خود متمرکز می‌کرد. البته من همان طور که اشاره کردم، هم‌دوره‌ای او در دوران تحصیل نبودم. وقتی من به لندن رفتم ایشان به تونس و بعد هم به ایران رفته بود. نقل او را نخستین بار از دکتر محمدعلی کاتوزیان شنیدم که با او بیشتر حشر و نشر داشتم. دکتر کاتوزیان را دوستانش همایون می‌خواندند. یکی دو سالی زیاد همدیگر را می‌دیدیم. گاه تا صبح می‌نشستیم و گپ می‌زدیم. دریایی از معلومات و دنیایی از لطف و صفا بود. یادش خیر! سایه‌اش بردوام! و قلم شیوایش در کار!

□ محمدخانی: آقای دکتر شما در چه سالی به ایران بازگشتید؟

■ حق‌شناس: سال ۱۳۵۲. مهرماه یا شهریور ماه بود که به ایران برگشتم. هشت سال آنجا بودم. چهار سال به عنوان دانشجوی بورسیه دولت و چهار سال دیگر هم به عنوان دانشجوی لجبازی که با چنگ و دندان تلاش می‌کرد تا بماند و تحصیلاتش را به پایان برساند. و ماندم، کار می‌کردم و درس می‌خواندم. ترجمه می‌کردم، در مغازه‌ها و رستوران‌ها کار می‌کردم، فارسی درس می‌دادم و درس را دنبال می‌کردم. البته یکی دو سالی که بدین منوال و با مشقت گذشت استاد راهنمایم، خانم واترسون، نامه‌ای به سرپرستی امور دانشجویان در سفارت ایران نوشت، که ترتیبی دهند تا وضع اقتصادی من سامانی بگیرد. البته قبلاً پیشنهاد کرده بود که از دانشگاه لندن بورس بگیرم ولی من موافقت نکرده بودم. می‌پنداشتم اگر بورس از دانشگاه بگیرم، متعهد خواهم شد که همانجا بمانم و در ازاء آن کار کنم؛ که بعدها فهمیدم پندار غلطی بوده؛ چون مرحوم توحیدی هم بورس از دانشگاه می‌گرفت بعد هم به آلمان رفت. به هر حال بورسیه دانشگاه لندن نشدم. در پی این امتناع بود که استادم به سرپرستی امور دانشجویان در سفارت ایران نامه نوشت کپی نامه را هم به خود من داد. لحنی تند و ملامت‌آمیز داشت که آیا حق‌شناس را به جرم شاگرد ممتاز بودن تبعید کرده‌اید یا فرستاده‌ایدش که درس بخواند؟ بعد توضیح داده بود که

من دانشجوی خوبی هستم و به نکته‌هایی رسیده‌ام که خوب است دنبال شوند و افزوده بود که به دوره دکتری ارتقاء یافته‌ام و خوب است که حمایت شوم. سرپرست امور دانشجویان سفارت در آن زمان مرحوم علی‌اصغر امامی بود. مردی، پاکدل و مردم‌دوست بود. آقای امامی هم سرپرستی بخش فارسی کتابخانه کنزینگتون را به من سپرد. چهار - پنج قفسه کتاب بود که سفارت به کتابخانه هدیه کرده بود. هزینه استخدام یک مأمور فارسی زبان هم می‌داد و همین هزینه بود که شد هزینه تحصیلی من.

□ رفیع‌زاده: پایان نامه دکترای شما در چه زمینه‌ای بود؟

■ حق‌شناس: عمدتاً در زمینه آواشناسی و نظام صوتی زبان فارسی بود و در چهارچوب همان نظریه چند نظامی فرت، ولی نکند می‌خواهید بدانید در آن ایام با دلبستگی‌هایی در زمینه ادبیات چه می‌کردم؟ اگر منظور این است، باید بگویم که من از نظریه‌ای که به انگلستان رفتم با همان لجاجت و پافشاری که بعد از کلاس نهم و پس از گرفتن دیپلم نشان داده بودم، کار مطالعات ادبی را دنبال کردم. خیلی زود شروع کردم به خواندن آثار و نظریه‌های ادبی به زبان انگلیسی و خیلی زود پایم به مجامع ادبی باز شد. انواع مجلات ادبی انگلیسی را هم می‌گرفتم و می‌خواندم. با چهره‌ها و موج‌های ادبی هم چندان ناآشنا نبودم. بیشتر از همه نوارها و صفحه‌های شعر شاعران را می‌گرفتم. هنوز هم آن صفحه‌ها و نوارها را دارم، از مجموعه آثار شکسپیر گرفته تا آثار تی. اس. الیوت، بیتس، دیلون توماس و دیگران. همه را تا پول و پله‌ای به دستم می‌رسید می‌گرفتم و گوش می‌دادم. البته گاه می‌شد که هیچ نمی‌فهمیدم شعر درباره چیست. اما به هر حال گوش می‌دادم، دوباره و دوباره: بعضی شعرها را بدون اینکه بدانم درباره چیست حفظ می‌شدم، تا کی و به کمک چه کسی به مفهوم آن پی ببرم. رمان هم زیاد می‌خواندم. بسیاری از رمانهایی که به فارسی خوانده بودم، دوباره به انگلیسی خواندم و اغلب حیرت می‌کردم از اینکه می‌دیدم میان روایت فارسی یک رمان و روایت انگلیسی آن چه تفاوت عظیمی وجود دارد. همین نکته سبب شد ایمانم از ترجمه‌های فارسی سلب شود و به بازخوانی آثار به فارسی خوانده بپردازم. تقریباً تمام آثار کامو و سارتر را بازخوانی کردم. باری همین تلاش‌های ادبی سبب شد که به هنگام بازگشت به ایران اندک مایه‌ای نیز از ادبیات، نظریه‌های ادبی و شناخت ادبی با خود بیاورم.

□ میلانیان: آیا در این سالها ازدواج کرده بودید؟

■ حق‌شناس: در سال ۱۹۶۸، در ۲۸ سالگی ازدواج کردم؛ یعنی در اوج سال‌هایی از زندگی که خطر ازدواج بیش از سال‌های دیگر متوجه انسان می‌شود. من سال‌های بین ۲۵ و ۳۵ را سال‌های ناگزیری از ازدواج می‌دانم؛ مثل سال‌های ۵۵ تا ۶۵ که می‌گویند خطر

سکته دور سر آدم چرخ می‌زند.

□ رفیع‌زاده: رابطه مجامع دانشگاهی آنجا با ادبیات معاصر چگونه بود؟

■ حق‌شناس: رابطه‌ای سالم، تنگاتنگ و مسؤولانه. بررسی‌های ادبی - به اصطلاح - رسمی و دانشگاهی با آنچه به عنوان جریان‌های ادبی در جامعه انگلیسی زبان ساری و جاری بود نه بیگانه بود، نه بی‌توجه. این دو با هم رابطه تنگاتنگی داشتند. این گونه نبود و حالا هم نیست که این دو از هم فاصله داشته باشند یا فرضاً دانشگاه به جریان‌های ادبی رایج در جامعه پشت کند یا آنهمه را بی‌ارزش بینگارد. این دو در حقیقت دور روی یک سکه را می‌ساختند و می‌سازند. از یک طرف، بسیاری از شاعران بزرگ به دانشگاه دعوت می‌شوند تا در آنجا تدریس کنند. از طرف دیگر بسیاری از محققان دانشگاهی کارهای همان شاعران را مطالعه می‌کنند و به معرفی آن‌ها می‌پردازند. به عنوان نمونه لی‌ویز را در نظر بگیرید که در مقام استاد دانشگاه کمبریج برای نخستین بار به شناساندن و دفاع از ازراپاوند، تی. اس. الیوت و جان هاپکینز همت گماشت. کتاب او به نام *New Bearings in English Poetry* (جریان‌های جدید در شعر انگلیسی) سبب شد جامعه انگلیسی زبان این سه شاعر را، که تا آن زمان در زمره مغلق بافان یاوه‌گو به شمار می‌آمدند، جدی بگیرد. در حقیقت این سه شاعر بزرگ قبول عام و شهرت جهانیان را مدیون لی‌ویزند. تازه این یک استثنا نیست، تعداد زیادی از شاعران دیگر هم به همت دانشگاهیان شناخته شدند. شمار شاعرانی هم که دعوت می‌شدند تا در دانشگاه‌هایی مثل آکسفورد یا لندن دوره‌ای را تدریس کنند، به هیچ روی کم نیست، مثل همین شیموس هینی که بارها به کمبریج، آکسفورد، ترینیتی کالج و دیگر دانشگاه‌ها دعوت شده و به تدریس آثار و نظریه‌های ادبی پرداخته است.

□ میلانیان: نکته‌ای که دکتر به آن اشاره کردند کاملاً درست است. ولی در این مورد تفاوت مهمی میان ایران و انگلستان به نظر می‌رسد، شاعرانی که در دانشگاه‌های انگلیس موفق بودند آنچنان استقبال مردمی از آنان نمی‌شد، در صورتی که شعری ایرانی - همه چهره‌ها - از همان آغاز شناخته شده بودند مثل شاملو، اخوان، فرخزاد و دیگران که مورد پسند همگان بودند. گویانکه در آغاز کار در دانشگاه‌ها به آنان توجهی نمی‌شد. اما در انگلیس وضعیت معکوس بود.

□ جعفری: آقای دکتر لطفاً اگر مایلید درباره چگونگی ازدواج خود توضیح دهید؟

■ حق‌شناس: ازدواج در دنیای جدید چیزی است که ناگهان بر سر آدمی فرود می‌آید. این نکته هم در مورد زنان و هم در مورد مردان صادق است. در دنیای جدید ازدواج غالباً در جاهایی یک مرتبه رخ می‌دهد که شخص انتظارش را ندارد. در جهان قدیم و در

فرهنگ‌های سنتی، خانواده‌ها مسؤول ازدواج فرزندان‌شان بودند، پس برای آن نقشه می‌کشیدند و آن را از پیش برنامه‌ریزی می‌کردند. خانواده‌ها، مثلاً وقتی پسرشان بزرگ می‌شد آستین بالا می‌زدند و برایش زن می‌گرفتند. عشق و محبت در آن جوامع غالباً پدیده‌هایی پسینی بود. یعنی بعد از ازدواج و به مرور زمان در دل‌ها پدید می‌آمد؛ یا گاهی هم نمی‌آمد. ولی زندگی در هر حال ادامه می‌یافت. در جهان جدید ازدواج هم مثل همین تعیین رشته‌بند است که رفته رفته روانشناسی بخوانم، زبان‌شناس برگشتم. دست اتفاق شرایط و اوضاع را بر هم زد. در مورد ازدواج هم همین طور. آن هم حاصل اتفاق و شرایط و اوضاع خاص من بود. انگلستان جامعه‌ای باز است و در آن امکان ارتباط بین زن و مرد و دختر و پسر در سطوح دانشگاهی، در محله‌ها و در کتابخانه‌ها و در سایر جاها زیاد است، جب، اتفاق افتاد که دختر خانمی در همسایگی من زندگی می‌کرد که با من هم دانشگاه هم بود، گرچه هم رشته‌ام نبود؛ و اتفاق افتاد که بیشتر صبح‌ها با هم راه می‌افتادیم، در یک ایستگاه سوار مترو می‌شدیم و در یک ایستگاه از مترو پیاده می‌شدیم و در یک جهت به سر کارهایمان می‌رفتیم. طبیعی است که در چنین شرایطی میان ما رفته رفته الفتی به وجود آمد و تا چشم به هم زدیم با هم ازدواج کرده بودیم. خوشبختانه این ازدواج یک ازدواج موفق از کار درآمد. دلیلش هم خوبی زنی بود که حاضر شده بود به انتخاب خود وفادار بماند و تاوان آن را هم بدهد، خوب یا بد، به هر حال با من آمد. و شرایط خانواده مرا پذیرفت و تا حد زیادی به سنت‌های ما گردن نهاد. حتی با عموی روحانی من حسابی اخت شد، تا حدی که احترام او پیش عمو به مراتب بیشتر از احترام من بود. بعدها هم با تمام سختی‌ها در ایران ماند و با حقوق ناچیز من ساخت و همپای من کار کرد.

□ محمدخانی: آقای دکتر پس از بازگشت به ایران در کجا مشغول کار شدید؟

■ حق‌شناس: در دانشگاه ملی آن زمان و شهید بهشتی امروز و در گروه زبان و ادبیات انگلیسی. در اینجا بود که آنچه در خارج از دانشگاه و جدا از رشته تخصصی خود در زمینه زبان و ادبیات انگلیسی خوانده بودم به کارم آمد. در عین حال همان خواننده‌های نامنظم در اینجا نظم و صبغه دانشگاهی به خود گرفت و انضباط دانشگاهی در آن پیدا شد. سه سال در دانشگاه شهید بهشتی تدریس کردم تا این که با دکتر باطنی آشنا شدم. این آشنایی از طریق دکتر حقدان صورت گرفت. باطنی بعدها مرا دعوت کرد به دانشگاه تهران. من هم پذیرفتم و به گروه زبان‌شناسی پیوستم و در سال ۱۳۵۵ استادیار رسمی دانشگاه تهران شدم.

□ سامعی: البته می‌توانیم این تقسیم‌بندی را بر مبنای نوع فعالیت‌های دکتر حق‌شناس قرار دهیم. دکتر حق‌شناس زبان‌شناس، شاعر، مترجم و منتقد ادبی هستند و تمام آثار ایشان در همین چهار دسته قرار

می‌گیرد و قابل بررسی است. در کار ترجمه تنوع بیشتری مشاهده می‌شود چون به دلیل تک‌نگاری‌هایی که داشته‌اند به هیچ یک از زمینه‌های پیش گفته یعنی ترجمه، زبان‌شناسی، نظریه‌های ادبی و شعر ارتباط ندارد ولی عمده‌تاً فعالیت‌های ایشان در این چهار زمینه است.

□ محمدخانی: البته می‌توان شاخه‌ای با عنوان فرهنگ‌نگاری هم به این تقسیم‌بندی افزود.

□ صفوی: من با استاد در این زمینه‌هایی که برشمردید اصلاً کاری ندارم. دکتر سامعی گفتند استاد را می‌توان زبان‌شناس، شاعر، منتقد ادبی، مترجم و نویسنده نامید ولی بحث من بر سر چیز دیگری است. اگر بخوایم استاد را معرفی کنیم چه می‌گوییم؟ می‌گوییم آقای دکتر حق‌شناس شاعرند؟ مترجمند یا نویسنده‌اند؟ هیچ کدام را نمی‌گوییم. می‌گوییم دکتر حق‌شناس استادند. من می‌خواهم درباره این قسمت پس از پایان بحث‌های مطرح شده صحبت کنم. چون اینها بیانگر آن شخصیت دکتر حق‌شناس که مورد نظر من است، نیست، من بعد در این باره صحبت خواهم کرد.

□ میلانیان: در حوزه زبان‌شناسی همان‌گونه که خود دکتر اشاره کردند در مکتب زبان‌شناسی چند نظامی پرورش یافتند و بعد روی آواشناسی کار کردند و مقاله‌های مختلفی نوشتند که مجموعه مقالات ایشان در زمینه زبان‌شناسی چاپ شده که به ادبیات هم مربوط می‌شود. ترجمه‌هایی که انجام داده‌اند از روبینز و بلوم‌فیلد زبان‌شناس برجسته آمریکایی است که تأثیر زیادی بر زبان‌شناسی گذاشته است و به این ترجمه باید برگردان فارسی کتاب زبان اثر ساییر را نیز اضافه کرد که چند سال پیش ایشان ترجمه و چاپ کردند.

□ محمدخانی: آقای دکتر حق‌شناس در یک تقسیم‌بندی می‌توان گفت اولین آثار شما سه تألیف است. آواشناسی، بازگشت و دیالکتیک و پند و دستان‌یاب. حالا چون اولین کار شما آواشناسی است در این باره بیشتر می‌خواهیم بدانیم؟

■ حق‌شناس: اگر همان زبان‌شناسی را به عنوان یکی از محورهای نظر بگیریم، یاد می‌آید امتحان من در جلسه دفاع از رساله‌ام پروفسور میچل بود. هنگام اعلام نتیجه دفاع، من دو دستی دو طرف صندوق محکم چسبیده بودم و فشار می‌دادم. پروفسور میچل برای اولین بار در خطاب به من از عنوان «دکتر» استفاده کرد و گفت: دکتر حق‌شناس تو دکتر شدی، حالا برو زبان‌شناسی یاد بگیر! این حرف، حرف بسیار درستی بود. حالا که ۳۰ سال گذشته را از نظر می‌گذرانم می‌بینم آنچه در دانشگاه لندن خواندم، فقط یک نظریه بود با اندکی کلیات درباره زبان‌شناسی، یک رساله هم گذراندم در زمینه آواشناسی و واج‌شناسی زبان فارسی، همین و بس. ولی بعد که آمدم به گروه زبان‌شناسی دانشگاه

تهران بارها و بارها به یاد حرف پروفسور میچل افتادم، چون در اینجا بود که عملاً شروع کردم به آموختن زبان‌شناسی، آنهم همگام و همراه با کسانی که با آنها بودم، یعنی با دانشجویانم. در اینجا بود که مجبور بودم مقدمات زبان‌شناسی درس بدهم و چون مقدمات زبان‌شناسی به زبان‌شناسی دانشگاه لندن محدود نمی‌شد، مجبور بودم نظریه‌های مختلف را بخوانم. اینجا بود که مجبور بودم معناشناسی، ساخت زبان فارسی و مکاتب زبان‌شناسی درس بدهم، یا تاریخ زبان‌شناسی و ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی تدریس کنم. اینجا بود که واقعاً دوران طلیعی من با تدریس شروع شد. تنوعی که در دانش زبان‌شناسی من پیدا شد در اینجا بود، آنچه در دانشگاه لندن آموختم تنها یک پایه بود. در دانشگاه تهران بود که با نظریات و سطوح مختلف زبان‌شناسی آشنا شدم. در اینجا بود که فرصت فراوان داشتیم که شاگرد و استاد با هم باشیم و بیشتر وقتمان را در دانشگاه بگذرانیم. رفاه مادی نسبتاً خوبی داشتیم و حقوقی که به دست می‌آوردیم با همه ناچیزیش کافی بود که کرایه خانه و خرج معاش و زندگی ما را تأمین کند و یادم هست که صبح با دکتر باطنی به دانشگاه می‌آمدیم و تا هشت شب کار می‌کردیم. دو اتاق در کتابخانه مرکزی دانشگاه در بخش اتاق‌های مطالعه اختصاصی داشتیم. هر روز صبح زود به آنجا می‌رفتیم و می‌نشستیم و تا شب کار می‌کردیم، آنجا بود که من در زبان‌شناسی پخته شدم. با اینهمه هیچ مدعی نیستم که در زمینه زبان‌شناسی کاری را انجام داده‌ام که آرزو می‌کرده‌ام و حالا هم آرزو می‌کنم. و این شاید در مورد همه ما، مردم جهان سوم صادق باشد. همه ما انگار محکومیم که آنچه می‌خواهیم باشیم تا آخر در درون خود باشیم. خودمان را - خود دلخواه‌مان را - چون باری نامریی تا آخر بر دوش بکشیم، من واقعاً دلم نمی‌خواست مترجم سه تا کتاب در زمینه زبان‌شناسی بگیرم مهم - باشم یا مؤلف یک کتاب کوچک در زمینه آواشناسی. بلکه دلم می‌خواست که بتوانم لااقل یک کتاب حسابی خودم بنویسم، حتی اگر آن یک کتاب مقدمات زبان‌شناسی باشد. کتابی که بتواند همان



خدمتی را به فارسی زبانان بکند که کتاب‌های مقدمات زبانشناسی، مثلاً در حق انگلیسی زبانان می‌کند. خیلی دلم می‌خواست کتابی، مثلاً در زمینه صرف بنویسم، یا در زمینه معنانشناسی یا دستور زبان فارسی. خیلی دلم می‌خواست که به عنوان مؤلف دستور زبان فارسی شناخته شوم، به عنوان مؤلف مقدمات زبانشناسی یا ساخت واژه. دریفا! همه آن حق شناس بالقوه همچنان در تقدیر است.

■ میلانیان: من معتقدم دکتر یک مقدار شکسته نفسی می‌کنند. لازم نیست که حتماً کتابی بنویسید، مجموعه مقالاتی که در زمینه زبانشناسی دارید و در نظریه‌های مختلف همه را مطرح کرده‌اید و در واقع آنچه در ذهن داشتید و در درونتان است بیان کرده‌اید، خود کاری است ارزشمند. اما متأسفانه یا خوشبختانه باید بگویم که در جامعه ما اهمیت ترجمه بیشتر از تألیف است. البته این بحث سال‌هاست که ادامه پیدا کرده و البته این وضعیت روزی باید عوض شود.

■ حق شناس: ما یک شخصیت درونی داریم که شناخته خودمان است و یک شخصیت بیرونی که شناخته دیگران است. من در درون خود آرزو داشتم مؤلف کتاب‌هایی باشم که گفتم، خوب نشد؛ به دو دلیل، یکی مشکلات شخصی و دیگری فقدان فضای فرهنگی مناسب، کار تألیف نیاز به زمینه‌سازی دارد. از جمله کسانی که در زبانشناسی زمینه‌سازی می‌کردند، یکی دکتر میلانیان بود که دو نوع مقاله می‌نوشت، و هنوز هم می‌نویسند، یکی مقاله‌های تخصصی و دیگری مقاله‌های عامه‌پسند، و دیگری دکتر باطنی که بیشتر مقاله‌های عامه‌پسند می‌نوشت و همگی زمینه‌ساز بودند و به این ترتیب زمینه برای کارهای مهمتر فراهم می‌شد. ولی متأسفانه آمیزه‌ای از مشکلات فردی و فقدان زمینه مناسب سبب شد که من سراغ ترجمه بروم. در ترجمه هر انتخابی که کردم براساس این سؤال بود که چه چیزهایی می‌تواند زمینه‌ساز انجام کارهای اصیل‌تر و روزآمدتر در زبان فارسی باشد؟ دیدم تاریخ زبانشناسی را اگر ترجمه کنم لاجرم سابقه مطالعات زبانی معلوم می‌شود و چگونگی پیدایش زبانشناسی نوین از دل مطالعات دیگر روشن می‌شود. متأسفانه من حق این کتاب را چنان که باید بجا نیاوردم چون زبان مغلقی را برای ترجمه آن برگزیدم که مناسب کارهای علمی نیست و بیش از حد ادیبانه و شاعرانه است. آرزو دارم بتوانم این ترجمه را روزی، روزگاری بازنویسی کنم. به هر حال من معتقد بودم و هستم که باید امهات کتب ترجمه شود، باید ریشه‌ها را بیاوریم و بکاریم، تا به جای شاخه‌های منقطع دانش، درخت دانش از دل آن ریشه‌ها بروید و آن درخت‌ها بومی شوند. این بود که بعد از تاریخ مختصر به سراغ کتاب سایپر و بلوم فیلد رفتم. خوشبختانه دکتر صفوی و دکتر میلانیان هم سراغ آثار دیگران رفتند و یکی کتاب مارتینه را ترجمه کرد و دیگری کتاب سوسور را.

■ محمدخانی: شما سه اثر مهم زبانشناسی کلاسیک را از سایپر، بلوم فیلد و رویین ترجمه کرده‌اید، البته من فکر می‌کنم درباره تاریخ مختصر زبانشناسی و زبان سایپر که مدتی قبل منتشر شده صحبت کرده‌اید. اما کتاب بلوم فیلد تازه منتشر شده، لطفاً در این باره بیشتر توضیح دهید؟

■ حق شناس: بلوم فیلد از زمره زبانشناسان آمریکاست، نکته‌ای هم که من می‌خواهم در اینجا بگویم بیشتر به زبانشناسی آمریکایی برمی‌گردد. شاید این نکته در اروپا تا این حد صادق نباشد. در آمریکا سه نفر بودند که زبانشناسی را پروراند و روی پایه‌های خود استوار کردند یکی بواس، دیگری سایپر، سومی هم بلوم فیلد؛ بواس در حقیقت زمینه‌سازی کرد. خودش مردم‌شناس بود و کارش مطالعه فرهنگ و زبان سرخ‌پوستان بود و به ضرورت همین کار به مطالعه ساختمان زبان بدان گونه که هست می‌پرداخت.

سایپر شاگرد بواس بود و در تکوین شخصیت او بواس بسیار مؤثر بود. در حقیقت می‌توان گفت که سایپر مؤسس زبانشناسی است؛ ولی مؤسسی که به یک نظام اصطلاح‌شناسی جا افتاده و سابقه‌دار مجهز نیست و در عین حال به روش یا متد لازم هم هنوز نرسیده است. سایپر در عین حال شاعر، موسیقی‌دان و منتقد ادبی هم بود و اینهمه در کار او در زمینه زبانشناسی اثر می‌گذاشت.

بلوم فیلد برعکس آدمی بسیار منضبط، دقیق و با ذهن و دیدی عالمانه بود. در واقع بلوم فیلد در سنجش با سایپر مثل ارسطو بود در سنجش با افلاطون، یکی باز و گسترده و همه فن حریف و یکی هم عالم و منطقی و مستقر در یک جا.

بلوم فیلد مجموعه دستاوردهای زبانشناختی سایپر و بواس و کل آنچه را خود فراهم آورده بود همراه با متد مناسب تحقیق در زمینه زبانشناسی در کتابش گرد آورد و آنهمه را طوری تنظیم و ارائه کرد که به گفته خودش، خواندن و فهم آن موکول به هیچ شرطی جز زباندانی و علاقمندی نیست و شاید همین هم موجب اصلی ماندگار شدن این کتاب به عنوان یک شاهکار علمی است. چرا که کتاب زبان او حدود سی - چهل سال بر کل زبانشناسی آمریکا سلطه بلامنازع داشت. در طول این سال‌ها همه پیرو بلوم فیلد بودند و پیرو مکتب او. وانگهی، کتاب زبان بلوم فیلد چه به لحاظ روش تحقیقی که به دست می‌دهد و چه به لحاظ جامعیتی که دارد بی‌نظیر است. به تعبیری این کتاب دایرةالمعارفی است از همه اطلاعات زبانشناختی تا روزگار خودش. حاوی اطلاعات مبسوط و گاه منحصر به فرد درباره چیزی، حدود ۴۰۰ - ۳۰۰ زبان و خانواده زبانی است، همین طور کاربردهای مختلف زبان و سطوح تحلیل زبانی را به روشنی تمام مشخص می‌کند؛ ابزار تحلیل زبان را به دست می‌دهد، آنگاه از حوزه زبانشناسی همگانی فاصله می‌گیرد و به حوزه زبانشناسی تطبیقی می‌پردازد و کار تحولات زبان و امر لهجه‌شناسی را با سادگی و وضوح تمام بیان می‌کند. مجموعه همین‌ها سبب می‌شود که تا قریب سه دهه بعد از بلوم فیلد به نام او

خوانده شود، یعنی عصر بلوم فیلد که خود تا آمدن چومسکی یعنی تا سال ۱۹۵۷ می‌باید و بلامنازع می‌ماند. و تازه اکنون هم ظاهراً دوباره عصر نو - بلوم فیلدی در حال آغاز شدن است.

■ میلانیان: واکنشی که چومسکی به زبانشناسی بلوم فیلدی نشان داد چه بود؟ و بعد از چهل سال شما چه برداشتی می‌کنید؟

■ حق شناس: خوب خودتان می‌دانید که بلوم فیلد دیدی تحقیقی دارد، تجربه‌گر است و تحلیل‌هایش به شدت مبتنی بر داده‌های زبانی است. معتقد است که عین واقعیات زبانی، یا به اصطلاح، داده‌های زبانی را باید گرفت و به دیدی تحقیقی و تجربه‌گرایانه تحلیل کرد. شاید یکی از علل توفیق بیش از حد بلوم فیلد هم همین باشد که همه چیز در تحلیل‌های او محسوس و ملموس و آسان‌یاب است؛ داده‌های زبانی را بگیر، آنها را تحلیل کن و در چهارچوب روش تجربی و دید تحقیقی توصیف کن، اینهم روش توصیف و اینهم روش تحقیق. این نظریه در واقع، زبان را به عنوان یک نهاد اجتماعی و بدان گونه که هست خوب می‌پوشاند ولی درباره اینکه ذات زبان چیست، و راز آن کدام است و خود در شأن و حیثیت و موجودیت انسان چه جایی دارد چیزی ندارد که بگوید. اسرار زبانی سرچای خود می‌ماند. اینکه زبان جدا از جامعه و در نهاد یا ذات و هستی انسان چه پایگاهی دارد، در این نظریه مطرح نمی‌شود. و این چومسکی است که از این منظر به زبان می‌نگرد و این منظر هم البته منطقی است که با دید و روش عقلی یا به اصطلاح راسیونالیسم بیشتر جور می‌آید تا با تجربه‌گرایی. این است که چومسکی با روش عقلی وارد میدان می‌شود و می‌گوید آنچه به عنوان زبان از دهان خارج می‌شود و به گوش می‌رسد برای ما مهم نیست. مهم این است که ببینیم زبان در ذهن انسان دارای چگونه جایگاهی است و با ذهنیت انسان و موجودیت انسان چه ارتباطی دارد و مهم این است که ببینیم کودک این راز را، این نظام بسیار پیچیده را، چگونه بدون کمک هیچ معلمی می‌آموزد، آنهم در مراحل که حتی اعداد را هم نمی‌تواند به درستی بیاموزد و بشمارد. اینها نکاتی بود که برای چومسکی در درجه اول اهمیت بود.

■ میلانیان: البته چومسکی وارد قلمرو بسیار لغزان و پریچ و خمی شد که دردسرهای زیادی داشت، چون ذهن انسان قلمرو آشکار و هویدایی نیست؟

■ حق شناس: من حرف دکتر میلانیان را قبول دارم، اما کار چومسکی را هم بی‌اساس نمی‌دانم. فکر می‌کنم اگر چه او نتوانسته به هیچ انگاره قابل قبولی برای زبان برسد، ولی تلاش شکوه‌آمیز او برای تعیین موضوعی یگانه به نام زبان در کلیت عام آن، به جای زبانهای پراکنده و متفاوت، چیزی نیست که بتوان نادیده گرفت.

■ جعفری: آیا در مطالعات زبانشناسی در ایران با

این تاریخی که دارد چیزی وجود داشته که بتوان گفت به ریشه‌های زبان‌شناسی جدید شباهتی دارد یا نه؟ از طرف دیگر زبان‌شناسی جدید در این دوره چه دستاوردهایی داشته و چقدر توانسته بومی ایران شود؟

□ **میلانیان:** به نظر من زبان‌شناسی نوین در همه جای دنیا نوین است و فقط در ایران نیست. منتها در اروپا و آمریکا سی-چهل سال زودتر آغاز شده است. اما زبان‌شناسی و هر بررسی زبانی سابقه خیلی طولانی دارد که در ایران بخاطر زبان عربی، صرف و نحو عربی و بعد دستورنویسی فارسی را باید در این حوزه جای داد. این مسئله درباره همه بررسی‌های زبانی و در تمام کشورها مطرح است. در مورد دستاوردهای زبان‌شناسی نوین، اگرچه از غرب گرفته‌ایم، ولی تلاش ما همه بر این بوده است که آن را بومی‌تر کنیم.

□ **صفوی:** برای پاسخ به سؤالی که آقای دکتر فرمودند باید مسئله را جلوتر ببریم و ببینیم اصلاً زبان‌شناسی در ایران چه سیری را طی کرده است. تا جایی که من به یاد دارم وقتی ما وارد این رشته شدیم وقتی می‌گفتیم رشته ما زبان‌شناسی است فکر می‌کردند که روان‌شناسی است. بعد که روی زبان تکیه می‌کردیم و می‌گفتیم «زبان‌شناسی»، می‌گفتند چند تا زبان می‌دانی؟ ما در آن دوره این رشته را شروع کردیم. من خودم در سال ۱۳۵۵ که استاد تشریف آوردند دانشگاه تهران، بنده شاگرد اول آن دوره بودم یعنی جزو اولین شاگردهای سرکلاس استاد حق‌شناس. در آن موقع پیش از دوره ما دانشگاه تهران یک گروه دانشجو داشت که استادها زبان‌شناس نبودند، یا فرهنگ و زبانهای باستانی و یا زبان‌شناسی تاریخی خوانده بودند ولی آن دوره که ما وارد شدیم با اولین استادهایی که رشته آنها زبان‌شناسی بود وارد شدیم یعنی دکتر میلانیان، دکتر حق‌شناس، دکتر باطنی، دکتر صادقی و دکتر ثمره، اینان استادان اولیه‌ای بودند که رشته زبان‌شناسی خوانده بودند، از آن تاریخ به امروز ببینید این افراد و شاگردانشان چه کار کرده‌اند. نمی‌خواهم بگویم کار عظیمی انجام شده ولی کاری که شده نمی‌توان نادیده گرفت. تقریباً در دانشگاه‌ها در رشته‌های علوم انسانی کسی نیست که نداند زبان‌شناسی چیست، اگرچه نتواند آن را تعریف کند ولی می‌داند که زبان‌شناسی دانستن چند زبان نیست. اما ما هنوز با ادبیات مشکل داریم، با رشته آموزش زبان انگلیسی مشکلات خاص دیگری داریم. دوره‌هایی را که آمریکا و اروپا مثلاً حدود ۵۰ سال پیش گذرانده‌اند و تمام شده و پذیرفته‌اند ابزارهایی که هرکدام در اختیار دیگری قرار می‌دهد، برای ما هنوز این

ابزارها مسئله است.

ما رشته‌ای داریم به نام آموزش زبان انگلیسی که دانشجوی دکتری این رشته برای شش ماه فرصتی که برای آماده‌سازی رساله‌اش است تقاضا می‌نویسد برای خارج از کشور و جواب می‌آید که این رشته معرفی نشده است. لطفاً رشته آموزش زبان انگلیسی را معرفی کنید. پس باید رفت دپارتمان آموزش و پرورش، اگر زبان‌شناس هستی پس چرا رشته‌ات آموزش زبان انگلیسی است، پس رشته‌ات زبان‌شناسی کاربردی است، با یک گروه این مشکل را داریم.

با گروه متخصصان ادبیات هم مشکل دیگری داریم. مشکل عمده ما با متخصصان ادبیات نسل گذشته‌مان این است که فکر می‌کنند زبان‌شناسان آمده‌اند زبان را تخریب بکنند. از اینرو هرچه می‌گوییم ما همان قدر عاشق زبان هستیم که شما هستید قبول نمی‌کنند. این مشکلات امروزه خیلی راحت‌تر حل می‌شود ولی زمانی که دکتر حق‌شناس شروع کردند با این مسائل پیش بروند و از منظر زبان‌شناسی روی ادبیات کار کنند، من همیشه به یاد مقاله‌های آقای دکتر می‌افتم و مقاله دکتر ثمره که هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم که استاد می‌خواستند ثابت کنند که این غزل حافظ متعلق به حافظ نیست بلکه منسوب به اوست. یک سری از استادان هم بودند و دکتر ثمره ثابت کرد که این غزل از حافظ نیست. بعد استاد مینوی گفته بودند که خب ما از اول هم می‌دانستیم. دکتر ثمره جواب می‌دهد که همه می‌دانستند اما این دانستن با آن دانستن فرق دارد. درواقع دوره‌هایی گذشته که ما امروز می‌بینیم در ادبیات از زبان‌شناسی صحبت می‌شود. در این مسیر از اولین کسانی که حداقل من می‌دانم واحد ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی را تدریس کرده دکتر حق‌شناس هستند. طی این مسیر خیلی زحمت داشت. من حدود ۲۴-۲۵ سالی است که شاگرد استاد و دقیقاً یادم هست روزهایی که مقاله‌هایی با چکش و تیشه نوشته می‌شد. استاد می‌آمدند و در دانشکده می‌نشستند روی نیمکت و حیرت‌زده می‌ماندند که چقدر بی‌معرفت! کسی می‌گوید که ابزاری داریم که می‌توان از آن استفاده کرد. طرف می‌آید و تیشه را برمی‌دارد و می‌خواهد ریشه همه را بزند. استاد با چنین مشکلاتی دست و پنجه نرم کردند تا این مسیر طی شد. البته در مسیرهای دیگر هم استادان دیگر اینگونه زحمت کشیده‌اند. بخصوص در ادبیات چون من خود شاهد بودم می‌توانم بگویم چه روانی از ایشان آزرده شده تا این مسیر طی شده.

□ **محمدخانی:** در این سال‌هایی که داستان‌نویسی یا شعر معاصر ما به زبان‌شناسی توجه کرده و نزدیک

شده. با ترجمه آراء جدیدی بوده که از غرب آمده یا زمینه‌های مختلفی که تأثیر گذاشته است. ولی وقتی به دقت می‌نگریم می‌بینیم که کم هستند کسانی که به هر دو بعد توجه کرده باشند حالا چه از لحاظ تدریس و چه از لحاظ نوشتاری. یکی از اشخاصی که به هر دو مورد نظری و عملی توجه کرده خود جنابعالی هستید. شما سعی کردید که پیوند بین زبان‌شناسی و ادبیات را مستحکم کنید، مثلاً دکتر صفوی هم رساله خود را در همین مورد نوشتند که جلد اول آن چاپ شد. زبان‌شناسی چه کمک‌هایی به ادبیات می‌تواند بکند؟

□ **حق‌شناس:** خوب است ابتدا به نکته‌ای که دکتر صفوی مطرح کردند برگردم. پیش از هر چیز اجازه بدهید بگویم که دکتر صفوی لطف خاص و محبتی به من دارند که سبب می‌شود در سخنان او عاطفه و واقعیت به سود من درهم پیامیزد. پیش از من دو سه نفر بوده‌اند که در این زمینه کار کرده‌اند و حقشان را باید پاس داشت. در درجه اول مرحوم دکتر خانلری بود. هرچند خانلری از مدخل زبان‌شناسی وارد کل حوزه ادبیات نشد ولی از زبان‌شناسی و امکانات زبان‌شناسی لاقلاً برای یک امر ادبی یعنی «وزن شعر» استفاده برد و اتصافاً عروض فارسی را بر پایه علم واج‌شناسی استوار کرد و زمینه زبان‌شناختی کار خود را هم خوب فهمیده بود. بعد از خانلری، استاد ابوالحسن نجفی فضل تقدم و البته تقدم فضل بر من دارد. دامنه بهره‌گیری نجفی از زبان‌شناسی بسیار وسیع‌تر است؛ چه، هم در زمینه وزن شعر از دیدگاه زبان‌شناسی کار کرده و هم به برخی از چیزهای دیگری که بارت یا مارتینه مطرح کرده‌اند اشاره کرده است. دکتر غیائی هم در این زمینه کارهایی کرده است. اینان درواقع مقدم بر من بوده‌اند، همینطورند وحیدیان کامیار و مرحوم پرویز مهاجر که انصافاً در این زمینه بسیار زحمت کشیده‌اند.

□ **میلانیان:** مرحوم مهاجر در دوره فوق‌لیسانس و دکتری از دوستان نزدیک من بودند. در دوره فوق‌لیسانس به ایشان پیشنهاد کردم که در شعر فرخزاد تکرار گروه‌های اسمی را که وزن مبهمی ایجاد می‌کند بررسی کنند، چون وزن فقط وزن سنتی نیست، شاید تکرار عبارت اسمی نیز وزن خاصی را داشته باشد. البته ایشان این کار را کردند و در دوره دکتری هم ادامه دادند. و درواقع وی از دید زبان‌شناسی به شعر و ادبیات می‌نگریست و اگر زنده مانده بود در بسیاری زمینه‌ها بیشتر می‌درخشید.

□ **حق‌شناس:** مطلبی که دکتر صفوی مطرح

می‌کنند، به هر حال صحیح است، به این مفهوم که همه این بزرگان موضعی عمل کرده‌اند، یعنی یک گوشه از امر ادبیات را گرفته‌اند و آن گوشه را از دیدگاه زبانشناسی مطالعه کرده‌اند ولی کل ادبیات را مطرح نکرده‌اند، شاید این تلاشی بود که باید در دوره ما انجام می‌شد، البته منظور از دوره ما یعنی همکاران هم دوره ما در دانشگاه تهران و کسانی هم که سبب شدند که این تلاش جدی گرفته شود، فکر می‌کنم، یکی دکتر شفیعی کدکنی است. او در حقیقت واسطه عقد شد بین زبانشناسی و ادبیات فارسی و اگر او نبود این ماجرا بسط پیدا نمی‌کرد، بنابراین این تحولی که دکتر صفوی مطرح می‌کنند واقعاً اتفاق افتاده است، یعنی تحول کیفی؛ بدین معنی که یک دید موضعی تبدیل شده به یک دید فراگیر که فرضاً ادبیات از دیدگاه زبانشناسی چگونه چیزی می‌تواند باشد و چه احکامی بر آن مترتب است اما میزان پذیرفتاری آن در دوره دکتر شفیعی و دکتر پورنامداریان و نسل جوانی که تاکنون زیر دست این دو استاد پرورده شده‌اند به نسبت کم بود. خوشبختانه جوان‌ترها اکنون در میدان هستند و به این موضوع دامن می‌زنند، البته آتش این موضوع حالا دیگر گرفته و شعله‌ور شده و لذا مسئله نزد همگان پذیرفته شده است.

□ محمدخانی: شاید در این چند سال اخیر که پیوند زبانشناسی و ادبیات بیشتر شده، دلیلش ترجمه آثار کلاسیک زبانشناسی است یعنی یک مقدار گسترش بیشتر یافته و از سویی دیگر به نظریه‌های ادبی توجه شده و از طرفی به نسل جوانی که شما می‌بینید که با تکیه بر ادبیات کلاسیک می‌خواهد پیوندی بین ادبیات کلاسیک و معاصر پیدا کند و زبانشناسی یکی از ضرورت‌های ایجاد این پیوند است. مثلاً در دوره‌های گذشته ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها در یک دوره‌ای مطرح و به آن توجه می‌شد ولی در حال حاضر شعر و

رمان معاصر در حال طرح شدن در دانشگاه‌هاست. طبیعتاً زبانشناسی در اینجا بیشتر می‌تواند کمک کند. بعد هم همانطور که اشاره کردید دکتر شفیعی و دکتر پورنامداریان توجه نمودند و نیز خود شما وارد حوزه ادبیات فارسی شدید.

من بسیاری از پایان‌نامه‌ها را دیده‌ام که شما یا راهنما بوده‌اید یا مشاور، با اینکه گروه شما زبانشناسی بوده، به نظر شما چه کارهای دیگری باید انجام شود تا این پیوند مستحکم‌تر گردد.

■ حق‌شناسی: تحلیل شما معقول و به واقعیت

نزدیک است. به هر صورت تحولی در حال صورت گرفتن است. در مورد آنچه در گذشته صورت گرفته، باید در نظر داشته باشیم که زبانشناسان هم کوتاهی کرده‌اند. با ادبیات فارسی الفت و رابطه‌ای نداشته‌اند. متأسفانه بیشتر متون ما به انگلیسی است، گاهی درس هم به انگلیسی داده می‌شود. پس شانس کسانی که در انگلیسی قوی‌ترند بیشتر از کسانی است که فارغ‌التحصیل زبان و ادبیات فارسی‌اند. و این سبب شده بیشتر کسانی که در این زمینه متخصص می‌شوند در خدمت آموزش زبان و ادبیات انگلیسی، فرانسه و یا زبانهای دیگر قرار گیرند و نه در خدمت زبان و ادبیات فارسی. در میان زبانشناسان کم‌اند کسانی که مانند دکتر سامعی، دکتر ثمره، دکتر میلانیان و بنده ادبیات فارسی خوانده باشند. پیداست که وقتی کسانی که زبانشناسی خوانده‌اند الفت و علاقه و ارتباط چندانی با ادبیات فارسی ندارند البته نمی‌توانند در این باره دلسوزی کنند یا عمق و اهمیت مسئله را بفهمند. من این بخت را داشتم که ادبیات فارسی بخوانم، گویی در سرنوشت من بوده است که دلبسته ادبیات فارسی باشم، لاجزانه در مقابل پدر و برادر بایستم و بگویم یا هیچ یا زبان و ادبیات فارسی. بعد هم شاگرد اول بشوم، به اروپا

بروم و در زمینه زبانشناسی درس بخوانم، اما دل و جانم به ادبیات مشغول باشد. از طرف دیگر، در آنجا الفتی پیدا شود میان من و یک انگلیسی‌زبان که او هم به ادبیات دلبسته باشد تا زبان انگلیسی در من ریشه بگیرد و با اندیشه و احساسم گره بخورد و اینهمه به من امکان بدهد که حکم پلی پیدا کنم بین زبان و ادبیات فارسی، زبانشناسی جدید و مطالعات نظری ادبی. این هم‌آیی ادبیات فارسی، زبانشناسی و نظریه‌های ادبی در کارهای مشترکی که با دوستان انجام داده‌ایم از جمله با دکتر صفوی برای من بسیار سودمند و راهگشا بوده است. و وقتی می‌بینم این قبیل کارها مورد تأیید کسانی چون دکتر شفیعی و دکتر پورنامداریان واقع می‌شود که هر دو در تکوین رساله اسباب ایجاد نظم دکتر صفوی دست داشته‌اند - خوب به راستی خوشحال می‌شوم. باری، این با هم‌آیی ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی، نقد و نظر ادبی جدید و زبانشناسی در وجود یک نفر سبب شد که آن یک نفر بتواند نظرگاه‌های چهار گروه را بفهمد و سعی کند که بین آنان پل بزند.

□ میلانیان: خوشبختانه من هم جزو کسانی هستم که ادبیات فارسی خوانده‌ام. البته آن طرف قضیه هم باید روشن شود چون یک عده از استادان ادبیات فارسی گذشته با ادبیات جهان آشنا نبودند. الآن اینطور نیست شاید از خائلی به بعد این آشنایی شروع شد. علاقه به ادبیات جهان و ادبیات فارسی در گذشته و حال امری است ضروری اما باید هشدار می‌دهم به خودمان دهیم، زبانشناسان وقتی به ادبیات می‌پردازند نباید ادعا کنند که زبانشناسی همه چیز ادبیات را می‌تواند توجیه کند. ادبیات ابعاد زیادی دارد و خود دکتر حق‌شناس به عنوان شاعری که من شعرهایش را دوست دارم - بخصوص فصل «شعرها»ی آخرین مجموعه اشعارش را - اگر زبانشناس نبود باز هم یک شاعر بود. زبانشناسی



قریحه شاعرانه را برای شما ایجاد نکرده ولی می‌توان با نظری دیگر شعر را تحلیل کرد و ابعادی را که اضافه دارد سنجید، یعنی نباید یک زیانشناس بیش از حد ادعا کند. این هشداری است که باید به همه داد.

■ **سامعی:** در اینجا من سؤالی دارم، کارهای زیانشناسی شما کمابیش شناخته شده است چون منتشر شده یا دانشجویان با آنها آشنا هستند و در سر کلاس مطرح شده، ولی در مورد ادبیات شما کمتر صحبت کرده‌اید و من به عنوان یکی از دانشجویان شما می‌دانم که در این مورد بسیار اندیشیده‌اید، بسیار فکر کرده‌اید و بسیار یادداشت دارید و نقشه‌های بسیاری هم برای آینده دارید، آینده‌ای که هنوز نرسیده و امیدوار هستید که برسد. من فکر می‌کنم که اینجا فرصتی هست که اشاره بکنید به آنچه که درباره ادبیات فکر کرده‌اید، در حد مختصری که الآن بشود صحبت کرد، چون اینجا نه کلاس درس است و نه می‌توان ابعاد یک نظریه را در اینجا باز کرد ولی چون زمان و فضای مناسبی است برای صحبت در این مورد خواهش می‌کنم این کار را بکنید. فقط پیش از صحبت شما اشاره می‌کنم که شما به عنوان یک زیانشناس ترجیح دادید که بجای چند کار اولیه نقل آثار دیگران باشید. جرقه‌های بسیار درخشانی در مورد نظریات زیانشناسی در مقالات شما هست ولیکن شما ترجیح ندادید از آنها برای مطالعات زیانشناسی یک مدل بسازید، بیشتر ذهنتان را کاشاندید به سمت ادبیات و سعی کردید در آنجا یک مدل برای مطالعات ادبی بسازید. اگر ما بخواهیم یک تفکر منظم را در یکی از حوزه‌های دانش‌های انسانی در نزد شما جستجو کنیم شاید بتوانیم بیشتر درباره ادبیات بپاییم تا زیانشناسی. درواقع زیانشناسی برای شما ابزار بوده تا در ادبیات مدل‌سازی بکنید و این بخش از کار شما کمتر شناخته شده است. من و برخی از دانشجویان شما این فرض را داشته‌ایم که با برخی از جنبه‌های آن آشنا شویم چون سر کلاستان بوده‌ایم ولیکن بقیه مردم و بقیه خوانندگان این را نمی‌شناسند. به همین دلیل اگر مایلید در این باره، که چرا این کار را نکردید و چرا این نظریات منتشر نشد و چرا به طور کامل نوشته نشد توضیح دهید.

■ **حق‌شناس:** متأسفانه همه اینها هنوز هم در هیئت آرزو در من هست، گرچه ظاهراً دیگر آینده‌ای نیست. با این سن و سالی که من دارم نمی‌دانم آرزوهایم تا چه حد تحقق می‌یابد. خب! جدا از مشکلات شخصی، چه عواملی سبب شد که من نتوانم آرزوهایم را تحقق بخشم؟ نمی‌دانم. البته باید بگویم که لطف دوستان است که فکر می‌کنند من چیزی جز آرزو در چنته دارم. به هر حال، حرف دکتر سامعی لااقل از این نظر درست است که بار این آرزوها هنوز بر دوش من است. هنوز هم مترصدم که کی اسباب آن فراهم می‌شود که در گوشه‌ای بنشینم و دنباله کار خویش گیرم و کارهایم را سر و سامان دهم.

این حرف دیگر دکتر سامعی هم درست است که ادبیات برای من در درجه اول اهمیت قرار دارد و حرف اول را می‌زند، چون سلطه بر دلم دارد نه بر مغزم. سرم در

کتابهای زیانشناسی است اما دلم در ادبیات می‌تپد، از همان اول هم، گفتم که این طور بوده و خرجش را هم داده‌ام. هم تهمت و دیوانگی را شنیده‌ام و هم مزه ناداری‌های ملازم رفتن به دنبال عشق و علاقه را چشیده‌ام.

به هر حال، برای من در عرصه ادبیات به عنوان موضوعی برای مطالعه علمی همواره دو سؤال مطرح بوده و حالا هم هست؛ یکی اینکه ادبیات چیست؟ من معتقدم که تا ما ادبیات را تعریف نکنیم و با این کار آثار ادبی را از آثار غیرادبی متمایز نسازیم، نمی‌توانیم درباره ادبیات به یک دید علمی برسیم. به عبارت دیگر ادبیات چیست؟ وجوه تمایزش کدام است؟ از ترکیب چه مختصاتی کیفیت ادبیات در اثری حاصل می‌شود؟ آن ویژگی‌هایی که اثر ادبی را از اثر غیرادبی متمایز می‌کند و آن را به عنوان یک خلق ادبی، یک آفرینش هنری ممتاز می‌سازد چیست؟ تا اینها را مشخص نکنیم نمی‌توانیم درباره آن صحبت کنیم. سؤال دوم این است که وقتی ادبیات و اثر ادبی شناخته شد چگونه می‌توان رابطه‌اش را با زبان معلوم ساخت؟ ادبیات مسلماً زبان نیست. چرا؟ چون اگر اجازه دهید که کلمه غلط «زبانیت» را به کار ببرم در آن صورت می‌توان گفت که این «زبانیت» شعر حافظ نیست که شعر حافظ را شعر حافظ می‌کند، بلکه این «شعریّت» زبان اوست که شعر او را چنان می‌کند که هست. حال این شعریّت چیست؟ ساختارش چیست و چگونه می‌شود آن را کشف و توصیف کرد؟ من برای این کار طرح‌هایی داشتم که همین الآن هم توی اتاقم گرد می‌خورد. در ۵-۶ صفحه بزرگ کاغذ طرح نوشتن چند کتاب در این باره دارم؛ کتاب‌هایی که اگر نوشته شوند ثابت می‌کند که ادبیات چیست؟ آثار ادبی چیست؟ و آیا می‌توان، فرضاً تاریخ بیهقی را اثری ادبی گرفت، یا همه ارزشش؟ آیا واقعاً می‌توان کلیله و دمنه را اثر ادبی گرفت یا نه؟ آیا قابوسنامه یک اثر ادبی است یا نه؟ خط میان آثار ادبی و آثار زبانی را کجا باید بکشیم و اگر توانستیم چنین خطی را بکشیم، آنگاه می‌توانیم ببینیم که کدام آثار جزو سرمایه‌های زبانی ما قرار می‌گیرند و کدام جزو سرمایه‌های ادبی ما؟ این خط خیلی مهم است که کشیده شود و بعد هم ساختارش. این دو سؤالی است که من هنوز آرزو دارم یک وقتی یکجا بنشینم و بدون دغدغه‌های فردی و فارغ از غم زمینه‌سازی فرهنگی به آن بپردازم. ادعان می‌کنم که این عدم تحقق آرزوها اندکی هم معلول تن‌آسانی‌های خود من بوده است.

یک وقتی کتابی هم در همین مایه‌ها نوشتم و همه را در دوره فترت دانشگاه در چند نشست بر دکتر شفیعی خواندم و ظاهراً همه را او تأیید کرد. ولی نشد چاپش کنم، هنوز هم دست‌نوشته این کتاب را دارم. البته حالا دیگر آن را چندان نمی‌پسندم. بگذارید این را هم همین جا بگویم که اگر نتوانستم کارهایی را که می‌خواسته‌ام انجام دهم، هیچ غمی ندارم؛ چون من معلم هستم و معلم به نظر من یعنی فضا. معلم فضاست، فضایی فرهنگی که آدمها در آن حضور به هم می‌رسانند و در آن فضای فرهنگی خودشان را پیدا می‌کنند و چون پیدا کردند در فضایی که تداوم وجود معلم است همان

خواست‌ها و تمناهایی را در سطحی متعالی‌تر دنبال می‌کنند که از آن معلم بوده است. اگر من بدانم که این آتشی که در دل من است، پس از من خاموش نمی‌شود، بلکه در کسی دیگر تداوم می‌یابد، در آن صورت اگر کتابم را هم ننویسم سر راحت به زمین می‌گذارم و با غرور می‌گویم که من در این مورد معلم خوشبختی بوده‌ام. شاگردانی دارم که تو گویی در فضایی که عین وجود من است به مراتب بهتر از من حضور دارند و من با وجود آن‌ها هم زندگی خوشی دارم و هم خوشحال و خرسند می‌میرم.

■ **میلانیان:** شما یک ساعت پیش می‌گفتید دلم می‌خواست کتابی درباره دستور زبان فارسی بنویسم، من در آن لحظه نخواستم بگویم، ولی در ذهنم این بود که می‌خواهید بگویند نظریه ادبیات از دیدگاه زیانشناسی را می‌خواهم بنویسم، درحقیقت شما حالا آنچه را که من در ذهن داشتم تأیید می‌کنید.

■ **جعفری:** در حوزه نقد ادبی می‌توانیم به کارهایی که دکتر انجام داده‌اند بپردازیم مثلاً نگاه زیانشناسی جدید به ادبیات کلاسیک و یکی دو مقاله که درباره نقد اشعار حافظ داشته‌اند، البته با نگاهی جدید و تکیه بر ادبیات جدید به خصوص رمان و شعر. اهمیتی که دکتر حق‌شناس به رمان داده‌اند و تحقیقی که در این زمینه داشته‌اند شاید هیچ‌کس در دوره جدید اینگونه تحلیل نکرده و این جایگاه را به رمان نداده باشد.

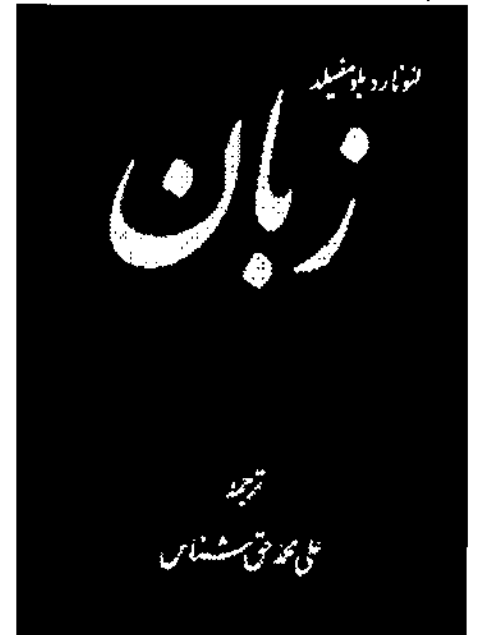
■ **رفیع‌زاده:** به نظر من هنوز آقای دکتر در حوزه رابطه زبان و ادبیات حرف‌هایی برای گفتن دارند و بهتر است که ابتدا این بحث را تکمیل کنیم. در زمینه رابطه زبان و ادبیات دو نظریه وجود دارد، یکی اینکه زبان وسیله‌ای است برای ادبیات و ادبیات هنر است و از زبان بهره می‌گیرد. دوم اینکه ادبیات یکی از جلوه‌های زبان است. می‌خواستم از آقای دکتر بپرسم که نظر ایشان چیست؟

■ **حق‌شناس:** ابتدا صحبت از رمان شد؛ بعد از رابطه بین زبان و ادبیات سخن به میان آمد. راستش پاسخ گفتن به هر کدام کتاب مفصلی خواهد شد. همینطور نگاه نو به ادبیات گذشته که دغدغه امروز ماست.

■ **محمدخانی:** من به یاد دارم که سال گذشته آقای دکتر در کنگره حافظ سخنرانی کردند با عنوان «معنا و آزادی در شعر حافظ» که من بسیار لذت بردم و درواقع همان نگاه نو به ادبیات گذشته بود. چندی بعد هم نقد شما را بر رمان: خانم پیرزاد خواندم و نیز اشاره کردید به خواندن رمان یوزپلنگانی که با من دویده‌اند. من می‌خواهم بگویم از جمله مشکلاتی که در زمینه ادبیات داریم — البته در گروه‌های ادبیات دانشگاه — این نگاه نو به ادبیات گذشته وجود ندارد، درحالیکه در جهان این مسئله وجود دارد ولی ما هنوز یک نوآوری یا بازیگری نگاه جدید به ادبیات گذشته خود نداریم که مثلاً تاریخ بیهقی یا حافظ را با آن نگاه ببینیم و درواقع ادبیات

جدید را جزو اساس کار خود قرار دهیم. به طور کلی پیوند ادبیات گذشته و جدید کم است و شاعران و رمان نویسان معاصر ما راه خود را می پیمایند و به ادبیات کلاسیک کمتر توجه دارند.

■ **حق شناس:** توجه من به ادبیات گذشته بر این باور استوار است که هم زیان شناسی به عنوان مبنایی برای شناخت ادبیات و هم تمامی نظریه های ادبی که در جهان مطرح است، همگی حکم ابزارهایی را دارند که چنانچه به کار شناخت آثار ادبی بیایند با ارزشند و گرنه به ذات خود هیچ کدام هیچ ارزشی ندارند. برای ما فارسی زبانان که وارث سرمایه های عظیم فرهنگی و ادبی هستیم این ابزارها که جهان جدید در اختیار ما قرار داده به شرطی ارزشمند است که در خدمت سرمایه های ادبی ما باشد. زیان شناسی موقعی معنا و ارزش پیدا می کند که در خدمت زبان فارسی و آثار فارسی باشد. همین طور، نظریه های ادبی، چه نظریه های زیان شناسی بنیاد و چه نظریه های دیگر، موقعی ارزش دارند که در خدمت این گنجینه عظیم باشند. ما از نظر وسعت، تنوع و کیفیت آثار ادبی جزو استثنای جهان هستیم. از استاد نجفی شنیدم که به نقل از دکتر خانلری می گفت در میان آثار خطی چاپ نشده ما هنوز دست کم دو هزار کتاب هست که به ضرورت باید چاپ شوند و ظاهراً این دوهزار کتاب که فقط «بایدهای» فرهنگ ما را تشکیل می دهند با کل کتاب های موجود به زبان لاتین در اروپا برابر است. ما وارث سرمایه ای اینگونه هستیم و این حیرت انگیز و غرور آفرین است. در سنجش با این مایه از آثار مکتوب، نظریه های زیان شناسی و نظریه های ادبی چنانچه به تنهایی در نظر گرفته شوند، حکم موتورهایی را دارند که وصل به چیزی نباشند. حال چه سودی دارد که این موتورها را همین طوری روشن کنی و بگذاری روی میز تا بچرخند؟ این موتورها موقعی مفید خواهند بود که نیروی محرکه آثاری باشند که در فرهنگ ما موجود است. من معتقدم زیان شناسی جدید و نظریه های ادبی جهان موقعی شریف و با ارزشند که در خدمت فرهنگ



ما باشند و بتوانند آن فرهنگ را نو کنند. البته فرهنگ ما هم باید پذیرای این نظریه های جدید باشد و بخواند که امروزی شود. از یاد نبریم که ما ممکن است خیلی حرف برای جهان جدید داشته باشیم، اما آن حرفها را باید با منطق امروز و به زبانی امروزی پسند عرضه کنیم، در غیر این صورت حرف ما را جهان جدید نمی فهمد. فکر می کنم که اگر زیان شناسی و هر نظریه ادبی ارزشی دارد، آن ارزش در همین است که حرفهای قابل طرح فرهنگ ما را صورتی امروزی ببخشد. این درست است که دانشمندان ما حافظ را خوب می شناسند (غرض همان نکته ای است که دکتر صفوی از تلقی شادروان مینوی با پژوهش دکتر ثمره مطرح کرد) اما این کافی نیست. اتفاقی که دکتر صفوی از آن یاد کرد در سال ۵۴ در تبریز رخ داد. من خود در آنجا بودم. منظور استاد مینوی این بود که ثمره چیزی را ثابت کرده که همه به درستی آن از پیش واقف و قائل بودند. اما به نظر من در کار دکتر ثمره ظریفه ای بود که استاد بدان عنایت نداشت. چه دانش استاد استنباطی بود نه استدلالی؛ حال آن که جهان امروز طالب استدلال اندیشمندان است و نه حکم مبتنی بر استنباط آنان. ما باید فرهنگ و ادبیات خود را به گونه ای عرضه بداریم که با ذوق و اندیشه امروزی جور باشد. یک مثال بیاورم: به گمان من در سرتاسر کتاب مثنوی مولانا روح رمان جدید غلبه دارد و ما اگر بتوانیم از نمای منظوم آن بگذریم به رمانی می رسمیم از سنخ و مایه رمان های جدید. اما برای نیل به چنین مقصودی باید به شناخت عمیقی درباره رمان و ساختار آن مجهز باشیم و بدانیم چه ویژگی هایی اگر در اثری باشد آن اثر سرشت رمان پیدا می کند.

□ **جعفری:** خارج از حوزه زیان شناسی، ادبیات هم هست و این مطلبی که آقای دکتر اشاره کردند جزوی از یک کل فرهنگی است که در عرصه های دیگر فرهنگ هم همین انقطاع است و فقط مربوط به زیان شناسی و ادبیات نیست. به طور کلی فرهنگ جدید با فرهنگ قدیم پیوند ارگانیک نیافته است. در فلسفه، در فکر، در جامعه شناسی و در روان شناسی و علوم انسانی نیز همین طور است.

□ **محمدخانی:** در ادبیات چون سابقه کهن داریم این اهمیت بیشتری می یابد. چون ذخایر فرهنگی کهن تر و عمیق تری داریم که می توانیم از آنها استفاده کنیم. اما در جامعه شناسی نظریه هایی وجود دارد که صد سال است از غرب آمده و ریشه در فرهنگ کهن ما ندارد.

□ **جعفری:** البته دانشگاه ها کم کاری و مشکل داشته اند. مثلاً فرض کنید جامعه شناسی یا فلسفه ای که در دانشگاه های ایران تدریس می شود با آنچه که در تونس تدریس می شود باید تفاوت هایی داشته باشد و نتیجه اش باید متفاوت باشد باید دید گروه های دانشگاهی چه کار کرده اند، مثلاً در حوزه فلسفه چقدر توانسته اند این پیوند را ایجاد کنند. فقط مسئله ادبیات نیست.

■ **حق شناس:** به نظر می رسد که ما یک شخصیت گسسته پیدا کرده ایم. ما از یک طرف به شدت سنتی هستیم و از طرف دیگر به شدت مدرنیست. یکی از دوستان می گفت که از کوچه های قم می گذشتم دیدم روی دیواری کاهگلی تابلویی نصب شده و روی آن نوشته شده آکادمی علوم انسانی. در ما گسلی ایجاد شده، در ما شکستگی ای ایجاد شده که در پیشینیان ما وجود نداشته است. این را مقایسه کنید با حافظ. حافظ در سطح و ساحت فرهنگ خودش، معاصر با خودش و معاصر با فرهنگش است و معاصر با ۵۰۰-۴۰۰ سال پیش از خود. در نهاد او شکاف و شکنی نیست و میان او و فرهنگش هیچ گسلی به چشم نمی خورد. لاقبل با فرهنگ اسلامی است و معاصر آن است و در واقع ورای زمان و مکان است. آنجا که او است همه چیز فرهنگ همانجا است. خودش به تمامی همانجا است.

در مقابل ما کجاییم؟ نه اینکه تکه تکه ایم؟ نه اینکه قدیمان با جدیدمان نمی خوانند؟ من خود آنچه در جهرم دیده ام یا آنچه در شیراز دیده ام در تعارض است و آن دو با آنچه در تهران یا لندن دیده ام متعارض است. حل این مسئله به نظر من تنها با امکانات و ساز و کارهای جهان جدید میسر است. ما با امکانات و ساز و کارهای کهن نمی توانیم معاصر و امروزی شویم، چون معاصربودگی یعنی جهانی بودن ما و جهانی شدن ما. پس این سرمایه عظیم فرهنگی را باید به زبان جهانی، به لگاریتم جهانی، مجهز کنیم. اگر این وضع اتفاق افتد همه دانش های جدید ما معنی می شود، از جمله زیان شناسی ما، جامعه شناسی ما، فلسفه ما، روان شناسی ما. در آن صورت هم فرهنگ ما معاصر می شود و هم ما خودمان مستقر می شویم و معاصر خودمان می شویم.

□ **میلانیان:** بحث هایی که مطرح شد واقعاً همگی اهمیت دارد، اما نباید فکر کنیم که فقط جامعه ما دستخوش این مسائل است. ما در جهان دو نوع فرهنگ داریم: یکی فرهنگ ملت هایی که سابقه تاریخی چندانی ندارند و در رأسشان آمریکاست که هرچقدر هم قدرتمند باشد، سابقه فرهنگی و سنت تاریخی ندارد. اما ملت هایی مثل ایران، چین، فرانسه، ایتالیا، آلمان و روسیه و یونان سوابق سنتی و تاریخی دارند و هر ملتی که سوابق تاریخی آن بیشتر باشد با اینگونه مسائل بیشتر برخورد دارد و اسم این را نمی توان شکستگی یا گسل خواند.

به نظر من آنچه مهم است این است که معیاری پویا برای ارزیابی گذشته باشیم و نه معیاری ایستا و هرچه برای زندگی امروزی و ساختار آینده مفید است می گیریم و بقیه را در موزه تاریخی می گذاریم. این مسئله ای است که من سال ها قبل در نوشته ای به آن اشاره کرده ام.

■ **حق شناس:** من حرف شما را در مورد جوامع نظیر امریکا قبول دارم ولی در مورد جوامع اروپایی نه. در آنجا انقطاع فرهنگی نیست، آنچه در آنجا مدرن است تداوم سنت های گذشته است، یعنی درحقیقت یک چیز بوده که تحول یافته است. اما در ایران متأسفانه یک نوع

انقطاع فرهنگی وجود دارد. مثلاً همین زبانشناسی جدید ما اصلاً دنبالهٔ دستور زبان قدیم ما نیست. حتی آنچه دستورنویسان غیر زبانشناس امروز قبول دارند، مثلاً آنچه حبیب اصفهانی آورده، آن هم تداوم فرهنگی ما نیست، این یعنی انقطاع پشت انقطاع. اما بنا به گفتهٔ رویترز زبانشناسی جدید اروپا با گذشتهٔ اش انقطاعی ندارد. می‌گوید در سنت‌های مطالعات زبانشناسی اروپایی از تراکس تا چومسکی یک خط ممتد تحولی، یک تداوم وجود دارد. حال آنکه در فرهنگ ما فقط قلل شامخ وجود دارد و جز آن چیز دیگری نیست و میان قلل شامخ گسل هست و شکستگی. تازه وقتی هم در عصر جدید می‌خواستیم دستور زبان فارسی بنویسیم از سنت خودمان استفاده نکردیم بلکه از سنت فرانسوی بهره جستیم. حبیب اصفهانی دستور فارسی را از روی الگوی فرانسوی تدوین کرد و امروزه همین سنت حبیب اصفهانی و پیروانش به عنوان دستور زبان فارسی اصیل قلمداد می‌شود، خب این هم یک گسل دیگر و همین سنت ریشه در دستور زبان فرانسه دارد چوبی می‌شود و بر سر زبانشناسی فرو می‌آید که آن نیز خود انقطاعی دیگر است.

□ میلانیان: من این حرف را نمی‌پذیرم و معتقدم این دوگانگی‌ها و تضادها در جای خود سازنده‌اند و اینطور نیست که خواب و زندگی را از من بگیرند، بلکه برعکس می‌توانند به من کمک کنند. کمالینکه نتیجهٔ این درگیری‌ها نیز بد نبوده است. یک جامعهٔ یکدست و کاملاً سنتی و یکپارچه به درد نمی‌خورد.

□ رفیع‌زاده: از دکتر حق شناس دو مجموعه شعر منتشر شده به نام بودگانی‌ها و بودن در شعر و آینه و این دو مجموعه به هر حال توانسته مؤثر باشد. به نظر من در بودگانی‌ها این قضیه بیشتر محسوس است و آن ذهنیت زبانشناسی ایشان در ساختن و انتخاب عنوان کتاب و هم در خود شعرها مؤثر بوده است. اما در بودن در شعر و آینه این امر کمتر محسوس است. می‌خواهم از ایشان بپرسم که چطور شد که از این تأثیر زبانشناسی در شعر گریختند.

■ حق شناس: من در عالم شعر در اختیار شعرم، می‌گذارم شعر در من جاری شود و سرریز کند. شعر در اختیار من نیست، من در اختیار شعرم، شعر مثل عطسه‌ای است که می‌آید، حالا هر کاری کنی که نیاید باز هم می‌آید. من تلاشی نکرده‌ام که شعرم اینطور یا آنطور از کار درآید، بلکه درگیری‌های ذهنی من با مسئله‌ای خاص سیب شده که شعرم اینگونه یا آنگونه شود. بعد هم که آن درگیری تمام شده و مسئله‌ای دیگر پیش آمده، شعری دیگر مناسب وضع جدید در من پدید آمده است. آنچه در بودگانی‌ها و بودن در شعر و آینه آمده، همگی همین‌طور سرورده شده‌اند. کسانی هم مثل دکتر میلانیان هستند که معتقدند شعرهای من اینها که چاپ شده نیست، بلکه انتهایی است که هنوز چاپ نشده است.

□ میلانیان: باید بگویم که من از شعرهای دکتر

حق شناس از همان آغاز خیلی خوشم می‌آمد. وقتی بودگانی‌ها را خواندم، گفتم راستش از این مجموعه آنقدر خوشم نیامد و حالا می‌فهمم که این از تأثیر زبانشناسی است. اما بسیاری از دوستان از بودگانی‌ها بسیار لذت برده‌اند ولی من از فصل «شعرها» در مجموعه بودن در شعر و آینه بسیار لذت برده‌ام. در نتیجه می‌بینم که برداشت افراد نیز جنبه‌های متفاوتی دارد و نیز معیارهای ذهنی مختلف دارد که نمونهٔ آن نیز مطرح شد. متأسفانه این دو کتاب به خوبی توزیع نشده و ممکن است خیلی‌ها دکتر حق شناس را به عنوان زبانشناس بشناسند ولی به عنوان شاعر برجسته نشناسند. هر چند که ممکن است صد سال دیگر فقط شعرهای شما را بخوانند نه مقالات زبانشناسی و ترجمه‌هایتان را.

■ حق شناس: کاشکی تاریخ آنچه را دویست سال دیگر می‌خواهد بدهد الان می‌داد. راستش وقتی صحبت از شعر من می‌شود خیلی خجالت می‌کشم. در جامعه‌ای که این همه شاعر خوب است من چه کارهام؟ من خودم را شاعر نمی‌دانم، هر چند گهگاه شعری هم گفته باشم، ولی خودم را به معنی واقعی شاعر نمی‌دانم. اما نکته‌ای در حرف آقای رفیع‌زاده بود که ما می‌لم گسترش بدهم. نکته این بود که در شعرهایم تنوع وجود دارد، این را خیلی‌ها به من گفته‌اند. این تنوع از موقعی که شروع کردم به شعر گفتن در شعرهایم وجود داشته است. من اول قصیده می‌گفتم، بعد غزل، بعد رباعی، و بعد شعر محلی می‌سرودم و رفته رفته مثنوی و چهارپاره تا برسیم به شعر نو، یعنی جایی که از شعرهایم بازی «ادبیت» تکیده و به «شعریت» شعر توجه شده و دیگر شعرهایم نه وزن دارد و نه قافیه. این تحول زبانی به نحوی نمایشگر وضع زمانه‌ای است که در آن زندگی کرده‌ام. من از یک شهر به شدت سنتی با فرهنگی به شدت خاص و محلی می‌آیم. در خانواده‌ای به شدت سنتی متولد شده‌ام. یاد می‌آید اولین فکریایی که، فرضاً، در زیر درخت کناری (= درخت سدر) در دشتی به نام «دشت شهدا» به مغزم خطور می‌کرد دربارهٔ این بود که چگونه مراسم عاشورا را در محلهٔ خود بهتر از محله‌های دیگر برگزار کنیم. من از ذهنیتی اینطور شروع کرده‌ام و این ذهنیت کم‌کم بسط پیدا کرده و عوض شده. در این ۶۰ سالی که از عمرم گذشته هیچ دهه‌ای نبوده است که جامعهٔ ما و به همراه آن زندگی ما، تکان‌های شدید نخورده باشد و با گسل‌های عظیم رو به رو نشده باشد. درست است در جاهای دیگر جهان هم وضع کمابیش همین‌طور بوده؛ مثلاً درست است که کمابیش در همین زمان جنگ دوم جهانی هم در دنیا صورت گرفته است. ولی در جاهای دیگر وقتی جنگ جهانی دوم تمام شد مردم برگشتند سر همان زندگی قبلی خودشان و خرابی‌های همان زندگی را تعمیر کردند. ولی در اینجا هر بار که تکان‌های سیاسی، نظامی یا فرهنگی پدید آمده، آنچه پس از آن پیدا شده با آنچه پیش از آن بوده به کلی فرق داشته است؛ و ما در این کشتی بی‌لنگر کُز می‌شده‌ایم و مژ می‌شده‌ایم و پیش می‌رفته‌ایم. تو گویی ما را مثل توده‌ای خمیر

مرتب ورز می‌داده‌اند. به ما شکلی می‌داده‌اند و شکل‌مان را از نو عوض می‌کرده‌اند و این است که تنوع و تغییر تو گویی به صورت نام دیگر ما درآمده، و این وضع پیدا است که در شعر من هم وجود دارد.

□ رفیع‌زاده: آقای دکتر به نظر من مشغلهٔ زبانشناسی شما، ما را از وجود یک شاعر برجسته محروم کرد، چون وقت شما را زبانشناسی گرفت. حالا می‌خواهم عکس این قضیه را بپرسم که شعر در زبانشناسی شما چه تأثیری داشته است؟

■ حق شناس: زبانشناسی مرا از یک شاعر خوب بودن محروم ساخته و شعر هم مرا از یک زبانشناس خوب بودن محروم کرده. ظاهراً بهار است که می‌گوید: هر که هم درزی است و هم ققاز بازارد به هر دو کار فساد جامهٔ خلق از اوست شهداندود

پشمکش نیز هست پشم‌آلود وضعیت من هم اینگونه است. زبانشناس بودن مرا از شاعری محروم کرد و شاعری از زبانشناس بودن. البته من حرف شما را می‌پذیرم. هر که یکجاست همه جاست و هر که همه جاست هیچ جا. ما متأسفانه در به در شدیم و در به دری چیزی از سرنوشت نسل من است. دست حوادث پیوسته ما را از گوشهٔ امن مان بیرون رانده. از اولین خاطره‌های کودکی که به یاد دارم، یکی این است که پشت‌بام خانه در جهرم نشسته بودیم، با پدرم آمده بودیم بالا تا از خانهٔ همسایه‌مان که سرهنگی بود و رادیو داشت، داستان ترور رزم‌آرا را بشنویم. دومین خاطره به میثینگ جوان‌های جهرم مربوط می‌شود. دورهٔ مصدق بود و جوان‌ها ریخته بودند در بازار و یکی چیزی را فریاد می‌زد و بقیه هم جوابش می‌دادند و من بچه بودم و نمی‌دانستم چه می‌گذرد. بعدها فهمیدم که طرفداران حزب توده بوده‌اند و بعد مصدق، و بعد نهضت‌های دیگر و همین‌طور پشت سر هم...

ما درواقع کودکان تحول و تغییر هستیم. اینطور آدمی البته استقرار پیدا نمی‌کند و نمی‌تواند از چنبرهٔ

زبان

در آمدی بر مطالعه سخن گفتن

ادوارد ساپیر

ترجمهٔ علی محمد حق شناس

سرودنی

تهران ۱۳۷۶

تحويل و تغيير بيرون بزنند. نمى تواند فقط يك چيز باشد: يك شاعر، يا زبانشناس، ناگزير همه چيز مى شود و هيچ چيز.

■ جعفرى: دكتر حق شناس سليقه خاصى در ترجمه دارند و مهمترين ويژگى ايشان اين است كه به مترجم جرئت مى دهند و دست مترجم را در زبان فارسى باز مى گذارند و به پاى بندى هاى لفظى كه ترجمه را نامفهوم مى كند اهميت نمى دهند. از ايشان مى خواهيم كه دغدغه هاى خود را در كار ترجمه و نظريه ترجمه توضيح دهند.

■ حق شناس: ترجمه و مترجمى به طور كلى با مشغله قاصدى و قاصد بودن فرق دارد. اين نيست كه شما يك پيك ساده باشيد تا اطلاعات موجود در يك متن يا در يك زبان را در جامعه اى ديگر و به زباني ديگر صرفاً بازگو كنيد. ترجمه امر خلاقى است، نوعى خلقتگرى است، شما وقتى متنى يا كتابى را مى گيريد تا ترجمه كنيد، درواقع همان ادعايى را داريد كه نويسنده دارد. يعنى مى خواهيد متن يا كتاب مزبور را دوباره تاليف كنيد. پس حق داريد كه در تاليف مجدد اين كار، خلاقانه عمل كنيد؛ خلاقانه ولى با قبول تعهد فقط به پيام و سبك همين و فقط همين. ضمناً مى بينيد كه تاكيد من روى متن است؛ مترجم، جملات، كلمات، عبارات و بخش هاى جدا جداى متن را ترجمه نمى كند، بلكه كل متن را يك جا و همراه با يك پيام به هم پيوسته كه تكه تكه نيست و مثل آب دريا يك دست است ترجمه مى كند، بنا بر اين كار ما در مقام مترجم اين است كه متن بسازيم. پس وقتى پيام متن را به روشنى گرفتيم و حرف مؤلف را به خوبى دريافتييم، از آن به بعد حق داريم كه در چهارچوب زبان خودمان و به پيروي از رسوم و سنت هاى پيام رسانى موجود در زبان و فرهنگ خودمان به بازآفرينى متن همت گماريم؛ البته با حفظ همه تاكيدها و همه سايه روشن هاى مختلف متن اصلى.

■ محمدخانى: آقاى دكتر نزديك به ۱۵ سال است كه شما مشغول كار بر روى فرهنگ انگليسى - فارسى هستيد. چه انگيزه هاى موجب شد كه دست به كار فرهنگ نويسى بزنيد و با وجود فرهنگ هاى موجود چه چيزى را كمديد كه فرهنگ ديگرى تاليف كنيد؟

■ حق شناس: صادقانه بايد بگويم كه مرا وادار به اين كار كردند، درواقع به درون اين كار هلم دادند. من نه قصد بازسازى زبان داشتم و نه قصد روزآمد كردن واژگان زبان فارسى و نه قصد در ارتباط قرار دادن اين زبان با زباني ديگر. يك آدم ساده بى تجربه در زمينه فرهنگ نويسى بودم. عده اى از من خواستند فرهنگ حبيب را روزآمد كنم. من هم با دكتر سامعى در دانشگاه تهران آشنا شده بودم و مى دانستم كه اين مايه را دارد و از او دعوت كردم كه اين كار را با هم انجام دهيم. مى شود گفت كه من هم ايشان را هل دادم و شروع كرديم به روزآمد كردن فرهنگ حبيب. ديرى نگذشت كهديد

روزآمد كردن آن فرهنگ كار دشوارى است بلكه اصلاً كار ناممكنى است چون فرهنگ مزبور با همه غناى واژگاني اش فاقد مباني علمى است. اين فرهنگ هاى دوزبانه كه تاكنون نوشته شده اند، فرهنگ هاى استاد - شاگردى اند، كسى در كارگاه استاد ياد گرفته يا خودش بدون هيچ گونه منطق يا زمينه نظرى فرهنگى را ساخته است. كارى صرفاً ذوقى بوده است بى هيچ مبنائى نظرى و علمى. وانگهى زبان فارسى در عرض اين ۶۰ سالى كه بين ما و حبيب است به كلى و ماهيتاً عوض شده است، موقعى كه حبيب كار مى كرده زبان فارسى، زبان يك جامعه سنتى بوده و در آن تقسيم كار صورت نگرفته بوده و تخصصى نشده بوده است. اما موقعى كه ما كار را شروع كرديم زبان فارسى در حال تخصصى شدن بود، يعنى در هر زمينه علمى، فنى، فلسفى يا هنرى مجموعه اى از اصطلاحات آن زمينه فراهم شده بود؛ از علوم پزشكى، روانشناسى، زبانشناسى گرفته تا علوم ديگر. پس ديگر نمى شد فرهنگى را كه متعلق به يك زبان سنتى بود الگو قرار داد يا آن را به فرهنگى براى زبان رو به تخصصى شدن امروز بدل كرد. اين است كه تصميم گرفتيم كار تازه اى انجام دهيم كم كم داريد مى بينيد كه آدم چه طورى گرفتار مى شود و به درون حوزه اى كه نمى خواسته هل مى خورد. ابتدا فكر كرديم سه ساله تمام مى شود، سه سال گذشت، شش سال گذشت، دوازده سال هم گذشت و تمام نشد. الان در آستانه شانزده سالگى است و تازه انگار دارد تمام مى شود. درباره اين كار، بايد خاضعانه بگويم كه سهم دوستان همكار من در پديد آمدن اين فرهنگ و لذا سهم آنان در توفيقى كه احتمالاً نصيبش خواهد شد، كمتر از سهم من نيست. ما همگى به يك اندازه تجربه داشتيم و كار را با خام دستى شروع كرديم و در جريان اين كار و با خود آن پخته شديم. اين فرهنگ از يك طرف مبتنى است بر مجموعه اى از اصول و مباني دانش فرهنگ نگارى جديد و واژگان شناسى و معناشناسى و از طرف ديگر بر مجموعه ويژگى ها و دستاوردهاى علمى فرهنگ هاى اروپايى، البته درحدى كه امكان انتقال آن ها به فارسى وجود داشته. فرهنگى است كه به لحاظ چهارچوب نظرى و به لحاظ ساختار و شيوه عرضه اطلاعات، به گمان ما ممتاز است. شيوه عرضه برابرها در اين فرهنگ طورى است كه مترجم را همراه نمى كند يا دانشجو را سرگردان نمى كند. در اين فرهنگ برابرها را همراه با انواع اطلاعات سبكى و موقعيتى و بافتارى و علمى و جز آن در مقابل هر كلمه به دست داده ايم، طوزى كه مثلاً، دانشجويى كه پزشكى مى خواند يا مهندسى يا ادبيات يا روانشناسى يا، فرضاً مترجمى كه معادلى عاميانه يا رسمى يا كهنه مى خواهد به راحتى بتواند به مطلوب خود برسد. ما اين مايه از دقت و ظرافت و اين سطح از ساختار علمى را تا حد زيادى مديون دكتر سامعى هستيم.

بايد توضيح دهم كه دكتر سامعى از يك طرف فوق ليسانس فرهنگ نگارى است و از طرف ديگر رساله دكتورى خود را در زمينه ساخت واژه نوشته و در اين مورد نيز انصافاً كار کرده است. به هر حال، بايد بگويم كه اگر در شعر يا در زبانشناسى به جايى نرسيدم، لاقلاً، به

همت دوستان همكار در امر فرهنگ نويسى به توفيقى چشمگير راه بردم، اگر آن شاعرى كه مى خواستم از خود بسازم تحقق نيافت، يا اگر آن زبانشناسى كه مى خواستم باشم نشدم، خوشبختانه، در فرهنگ نويسى فكر مى كنم به يارى دوستان توانسته ام به جايى برسم. خب مى بينيد كه كجا مى خواستم بروم و به كجا رسيدم، مى خواستم شاعر باشم، مى خواستم زبانشناس باشم، فرهنگ نگار شدم.

■ محمدخانى: اين فرهنگ چندجلدى است و در چند مجلد در نظر گرفته ايد؟

■ حق شناس: در اين مورد حتماً دكتر سامعى بهتر مى تواند توضيح بدهد. در هر حال، ما مى خواستيم يك فرهنگ عمومى تاليف كنيم. صرف نظر از تعداد مجلداتش، فرهنگى كه نيازمندي هاى يك فارسى زبان، مثلاً، تا حد دكتورى را در محدوده زبان عمومى در خود داشته باشد. هيچ نمى خواستيم و حالا هم نمى خواهيم آنچه صرفاً مربوط به حوزه هاى تخصصى مى شود در آن بياوريم. البته مى خواستيم آنچه از حوزه هاى تخصصى در زبان عمومى تحصيل كردگان تا همان حد دكتورى وارد شده همه را در فرهنگ خود بياوريم. ولى مى دانستيم، و مى دانيم، كه ورود به حوزه هاى منحصرأ تخصصى كار فرهنگ نگار عمومى نيست و براى آن كار بايد از متخصصان هر حوزه خواست تا فرهنگ تخصصى آن حوزه را بنويسد. اين هدف ما بوده. و ما واقعاً مى ترسيديم مبدا فرهنگمان از سه جلد بيشتر شود. در نتيجه با دقت تمام كار مى كرديم تا بى آنكه به تماميت فرهنگ عمومى خود لطمه بزنيم، آن را بيش از حد معقول حجيم و «گنده» از كار درنياوريم. و اين در گرو آن بوده كه واژه هاى صد درصد تخصصى حوزه ها را به متخصصان اندك شمار آن حوزه ها بسپاريم. فكر مى كنم حدود ده فرهنگ را زيتر و رو كرديم از جمله فرهنگ هاى Webster's New World, Long-man, Random House, Co-build, Learner's Robert, فرهنگ حبيب, Third International و OED كه مدام به آن مراجعه مى كرديم. ما سعى کرده ايم به مقتضاى نيازمندي هاى جامعه ايرانى يك فرهنگ عمومى در چهارچوب دانش هاى مربوط امروز بدست دهيم، چون به خوبى واقفيم كه مشكل جامعه فارسى زبان در زمينه فرهنگ عمومى است. جالب است كه وقتى كار تمام شد با كمال تعجب ديديم كه فرهنگ ما بيشتر از دوهزار صفحه نمى شود. حيرت كرديم كه چطور ممكن است؟ اشخاص ديگر كه فرهنگ هاى ۶-۷ جلدى نوشته اند باز هم گله دارند كه فرهنگشان ناتمام است ولى ما با اينهمه زحمتى كه كشيده ايم تنها دو جلد شده است! اول به كار خود شك كرديم كه حتماً يك جاى كارمان اشكال دارد. بعد كه در زبان هاى مختلف جستجو كرديم و با كتاب شناسان خبره، از جمله با دوست دانشمند كامران فانى، مشورت كرديم و خواهش كرديم كه در شبكه اطلاع رسانى كتابخانه مى جستجو كند و ببيند آيا در هيچ زباني فرهنگ دوزبانه بيش از دو جلد وجود دارد يا

نه، باز با کمال تعجب به این نتیجه رسیدیم که در هیچ زبانی فرهنگ دوزبانه بیشتر از یک جلد و حداکثر دو جلد وجود ندارد. آنگاه بود که متوجه شدیم کار ما که بر میانی و اسلوب علمی استوار بوده و در آن فقط ارائه صحیح مدنظر بوده و حتی الامکان از حشو و زوائد به دور مانده و کسی در آن کتابسازی نکرده و تنها سعی شده که مجموعه برابرهای موجود در یک زبان (زبان فارسی) برای لغات عمومی زبان دیگر (زبان انگلیسی) در آن به دست داده شود، لاجرم بیش از دو جلد نمی توانسته باشد. و این کشف عجیبی بود برای ما، این که ببینیم در هیچ جای جهان و در هیچ زبانی فرهنگ دوزبانه چندجلدی وجود ندارد و چنان چیزی جزو ساخته های ایرانی است.

□ میلانیان: نکته ای که در تایید حرف شما باید عرض کنم این است که فرهنگ های یک زبانه هم که چندجلدی می شود به خاطر زیادی مثالها و شواهد است. در صورتی که معانی و تعداد لغات آنقدر زیاد نیست.

□ سامعی: یک تفاوت اساسی بین فرهنگ های یک زبانه و دوزبانه وجود دارد. فرهنگ های یک زبانه در یک شکلی میراث زبانی جامعه را ضبط و ثبت می کند و این میراث بسته به اینکه چقدر مختصر و چقدر مفصل باشد حجم فرهنگ می تواند بالا یا پایین برود. این میراث برای جامعه انگلیسی زبان یا فرانسه زبان و حتی جامعه فارسی زبان خیلی مشخو و پر و پیمان است، در نتیجه فرهنگ های یک زبانه خیلی عظیم خواهد شد. برای جامعه ای مثل جامعه آلبانی زبان ها فی المثل اگر بخواهد یک فرهنگ جامع در زبان آلبانی نوشته شود، چقدر می تواند باشد و مگر چقدر ادبیات آلبانیایی وجود دارد که بخواهد فرهنگ شود؟ اما فرهنگ های دوزبانه مجموعه های کاربردی هستند و شما می خواهید با آن سفر کنید، ترجمه کنید، زبان خارجی یاد بگیرید و... و بیشتر از این نمی خواهید کار کنید، در نتیجه یک مجموعه کاربردی نباید در شکلی باشد که شما نتوانید با آن کار کنید، چون در این صورت نقض غرض خواهد بود. اگر هم نیازهای استفاده کنندگان، نیازهای بسیار متنوعی باشد، طوری که لازم شود مجموعه خیلی عظیمی شود، به دلایل کاربردی بهتر است که کوچک و خرد شود. به همین دلیل می بینید که ممکن است حوزه هایی که لازم است زبان فارسی و انگلیسی بر هم منطبق شود بسیار متنوع است. مثلاً شما حوزه فیزیک، شیمی، زبانشناسی و ادبیات و...

ممکن است داشته باشید ولی بهتر است که برای هر کدام از اینها یک مجموعه تخصصی کوچک دربیاید، برای اینکه نیاز کاربرها یک نیاز خاص است. هیچ وقت هیچ کاربری همزمان به لغات فیزیک، شیمی، زبانشناسی و... احتیاج ندارد. به همین دلیل در زبان های مختلف فرهنگ های دوزبانه از دو جلد تجاوز نمی کند، زیرا غیر کاربردی خواهد بود و حجم یک کتابخانه را اشغال خواهد کرد.

■ حق شناس: در تکمیل حرف دکتر سامعی این نکته را هم می توان اضافه کرد که اگر لغات تخصصی همه رشته ها را وارد فرهنگ عمومی بکنیم خواه ناخواه هزینه ای سنگین بر دوش هر خریداری می گذاریم که فقط فرهنگ عمومی می خواهد به علاوه اصطلاحات یک یا دو زمینه تخصصی را و نه همه زمینه ها را. ولی وقتی همه اصطلاحات را در یک فرهنگ عمومی جمع می کنیم، درواقع جامعه را مجبور می کنیم که مثلاً یک چیزی در حدود ده - پانزده هزار تومان برای هر نفر بیش از آنچه لازم است هزینه کند تا به یک فرهنگ عمومی دست یابد.

□ سامعی: من چون افتخار همکاری با دکتر حق شناس را داشتم لازم است نکته ای را یادآور شوم و تجربه خودم را بگویم. این جلسه متعلق به دکتر

حق شناس است و ممکن است ایشان جنبه هایی را که متعلق به خودشان است نگویند. من دانشجوی فوق لیسانس بودم که دکتر حق شناس به من پیشنهاد کردند برای ویرایش حیم با ایشان همکاری کنم. درواقع من یک دستیار بودم، نه مؤلف بودم و نه تجربه و دانشی داشتم. دکتر حق شناس به جنبه ای از شخصیت خودشان اشاره کردند، وقتی صحبت از نظریه ادبی شد و گفتند تأسف نمی خورند از اینکه به نظریه ادبی خود نپرداختند برای اینکه معلم هستند و درواقع توانسته اند از طریق معلم بودن فضایی ایجاد کنند تا دیگران کار بکنند و این را یک فضیلت دانستند. من سواي اینکه شاگرد ایشان بودم و این تجربه را داشتم، این جنبه را به طور بسیار محسوس تر و برجسته تری در جریان این همکاری هر روزه و پانزده ساله دیدم، بجز نه ماه اخیر که در خدمتشان نبودم، در تمام این پانزده سال هر روز با دکتر حق شناس کار کردم مگر اینکه کلاس داشتم و سر کلاس ایشان رفته ام. من این جنبه را کاملاً دیدم و فکر می کنم ایشان توانستند نه تنها برای خودشان و نه تنها برای کار بلکه برای من و برخی کسانی دیگر که با ایشان همکاری می کردیم یک فضایی ایجاد بکنند که اگر ما هم یک سهمی در این فرهنگ داریم این را فضایی که ایشان ایجاد کردند موجب شده، نه اینکه به خودی خود. ممکن است من ویژگی هایی داشته باشم،



هر آدمی یک ویژگی‌هایی دارد ولی اگر مثلاً دکتر جعفری که فرهنگ‌نگار نیستند در آن فضا قرار می‌گرفتند خیلی در آن زمینه برجسته می‌شدند و شاید سهمشان از من بیشتر می‌شد، بنابراین نباید اهمیت آن فضا و شرایطی که آن فضا ایجاد می‌کرد نادیده بگیریم. و اگر ما در این کار سهمی داریم باید بدانیم که این را دکتر حق‌شناس بخاطر ویژگی‌های شخصی خودشان ایجاد کردند، تا ما بتوانیم نظر دهیم، حرف بزنیم، ذهنمان بیالند، بحث کنیم، نترسیم، مخالفت نکنیم، حتی جسارت بکنیم و از رهگذر این فضا امکانات تازه متولد شود. بنابراین، در این فرهنگ که انشاءالله فرهنگ خوبی خواهد بود و می‌تواند خدمتی کند به زبان فارسی و فرهنگ زبان فارسی، فکر می‌کنم که سهم دکتر حق‌شناس در ایجاد آن بیش از یک مؤلف است، هرچند که ایشان خود پیشنهاد کردند و این افتخار را به ما دادند که من و دیگر همکاران جزو مؤلفان تلقی شویم ولی به هر حال همین سهم مؤلف بودن ما را نیز ایشان ایجاد کرده‌اند نه قابلیت‌های خود ما. به نظر من این مسئله بسیار مهمی است. در امر انتقال تجربه و دانش در ایران.

□ صفوی: دوستان همه حرف‌ها را گفتند اما از معلم بودن استاد اصلاً بحث نشد. من خیلی فکر کردم که این مسئله را چگونه مطرح کنم، فکر کردم با یک پرسش فلسفی شروع کنم. ببینید ما می‌گوییم صوت در اصل یک انرژی است که هوا را به نوسان درمی‌آورد و صدایی به پرده گوش می‌رسد. حال جایی را در نظر بگیرید که از آنجا آشناری در حال پایین ریختن است. اگر هیچ‌کسی آنجا نباشد، آیا این آشنار صدا دارد یا نه؟ واقعاً چون کسی این صدا را نمی‌شنود، این آشنار صدایی ندارد. صدا زمانی مطرح است که کسی آنرا بشنود. یک آشناری از ۲۴-۲۵ سال پیش حرکت کرده، البته از موقعی که من در جریان هستم، پس آبی در جریان بوده و یک مجموعه گوش‌ها این صداها را شنیده‌اند، خیلی‌ها نیز صداهایی را شنیده‌اند ولی نفهمیده‌اند صدای آشنار در اصل کدام است. در این ۲۳-۲۲ سالی که شاگرد استاد بوده‌ام، یک چیز خاصی را از تدریس ایشان آموخته‌ام و آن این است که چگونه می‌توان قسمتهای حاشیه سفید کتاب را تدریس کرد. متن کتاب را خیلی‌ها می‌توانند تدریس کنند، اما سر کلاس چه چیزی گفته شود که دائماً جرقه‌هایی برای بعضی‌ها زده شود، این را یک تعدادی از ما از استاد آموختیم. من به یاد دارم که پدرم همیشه می‌گفت آب

اقیانوس بالا و پایین نمی‌رود، این آب برکه‌ها و جوی‌هاست که پر سر و صدا جاری می‌شود. من این را از پدر آموختم و از استاد چیز دیگری آموختم که به آب این اقیانوس نباید زیاد غرّه شد. ببینید حدود سه ساعت است که در اینجا صحبت می‌کنیم و می‌گوییم استاد شما شاعر هستید، می‌گویند من شاعر نیستم، می‌گوییم شما زبان‌شناس هستید، می‌گویند می‌خواستم شاعر شوم، هلم دادند به طرف زبان‌شناسی، می‌گوییم استاد شما مترجم هستید، می‌گویند من مترجم نیستم. این خیلی سخت است در شرایطی که انسان می‌تواند بگوید من مترجم، مؤلف، زبان‌شناس و شاعر و همه تأیید بکنند برخلاف آن عمل کند و بعد آدم‌هایی که این صدا را شنیده‌اند، مثلاً ببینید دکتر سامعی در چند دقیقه پیش چگونه صحبت می‌کرد.

خیلی لازم است که شخصی در روند فکری آن صدایی را بشنود که قرار است آن صدا شنیده شود. استاد دانشجویان زیادی داشتند. دانشجویانی که ممکن است الآن اطلاعات زبان‌شناسی خود را از دست داده باشند یا اینکه اطلاعات زبان‌شناسی بسیار قوی داشته باشند. ولی آیا قرار بود استاد فقط زبان‌شناس تربیت کنند؟ ایشان این کار را نکردند و یک سری افراد عجیب و غریبی را انتخاب کردند که خودشان می‌گویند ایشان شاگردان من هستند. اگر من بگویم در محضر فلان استاد تحصیل کردم، شاید آن استاد مرا به شاگردی قبول نداشته باشد، ولی وقتی استادی می‌گویند این شخص شاگرد من است حتماً ویژگی خاصی در این آدم وجود دارد. همیشه از استاد شنیده‌ام که می‌گویند دکتر سامعی شاگرد من است و من هم همیشه دنبال این بوده‌ام که دکتر سامعی چه ویژگی‌ای دارد که استاد اینگونه می‌گویند. ببینید در جملاتی که چند لحظه پیش دکتر سامعی درباره فرهنگ‌نویسی گفتند دقیقاً مشخص می‌کند که دکتر حق‌شناس چه چیزی به دکتر سامعی و شاگردان دیگرش آموخته است که هر استادی نمی‌تواند بیاموزد. این ویژگی دکتر حق‌شناس چیزی است که در مترجمی، فرهنگ‌شناسی، زبان‌شناسی و شاعری نمی‌گنجد و این، آموختنی است.

■ حق‌شناس: در پایان باید بگویم که من در برابر لطف و محبت دوستان چیزی برای گفتن ندارم، اما امیدوارم توانسته باشم یک صدم آنچه دوستان به من محبت دارند، مؤثر واقع شده باشم. در هر صورت در سن و سالی که من دارم، خوش است که آدمی ببیند مقبول طبع تعدادی صاحب‌نظر واقع شده و احساس تنهایی نکند. این تنها نبودن من بزرگترین پاداش برای من

است، من تنها نیستم، دوستان دانشگاهی، چه آنهایی که همکار من بوده‌اند و چه آنهایی که با من درس خوانده‌اند در زندگی با من هستند و این خیلی زیاست. البته اجازه بدهید که در اینجا به نکته مهمی اشاره کنم که شاید درسی باشد، چون برای من درس بوده و آن اینکه فرهنگ‌نویسی کار یک نفر نیست، یک کار جمعی است، فرهنگ متعلق به همه مردم و همه جامعه است، از اینرو همه جامعه باید در آن شرکت کنند و اگر این فرهنگ را یک نفر می‌نوشت، من یا دکتر سامعی یا خانم نرگس انتخابی، اینگونه نمی‌شد. و این درس همکاری است برای جامعه که برخی از کارها را باید دسته جمعی انجام داد و در این کارهای دسته جمعی آنچه مهم است داده‌های یک نفر نیست، آمادگی یک نفر است برای قبول داده‌های دیگران.

□ محمدخانی: از همه دوستان که در این بحث و گفتگو شرکت کردند تشکر می‌کنم.

کارنامه دکتر علی محمد حق‌شناس

- ۱- آواشناسی، انتشارات آگاه، ۱۳۵۶.
 - ۲- بازگشت و دیالکتیک، انتشارات آگاه، ۱۳۵۸.
 - ۳- پند و داستان‌یاب، به همکاری دکتر جامی شکبایی و بهرام معزی قاجار، ناشر: مؤلف، ۱۳۶۶.
 - ۴- بودگانی‌ها (مجموعه شعر)، نشر پارس، ۱۳۶۸.
 - ۵- رمان به روایت رمان‌نویسان، میریام آوت، نشر مرکز، ۱۳۷۰.
 - ۶- مقالات ادبی، زبان‌شناختی، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۰.
 - ۷- تاریخ مختصر زبان‌شناسی، رابرت هنری رویترز، نشر مرکز، ۱۳۷۰.
 - ۸- تولستوی، هنری گیفورد، طرح نو، ۱۳۷۱.
 - ۹- بودا، مایکل کریدرز، طرح نو، ۱۳۷۲.
 - ۱۰- سروانش، پتر ادوارد راسل، طرح نو، ۱۳۷۳.
 - ۱۱- وطن فروش، سامرست موم، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
 - ۱۲- زبان، ادوارد سایپر، انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
 - ۱۳- بودن در شعر و آینه، (مجموعه شعر) نشر طوطیا، ۱۳۷۷.
 - ۱۴- زبان، لئونارد بلوم‌فیلد، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.
 - ۱۵- فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی بزرگ، با همکاری دکتر حسین سامعی و نرگس انتخابی، فرهنگ معاصر، زیر چاپ.
- از دکتر حق‌شناس مقالات متعدد در زمینه‌های زبان و ادب در مجلات علمی و نشریه‌های تخصصی به چاپ رسیده است.

کند و مابه‌الختلاف و مابه‌الاشتراک آنها را - اگر دارند - توضیح دهد.

پیش از این در دو مجلد ۱ و ۲ (طرح نو ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷) ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام اصطکاک متکلمان با فلاسفه و برخورد میان خود فلاسفه بررسی شده بود و اکنون با وجود انتشار مجلد سوم، هنوز جای یک کتاب دیگر خالی است: نسبت میان فلسفه اسلامی و عرفان نظری. باید دید دیدگاه عارفان نسبت به فلسفه چه بوده است و اندیشمندان عارف در پیشبرد فکر فلسفی، دانسته یا ندانسته، خواسته یا ناخواسته، چه اندازه نقش داشته‌اند؟ انتظار هست مؤلف گرامی این بحث را هم دنبال کنند.

ما با آرزوی طول عمر و دوام توفیق برای مؤلف دانشمند به بعضی از نکات مهم کتاب اشاره می‌نمائیم و در مواردی نیز نظر خود را بیان می‌داریم و در همین جا خوانندگان را به مطالعه جدی اصل کتاب توصیه می‌کنیم.

□ ابن‌سینا به معاد جسمانی باور نداشته و آن را از اصول ثابت و قطعی دین به‌شمار نیاورده است... حجة الاسلام غزالی در حکم به تکفیر ابن‌سینا به همین مسأله استناد کرده و او را در زمره منکران معاد جسمانی به‌شمار آورده است (۴۵).

□ سهروردی در مقام مقابله با کتاب پرماجرا و جنجالی تهافت الفلاسفه به تألیف کتاب نپرداخت بلکه او به جای تألیف اینگونه کتب، به کتاب دیگر غزالی یعنی مشکوة الانوار توجه کرد و درباره حقیقت نور بیشتر به تأمل پرداخت و به درستی می‌دانست که کتاب غزالی بر اساس آیه شریفه نور به رشته تحریر درآمده است (۵۰).

□ کلمه «امانت» در قرآن به تفسیر ملاصدرا یعنی وجود، و کلمه «ضعیف» اشاره به صورت نوعیه در انسان است... ضعف صورت نوعیه در انسان به معنی این است که در این موجود شگفت‌انگیز حدود نوعی شکسته می‌شود... انسان یک موجود پایان‌یافته نیست و در قالب نوع خود محدود نمی‌گردد (۷۱).

□ در نظر فیلسوفان وجودی جدید، وجود، اصل و مقدم بر ماهیت است و انسان با تعالی جستن در وجود می‌تواند ماهیت خود را در پایان امر به منصب ظهور برساند (۷۶). سخن صدرالمتهالین در باب ملازمة عقلی میان وجود و ماهیت به هیچ وجه با مواضع فیلسوفان وجودی جدید [اگزیستانسیالیستها] در این باب سازگار نیست و راه این فیلسوف اسلامی به کلی با طریقه آنان در این مورد متفاوت است (۷۹). صدرالمتهالین در اتخاذ موضع مخصوص خود مبتنی بر اصالت و تقدم وجود بر ماهیت با بسیاری از فیلسوفان وجودی جدید نزدیک و هماهنگ است ولی از سوی دیگر در بسیاری جهات و مسائل با این جماعت ناسازگار و مخالف بوده و با نظریات و اندیشه‌های آنان فاصله دارد (۸۱). برخلاف تصور بسیاری اشخاص، انسان محصول یک عمل خارجی اعم از مادی یا معنوی نیست [۹] بلکه او برخلاف سایر انواع حیوان یک موجود تاریخی است که تا حدود بسیاری ایجادکننده هستی خویش است صحنه تاریخ، سرگذشت خودسازی فعالیت انسان است (۲۳۶)... به این ترتیب میان زندگی و معرفت تاریخی ارتباط محکم وجود دارد (۲۳۷). می‌شود گفت مطلب، مطلب درستی است اما آیا مؤلف در طول کتاب بر این نظر استوار مانده است؟

□ در صفحه ۹۸ به انگیزه بحث «ادراک حضوری و

موضوع مجلد سوم ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام تألیف دکتر دینانی، نسبت عقل و نقل در فرهنگ اسلامی است با تأکید خاص به سیر اندیشه در ایران از قرن دهم هجری به بعد. یعنی درواقع توجه نویسنده به ملاصدرا و پیروان و منتقدان اوست تا عصر حاضر (فصل ۱ و ۲ و ۱۱ و ۱۲).

ظاهراً نویسنده محترم، تألیف کتابی درباره ملاصدرا را در نظر داشته‌اند که فصولی از آن، در همین کتاب آمده (فصل ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۰ و ۱۳). در فصل سیزدهم انتقادات مجلسی دوم بر ملاصدرا در شرح کافی مورد بحث قرار می‌گیرد و در فصل چهاردهم فاصله گرفتن‌های قاضی سعید قمی (شاگرد شاگرد ملاصدرا) از ملاصدرا و نظریات خاص وی تشریح می‌شود. نویسنده در فصل پانزدهم انتقادات شیخ احمد احسائی بر ملاصدرا را در شرح عرشیه انتقاد می‌کند و دنباله افکار فلسفی شیخ احمد احسائی در فصل شانزدهم از زبان شاگردش سیدکاظم رشتی بیان می‌شود. آنگاه مؤلف نظریات اهل تفکیک را که در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری قمری رواج و رونق یافت مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بدینگونه ملاحظه می‌شود مؤلف محترم در فصل ۸ و ۹ کوشیده است میان اصالة الوجود ملاصدرا و اگزیستانسیالیسم غربی مقایسه

علیرضا نکاوینی قراقرلو
ماجرا در ماجرا

تنبه به عالم حضور» و اشاره به «انسان معلق در فضای ابن سینا» نوشته‌اند: «عرفای عالی مقام از طریق ذکر و فکر به عالم حضور راه برده و سالکان این طریق را به سه خصلت هوش در دم / نظر بر قدم / سفر در وطن توصیه می‌نمایند». باید دانست که اینها از شعارها و دستورالعملهای طریقه نقشبندیه است و مربوط به «مراقبت در اعمال» می‌شود و ربط و تناسبی با ادراک حضوری نفس ندارد، یعنی یک آدمی که «نظر بر قدم» ندارد و هر جا که پیش آید قدم خطا هم می‌گذارد طبق نظر فیلسوف استشعار بر نفس دارد همچنانکه یک پارسا که هر لحظه مراقب خودش است (هوش در دم) او هم استشعار بر نفس دارد و حتی انسان معلق در فضا که با فرض بوعلی از هرگونه احساس خارجی منفک است باز هم استشعار بر نفس دارد. این چه مربوط به مراقبه مصطلح در عرفان است؟

□ در صفحه ۱۰۲ نوشته‌اند: «همان سان که وجود بسیط است و جنس و فصل ندارد، علم نیز بسیط بوده از جنس و فصل منطقی میراست». البته جای اشکال باقی است که آیا یک تصور یا یک تصدیق واقعاً بسیط است؟ آیا در گزاره آتش سوزاننده است تصور آتش یا تصدیق و حکم به اینکه سوزاننده است واقعاً ساده می‌باشد؟ به گمان بنده با نظر دقیق می‌توان همین تصور یا تصدیق «ساده» را به تصورات و تصدیقات بسیط‌تر تحلیل کرد. و این برمی‌گردد به سیر تکون یک تصور یا یک تصدیق در ذهن ما. به همین اکتفا می‌کنم.

□ در صفحه ۱۰۶ از اسرار الایات ملاصدرا نقل شده است که «اکثر اهل اسلام ظاهراً مسلمانند و باطناً مشرک و کافر» و در صفحه ۱۰۷ از همان کتاب نقل کرده‌اند که «عقیده تقلیدی هر اندازه هم جزمی باشد با

اندک شبهه‌ای قابل از هم گسستن است». این دو نکته ارزنده افق بلند فکر ملاصدرا را که در حد ممکن آزاداندیش بوده است می‌رساند.

□ در صفحه ۱۲۰ از فارابی نقل کرده‌اند که «تحقق هستی دلیل بر این است که هستی بالذات متحقق است. در مورد علم و قدرت و سایر صفات کمالیه نیز وضع به همین منوال است... آنچه در غایت کمال است مطلق بوده و مطلق هرگز از چیزی مستور نیست زیرا مستور بودن از محدودیت ناشی می‌شود و در هستی مطلق محدودیت نیست». آیا این همان حرف قدیس انسلم نیست؟ و این نظیر آن است که از ابن سینا نقل کرده‌اند: «لم یحتج بیاننا لثبوت الاول و وحدانیته و برائته عن الصمات الی تأمل غیر نفس الوجود» (۱۳۸)... طریقه صدیقین... همان که در فقره دعا آمده است: «یا من دلّ علی ذاته بذاته».

□ در نظر صدرالمآلهین حکایت وجود، وجود، وجود حکایت است [= وجود بالعرض]... کلی طبیعی معدوم نیست چنانکه متکلمان می‌پندارند البته موجود اصلی و اصیل هم نیست چنانکه حکما اصرار می‌ورزند بلکه از نوعی وجود ظلی و سایه صفت برخوردار است (۱۲۷) مانند تصویر آینه... در این جا باید گفت که چون حکمای قدیم از جمله ملاصدرا چگونگی تصویر آینه را نمی‌دانستند چیست، به چنین تشبیهی مبادرت جسته‌اند.

□ حکمای اسماعیلی همچون ناصر خسرو و پیش از او ابویعقوب سجستانی خدا را چنان تنزیه می‌نمایند که حتی صفت «هست» را شایسته او نمی‌دانند (۱۵۱-۱۵۰). مؤلف گفته است این سخنان در چهارچوب منطق نمی‌گنجد. به گمان من شاید مراد

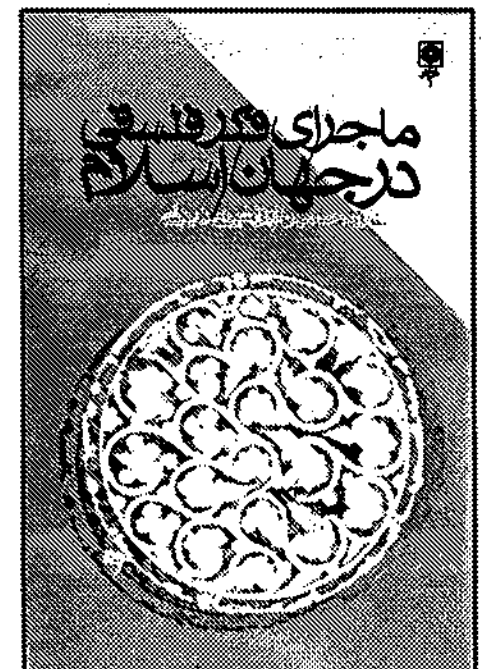
ابویعقوب این باشد که «هست» درباره خدا معنایی دارد غیر از آنچه درباره سایر موجودات است (اشتراک لفظی وجود).

درحقیقت همچنانکه مؤلف در جای دیگر گفته‌اند: کلمات نیز برای خود معراجی دارند (۲۷۸) و از معانی حسی به معنای مجرد فرا می‌روند.

□ در بحث وحدت وجود گفتاری از مرحوم حکیم رفیعی قزوینی نقل کرده‌اند که نتیجه گرفته معنای درست و قابل قبول وحدت وجود، وحدت شهود است (۲۳۶-۷). البته باید توجه داشت که مرحوم رفیعی قزوینی از موضعگیری شانه خالی کرده و گر نه هر کس با تأمل درمی‌یابد وحدت وجودیها وحدت شهودی هستند ولی نه لزوماً برعکس، چرا که فرق هست میان اینکه بگوییم: «همه چیز را یکی می‌بینم» یا آنکه بگوییم: «همه چیز یکی است». اولی منافاتی با ظاهر شرع ندارد ولی دومی در نظر بعضی اهل ظاهر خالی از محذور نیست.

□ در صفحه ۲۸۹ شعر معروف صاحب بن عباد (متوفی ۳۸۵ هـ. ق)... کائما خمر و لا قدح / و کائما قدح و لا خمر را به (ابن فارض متوفی ۶۳۲ هـ. ق) نسبت داده‌اند که در مجلد دوم همین کتاب (ص ۳۴۲) نیز همین اشتباه صورت گرفته (رک آینه پژوهش ش. ۵ ص ۶۷).

□ صدرالمآلهین در شرح اصول کافی اهل دیانت و مذهب را به دو قسم واقف [= اهل صورت] و سایر [= اهل معنی] تقسیم کرده و سپس سائر را نیز به دو قسم سیار و طیار تقسیم نموده: سیار کسی است که با دو پای عقل و شرع در طریق آخرت گام برمی‌دارد ولی طیار کسی است که با دو بال عرفان و عشق در فضای



ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام (جلد سوم)

غلامحسین ابراهیمی دینانی

انتشارات طرح نو

چاپ اول، ۱۳۷۹

حقیقت به پرواز درمی آید. (۳۱۹)

□ در صفحه ۳۶۶ مؤلف جمود فکری را به رواج موج اخباریگری نسبت می دهد. به گمان بنده این داوری نمی تواند مطلق باشد زیرا میان اخباریان همانند فیض را داریم که اهل عرفان و فلسفه است و میان اصولیان مثل محقق ثانی را داریم که با عرفان و فلسفه شدیداً مقابله می نموده است. حتی بین حکما آدمی مثل ملاعلی نوری داشته ایم که میرزا ابوالقاسم سکوت عارف شیرازی درباره او گفت: حکیم... نویر است!

□ در صفحه ۳۷۰ نوشته اند: «اگر تعارض میان احسان و صدق المتألهین در مورد روایات به تعارض میان فهم آنها از روایات برمی گردد باید بدین مسأله توجه کنیم که آیا فهم و ادراک کدام با واقع منطبق است و ملاک این انطباق چیست؟»

به گمان بنده این هر دو چون اهل تأویل هستند نمی توان بطور کلی ترجیحی قائل شد الا اینکه مورد به مورد بحث شود. خود مؤلف پذیرفته اند که فهم باطن متون برای اهل باطن حجت خواهد بود. فهم ظاهری و باطنی متون در طول یکدیگر قرار گرفته اند. (۴۲۱) و به قول علامه طباطبائی «ما همواره واقعیت را می جوئیم ولی آنچه به دست می آوریم ادراک واقعیت است. (۴۴۵) □ در همان صفحه ۳۷۰ به اینکه احسان به یک اعتبار برای هیولا فاعلیت قائل است، و یا انتقال اعراض را جایز می شمارد (۳۷۱) و یا مجردات حادث را دارای نوعی ماده نوعی و مدت دهری می داند (۳۷۹) ایراد گرفته اند و همان اشکال معروف که احسان با مسائل فلسفی و موازین عقلی آشنایی نداشته و استاد ندیده... بنده بدون اینکه خواسته باشم طرفگیری نمایم عرض می کنم: چنانچه هرکس آمده بود حرفهای گذشتگان و «استادان» را تکرار می کرد فلسفه رشد نمی یافت. همین ملاصدرا اگر از شبهه بقای موضوع هراسیده بود نمی توانست حرکت جوهریه را مطرح کند و اگر میرداماد در نظر ملاصدرا توهم و تابو بود، ملاصدرا نمی توانست علی رغم اصالت ماهیت میرداماد، اصالت وجود را مطرح نماید، به قول ارسطو: افلاطون عزیز است و حقیقت از او

عزیز تر است. این حرف حکیمانه نیست که فلائی استاد ندیده، یا طبق «موازین» حرف نمی زند باید دید چه می گوید و حرفش چگونه می تواند موجه باشد.

□ مؤلف درباره معاد جسمانی نظریه احسان را به انکار معاد نزدیکتر از نظریه ملاصدرا دانسته است. (۳۷۲-۳) البته بعضی فقها (مثلاً ملا تقی برغانی معروف به شهید ثالث) مذهب احسان و ملاصدرا را در معاد یکی می دانسته و هر دو را تکفیر می کرده است. به گمان بنده اگر منصفانه نگاه کنیم جسم هور قلیایی برای تنعم و عذاب در بهشت و دوزخ از جسم تعلیمی ملاصدرا مناسب تر است و البته نظریه هردوشان از بعضی ظواهر قرآن و حدیث فاصله دارد والله اعلم.

این را هم عرض کنم که بر شرح کافی ملاصدرا نیز ایراد زیاد گرفته شده برای نمونه رک: چهل حدیث امام خمینی قدس سره (صفحات ۳۲۵ و ۳۴۹ و ۵۲۳ و ۵۵۰). عمادزاده اصفهانی در مقدمه حکمت بوعلی سمنانی جلد پنجم نوشته است که ملاصدرا در شرح خطبه علویه کلمه «قدرة» را «قدرة» [= پاره گوشت] خوانده و خود را به تکلف انداخته است. □ در صفحه ۳۷۸ از قول احسان آورده اند که «عمل بدون علم گاهی پذیرفته می شود ولی علم بدون عمل هرگز مورد قبول نیست» و ایراد کرده اند که این نوعی ساده اندیشی است. به گمان بنده صحیح آن است که علم و عمل را دارای تأثیر و تأثر متقابل بدانیم و دیالکتیک عمل و نظر (پراتیک و تئوری) را جاری و حاکم بدانیم.

□ اینکه احسان برای مجردات حادث نوعی ماده نوری و مدت دهری قائل شد (۳۷۹) چیز عجیب و غریبی نیست. آیا خود ملاصدرا در فاصله جسمانیة الحدوث بودن نفس تا روحانیة البقاء شدن آن ناچار است بپذیرد که نفس از مرحله نیمه مجرد گذشته است.

□ سید کاظم رشتی شاگرد شیخ احسان گفته است انسان به حکم نقص امکانی نمی تواند به معرفت واجب الوجود دست یابد. (۳۹۷) مؤلف از این گفته اظهار استبعاد کرده اند، باید توجه داشت که شیخ معصومین

علیه السلام را اسماء الله می دانند و ایشان را موضوع معرفت می شمارند نه مرتبه غیب القیوب الوهیت را. پس مناسبت و رابطه پیغمبران با خداوند را انکار نکرده اند (۳۹۷).

□ شیخ احسان حرفهای خود را «مکتوم و مستور از اولی الالباب» انگاشته است (۲۸۵) و به نظر مؤلف، سید کاظم رشتی هم با وجود تفکر قوی، با موازین منطقی و فلسفی بدرستی آشنا نبود. (۴۱۰) به گمان بنده هر دو مطلب صحیح است اما چنان نیست که فقط به همین دلیل به افکار فلسفی اینها توجه نکنیم، زیرا چه بسا اشتباهات تفسیر و تاولهای متون کهن که منجر به پیدایش و بسط نظریات فلسفی نوین شد. شما ملاحظه کنید از اشتباه فرفریوس در انتساب ائولوگیا به ارسطو و آمیزش مکتب فلوپتین و ارسطو، بزرگترین جریان فلسفی قرون وسطی در عالم مسیحیت و اسلام پیدا شده است تا آنجا که فارابی کتاب جمع بین رایي الحکیمین را نوشته و تصور کرده افلاطون و ارسطو یک چیز می گویند حال آنکه در غالب موارد نقطه مقابل هم هستند. لذا به گمان من عدم تسلط و تبحر شیخ احمد در فلسفه اسلامی از جهتی باعث شده است که او نظریات بکر بیاورد و بحثهای نوین برانگیزد، چنانکه هانری کورنیز نیز بر این جهت تأکید دارد.

□ اینکه میرزا مهدی اصفهانی (از سران اهل تفکیک) گفته است: اطلاق کلمه وجود بر خدا جایز نیست «فهو جل شأنه لیس بالوجود بل هو رب الوجود» (۴۴۲) به گمان من حرف بدی نزده زیرا ماده «وجود» در لغت به معنی یافت شدن است و قاعده باید بر حادث اطلاق شود. در آغاز دوران ترجمه کلمه «آیت» و «ایس» را در این مورد به کار می برده اند.

مقاله را با نقل شعری از حسن بن حمزه شیرازی به پایان می برم:

یا سائلاً عنی لتعرف مذهبی
هیئات دونک مانع و منبع
ان کنت تنکرني انا الفرد الذی
لا تابع ابدأ ولا متبوع (ص ۱۹۱)





کتاب عمل نقد، اثر خانم کاترین بلزی، که نخستین بار در ۱۹۸۰ انتشار یافت، نوشته گرانقدری است که علاقمندان به مباحث جدی نقد ادبی وجود آن را یقیناً غنیمت خواهند دانست. نویسنده توانسته است شمه فشرده، دقیق و سودمندی از چهره‌ها و جریان‌های عمده نقد ادبی حاضر - نظیر فرای، بارت، مائوسر، آلتوسر، فیش و «نقد نو» - را ارائه دهد؛ به علاوه، وی کوشیده است خطوط تازه‌ای در تحلیل آثار ادبی ترسیم کند.

عمل نقد، در مواردی، کتاب دشوار فهمی است؛ و نویسنده، با وقوف بر این نکته، در همان صفحات آغازین به دفاع از این موضع می‌پردازد. خانم بلزی برای این منظور به استدلالی دست می‌زند که در زبان‌شناسی مابعد ساخت‌گرایی ریشه دارد، و موافق آن، تصور سنتی از زبان به مثابه عامل ارتباط اهمیت خود را از دست می‌دهد:

«نظریه مابعد سوسوری... زبان را امری شفاف یا رسانه‌ای صرف نمی‌داند که در آن افرادی خودمختار پیام‌هایی را درباره جهانی از اشیاء... به یکدیگر منتقل می‌سازند. به عکس... زبان امکان ساختن دنیایی از اشیاء و افراد و تفکیک آن‌ها از یکدیگر را فراهم می‌آورد. شفافیت زبان توهم است... هشیار شدن خواننده نسبت به کدر بودن زبان، اجتناب از «جباریت وضوح» است، یعنی اجتناب از این برداشت که آنچه گفته می‌شود باید درست باشد... گفتارهای آلتوسر، بارت، دریدا و لاکان... در دشوار بودن مشترکند، و این دشواری صرفاً ناشی از میلی بیمارگونه به تاریکی و ابهام نیست. به چالش کشیدن مفروضات و ارزش‌های آشنا با استفاده از سخنی که به منظور ساده بودن ناگزیر از بازتولید همین مفروضات و ارزش‌هاست امری ناممکن است.

مفاهیم، نظریه‌ها و ضرورت‌های تازه ناآشناوند و لذا، در آغاز، سخن‌هایی دشوار را می‌طلبند.^۱ نگاه خانم بلزی آشکارا ایدئولوژیکی و غیرفرمالیستی است، و از همین رو پرسش‌های جذابی را درخصوص قدرت و سیاست ادبیات و نقد ادبی طرح می‌کند. فصل نخست کتاب عمل نقد، با عنوان «نقد و شعور متعارف [عقل سلیم]»، به طرح این مسئله جالب می‌پردازد که به رغم پیدایش و رواج نظریه‌های ادبی مختلف در طی چند دهه اخیر - نقد نو، ساختارگرایی، ساختار شکنی - غالب دانش جویان، استادان و ناقدین ادبیات هنوز به آثار ادبی از منظر عقل سلیم می‌نگرند، و نظریه ادبی را شایسته احترام، اما جریانی «حاشیه‌ای» می‌دانند که نه فقط «با خود عمل خواندن ارتباطی ضروری ندارد» (ص ۱۴)، بلکه «نوعی مداخله همراه‌کننده در شیوه طبیعی خواندن است» (ص ۱۵). موافق استدلال خانم بلزی، «شعور متعارف [عقل سلیم] بر آن است که متون ادبی ارزشمند... حقایق را بیان می‌کنند. [حقایقی] درباره دوره‌ای که آن‌ها را آفریده است. درباره جهان به طور کلی یا درباره سرشت بشر» (ص ۱۴).

ایراد «عقل سلیم» به نظریه انتقادی آن است که «ذهن خواننده را... مغشوش می‌کند، و به از دست رفتن ارتباط مستقیم و خودانگیخته خواننده با واقعیت بی‌واسطه و قابل درک متن منجر می‌شود» (ص ۱۵). بلزی در رد مفروضات عقل سلیم چنین استدلال می‌کند که اکراه این نگرش فلسفی از پذیرش مبنایی نظری معلول آن است که عقل سلیم از درک این نکته که هر نگرشی به جهان از یک آیشخور فلسفی سیراب می‌شود ناتوان است. عقل سلیم، یا واقع‌گرایی مبتنی بر عقل سلیم، که در اصطلاح فلسفه به آن واقع‌گرایی ساده‌لوحانه نیز می‌گویند، در زیباشناسی نیز همتایی دارد که با اصطلاح امپرسیونیسم از آن یاد می‌شود، و موافق آن، نگرش انسان عامی به جهان برای درک و شناخت آن کفایت می‌کند. جهان‌بینی ناظر به عقل سلیم، که عکس‌العملی در برابر شکاکیت و پندارگرایی

بارکلی بود، اتکا به مبانی نظری پیچیده را برای شناخت جهان لازم نمی‌داند، زیرا، به زعم آن، جهان و پدیده‌های آن فاقد آن پیچیدگی‌اند که ادراک آن مستلزم دست یازیدن به دستگاه‌های فلسفی پردامنه باشد، زیرا امور جهان از طریق حواس و به مدد عقل سلیم و تعقل ساده‌شناختی است.

باری، اگر عقل سلیم، به منزله اعتراضی علیه ایده‌آلیسم بارکلی، درخور اعتناست، در جایگاه یک نگرش فلسفی بسیار ضربه‌پذیر است، و تسری آن به قلمرو شناخت هنر - که چنان که گفتیم به امپرسیونیسم یا نقد امپرسیونیستی معروف است - ما را با مسایل جدی و بلکه خطرناک مواجه می‌کند؛ چرا که اگر، موافق تصور عقل سلیم، راست باشد که برای درک و شناخت جهان سوای حد متعارفی از شعور - که آن هم به قول معروف ذکاوت در گفتار در روش میان مردمان به یکسان تقسیم شده است - به چیز دیگری نیاز نباشد، و ملاک سنجش همان برداشت یا تأثر (امپرسیون) شخص باشد، نمی‌توان وجه فراقی میان شعر حافظ و کلیم کاشانی یا رمان‌های تولستوی و نوشته‌های دانیل استیل قرار داد، چرا که هرکسی حق دارد «از ظن خود یار» چیزی شود که به مذاق او خوش تر آمده است. پس درک امپرسیونیستی از اثر هنری همان درک مبتنی بر عقل سلیم در حوزه زیباشناسی است، و پیداست که چنین رویکردی تا چه حد شخصی و سلیقه‌ای، و از عینیت علمی به دور است. اگرچه علم خود به مشهودات عقل سلیم ابتدا می‌کند، اما، به بیان راسل، درخصوص ماهیت جهان مادی و نسبت آن با ادراکات ما به نتایجی می‌رسد که با تصورات عقل سلیم یکسره مغایر است.^۲ می‌توان بر این گفته، قول گاستون باشلار را نیز افزود که گفته است «علم زایده تجربه نیست».^۳

پس از این درآمد کوتاه درخصوص عقل سلیم، باز می‌گردیم به استدلال بلزی، او می‌گوید آثار جدیدی در اروپا و آمریکا، که «زادگاه آن‌ها عمده‌تاً فرانسه بوده است»، نه تنها در مفروضات عقل سلیم، که در اقتدار خرد جمعی، که حضور آن منشاء همه چیزهای بدیهی

ایدئولوژی نقد

مشیت علایی

عمل نقد

کاترین بلزی

عباس مخبر

نشر قصه، چاپ اول، ۱۳۷۹



است، تردید کرده‌اند. بلزی این آثار را ساختگرا یا «مابعد سوسوری» می‌نامد، و قطعاً مراد وی نوشته‌های دریدا، لاکان و آلتوسر است که عقل سلیم را به لحاظ ایدئولوژیک محصول شرایط تاریخی مشخصی می‌دانند که در پیوند با شکل‌بندی اجتماعی خاصی عمل می‌کند.

خانم کاترین بلزی در دنباله استدلال خود می‌افزاید، عقل سلیم یا نادیده انگاشتن تئوری و «عرضه خود به مثابه مقوله‌ای غیرنظری و مسلم»، بی‌کفایتی خود را آشکار می‌کند، و دچار تناقض می‌شود، زیرا با طرح این مسئله که «وظیفه واقعی منتقد پیش رفتن با فرایند خواندن و واکنش مستقیم در قبال متن بدون وسوسه‌های مربوط به ظرافت نظری است... از رویارویی با پیش‌فرض‌های خود اجتناب می‌ورزد... و تداوم بی‌چون و چرای مفروضات رایج را تضمین می‌کند» (ص ۱۶).

نویسنده، با الهام از آلتوسر، تصور عینیت مطلق و امکان نفی چارچوب نظری را امری موهوم می‌داند، و تصریح می‌کند که «هیچ عملی بدون نظریه وجود ندارد گوآن که نظریه پوشیده و غیر مدون باشد. «آن چه ما به هنگام خواندن انجام می‌دهیم هر قدر هم «طبیعی» بنماید، بر پیش‌فرض یک نظریه تمام عیار درباره جهان استوار است» (ص ۱۶). به سخن دیگر، هیچ‌کس از پیش‌داوری‌های خود ایمن نیست، و ما همه، خواسته یا ناخواسته، همواره به جهان از ورای حجابی از همین مفروضات و پیش‌داوری‌ها می‌نگریم.

به رغم دفاع بلزی از دشوارنویسی، وی می‌پذیرد «این خطر وجود دارد که... نظریه‌های جدید نامفهوم به نظر آیند» (ص ۱۸). اما ادعای دشوارنویسی، که از سوی طرفداران عقل سلیم یا تعبیر «زبان خاص غیرضرور» علیه نظریه‌پردازان ادبی اقامه می‌شود، در واقع، حربه‌ای است برای «طفره رفتن از چالش‌های مفهومی»، زیرا «هیچ فرم زبانی به لحاظ ایدئولوژیک معصوم [تاب] یا خنثی نیست»، و به علاوه «مقاومت در برابر نوآوری‌های زبانی متضمن این ادعاست که ما همه آن چه را لازم است بدانیم می‌دانیم» (ص ۱۹).

بلزی، در ادامه حمله خود به مواضع عقل سلیم، کار خود را با بررسی پیش‌فرض‌های این نجله فکری پی

می‌گیرد، زیرا معتقد است اگر عملی بدون نظریه امکان‌پذیر نباشد، پس عقل سلیم نیز باید بر شالوده‌ای نظری — هرچند تدوین نشده — استوار باشد. عقل سلیم، به نظر او، بر نوعی «انسان‌گرایی مبتنی بر تفسیر تجربه گرا — ایده‌آلیستی جهان استوار است. به عبارت دیگر، از دیدگاه عقل سلیم، انسان سرآغاز و منبع معنا، عمل و تاریخ است (انسان‌گرایی)، مفاهیم و معرفت ما محصول تجربه است (تجربه‌گرایی)، و این تجربه مقدم بر ذهن، عقل یا اندیشه‌ای است که آن را تفسیر می‌کند؛ این خصوصیت سرشت انسانی متعالی‌ست که جوهر آن صفت یکایک افراد است (ایده‌آلیسم). دستاوردهای مابعد سوسوری این قضایا را عمیقاً مورد تردید قرار داده است» (ص ۲۰).

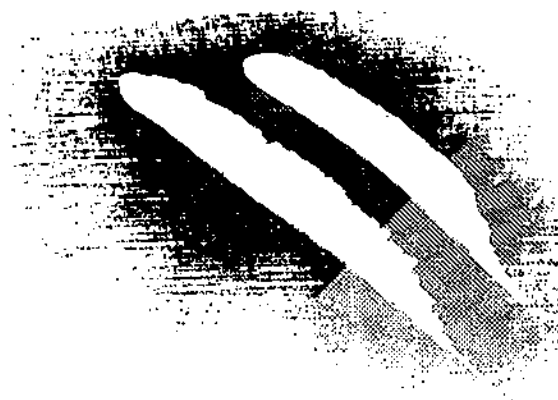
حمله خانم کاترین بلزی به عقل سلیم و دفاع وی از نظریه انتقادی کاملاً سازمان یافته است، و جای تقدیر دارد. محدوده نقد متکی به عقل سلیم بسیار تنگ است، و ناگزیر ما را نیز دچار همان تنگی دید می‌کند، و سبب می‌شود ابعاد دیگر آثار هنری را فروگذاریم. آن چه کتاب عمل نقد می‌گوید این است که نقد نه «ادبی» محض است، چنان که اصحاب «نقد نو» در دهه چهل سده بیستم — به ویژه در امریکا — باور داشتند؛ و نه «مستقل» و منتزع از دیگر حوزه‌های حیات اجتماعی است، آن‌گونه که شیوه صورت‌گرایان تبلیغ کرده‌اند. نقد ادبیات، به واقع، درآمیخته با شالوده‌های نظری فلسفی و سیاسی‌ست. در این راستا بلزی درست استدلال می‌کند که:

«هیچ موضع نظری نمی‌تواند در انزوا وجود داشته باشد: هر چارچوب مفهومی که برای نقد ادبی در نظر گرفته شود پیامدهایی دارد که به فراسوی خود نقد، به قلمرو ایدئولوژی و جایگاه ایدئولوژی در شکل‌بندی اجتماعی به طور کلی، گسترش می‌یابد. مفروضات مربوط به ادبیات، متضمن مفروضات مربوط به زبان و معناست، و این‌ها نیز به نوبه خود متضمن مفروضاتی درباره جامعه انسانی است. دنیای مستقل و خودمختاری نقد توهمی بیش نیست» (ص ۴۷). بلزی پیدایش واقع‌گرایی را متعلق به دوره سرمایه‌داری صنعتی می‌داند. واقع‌گرایی محصول

درآمیختگی مفهوم ارسطویی محاکات (هنر به منزله تقلید) با این باور رمانتیک بود که «شعر سیلان خودانگیخته احساسات نیرومندی است» (ص ۲۱). این طبقه‌بندی انواع ادبی، به اعتبار شکل‌بندی اجتماعی و ایدئولوژی حاکم، که مراد نویسنده است مشخصاً با تأثیر از لوکاچ و در سال‌های اخیر، فردریک جیمسون صورت پذیرفته است. بلزی تردید ندارد که ادبیات و نقد با جامعه گره خورده‌اند، و در شکل دادن به اندیشه اجتماعی تأثیرگذارند. بلزی پیوندهای میان نقد و جامعه را مفروض می‌پندارد؛ این پیوندها خود را به اشکال پیچیده‌ای نشان می‌دهند، و کار منتقد تحلیل این پیوندها و اشکال است.

سواى لوکاچ و جیمسون، نظریه‌پردازهای عمده ادبی مانند بارت، ماسری، آلتوسر و لاکان بر کاترین بلزی تأثیر نهاده‌اند. تأثیر زبان‌شناسی سوسوری و بارت به ویژه در پارهای از گفته‌های بلزی پیداست. به باور او، «زبان فهرستی از اصطلاحات، یا شیوه‌ای برای نامیدن چیزهای موجود نیست. بلکه نظامی از تفاوت‌هاست». بلزی از سوسور نقل می‌کند که «زبان نه تنها مجموعه برچسب‌هایی برای نامیدن عناصر موجود در جهان نیست، بلکه مقدم بر وجود این عناصر است» و «زبان‌های مختلف، جهان را به شیوه‌های متفاوت تقسیم یا بیان می‌کنند» (صص ۵۸-۵۹). در جایی دیگر، گفته بلزی آشکارا انعکاس رولان بارت را دارد: «زبان... ما را بیان می‌کند» (ص ۶۶). با آن که این جمله به اصل آن بسیار نزدیک است، اما جمله "Language speaks us" بسیار گویاتر است، زیرا به جای گفتن «ما با زبان تکلم می‌کنیم» می‌گوید «زبان ما را تکلم می‌کند». و همچنین، قول «زبان نظامی است که مقدم بر فرد وجود دارد و فرد در آن معنا تولید می‌کند» و «زبان الی غیرالنهایه زیاست» چامسکی و یلمسلف را بازتاب می‌دهند (ص ۶۶).

قابلیت معنازایی بی‌حد زبان، البته، موجب نمی‌شود ما از تفسیر متون باز بمانیم؛ در حقیقت، همین توانش است که امکان تفسیرهای گوناگون را میسر می‌سازد. خانم بلزی درین خصوص تصریح می‌کند که دلایلی که در خصوص اقتدار و استقلال زبان اقامه کرده است «استدلالی به نفع جبرگرایی نیست»:



«ما به بردگی قراردادهایی که در روزگار ما رواج دارند درنیامده‌ایم. مؤلفان از سر ناچاری نیست که صرفاً انگاره‌های کهنه [فرسوده] دلالت را تکرار نمی‌کنند. تحلیل نشان می‌دهد که... مقولات و قوانین قلمرو نمادین، سرشار از تناقضات، ابهام‌ها و پراکندگی‌هایی است که به مثابه منشاء دگرگونی‌های ممکن عمل می‌کنند. نقش ایدئولوژی، سرکوب این تناقضات به نفع حفظ شکل‌بندی اجتماعی موجود است، اما نفس حضور این تناقضات تضمین می‌کند که همواره این امکان وجود دارد که به رغم کلیه مشکلات، آن‌ها را مشخص کرد. ایدئولوژی را بدان‌گونه که هست بازشناخت، و از طریق تولید معانی جدید در تغییر آن‌ها فعالانه شرکت جست» (صص ۶۷-۶۸).

در فصل چهارم کتاب، بلزی با الگوبرداری از یک مقوله دستور زبان طرح جالب و مبتکرانه‌ای را برای تشخیص نوعی طبقه‌بندی تاریخی گونه‌های ادبی می‌ریزد. او با عنایت به سه نوع اساسی جمله - خبری، امری و پرسشی - میان سه نوع متن نیز تمیز می‌گذارد (راست است که دستور زبان سنتی نوع چهارمی از جمله را که جمله تعجبی یا ندایی باشد تمیز می‌دهد، اما می‌توان این نوع را زیر مجموعه‌ای از جملات خبری دانست. به واقع، تفاوتی میان جمله خبری «روز سردی است» و جمله تعجبی «چه روز سردی است!» وجود ندارد).

بلزی می‌گوید سه نوع جمله ناظر به سه وضعیت گوناگون است: جمله خبری در جهت انتقال معرفت به دیگری است؛ جمله امری در پی تأثیرگذاری بر مخاطب؛ و جمله استفهامی به دنبال حصول معرفت است. وی سپس نتیجه می‌گیرد همین وضعیت را می‌توان در تاریخ ادبیات مشاهده کرد. به عقیده او، واقع‌گرایی کلاسیک، ادبیات خطابی و حکیمانه، و ادبیات مدرن همان رفتارهای بنیادین عمل و گفتار انسانی را بازتاب می‌دهند. «واقع‌گرایی کلاسیک معرفتی را به خواننده ابلاغ می‌کند... متن امری در مقوله تبلیغات قرار می‌گیرد... و خواننده را در راستای معینی قرار می‌دهد... او را به یکی شدن با مجموعه‌ای از

سخن‌ها و اعمال و مخالفت با مجموعه‌ای دیگر و حفظ این یگانگی و مخالفت و... حلاجی نکردن آن بلکه در نظر گرفتن آن به مثابه موضعی بسته سوق می‌دهد... از سوی دیگر، متن استفهامی از طریق تضعیف فرآیند یکی شدن خواننده با فاعل یگانه گوینده یگانگی خواننده را از بین می‌برد، [و نتیجتاً] موضع مؤلف... مورد تردید قرار می‌گیرد» (صص ۱۲۲-۱۲۳). البته، بلزی می‌افزاید، «این سه مقوله مانعة‌الجمع نیستند... این امکان وجود دارد که عناصری از یک مقوله را در متنی که عمدتاً با مقوله‌ای دیگر مشخص می‌شود جای داد» (ص ۱۲۳).

نویسنده، در توضیح بیش‌تر، می‌گوید واقع‌گرایی کلاسیک با توهم‌گرایی مشخص می‌شود، و آن روایتی است که به پایانی بسته می‌انجامد، متن امری، اما، معمولاً داستان نیست، زیرا «وجه مشخصه آن ارجاع به دنیای خارج از سخن است».

متن استفهامی خواننده را به دادن یک یا چند پاسخ به سوالاتی که طرح کرده است دعوت می‌کند... این نوع متن «نه تنها یک زاویه دید واحد را هرچند پیچیده و جامع باشد نفی می‌کند، بلکه زوایای دید مختلف را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد» (ص ۱۲۴).

بلزی نویسنده استفهامی تمام‌عیاری را که معرفی می‌کند برشت است که، به قول آلتوسر، می‌خواست بیننده را به بازیگری تبدیل کند که بازی ناتمام را تکمیل کند.

خانم کاترین بلزی، همچون ادوارد سعید، منتقد عرب تبار امریکایی، به نقش فرد و بدعت‌های فردی باور عمیق دارد، و به خلاف فوکو، نمی‌پذیرد که «سخن» می‌تواند چنان تنگنایی برای نویسنده فراهم کند که امکان خلاقیت او را از او بگیرد. با این همه، خانم بلزی چندان به این مسئله نمی‌پردازد که نویسنده‌ای که محصور در قراردادهای کلامی و زبانی است دامنه ابتکار خود را تا چه حد می‌تواند گسترش دهد.

کتاب عمل نقد ذکر قابل توجهی از چهره مهمی مثل دریدا به عمل نمی‌آورد، که شاید از کاستی‌های کتاب باشد؛ همچنین به قدر کافی به تأثیر نهادهای آکادمیک بر عمل نقد نمی‌پردازد، و از همین رو اذعان دارد که مسایل زیادی بی‌پاسخ مانده‌اند (صص

۱۸۸-۱۸۵). اما، از سوی دیگر، وجود این کاستی‌ها مؤید این امر است که وی در عرصه دشواری پا گذاشته است، عرصه‌ای که نیاز به رهروان جدی دیگری نظیر او دارد، تا به رفع این دشواری‌ها بپردازند.

از آقای عباس مخبر که دشواری ترجمه این کتاب را پذیرفته‌اند باید سپاسگزار بود، ایشان پیش از این نیز سلیقه متعهدانه خود را در گزینش آثار جدی نقد ادبی با ترجمه کتابی از ایگلتون نشان داده‌اند. ترجمه خوب ایشان، مثل هر کار دیگر، از بعضی لغزش‌ها مصون نمانده است؛ همچون «شعور متعارف» به جای «عقل سلیم»؛ «تامبورلن» به جای «تیمورلنگ»؛ «قویولای خان» به جای «قویولای قان»؛ بهشت گمشده به جای بهشت از دست‌رفته؛ و پارهای ترکیبات فارسی که ناهموار می‌نمایند؛ مثل «زندگی متأهلی» به جای «زندگی زناشویی»؛ «پس از فروافتادن شب» به جای «با تاریک شدن هوا»؛ «ذهن‌های بلند» به جای «اندیشه‌های متعال»؛ «کثرتی» به جای «کثیری»؛ «پرده تردید افکندن» به جای «مورد تردید قرار دادن»؛ «مشروط به» به جای «متأثر از»؛ «ناتمامی» به جای «کاستی» و «ناکامل» به جای «ناقص» یا «ناتمام».

این موارد، که شاید تعدادشان بیش‌تر باشد، به هیچ وجه نافی همت بلند و دشواری کار مترجم محترم نیست؛ و بعید نیست از سر شتابزدگی به کار ایشان راه یافته باشند. کتاب خوان‌های ناآشنا به زبان‌های دیگر و متن‌های مهم همچنان در انتظار ترجمه‌های بعدی آقای عباس مخبرند.

یادداشت‌ها:

۱- کاترین بلزی، عمل نقد، ترجمه عباس مخبر، تهران: قصه، ۱۳۷۹، ص ۱۷.

2- Bertrand Russell, "Reply to Criticisms," in P.A. Schilpp, ed., *The Philosophy of Bertrand Russell*, (Cambridge: Cambridge University Press, 1944), pp. 700-705.

Bertrand Russell, *Human Knowledge: Its Scope and Limits* (London: Routledge, 1992), pp. 198-210, 337-350.

3- Gaston Bachelard, *Le rationalisme applique* (Paris: PUF, 1940), p.38.

فروزانفر را باید در کنار تقی‌زاده و قزوینی، از جمله ادبا و محققانی به شمار آورد که اصول نقد کهن را با شیوه‌های انتقادی جدید درآمیختند و راه را برای دستیابی به نقدی استوار و بسامان هموار کردند. البته فروزانفر، برخلاف آن دو تن دیگر، نه در فرنگ بسر برده بود و نه هیچ زبان فرنگی می‌دانست تا مستقیماً از سرچشمه ادبیات و نقد ادبی فرنگ بهره گیرد و باز، برخلاف تقی‌زاده و قزوینی، فروزانفر با هیچ یک از محققان و مستشرقان فرنگ همکار و همنشین نبود تا از نزدیک با شیوه کار آنان آشنا شود. ظاهراً نیکلسن تنها مستشرق فرنگ است که فروزانفر با او دوستی و مکاتبه داشته و از کار بزرگ او، یعنی تصحیح مثنوی مولوی، فراوان تمجید کرده و در رئای وی نیز قطعه‌ای سروده است.^۱ بجز این، دیگر نمی‌توان نشانه‌ای یافت که مؤید آشنایی فروزانفر به ادبیات فرنگ یا اخلاص‌ورزی او نسبت به برخی نویسندگان و پژوهندگان آن دیار باشد. لیکن لین نکته روشن است که وی، به هر حال، متوجه اهمیت ادبیات فرنگ و خواستار آشنایی و ارتباط ایرانیان با آن بود.

فروزانفر، در سخنرانی خود به مناسبت تأسیس دانشکده ادبیات تبریز، اظهار داشت که «جان نو» دادن به «ادبیات فارسی» از طریق «ارتباط با ادبیات اروپایی» ممکن است و تأکید کرد که بهره‌مندی از ادبیات فرنگ، برخلاف رأی برخی کسان - نظیر کسروی - منافاتی با «وطن پرستی» ندارد:

در همین حین که دانشکده ادبیات تبریز آثار قدیم را حفظ می‌کند باید پیشرفت هم بکند ادبیات فارسی را جان نو بدهد و آن بوسیله ارتباط با ادبیات اروپائی ممکن و میسر است. [البته این عمل با وطن پرستی منافاتی ندارد وطن پرستی را با جنون

تعصب نباید اشتباه کرد. وطن پرست کسی است که وطن را سزاوار پرستش بنماید و کسی وطن را سزاوار پرستش می‌نماید که وطن را ترقی بدهد و اگر بخواهیم ادبیات وطن ما ترقی کند باید اصولی را که در ادبیات جهان هست در آن بکار ببریم. وقتی که این اصول را به دانشجویان آموختیم آنها باید با چشمی گذشته را ببینند و با چشمی آینده را بنگرند و ادبیات فارسی فقط با این شرط قابل بقاست [۱۳۲۷].^۲

این سخنان نشان می‌دهد که فروزانفر ادبیات فرنگ را آینه ادبیات آینده ایران می‌دید و از دانشجویان می‌خواست که با حفظ سنتها و «آثار قدیم» ابزارها و شیوه‌های نو را نیز از ادبیات فرنگ وام گیرند و با بهره‌گیری از آنها «بقا»ی ادبیات فارسی را تضمین کنند. خود او در پژوهشهای انتقادیش همین راه را در پیش گرفته بود، البته نه بر اثر آشنایی مستقیم با ادبیات فرنگ، بلکه به واسطه دانشمندانی چون تقی‌زاده و قزوینی، که فروزانفر، به گفته خود، از «تحقیقات» آنان «استفاده بسیار» کرده بود.^۳

شیوه نقد و تحقیق

«قدیم ترین اطلاع از زندگانی خیام» یکی از بهترین مقالات فروزانفر در زمینه پژوهشهای ادبی تاریخی است. او در این مقاله ثابت می‌کند که کهن ترین مأخذی که از خیام ذکر می‌کند در آن رفته، رساله کوچکی است از جلال‌الله زمخشری. اما اهمیت این مقاله تنها بسته به موضوع بکر و منحصر به فرد آن نیست. بل بیشتر از آن جهت است که فروزانفر در آن روش تحقیق خویش را گام به گام، از مرحله آغازین تا رسیدن به مقصود، توضیح داده است. وی در آغاز این مقاله، که نخست به صورت خطابه برای جمعی از دانشجویان ایراد شده است. منظور خود را از تهیه آن این گونه ابراز می‌کند:

البته در این خطابه مقدمه بیش از نتیجه است. ولی منظور ما نشان دادن راه و روش تحقیق و

کنجکاوای صحیح علمی است و بیان این نکته است که چون در شرح حال علمای ما مجهولات زیاد است کشف هر نکته‌ای اگر هم بظاهر کوچک باشد حائز اهمیت و ذی‌قیمت است [۱۳۲۷].^۴

در همین مقاله است که فروزانفر از شیوه قدما انتقاد می‌کند و آرای انتقادی آنان را «مبهم»، «ضعیف»، مبتنی بر «ذوق» و به دور از «اصول و قواعد مرتب» می‌داند:

انتقادات در کتب عربی و فارسی مبهم است. فن انتقاد ضعیف است و تدوین نشده. شاید علمانی که در انتقاد دست قوی داشتند در ایران بودند ولی این انتقادات بسته به ذوق ناقد بوده است و غالباً این علما اصول مرتب و مدون نداشتند. نمونه‌های این انتقادات که در کتب جاحظ (از مستقدمین) و در کتاب المعجم شمس قیس (از علمای قرن هفتم) آمده غالباً بر روی ترکیب کلمات و صنایع بدیعی از قبیل استعاره و جناس و غیره دور می‌زند در صورتی که شعر تنها ترکیب کلام و صنایع بدیعی نیست و شاعری عالم وسیعی دارد.^۵

علاوه بر این، پیشینیان، به نظر فروزانفر، فقط به ظاهر کلام توجه داشتند و «مقاصد معنوی» آن را در نظر نمی‌آوردند و در نقد و سنجش سخن، اعم از شعر و نثر، به ارزیابی ترکیب صوری آن بسنده می‌کردند:

چون میزانی که پیشینیان برای نقد شعر و نثر و تمیز سره از ناسره بدست داشته‌اند بیشتر بر فصاحت و تناسب الفاظ و نه هدفهای بلند انسانی و طرح مقاصد معنوی و قیمت حقیقی سخن دور می‌زند بدین جهت سخن را هرگاه در کسوت عبارت و قوالب مخصوص جلوه می‌کرد. عالی و فصیح و بلیغ می‌شمردند و بدانچه خلاف آن می‌نمود به نظر انکار می‌نگریستند یا دست کم توجهی نداشتند [۱۳۳۰].^۶

روش نقد و تحقیق فروزانفر، برخلاف

آرای انتقادی فروزانفر

«تذکره‌نویسان قدیم» که اغلب «مقلد و ظاهربین» بودند، مبتنی بر «عقل سلیم و فکر صحیح و برهان متین» بود.^۷ او برای تحقیق در زندگی و احوال شاعران و نویسندگان قدیم، اقوال تذکره‌نویسان را، با توجه به شواهد و مدارک تاریخی، با یکدیگر مقایسه می‌کرد و به راهبری «عقل»، صحیح را از سقیم باز می‌شناخت و همه را با قرائنی که از مطاوی آثار خود شاعران و نویسندگان به دست می‌آورد تطبیق می‌کرد و رأی استوار ابراز می‌داشت. در باب سنجش اشعار و آثار پیشینیان نیز فروزانفر، به جای اتکا بر «ذوق» که محل اختلاف است، به دنبال «معیاری علمی» بود. البته این معیار چیزی جز علم بلاغت نبود، اما نه بدان گونه که پیشینیان در نظر داشتند. به عقیده فروزانفر، «بلاغت زبان فارسی» هنوز مدون نشده بود و او خود «برای استخراج قواعد این فن» نزدیک هفت سال در «کتب بلغا» تتبع و «بسیاری از قواعد آن را استخراج و تقریر کرده»، اما متأسفانه «جرات و فرصت تألیف» نیافته بود.^۸

اهمیت فراوانی که فروزانفر برای اقامه دلیل و

برهان عقلی در نقد و پژوهش ادبی قائل بود، در ستایش بلند او از محمد قزوینی، به عنوان پیشوای طریقه جدید تحقیق در ایران انعکاس یافته است:

بر هیچ یک از خوانندگان کتب، خاصه ارباب تحقیق که به هر چه بیند معتقد نمی‌گردند و هر چه بشنوند باور نمی‌کنند و بی‌گواهی برهان و شهادت دلیل هیچ گفته یا نوشته را مسلم نمی‌دارند قدر و قیمت تحقیقات تحریر فاضل پیشرو ارباب تحقیق آقای میرزا محمدخان قزوینی پوشیده نیست زیرا موقعی که بحث و جستجوی تاریخی شروع نشده و مردم این ملک هر نوشته را مخصوصاً اگر به طبع هم رسیده بود ثابت و حجت می‌شمردند و روایات گذشتگان را هر چند مخالف واقع و نصوص عقل بود مانند اصول مسلم برهانی می‌پنداشتند این فاضل گرنامه‌ی دری از تحقیق بر روی آنان گشود و نوخاستگان علم و معرفت را به تتبع و به مقابله اقوال متقدمان با یکدیگر و بدست آوردن حقیقت از روی دلیلهای واضح مانوس

کرد و او را بدین جهت برگردن دانشمندان و خواستاران حقیقت متنی عظیم و سپاسی بزرگ است [۱۳۰۹].^۹

با این حال، به انتقاد از حواشی قزوینی بر چهار مقاله پرداخت تا «نواموزان خام‌اندیش» عبرت گیرند و بدانند که «هر گاه فاضلی با آن همه دقت و پختگی فکر، از سهو و غفلت میرا نباشد حال دیگران چگونه خواهد بود».^{۱۰} لیکن عباس اقبال این انتقادات را بیجا یافت و طی مقاله‌ای آنها را پاسخ گفت؛ فروزانفر در مقابل «حمله‌های سخت» و «قلم صاعقه کردار و آتشبار» او فروتنانه «سرمسالمت» پیش آورد و در جواب اقبال نوشت که نه برای کسب شهرت، بلکه به «شکرانه استفاده» از «کتب فضلا» انتقاد از ایشان را لازم می‌داند: باید دید که انتقاد ناسپاسی و کافر نعمتی است یا آنکه شکرانه استفاده ما از کتب فضلا آنست که به رفع نواقص آن همت بندیم و در حد ادب انتقاد کنیم [بند تصور می‌کنم دوست کسی است که در صدد اصلاح برآید و انتقاد اصلاح عیب و رفع نقص است] [۱۳۱۰].^{۱۱}

ادبیات قدیم

تردید نیست که فروزانفر شیفته ادبیات کهن فارسی و مخصوصاً آثار عرفانی آن بود. برخلاف کسانی چون تقی‌زاده که فرهنگ و تمدن غرب در نگاه آنان جلوه و جلالی فریبنده داشت، فروزانفر «دنیای غرب» را غرق در مادیات می‌دید و خوش‌بینانه بر آن بود که «روزی بشر از این خواب‌گران برخیزد خاست» و آن‌گاه به ارزش شعر فارسی و نیروی معنوی آن پی خواهد برد؛ فروزانفر در این باره چنان سخن می‌گفت که گویی روی آوردن به شعر کهن فارسی را آخرین راه چاره برای پاسداری از حرمت و حقوق بشر می‌دانست:

امروز دنیای غرب در مادیات مستغرق است و جز اتم و سیب‌زمینی و نفت، مبحث مهمی در دنیا نیست. مسائل معنوی را که حقیقت تمدن است احتیاجات مورد توجه قرار نمی‌دهد. ولی روزی بشر



محمد دهقانی

از این خواب گران برخاوه خاست و روی به ادبیات خواهد آورد. این دنیای کهن از این تحولات بسیار دیده و مذاهب مادی مکرر بر سایر عقاید غالب شده است ولی سرانجام حقیقت آنچه را که مقتضی بوده به مردم نشان داده است. روزی که بشر از تجاوز به حقوق هم آزرده شود قیمت حافظ و سعدی و مولوی و شعرای دیگر فارسی زبان بر مردم روشنتر خواهد شد [۱۳۲۷].^{۱۲}

توجه فراوان او به ادبیات عرفانی موجب شد که بیشترین نیروی خود را برای تحقیق در احوال و آثار دو تن از بزرگترین نمایندگان عرفان ایران، یعنی مولوی و عطار، صرف کند. به گفته خودش، کنجکاو در این باره را از روزگار کودکی آغاز کرده بود که مثنوی در خانواده او خوانده می شد و وی می خواست بداند که «ملاکیست و مثنوی چیست». اما علت اصلی توجه فروزانفر به زندگانی و احوال مولانا مسئله ای بود که به تاریخ ادبیات مربوط می شد:

سبب اصلی و باعث حقیقی در توجه این ضعیف به تحقیق تاریخ زندگانی و مطالعه احوال مولانا جلال الدین آن بود که در تابستان سال ۱۳۰۸ یکی از خداوندان معرفت فرمود که من درباره ملاقات مولانا با شیخ سعدی، به کتب تذکره و منابع تاریخی راجع به زندگانی این دو بزرگ بنگرم و چگونگی آنرا پژوهش کنم [۱۳۱۵].^{۱۳}

لیکن بزودی دریافت که اغلب نکات زندگی مولوی مبهم مانده است؛ و چون کار «تدریس تاریخ ادبیات فارسی در دانش سرای عالی» به او واگذار شد، مجال بیشتری یافت تا به تحقیق درباره زندگی و احوال مولوی بپردازد. و بدین ترتیب او نخستین تحقیق مفصل و عالمانه را در این باره فراهم آورد و در سال ۱۳۱۵ منتشر کرد.^{۱۴} این کتاب در کنار سخن و سخنوران که تقریباً همزمان با آن نوشته و در فاصله سالهای ۱۳۰۸-۱۳۱۲ منتشر شد،^{۱۵} از جمله بهترین پژوهشهای انتقادی و ادبی است که تا پیش از شهریور

بیست در ایران پدید آمده است.

تحقیقات گسترده فروزانفر در تاریخ ادبیات ایران که پایه و مایه آنها اغلب آثار منظوم ادبیات فارسی بود، چندان فرصت و شاید علاقه ای برای او باقی نمی گذاشت که به بحث درباره نثر فارسی هم بپردازد. این قدر معلوم است که او الگوی سالم نثر فارسی را همان نوشته های ساده قرن چهارم و پنجم می دانست که هنوز صنایع و تکلفات شاعرانه و ادیبانه در آن راه نیافته بود. وی در ضمن درسهای خود در دارالمعلمین (دانش سرای عالی) اشاره می کند که شعر و نثر هر یک ویژگیهای خود را دارند و آنچه در شعر «مایه حسن» است در نثر پسندیده نیست، و به ویژه از «متأخرین» انتقاد می کند که «اسالیب نظم و نثر را به هم آمیخته و کتابها و نامه های نامقبول پرداخته اند» [۱۳۰۹].^{۱۶} مقصود او از «متأخرین» نویسندگان قرنهای یازده و دوازده بود که از شیوه مصنوع و متکلف پیروی می کردند: مقلدان این روش تا یک قرن پیش تقریباً وجود داشتند و کم و بیش از مفردات مهجور و اشعار و امثال عربی که در اثبات مطلوب با براهین عقلی همدوش می رفت و تنها یک شعر یا مثل ممکن بود هر گونه ادعائی را به مرحله یقین یا نزدیک به یقین رساند اقتباس می کردند و مفرط ترین آنان در استعمال لغت عربی میرزا مهدی خان منشی نادر است که الحق والاتصاف در آوردن لغتهای وحشی و غریب دست کاهنان سجع گوی جاهلیت را هم از پشت بسته است [...] فضل الله قزوینی در تاریخ معجم و عبدالله بن فضل الله معروف بوصاف در تاریخ تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار مشهور به تاریخ و صاف به جهت رعایت صنایع لغاتی آورده اند که هرگز در استعمال فارسی زبانان متداول نبوده و عربان هم در عهدهای اخیر کمتر نوشته و گفته اند [...] و در تاریخی که موضوع آن داستان شهریاران ایران است و به مناسبت داستان باید به روش استادان پیشین از الفاظ اجنبی چشم پوشید

الفاظ عربی که با لهجه لطیف فارسی زبانان به هیچ وجه سازگار نیست آورده اند [۱۳۱۳].^{۱۷}
ادبیات جدید

فروزانفر درباره ادبیات جدید، یعنی ادبیاتی که پس از انقلاب مشروطه پدید آمده، تقریباً سکوت کرده است. اما این سکوت او ناشی از مخالفتش با شعر و نثر جدید نیست، بلکه او اصلاً در وادی دیگری سیر می کرد و پرداختن به ادبیات کهن وی را از توجه به ادبیات جدید باز می داشت. با این حال، برخی اشارات او نشان می دهد که به مسئله تجدد ادبی اهمیت می داد و خوب می دانست که ادبیات ایران برای پابرجا ماندن ناگزیر باید راههای جدیدی را بیوید. یکی از این راهها توجه به فولکلور یا ادبیات عامیانه بود که فروزانفر دانشجویان ادبیات را به گردآوری آن سفارش می کرد و در این باره بیگمان به کوششهای محققان اروپا نیز نظر داشت:

[...] می شود از لهجه ها و ترانه ها و رسوم و آداب محلی رساله هایی نوشت. با شیوع رادیو و روزنامه و انتشار کتب این ذخایر طبیعی که در دهات و شهرها است اندک اندک مواجه با شکست می شود ما باید اینگونه آثار ذوقی و هنری را بوسیله نشر رسالات و کتب حفظ کنیم مثلاً اگر بناست موسیقی ملی ایران تدوین شود راهش جمع آوری از بین مردم است (قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود) مسائل علمی را باید روی هم جمع کنند تا بنائی وسیع در عالم ادبیات برافراشته شود. [...] اینست که محققین اروپا و دانشمندان آنها برای تحقیق در لهجه های محلی کوشش می کنند. [...] وقتی از اروپا و آمریکا برای تحقیق در لهجه های محلی به ایران می آیند آیا برای جوانان ایرانی بد نیست که خود این کار را انجام ندهند؟ [۱۳۲۷].^{۱۸}
جالب توجه است که فروزانفر به «نمایشنامه» نویسی هم اهمیت می دهد و به دانشکده های ادبیات توصیه می کند که این فن را به دانشجویان بیاموزند:

مجموعه مقالات
شیرازی مولوی
سبحان
تحقیق مولانا
رساله اثر

اگر دانشکده ادبیات بخواهد به ادبیات فارسی خدمت کند باید آن را زنده و غنی سازد مثلاً محصلین را در تهیه نمایشنامه که بی نهایت مورد احتیاج مملکت است هدایت کند. امروز نوشتن نمایشنامه بدست کسانی است که نه صلاحیت علمی دارند و نه صلاحیت اخلاقی. و غالب نمایشهائی که می دهند به اخلاق عمومی مضر و اگر ندهند بهتر است [۱۳۳۷].^{۱۹}

البته نمی توان حدس زد او چه تصویری از نمایشنامه داشته که «غالب» نمایشنامه های آن دوران را برای «اخلاق عمومی» مضر می دیده است؛ اما همین که می پندارد دانشکده های ادبیات با آن سبک و سیاق قدمايي، می توانند به دانشجویان نمایشنامه نویسی بیاموزند، نشان از سادنگری او در این باره دارد. اشتباه فروزانفر این است که دانشکده های ادبیات را مراکز بالقوه خلافت ادبی محسوب می کند و گمان می کند همه محصولات ادبی باید از این دانشکده ها صادر شود. غافل از این که نه نظام کنونی تعلیم و تربیت در دانشکده های ادبیات ما توانایی چنین کاری را دارد و نه اصولاً موظف به این کار است. مهمترین وظیفه دانشکده های ادبیات تربیت عده ای است که توانایی لازم علمی را برای نظارت بر خلاقیت های ادبی، از هر دست که باشد، داشته باشند و بتوانند این همه را به درستی نقد و ارزیابی کنند؛ لیکن متأسفانه دانشکده های ادبیات امروز نه خواست فروزانفر را جامه عمل می پوشانند و نه به آنچه وظیفه اصلی آنهاست می پردازند.

خط در دوره ای که بحث درباره تغییر یا اصلاح خط فارسی فزونی می یافت و مثلاً تقی زاده بر آن بود که خط باید به لاتین بدل شود، فروزانفر هیچ اشکالی در خط فارسی نمی دید و ضعف نویسندگان را در املاي فارسی ناشی از شیوه غلطی می دانست که در مدارس برای آموزش املا به کار گرفته می شد:

یکی از مشکلاتی که در دبستانها و دبیرستانها بدان بر می خوریم و پیوسته در آن مناظره و بحث می رود املاء و طرز نوشتن کلمات است که [...] آن را بعضی [ناشی از] بدی خط می دانند و به عقیده یک دسته تنها نسبت آن بی دانشی نویسنده و عدم اطلاع اوست. [...] به گمان بنده یکی از علل عمده اینگونه اشتباهات طرز تدریس املاء و عقیده برخی از ما باشد که پندارند هر گاه از نوادر لغت و مفردات غریب [...] عبارتی چند مرتب ساخته بر محصلین املا کنند خدمتی به زبان فارسی کرده و نویسندگان را از ارتکاب غلط رهائی بخشیده و قوه ادبی محصلین را بیشتر کرده اند - این اشتباه است [۱۳۱۳].^{۲۰}

پانویست ها:

- ۱ - نک: مجموعه مقالات، ص ۲۳۳ - ۲۳۷.
- ۲ - همان، ص ۲۷۹.
- ۳ - سخن و سخنوران، ص ۱۰.
- ۴ - مجموعه مقالات، ص ۲۶۷ - ۲۶۸.
- ۵ - همان، ص ۲۴۵.
- ۶ - شرح احوال عطار، ص یک.
- ۷ - نک: سخن و سخنوران، ص ۱۱-۱۱.
- ۸ - نک: همان، ص ۱۱-۱۲.
- ۹ - مجموعه مقالات، ص ۸.
- ۱۰ - همان، ص ۹.
- ۱۱ - همان، ص ۲۳-۲۵.
- ۱۲ - همان، ص ۲۷۳.
- ۱۳ - رساله در تحقیق احوال مولانا، ص ت-ث.
- ۱۴ - نک: همان جا.
- ۱۵ - خلاصه ای از تقریرات فروزانفر در درس تاریخ ادبیات (در سال تحصیلی ۱۳۰۸-۱۳۰۹) نیز در همان سالها منتشر شده که ظاهراً سخن و سخنوران شکل کاملتر و بسامان تر آن است.
- ۱۶ - تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۳-۲۵.
- ۱۷ - مجموعه مقالات، ص ۴۴-۴۵.
- ۱۸ - همان، ص ۲۷۸-۲۷۹.
- ۱۹ - همان، ص ۲۷۹-۲۸۰.
- ۲۰ - همان، ص ۴۱-۴۲.

حافظ پژوهی

در یک نگاه



حافظ پژوهی، دفتر سوم

به کوشش: جلیل سازگارنژاد

ناشر: مرکز حافظ شناسی، چاپ اول، ۱۳۷۹

دفتر سوم حافظ پژوهی حاوی مقاله هایی است که به مناسبت کنگرس یادروز حافظ در شیراز گردآمده است. «عشق حافظ / جلیل سازگارنژاد» عنوان نخستین مقاله کتاب حاضر است که نویسنده آن تصریح می کند: «رستگاری یا زوال روحی انسان به درجه دوری یا نزدیکی او از عشق تقریر می شود، به دیگر سخن آن کس رستگار است که عاشق است و هم از این روست که در جدالی گریزناپذیر باز زهد و ظاهرگرایی، پای در رکاب عشق می نهد و...»

اصغر دایه در مقاله ای با عنوان «نگاهی به خودستایی ها و دیگرستایی های حافظ» مدح و مفاخره های حافظ را بررسی نموده و در پی آن به تحلیل بیت «بیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت...» می پردازد. «حافظ، شعر و شاعری و معاصرانش» مقاله ای است از منصور رستگار فسایی که در آن جامعه پراشوب عصر حافظ و تأثیر آن بر اشعار حافظ بررسی می گردد.

ادامه در صفحه ۲۹

مجموعه مقالات
تحقیق و پژوهش
در ادبیات و فلسفه
سازگارنژاد

اختصاص یافته که یکی از نمونه‌های آن مقاله «مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی» (ص، ۲۳) است.

مؤلف در مقدمه متذکر شده که آثار سلمی بسیار چاپ شده است. در حالی که این گونه نبوده و این سخن بر بخش کمی از آثار وی قابل اطلاق است، مثلاً در مجموعه‌ای که در همین مقاله معرفی شده قسمت‌هایی هنوز به صورت سنگی باقی مانده و دکتر نصرالله پورجوادی به حسب اهمیت، آنها را در قالب و شکل نخستین خود چاپ کرده است. همچنین توضیحات مؤلف در تردیدی که در انتساب حقایق التفسیر به امام صادق (ع) است قابل توجه بوده و حاکی از دقت نظر وی و آشنایی او با منابع تفسیر و حدیث و ادب است. از نمونه‌های دیگر که در عرفانیات درباره معرفی کتاب آمده مقاله «کیمیای سعادت از دیدگاه تاریخ اجتماعی» (ص ۲۹) است. این مقاله ملخص یادداشت‌ها و دسته‌بندی‌های مؤلف از کیمیای سعادت است و همانگونه که خودگفته قصد «تدقیق، استقصاء و...» نداشته است (همانجا). البته آنچه در عنوان این مقاله حایز اهمیت است عبارت «تاریخ اجتماعی» است. اگر چه عنوانها و یادداشت‌های این مقاله گزارشی از سیر تحولات اجتماعی عصر غزالی است اما در این که مبین تحولات «تاریخ اجتماعی» است کمی تردید است. از سوی دیگر اگر مؤلف محترم برخلاف گفته خود کمی با تدقیق و استقصاء بخش‌هایی از کیمیای سعادت را با منابع دیگر تطبیق می‌دادند به این نتیجه می‌رسیدند که کیمیای سعادت غزالی، اگر چه با خلاصه فارسی احیاءالعلوم مشهور شده اما بررسی آن

مطالعه شود دست کم نمونه‌هایی از آن، ناقض سخن ناشر خواهد بود. ذکاوتی قراگزلو، کوشیده تا در هر حوزه یعنی هم در نقد و هم در تعلق خاطر به موضوعی که از آن گزارش می‌دهد بطور یکسان عمل کند. در واقع زبان و ذهن او در یک جهت و بسوی یک غایت از پیش تعیین شده راهی شده و این دو جدای از یکدیگر نیستند و از این حیث عرفانیات را نمی‌توان سیر بی‌سلوک دانست. البته ناشر نیز در پایان جانب انصاف را رعایت کرده و نوشته‌اند که شیوه نقد و بررسی مؤلف، کمتر گرایش نقدهایی دارد که تنها از دور، دستی بر آتش دارند.

نخستین مقاله عرفانیات «نظری به حدیث ماه شب چهاردهم مبحث رویت و لقاءالله» (ص ۱) است. مؤلف در این مقاله گمان کرده «تا نوعی تجسیم و تشبیه لحاظ نشود نظر و رویت و سپس محبت و عشق، قابل تصور نیست» (ص ۲) در حالی که نظر و رویت گونه‌ای ادراک متعالی فلسفی و عرفانی است. عارف در این تعالی حتی در مراتب ماورای آن بی‌نیاز از رویت بوده حتی نظر او، به موجب مقام ادراک خویش است. این مرتبه ورای تجسیم و تشبیه است و حکیمان مرتبه غایی این ادراک را اتحاد عاشق، عشق و معشوق دانسته‌اند. تجسیم و تشبیه تنها در مبتدیان سلوک و نه در منتهیان بکار می‌آید. همچنین ادراک متعالی، متعلق خارج از خود ندارد تا از این رو نیازمند تجسیم و تشبیه گردد. مولوی گفته است:

هر کسی اندر جهان مجنون لیلی‌یی شده است
عاشقان مجنون خویش و دم به دم لیلی خویش
در عرفانیات، برخی مقالات به معرفی کتاب

عرفانیات مجموعه مقالات علیرضا ذکاوتی قراگزلو است که پیشتر چاپ شده بود. موضوع آن، عرفان و نقد ادبیات صوفیانه است. مجموعاً چهل و پنج مقاله در این کتاب آمده که برخی از حیث موضوع، مشترک‌اند. عرفانیات با مقدمه ناشر آغاز شده و این پرسش که چرا مؤلف محترم، مجموعه حاضر را بدون مقدمه خود منتشر کرده برای هر خواننده‌ای مطرح است. از سوی دیگر، مقدمه ناشر نیز قابل توجه بوده و در واقع گونه‌ای معرفی کتاب محسوب می‌شود، اما معلوم نیست که مؤلف تا چه اندازه با سخنان ناشر موافق است. در همان مقدمه، شیوه تألیف مجموعه مقالات، مبتنی بر «روش علمی و انتقاد تاریخی» (ص پنج) معرفی شده در حالی که این ادعا هر چند مستند به برخی گفته‌های مؤلف است (ص ۳۴۵) اما نمی‌توان این سخن را عنوانی برای تألیف او دانست. مثلاً در برخی مقالات، سبک و سیاق نویسنده کاملاً عرفانی و به دور از «روش علمی و انتقاد تاریخی» است و از این حیث نه تنها نمونه‌های مشابهی مثل مرحوم عبدالحسین زرین‌کوب که ناشر برشمرده از مصادیق آن نیستند بلکه اساساً مجموعه مبتنی بر چنین روشی، عرفان نامیده نمی‌شود و شاید بتوان آن را تنها صرفاً نقد نامید. داوری ناشر محترم و انتساب روش تألیف مقالات به شیوه نقد پوزیتیویسم کاملاً نابجاست. چنانچه برخی مقالات این مجموعه



حسن سیدعرب

عرفانیات
علیرضا ذکاوتی قراگزلو

تهران، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۹

نشان می‌دهد که ترجمه فارسی پارهای منابع عربی پیش از خود است، مثلاً کتاب الذریعه الی مکارم الشریعه راغب اصفهانی که در قرن چهارم می‌زیسته از نمونه‌های این منابع است. راغب توصیفی که از اصطلاح «توفیق» در الذریعه (ص، ۹۹) بدست می‌دهد، منبع قول غزالی و در واقع ترجمه آن در کیمیای سعادت (ج ۲، ص ۲۷۶) است.

در عرفانیات چند مقاله از حیث موضوع به عین‌القضات همدانی اختصاص یافته است که هر یک از این حیث و نیز بلحاظ شیوه مؤلف قابل اهمیت است. بنظر ایشان عین‌القضات «چهره‌ای مردمی» (ص ۵۹) است بطوری که «افسانه‌ها» به نام و یاد او ساخته‌اند.

(همانجا) هر چند که در انتساب این عنوان و افسانه‌های آن از جانب عامه مردم تردید است و بیشتر آنها صورت روایی و غلو صوفیه پیرو وی دارد اما سخن صریح و بی‌پیرایه عین‌القضات خاصه دفاع وی از مردم در مقابل سلجوقیان می‌توانسته بعنوان یکی از مقبولیت‌های وی نزد عامه تلقی شود. بنظر مؤلف «اندیشه‌های عین‌القضات در نامه‌های او بیان شده است.» (ص ۶۹) که منظور از اندیشه و انتساب آن به عین‌القضات معلوم نیست و در این معنا شاید مؤلف از سخنان مصححان نامه‌های عین‌القضات پیروی کرده و همان‌گونه که گفته‌اند کوشیده‌اند تا نظامی فلسفی برای او اثبات کنند در حالی که میراث عین‌القضات، تصوف اوست و این میراث در قالب «نظام فلسفی» قابل طرح نیست و خود او نیز چنین ادعایی نکرده است. آنچه در سراسر عرفانیات حایز اهمیت است،

اصالت نگرش مؤلف به میراث کهن عرفان و تصوف است. وی با نقادی برخی منابع که به صورت تألیف و ترجمه ارائه شده و با طرح دلایل خود که مبنی بر غیرقابل اعتماد بودن آنهاست می‌کوشد تا محققان ایرانی را در دست یافتن به منابع تازه‌تر و اتخاذ روش تحقیق مناسب در تألیف چنین آثاری تشویق کند. از نمونه‌های نقد وی و توصیه‌های قابل توجه او در مقاله‌ای است که با عنوان «روزبهران بقلی» (ص، ۸۲) نوشته است.

از دیگر مشترکات عرفانیات، تألیف چند مقاله درباره ابن‌فارض است. نمونه‌هایی از این دست خواننده را علیرغم کثرت موضوعی مقالات، با وحدت قابل توجهی مواجه می‌کند و این اگر چه به شیوه سلیقه‌ناشر محترم نیز بازمی‌گردد اما طرح نخستین آن از حیث علمی که نزد مؤلف محترم بوده بیش از همه قابل تقدیر و سپاس است.

به هر حال کتاب عرفانیات سخن تازه‌ای مطرح کرده و با این که مجموع آن به صورت واحد پیشتر چاپ شده اما از دو جنبه مطالعه درباره آن ضروری است: ۱- برای دوستداران نقد و شیوه نقد کتاب، روش تألیف مؤلف محترم بعنوان یکی از معیارهای رایج و برجسته قابل اعتناست. ۲- محققان و مؤلفان حوزه عرفان بی‌نیاز از نکته‌های بدیع و نقادی‌های این کتاب نخواهند بود. جوهر اندیشه مؤلف در تمامی مقالات، نقد ادبی است، اما این آمیزه با تعلق خاطر وی به عرفان با یکدیگر امتزاج یافته و در عین حال گاه از یکدیگر جدا شده اما این تفکیک موجب نشده تا عرفانیات تنها بصورت کتابی عرفانی و یا فقط نقد ادبی مطرح شود.

حافظ پژوهی

ادامه صفحه ۲۷

نویسنده می‌گوید: حافظ، جد و طنز، وصف و نقد اجتماعی و اخلاقی، قدح و مدح، طبیعت‌گرایی و اندیشه‌های عرفانی و الهی را با خوشباشی و رندی و اندیشه‌های خیامی و فلسفی درمی‌آمیزد و مجموعه ظرفیت‌های موجود در قالب‌های مختلف شعر را در غزل خویش متمرکز می‌سازد.

محمد قراگوزلو در مقاله «مشکلات سیاسی و اجتماعی عصر حافظ» مقدمه محمد گلندام - اولین جامع دیوان حافظ - و تناقضات موجود در آن را تجزیه و تحلیل نموده است.

«پادشاه بحر / عبدالرسول خیراندیش» مقاله دیگری است که نویسنده در آن به کنکاش در روان حافظ با ملوک هرموز و سلاطین بنگاله می‌پردازد و اطلاق پادشاه بحر به ملوک هرموز در عصر حافظ را با توجه به شرایط و موقعیت تجاری و دریایی هرموز بررسی می‌نماید. «نازک‌اندیشی‌های حافظ» نوشته عبدالکریم سروش عنوان مقاله دیگری است که در آن به جهان‌بینی و گستره اندیشه‌های حافظ اشاره می‌شود. نویسنده می‌گوید: «حافظ خود را میان دو دنیا می‌یافت؛ دنیایی که سرشار از عمل به احکام شریعت بود، اما تهی از ارزش‌های اخلاقی و دنیایی که گاه‌گاهی گناهی در آن رخ می‌داد، اما به جای آدمیانی که دور از ناهنجارهای اخلاقی و شخصیتی بودند، حافظ به یک کثرت واقعی رسید به نحوی که هیچ معیاری نداشت تا یکی از این دو دنیا را بر دیگری ترجیح دهد، اما در نهایت فتوی او به جایی غلتید که جهانی را ترجیح دهد که شخصیت‌ها اعتدال بیشتری دارند و در آن از عجب و دورویی و نفاق و تظاهر و ناهنجار شخصیت خبری نیست. «زبان حافظ / علی رواقی»؛ «شیراز در عصر حافظ / حسن امداد»؛ تأویل‌گرایی در عصر حافظ و تأویل در شعر حافظ / جعفر شعار»؛ «حافظ و غزل او / محمود عبادیان»؛ «حافظ و اسطوره عشق و آفرینش / فریده سیحون، محمد ضیمران» و چند مقاله دیگر از جمله مطالب خواندنی این کتاب است.

سیر اندیشه و سلوک نقد در «عرفانیات»

مقدمه:

از شگفتیهای رشته فلسفه علم این است که به رغم جذابیت و نوپائی و اهمیت مقوله‌های آن، هنوز یک متن (text) معتبر، مقبول و نسبتاً همگانی برای آن تدوین نشده است و طالب این رشته تخصصی تقریباً قادر به مراجعه به حتی یک متن منسجم نیست. این وضعیت کشورهای مرجع و بنیانگذار است در کشورهای نظیر ایران وضع به مراتب بدتر است. در این اوضاع و احوال نظر اغلب کارشناسان مربوطه نسبت به کتاب آلن چالمرز مثبت است و معتقدند که می‌توان این کتاب را به عنوان یک متن معتبر و مقدماتی (و نه الزاماً ساده) به حساب آورد لذا هم می‌توان آنرا بعنوان یک کتاب درسی در نظر گرفت و هم با مراجعه به مطالب آن با اصول و مبانی و شخصیت‌های عمده فلسفه علم آشنا شد.

۱- سه دیدگاه در علم‌شناسی

از زمانی که در اذهان متفکرین پرسشی پیرامون «درستی» یا «اعتبار» علم و شیوه‌های ارزیابی آن شکل گرفت، شاخه‌ای جدید در معرفت بشری تولد یافت که بعدها فلسفه علم خوانده شد. بذره‌های این رشته نوپا در اوایل قرن نوزدهم کاشته شد و در پایان نیمه اول قرن بیستم به یکی از فعالترین و مهیج‌ترین رشته‌های فکری دانشگاهی تبدیل شد و در مدت کوتاهی مسائل غمده آن از قبیل عینیت، حقیقت، آزمون، تجربه، ارزش و... از قلمرو متخصصان بنیانگذار فراتر رفت و سایر حوزه‌های تفکر بشری را به صورت حیرت‌انگیزی متأثر نمود. علمی خواندن ادراکات و افهام بشری، به تعهد اعتبارسنجی آنها، ناشی از اهمیت فوق‌العاده‌ای است که «علم» پیدا نموده است برجستگی بیش از حد نقش علم در مجموعه معارف بشری، متفکران را بر آن داشت

تا در خصوص این مسئله که آیا برآستی علوم برپایه مطمئنی استوارند یا نه، دست به تحقیقات جدی و گسترده‌ای بزنند.

این تحقیقات از یک سو روشن ساخت که علم بر هیچ پایه مطمئن و محکمی استوار نیست و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان از اثبات نظریه علمی صحبت نمود و از سوی دیگر آشکار شد که حتی الامکان ابطال قطعی نظریات علمی نیز وجود ندارد و همین امر کار بازسازی عقلانی و منطقی علم را با مشکلی جدی رو به رو ساخت و عده‌ای را بر آن داشت تا قید روش‌اندیشی را در قلمرو علوم بزنند و به این ترتیب نوسان میدان دو دیدگاه تاریخی و منطقی در علم‌شناسی آغاز شد.

الف- دیدگاه درون-منطقی

تکوین و رشد فلسفه علم با نگاه منطقی به اجزاء درونی معرفت علمی همراه بود و فیلسوفانی چون، ویلیام هیول، استوارت میل، ارنست ماخ، کارل پیرسون، پیردوهم، بریث ویت، بولتزمن، کمپیل، هانری پوانکاره، وایتهد، همپل، رودلف کارنپ، کارل پوپر، ایمره لاکاتوش و وات‌کینز که در زمره تحلیل‌گران منطقی علم قرار دارند به تفحص تحلیلی-منطقی در ساختار درونی معرفت علمی پرداختند و آثاری آفریدند که طیف گسترده‌ای از اثبات‌پذیری پوزیتیویستی تا ابطال‌پذیری قیاسی را دربرمی‌گیرد. مجموعه این آثار را می‌توان «منطق دستوری علم» نام گذاشت صاحبان منطق دستوری علم، تاریخ علم را شکل عینیت یافته منطق خود قلمداد نمودند و هرگونه ناهمخوانی تاریخ علم با منطق پیشینی موردنظر خود را دلیل انحراف و اعوجاج در واقعیت پنداشتند، نه در منطق اکتشافی خود. تاریخ علم به این ترتیب عامل تأیید منطق دستوری قلمداد شد و نه مبطل آن و دانشمندان هم در برابر منطق ارائه شده توسط فیلسوف علم تحلیل‌گر، چاره‌ای ندارند مگر آن که آنرا همچون یک هنجار و ارزش بپذیرند، زیرا در غیر اینصورت دستاوردهایشان غیرعلمی خواهد بود.

این دیدگاه تمام توان خود را مصروف «بازسازی عقلانی» تاریخ علم می‌کند زیرا به این اصل متافیزیکی اعتقاد و ایمان دارد که رشد تاریخ علم حاصل رشد معرفت علمی است و چون معرفت علمی قابلیت بازسازی عقلانی را دارد، لذا می‌توان به امکان بازسازی عقلانی تاریخ علم نیز مؤمن بود و به این ترتیب عنصر تاریخ علم وارد حوزه علم‌شناسی تحلیلی شده و به تفحصات آن ماهیت پسینی می‌دهد و آنان را یاری می‌کند تا علم واقعاً موجود را مورد بررسی تحلیلی قرار دهند و نه علم ایدال را.

ب- دیدگاه برون-منطقی

در مصاف با دیدگاه اول، دیدگاه دیگری شکل گرفت که می‌توان آن را دیدگاه «علم‌شناسی توصیفی» نامید. علم‌شناسی توصیفی با انتقاد به وجوه دستوری علم‌شناسی تحلیلی از یکطرف و با توجه به علل موجود تاریخی در فرایند شکل‌گیری علم از سوی دیگر، موفق شد استنتاجات نوینی را در این خصوص به دست آورد. متفکرین این دیدگاه چون توماس کوهن، پاول فایرابند، شتگمولر و مایکل پولاینی، فهم علم را منتسب به توصیف محض تاریخ علم نمودند و چون از عناصر برون-منطقی (علی) در شکل‌گیری معرفت علمی آگاهی یافتند، آنان را مبنای ارزیابی تحولات علمی برشمردند. طرفداران دیدگاه علم‌شناسی توصیفی هرچند بر علیه علم‌شناسی تحلیلی موضع گرفتند و خود را از منطق دستوری علم آزاد کردند، اما نادانسته تحلیل نسبیتی علم را بنیان گذاشتند. دیدگاه علم‌شناسی توصیفی که تاریخ علم را بر پایه دو عامل جامعه‌شناسی جامعه علمی و روان‌شناسی شخص عالم، تبیین می‌نمود، دستوری بدون منطق علم را به قیمت بریاد دادن عینیت علم نفی کرد و راه را برای نسبیتی تمام عیار و در نهایت هرج و مرج طلبی تا روشمند در تحقیقات علمی باز نمود و منطق نسبیتی علم را در کنار و به عبارت بهتر در برابر منطق دستوری علم قرار داد.

دیدگاه علم‌شناسی توصیفی یا منطق نسبیتی،

محسن خیمه‌دوز

نقد و بررسی آراء آلن چالمرز

علاوه بر دستاوردهای مهمی که در تحقیقات علم‌شناسی خود داشت از جمله تبیین نقش عوامل علی (جامعه‌شناختی - روان‌شناختی) در شکل‌گیری معرفت علمی و همچنین کشف واقعیتی بنام علم متعارف (Normal Science) که پدیده‌ای انکارناپذیر در تحلیل علم‌شناسی به حساب می‌آید، نتوانست معضل «عینیت علم» و «رشد معرفت» را رفع نماید و لذا بیش از هر چیز با خود درافتاد. زیرا اگر حکم نسبیت را درباره منطق نسبیتی هم روا بداریم آنگاه حکم به بی‌اعتباری منطق نسبیتی داده‌ایم. در این دیدگاه، معرفت علمی به جامعه علمی و رشد علم به انقلاب علمی تبدیل می‌شود. دانشمندان در این دیدگاه نه به «روش آگاهی» می‌رسند و نه نیازی به «روش آگاهی» دارند بلکه به صورتی متعارف و نرمال و عادی مقلد و پیرو پارادایم مسلط باقی می‌مانند. تا این که انقلابی علمی چشمها را باز کند. ولی باز دوباره غفلتی جدید و پارادایمی جدید آنها را اسیر می‌سازد.

در دیدگاه منطق نسبیتی، جایی برای بازسازی عقلانی معرفت علمی یا تاریخ علم وجود ندارد و اساساً چنین اصلی نامعتبر و ناشدنی تلقی می‌شود. زیرا به زعم کوهن، تلاش برای بازسازی عقلانی تاریخ علم منجر به یک دور می‌شود. زیرا از یکطرف برای بازسازی عقلانی تاریخ علم به یک مدل عقلانی نیاز است اما از طرف دیگر تاریخ علم چیزی جز مجموعه‌ای از همین مدل‌های عقلانی نیست و این یعنی وابسته شدن بازسازی تاریخ علم به تاریخ علم. با این همه دیدگاه نسبیت‌گرایانه علمی فاقد تبیین خردپسند از مقوله «عینیت علمی» و «رشد معرفت» است هرچند دستاوردهایش در علم‌شناسی توصیفی و همچنین انتقاداتش به علم‌شناسی دستوری انکارناپذیر است.

ج: دیدگاه ترکیبی

دیدگاه سوم علم‌شناسی، دیدگاهی «توصیفی - تحلیلی» است که بر علم‌شناسی «تاریخی - منطقی» استوار می‌باشد. این دیدگاه که هنوز چارچوب تئوریک

مطلوب را بازنیافته و قهرمان یا قهرمانان علم‌شناسی خود را معرفی ننموده، مجموعه پیچیده متدولوژیکی است که از ترکیب دو وجه متدیک درون منطقی و برون منطقی تشکیل یافته است. دیدگاه سوم که می‌توان آنرا «متعلق توصیه‌ای» در علم‌شناسی نام گذاشت نوعی روش‌شناسی معطوف به اراده است که در آن نقش و تأثیر عوامل علی (شهودی، روان‌شناختی [فردی - جمعی] و جامعه‌شناختی و تاریخی) به اندازه عوامل فلسفی، مهم و اساسی‌اند.

برخی از مدعیان این دیدگاه عبارتند از: لاری لاتودان (Larry Laudan)، با کتاب «پیشرفت و مسائل آن» (1977 - Progress and its Problems)، گونار اندرسون (Gunnar Andersson) با کتاب نقادی کوهن، لاکاتوش و فایرابند بر عقل‌گرایی انتقادی (Kuhn, Lakatos, Und Feysraband Kritik des Kritischen Rationalisms, 1988) یا هکینگ (Hacking) با کتاب «انقلابهای علمی» (Scientific Revolutions) و آلن چالمرز (Alen F. Chalmers) با کتاب «چیست آنچه علم نامیده می‌شود» (What is this science - 1982) called science. چالمرز که نتایج تحقیقات خود را در حوزه سوم علم‌شناسی در کتاب مزبور گرد آورده، کوشیده است تا از یکسو طرح ساده، روشن و ابتدائی از نظرگاه‌های نوین درباره علم ارائه کند، هرچند کتاب وی برای کسانی که خواهان بررسی عمیق در این حوزه از معرفت‌اند پاسخگوی مناسبی نخواهد بود. از طرف دیگر، با طرح انتقادات منطقی به اثبات‌گرایی پوزیتیویستی، ابطال‌گرایی پوپری و لاکاتوشی و نسبیت‌اندیشی کوهنی و فایرابند تلاشی دارد تا به چارچوبی نظری که از معایب علم‌شناسی‌های رایج بر کنار مانده، دست یابد.

۲- نقد چالمرز بر علم‌شناسی‌های رایج

الف: استقراء

آلن چالمرز معتقد است که عقل‌گرایان در تمام اشکال خود (افراطی و معتدل) سنجش نظریه‌ها را به

معیارهای کلی و پیشینی باز می‌گردانند و به زعم آنها نظریاتی که با معیار کلی آنان همخوانی نداشته باشد نامعتبر تلقی شده و علمی قلمداد نمی‌شوند. از اینرو عقل‌گرایی تمایز میان علم و شبه علم را به راحتی می‌پذیرد. و در این زمینه اقدام به داوری می‌کند از جمله عقل‌گرایی، استقرارگرایی است که در تحلیل چالمرز حاوی دو پیش‌فرض نامعتبر است اول این که علم با مشاهده آغاز می‌کند و دوم این که مشاهده اساس وثیقی فراهم می‌کند که می‌توان از آن معرفت اخذ نمود دلیل بی‌اعتباری پیش‌فرض اول این است که گزاره‌های مشاهده‌ای همواره در زبان نوعی نظریه بیان می‌شوند و دقت آن به همان اندازه است که چارچوب نظری مورد استفاده آنهاست و از آنجا که نظریه‌ها شرط مقدم گزاره‌های مشاهده‌ای هستند لذا همواره نظریه بر مشاهده مقدم است و دلیل رد پیش‌فرض دوم این است که گزاره‌های مشاهده‌ای به همان اندازه خطا پذیرند که نظریه‌های نهفته در آنها.

بنابراین بنیان مضمونی که نظریات بر آن استوار شوند وجود ندارد. با این همه چالمرز معتقد است که مسئله استقراء را نمی‌توان قطعاً ابطال شده محسوب نمود تمام فلسفه‌های علم به نحوی با شکل مشابه آن رو به رو هستند. عمده دلیلی که چالمرز به کمک آن استقراء را طرد می‌کند این است که در مقایسه با راهبردهای نوین رقبا از پرتوافشانی جدید و جالب بر ماهیت علم مستمراً بازمانده است و این همان نکته ظریفی است که باعث شده ایمره لاکاتوش نیز این برنامه را رو به زوال توصیف کند.

ب: ابطال‌گرایی

نوع دیگری از عقل‌گرایی در حوزه علم‌شناسی که چالمرز مورد نقد قرار می‌دهد، ابطال‌گرایی پوپری است. پیشرفت علمی در این دیدگاه از طریق ابطال نظریه‌های علمی در یک فرایند آزمون و خطا صورت می‌گیرد. نظریه‌هایی که ماهیتاً حاصل مشاهدات هدایت شده و مسبوق به پیش‌فرض‌ها هستند.



شکل‌گیری نظریه‌های علمی ابطال‌پذیر حاصل نوعی قیاس منطقی است که در آن صدق مقدمات به نتیجه و کذب نتیجه به مقدمات سرایت داده می‌شود. چالمرز ضمن تأکید بر ویژگیهای مذکور، شکل تاریخی ابطال‌گرایی را (که موافق رأی لاکاتوش نیز هست) در این‌سی‌بند که اگر دانشمندان از روش‌شناسی ابطال‌گرایی تبعیت می‌کردند، نظریه‌هایی که عموماً از بهترین نظریه‌های علمی محسوب می‌شوند، هرگز تحول نمی‌یافتند. از جمله نظریه جاذبه نیوتن، نظریه اتمی بور، نظریه جنبشی گازها، نظریه اختراش‌شناسی کپرنیک از نمونه‌های مؤید این رأی است که همگی در بدو ظهور خود با مشاهدات تجربی در معرض ابطال قرار گرفتند، اما با سرسختی از جانب صاحبان نظریه‌ها باقی ماندند و سال‌ها بعد هرکدام به یک نظریه مهم و معتبر علمی تبدیل شدند. آنچه چالمرز نتیجه می‌گیرد این است که: نه استقراگرایان و نه ابطال‌گرایان هیچ‌کدام تبیینی از علم که با آن سازگار باشد، ارائه نمی‌دهند. مفاهیم جدید نیرو و ماند در نتیجه آزمایشات و مشاهدات دقیق بدست نیامدند. از ابطال حدس‌های تهورآمیز و از جایگزین نمودن مستمر یک حدس متهورانه به جای دیگری نیز حاصل نشدند بلکه صورت‌بندی‌های اولیه نظریه جدید، دربردارنده تلقی‌های بدیعی بودند که بیان نافذ یافته بودند و علی‌رغم ابطال شدن واضح آنها، تحت تفحص بیشتر قرار گرفتند و توسعه یافتند.

ج: برنامه پژوهشی لاکاتوش

در علم‌شناسی لاکاتوش تبیین مناسب از علم، تاریخ علم و رشد علم اگر بخواهد فارغ از نقاط ضعف استقراگرایی و ابطال‌گرایی پوپری باشد، مستلزم این است که نظریه علمی را به مثابه یک کل ساختاری (Structured whole) تلقی نماید. اول به این علت که بررسی‌های تاریخی مؤید وجود ساختارهای تئوریک علمی است که از نگاه استقراگرایان و ابطال‌گرایان مغفول مانده است دوم به این دلیل که زبان گزاره‌های مشاهدتی باید همان زبان صورت‌بندی نظریه‌ها باشد تا نظریه‌ها وضوح و دقت خود را از زبان گزاره‌های مشاهدتی بگیرند. مثالی که چالمرز در این خصوص ذکر می‌کند قابل تأمل است او دموکراسی را به عنوان مفهومی در علوم اجتماعی با مفهوم جرم در علم فیزیک مقایسه می‌کند و علت دقیق بودن مفهوم جرم در نزد همه ما را، این می‌داند که مفهوم جرم نقش مشخص و دقیقاً تعریف شده‌ای در نظریه دقیق و ساختاری مکانیک نیوتونی ایفا می‌کند در صورتیکه نظریه‌هایی که مفهوم دموکراسی در آنها ظاهر می‌شود، آشکارا مبهم و متعبدند. دلیل سوم این که رشد علم حاصل نظریه‌های ساختاری و منظومه‌ای است که به عنوان برنامه پژوهشی، ساختاری باز و بی‌انتهای برابر پژوهشگران قرار می‌دهد. تمام تئوریهای جامعه‌شناختی به زعم چالمرز از همین ضعف رنج

می‌برند، زیرا تمام هم خود را صرف یافتن موارد تجربی می‌کنند که با معیار استقراگرایان و ابطال‌گرایان وفق دهد و به همین دلیل از رشد هم‌تراز با علوم فیزیکی بازمانده است. چالمرز هم عقیده با لاکاتوش که تبیین‌اش از علم را به منظور اصلاح ابطال‌گرایی پوپری ابداع نموده است، می‌گوید: تفاوت اساسی در نسبت انسجام دو نظریه نهفته است.

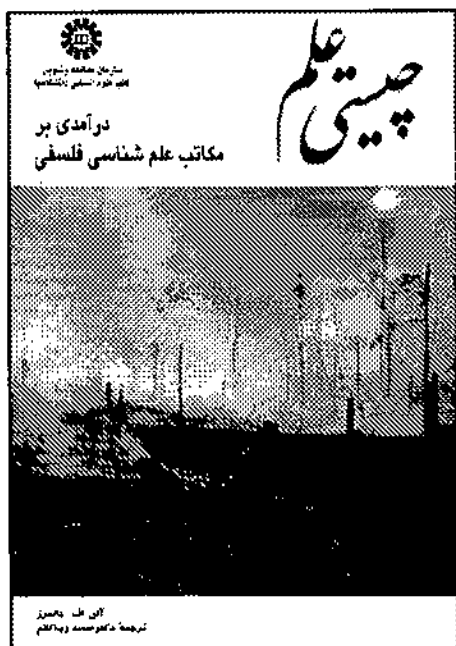
نظریه‌های جامعه‌شناختی نیز به همین دلیل از عرصه برنامه منسجمی جهت راه‌گشایی پژوهش‌های آینده ناکام مانده است. با این همه چالمرز بر این عقیده است که نمی‌توان همواره با لاکاتوش و تبیین ساختاری وی از نظریه‌های علمی موافق بود زیرا در نهایت تبیین لاکاتوش فاقد معیار مشخص برای تمیز میان دو برنامه پژوهشی است. لاکاتوش از آغاز، بخش عمده‌ای از پاسخ را بدون دلیل، مفروض گرفته است. وی فرض گرفته بود که هر حوزه‌ای از معرفت که میزبان عمده فیزیک را نداشته باشد علم نیست و از حیث عقلانیت از آن فروتر است و به قول فایریند، لاکاتوش هیچ پاسخی به این سؤال که: اهمیت علم در چیست؟ نداده است.

چالمرز در نقد لاکاتوش همراه با فایریند، روش‌شناسی او را آرایش لفظی قلمداد نموده و می‌گوید: به یاد آن دوران شکوهمندی که تصور می‌شد با پیروی از چند قاعده ساده و عقلانی می‌توان امر پیچیده و گاه فاجعه‌آمیزی چون علم را سامان داد.

د: نسبیت‌گرایی

نسبیت‌گرایان برخلاف عقل‌گرایان (استقراگرا و ابطال‌گرا)، به هیچ معیار کلی و غیرتاریخی که بتوان به مدد آن نظریه‌ای را بر نظریه دیگر ترجیح داد، باور ندارند ارزیابی نظریات وابسته به تصمیم دانشمند یا مناسبات جامعه علمی است. فهم نظریات یک دانشمند متضمن فهم روان‌شناختی دانشمند و فهم نظریات یک جامعه پژوهشی، متضمن فهم جامعه‌شناختی جامعه مورد نظر است در این دیدگاه، معیار تمایز علم از غیرعلم تابع موقعیت شخص یا افراد دانش‌پژوه است. در نسبیت‌گرایی علمی، مقوله‌ای بنام «علم» به عنوان یک حوزه ممتاز معرفتی وجود ندارد. در این دیدگاه تحلیل جامعه و امیال مورد اعتقاد پژوهشگر جای تحلیل ماهیت علم را می‌گیرد، زیرا بقول توماس کوهن، هیچ میزانی بالاتر از توافق جامعه مربوطه وجود ندارد. چالمرز وجه تشابه کوهن و لاکاتوش را در نگرش ساختاری آن دو به نظریه‌های علمی می‌داند، اما وجه تفارق آنها را در آن می‌بیند که کوهن عوامل جامعه‌شناختی را در شکل‌گیری نظریه‌های علمی مبنا قرار می‌دهد به همین دلیل است که در نگرش کوهن، جامعه علمی جایگزین معرفت علمی می‌شود. کوهن تلاش دارد تا اتهام نسبیت‌گرایی را از خود دور سازد و موقتاً آبراز می‌دارد که: نظریه‌های علمی متأخر برای حل معماها در موقعیت‌های اغلب متفاوتی که به کار گرفته می‌شوند، از نظریه‌های علمی متقدم بهترند. این

موضعی نسبیت‌گرایانه نیست و به معنی این است که به پیشرفت علمی کاملاً معتقدم. اما به عقیده چالمرز نمی‌توان این موضع کوهن را دلیلی بر این دانست که او نسبیت‌گرا نیست، به خصوص وقتی کوهن می‌گوید: ملاحظات زیباشناختی (از قبیل پیراسته‌تر، مناسب‌تر، ساده‌تر) بعضاً می‌توانند تعیین‌کننده باشند، وی را به موضع نسبیت‌گرایانه بازمی‌گرداند. با این همه چالمرز نیز در این رأی که پیشرفت علم به سوی حقیقت به هر معنایی که تعریف شده باشد، امکان‌ناپذیر است با کوهن همراه و هم‌عقیده است. اگر این نظر چالمرز را درباره کوهن بپذیریم که: به عقیده کوهن به تعداد پژوهشگران در هر حوزه نظریه وجود خواهد داشت و هر نظریه پرداز ناگزیر است که از نو آغاز کند و دریافت ویژه خود را توجیه نماید، در این صورت به دو نتیجه مهم می‌رسیم: اول اینکه نقادی ضرورت و اهمیت خود را از دست می‌دهد، زیرا مبنای مشترکی برای نقادی وجود نداشته و ابر نسبیت تمام آسمان علم‌اندیشی را می‌پوشاند و دوم اینکه فرایند علمی به گسست معرفتی دچار شده امر رشد معرفت و رشد علوم معنی و مفهوم خود را کاملاً از دست می‌دهد. علم بسته به اتفاق، هر زمان به یک سو می‌رود و هیچ‌گونه ارتباطی با علوم گذشته ندارد لذا صحبت از رشد علوم نیز در دیدگاه کوهن امری منتفی است. از اینرو، شاید بهترین نقد بر کوهن همان نقد لاکاتوش باشد. آنجا که می‌گوید: (در کتاب نقادی و رشد معرفت criticism and the grow of knowledge) «موضع نسبیت‌گرایانی چون کوهن که طبق آن هیچ معیاری بالاتر از معیار جامعه مربوطه نیست، راهی برای نقد آن معیار باقی نمی‌گذارد. اگر هیچ راهی برای قضاوت یک نظریه جز به واسطه ارزیابی تعداد، اعتقاد و انرژی لفظی حامیان آن وجود نداشته باشد، در این صورت حقیقت در قدرت نهفته می‌شود و تحول علمی امری جز روان‌شناسی قیل و قال نمی‌شود و پیشرفت علمی جوهراً مانند پدیده دسته سینه‌زنی (Badwagon) می‌گردد. تحول نظریه‌ها در



غیاب معیارهائی که گزینش نظریه را هدایت نماید، امری شبیه به تغییر مذهب می‌شود.

در نقد استقرائ و ابطال‌گرایی، چالمرز خود را وادار فایراند می‌داند و همراه با معرفت‌شناسی هرج و مرج طلبانه فایراند در نقد تمام علم‌شناسی‌های رایج معتقد است که روش‌های مذکور با تاریخ علم ناسازگارند. فایراند رأی خود را در برابر تمام قواعد روش‌شناختی در قالب یک قاعده ضد روش‌شناختی بیان می‌دارد این که: هر چیزی امکان‌پذیر است (Any thing goes) معنی این عبارت فایراند این است که قواعد روش‌شناختی نباید پژوهشگران را محدود نماید. پژوهشگر به جای آن که با یک مستد روش‌شناختی پژوهش خود را آغاز کند، باید با موضوع مورد پژوهش آشنا باشد. رأی چالمرز در این خصوص تا حدی موافق رأی فایراند است و می‌گوید: اگر روش‌شناسی‌های علم را به معنای قواعدی جهت هدایت انتخابها و تصمیم‌های دانشمندان بپذیریم به نظر چنین می‌آید که موضع فایراند صحیح است. فایراند با رد برتری علم نسبت به سایر معارف و یا انتقاد به تمام روش‌شناسان که علم را بدون هیچ برهان معقولی سرآمد معارف بشری می‌شمارند، امکان ترجیح تئوریهای علمی را منطقاً ناممکن می‌داند و با تحویل علم‌شناسی به عناصر روان‌شناختی و تماماً ذهنی و شخصی موضع سلبی در روش‌شناسی اتخاذ نموده و منکر این ادعا می‌شود که روشی وجود دارد که قادر به تبیین تاریخ علم است. با این همه چالمرز معتقد است که ردپای یک توصیه روش‌شناختی در رأی فایراند قابل مشاهده است زیرا فایراند از آنچه نگرش انسان‌گرایانه می‌نامد دفاع می‌کند. مطابق این نگرش (و به طر فرداری از تلاش جهت افزایش آزادی برای حیاتی پر بار و پرمهر) نظر هرج و مرج طلبانه علم فایراند به زعم چالمرز مقبولیت می‌یابد، زیرا در حوزه کاوش‌های علمی، آزادی افراد را با تشویق به حذف کلیه محدودیت‌های روش‌شناسی افزایش می‌دهد و در محدوده‌ای وسیع‌تر آزادی انسان را در انتخاب بین علم و انواع دیگر معرفت توصیه می‌کند.

۳- علم‌شناسی آئن چالمرز

الف: عینی‌گرایی

معرفت عینی در نگاه چالمرز به معنی وجود تمایزات میان این گونه معارف یا آگاهی‌ها و عقاید فردی است به نحوی که در نهایت فردگرایی به معنی معرفت مبتنی بر عقاید فردی با معرفت عینی تقابل می‌یابد. معرفت عینی همچنین به تعبیر چالمرز یک پدیده اجتماعی است که دارای جنبه عملی نیز هست - معرفت عینی به دلیل برخورداری از مجموعه تکنیک‌های پژوهشی و همچنین تحت تأثیر تلاش پیچیده اجتماعی صنعت‌گران و دانشمندان یک ساختار اجتماعی به حساب می‌آید. چنین دیدگاهی از عینیت در علم کاملاً به رأی لاکاتوش، پوپر و مارکس مطابقت

دارد. چالمرز درخصوص تطبیق آرای عینی‌گرایانه خود با آرای مارکس می‌گوید: نظریه کارل مارکس درباره جامعه و تحولات اجتماعی، نظریه‌ای عینی‌گرایانه است که در آن، نظریه عینی‌گرایانه‌ای که من نسبت به معرفت توصیف کرده‌ام را با کل جامعه تطبیق کرده است. چالمرز در توجیه این مطابقت می‌گوید: فردی که مایل است به تحولات اجتماعی مدد برساند با وضعیتی عینی روبرو می‌شود که حوزه‌های انتخاب و عمل وی را محدود نموده، نتیجه چنین گزینش و کنشی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. تحلیلی از وضعیت عینی همان اندازه برای شناخت تحولات اجتماعی اساسی است که برای تحولات علمی اساسی است. چالمرز درخصوص وحدت دیدگاه عینی‌گرایانه‌اش با دیدگاه لاکاتوش و پوپر معتقد است که: موضعی را که مربوط به معرفت است و من به تبعیت از ماسگریو (Masgrave) آنرا عینی‌گرایانه نامیده‌ام پوپر و لاکاتوش نیز برمی‌گیرند و فی‌الواقع مورد حمایت قرار می‌دهند.

ب: تئوری تغییر نظریه‌ها:

چالمرز تئوری خود درباره چگونگی تغییر نظریه‌ها را از اصلاح متدولوژی لاکاتوش برگرفته و بر این باور است که متدولوژی پوپر، لاکاتوش و کوهن فاقد تبیین تغییر نظریه هستند و عمدتاً بر تصمیم‌ها و انتخاب‌های دانشمندان استوارند و به همین دلیل پوپر، لاکاتوش و کوهن توفیق نمی‌یابند توصیه‌های کفایت‌مندی برای انتخاب نظریه‌ها طرح نمایند. چالمرز عینیت علم را یک «امکان» می‌داند که مستقل از دانشمندان در حیطه علم وجود دارد و بسته به اینکه جامعه علمی به چه میزان به این امکان نزدیک شده باشد به همان اندازه از عینیت برخوردار است. به عبارت دیگر، برنامه پژوهشی که نسبت به رقبا از امکان عینی بیشتری برخوردار باشد، به تناسب استفاده از آن امکان، از رقبا پیشی خواهد گرفت. به این ترتیب، رشد علم با بهره‌برداری از امکان عینی موجود در درون پژوهشی تناسب تام دارد. در این باره وی می‌گوید: تبیین من از تغییر نظریه‌ها، مفروض گرفته است که اگر امکانی برای توسعه وجود داشته باشد دانشمندان یا برخی از آنها در نهایت از آن بهره خواهند جست لکن فرض نمی‌کند که دانشمند خاص یا گروه خاصی از ایشان از تمام امکان‌های توسعه آگاهی خواهد داشت. تبیین من میان مسئله تغییر نظریه و مسئله انتخاب نظریه تمییز می‌نهد.

ج: واقع‌گرایی و ابزارگرایی - حقیقت و نسبیت

اگر واقع‌گرایی را به مفهوم اعتقاد به وجود امکان تناظر تئوریه با جهان خارج و ابزارانگاری را به مفهوم رد این امکان و صرفاً بسنده نمودن به استفاده ابزاری از تئوریه‌ها به منظور پیش‌بینی خواص پدیده‌ها و مرتبط کردن شواهد تجربی آنها یا یکدیگر بدانیم، در این صورت رأی چالمرز مؤید نگرش واقع‌گرایان و رد نگرش ابزارگرایان است، زیرا به اعتقاد وی: واقع‌گرایی امکان بیشتری برای توسعه می‌گشاید. چالمرز ضمن نقد

تئوری «تقرب به حقیقت - Verisimilitude» پوپری که به زعم وی علیرغم ادعای واقع‌گرایانه‌اش دارای عناصر ابزارانگاران است، تئوری خود را تحت عنوان «واقع‌گرایی تطبیق‌پذیر» که به معنی ماندگاری نظریه‌ها صرف‌نظر از چگونگی انتخاب آنهاست، ارائه می‌کند. در این تئوری، تناظر با واقعیت، مبنای تعیین صدق و کذب گزاره‌های علمی (و به عبارت دقیق‌تر تعیین اعتبار یا عدم اعتبار نظریه‌ها) نیست زیرا چالمرز اساساً ارائه معیاری برای تمییز علم از غیرعلم را امری بی‌هوده می‌داند - در دیدگاه او به مقوله‌ای کلی به نام «علم» احتیاج نیست که نسبت به آن حوزه‌ای از معرفت به منزله علم تمجید شود و حوزه‌ای دیگر به منزله غیرعلم تحقیر گردد. چالمرز معتقد است که فلسفه یا روش‌شناسی علم هیچ کمکی به دانشمندان نمی‌کند از اینرو مهمترین نقش یا کارکرد پژوهش خود را مبارزه با ایدئولوژی علم می‌داند. ایدئولوژی که به زعم وی مفاهیم خطرناکی چون علم، حقیقت، صدق و... را برای دفاع از مواضع محافظه کارانه به کار می‌برد. وی می‌گوید: ما مجاز نیستیم پاره‌ای از معرفت را برگیریم یا وانهم بدین علت که آنها با معیار از پیش حاضر و آماده شده‌ای از علمیت (Scientificity) وفق نمی‌یابند.

۴- نتیجه

چالمرز با بیان این مواضع می‌پذیرد که گفته‌هایش چاشنی نسبیت‌گرایانه دارد و خود بر این ویژگی معترف است. وی درخصوص شیوه‌های ارزیابی و سنجش و توجیه نظریه‌ها می‌گوید: موضع من به اعتبار اینکه منکر وجود معیار مطلق هستم که قضاوت‌ها باید نسبت به آن صورت گیرد، نسبیت‌گرایانه است بویژه مقوله کلی بنام علم و مفهومی بنام حقیقت یا صدق که علم را کاوشی برای حقیقت توصیف کند، وجود ندارد. با این وجود، چالمرز در انتهای پژوهش خود تلاش بسیار دارد تا مرز خود را با نسبیت‌گرایی روشن کند هرچند نتیجه می‌گیرد که: «تاکید عینی‌گرایانه موضع من مغایر مواضع افراطی نسبیت‌گرایانه است آن گونه که فایراند مہملانه و ساهیان بدین نظریات اشاره کرده است.» اما به نظر می‌رسد که در روشن ساختن تمایز خود با نسبیت‌گرایان چندان موفق و کامیاب نبوده است. زیرا وی که پیش از این تمایز علم از غیرعلم و همین طور وجود مفهومی به نام حقیقت و صدق را منکر شده بود، اینک مجبور می‌شود تن به ایجاد تمایز با نسبیت‌گرایان بدهد، بی آنکه هیچ گونه معیار و ملاک واضحی ارائه کند. از اینرو شاید بتوان پژوهش ارزشمند چالمرز در حیطه علم‌شناسی را مصداق همان ضرب‌المثلی به حساب آورد که خود وی در مقدمه کتابش به آن استناد کرده است، اینکه:

پیشانی آغاز نمود و پریشان تر به پایان رساند.

از این کتاب دو ترجمه توسط شرکت سهامی انتشار و شرکت انتشارات سمت منتشر شده است.

بلاغت که از باستانی‌ترین و گسترده‌ترین دانش‌های بشری است، و روز بروز گسترده‌گی و پیچیدگی آن بیشتر می‌شود، بسیار وسیع‌تر از آن است که در یک چهارچوب قابل تصور درآید. زیرا بگونه‌ای فزاینده به درون نظام‌های انسان‌شناسی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، سیاست و دیگر دانش‌های نظری در می‌آید و به منزله ابزار و روش، نقش کلانی در شناخت، انتقال آگاهی، تأثیر و حتی سلطه بر مخاطبان ایفا می‌کند. از این رو نظریه پردازان رشته‌های فوق ناگزیرند ذهنیت و تصور خویش را از بلاغت بازسازی کنند و اصطلاحات و مفاهیم بلاغی را بنا به نیاز دانش خویش و متناسب با آن بازپردازی نمایند.

دائرة المعارف بلاغت، از سهم بلاغت در دیگر نظام‌های معرفت نظری بحث می‌کند و چشم‌انداز تازه‌ای از بلاغت بیست قرن گذشته را به نمایش می‌گذارد. این دائرة المعارف یک کتاب مرجع است که مدخل‌های آن به صورت الفبایی مرتب شده و شامل اصطلاحات، ادوار، اشخاص، مفاهیم و کاربردهای دانش بلاغت می‌شود. البته نمی‌توان گستره دوهزار و پانصد ساله بلاغت را از جنبه‌های تاریخی، نظری و کاربردی در یک مجلد محدود ساخت و تاریخ این دانش چندان فربه است و چنان سرشت متلون و نظام ناپذیری دارد که به دشواری می‌توان آن را در یکی دو جلد ارائه کرد. دائرة المعارف بلاغت و نگارش دارای ۴۶۷ مدخل است و از حدود نیم میلیون واژه تشکیل شده است مدخل‌ها در این کتاب در چهار شکل ارائه شده:

۱- مدخل‌های خلاصه و کوتاه در حد یک ستون که معمولاً تعریف اصطلاحات، معرفی برخی اشخاص یا مفاهیم‌اند.

۲- مدخل‌های مفصل‌تر در حد ۶ ستون که استادان، تر و محققانه‌تر است (مانند هرمنوتیک، نیچه)
۳- مقاله‌های ۸ تا ۱۰ ستونی که به بررسی مفصل و عمیق یک عنوان اختصاص یافته، مانند: ارسطو، بلاغت فمینیستی (Rhetoric of feminism)

۴- مقالات بلند (Full Articles) که غالباً به مباحث روش‌شناسی و اصطلاحات اساسی بلاغت اختصاص یافته است، مانند ابداع (Invention)، مناظره و جدل (argument)

در تدوین و آماده‌سازی این کتاب ۲۸۸ نفر از استادان و محققان دانشگاهی سهمیم هستند که غالباً از متخصصان علم بلاغتند و یا در یک موضوع بلاغی تحقیق بلیغی انجام داده‌اند. کتاب برای دانشجویان بلاغت و سخنوری، متخصصان ادبیات، زبان‌شناسی و دیگر رشته‌های علمی که می‌خواهند درباره بلاغت اطلاعات بیشتری کسب کنند فراهم آمده است. کلیت کتاب، شمای تاریخی و سیر تکاملی نظام بلاغت را به تصویر می‌کشد و روند شکل‌گیری این دانش را به دقت تبیین می‌کند. از قدیم‌ترین اصطلاحات و مفاهیم بلاغت و سخنوری در آتن باستان تا تازه‌ترین اصطلاحات و شگردهای بلاغی در این کتاب جمع آمده و در کنار هم چنان نشسته‌اند که کهنه و نو در یک رشته منسجم کشیده شده‌اند.

در ذیل هر مدخل کتاب‌شناسی دقیقی آمده و منابع کلیدی و اساسی و مناسب مطالعه درباره آن عنوان معرفی شده است.

کتاب چشم‌انداز بلندی از بلاغت و نقش آن در نظام‌ها و روش‌های آموزشی و ارتباطی نوین را به نمایش می‌گذارد. سهم بلاغت در زمینه‌های مختلف علوم انسانی را نباید نادیده گرفت، نقش این دانش فراگیر و مؤثر را در آموزش زبان، و هنرهای زبانی (ادبیات، نمایشنامه، سینما) در سیاست و مناظره و سخنوری و فنون مختلف تبادل اندیشه‌ها در این کتاب می‌توان شناخت. گاه با نام کسانی در این دائرة المعارف برمی‌خوریم که هیچگاه تصور نمی‌کنیم نام و یاد آنها در آثار بلاغی آمده باشد مانند کارل پوپر فیلسوف معاصر انگلیسی (۱۹۰۲-۱۹۹۴) اما در این کتاب نام او عنوان یکی از مدخل‌هاست و فلسفه شکاکیت او در علوم تجربی به عنوان یک اندیشه ضدبلاغی مطرح شده است، نام فیلسوفان و اندیشمندانی مانند ایمانوئل کانت، ژان پیازه، آدام اسمیت، برتراند راسل، نیچه،

ارنست کاسیرر، میشل فوکو، گادامر، نیز عنوان مدخل‌های کتاب است که اندیشه‌ها و آراء ایشان در باب بلاغت و دانش سخنوری و سخن‌سنجی به تفصیل بررسی شده است. و پیوند مستحکم زبان، ادبیات و فلسفه را می‌توان در این دائرة المعارف به خوبی مشاهده کرد.

واژه Rhetoric (= بلاغت) در این دائرة المعارف مفهومی بسیار گسترده‌تر از مفهوم بلاغت فارسی و عربی دارد. بلاغت در معنای خاص آن، در زبان عربی و فارسی محدود به صناعات شعری و آرایه‌های سخن می‌شود، یعنی تکیه بر فن شعر (Poetic) و جنبه زیبایی‌شناسی سخن دارد. اما رتوریک (که در یونان باستان به معنی فن خطابه و سخنوری بوده) در این دائرة المعارف بر کلیه تمهیدات، شگردها، صناعات و هر گونه کاربرد گفتاری نوشتاری و حتی رفتاری که موجب تأثیر در مخاطب و انگیزش و تحریک وی شود اطلاق می‌گردد؛ یعنی اساس رتوریک بر تأثیر (influence) و انگیزش (Persuasion) استوار است اما در تاریخ بلاغت اسلامی مسأله سخنوری و تأثیر و اغوا و انگیزش کمتر مورد نظر بوده و بیشتر به جنبه‌های تأثیر ناشی از زیبایی‌شناسی سخن پرداخته شده که آنهم بعد از قرن ششم دچار تکرارهای ملال‌آور گردید. شاید ارائه فهرستی از برخی عناوین این دائرة المعارف بتواند رویکرد بلاغی این کتاب را روشن سازد. سوای اصطلاحات شناخته شده و معروف بلاغی مانند مجاز (Synecdoche) ذکر کل و اراده جزء، طنز، و تهکم (Irony) عمل نمادین (Symbolic action) استعاره، کنایه، اسطوره، سبک، معناشناسی و امثال آنها به اصطلاحات بسیار جالب و تازه‌ای برمی‌خوریم که هر کدام مدخل خاص و بعضاً مفصلی را به خود اختصاص داده‌اند. برخی از این اصطلاحات عبارتند از:

بلاغت اعتراض، بلاغت سکوت، بلاغت سیاسی، بلاغت زنانه، بلاغت الکترونیکی (رشته‌ای که به مطالعه تأثیر ابزارهای الکترونیکی بر زبان و بیان و اندیشه آدمی و نیز طرز نوشتن و خواندن متون الکترونیکی می‌پردازد) بلاغت آگهی‌های تبلیغاتی، بلاغت مارکسیستی، بلاغت فیلم، بلاغت و داستان، بلاغت و روان‌درمانی، بلاغت و تکنولوژی، بلاغت روان‌شناسی، بلاغت زایا، بلاغت علم (Science)، بلاغت سفسطه‌ای، بلاغت فلسفی، بلاغت مذهبی، جدال فلسفی، انگیزش، نقد ادبی، نقد بلاغی، بلاغت

محمود فتوحی

دائرة المعارف بلاغت و نگارش

آفریقایی، آمریکایی، چینی، یونانی، عربی و... بلاغت تمسخر، نظریهٔ روایت، مثلث ارتباطی، کاربرد کامپیوتر در بلاغت.

برای آشنایی بیشتر با روش این دایرةالمعارف ترجمهٔ مدخل «بلاغت سکوت» تقدیم می‌شود.

بلاغت سکوت (Rhetoric of Silence)

بلاغت بیشتر از قالب و لژگان و یا اشارات سر و دست برای بیان مقاصد و مفاهیم مورد نظر استفاده می‌کند. سکوت نیز می‌تواند کارکرد بلاغی داشته باشد، البته هر سکوتی بلاغی نیست، هنگامی کارکرد سکوت بلاغی و مؤثر می‌شود که بطور استراتژیک و عمدی در موقعیت‌های خاص سیاسی و عمومی اعمال شود. این نوع سکوت چهار ویژگی دارد:

۱- در تقابل با توقعات و انتظارات مردم، به کار گرفته می‌شود.

۲- از سر قصد و تعمدی است.

۳- مقاصد و انتظارات قابل پیش‌بینی جامعه را فاش می‌کند.

۴- این سکوت بر مقاصد و معانی موقعیت خود تأثیر می‌گذارد به جای اینکه موقعیت (مثلاً سیاسی) بر مقاصد تأثیر بگذارد.

۱) بلاغت سکوت زمانی صورت می‌پذیرد که با استتکاف از ارتباط با مردم، پاسخگویی به انتظارات و توقعات آنان مسکوت نهاده شود. سکوت در عبادتگاه یا در تشییع جنازه (به رسم مسیحیان) سکوت استراتژیک به حساب نمی‌آید، زیرا چنین سکوتی، یک رسم متداول است و همگان انتظار آن را دارند. اما یک رهبر سیاسی که در شرایط بحرانی باید دربارهٔ آن بحران برای مردم سخن بگوید، سکوت پیشه می‌کند و یا یک سخنور سیاسی که خبر سخنرانیش در همه جا پیچیده، ناگهان و بی‌هیچ دلیل مقبولی سخنرانی خود را لغو می‌کند، در واقع انتظارات و توقعات تودهٔ مردم را بی‌جواب گذاشته است. این سکوت یک سکوت بلاغی است، بنابراین سکوت بلاغی عبارت است از سکوتی که

نمی‌توان علت آن را توضیح داد یا حداقل سکوتی که علت آن بیان نشده است. اما اگر دلایل سکوت روشن و قابل بیان باشد و بتوان آن را بیان کرد در این صورت توقعات مردم بیشتر خواهد شد و سکوت بلافاصله در کوتاه مدتی به معنی ایستادگی در مقابل انتظارات عمومی است.

۲) سکوت زمانی بلاغت خواهد داشت که قصدی و تعمدی به نظر آید و چنین استنباط شود که این سکوت یک عمل هوشمندانه است و کوتاهی یا تساهل ساده و یا به دلیل اشتغال به امور دیگر نیست، عکس‌العمل‌های تودهٔ مردم ممکن است غیر آن چیزی باشد که شخص ساکت طراح کرده است. اما انتخاب سکوت در مقابل انتظارات عمومی را باید یک تدبیر به حساب آورد.

۳) سکوت بلاغی، مقاصد و منظورها قابل پیش‌بینی را روی صحنه می‌ریزد. در محیط‌ها و موقعیت‌های غیرشخصی و عمومی مقاصد سکوت از موقعیتی تا موقعیت دیگر متفاوت خواهد بود، مثلاً سکوت همسران (در موقعیت‌های خاص) ممکن است به معنی صمیمیت یا خصومت و یا امر دیگری باشد. البته بسته به کسانی که در آن موقعیت قرار دارند و نیز شرایط و اقتضای حال فرق می‌کند. اما سکوت بلاغی، یک امر همگانی و عمومی است و به علت عمومی بودن اهمیت سیاسی پیدا می‌کند، بویژه آنکه سکوت بلاغی در سیاست عیناً، جایگزین تکلم و گفتار می‌شود. همانطور که گفتگو نقش‌های ویژه و تنوع ناپذیری در سیاست بازی می‌کند سکوت استراتژیک و زیرکانه نیز به طور صریح دارای معانی روشنی است. زیرا همگان منتظر سخن‌اند اما با سکوت مواجه می‌شوند. به دیگر سخن از آنجا که کلام و گفتار در سیاست کارکردهای معین و قابل پیشگویی دارد، سکوتی که جانشین آن می‌شود نیز مقاصد قابل پیش‌بینی در خود دارد.

در سیاست یکی از راه‌های روشنگر مناسبات و ارتباطات، گفتگوست. بنابراین سکوت بلاغی، در میان مردم به معنی کتمان و عدم قطعیت در مقام ارتباط است. گفتگو در سیاست شکلی از عمل به شمار می‌آید. بنابراین سکوت بلاغی به معنی مدارا و کنار نهادن ابتکار عمل سیاسی است. فرض کنید رئیس‌جمهور آمریکا نیروی دریایی این کشور را برای مداخله در یک جنگ نظامی به جنوب آمریکا بفرستد، در همان آغاز این نیروها گرفتار بلایای سخت و شکستی سنگین

شوند، فرض کنید رئیس‌جمهور دربارهٔ این شکست هیچ نگویید نه در سخنرانی‌ها و نه در کنفرانس‌های مطبوعاتی. در چنین شرایطی سوءظن‌ها نسبت به عدم تعهد و بی‌مسئولیتی رئیس‌جمهور در صفحات روزنامه‌ها منعکس خواهد شد، گمانه‌زنی دربارهٔ علت سکوت وی و شگفتی این سکوت در همه جا آغاز می‌شود. سوءظن به بی‌ارادگی رئیس‌جمهوری، سؤال‌های مربوط به انگیزه‌های پنهان و سیاسی که در ورای این سکوت وجود دارد همان معانی و مقاصد قابل پیش‌گویی است که این سکوت به دنبال خواهد داشت. بیشترین بار معنایی پیام در موقعیت و اقتضای حال جلوه می‌کند. و پیام‌ها بیشتر معنای خود را از موقعیت بیرون می‌کشند، اما سکوت بلاغی به دلیل اینکه مفاهیم و مقاصد قابل پیش‌بینی را به صحنه می‌کشد می‌تواند جایگزین گفتگوی سیاسی شود. به همین دلیل هم این نوع سکوت برخی مقاصد را وارونه می‌کند، مانند اینکه در مفاهیم موقعیتی خود تأثیر می‌گذارد. یعنی سکوت بلاغی مردم را ترغیب می‌کند تا موقعیت سکوت را به منزلهٔ یک امر مکتوم و غیرمطمئن در مناسبات و روابط بنگرند و سکوت را مدارا و ابتکار عمل به حساب آورند.

فرض کنید که یک بحران خارجی کشور را تهدید به جنگ می‌کند. تا آن لحظه رئیس‌جمهور از سخن گفتن با مردم پرهیز کند، موقعیت جنگ و سیاست‌های رئیس‌جمهور به اندازهٔ ابزار سکوت او تأثیر نخواهد داشت. سکوت او مردم را وامی‌دارد تا منظورها و مقاصد پنهان و نامعین مدارا و پشت کردن به مردم، ارتباط با دشمن و امثال آن را به رئیس‌جمهور و اعمال او نسبت دهند. بحران شخصیت رئیس‌جمهور و رفتار سیاسی او در چنین موقعیتی بیشتر به واسطهٔ سکوت او برجسته می‌شود تا به وسیلهٔ موقعیت جنگ! یعنی تأثیر سکوت بر موقعیت بیش از تأثیر موقعیت بر مفاهیم است.

سکوت بلاغی از جنبهٔ نظری بسیار جالب است. زیرا جنبهٔ بلاغی این عمل به جای اینکه برگزیده متمرکز باشد بر روی شنونده متمرکز است. این سکوت هر چند به منزلهٔ یک استراتژی و ابتکار عمل به کار می‌رود اما شخص سیاستمدار فقط آغازگر آن است. این که سکوت به چه مقاصدی است، و چگونه آن مقاصد بر انتظارات موقعیت خاص که سکوت در آن رخ می‌دهد تأثیر می‌گذارد، همگی توسط جریانی که مخاطبان به حرکت در می‌آورند معین می‌شود.

ENCYCLOPEDIA OF RHETORIC AND COMPOSITION

Communication From
Ancient times to
the information age.

By Barry Brummett,
University of Wisconsin, Milwaukee.

GARLAND publishing, Inc New York London 1996

ENCYCLOPEDIA OF RHETORIC AND COMPOSITION

Communication From Ancient times to the information age.

By Barry Brummett, University of Wisconsin, Milwaukee.

GARLAND publishing, Inc New York London 1996

آن گونه که تاریخ علم زیبایی‌شناسی آثار ادبی نشان می‌دهد، سه عنصر فوق از عناصر حیات‌بخش و زیبایی‌آفرین این گونه آثارند و دامنه کنش آنها، گاهی چنان درهم می‌آمیزد که تشخیص و تمایزشان را از یکدیگر، مشکل می‌سازد.^۲

اگر بخواهیم تعریفی اجمالی از این سه ابزار زیبایی‌آفرین به دست دهیم، می‌توانیم بگوییم که: ایماژ (Image) در آفرینش اثر ادبی، آن چه را که هست، به تصویر می‌کشد یا به تعبیر دیگر، در قلمرو عملکرد این عنصر، تصویر، معرف «هستی» است (آن گونه که هست) که این «هستی»:

الف - می‌تواند زمینه‌ای واقعی داشته باشد که در اینصورت، نمایانگر تابلویی واقعی است:

شامگاهان که رؤیت دریا
نقش در نقش می‌نهفت کیود
داستانی نه تازه کرد به کار
رشته‌ای بست و رشته‌ای بگشود.
رشته‌های دگر بر آب ببرد.
اندر آن جایگه که فندق پیر
سایه در سایه بر زمین گسترد
چون بماند آب جوی از رفتار
شاخه‌ای خشک ماند و برگی زرد
آمدش باد و با شتاب ببرد^۳

«نیمایوشیج»

تصویر کلامی فوق، توصیفی از واقعیت بخشی از طبیعت است که با چشم نکته‌بین و زیباپسند شاعر، عکس‌برداری شده و در کارگاه ذهن او استحاله‌ای ادبی - هنری یافته و سپس ثبت گشته است.

ب - ایماژ (Image) در قلمرو آفرینش ادبی، می‌تواند «هست»‌های خیال‌گونه را به تصویر کشد: در «هفت پیکر» در حکایت «تاج برداشتن بهرام از میان دوشیر»، بعد از توصیف واقعی صحنه موردنظر، به تصویری حیرت‌آور برمی‌خوریم که ثبت «حرکت» سیالی است در مقطعی از زمان که مهم‌ترین بخش آن (تفسیر معنایی خودنمایی شیرها)، در خیال شاعر صورت پذیرفته است:

تاج زر در دم دوشیر سیاه
چون به کام دو ازدها در ماه
ماه با او به طشت رسته ز میغ
نه به طشت تهی به طشت و به تیغ
می‌زدند آن دو شیر کینه سگال

بر زمین چون دو ازدها دنبال
یعنی [:] این تاج زر ز ما که برد؟
غارت از شیر و ازدها که برد؟
آگهی‌شان نه ز آهین جگری
شیرگیری و ازدها شکری^۴
«نظامی»

و همچنین است در تصویر خیال‌گونه و جادویی زیر:
شکوهی در جانم تنوره می‌کشد
گویی از پاک‌ترین هوای کوهستان
لبالب

قدحی در کشیده‌ام

در فرصت میان ستاره‌ها
شلنگ‌انداز
رقصی می‌کنم
دیوانه!
به تماشای من بیا!^۵

«شاملو»

در سروده فوق، «حرکت» در ایماژ یا تصویر خیالی «شلنگ‌انداختن» شاعر در میان ستاره‌ها از شدت دیوانگی و سرخوشی، که دیوانه‌ها را نیز به تماشا می‌خواند، برای ابد، ثبت گشته است. در سیر حرکت زبان به سمت شکل یابی هنری، بر قله «مجاز» به اکسیری برمی‌خوریم که در روند «همانندپنداری» تشبیه، تغیری شگرف ایجاد می‌کند و با «یکسان‌نمایی» استعاره وار، «مس دلالت‌های زبانی» را به «طلای ناب دلالت‌های شاعرانه» تبدیل می‌سازد و به قول مارسل پروست، «به زبان، نوعی جاودانگی می‌بخشد».^۶

در چند و چون «طنازی» استعاره، چه از زمانی که در محور همنشینی کلام، خوش می‌نشیند ولی با قرینه‌هایی پیدا و ناپیدا، ذهن مخاطب را به معنایی مجازی در «محور جانشینی» سوق می‌دهد و چه از دامنه گسترده و رنگارنگ آن که گاهی، به آفرینش برجستگی‌های اعجاز‌آور کلامی، منجر می‌شود، جای سخن فراوان است.

اما، آنچه را که بنا به دلایلی، بهتر است بیشتر مورد توجه قرار دهیم، یکی از هنری‌ترین شکل‌های آن، یعنی «استعاره مرشحه» است که در واکنش خود، گاهی، آن چنان به مرز «ایماژهای واقعی» نزدیک می‌شود که

ایماژ، استعاره، نماد^(۱)

هرگاه قرینه‌ای نیمه پنهان، دلیل ما نباشد، هرگز نمی‌توانیم از دالان‌های تودرتوی «یکسان‌نمایی» آن، به دنیای «مجاز»، راهی ببریم. تا اینکه سرانجام، همین استعاره است که به دنیای «واقع‌نگاری» جاودانه، پل می‌زند! محور مشبه‌پذیری خویش را گسترش می‌دهد؛ قرینه خفی را محو می‌کند و در پایان، «نماد» را بر شاخه‌های خویش می‌نشانند.

شاید توجه به عملکرد «استعاره مرشخه» در ابیات زیر، برای روشن‌تر شدن بحث، بی‌نتیجه نباشد:

به باغ مشعله دهقان انگشت

بنفشه می‌درود و لاله می‌کشت^۷

«نظامی»

در تصویر (Image) فوق، به استعاره‌هایی برمی‌خوریم که از لحاظ ساخت هنری خود، قابل بررسی‌اند. شاعر از «باغی» سخن گفته است که در آن، «دهقان» «بنفشه» «می‌درود» و «لاله» «می‌کارد».

تصویر ترسیم شده می‌تواند تصویر «باغی واقعی» باشد ولی وجود یک یا دو قرینه نیمه آشکار «مشعله» و «انگشت» (زغال)، ذهن مخاطب را به جستجوی تازه برای یافتن معنی دیگری غیر از «باغ حقیقی»، هدایت می‌کند تا سرانجام پس از مدتی کندوکاو، با کمک این قرینه‌ها، ذهن خواننده از «محور همنشینی»^۸ کلام، به «محور جانشینی» منتقل می‌شود و درمی‌یابد که «باغ مشعله» استعاره از «اجاق یا منقل آتش» است ولی استعاره‌ای که مستعار منه آن، «باغ» به کمک سازگارهای واژگانی، دهقان، بنفشه، درودن، لاله و کاشتن، تقویت شده است تا «یکسان‌نگاری» را به نهایت خود برساند. (این توضیح درباره دو استعاره



مصرّحه بنفشه و لاله نیز، صدق می‌کند.) این کلام، از ایماژ یا تصویری دوسویه برخوردار است چرا که در محور همنشینی یک تصویر نسبتاً واقعی و در محور جانشینی، یک تصویر مجازی را ساخته است.

توجه به چگونگی این نحوه پرورش هنری — تصویری و کلام، در بیت زیر نیز، قابل بررسی است:

شعر خونبار من ای باد بدان یار رسان
که به مرگان سیه بر رگ جان زد نیشم^۹

«حافظ»

علاوه بر استعاره‌های مکتبیه تخیلیه به کار گرفته شده در بیت، آن چه که کلام فوق را به نهایت برجستگی رسانده است، استعاره تبعیه «خونبار»^{۱۰} است که با سازگارهای «رگ» و «نیش» یا «نشت» در بالاترین حد ممکن، پرورده و تقویت شده و قرینه بسیار خفی معنایی، ذهن را از «محور همنشینی» به «محور جانشینی» و کشف مستعاره، هدایت می‌کند و درک معنای مجازی استعاره را ممکن می‌سازد.

و اما، آن چه که حتی از حکایت «استعاره مرشحه» بیشتر قابل توجه است، جادوی «نماد» یا «سمبل» است که بستر کلام را بر گهواره‌ای از «حرکت» و «زمان شمولی» ابدی قرار می‌دهد — بهتر است قبل از طرح مسئله اصلی درباره «نماد»، به ذکر نظریه‌ای بپردازیم:

«زرار ژنت»^{۱۱} در سیر تکاملی زبان به سمت ادبیات، مراحل را بر می‌شمرد که از دیدگاه نظریه زیبایی‌شناسی ادبی، قابل بررسی است:

زبان هنگامی که بر امور واقعی زندگی دلالت می‌کند و در حد گزارش‌های خبری است، در قلمرو «دلالت‌های زبانی» قرار دارد^{۱۲} و هنوز به قلمرو ادبیات وارد نشده است؛ کاربرد «مجاز مرسل»^{۱۳} است که زبان را از خاستگاه دلالت‌های زبانی به سمت بالاتر، یعنی به مرحله «دلالت‌های مجازی» سوق می‌دهد و در ادامه جهت‌گیری به سمت هنر، تولد «استعاره» (مجاز هنری با علاقه شباهت) است که آن را به مرحله «دلالت‌های شاعرانه» یا «نظریه بیان» می‌رساند؛ آفرینش ادبی — هنری و آن چه که کلام را به ادبیات محض تبدیل می‌کند، بیشتر در این مرحله و مراحل بعد از آن، اتفاق می‌افتد.^{۱۴}

ژنت، معتقد است که در این مرحله از آنجا که نمی‌توان برای استعاره، معنی «قطعی» و «نهایی» در

نظر گرفت و محور دلالت‌های معنایی آن، باز است، اثر ادبی ماندگار و جاوید می‌شود.

در اینجا، نکته قابل توجه این است که اگر کاربرد لفظ «استعاره» را به طور مشترک برای استعاره و مرحله بعد از آن، «نماد» به کار ببریم، این تعبیر تا حدودی، درست است ولی با توجه به این که بین «استعاره» و «نماد» تفاوت‌هایی وجود دارد^{۱۵} اصل در استعاره بر این است که یک مشبه به (مستعار منه) در برابر یک مشبه (مستعار له) قرار می‌گیرد ولی «نماد» را می‌توان قرار گرفتن یک مشبه به (مستعار منه) در برابر دو یا چند یا طیف وسیعی از مشبه‌ها (مستعار له) به شمار آورد تعریف مورد نظر ژنت، در مورد، «نماد» بیشتر صادق است. از آنجا که دلالت‌های معنایی نماد (سمبل) در هر زمان و یا هر مکان، می‌تواند تغییر کند و چهره تازه‌ای به خود گیرد یا به تعبیری دیگر، مقتضای حال مخاطب و یا فضای حاکم بر زمان و مکان، در دریافت مشبه‌های جدید، مؤثر است، موجب «جاودانگی»، «زمان شمولی»، «مکان شمولی» و «مضمون شمولی» زبان می‌گردد.

شاید بتوان گفت که عنصر «نماد» بر آن است که بر ایماژها، استعاره‌ها و برجستگی‌های کلامی، تمثیل‌ها و اسطوره‌ها چنان تأثیری بگذارد که در هر زمان، سمندروار از خاکستر خویش سر برآورد.

«نماد» می‌تواند در بطن همه این ساختارهای هنری جای گیرد و با معانی چند پهلوی خود به آنها زندگی و رنگی ابدی بخشد.

شاید بررسی نمونه‌های زیر بتواند تا حدودی، به روشن شدن بحث مورد نظر، کمک نماید:

کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ
کار ما، شاید این است

که در افسون گل سرخ شناور باشیم^{۱۶}

«سهراب سپهری»

کلام ادبی فوق، بیانی شاعرانه است که برای غیرواقعی بودن آن، قرینه‌ای نمی‌یابیم.

«گل سرخ» بر گل سرخ واقعی دلالت می‌کند و شناسایی راز خلقت آن، می‌تواند مورد توجه باشد؛ هیچ قرینه‌ای واژگانی و حتی قرینه معنوی نیز، ذهن ما را هدایت نمی‌کند به این که نتیجه بگیریم که گل سرخ، در محور جانشینی کلام، معنایی مجازی دارد ولی در فضای حاکم بر کلام، چیزهایی وجود دارد که معنایی را بیشتر از آنچه که هست، طلب می‌کند و به ما اجازه

نمی‌دهد فقط به معنی واقعی واژه دلخوش باشیم و یا به عبارت دیگر، آگاهی بر زمینه‌های فکری و نگرش شاعر به ما می‌گوید که پشت این واژه معنا‌های دیگری نیز، نهفته است؛ مثلاً: زیبایی، حقیقت، ذات خداوند، آفرینش، عشق و...

و همچنین است در شعر زیر:

ایستاده

ابر و

باد و

ماه و

خورشید و

فلک

از کار

زیر این برف شبانگاهی

بدتر از کژدم

می‌گزد سرمای دی ماهی

کرده موج برکه در یخ برف

دست و پای خویشان را گم

زیر صد فرسنگ برف

اما

در عبور است از زمستان دانه گندم^{۱۷}

«شفیعی کدکنی»

ایماژ یا تصویرهایی که در شعر بالا ترسیم شده است، بیانگر فضای واقعی است که با توجه به بسیاری از ابزارهای سازنده یک اثر ادبی، شکلی توصیفی به خود گرفته است که به تنهایی و بدون دلالت معنایی دیگری غیر از خودش، زیبا، هنری و تأثیرگذار است. به غیر از یک یا چند استعاره مکتبیه تخیلیه، قرینه‌ای خاص در محور همنشینی کلام، ذهن ما را به معنا‌های مجازی در محور جانشینی هدایت نمی‌کند ولی با توجه به نگرش و فرهنگ شاعر و مقتضای حال زمان، مکان و مخاطب، می‌توانیم از واژگان نمادین به کار گرفته شده در اثر، تعبیر دیگری غیر از واقعیت داشته باشیم؛ مثلاً:

«برف شبانگاهی» و «سرمای دی ماهی» را می‌توان فضای حاکم بر جامعه در هر زمان خاص، احساس درونی شاعر، روابط حاکم میان انسان‌ها و... و همچنین «دانه گندم» را، شاعر، احساس و شعر او، هر انسان پویا، انسان‌های یک جامعه یا جهان و یا هر فرد مورد نظر شاعر و... فرض کرد (این مسئله در مورد بیشتر واژگان به کار گرفته شده در شعر، مانند: ابر، باد، برف، زمستان،

موج برکه و... نیز صادق است). همانطور که گفته شد، علاوه بر نگرش شاعر، مقتضای حال نیز در دریافت دلالت‌های معنایی دیگر، مؤثر است و از این رو است که به غیر از دیگر ابزارهای

آفرینش ادبی، عدم توانایی مخاطبین در نظر گرفتن دلالت معنایی «نهایی» و «قطعی» در نمادها نیز، می‌تواند یکی از مهم‌ترین علت‌هایی باشد که می‌تواند آثار ادبی را جاودانه سازد و عاطفه طیف وسیعی از مخاطبین آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اِیماژ (Image; Imagery) تصویری که شاعر به وسیله کلام می‌سازد تا تجربه حسی یا خیالی خویش را به ذهن خواننده منتقل کند.

— استعاره (metaphor) نوعی مجاز است که علاقه یا پیوند آن، شباهت است.

— نماد (symbol) واژه یا نشانه‌ای است که چیز دیگر را از طریق قیاس یا تداعی نشان می‌دهد. مانند رنگ سفید که معمولاً نشانه بیگناهی است. اما نمادها در حقیقت معنی وسیع‌تر و پیچیده‌تری دارند و وسعت معنایی آنها باعث می‌شود تا تمام معنی و مفهوم خود را به خواننده منتقل نکنند و به خاطر مفاهیم متعددی که در خود پنهان دارند، دستیابی به معنی دقیق آنها ممکن نیست. نمادها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که از آن جمله است: الف — نمادهای مرسوم (قراردادی) که آگاهانه به کار برده می‌شوند. ب — نمادهای ابداعی و شخصی که معنی از پیش شناخته شده‌ای دارند. ج — نمادهای ناآگاهانه که حاصل عوالم روحی و تجربیات خاصی است که برای نویسنده و شاعر پیش می‌آید و همچنین نمادهای خواب و رویا.

یا استفاده از «واژه‌نامه هنر شاعری»
میمنت میرصادقی، مهناز، تهران، ۱۳۷۳
۲. LAURENCE PERRINE / POETRY / THE
Elements of Poetry / Southern Methodist
University

۳. نیما یوشیج، مجموعه آثار، دفتر اول، به کوشش سیروس طاهباز، ج دوم، ص ۵۱۵، نشر ناشر، تهران، ۱۳۶۹

۴. نظامی، کلیات، هفت پیکر، پرویز بابایی، مطابق نسخه وحید دستجردی، ص ۶۶۸، بیت ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ نگاه — علم، تهران ۱۳۷۶

۵. حقوقی، محمد، شعر زمان ما (۱)، بررسی شعر احمد شاملو، ص ۱۵۷، نگاه، تهران، ۱۳۶۸

۶. احمدی بابک، ساختار و تأویل متن، ص ۳۱۴، سطر ۱۹، مرکز، تهران، چ چهارم، ۱۳۷۶

۷. نظامی گنجوی، کلیات، خسرو و شیرین، براساس نسخه وحید دستجردی، به اهتمام پرویز بابایی، ص ۱۷۸، بیت ۱۳، ج دوم، نگاه — علم، ۱۳۷۶

۸. در استعاره دو محور قابل بررسی است یکی محور همنشینی که معنی لفظی مستعار در آن فهمیده می‌شود و دیگری محور جانشینی است که معنی مجازی (استعاری) در آنجا قابل بررسی

است مثلاً در «ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد» ستاره در محور همنشینی به معنی ستاره آسمان است ولی باتوجه به قرینه «مجلس» ذهن ما متوجه معنی «محبوب» در محور جانشینی می‌شود (محبوب را جانشین ستاره می‌کنیم)
۹. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد، دیوان، انجمن خوشنویسان ایران، چ دوم، ۱۳۴۳

۱۰. هرگاه استعاره در فعل یا صفت رخ دهد، تبعیه است. «خونبار» صفتی است که برای «شعر» آورده شده است؛ چون از روی قرینه معنایی می‌دانیم که شعر نمی‌تواند خونبار باشد، ذهن ما متوجه معنی مجازی آن می‌شود و چون علاقه این مجاز، شباهت است حالتی از شعر به خونبار بودن تشبیه شده است، مجاز از نوع هنری آن یعنی «استعاره» است. (این حالت یعنی «مستعاره» می‌تواند «بسیار دردناک بودن» و یا «با آه و سوز و درد همراه بودن» شعر باشد) استعاره در اینجا بسیار قوی و برجسته است.

۱۱. ژرار ژنت در سال ۱۹۳۰ در پاریس به دنیا آمد. پس از انتشار سه مجلد کتاب «مجازها» به عنوان یکی از مهم‌ترین پژوهشگران بررسی ساختار متن شناخته شد. ژنت در سال ۱۹۷۶ «منطق تقلید» را در شرح نقد، بررسی تکامل تاریخی نظریه ارسطو، منتشر کرد؛ دو سال بعد «الواح بازنوشتی» را در مورد مسأله «بینامتنی» نوشت؛ موضوع آثار ژنت نکته‌های اصلی و آشنای نظریه ادبی ساختاری است.

۱۲. قلمرو «دلالت‌های زبانی» مطرح شده در نظریه ژرار ژنت تا حدودی با مباحث مربوط به «استاد خبری» در علم معانی، ارتباط دارد (البته بدون در نظر گرفتن معنای ثانوی استاد خبری) و همچنین مباحث مطرح شده در معانی و بیان سنتی که تحت عنوان «فصاحت و بلاغت» نکات مربوط به درست ایراد کردن کلام را بررسی می‌نماید، می‌تواند تا حدودی در این مرحله مطرح شود.
۱۳. مجاز راه دیگری است در بیان معنی که در آن، واژه در معنایی به کار گرفته می‌شود که برای آن وضع نشده است. واژه می‌تواند یک معنی حقیقی داشته باشد که برای آن وضع شده است و در بعضی موارد نیز در معنایی دیگر به کار می‌رود که این معنا، معنای مجازی است. اگر پیوستگی یا علاقه بین معنای حقیقی و مجازی واژه شباهت باشد، مجاز از نوع استعاره است و در غیر اینصورت به آن «مجاز مرسل» می‌گویند.

۱۴. این مورد در کتاب «بیان» تألیف دکتر سیروس شمیسا نیز، به عنوان «بعد از استعاره» نام‌گذاری شده است.

۱۵. علاوه بر تفاوتی که در متن آورده شده است، تفاوت دیگر بین «استعاره» و «نماد» در این است که در «استعاره» قرینه صارف‌ای که ما را به معنای مجازی هدایت کند، وجود دارد ولی در «نماد» قرینه‌ای به این منظور نداریم؛ به عبارت دیگر، «نماد» بر خودش هم دلالت می‌کند.

۱۶. سپهری سهراب، هشت کتاب، طهوری، چ ۲۱، ۱۳۷۷
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، هزاره دوم آهوی کوهی، سخن، تهران، ۱۳۷۶



قبل از آن:

«از آن پس چو جنبه آمد پدید»

همه رستنی زیر خویش آوردید.»

فقط سخن از چیرگی جنبه است بر رستنی. به گمانم استاد ارجمند چیرگی انسان بر گیاهان و درختان و اینکه «همه حیوانات مطیع و مقهور آدمیان نشدند.» را از به هم پیوستن مصرع دوم بیت ۵۰ و مصرع اول بیت ۵۴ به دست آورده‌اند، که قاعدتاً باید سر هر دو- گیاه و حیوان- زیر فرمان انسان که اشرف مخلوقات است فرود بیاید. اگر ایشان بیت ۵۴ را همانند اکثر چاپهای معتبر و نسخ دیگر از متن برکنار می‌نهادند این معنی به دست نمی‌آمد، چه از بیت ۶۰ «مردم آمد پدید» به هر روی مراد از مصرع ۲ بیت ۵۰ حالت ظاهری گیاهان و درختان است.

در شاهنامه چاپ دکتر دبیرسیاقی این مصرع بدینگونه آمده است: «به ابر اندر آمد سرانشان ز بخت.» که در روشنی و وضوح معنی بر ضبطهای دیگر برتری دارد.

۲- بیالذ ندارد جز این نیرویی

پیوید چو پویندگان هرسویی

ص ۹ ب ۵۲

در معنی بیت آورده‌اند: «رستنی‌ها نیز مانند جنبندگان دیگر می‌توانند حرکت کنند و ریشه بدوانند و به هر سویی روان شوند».

فصل اول مصرع دوم این بیت در نسخ مختلف، دارای اختلاف است. بعضی از نسخه‌ها آنرا مثبت و بعضی منفی آورده‌اند، در نسخه فلورانس فعل، مثبت آمده است. اما آیا گیاهان و درختان آنگونه که پویندگان هر سویی می‌پویند به هرسویی می‌پویند؟! اگر آنگونه بود که جنبنده نمی‌توانست رستنی را زیر خویش آورد، یا به قول انوری:

«درخت اگر متحرک شدی زجای به جای

نه جور اهر کشیدی نی جفای تبر»

بنابراین گمان می‌کنم «نپوید» که در چاپ مسکو و

دستنویس موزه فلورانس با تاریخ ۶۱۴ دربردارنده ابیات شاهنامه تا پایان پادشاهی کیخسرو است که بوسیله خاورشناس ایتالیایی آنجلو پیه‌مونتسه به عنوان قدیمی‌ترین نسخه شاهنامه معرفی گردیده است. میکروفیلم این نسخه را خانم فرمینا مورونی دانشجوی ایتالیایی دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی به ایران آورده است و ایشان آن را به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه کرده‌اند. در سال ۱۳۶۹ به مناسبت هزاره شاهنامه، چاپ عکس دستنویس یادشده با مقدمه دکتر علی رواقی توسط انتشارات دانشگاه تهران به بازار کتاب عرضه می‌شود. شش سال بعد همان ناشر جلد اول شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس را با گزارش ابیات و واژگان دشوار و مقابله با چاپهای دیگر بقلم دکتر عزیزالله جویی به چاپ می‌رساند. جلد دوم از این چاپ زمستان ۷۷ به طبع رسیده و قرار است در پنج مجلد کامل گردد.

اینک در این مقاله به بررسی ابیاتی از جلد اول این شاهنامه می‌پردازیم:

۱- گیارست با چندگونه درخت

بزیر اندر آمد سرانشان زبخت

ص ۷۹ ب ۵۰

در معنی بیت آورده‌اند: «گیاهان و درختان روئیدند، آن‌گاه مقدر چنین بود که سرانها در زیر فرمان آدمی باشد.» و نیز (ب ۵۴ متن)

به بیت ۵۴ می‌نگریم:

«سرش زیر نامد بسان درخت

نگه کرد باید بدین کار سخت»

بیتی که به جز نسخه فلورانس فقط در بریتیش میوزیم آمده است آن هم با ضبطی دیگرگون در مصرع اول، بدینگونه: «همی سر برآرد بسان درخت». در بیت

دبیرسیاقی، نیز شاهنامه تصحیح شده حمدالله مستوفی آمده است ضبطی درست است.

۳- از آن دو یکی را بپرداختند

جز آن چاره‌یی نیز نداشتند

ص ۷۷ ب ۷۹

پرداختن را در بیت مذکور بمعنای رها کردن و آزاد کردن گرفته‌اند. که بدان معنا نیست بلکه به معنی کشتن است چه در حقیقت دنیا از وجود یکی از آن دو جوان پرداخته (خالی، تهی) شده است. سپس خوالیگران - بیت ۳۲ - جوان دیگر را به جان زنهار می‌دهند.

۴- فرانک بدو گفت کای نامجوی

بگویم تو را هر چه گفتم بگوی

ص ۹۳ ب ۱۶۸

در معنی بیت آورده‌اند: «فرانک به فریدون گفت: من این راز را بر تو آشکار می‌کنم آنگاه تو هرگونه داوری درباره من می‌کنی بکن».

در بیت مذکور سخنی از داوری کردن به میان نیامده است، فریدون از مادرش می‌پرسد «بگوئی مرا تا که بودم پدر» فرانک هم جواب مثبت می‌دهد. در جلد ۲ فلورانس ص ۱۸۵ بیت ۱۱۹۲ همانند جواب فرانک را از سیندخت می‌شنویم:

چو ایمن شدم هر چه گفتم بگوی

بگویم، بجویم بدین آب روی

بگمانم درنگ دراز بعد از «را» معنی داوری را به ذهن متبادر نموده است.

۵- سرانجام رفت سوی بیشه‌ای

که کس را نه زان بیشه اندیشه‌ای

ص ۹۴ ب ۱۷۸

در معنی بیت آورده‌اند: «سرانجام سوی بیشه‌ای رفتم، که کسی از رفتن به درون آن بیمناک نبود، یعنی خالی از حیوانات درنده بود».

گمان می‌کنم که اندیشه در این بیت بمعنای فکر است نه بیم، دیگر اینکه بدیهی است که بیشه خالی از

ابوالفضل حبیبی

درگذر از کاخ نظم

درنده بوده و گر نه گاو و نگهبانش در آنجا نمی بودند. در واقع فرانک می گوید: بسوی پیشه ای رفتیم که کسی -عاملان ضحاک- اندیشه اش به آنجا نمی رسید، یعنی احتمال پنهان شدن ما را در آنجا نمی دادند.

۶- چو برخواند کاوه همه محضرش
همی شد ز پیران آن کشورش
ص ۱۰۰ ب ۲۴۵
در معنی بیت آورده اند: «چون کاوه به آن گواهی نامه ای که از سوی پیران کشور فراهم گردیده بود (همی شد)، نگریست». «شدن»: حاصل آمدن، پیدا شدن، گرد آمدن و دست دادن.

سخن ما درباره نادرستی ضبط مصرع دوم بیت در نسخه فلورانس است که با توجه به خود بیت، ضبط نسخ دیگر و ترجمه بنداری باید آن را اشتباه کاتب نسخه بینگاریم.

نخست بیت را می نگریم: در مصرع اول کاوه همه محضر را بر خوانده است، بنابراین در مصرع دوم منتظر عکس العملش و دیگرگونی حالش هستیم. نه توضیح محضر که با «ش» ضمیر به مرجعش ضحاک بازگردد. دوم، ضبط نسخ معتبر مورد استفاده در شاهنامه چاپ مسکو که همگی بدون اختلاف، سبک سوی پیران آن کشورش - آورده اند. ضبط طبع دکتر دبیرسیاقی نیز همانند مسکوست. سوم: بنداری می گوید: ... اقبل علی الحاضرین و... که مویذ ضبط مسکو و دبیرسیاقی است. با این اوصاف استاد گرامی می بایست یا پیشنهاد دکتر خالقی مطلق را برای ضبط فلورانس (غمی شد) می پذیرفتند و متن را تغییر می دادند یا ضبط اکثر نسخ را جایگزین آن می ساختند.

۷- بگفتند کو سوی هندوستان
بشد تا کند بند، جادوستان
ص ۱۱۷ ب ۳۹۵
در معنی بیت آورده اند: «... تا که آن جایگاه جادوان (جادوستان) را به حبس و بند بدل کند». در مصرع دوم با فعل بند کردن به معنای تحت سیطره و سلطه

در آوردن مواجهیم و نمی توان فصل مذکور را به دوباره کرده نیمه را به معنای اسم مکان: حبس و بند و نیم دیگر را به معنی فعلی مجزا: تبدیل کردن گرفت.

۸- ورا کندرو خواندندی بنام
بکندی زدی، بیش بیدار گام
ص ۱۱۹ ب ۴۰۸

سخن برسر ضبط مصرع دوم بیت در نسخه فلورانس است، ضبط نسخ دیگر: «... پیش بیداد - گام». است به روشنی و بدون اختلاف، کاتب سهل انگار فلورانس به غلط پیش را بیش و «بیداد» را «بیدار» نوشته است ولی با نوشتن ضحاک بر روی بیدار ضبط جمیع نسخ را تأیید کرده اگر چه شاید به علت تعجیل در کتابت نرسیده نقطه های اضافی را بگذارد و «ر» را به «د» تبدیل کند. اما استاد ارجمند ضبط فلورانس را پذیرفته اند بدون توجه به اینکه مراد از بیداد سمبل و منشأ آن ضحاک است. ایشان می گویند: «فردوسی به راحتی می توانست بگوید «پیش ضحاک» بجای «پیش بیداد». ضمناً این بیت از منوچهری را در تأیید ضبط فلورانس شاهد آورده اند:

«بیش بین چو کرکس و جولان کننده چون عقاب
راهوار ایدون چو کبک و راست زو همچون کلنگ»
که «بیش بیدار» ترکیبی است مترادف با «بیش بین». بگمانم اگر حکیم طوس «پیش ضحاک» می فرمود، شاهنامه خوانها می انگاشتند براستی کندرو، کندرو بوده است و نزد ضحاک آهسته قدم برمی داشته است. اما «پیش بیداد» ضمن اینکه این انگاره نادرست را به ذهن خواننده نمی آورد، نشانه بیان غیرمستقیم، کنایی و شاعرانه فردوسی پاکزاد است.

می دانیم که برای نشان دادن ضبط صحیح واژه ای در اثری - منظوم یا منثور - نخست باید دید آیا پدیدآورنده اثر آن واژه را بار دیگر در جایی دیگر از همان اثر بکار برده است یا خیر. برای ضبط «بیش بیدار» نیز باید از سخن خود فردوسی شاهد آورد و تأیید گرفت نه از سخن منوچهری.

۹- شما دیرمانید و خرم بوید
برامش سوی ورزش خود شوید
ص ۱۲۸ ب ۴۹۸
ورزش را در این بیت بمعنی کشاورزی گرفته اند از ورزیدن. لکن ورزش در اینجا بمعنی حرفه است نه فقط کشاورزی، چه فریدون پیشتر از چند حرفه سخن به میان می آورد.

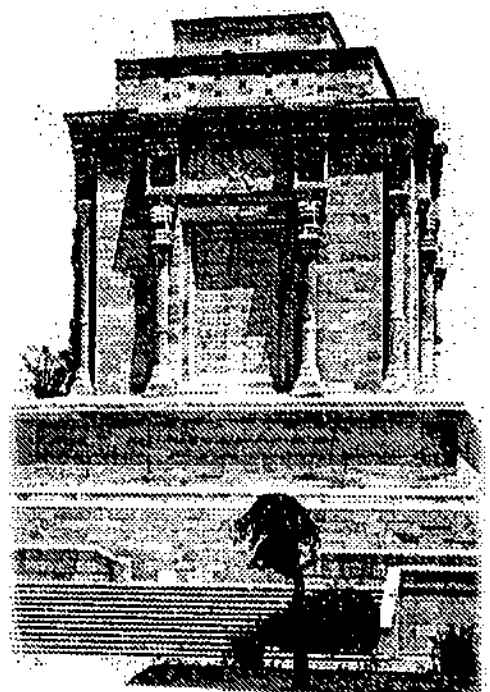
۱۰- چو بندی بر آن بند بفزود نیز
نبود از بد بخت مانید چیز
ص ۱۳۱ ب ۵۲۳
واژه «مانید» در مصرع دوم بیت، در نسخ دیگر ضبط های مختلفی دارد، استاد ارجمند فرموده اند: «از این اختلافات معلوم می گردد که این واژه چون معنی روشنی نداشته لذا دستخوش این همه دگرگونی شده است. ایشان «مانید» را به معنی جرم و گناه و تقصیر و کوتاهی در کار، از فرهنگها گرفته اند. اگر چه ضبط نسخ دیگر از جمله بریتانیا، مانده، خاورشناسی ۱، مانده، لنینگراد، مانده، دبیرسیاقی: مانیده و... همگی بر معنایی غیر از آنچه آورده اند دلالت دارد.

در لغت نامه دهخدا مانیدن به معنی گذاشتن و ترک کردن و رها کردن، وا گذاشتن، واگذار کردن (ناظم) آمده است. با این شواهد:

چو بندی بر آن بند بفزود نیز
نبود از بد بخت مانیده چیز
کنون هرچه مانیده بود از نیا

زکین جستن و جنگ و از کیمیا
بیت دوم را استاد ارجمند شاهد بر معنای مورد نظرشان آورده اند. نیز این دو بیت را:
۱- مرا این درستست کز کار کرد

نمانی مانید روز نبرد
چاپ عکسی فلورانس ص ۴۲۲ سطر آخر.
این بیت به گواهی نسخ مورد استفاده در چاپ مسکو دارای اختلاف است و در هیچ کدام «مانید» نیامده است. (ص ۱۴۳ مسکو).



شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس
مزارش ابیات و واژگان دشوار: دکتر عزیز الله جوینی
جلد اول: انتشارات دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵

ضبط متن مسکو: «تو پیروز باشی به روز نبرد» است. اما معنی مصرع دوم با ضبط فلورانس می شود: تو در روز نبرد در مانده نمی شوی. که ضبط مسکو هم آن را تأیید می کند.

۲- ز تیزی گرفتار شد ریو نیز

نیود از بد بخت مانید چیز
در ج ۴ چاپ مسکو ص ۶۷ ب ۹۲ ضبط مصرع دوم «مانده چیز» و در حاشیه از خاورشناسی «مانند چیز» است. این ضبطها به روشنی می گویند که مانید [ه] بمعنای کنار گذاشته و ترک کرده و ناتمام رها شده است. (لغت نامه دهخدا) لکن کاتب فلورانس با جا انداختن «ه» سهوالقلم خویش را بار دیگر به نسخه شناسان و مصححان نشان داده است.

۱۱- نشستند فرزندان شادکام

گرفتند هریک ز یاقوت جام
استاد یاقوت را شراب سرخ رنگ دانسته اند و بیتی از رودکی را نیز براین معنی شاهد آورده اند.

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی

و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی
اما یاقوت در بیت شاهنامه جنس جام است نه استعاره از شراب سرخ رنگ چه در بیت بعد «می روشن» آمده است. در بیت رودکی تشبیهی آمده است یا تمام ارکانش: می: مشبه، یاقوت: مشبه به، روان بودن: وجه شبه. ولی در بیت شاهنامه قرینه ای بر معنای استعاری یاقوت موجود نیست. حکیم طوس در بیتی دیگر از شاهنامه نیز جنس جام را همین گونه آورده است:

ز برجد طبق ها و پیروزه جام

چه از زرسرخ و چه از سیم خام

ج ۲ فلورانس ص ۳۵

۱۲- به جندل چنین گفت شاه یمن

که بی آفرینت مبادا دهن!

ص ۱۴۲ ب ۷۴

در معنی مصرع دوم آورده اند: «سرو گوید: هیچ دهنی خالی از ستودن تو نباشد!»

بگمانم که مرد به جندل می گوید: «دهنت بی آفرین مبادا» یعنی همیشه برخورداردت دوستانه باشد و دهانت آکنده از ستایش و مدح و تحسین.

۱۳- از این سه گرانمایه پرسید مه

کزین سه ستاره کدامست که
میانه کدامست و کهنتر کدام؟

بباید برین گونه تان برد نام

ص ۱۵۶ ابیات ۱۹۱ و ۱۹۰

استاد ارجمند «مه» را در مصرع اول ب ۱۹۰ مربوط به مصرع دوم گرفته اند نه صفت سرو یمن و «که» را در آخر بیت، صفت «سه ستاره» (سه دختر) دانسته اند و این به دو دلیل است: ۱- چون فریدون به پسرانش (ابیات ۱۷۰ و ۱۶۹) می گوید: سرو به ترتیب سن دخترانش از شما پرسش می کند، پس در این دو بیت نیز

که سرو پرسش می کند فردوسی باید ترتیب را رعایت کرده باشد. ۲- دلبستگی تام به نسخه فلورانس و اینکه ضبط درست فقط از آن این نسخه است و لا غیر.

به هر روی «مه» را نمی شود صفت سرو ندانست و مهتر را بمعنی دختر بزرگ انگاشت چه ضبط نسخ دیگر، آشکارا «شه» است و «مه» دیگرسانی ای است از یک مفهوم که همان سرو پادشاه یمن باشد، دیگر اینکه چرا فاعل «پرسید» بعد از آن نیاید و به قرینه ابیات پیشین آن را بیابیم؟! اما «که» چیز دیگری نیست جز دختر کهنتر. چه التزامی است که حتماً فردوسی ترتیب سنی را باید رعایت کرده باشد؟! در شاهنامه چاپ دکتر دبیرسیاقی بجای «کهنتر» در مصرع اول بیت ۱۹۱ «مهتر» آمده است که می توان ضبط فلورانس را نیز مانند آن کرد یا «مه» را در مصرع اول بیت ۱۹۰ به «شه» برگرداند تا پرسش سرو به ترتیب سن دخترانش شود.

۱۴- جوان را بود روز پیری امید؟

نگردد سیه، موی گشته سپید

ص ۱۷۶ ب ۳۳۶

در معنی بیت آورده اند: «آیا می شود کسی در روزگار پیری آرزو کند جوانی را؟...» به نظر ایشان جوان بجای جوانی بکار رفته است.

اما مراد از جوان سلم و توراند که به تعریض و کنایه به پدرشان می گویند: ما جوان هستیم، امید به آینده داریم اما تو مویت سفید شده و دیگر سیاه نمی شود. (جوان شدنی نیستی).

در متون دیگر نیز به این سخن بازمی خوریم. از جمله در قابوسنامه باب نهم (در پیری و جوانی) می خوانیم:

«اگر پیران در آرزوی جوانی باشند جوانان نیز بی شک در آرزوی پیری باشند» ص ۵۸

در بوستان نیز سعدی فرموده است:

جوان تا رساند سیاهی به نور

برد پیر مسکین سپیدی به گور

۱۵- سه فرزند بودت خردمند و گرد

بزرگ آمده نیز پیدا ز خرد

ص ۱۷۶ ب ۳۵۱

در معنی مصرع دوم آورده اند: «... لیکن تو فرزند بزرگ را از سمت آخر، یعنی کوچکتر را بزرگ به حساب آوردی». استاد گرامی «پیدا آمدن» را بمعنی پدید آمدن، حاصل شدن و معلوم گشتن، «نیز» را هم بمعنی در حالی که گرفته اند.

اما معنی درست غیر از آن است که آورده اند، یعنی «پسران تو به حدی رسیده بودند که بزرگترشان از کوچکتر قابل تشخیص بود».

۱۶- بپوئید و آن توشه ره کنید

بکوشید تا رنج کوتاه کنید

ص ۱۸۳ ب ۴۱۵

در معنی مصرع دوم آورده اند: «... بکوشید تا در پی از

و حرص، بیهوده رنج نکشید». بنده گمان می کنم که رنج در این بیت بمعنی زحمت و عذاب اخروی است و با توجه به آن معنی بیت را می آورم: «کوشش و جهد کنید برای آنچه موجب رستگاری است تا رنج و عذاب آن دنیایان را کوتاه کنید».

۱۷- سخن چند بشنید و پاسخ نداد

همان گفتش آمد، همان سرد باد

ص ۱۹۷ ب ۵۲۸

استاد ارجمند سردباد را سخن سرد انگاشته اند و در معنی بیت آورده اند: «تو هر چه را از ایرج می شنید پاسخ نمی داد، جز آنکه همان سخنان سرد پیشین را تکرار می کرد».

لکن سردباد در این بیت همان آه سرد و ناله سرد است. اگر آن را بمعنای سخن سرد بگیریم باید «پاسخ نداد» را حشری قبیح بپنداریم، که نیست. برآستی تو در مقابل حرفهای حق و نرم ایرج پاسخی نداشت و بدرستی گفت او همان آه سرد او بود که نشانه عجزش در مقابل منش بلند و فروتنی فزون از حد ایرج بود.

۱۸- در باز، بسته گشاده زبان

همی گفت زار ای نبرده جوان

ص ۲۰۴ ب ۵۸۳

جمع نسخ در مصرع اول «دریار» آورده اند که گویای امتناع فریدون از باردادن و پذیرفتن مردم به حضور خویش است. اما کاتب نسخه فلورانس با گذاشتن نقطه بر روی «ر» بار دیگر ضبطی شاذ ارائه کرده است چه گمان کرده که در باز را می بندند دیگر!

استاد گرامی «گفت زار» را در مصرع دوم اصطلاح انگاشته اند به معنی زاری بر من باد و وای بر من؛ که در دو بیت دیگر شاهنامه هم آمده است:

همی گفت زار ای یل اسفندیار

جهانجوی و از تخمه شهریار

ج ۶ ص ۳۰۶ ب ۱۴۱۵

همی گفت زار ای نبرده سوار

نیا شاه جنگی پدر شهریار

ج ۶ ص ۳۱۲ ب ۱۵۱۳

اما زار در هر سه بیت قید است و چگونگی فعل (گفتن) را می رساند و لا غیر.

۱۹- سراپرده دیبه از رنگ رنگ

بدوی اندرون خیمه های پلنگ

ص ۲۸۹ ب ۶۲۲

به نظر استاد ارجمند «پلنگ» معنی استعاری دارد و مراد از آن سرداران سپاه و یا پهلوانان لشکر می باشند. چون در عبارت «خیمه های پلنگ» هرگز معنی «رنگ پوست پلنگ» صراحت ندارد، زیرا فردوسی می توانست بگوید: «بدو خیمه هایی چو چرم پلنگ»

اما کدام قرینه ما رابه معنای استعاری پلنگ رهنمون می گردد؟! آیا صراحت بنداری در برگرداندن چرم پلنگ به «جلود النمر» نشانه نفهمیدن معناست

توسط او؟!)

از بیت ۶۲۰ تا ۶۲۸ صریحاً وصف چیزهایی است که فریدون به منوچهر پیشکش می‌کند و پس از آن ذکر پهلوانان و نامداران کشور به میان می‌آید، لذا نمی‌توانیم پلنگ را غیر از جنس خیمه بینگاریم.

شاید اگر مراد فردوسی از پلنگ، گردان و پهلوانان بود، اینگونه می‌سرود:

«بدو خیمه‌های پلنگان جنگ» یا «بدانجا خیام پلنگان جنگ».

۲۰- نیوئیم تا آب رنجش دهیم

چو تازه شود تاج و گنجش دهیم

ص ۲۱۶ ب ۶۶۷

در معنی بیت آورده‌اند: «راهی نیرویم و یا کاری نکنیم تا به منوچهر آب رنجیدگی بنوشانیم و همین که بالید و جوان شد به وی تاج و گنج خواهیم داد».

ضبط نسخ دیگر گواهی بر مثبت بودن فعل اول بیت می‌دهد و فقط نسخه فلورانس آن را منفی آورده است. لکن هر دو صورت برای رساندن یک معنی است و آن کوشش سلم و تور برای به در کردن رنج سفر از تن منوچهر است. ضمناً «آب رنج» اضافه تشبیهی به معنای آب رنجیدگی نیست بلکه مراد وسایل آسایشی است که رنج را از بین ببرد.

بدین ترتیب معنی بیت را با هر دو وجه مثبت و منفی فعل می‌آوریم:

نیوئیم: می‌کوشیم تا آبی (وسایل آسایشی) به او دهیم تا رنج راه از بین برود.

نیوئیم: از پا نمی‌نشینیم (کوتاهی نمی‌کنیم) تا آبی (وسایل آسایشی) به او دهیم تا رنج راه از بین برود.

۲۱- نشست از بر تخت پیروزه شاه

چو سرو سهی بر سرش گرد ماه

ص ۲۱۶ ب ۶۷۲

بنظر استاد گرامی در اینجا مراد از گرد ماه تاج است که همچون ماه می‌درخشیده است. لکن مصرع، وصف

هیكل شاه آفریدون است بدون آلات شاهنشاهی، در بیت بعد ادوات از جمله تاج ذکر می‌شود پس مراد از گرماه صورت است نه تاج. این تشبیه را حکیم طوس برای رودابه نیز آورده است:

یکی سرو دید از برش گرمه‌ها

نهاد به مه بر ز منبر کلاه

۲۲- هر آن کس که دارد روانش خرد

گناه آن سگالد که پوزش برد

ص ۲۲۲ ب ۷۲۱

در معنی بیت آورده‌اند: «هرکس که خردمند باشد می‌داند: چون کس در خود احساس گناه کند از یزدان پوزش خواهد خواست».

اما پاسخ فریدون به پسران ناخلفش سلم و تور این است: «هر خردمند گناهی را سگالد (اندیشه گناهی را می‌کند) که بعد از انجامش پوزش پذیر باشد». یعنی گناه شما - قتل برادران - گناهی نیست که به پوزش بتوان از عقابش رهید. و شما «مکافات این بد به هر دو جهان / بیابید و این هم نماند نهان».

۲۳- به زور خداوند خورشید و ماه

که چندان نمانم ورا دستگاه

ص ۲۳۶ ب ۸۴۰

استاد گرامی دستگاه را در این بیت به معنی فرصت گرفته‌اند اما دستگاه در اینجا نیز به معنی جاه و جبروت و تشکیلات است آنگونه که بارها در شاهنامه آمده است. منوچهر می‌گوید: تشکیلاتش را مجال یک چشم برهم زدن نمی‌دهم.

۲۴- چو خورشید بز تیغ گنبد کشید

نه آیین دزد بد نه دزدان پدید

ص ۲۵۲ ب ۹۶۸

استاد ارجمند «آئین» را بمعنی فز و شکوه گرفته‌اند. که معنایی مناسب و روشن نیست. در لغت‌نامه فارسی یکی از معانی‌ای که برای آئین آمده، نشان و اثر است با این بیت شاهد از ویس و رامین:

«تنش را اگر ز درد آیین نبودی

دهانش را شکر شیرین نمودی»

بگمانم می‌توان آئین را در بیت شاهنامه هم بدین معنی گرفت.

۲۵- بیفکند برگستوان و بتاخت

به گرد سیه چهره اندر نشاخت

ص ۲۵۸ ب ۱۰۱۲

در معنی مصرع اول آورده‌اند: «منوچهر برگستوان را براسب افکند و بتاخت رفت» بنظر ایشان «ظاهراً منوچهر پیش از برنشتن باید، برگستوان را بر روی اسب بیفکند بعد سوار شود. نه بعد از آن. گویی این پیشی و پسی در اجزاء دو بیت به جهت ضرورت شعری بوده نه جز آن، زیرا نمی‌شود کسی نخست سوار اسب شود بعد برگستوان را بر روی اسب بیفکند» به این بیت نیز ارجاع داده‌اند:

«برو برگستوان برگستوان

برو بر نشست آن شه خسروان

مسکوح ۶ ص ۹۷ ب ۲۷۰

«افکنند (بریدن) برگستوان شگردی در آورده‌گاه»:

پهلوانان و جنگاوران در هنگام سواری و تاخت برای افزون کردن سرعتشان و برتری برهم نبرد خویش برگستوان را می‌افکندند تا اسب با سرعت تمام بتازد. منوچهر نیز همین کار را می‌کند تا «تنگ در شاه روم رسد». خسرو پرویز نیز در رزم با بهرام چوبینه از این شگرد رزمی سود می‌جوید:

«نگه کرد خسرو پس پشت خویش

از آن چار بهرام را دید پیش

همی داشت تن را ز دشمن نگاه

ببرید برگستوان نسیاه

از و باز ماندند هر دو سوار

پس پشت او دشمن کینه دار

مسکوح ۶ ص ۱۲۰

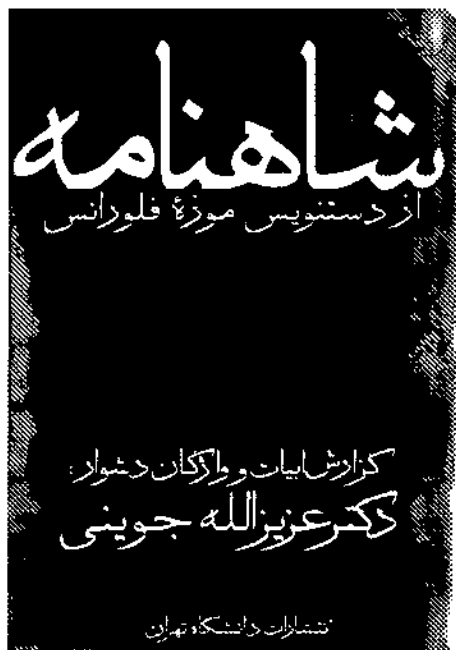
اما در بیت ارجاعی ایشان برگستوان بر روی اسب افکنده می‌شود چه در آنجا گشتاسپ می‌خواهد به میدان رود و گردان در حال حاضر کردن اسبش (بهراد) برای رزم هستند.

در اینجا شایان ذکر است که هدف این بررسی چیزی نبوده جز فهم درست ابیات نامه نامور، آنچه که فاضل ارجمند آقای دکتر جوینی نیز دیربست از برای آن می‌کوشند که براهل فضل پوشیده نیست.

در پایان، فرلوان سپاسگزارم از استادان دانشمند و بزرگوار: آقایان دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، دکتر سیدجعفر شهیدی و دکتر برات زنجانی که هر از چندی با گشاده‌رویی و موشکافی به پرسشهای این حقیر درباره شاهنامه پاسخ فرموده‌اند.

منابع:

- ۱- امثال و حکم، علامه دهخدا، امیرکبیر، ج ۲، چ هشتم ۱۳۳۴.
- ۲- بوستان سعدی، مصحح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، چ پنجم ۱۳۷۵.
- ۳- داستانهای نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی ج ۲ و ۱ به اهتمام دکتر سید محمد دبیرسیاقی، قطره، ۱۳۷۷.
- ۴- شاهنامه فلورانس چاپ عکسی دانشگاه تهران ۱۳۶۹.
- ۵- شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس، گزارش ابیات و واژگان دشوار بقلم دکتر عزیزالله جوینی، دانشگاه تهران ج ۲ و ۱.
- ۶- شاهنامه از روی چاپ مسکو به کوشش دکتر سعید حمیدیان ج ۱ و ۴، قطره، ۱۳۷۴.
- ۷- ظفرنامه، حمدالله مستوفی، به انضمام شاهنامه به تصحیح حمدالله مستوفی، زیر نظر نصرالله پورجوادی، نصرت الله رستگار، تهران مرکز نشر دانشگاهی، وین آکادمی علوم اتریش ۱۳۷۷.
- ۸- قابوسنامه، مصحح دکتر غلامحسین یوسفی، علمی و فرهنگی، چ هفتم ۱۳۷۳.
- ۹- لغت نامه دهخدا دانشگاه تهران، چ دوم از دوره جدید ۱۳۷۷.
- ۱۰- لغت نامه فارسی، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ج ۷، چ شهریور ۱۳۶۵.



امروز، درسی که زیر عنوان «فارسی عمومی» در دانشگاه‌ها مطرح است، از «مظلوم‌ترین» و «معصوم‌ترین» دروس در دانشگاه است. مظلوم، از آن سبب که وارث ستم کم‌اعتنا ترین برنامه‌ریزان دروس در مقطع متوسطه تحصیلی است، به ویژه در این دو دهه اخیر که ساعات تدریس و ارزیابی و شناخت بایسته آن کاسته شده و دانش آموز بی‌خبر یا کم‌آشنا به عظمت این میراث سنگین و باشکوه و رسالت‌های انسانی آن، «ادبیات فارسی» را وسیله‌ای برای قبولی در کنکور و ارتقاء معدل خود می‌داند یا می‌خواند و تلخ‌تر این که، چنین کم‌اعتباری یا بی‌انصافی تحمیلی را با خود به عنوان یک باور مسلم به دانشگاه می‌برد. و از آن بابت، معصوم‌ترین درس، که هیچ دانشی، به حد زبان و ادب هر قوم، با روح و فکر آن قوم، ارتباط نزدیک نداشته و ندارد و انسان را از جنگ و خشونت‌های زندگی به جانب دیار مقدس پاکی و خوبی فرانخوانده است. حال اگر این عزیز زنده‌پوش مصر حیات قوم ایرانی، چنان به تنگنای افلاس گرفتار آمده که شاعر معاصر از سردرد فریاد بردارد که:

من روح می‌فروشم، کالای من همین است
وز هر چه نارواتر، این نارواترین است
گناه از کیست؟ یا از کجاست؟
از معلمی که هدف ادبیات را در معنی کردن لغات
مشکل و اصطلاحات مهجور و شناخت انواع اضافه‌ها
می‌داند؟ و خلاصه به ظاهر و پوسته هر اثر بیشتر از
آموزش و القای پیام و زیبایی‌های معنوی و نقد آن‌ها
توجه دارد، همان‌کس یا گروهی که «قائی» را
می‌ستایند که: «چه محکم گفته است» و یا «بدون
استفاده از زحافات عروضی عجب قصیده‌ای سروده»

ولی با مولوی و مثنوی غریب، یا از کتاب متون ادبی است؟ همان متونی که به قطع و رنگ‌های مختلف و متعدد و گاه با اغلاطی حاصل بی‌دقتی و اشتباهکاری در چاپ‌های متعدد بر سر سفره ادبیات دانشگاه چیده است. اکثر این «گزیده متون‌ها» کشکول گونه‌اند. و بر بعضی از دروس آن‌ها، تعریف ادبیات مشکل است و چون یادگار ایام و شرایط خاصی از زمان بوده‌اند، چه مایه درس‌هایی خشک و بی‌روح را دربردارند که با روح و سلیقه مخاطبان آن (جوانان) هیچ موافقت و دمسازی ندارد و بزرگان صاحب‌نظر می‌دانند که اگر شور و شوقی از نهاد مدرس آن دروس برنخیزد و در حاشیه بر گرمی و رونق کلاس نیفزاید، ادبیات هم‌سنگ سوهان روح می‌شود. حال از دانشجویی که شاید آخرین فرصت آشنایی با گزیده متون ادب فارسی (به معنی دقیق کلمه) را یافته، با این کتاب و آن معلم و دلسردی‌های کلاس، دیگر چه انتظار شوق و علاقه‌مندی به سرمایه عظیم فکر و فرهنگ نیا کانش هست؟ به قول ظریفی که می‌گفت: «بعضی این کلاس‌های ادبیات و دروس آن، در مذاق من، طعم و بوی نان بیات را می‌دهد. ناچارم که بخورم و تحمل کنم اما هرگز دلم نمی‌پسندد». با توجه به دو نکته زیر، یعنی آخرین فرصت آشنایی و مطالعه مستقیم و کوتاهی زمان عرضه برگزیده یا به گزیده متون ادب فارسی به دانشجو (یک نیم سال یا ۱۶ جلسه) وظیفه مؤلف کتاب و نحوه انتخاب دروس، دقیق و ظریف است. که اولین شرط توفیق مؤلف، داشتن طبع سلیم و ذوق فرهیخته در انتخاب دروس است و دیگر توجه به نیازهای روحی جوانان، متناسب بودن با واقعیات اجتماعی و بیشتر و پیشتر از همه، شوق‌انگیز بودن مطالب است. با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، کتاب فارسی عمومی اساتید محترم، آقایان دکتر ابراهیم قیصری و دکتر محمد دهقانی را در ترازوی نقد می‌سنجیم.

این کتاب ۳۱۹ صفحه‌ای، مشتمل بر ۱۱۵ متن

نظم و نثر است و به سه بخش تقسیم شده است. بخش نخست، کوتاهترین بخش کتاب است که ۴ مقاله از خداوندان نثر تحقیقی-ادبی امروز، یعنی- بر اساس ترتیب آمده در کتاب، (نه تاریخی) از آقایان دکتر اسلامی ندوشن، دکتر زرین کوب، دکتر خانلری و دکتر غلامحسین یوسفی آمده است. این مقاله که در حقیقت به منزله مقدمه کتاب است (هرچند چنین عنوانی ندارد) درباره فرهنگ و ادب و تجلی عواطف بشری در آن، گفتگو می‌کند.

بخش دوم، که بیشترین صفحات کتاب را به خود اختصاص داده، زیر عنوان ادبیات کهن (!) آمده- هرچند که از هیچ متن و درس این بخش بوی کهنگی دریافت نمی‌شود- شامل ۶۷ متن، که از رودکی تا عصر قاجار را متضمن است.

بخش سوم، مشتمل بر ۴۴ متن است و زیر عنوان ادبیات معاصر آمده و شامل سه فصل می‌شود. معمولاً دانشجویان به این بخش کتاب علاقه بیشتری دارند. فصل اول که شامل شعر سنتی معاصر است از ایرج میرزا آغاز می‌شود و به قیصر امین پور پایان می‌یابد و دربردارنده قالب‌های قطعه، قصیده، غزل و مثنوی این دوره است، فصل دوم آن، که نمونه‌های نثر معاصر را شامل شده است- که بهتر بود از نظر تاریخی منظم می‌شد تا سیر تحول نثر را هم بیان کند و ما چنین کرده‌ایم- شامل آثاری از دهخدا (از کتاب چرند پرند)، جمالزاده (داستان)، سعید نفیسی (داستان) آل احمد (متن سخنرانی) دکتر خانلری (نامه‌ای به فرزندان) و نمونه‌ای از نثر فارسی برون مرزی معاصر، برگرفته از کتاب یادداشت‌های صدرالدین عینی تاجیکستانی. آخرین قسمت کتاب فارسی عمومی که فصل سوم ادبیات معاصر است و تحت عنوان «شعر نو» نامگذاری شده، شامل اشعاری از نیما یوشیج، گلچین گیلانی، فریدون توللی، احمد شاملو، اخوان ثالث، نادرپور، مشیری، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، شفیعی کدکنی

مسعود تاقی

فارسی عمومی جدید

و قیصر امین پور است که حُسن سلیقه و گزینش مؤلفان گرامی را بازگو می‌کنند.

الف: محسنات دیگر کتاب

۱- گزینش متن‌های مناسب

در بین ۱۱۵ متنی که در کتاب آورده‌اند، تنها ۴ یا ۵ متن آن را اگر تغییر می‌دادند یا نمی‌آوردند شاید بهتر بود، هرچند می‌دانم که این تفاوت سلیقه نسبی است و این مقدار معدود در برابر آن عظمت خوبی‌ها، مایه نقصان نخواهد شد.

۲- آوردن نکته‌ها و پرسش‌هایی به دنبال هر درس، که بیانگر درست نوشتن و راهنمای پرهیز از غلط‌های رایج و مصطلح در زبان امروز فارسی است.

۳- نحوه انتخاب متون بر طبق سیر حرکت نظم و نثر در تاریخ ادبیات ایران، جز یکی دو مورد که قبلاً به آن اشاره شد.

۴- متناسب بودن متن‌ها با زمان هر جلسه تدریس، مسلماً حجم متون کتاب از قالب یک نیم سال افزون‌تر است، اما بسیاری از متن‌ها به گونه‌ای است که می‌شود مطالعه آن‌ها را به عهده دانشجو نهاد.

۵- نپرداختن به معنی لغات و اصطلاحات و ابیات، برای تقویت روحیه پژوهش در دانشجو.

با تأسف بعضی از کتاب‌ها در برخی دانشگاه‌های زمان ما، تا حد «بی‌شده» جایی که درخت فراوان باشد» لغات را معنی کرده‌اند و آن گونه دانشجو را به پخته‌خواری عادت داده‌اند که بدون یاری استاد از عهده معنی یک بیت ساده بر نمی‌آید. این متولیان آموزش از راه دور به بهانه این که دانشجو به فرهنگ فارسی و لغت‌نامه دسترسی ندارد و این سخن لااقل در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی غیرقابل قبول است. با آن کتاب‌های انباشته از توضیح و اوضحات، خود از معنی کلمه «دانشجو» غافل مانده‌اند. خدا رحمت کند روان‌شاد دکتر یوسفی را که می‌فرمود: «دانشجو، یعنی پژوهنده، یعنی جوینده علم و فرهنگ، و اضافه می‌نمود

که اگر من معنی یک لغت را به شما بگویم نیاز شما برآورده می‌شود ولی زود فراموش می‌کنید، اما اگر بگویم بروید مثلاً در فرهنگ معین یا لغت‌نامه بیابید، شما حداقل دو یا سه لغت و معنی دیگر را در هنگام تورق و جستجو می‌آموزید.» البته در این کتاب فارسی عمومی، بایسته بود بعضی از لغات نادر و مهجور معنی می‌شد و چون ممکن است برای بعضی از مدرسان محترم نامأنوس باشد و موجب حذف آن درس در کلاس باشد، در دنباله سخن به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

ب: دو سه نکته کلی

۱- به هنگام امتحان کتبی درس «فارسی عمومی» از جمله مطالبی که منظور می‌شود پرسش‌هایی درباره تاریخ ادبیات است. اگر مؤلفان محترم با یکی دو عبارت در سرآغاز درس به معرفی مختصر گوینده و آثار دیگر شاعر یا نویسنده می‌پرداختند یا به سبک آن اثر اشاره‌ای کوتاه می‌داشتند، بسیار به جا و پسندیده بود.

۲- لازم است آیات قرآنی و احادیث آمده در متن‌ها، مشکول می‌شد و در حاشیه صفحه به شماره آیه و سوره اشاره کنند.

۳- از آن جا که شیوه نگارش کتاب‌های متون ادب (کتاب‌های آموزشی) خود سرمشق و نمونه‌ای برای دانشجویان است و چون اکثر این کتاب از تأیید نظر اساتید فرهیخته برخوردار است، لازم است که از رسم‌الخط یکسان و صحیحی بهره‌ور باشد. در این کتاب متأسفانه از این جهت سهوهای دیده می‌شود. مثلاً در رسم‌الخط امروز دیگر حرف اضافه (به) به اسم بعد از خود متصل نمی‌شود، مثلاً ص ۴۶، «بشفقت = به شفقت، ص ۲۸ بواسطه = به واسطه و ص ۷۰، بنام = به نام و ص ۱۰۲، بشمشاد و بگلنار = به شمشاد و به گلنار و...» و یا واژه «کاین» همه جا به صورت «کین» آمده است و...

ج: چند یادداشت

به موقع مطالعه کتاب، در حاشیه بسیاری از

صفحات آن، یادداشت‌هایی نگاشتم که با هزاران سپاس از زحمات مؤلفان ارجمند آن به ویژه آقای دکتر قیصری که از دیرباز با مقالات و مراتب فضل ایشان آشنا هستم و استفاده‌ها برده‌ام، تقدیم محضرشان می‌کنم.

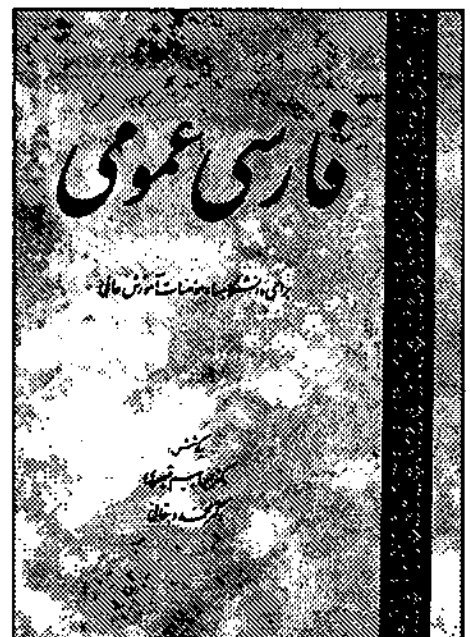
۱- ص ۱۷، به باور این شاگرد، «درس ادبیات انسانی- ادبیات جهانی» به جهت اسامی نامأنوس فراوان و خاص فرنگی از ویژگی یک متن قابل تدریس کلاسی بیرون است. پیشنهاد می‌شود به جای این متن، از مقدمه مرحوم مجتبی مینوی بر کتاب پانزده گفتار که در همین معنا است، استفاده شود یا از کتاب برخورد اندیشه‌ها از دکتر جواد حدیدی ص ۱۸۷، چاپ اول، توس، متنی جایگزین شود، چه این صفحه هم، همان مطلب کتاب را داراست منتها با زبانی ساده‌تر و دلپسندتر.

۲- ص ۵۸، یکی از بهترین نمونه‌های نثر روشن و صحیح و شیرین دوره معاصر، که باید برای آموزش اهل ادب و دانشجویان امروز، سرمشق قرار گیرد، نثر پرتوان مقالات مرحوم ذکاءالملک فروغی است. متأسفانه در سال‌های بعد از انقلاب، شخصیت سیاسی فروغی مانع شده تا شخصیت ادبی او شناخته شود. آشنایی عمیق فروغی با آثار سعدی و شاهنامه به همراه استعداد نویسندگی، از او، نویسنده‌ای مقتدر و خوش‌قلم آفریده است. نقل مقاله «مقام فردوسی و اهمیت شاهنامه» که در حقیقت، نامه‌ای است به ادوارد براون انگلیسی^۱ بسیار شایسته و به جا می‌نماید.

۳- ص ۵۲، بیت معروف

«به روز نیک کسان گفت غم مخور زنهار

بسا که به روز تو آرزومند است»
را نمی‌دانم از چه مأخذی نقل کرده‌اند، چه در مأخذ معتبر، مصراع نخست آن به گونه زیر است که هم استوارتر می‌نماید هم با سبک رودکی دمسازتر است:
«به روز نیک کسان تا تو غم نخوری»^۲



فارسی عمومی

به کوشش: دکتر ابراهیم قیصری، دکتر محمد دهقانی

انتشارات جامی، چاپ اول، ۱۳۷۹

۴- ص ۵۴، سطر سوم، عبارت «چنان نمودی که این دو از دهاست و از این قبیل، مردمان از او بترسیدندی». «از این قبیل» در عبارت بالا نامناسب می‌نماید و صحیح آن: از این قبیل است، یعنی از این رو. ایضاً در همین صفحه، در سطر «ملکی بود ستمگار» آمده است که صحیح آن «ستمکار» است چه، پسوند «کار» هرگاه به اسم معنی متصل شد افاده معنی صیغه مبالغه می‌کند، ثانیاً «گار» بیشتر به بن فعل اضافه می‌شود.^۴

۵- ص ۱۰۶ شعر «چون تیغ به دست آری مردم نتوان گشت...» را سروده ناصر خسرو دانسته‌اند. در صورتی که مثلاً در کتاب پیشاهنگان شعر پارسی ص ۲۹، آقای دکتر دبیر سیاقی زیر نام رودکی آورده‌اند و دیگر این که مصححان گرامی دیوان ناصر خسرو در قسمت تعلیقات دیوان (ص ۷۲۲) نوشته‌اند: «بیت دوم این قطعه، در لغت فرس اسدی ذیل لفظ «چرخشت» به رودکی نسبت داده شده است، پس مسلم نیست که از ناصر باشد.»^۵

۶- ص ۱۱۱، در بیان «سخنان دلاویز» [منسوب] به خواجه عبدالله انصاری، یکی دو جمله پریشان شده است. الف: به این عبارت توجه شود «کار، عنایت دارد طاعت زیور است. ابراهیم را از آن چه که پدر او آزر است» آخرین جمله این عبارت، غلط است و از نظر معنی هم مبهم. از آن جهت می‌گوییم غلط است که می‌دانیم در قدیم، هرگز بعد از «چه» «که» نمی‌آمد (غلط نویسیم) صورت صحیح این عبارت در کتاب، سخنان پیر هرات چنین است: «کار، عنایت دارد که راهبر است نه طاعت که زیور است. ابراهیم را از آن چه زیان که پدرش آزر است.»^۶

۷- ص ۱۱۴، نقل جمله زیر در کتاب درسی یا آموزشی، بدون توضیح، پسندیده نمی‌آید. «مرگ به زان که نیاز به همسران خویش»، این جمله نیاز به این توضیح دارد که «هم‌سر» در قدیم به معنی «انسانی چون خود» (هم‌سطح) است و به معنی «زن» نیست. ۸- ص ۱۱۴، در عبارت: «فاسقی متواضع این

جهان جوی بهتر از قزای متکبر آن جهان جوی» کلمه «قزای» را به همین صورت با ضم حرف «ق» آورده‌اند یعنی جمع «قاری». به نظر می‌رسد، صحیح این کلمه در این عبارت «قزای» یا فتح حرف «ق» است، چه در برابر «فاسق» که کلمه مفردی است ننشسته. قزای به معنی «نیکو خواننده قرآن».

۹- ص ۱۲۹، داستان «کشتی اهل طرب» از کتاب کشف المحجوب هجویری نقل شده، که به آن اشاره نشده است اما تحلیل‌های آمده در زیر آن از نادر ابراهیمی است.

۱۰- ص ۱۳۲، قافیه بیت شماره ۱۱۴ (مصرع دوم) معیوب است که در چاپ‌های آینده باید تصحیح شود. ۱۱- ص ۲۰۷، نوشته‌اند: «... در بوستان سعدی و مثنوی مولوی عنصر «تشخیص» فراوان دیده می‌شود.» ای کاش اضافه فرموده بودند که در اشعار شاعران سبک هندی، عنصر تشخیص بیش از هر سبک دیگر رواج دارد و در میان شاعران معاصر، شهراب سپهری و نادر نادرپور از این آرایه یا ابزار ادبی فراوان سود برده‌اند. ۱۲- ص ۲۱۷، در غزل معروف حزین لاهیجی به

مطلع:
ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد
در دام مانده باشد صیاد زفته باشد
بیت زیبایی:
«امشب صدای تیشه از بیستون نیامد
شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد»
آمده است.

به عرض مؤلفان ارجمند می‌رسانم: اولاً صورت صحیح مصرع نخست چنین است:
«آواز تیشه امشب از بیستون نیامد» ثانیاً این بیت که فراوان شاهد مثال آرایه «ایهام» قرار گرفته، از خوشگوی دهلوی شاعر قرن دوازدهم و صاحب «سفینه خوشگو» است، که بعضی از تذکره‌نویسان به اشتباه، در غزل حزین وارد کرده‌اند.^۷

۱۳- ص ۲۲۲ در بندی که از ترجیع‌بند هاتف اصفهانی آورده‌اند، چند دگرگونی دیده می‌شود می‌دانیم که دیوان هاتف اصفهانی چندان قدیمی نیست که

نسخه بدل‌ها داشته باشد. بر اساس دیوان هاتف تصحیح وحید دستگردی این دگرگونی‌ها به عرض می‌رسد:

الف: آورده‌اند:

«سر به ملک جهان گران بینی»، که صحیح آن، سر ز ملک جهان...

ب: آورده‌اند:

«از مضیق جهات درگذری» که صحیح آن، از مضیق حیات...

ج: آورده‌اند:

«آنچه نشنیده گوش، آن شنوی» که در دیوان شاعر، آنچه نشنیده گوشت آن...

و ایضاً، در مصرع دوم: آنچه نادیده چشم...

۱۴- ص ۲۲۳، نقل کرده‌اند:

«مطلع یک قصیده» از فتحعلی خان صبای کاشانی که بهتر بود می‌نوشتند: تشبیب یک قصیده، چون هر کلمه یا اصطلاح ادبی معنی خاص خود را دارد.

ثانیاً، راقم این کلمات، حدس می‌زند که این قسمت قصیده صبا را از کتاب گنج سخن مرحوم صفا، ج ۳، ص ۱۸۳، در کتاب فارسی عمومی آورده‌اند، به دلیل این که در آن کتاب، بیت چهارم قصیده دارای یک سهو و لغزش قلمی است که مؤلفان محترم هم، آن اشتباه را در کتاب خویش آورده‌اند و آن چنین است: مصرع زیر «سوخت اخگر از نقش چون از تف اخگر سپند...» در هر دو کتاب آمده ولی با دقت در ابیات پیش و پس این مصرع یا بیت- چون سخن درباره طلوع خورشید و فرارسیدن روز است- ذهن متوجه می‌شود که اخگر نخست باید «اختر» باشد.

۱۵- ص ۲۲۵ غزل مرحوم ملک الشعراء بهار را به مطلع: «من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید...» آورده‌اند ولی ذکر مأخذ نکرده‌اند، چه توالی ابیات این غزل با آنچه در دیوان شاعر آمده، بسیار متفاوت است، ثانیاً بیت زیبایی:

«بیستون بر سر راه است مباد از شیرین خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید»



را از قلم انداخته‌اند. ثالثاً صورت صحیح مصراع «یاد این مرغ گرفتار کنید ای مرغان» طبق دیوان شاعر یاد از این مرغ گرفتار... هست. رابعاً مصراع اول مقطع غزل، در دیوان شاعر این گونه است: «کنج ویرانه زندان شد اگر سهم بهار» که عزیزان مولف آن را به صورت «کنج زندان شد اگر هم نفسان سهم بهار» نقل فرموده‌اند.

۱۶- ص ۲۶۰، چون کتاب جنبه آموزشی دارد و بسیاری از مخاطبان کتاب، خانم‌های دانشجو هستند پسندیده است «کلمات حرام» یا «عبارات مکروه» از متن حذف شود. مثلاً در همین صفحه در سطر دوم، پنجمین کلمه، واژه حرام است و کلمه ششم مفهوم را می‌رساند و در سطر دهم همین صفحه، ضرب‌المثل داخل گیومه، عبارت مکروه است.

۱۷- ص ۲۷۹، نمونه نثر تاجیکی، با همه توضیحاتی که به دنبال دارد، نثر و متن موفقی برای تدریس نیست. شعر شاعران تاجیکستان، در ایران موفق‌تر از نثرشان بوده است، برای نمونه به کتاب مستطاب چشمه روشن روانشاد استاد دکتر یوسفی مراجعه شود و نیز شعر عبید رجب.

۱۸- توفان یا طوفان در صفحات ۲۳۷ و ۲۹۰ و ۲۹۱، از زمانی که مرحوم سعید نفیسی به اشتباه ابراز نظر فرمود، که کلمه «طوفان» را با حرف «ت» بنویسید بسیاری از صاحب‌قلمان روزگار ما، این کلمه را به صورت «توفان» نوشتند و می‌نویند: در صورتی که می‌دانیم توفان، کلمه (صفت) فارسی است از مصدر توفیدن و در معنی غُرْان، اما «طوفان» کلمه (اسم) عربی است و در معنی باد و باران شدید. پس همان‌گونه که این دو واژه مستقل، معنای متفاوت دارد، کاربرد جداگانه خواهد داشت، گذشته از آن که می‌دانیم، «طوفان» با همین رسم‌الخط و معنی دوبار در قرآن به کار رفته است، پس در تمام صفحات مزبور، واژه «توفان» غلط است و باید درست آن آموزش داده شود به ویژه که در دیوان اشعار هر دو شاعر (شهریار و نیما) به صورت صحیح نوشته شده است.

۱۹- غلط‌های مطبعی
ص ۵۲، بیت دوم، ذی - زی / ص ۱۰۸ س ۱۲، (آخرین کلمه)، بر این - برابر
ص ۱۲۴، سه سطر به پایان صفحه، نماز بگذارد - نماز بگذارد / ص ۱۴۰، بیت ۹، چیزی - خیری
ص ۲۳۵، بیت اول، قافیه شعر، قمر - قدر / ص ۲۴۰، بیت ۱۱، تا بر آنجا - تا بدانجا
ص ۲۴۳، در بیت پنجم غزل دکتر شفیعی، مصراع دوم، «در وحشت» - در وحشت

اگر در بیان نقایص کتاب، جسارت ورزیدم، وظیفه معلمی من بود که از دایره ارادت به اساتید عزیز خود یعنی مؤلفان گرامی، بیرون نیستم و چون هر معلمی در هر مرتبه و مقطعی جویا و دلپاخته کمال هر کاری هست، می‌دانم که بر این بنده، هیچ کریمی خرده نخواهد گرفت. اما حقیقت را، کتاب فارسی عمومی جدید، جاذبه خاصی دارد که نشان توفیق آن است (آن‌شاءالله) از بن دندان سپاسگوی کار ارزشمند آنانم و صمیمانه به مؤلفان فاضل و انتشارات محترم جامی «خسته نباشید» و تبریک می‌گویم و از خداوند متعال آرزوی سعادت و سلامت روزافزون برای آنان دارم.

پانویست‌ها:

- ۱- ادبیات کلاسیک فارسی اثر آرتور جان آربری، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، ص ۷۸، آستان قدس.
- ۲- پشاهنگان شعر پارسی، ص ۲۷، سخن و سخنوران ص ۲۲ و گنج سخن، ص ۸.
- ۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین.
- ۴- دیوان ناصر خسرو، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۵- سخنان پیر هرات، خواجه عبدالله انصاری، به کوشش دکتر محمدجواد شریعت، ص ۵ و نیز ص ۶۱، جیبی.
- ۶- دیوان حزین لاهیجی، به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار، نشر سایه، ۱۳۷۳، ص ۱۹۲، حاشیه.

دریای بیکرانه

به کوشش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان

چاپ اول، ۱۳۷۹

در یک نگاه

دفتر حاضر حاوی اشعاری است از شاعران استان همدان که در مدح و منقبت مولای متقیان حضرت علی (ع) سروده‌اند. اشعار این مجموعه که با خوشنویسی مرتضی شعبانی مزین گشته در قالبهای مختلف شعر پارسی از جمله: غزل، مثنوی، ترجیع‌بند و شعر آزاد فراهم آمده است. کتاب حاضر به مناسبت سال امیرمؤمنان علی (ع) منتشر شده که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود: «علی (ع) / میرزا ابراهیم ادهم»، «سلطان رسل / میرجلال اسدآبادی»، «روح سرمدی / عبدالله اشرفی»، «مولای عدالت / فتح‌الله اوجی»، «مولود کعبه / غفار حاجی‌ئی»، «مرد عشق / فرزانه راشدی»، «ولایت / عسگر فرجی»، «انسان برتر / علینقی کوثر»، «راز سکوت / ابوالقاسم موسوی»، «ستاره / رجبعلی مرتضایی» و چند شعر دیگر. «مصباح هدایت» سروده غلامرضا بهاری نمونه‌ای از این اشعار است که به ابیاتی از آن اشاره می‌شود:

ساقی به صبحم بده دُرْد کهن امروز
زان یاده که بیرون برد از دل محن امروز
مدهوش کن از یاده عشقم به ایای
تا طبع دل آید به مقام سخن امروز
در کعبه پدیدار شده جلوه سینا
مصباح هدایت شده در آن علن امروز
برقع ز رخ یار فروهشته ملائک
بنمود در این خانه بر او انجمن امروز...

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / آبان ۱۳۷۹

۴۷



توصیه می‌کنم شعر متوسط بخوانید شعر متوسط آدم را متوسط می‌کند. تا شاهکار نباشد، نخوانید

(شهریار)

معمولاً شاعران بر دو نوعند؛ یک دسته علاوه از شاعری، تحقیقات، نظریه‌های ادبی یا اجتماعی و سیاسی خود را طی کتب، مقالات و سخنرانی‌هایی همواره در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهند و از این طریق نقطه‌نظرات و دیدگاه‌ها و حسب حال خود را صریح و بی‌پرده و بی‌دخالت نقاب شاهد شعر ابراز می‌کنند.^۱ اما دسته دوم برعکس گروه نخست جز مجموعه‌های شعری چیزی ارائه نمی‌دهند تا خوانندگان به هدف دومی که در بالا به آن اشاره شد، دست یابند.

شهریار صاحب سخن، از دسته دوم است. آنان که در طول حیاتش گفتگوهایی با او داشته‌اند، به این حقیقت پی برده‌اند که تا شهریار را به سخن درنیاورند، او سخن نخواهد گفت و تا به مضارب سوالات خود تار وجود شهریار را به نوسان درنیاورند، او غیر از سخن منظوم، نغمه‌ای ساز نخواهد کرد و لذا قسمت مهم و اعظم افکار و اندیشه‌ها و زوایای ناگفته‌ی زندگی او در پرده خاموشی این شاعر خاموش با خود او به گور خواهد رفت.

بی‌شک آنان که طی سال‌های مختلف مصاحبه‌هایی با او ترتیب دادند، کار مهمی کردند و اینکه که شاعری محقق و بزرگ شده‌ی مکتب شهریار، آنان را با دقت و ظرافت مخصوص خود، از کنج آرشیوهای نابسامان کشورمان به درآورده و به ترتیب تاریخی یکجا به چاپ رسانده و آن را به مقدمه و موخره‌ای روشنگر موشح نموده کاری مهم‌تر انجام داده

است.

ترتیب تاریخی این مجموعه بهترین فرصت مغتنم و زیباترین تابلوی مصوری است که خواننده علاوه از آشنایی بیشتر با شهریار و افکار و روحیات او، سیر تحولات فکری و روحی این شاعر همیشه متحول را مشاهده کند. به کمک همین مجموعه و ترتیب تاریخی آن است که پی می‌بریم شهریار از چه نقطه‌ای شروع می‌شود و چه فراز و نشیب‌ها و تغییرات درونی را پشت سر می‌گذارد تا اینکه از مصاحبه‌های سال ۶۳ به بعد همه چیز را با میزان معنویت و عرفان می‌سنجد و به غیر آن وقتی نمی‌نهد. «ایرج اشعر شعرا می‌سنجد و به حیث قدرت بیان و ملک‌الشعرا اشعر شعرا از حیث بیان است. منتها کلاس بینش آنها پایین است یعنی اخلاقیات عرفانی ندارند.» (ص ۱۳۹) «اعتقادات نیما خوب بود، منتها به عرفان نرسید.» (ص ۱۴۱) «خیام از نظر تکنیک بالا است، اما چون عرفان ندارد، همه‌اش بچگانه، صحبت و حرف‌های بچگانه و ایرادات عوامانه است.» (ص ۲۰۰) «فردوسی هم استاد است از نظر تکنیک شعر، اما خوب کلاشش پایین است.» (ص ۲۰۴) وقتی شهریار از پشت عینک «کلاس بینش» به همه چیز می‌نگرد، چنان در آن مستغرق می‌شود که گاه به برداشت‌های ناعادلانه منجر می‌گردد. از او می‌پرسند: «شعر خاتم اعتصامی چه ویژگی بارز دارد؟» می‌گوید: «اخلاقیات و کلاشش والا و بالاست. هم کلاشش و هم صنعتش و هیچ عیبی در شعرش نیست. دیوان یکدست، کمتر مثل پروین داریم علتش هم همان است که پاک و پاکیزه بود.» می‌پرسند: «استاد! در طول تاریخ ادب فارسی بین خانم‌ها نظیر خانم پروین کسی را داریم؟ چه از نظر لفظ چه از نظر معنا؟» می‌گوید: «هیچ نداریم. در بین مردها هم نداریم.» (ص ۱۴۰)

شهریار از نظر ادبی، شخصیتی نظریه پرداز نیست و به قول خود: «حتی دیده‌اید گاهگاه مناقشه‌ای بین

شعراى سنت‌گرا و نوپرداز بوده، هرگز وارد نشده‌ام.» (ص ۱۱۴) پس شهریار اصلاً اهل مناقشه و مقاله و نظریه نیست و هیچ‌گاه نیز به او از این دیدگاه نگاه نشده است.^۲ اما او از دوره نوجوانی و بخصوص زمانی که در تهران بوده است، کاملاً در جریان تحولات ادبی کشور قرار داشت. آنها را به خوبی درک می‌کرده و حتی خود را با آن حال و هوا وفق می‌داده است. همین شناخت دقیق و موشکافانه و همین سازگاری با زمان است که شهریار را سرآمد روزگار خود کرده است. او از سویی میزان عشق و علاقه مردم ایران را به شعر سنتی - و بیشتر از نوع سعدی و حافظ - می‌دانست و از سویی دیگر لزوم ایجاد تحول و تجدید را نیز پذیرفته بود، از این رو راهی برگزید که سنت با تجدید و دوشادوش هم پیش رفت، به طوری که امروز پاسخ دادن به این سوال که آیا شهریار شاعر سنت‌گراست یا نوپرداز؟ کار بسیار دشواری است. رضا برهانی درباره‌ی او می‌نویسد: «مردی که حسن ختامی است برای شعر کلاسیک ما و در عین حال نمونه‌ایست متعادل و طبیعی و جذاب در شعر معاصر و نیمايي ما.»^۳ او از یک طرف صاحب اشعاری به سبک جدید مانند ای وای مادرم، دو مرغ بهشتی و هذیان دل است و از طرف دیگر شاعر غزلها و قصیده‌ها و مثنوی‌ها و رباعیات غزایی به شکل سنتی. هم در شعر ترکی شاهکار دارد و هم در شعر فارسی. اگر او معتقد است: «خیلی از کارهای من از غزلیات حافظ بالاترند، بعضی‌ها همدوش حافظند و برخی هم نزدیک به حافظ هستند.» (ص ۲۲۳) مبالغه نمی‌کند و چون احتمال می‌داد که برخی او را به یاوه‌گویی متهم خواهند کرد در جواب می‌گوید: «حافظ دیگر افسانه شب، دو مرغ بهشتی، هذیان دل و ای وای مادرم را ندارد.» (ص ۲۱۴)، و این واقعیتی است انکارناپذیر. حافظ منظومه‌ی حیدر بابایه سلام و بهجت‌آباد و خاطره سی ندارد و... البته اگر شهریار از حافظ نمی‌گذشت دیگر چه احتیاجی به شهریار بود؟ یک حافظ تکراری از ده‌ها

حافظ تکراری تاریخ ادبیات ما می‌گشت که همچون بقیه به باد فراموشی سپرده می‌شد. شهریار، شهریار شعرهای خود است و هرگاه به استقبال حافظ پرداخته یک گام عقب‌تر نشسته است. به یقین اگر تمام غزل‌های استقبالی شهریار از حافظ را با وجود اینکه در نوع خود بی‌نظیرند از دیوان شهریار کنار بگذاریم، هیچ نقصی بر او متصور نیست. اجازه دهید قضیه را بدین شکل آسان کنم. اگر تمام حافظانه‌های شهریار را در برابر تمام شاعران ریز و درشتی که من دانم و تو، قرار دهیم برتری با همین اشعار شهریار است. از طرفی دیگر اگر همین اشعار را از دیوان شهریار حذف کنیم، عیبی بر او وارد نیست و این اوج عظمت کار شهریار است.

شهریار در گفتگوهای زیر به طور خلاصه به اهم موارد سیر تاریخ ادبی معاصر ایران اشاره می‌کند: «تا پیش از مشروطیت رشدی در شعر ایران دیده نمی‌شد. رکودی پس از زمان سعدی و حافظ تا آن دوره حس می‌شد چرا که شاعران نمی‌خواستند از موهبت زبان ساده مردم استفاده کنند. هرچه مضامین دور از ذهن و کلمات عجیب و غریب‌تر بود، شاعر ظاهراً توفیقی یافته بود. اما این توفیق از طرف مردم نبود، تنها چند به‌به‌گوی فاضل، حامی این نوع شعر مشکل بودند. تا دوران مهاجرت که دهخدا، ایرج، عارف و عشقی به اروپا و ترکیه رفتند. در آنجا با شعرهای ساده آشنا شدند و دانستند که لازم نیست شاعر ملی فقط از جنگ سلاطین صحبت کند، او باید از احتیاجات روحی مردم عصر خود سخن بگوید، عشقی متوجه اشعار رمانتیک سیاسی شد. ایرج ساده‌گویی و طنز و مطایبه را در شعر باب کرد، دهخدا و عارف تجربیات تازه‌ای در ترانه کلام مردم عامی آغاز کردند.» (ص ۱۲۴) «اما ادبیاتی که واقعاً به طور کامل تازه شده باشد از عشقی و نیما شروع شده. در «سه تابلو مریم» و «کفن سیاه» عشقی و بعد هم در «افسانه» نیما. اینها شعرهایی بودند که تقریباً

سیر ابتدایی‌شان را طی کرده بودند، ولی در آنجا متوقف نشدند. بعد از نیما بنده «دو مرغ بهشتی» و «هذیان دل» را ساختم که کلمات را خورده‌تر کردم و به اصطلاح ایرانی‌تر کردم.» (ص ۲۱)

توجه به موضوعاتی مانند موهبت زبان ساده مردم، صحنه‌گذاری بر تأثیر نویسندگان نسل جدید ترک در ادبیات فارسی که بعد از دوره تنظیمات پیدا شده بودند، تأکید بر نقش عشقی در تجداد ادبی و مقدم داشتن او بر نیما و اشاره به نقش خودش در شعر معاصر، همه و همه بیانگر حقایق مفصل و گسترده است که جای بحث آن در این مختصر نیست. شهریار در مورد شعر نو نیز نظرات قابل تأملی دارد که به مواردی از آنها اشاره می‌شود: «شعر نو روی یک احتیاج طبیعی پیدا شده، یعنی اول از اینجا بوجود آمد که جنبه وصفی اشعار اروپایی که صورت خاصی دارد، در اشعار ما بی‌سابقه بود. از مشروطیت به این طرف که شعری ما با ادبیات اروپایی آشنا شدند به این خیال افتادند که از جنبه وصفی شعر اروپایی استفاده کنند و مکتب دیگری بر ادب ما افزوده شود که وصفیات آن و تابلوسازیش خوب و کامل باشد.» (ص ۶۳) «اشتباه نیما در این بود که می‌پنداشت تمام موضوعات و مضامین را می‌شود در شعر آزاد گفت. در حالی که شعر آزاد بیشتر برای تابلوسازی و توصیف دراماتیک ظرفیت دارد و گرنه مضامین عاشقانه را در غزل بهتر می‌توان گفت. شعرهای «ای وای مادرم» یا «پیام به اینشتن» را نمی‌شود در قالب قصیده یا غزل گفت. بهترین شکلش همین فرم شعر آزاد بود، اما غزل‌های مرا می‌شود در قالب شعر آزاد گفت و همین کیفیت را از آن خواست؟» (ص ۱۰۵) «زمان زمان صحنه‌سازی است. باید نوعی شعر داشته باشیم که کلمات خارجی و محاورات و فعالیت‌های امروزی در آن منعکس شود. شعری که شخصیت‌ها یا خصوصیات فردی‌شان در آن منعکس گردند، حرکات، رفتارها در آن به حالت نمایشی مطرح شوند. در این نوع شعر، هنرمند

نمی‌تواند پای‌بند قافیه‌سازی یا تساوی مصراع‌ها باشد. این شعر، آزادی بیان و تنوع قالب می‌طلبد. واژه‌ها و تعبیراتی از زندگی روزمره را می‌توان در این شکل شعری آورد. گرچه من در شکل مثنوی هم این کار را کرده‌ام.» (ص ۱۲۱) «بهتر است شاعران به جای جار و جنجال و تخطئه‌ی همدیگر کار خودشان را بکنند و در صدد غنای کار خودشان باشند و تصور نکنند هر شعر وزن و قافیه‌داری کهنه و هر شهری که بی‌وزن و معنا باشد می‌تواند به عنوان یک اثر نو به حساب آید، چرا که ممکن است گاهی یک اثر ممتاز سمبولیک نیز دارای وزن و قافیه باشد. همانگونه که عکس این قضیه نیز صادق است و فی‌المثل یک غزل نیز می‌تواند کاملاً مبتذل و بی‌محتوا باشد.» (ص ۱۱۶)

همه‌ی آنچه بیان شد، به آن مفهوم نیست که هرچه شهریار گفت، وحی منزل است و ما نیز در این مقاله سعی در بت‌سازی و توجیه تمام نظرات او نیستیم. او نیز همچون همه‌ی انسانها نقاط ضعف و قوت بسیاری دارد و دارای نظریه‌های صائب و ناصائبی است. به خصوص از زمانی که شهریار تهران را به سوی تبریز ترک کرد و همنشینی با امهات شعرا و نویسندگان و هنرمندان زمان از جمله ملک‌الشعرا بهار، نیما، هدایت، امیری فیروزکوهی، ابوالحسن صبا و دیگران را با ازدواج و فرزندداری و مشغله شغلی و ده‌ها گرفتاری روزمره و تحولات روحی ناشی از گرایش به خط تجرد و درویشی معاوضه کرد و چون به تصریح خود زیاد اهل مطالعه نبود، تقریباً از مرکز تحولات ادبی جدا شد. همین امر باعث گردید که اولاً آثار شاهکار شهریار رو به افول بگذارد و امروزه از مجموعه آثار او می‌بینیم که اغلب شاهکارهای او محصول دوران (۱۳۰۰-۱۳۴۰) است و ثانیاً به برداشت‌های نادرستی رسیده بود که اساس علمی و هنری نداشت. «نیما خیال می‌کرد که بلند و کوتاه کردن مصراع‌ها را برای اولین بار او ابداع کرده، یک‌روز من به او گفتم که پیش از این بحر طویل و



گفتگو با شهریار

به اهتمام : جمشید علیزاده

انتشارات نگاه ، چاپ اول ، ۱۳۷۹

مستزاد در شعر فارسی بوده و کار او کار تازه‌ای نیست.» (ص ۱۰۵) «شعر آزاد همان بحر طویل است که سابقاً هم بوده.» (ص ۱۴۵) «توپردازان همه چیز را خراب کرده‌اند، از آن‌ها چیزی متوقع نباشد... از شهریور بیست به بعد همه چیز را خراب کردند.» (ص ۲۲۰) «یک منتقد ادبی باید خودش صاحب اثر باشد، خودش صاحب ذوق باشد، خودش شاعر باشد، تنها در این صورت است که ما می‌توانیم حرف‌هایش را بپذیریم، وقتی که کسی خودش اثر نداشته باشد، ما چه طور می‌توانیم حرف‌هایش را بپذیریم؟» (ص ۲۲۱)

سیاست و شهریار

شهریار ذاتاً شاعر رمانتیک است و اگر او را بزرگترین شاعر رمانتیک زبان فارسی و ترکی بدانیم به بیراهه نرفته‌ایم.^۴ او چنان در میدان مغناطیسی دو جذبه‌ی عشق و شعر گرفتار است و این دو آهن‌ربای نیرومند چنان او را مسخ کرده‌اند که جایی برای مباحث دنیوی از جمله سیاست‌گرایی او باقی نمی‌ماند. «هم زمانی که شعر می‌خواند و شعر می‌شنید و هم موقعی که درباره‌ی شعر سخن می‌گفت گویی به چیزی جز شعر نمی‌اندیشید. من که در برابر او نشسته بودم، اعتقاد یافته‌ام به اینکه این مرد از اعماق زوچش اسیر احساس و جاذبه و قدرت کلمات است و نفس و ذات و جوهر شعر را در هر قالبی که باشد به خوبی درک می‌کند، خواه این قالب سیمای پاک و شفاف و اهلی شعر خودش باشد و خواه چهره‌ی خشن و وحشی شعر من.»^۵

شهریار اگرچه در دوره‌ی نوجوانی و جوانی گرایشی به عرصه سیاست و مسائلی از این دست پیدا می‌کند، اما سیاست در شهریار هیچ‌گاه نهادینه و عمیق و ذاتی نیست. او عضو هیچ حزب و گروه و دسته‌ای نبود و آن گرایش مختصر نیز تحت تأثیر فضای غالب زمان به او روی آورده و چون ابر بهاری زودگذر و ناپایدار شهریار را پشت سر گذاشته است. او چنان تیزبین و تیزنگر بوده که از یک حادثه طبیعی (در عالم سیاست) به مسائل پشت پرده‌ی آن پی می‌برد و برای همیشه آن را کنار

می‌گذاشت. «معلمی داشتیم به نام مرحوم مترجم السلطنه، خیلی علاقه‌مند بودیم که او وکیل بشود. فقط ۳۰۰ رای از دارالفنون برایش جمع کردیم. سیصد تا هم از دبیرستان دیگر. آن موقع در تهران دو دبیرستان بود. به این نشانی که یک دانه از رای‌ها هم به اسم مترجم السلطنه خوانده نشد. من از آن روز دیگر در انتخابات شرکت نکردم تا بعد از انقلاب اسلامی که امام فرمودند تکلیف شرعی است و رفتیم رای دادیم.» (ص ۱۳۳)

عدم موضع‌گیری شهریار در مسائل سیاسی، همواره مورد انتقاد بسیاری بوده است و او را به سازشکاری و محافظه‌گری متهم می‌کردند. این اشکال از روحیه‌ی جمعی ما ایرانیان ناشی می‌شود که همه باید در سیاست دخالت و در مسائل خرد و کلان کشور اظهارنظر کنیم. همه‌ی ایرانیان سیاستمدار و طبیینند. در هر مسئله سیاسی چه وارد و چه ناوارد اظهارنظر می‌کنند و به هر مرضی داریویی تجویز می‌کنند. شهریار به این شیوه معتقد نیست. کار سیاست را به سیاستمدار و روشنفکر و کار شاعر را به شاعر واگذار کرده است. در جواب سوالی که می‌پرسد: «ولی خود شما هم شعرهای سیاسی دارید.» می‌گوید: «آدم که همیشه کامل نیست. آدم در دوره جوانی ناقص است. آن شعرها مال آن دوران است.» (ص ۲۱۵) انسان که از شهریار توقع سیاست‌پردازی دارند، روحیه‌ی او را نشناخته‌اند. کسانی که از نخل انتظار شکر داشته باشند هیچ‌گاه به آرزویشان نمی‌رسند.

در پایان علاوه‌بر این که مطالعه این کتاب ارزشمند را برای همه‌ی اهل فن و علاقه‌مندان شهریار توصیه می‌کنم، یادآوری این نکته را نیز لازم می‌دانم که بحث بر سر نظریات ادبی شهریار و دیگر مباحث او در حوزه‌های مختلف ره به جایی نخواهد برد مگر آن که نامه‌ها و مکتوبات شهریار که به همت آقای جمشید علیزاده گردآوری شده و در انتشارات نگاه زیر چاپ است - منتشر شود. آنگاه با کنار هم قرار دادن دیوان و

گفتگوها و نامه‌ها بتوانیم در حوزه نظریه‌پردازی و نقد ادبی شهریار و شناخت روحيات و سرگذشت او به نتیجه قطعی و همه‌جانبه برسیم.

یادداشت‌ها:

۱- نظیر دهخدا، بهار، عشقی، فرخی، خانلری، اخوان ثالث، شفیعی کدکنی، شاملو و دیگران.

۲- وقتی می‌گوییم شهریار یا شعرای دسته دوم اشاره شده در مقاله اهل نظریه‌پردازی نیستند، منظور شکل مصطلح اروپایی آن است و الا چون نقد ادبی جدید در ایران رایج نبوده، شاعرانی مانند خاقانی و شهریار و... نظریه‌های بلاغی و ادبی و هنری را در متن دیوان‌های خود بیان می‌کردند. به سه نمونه از نقدهای ادبی شهریار توجه فرمایید:

در مورد ملک‌الشعرا بهار:

او یکی فردوسی اما خود حکیم عنصری

او یکی قارایی اما خود ظهیر قاریاب
یعنی ملک‌الشعرا در انتخاب واژگان و شناخت فخامت کلمات و به‌کارگیری آنها در نحو زبان فارسی نظیر فردوسی است اما برعکس او این کار را در قصیده انجام می‌دهد (نظیر عنصری) پس اوج زیبایی زبان + اوج قدرت قصیده = ملک‌الشعرا

در مورد فردوسی می‌گوید:

رنگین کن فیلم فولکلورهای کهن

... داننده راز انفجار کلمات

(زیباترین توصیف درباره فردوسی)

در مورد رودکی:

لیک دیوان رودکی که نخست

منتظم همچو عقد مرجان بود

وقت‌ها شد که همچو برگ خزان

هر صحیفه به کنجی افشان بود

و آنچه ماندی بنام وی باقی

مختلط یا از آن «قطران» بود

۳- به همین سادگی و زیبایی (یادنامه استاد سیدمحمدحسین شهریار)، به اهتمام جمشید علیزاده، نشر مرکز، ۱۳۷۴ [انتشار: ۱۳۷۶]، ص ۷۴.

۴- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به مقاله مرتضی کیوان در کتاب به همین سادگی و زیبایی.

۵- عبارت از رضا پراهنی است در ص ۷۳ منبع شماره ۲.



نشده‌اند، خالی است. این که به آثار کسانی چون جمالزاده، هدایت، بزرگ علوی و دیگرانی که جایگاه تثبیت شده‌ای در تاریخ ادبیات داستانی ما دارند پرداخته شود، کار شاقی نیست و کراراً نیز صورت گرفته است. این کار هر چند ارزش خاص خود را دارد و از نظر نگارش تاریخ ادبیات، واجد اهمیت است، اما نیاز امروز جامعه ادبی ما بیشتر کشف شخصیت‌هایی است که از میانشان نویسندگان برجسته سال‌های اتی ظهور می‌کنند و گردآورنده می‌تواند به سبب کشف آنها به خود بی‌بالد. البته می‌دانیم که این کار دشوار است و مستلزم گردآورنده‌ای است که ابتدا لزوم این کار را حس کرده باشد و در وهله بعد به مبانی نقد ادبی جدید آشنا باشد و در عین حال که از جار و جنجال تنگ‌مایگان نمی‌هراسد، منابع کافی نیز در دسترس داشته باشد. آنچه که در انتها باید بگوییم این است که دشوارترین مرحله کار برای کسانی چون دکتر ذوالفقاری، انتخاب داستان‌هایی است که نویسندگانشان در قید حیات‌اند. این بخش و معیارسنجش و انتخاب داستان‌های آن، از مواردی است که معمولاً در مظان اتهام قرار دارد و به آن انتقاد می‌شود. در این مجموعه هم، می‌توان به جای خالی نویسندگانی اشاره کرد که اگر ارزش کلی داستان‌هایشان، برتر از داستان‌های برخی از نویسندگان این مجموعه نیست، کمتر از آنها هم نیست. البته می‌پذیریم که یافتن این گونه داستان‌ها نیاز به جستجو و تحقیقی دارد که شاید در حد اهداف این مجموعه نباشد و ممکن است که گردآورنده در چاپ‌های بعدی با یافتن این گونه داستان‌ها بر صفحات مجموعه بیفزاید. مگر این که بپذیریم، انتخاب چهل داستان با ارجاع به عدد مقدس چهل، به خاطر آیین و آداب ویژه‌ای بوده و این مجموعه با همین تعداد داستان به چله نشسته است.

حیف است در این وانفسای گرانی کتاب و نامرغوبی کاغذ، به قیمت مناسب و کاغذ مرغوب این مجموعه اشاره نکنیم.

علاقه‌مندان به داستان خالی از لطف نیست. (بگذریم از اشتباهی که در یک مورد صورت گرفته است و عکس محمد محمدعلی یک بار به جای خودش و یک بار هم شاید از روی دوستی به جای امیرحسین چهل تن به چاپ رسیده است که این ماجرا می‌تواند دست‌مایه داستانی طنزآلود بشود که در آن از نظریه مرگ مؤلف ساختارشکنی شده و به جای آن نظریه یک داستان و دو مؤلف جایگزین شده است.)

در عین حال دکتر ذوالفقاری هم در ابتدای هر داستان نقد کوتاهی به فراخور هر داستان آورده است که این نقدها به رغم ریزی‌هایی و نکته‌سنجی‌های ایشان عمدتاً معنایی و مفهومی است و کمتر به ویژگی‌های شکلی اثر و سطور ناوخته آنها اشاره شده است. از دیگر ویژگی‌های ارزشمند این مجموعه مقدمه عالمانه‌ای است که دکتر ذوالفقاری در ابتدای کتاب آورده است و در آن از داستان و قصه تعاریفی به دست داده و هدف گردآوری مجموعه و تاریخچه‌ای از داستان کوتاه فارسی را شرح داده است. این مقدمه بخصوص برای جوانان مفید است که از برخی مسائل گذشته، که در شکل‌گیری داستان‌نویسی معاصر ایرانیان مؤثر بوده است، اطلاع چندانی ندارند. هر چند که در این مقدمه هم (صفحه ۸ سطر ۸) اشتباهاً مجموعه داستان خیمه‌شب‌بازی اثر صادق چوبک به نام بزرگ علوی ثبت شده است و اینجا نیز ماجرا ماهیتی طنزآلود و پست مدرنیستی یافته است. (جابه‌جایی مؤلف‌ها و داستان‌ها و به هم ریختن متون برای ایجاد فضایی مبتنی بر عدم قطعیت) با این همه، کوشش دکتر ذوالفقاری برای نگارش این مقدمه شایان قدردانی است.

مسأله‌ای که جا دارد به آن اشاره شود، این است که در جامعه ادبی ما جای مجموعه داستان‌هایی که هدف گردآورنده آنها کشف چهره‌هایی تازه و نقد و بزرسی دقیق آثار ارزشمند یا نسبتاً ارزشمند نویسندگان گمنامی است که هنوز در سطح جامعه چندان مشهور

پیش از این شاهد انتشار چندین مجموعه داستان ایرانی بوده‌ایم که در اغلب آنها داستان‌ها یا اثری از جمالزاده شروع و به داستان نویسنده‌ای امروزی ختم شده است. گذشته از این که بعضی از آن مجموعه‌ها در واقع کشکولی از آثار داستانی هستند و معلوم نیست با چه ملاکی انتخاب شده‌اند، اما در جدی‌ترین این مجموعه‌ها دو مشخصه اساسی به چشم می‌خورد:

الف) دادن تصویری اجمالی از سیر داستان‌نویسی معاصر ایران که برای نگارش تاریخ ادبیات مفید است. ب) بررسی نقادانه از سیر داستان‌نویسی ایرانیان که برای تحکیم مبانی نقد ادبی و تشخیص سره از ناسره به کار می‌آید.

مشخصه اول به دلیل ماهیت و هدفش، چندان در بند چگونگی انتخاب داستان‌ها از نظر ارزش ادبی‌شان نیست و عمدتاً تکیه گاهش، شهرت نویسنده و جایگاه او در جامعه ادبی ما و یا معنا و مضمونی است که از هر داستان برداشت می‌شود.

مشخصه دوم حول محور ارزش ادبی داستان‌ها شکل می‌گیرد و چندان در بند شهرت یا عدم شهرت نویسندگان آنها نیست.

در این میان بوده‌اند مجموعه‌هایی که گردآورندگانشان سعی کرده‌اند هر دو مشخصه را یکسان مورد توجه قرار دهند. مانند مجموعه بازآفرینی واقعیت که سپانلو آن را گردآوری کرده است و دیگر مجموعه داستانی که محمد بهارلو در سطحی محدودتر فراهم آورده است. مجموعه چهل داستان کوتاه ایرانی از چهل نویسنده معاصر در مسیر همین دو مجموعه حرکت کرده است و دکتر ذوالفقاری با خوش‌ذوقی خلاصه‌ای از زندگی هر نویسنده را با عکسی از چهره او در ابتدای هر داستان آورده است که قطعاً برای

شهرت یا ارزش ذاتی

فهیمة جعفری

چهل داستان کوتاه ایرانی

حسن ذوالفقاری

انتشارات نیما، چاپ اول، ۱۳۷۹



نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورت‌گرایی و ساختارگرایی) نام کتابی است از آقای مهیار علوی مقدم که زمستان ۷۷ از سوی انتشارات سمت به بازار کتاب عرضه شده است. در حوزه نقد و نقل نظریه‌های ادبی معاصر، تاکنون آثار ارجمند بیشمار به صورت تألیف و ترجمه، منتشر شده است.

هر چند کتاب نظریه‌های نقد ادبی معاصر، از مهیار علوی مقدم با توجه به آثار بیشمار که در این زمینه تألیف و ترجمه شده کار تازه‌ای نیست، اما کوشش و تلاش این محقق جوان از دو جهت در خور توجه است: نخست این که اصولاً نفس پرداختن به چنین مقوله‌های جدید حوزه نقد، هر چند مختصر و فشرده، گامی هر چند کوتاه در مسیر حرکت نسل جوان و تشنه دانش‌دانش جدید است. زیرا هنوز بخش قابل توجهی از قفسه‌های کتابفروشی‌ها را آثاری با مضامین و موضوعات تکراری فاقد هر گونه نوآوری بویژه در قلمروی نظریه‌پردازی ادبی انباشته‌اند که از فرط تکراری بودن در برخی موارد جز دلزدگی و خستگی نسل دانش پژوه جوان را به همراه ندارد. دوم این که، از آن جا که اثر مزبور (نظریه‌های نقد ادبی معاصر)، در آغاز، پایان‌نامه‌ی فوق لیسانس آقای مهیار علوی مقدم در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد بوده است، اهمیت دو چندان می‌یابد. زیرا طرح مباحث نظری نقد جدید، در مراکز آموزش عالی و محافل دانشگاهی، که کم و بیش هنوز جای خالی آن، مشهود است، با هر کیفیتی که باشد، گامی استوار و امیدوار به جلو است.

به هر روی، آنچه این نگارنده را بر آن داشت تا این سطرها را قلمی کند، یادآوری فروتنانه به آقای مهیار

علوی مقدم درباره‌ی برخی مطالب نظریه‌های نقد ادبی معاصر است. به نظر می‌رسد که ایشان فراموش کردند تا منبع اصلی برخی مطالب را که از کتاب ساختار زبان شعر امروز (انتشار سال ۱۳۷۸) نوشته‌ی آقای مصطفی علی‌پور، آورده‌اند، ذکر کنند. شاید این پرسش برای خوانندگان این سطرها پیش آید که چگونه ممکن است اثری که در زمستان ۱۳۷۷ منتشر شده است، (یعنی نظریه‌های نقد ادبی معاصر نوشته‌ی مهیار علوی مقدم) از کتابی که تاریخ انتشار آن یک سال بعد است (ساختار زبان شعر امروز) تا این مایه تأثیر (البته بدون حتی یک بار ذکر منبع) گرفته باشد. در پاسخ به این پرسش باید یادآور شد که بخش عظیمی از کتاب ساختار زبان شعر امروز پیش از این که در خرداد ۱۳۷۷ حروفچینی و سپس در پاییز ۱۳۷۸ توسط انتشارات فردوس منتشر شود، به عنوان پایان‌نامه‌ی فوق لیسانس آقای مصطفی علی‌پور به نام «جستاری در واژگان و ساختار زبان شعر امروز» در تاریخ ۱۳۷۴/۴/۱۰ در دانشگاه فردوسی مشهد با درجه‌ی عالی دفاع شد. و در همان سال به عنوان پایان‌نامه‌ی برتر در زمینه‌ی نقد ادبی طی مراسمی در تالار فردوسی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی، جایزه‌ی نقد ادبی زنده یاد استاد غلامحسین یوسفی را ربود و از این نظر این کتاب برای استادان ارجمند و برخی کارکنان بزرگوار دانشکده ادبیات کم و بیش آشناست. گفتنی است سه نسخه از این پایان‌نامه در کتابخانه‌های دانشکده‌ی ادبیات و مرکزی دانشگاه فردوسی موجود است و طبیعی است که دسترسی به آن برای دانشجویان بویژه آقای مهیار علوی مقدم بسیار ساده باشد. تا آن جا که نگارنده‌ی این سطور به خاطر می‌آورد، آقای مصطفی علی‌پور در آموزش و پرورش کرج به تدریس اشتغال دارد، و تاکنون از وی سه دفتر شعر منتشر شده است و غیر از کتاب ساختار زبان شعر امروز نامبرده دو اثر پژوهشی دیگر آماده انتشار دارد.

و اما ذکر مواردی که یادآوری آن را برای آقای مهیار علوی مقدم لازم می‌دانیم.

ذیلاً یک یک موارد را از هر دو اثر ذکر می‌کنیم و قضاوت را به وجدان بیدار ایشان و نظر صالح خوانندگان این سطرها وامی‌گذاریم.

مطالبی را که آقای مهیار علوی مقدم از پایان‌نامه‌ی «جستاری در واژگان و ساختار زبان شعر امروز» برداشت کرده و در نوشته‌های خود جای داده‌اند، به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف: برداشت مستقیم: در این برداشت، عین عبارت‌ها، کلمه به کلمه بدون هیچ تغییری از پایان‌نامه مصطفی علی‌پور به کتاب نظریه‌های نقد ادبی معاصر انتقال یافته است که به بخشی کوچک از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- نوآوری شاعران فقط به طرح اندیشه و کاوشهای تصویرگریانه‌شان وابسته نیست، بیشتر در زبانی که به کار گرفته‌اند، تجدد و نوگرایی... آنها آشکار می‌شود. (جستاری در واژگان... ص ۴۹ و ۱ و ۲- نوآوری نحوی) - نوآوری شاعر در زبانی است که به کار می‌گیرد نه در تصویرهایی که ارائه می‌کند... (نظریه‌های نقد ادبی معاصر ص ۵۷)

۲- زبان شعر، زبان رمز است... ابهام دارد و راز حیات آن در مبهم بودن آن است... (جستاری در واژگان... ص ۱۷ و ۱۸)

۳- زبان شعر زبانی ابهام‌آمیز است و راز حیات آن در مبهم بودن آن است. (نظریه‌های نقد ادبی... ص ۵۹)

۴- زبان معرف ذهن است، عمل ذهنی وقتی به مرحله‌ی زبان می‌رسد «بیان» می‌شود... کمال ذهن از رهگذر زبان حاصل می‌گردد... (جستاری در واژگان... ص ۱۱، ۶)

۵- زبان معرف و بازتابنده‌ی اندیشه و اندیشه تنها در مرحله‌ی زبانی است که عینیت می‌یابد. اندیشه وقتی

به مرحله‌ی زبان می‌رسد، به «بیان» تبدیل می‌شود... کمال اندیشه از رهگذر زبان حاصل می‌شود. (نظریه‌های نقد ادبی... ص ۶۵)

گفتنی است آقای علوی مقدم فقط کمال ذهن را به کمال اندیشه برگردانده‌اند.

۴- آن جا که اودن می‌گوید: «چگونه می‌توانم بدانم که چه می‌اندیشم، مگر زمانی که ببینم که چه می‌گویم»، از این حقیقت پرده‌برمی‌دارد که زبان وسیله نیست، تمام یا بخشی از اندیشه است. (جستاری در واژگان...، ص ۱۳ - س ۳ و ۴ و ۵)

این سخن اودن که «چگونه می‌توانم بدانم که چه می‌اندیشم، مگر زمانی که ببینم که چه می‌گویم»، گواه بر آن است که زبان وسیله نیست، بلکه تمامیت اندیشه و بدان وابسته است. (نظریه‌های نقد ادبی... ص ۶۶)

۵- آنچه مسلم است، این است که شعر، هنری زبانی است. مثل زبان از عناصری چون واژه و لحن در یک ساختار دقیق ساخته شده و از این نظر، نیز از جهات صوری، کاملاً منطبق با زبان گفتار است... ساختار در شعر، نتیجه‌ی هوشمندی با ابزاری از ذوق و زیبایی است، و گاه چنان نظام‌مند که نتوان خشتی را جای خشتی نهاد، بی‌آن که به معماری زیباشناختی آن آسیبی وارد شود. (جستاری در واژگان و ساختار... ص ۱۹ س ۱۴ - ۲۱)

شعر هنری زبانی است و از عناصری مانند واژه، آوا، موسیقی و معنا در ساختاری دقیق و منسجم پدید می‌آید. ساختار زبان شعر، زاینده‌ی هوشمندی و زیبایی است و گاه آنچنان منسجم و نظام‌دار که حتی نمی‌توان خشتی از آن را در جای خشتی دیگر قرار داد، چرا که در این صورت، معماری زیبای شعر فرو می‌ریزد و آسیب می‌بیند. (نظریه‌های نقد ادبی... ص ۶۸)

عمر... زبان شعر معانی خاص را در هم می‌ریزد تا از

مستقیم گویی بگریزد... (جستاری در واژگان... ص ۲۱ - س ۱)

اصولاً زبان ادبی و شاعرانه، معانی خاص را در هم می‌نوردد تا از مستقیم گویی بگریزد... (نظریه‌های نقد ادبی ص ۷۰)

هر کسی می‌داند که «درهم می‌نوردد» که به جای «درهم می‌ریزد» آمده است، معنای درهم ریختن و فرو ریختن معنا را در عبارت بالا افاده نمی‌کند.

۷- اساساً آنچه را که به نام شعر کانکریت (Concrete Poem) می‌شناسیم، نمونه‌ای از کوششهای وسواس‌آمیز شاعران در دیداری کردن شعر به جای شکل شنیداری آن است. در این گونه شعرها، هیأت فیزیکی و صوری واژه‌ها تصویری دقیق از معنای ذهنی آنهاست. شاعر به جای آن که معنا را بنویسد، تصویری از آن را ترسیم می‌کند، مثل واژه‌ی «پهنا» در دو سطر زیر از اسماعیل شاهرودی:

من

به پهنای زمین

شکوه بودم

تو

به پهنای زمان

اندیشه بودی...

می‌بینیم که شاهرودی کلمه‌ی «پهنا» را به معنای واقعی کلمه، پهن کرده است... (جستاری در واژگان... ص ۱۶)

شعر کانکریت (دیداری) یکی از شیوه‌های دیداری کردن شعر به جای شکل شنیداری آن است. در این گونه شعر، صورت و حالت فیزیکی واژه‌ها تصویری از معنای آنهاست. این شعر نوعی نقاشی است که در آن شاعر، تصویری از معنا را ترسیم می‌کند. مثلاً:

من

به پهنای زمین

شکوه بودم

تو
به پهنای زمان

اندیشه بودی

(نظریه‌های نقد ادبی معاصر، ص ۹۹)

لازم به توضیح است که در منبع ارجاعی آقای علوی مقدم مقاله‌ی «نام نگاشت و زیبا آفرینی با خط» نوشته‌ی استاد وحیدیان کامیار است. استاد وحیدیان در این مقاله کانکریت را شعر تجسمی معنا کرده‌اند، نه دیداری. تعبیر شعر دیداری به جای کانکریت نخستین بار در پایان‌نامه‌ی «جستاری در واژگان... ص ۱۶» و سپس در کتاب ساختار زبان شعر امروز آمده است، تا آن جا که نگارنده به خاطر می‌آورد، استاد وحیدیان کامیار، با تعبیر «شعر دیداری» به جای «شعر کانکریت» چندان با آقای علی پور موافق نبوده است. ضمناً تعبیر «شعر کانکریت نوعی نقاشی است» از خانم دکتر صفارزاده است که در پی نوشت ص ۲۱ پایان‌نامه «جستاری در واژگان...» شماره‌ی ۲ آمده است، صفارزاده در کتاب حرکت و دیروز ص ۳-۱۵۲ می‌گوید «شعر کانکریت یک نوع همکاری است میان نقاش و شاعر» یا کمال تأسف آقای علوی مقدم تعبیر زیبای خانم صفارزاده را به صورت ناشیانه‌ای تغییر داده و به نام خود آورده‌اند.

۸- اساساً بخشی از توانایی‌های یک شاعر در برخورد با کلمات و الفت با آنها و بالاخره به تسخیر درآوردن شان آشکار می‌گردد... (جستاری در واژگان... ص ۳۰، س ۳-۵)

توانایی شاعر در رویارویی با واژه‌ها و انس و به تسخیر درآوردن آنها، پدیدار می‌شود... (نظریه‌های نقد ادبی ص ۷۵)

همان گونه که ملاحظه می‌کنید آقای علوی مقدم به جای «برخورد با کلمات» رویارویی با واژه‌ها و به جای «الفت» کلمه‌ی «انس» و به جای «به تسخیر درآوردن شان»، به تسخیر درآوردن آنها و به جای

نظریه‌های نقد ادبی معاصر

مهیار علوی مقدم

انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷



کلمه‌ی «اشکار» پدیدار، را آورده‌اند.

۹- زندگی شاید

زندگی شاید یک خیابان درازی است که هر روز زنی با زنبیلی از آن می‌گذرد

(تولدی دیگر)

تکرار واژه‌های «زندگی»، «دراز»، «هرروز» و... و نیز توالی منظم حرف و مصوت «ر» به نوعی تکرار طولانی روزمرگی و یکنواخت زندگی را در معرض نمایش می‌نهد. بلندی مصراع نیز در القای تجربه‌ی شاعر (طولانی بودن کسالت‌باری زندگی و عمر) بی‌تأثیر نیست و در دریافت حسی از آن طریق چشم، نقش عمده دارد... (جستاری در واژگان و... ص ۲۸)

زندگی شاید

یک خیابان دراز است که هر روز زنی با زنبیلی از آن می‌گذرد

فروغ فرخزاد

در این دو سطر، شاعر به یاری اصوات و هماوایی و توالی صامت «ز» و «ت» (تکرار واژه) زندگی در دیگر سطرها، و آوردن واژه‌های «دراز» و «هر روز» روزمرگی و یکنواختی و تکرار طولانی زندگی را نشان می‌دهد. طولانی بودن سطر دوم نیز در القای مفهوم خیابان دراز و یکنواختی و طولانی بودن کسالت‌آمیز زندگی بی‌تأثیر نیست. (نظریه‌های نقد ادبی معاصر ص ۹۶)

ب- برداشت آقای علوی مقدم از نوع نگاه و تحلیل مصطفی علی‌پور در مقاله‌های «زبان شعر و کلیات» پایان‌نامه‌ی «جستاری در واژگان و...»

مؤلف کتاب نظریه‌های نقد ادبی امروز در مباحث «شعر از دیدگاه صورنگاری» (فصل چهارم)، «کارکرد زبان در شعر» و «واژه، عنصر اساسی در شعر» تا آن مایه از دیدگاه‌ها و نظریه‌پردازیهایی علی‌پور در بخش «کلیات و زبان شعر» تأثیر پذیرفته است، که در پاره‌ای صفحات کتاب خود، از نقل تحلیل‌های نامبرده (البته

بدون هیچ اشاره‌ای به مأخذ خودداری نکرده است. و ما به برخی از این تحلیل‌ها اشاره می‌کنیم:

علی‌پور در صفحه‌ی ۳۵ پایان‌نامه‌ی «جستاری در واژگان و...» دیدگاه فرمالیست‌ها را در مورد وزن و موسیقی و این که فرمالیست‌ها مهمترین عامل سازنده‌ی شعر را وزن می‌دانند، با نثر خاص خود نقل می‌کند و پس از آن نظریه لویی آنتر میر را درباره‌ی وزن شعر و این که جوهر اساسی زندگانی موسیقی است می‌آورد و سپس از نامه‌ای سخن می‌گوید که فروغ فرخزاد در سال ۴۶ برای احمد رضا احمدی نوشته است و در آن اهمیت وزن و موسیقی در شعر، و این که در همه‌ی پدیده‌های طبیعت مثل لرزش ریتمیک برگ و درخت در باد، جریان منظم آب و... وزن و اهنگ وجود دارد، را گوشزد می‌کند. همین نگاه و تحلیل را با همان منابع و مأخذ (مثل آنچه که از لویی آنتر میر، فروغ فرخزاد، ورن و نزار قبانی و... نقل شده است)، آقای علوی مقدم در مقاله‌ی «موسیقی و عناصر آوایی...» ص ۶۰ کتاب نظریه‌های نقد ادبی امروز دارد. سآیه‌ی تحلیل علی‌پور بر این بخش از کتاب مزبور چنان سنگین است که گویی آقای علوی مقدم این صفحات را از روی نوشته‌های علی‌پور با اندک افزوده‌هایی رونویسی کرده است. همین وضعیت بر صفحات ۶۵ و ۶۶ کتاب نظریه‌های نقد... نیز حاکم است. تحلیلی را که در بند سوم ص ۶۵ و بند اول ص ۶۶ آمده است، می‌توان در صفحات ۱۱ و ۱۲ پایان‌نامه‌ی «جستاری در واژگان...» دید.

در صفحه‌ی ۷۰ و ۷۱ کتاب نظریه‌های نقد... عبارتهایی از زبان گراهام هوف نقل می‌کند و می‌نویسد: «گراهام هوف یادآور می‌شود که شعر دارای زبانی است ویژه‌ی خود که تقریباً هر فردی که دست به سرودن زده است، از طریق غنی کردن آن به وسیله‌ی اصطلاحات و مشتقات بیرونی، چیزی بدان افزوده است» آقای علوی مقدم سپس همان تحلیلی را از تعبیر

«غنی کردن» به دست می‌دهد، که قبل از وی علی‌پور در صفحه‌ی ۲۰ پایان‌نامه‌ی «جستاری در واژگان...» عرضه کرده است. با این تفاوت که آقای علوی مقدم با تغییر و جایگزینی کلماتی دیگر، سعی کرده است با نوع عبارت و نثر علی‌پور فاصله بگیرد. عبارت علی‌پور این است: «آنچه را «گری» غنی کردن زبان می‌گوید، همان نوآوری و دخل و تصرف در حوزه‌ی واژگان و نحو زبان شعر است و پدید آوردن ساختاری متفاوت از ساختار زبان گفتار...» این دو جمله را آقای علوی مقدم این چنین بازسازی کرده است: «به نظر می‌رسد منظور از «غنی کردن» همان تمهیدات و شگردهای زبانی و بیانی و فرهنگجاری است که موجب می‌شود ساختاری متفاوت با ساختار زبان عادی - علمی به وجود آید».

اگر آقای علوی مقدم به جای رونویسی از نوشته‌ی علی‌پور به اصل منبع (گفتاری درباره‌ی نقد) مراجعه می‌کردند، متوجه می‌شدند، عبارت منقول از «گراهام هوف» عبارت و تحلیل «گری» Th. Gray، شاعر انگلیسی و استاد تاریخ در دانشگاه کمبریج است، نه گراهام هوف، منتقد اتریشی. گراهام هوف عبارت مزبور را از قول «گری» نقل می‌کند.

نویسنده در فصل ششم کتاب نظریه‌های نقد ادبی... ص ۷۳ بند دوم چنین آورده است:

«... ابزار شاعر در شعر واژه است، همان طور که در موسیقی، یا ابزاری به نام صدا و نت مواجهیم. نقش واژه در شعر مانند نقش نت در موسیقی، رنگ در نقاشی و سنگ در پیکر تراشی است. همان طور که از درهم‌آمیختن پیوند رنگ‌ها در نقاشی تابلویی آفریده می‌شود، از هم‌نشینی واژه‌ها و نظام آوایی و معنایی آنها شعر شکل می‌گیرد. رابرت فراست معتقد است که «شعر نوعی اجرا به وسیله‌ی کلمات است» اهمیت و جایگاه واژه در شعر به اندازه‌ای است که به گفته‌ی یدالله رویایی «تمام شعر، کلمه است» و حتی برخی منتقدان

آن را از معنا برتر دانسته‌اند.»

هم‌اکنون، بند اول صفحه ۲۵ پایان نامه‌ی «جستاری در واژگان و ساختار...» مقاله «زبان شعر و کلمه» نوشته‌ی مصطفی علی‌پور را می‌آوریم و قضاوت را به خوانندگان محترم واگذار می‌کنیم:

«شعر نوعی اجرا به وسیله کلمات است» این را «رابرت فراست» گفته است. جمله‌ی فراست را می‌توان چنین تعبیر کرد: کلمه ماده‌المواد شعر است. نقش کلمه در شعر، مثل نقشی است که رنگ در نقاشی، نت در موسیقی و سنگ در پیکر تراشی دارد. شعر هم از همنشینی منظم و مرتب واژه‌ها (در شرایطی کاملاً متفاوت با نثر) و توافق موسیقایی، آوایی و معنایی آنها با یکدیگر آفریده می‌شود. همچنان که از اختلاط و همسایگی رنگها با هم تابلویی در وجود می‌آید. اهمیت کلمه و لفظ در شعر تا آن حد است، که حتی بسیاری از منتقدان آن را بر معنا برتر دانسته‌اند. این اعتبار و اهمیت نه تنها ناشی از قدرت القای مفهوم و معنای آن بلکه از هارمونی و آهنگی است، که در درون کلمه است. اگر از این نظرگاه به شعر نگریسته شود، بسادگی می‌توان با «روایاتی» هم‌آوا شد که «تمام شعر، کلمه است».

• برای پیشگیری از اطاله‌ی کلام بیش از این به مقایسه‌ی جز به جز و ریز مطالب نمی‌پردازیم و خود خوانندگان فهیم را به مقایسه‌ی صفحه ۷۵ بند ۳ و ۴ و ۵ کتاب نظریه‌های نقد ادبی معاصر با صفحه‌ی ۳۰ سطر ۴ و ۳ / ص ۳۱، سطر ۷ / صفحه‌ی ۱۵، س ۱۰ و ۱۱ پایان‌نامه‌ی «جستاری در واژگان و ساختار...» دعوت می‌کنیم.

بند ۲ و ۳ و ۴ ص ۷۷ کتاب نظریه‌های نقد... با ص ۲۶ سطرهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ مقایسه شود.

ج - در پاورقی‌ها، در چند مورد معرفی شخصیت‌ها نیز آقای علوی‌مقدم به خود زحمت مراجعه به مآخذ و مراجع لازم مثل فرهنگ وبستر و فرهنگ مصاحب و...

را نداده‌اند، و به همان معرفی مختصر علی‌پور در پایان‌نامه «جستاری در واژگان و...» رضایت داده‌اند، حال آن که آنچه علی‌پور در معرفی برخی شاعران و نویسندگان مثل آر‌تور شوپنهاور، مالارمه، اودن و... آورده است، فشرده‌ای است از صفحه یا صفحاتی که مطابق سلیقه و ذوق خود تنظیم کرده است. در همین مورد پاورقی صفحات ۶۶ (اودن)، ۷۴ (شوپنهاور)، ۷۷ (مالارمه) کتاب نظریه‌های نقد ادبی معاصر به ترتیب با پاورقی صفحات ۱۳ (اودن)، ۲۶ (شوپنهاور) ۲۶ (مالارمه) پایان‌نامه‌ی «جستاری در واژگان و ساختار زبان شعر امروز» مقایسه شود.

در پایان، ضمن آرزوی موفقیت برای آقای مهیار علوی‌مقدم، یادآور می‌شوم آنچه را اتفاق افتاده است از دو جهت قابل تأمل می‌دانیم. نخست این که ایشان، فرزند استاد فرزانه، آقای دکتر محمد علوی‌مقدم هستند که همواره فروتنی و تقوای علمی ایشان زبانزد پژوهشگران و دانشجویان بوده است. استادی که خود بارها از برخورد نادرست برخی با آثار ایشان، شکوه و گلایه کرده‌اند. جا داشت آقای مهیار علوی‌مقدم نیز در ذکر منابع و مآخذ، از خود دقت و جدیت بیشتری به عمل می‌آوردند.

دیگر این که ناشری متولی نشر کتاب نظریه‌های نقد ادبی معاصر است (نشر سمت) که باید به دلیل قرار داشتن در جایگاه بزرگترین و معتبرترین نشر آثار دانشگاهی، بیش از هر مؤسسه‌ی انتشاراتی دقت کارشناسی داشته باشد، هم‌چنان که تاکنون داشته است. امیدواریم که ناشر محترم، در چاپ بعدی این اثر، با بررسی همه‌سویه و تجدید نظر کامل، نسبت به ذکر دقیق منابع و مآخذ لازم بویژه پایان‌نامه‌ی جستاری در واژگان و ساختار زبان شعر امروز، یا کتاب ساختار زبان شعر امروز نوشته‌ی مصطفی علی‌پور، اقدام لازم به عمل آورند.

اگزستانسیالیسم واخلاق

کتاب اگزستانسیالیسم و اخلاق نوشته ماری وارناک با ترجمه مسعود علیا به همت نشر ققنوس به زودی منتشر می‌شود.

موضوع این کتاب، که از مجموعه انگلیسی «بررسی‌های جدید در علم اخلاق» انتخاب شده است، اخلاق اگزستانسیالیستی است. نویسنده کوشیده است با بررسی آراء و افکار کی‌یر کگور، هایدگر، و سارتر - سه فیلسوف بزرگی که هر یک، کمابیش با اگزستانسیالیسم نسبتی دارند - مؤلفه‌ها و مضامین اخلاقی این مکتب فلسفی را نشان دهد. او بر این باور است که فیلسوفان اگزستانسیالیسم، نظام اخلاقی مسنجمی ندارند و اساساً از دل فلسفه‌های اگزستانسیالیستی، نمی‌توان اخلاق‌شناسی نظام‌مند یا منظومه‌واری بیرون کشید.

نویسنده کتاب که آثار دیگری نیز در زمینه اگزستانسیالیسم و فلسفه سارتر منتشر کرده است، با چند و چون این مکتب فلسفی آشنایی داشته و به همین خاطر از صلاحیت نگارش اثری در این باب برخوردار بوده است.

به رغم آنکه مکتب فلسفی اگزستانسیالیسم در ایران کمابیش نامی آشناست، شمار آثاری که از فیلسوفان تأثیرگذار در این مکتب یا درباره فلسفه‌های اگزستانسیالیستی انتشار یافته، بسیار اندک است. از تازه‌ترین آثاری که در این زمینه منتشر شده است، می‌توان کتاب فلسفه وجودی نوشته جان مک کواری با ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی را نام برد. که در میان دیگر آثاری که در گستره اگزستانسیالیسم قرار می‌گیرند، جایگاهی ممتاز دارد.

در میان کشورها و اقوام و ملل دارای تاریخ کهن و فرهنگ اصیل، (فرهنگ و ادب) از اصطلاحات پربسامدی است که مفهوم بسیار گسترده آن با مظاهر و ویژگیهایش، یکی از بزرگترین برتریها و عوامل فخر و ناز مردمان صاحب آن در پهنه گیتی به شمار می رود، خصیصه ای که تمام سرزمینها و ملیتهای جهان با دیده بزرگداشت بدان می نگرند و آن چنان مهر و شوقی به بهره گیری از آثار آن دارند که رشته هایی چون (فرهنگ و ادب تطبیقی) پی افکنده می شود و عده ای دهها سال از زمان زندگی خویش را وقف فراگیری و تحقیق و سپستر تعلیم زبان و ادب و فرهنگ غنی سرزمین و مردمی دیگر می کنند. در این زمینه، بهره ملل کهن پیشینه صاحب ادب استوار و شکوهمند از نظر احترام و اعتبار و اعتنای جهانی بسی برتر و چشم گیرتر است و بی گمان ایران زمین نیز به همراه چند سرزمین نامبردار دیگر، در گروه کشورهای است که در مقام تمثیل اگر از کرات دیگر منظومه شمسی، خواستار آثار برجسته ای برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ذوق و ادب بشر ساکن زمین باشند، شاهکارهای گران ارجی چون شاهنامه و مثنوی را با هم داستانی دانشوران سراسر گیتی به عنوان مشت نمونه خروار عرضه خواهد کرد. با توجه به این واقعیت افتخارآمیز، نخستین انتظار از دارندگان چنین

فرهنگ و ادب درخشانی، بیشترین حد کوشش جهت حفظ، پیش برد، شناسایی و شناساندن آن است و این، بنیادی ترین خویشتکاری فرهنگی هر ایرانی ازاده در برابر زبان و ادبیات و فرهنگ پرمایه خویش به شمار می رود. از آن جایی که خردمندی و هوشیاری از ویژگیهای برجسته ایرانیان فرهیخته است، همواره این وظیفه فرهنگی - ملی خود را به دیده داشته و کمر به انجام آن بسته اند: از حفظ اشعار و نقل زبان به زبان آن و کتابت آثار علمی - ادبی و... تا برپایی همایشهای علمی امروزین، جملگی سیر تاریخی و در عین حال پیش رفت کننده این مهم را نشان می دهد، اما با این همه باز در قرن پانزدهم قمری ما با کاستیها و کمبودهایی در زمینه (زبان و ادبیات پارسی) روبرو هستیم که گهگاه در مقالات و سخنرانیها با عناوینی چون: ضعف تحقیقات ادبی، مشکلات تدریس ادبیات، عقب ماندگی نقد و تعبیری همانند از آنها سخن می رود و بعضاً راهکارهایی پیشنهاد می شود، یادداشت مختصر حاضر نیز در جرگه گفتارهای مذکور است که به طرح و بررسی یکی از سودمندترین روشهای گسترش علمی و پیشرفت اصولی تحقیق و تدریس و تنقید در حوزه (زبان و ادبیات پارسی) می پردازد که پیشتر در قالب اشارات و پیشنهادهایی به صورت پراکنده و ضمنی بیان شده اما - به گمان بسیار - نخستین بار است که در یادداشتی ویژه مورد بحث قرار می گیرد و اومید است که حکم اقتراح گونه ای را نیز داشته باشد تا صاحب نظران و اهل فن با مباحث و دیدگاههای علمی تر و دقیق تر، پرتوهای بیشتری را بر موضوع بیفکنند، چرا که آرمان والای نهایی بهبود روشمند پژوهشهای مربوط به فرهنگ و زبان و ادب ماندگار ایران است و بس.

نگاهی کوتاه و بسیار اجمالی به تاریخ علم نشان می دهد که در گذشته، شمار و دامنه معارف بشری آن چنان متعدد و گسترده نبوده است به گونه ای که علما

می توانستند با خوشه چینی از خرمن هر دانشی، بهره هایی از علوم گوناگون را حاصل و خود را به صفاتی چون حکیم و امثال آن متصف کنند و برای نمونه خواجه نصیرالدین توسی در کنار معیار الاشعار (در عروض فارسی) اساس الاقتباس (در منطق) و رساله معینیه (در هیئت) و فصول نصیریه (در مسائل دینی) را که مجموعه کتابهایی درباره دانشهای جداگانه است، تألیف می کرد. دانای توس نیز با در نظر داشتن پراکنده خوانیهای دانشوران پیشین و جامعیت آنهاست که چنین اندرزهایی می دهد:

ز هر دانشی چون سخن بشنوی

از آموختن یک زمان نغوی

بیاموز و بشنوز هر دانشی

بیابی ز هر دانشی، رامشی

اما با گذر زمان و پیشرفت دست آوردهای انسان و در نتیجه وسعت علوم، دانش بخش بندی و گرایشی شد و ادبیات و فلسفه و پزشکی و نجوم و غیره هر یک به صورت علم خاصی درآمد که احاطه عمیق بر یکی از آنها دانشمند را از توجه دقیق و ژرف به دیگری بازداشت و اگر گوشه چشمی نیز بود بیشتر از سر ضرورت یا علاقه و در حد آشنایی مختصر با کلیات، آن هم در حیطه علوم هم گروه باقی ماند مانند: آشنایی یک ادیب با فلسفه که هر دو علم زیرمجموعه کلیتی به نام (علوم انسانی) هستند. امروزه این علوم به چنان غنا و ژرفایی رسیده اند که هر یک بتنهایی ایجاد گرایشهای ویژه ای را ایجاب می کنند، به سخنی دیگر سرعت و وسعت پیشرفت دانش، تخصصها را هم اخص کرده است و مثلاً (علم طب یا همان دانش پزشکی) به عنوان یکی از گرایشهای خاص علم گذشته و امروز، نیازمند تخصصهای جزئی تر و گرایشی تر درون رشته ای است. (ادبیات) نیز که در جهان امروز چنان دانش ویژه ای شناخته می شود از این قاعده مستثنا نیست و

این را هم از سبب چیست - لعل تو

طختش طختش تخت

اهمیت

سجاد آیدنلو

(تخصصی شدن ادبیات) یکی از کارآمدترین روشهای علمی تر کردن آن است، مُراد از اصطلاح (تخصص در ادبیات) عبارت است از گرایش خاص و صرف به مطالعه و بررسی یک موضوع، متن یا فن ادبی با توجه به کلیه جزئیات و امور فرعی وابسته بدان در عین شناخت کلی همه علوم و بیشتر آثار ادبی و چون بحث بر سر (زبان و ادبیات ایران) است، منظور از فنون و متون نیز دانشها و آثار ادب پارسی است.

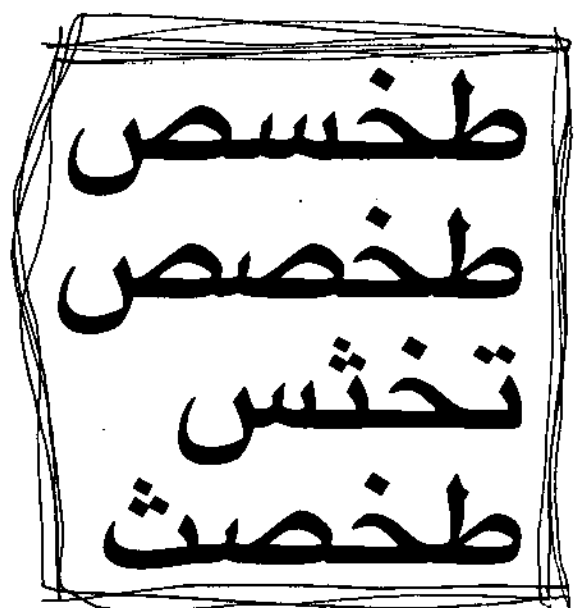
برای تأیید و تأکید موضوع (اهمیت تخصص در ادبیات) و حتی فراتر از آن (ضرورت تخصص) دلایلی چند را می توان اقامه کرد، نخست این که هر یک از آثار اصلی و مهم ادب ما از پشتوانه عمیق و ژرف ساخت گستردهای برخوردارند چنان که شناخت درست و دقیق آنها مستلزم آشنایی با دسته‌ای از علوم و معارف وابسته است که گرچه در مقایسه با آن متن خاص در حکم فرع می باشد اما بی اطلاعی از آنها سبب ماندن در کالبد و روستاخت متن مورد بررسی و ناتوانی از فهم و شناخت آن - به معنی دقیق کلمه - است، برای توضیح بیشتر این مورد نمونه‌ای ذکر می کنیم: شاهنامه به عنوان یکی از ارکان فرهنگ و ادب ایران، متن بسیار مهم و درخور پژوهشی است که بررسی و شناخت آن، امروز با نام دانش (شاهنامه شناسی) در گستره گیتی مطرح است، با این که اساس اصلی این علم تخصصی متن شاهنامه می باشد، لازمه شاهنامه شناسی و حتی شاهنامه پژوهی آگاهی از: اساطیر ایران و در حوزه وسیع تر اسطوره های هند و اروپایی، فرهنگ و ادب اوستایی و پهلوی، تاریخ حماسه سرایی ایران، متون حماسه گونه پیر و شاهنامه، دستور زبان و سبک آثار نظم و نثر زمان سرایش شاهنامه، تاریخ ادبیات عصر فردوسی، آثار عربی و پارسی دربردارنده رویدادهای ایران پیش از اسلام و... است که مطالعه و آموختنشان خود طالب یک عمر است و به همین سان است مثنوی

مولوی و چند اثر مهم دیگر که محقق به تعبیر فردوسی: یکی بی کران ژرف دریا بدید. با این وصف پژوهشگر، استاد و دانشجویی که در اندیشه تحقیق و تعلیم علمی و باریک بینانه ادبیات است شایسته است که در پی کسب تخصص در یک متن یا فن خاص ادبی برآید و با این فعالیت گرایشی خود به ژرفاهای ناکاویده آن ره یابد و کیفیت تحقیق و تدریس اثر یا دانش مربوط را بالاتر ببرد و سدالته همین که عمر گرانباه را صرف این هدف سترگ علمی کرده، آثار دقیق، جامع و مستندی را به جهان پژوهش ارائه کند به توفیق بزرگ و مانایی دست یافته است. لذا لزومی ندارد - و اساساً ممکن هم نیست - که شخص در کنار مثلاً (شاهنامه شناسی)، (سعدی شناسی) صاحب نظری نیز بشود چون آشنائی در هر کدام از این اقیانوسها، چهار پنج دهه زمان می خواهد که پژوهشگر تنها سیاهی کرانه ها را از دور ببیند. «بزرگمهر گفت: همه چیز همگان دانند و همگان هنوز از مادر نزاده اند.»^۱

نکته دیگر این است که اگر استاد و محقق و دانشجوی ادبیات (تخصص) را به یک سو نهد، زمان کافی و مناسب برای بررسی و شناخت دقیق و عمیق نه همه که حتی متنهای معتبر و مهم ادبی را هم نخواهد داشت و این امر موقعی دشوار تر و وقت گیر تر است که شناسایی و مطالعه منابع تحقیقی مربوط به این متون و نیز علوم ادبی - چه مقالات چاپ شده در مجلات داخل و خارج کشور و چه کتابهای منتشر شده - را نیز بر آن بیفزاییم. از جانب دیگر امکانات مالی و مادی اکثر قریب به اتفاق پژوهشگران و استادان و دانش جویان در اندازهای نیست که توانایی خرید و مطالعه همه کتابهای چاپ شده در باب شاعران و نویسندگان قدیم و جدید ادب پارسی و دانشهای ادبی را برای آنها فراهم کند. برای نمونه در طول یک سال چند ده مقاله و کتاب درباره (حافظ) در ایران و کشورهای دیگر منتشر

می شود، به همین قیاس در باب فردوسی و سعدی و مولوی و نظامی و عطار و نقد ادبی و دستور و... با چنین شرایطی محقق، استاد و دانش پژوه غیرمتخصص زمان و توان مالی استفاده از همه این تحقیقات را ندارد و اگر بر آن باشد که خلاف گفته بیهقی نه همه آن نوشته ها، بلکه معدودی را به صورت به گزینی و انتخابی مطالعه کند در زمینه هیچ یک از این بزرگان و فنون به دلیل عدم بررسی همه یا حداقل بیشتر تحقیقات انجام شده، جامعیت علمی لازم و عمق معلومات درخور را نخواهد داشت و کمیت تدریس، پژوهش، نظریه پردازی و نقدنویسی هایش خواهد لنگید و در هیچ کدام از این امور توانایی بیان پاسخی ژرف و مستند، نظریه ای نوآیین و علمی و نکته یابیهای دقیق و ظریف را چنان که یک متخصص می تواند، نخواهد داشت. این مدعا نمونه های فراوانی دارد که مشخصات یکی از آنها جهت مراجعه خوانندگان فرهیخته در یادداشتها آورده می شود. مقاله مذکور بررسی کتابی است درباره حافظ که به خامه یکی از علاقه مندان شاهنامه پژوهی - و موفق در این زمینه - فراهم آمده و منتقد محترم پس از نقد اثر، بدرستی به موضوع سودمندی علمی (گرایشی کارکردن) محققان اشاره کرده است.

تخصص در ادبیات، جز از فواید بسیار در عرصه تدریس و تحقیق، در حوزه (نقد) نیز پرثمر است و سبب بالاتر رفتن سطح نقد آثار و دقیق تر و بسامان تر شدن بررسی کتابهای منتشر شده است، محقق و منتقدی که متخصص یک اثر یا یک دوره یا دانش ادبی است، بی تردید جدیدترین پژوهشهای انجام شده در گستره کار خود را می شناسد و می بیند. حال اگر این متخصص به نقد و بررسی آن تحقیقات بپردازد به پشتوانگی سالیان تجربه و مطالعه و اطلاعات وسیع، نکته های باریک و دقیقی را از متن اثر مورد بررسی بدر کشیده، آن چنان مستند و علمی برمی رسد و توضیح می دهد که



«تخصص در ادبیات»

گذشته از مؤلف کتاب، خوانندگان آن نقد نیز دقایق و ظرایف بدیعی را درباره اثر یا فن مورد بحث در کتاب نقد شده، فرامی گیرند. افزون بر این حاصل چنین نکته یابیها و دقت نظرهای برخاسته از تخصص، اعتدالی کیفیت علمی آثار و تحقیقات ادبی است و این، مهمترین و بهترین نتیجه یک نقد اصولی و علمی و هدف منتقد بصیر و عاری از حب و بغض است.

قطعاً همه خوانندگان دانادل حتی مخالفان و معترضان احتمالی مسأله (تخصص در ادبیات) نیز این واقعیت را می پذیرند که نقد و بررسی یک کتاب تحقیقی مربوط به مثلاً شاهنامه یا عطار از جانب ناقد شاهنامه شناس و عطارشناس بارها علمی تر، استوارتر و دقیق تر از بررسی آن کتابها به وسیله یک سعدی شناس یا منتقد غیرمتخصص و همه چیز خوان خواهد بود، بر همین بنیاد با بهره گیری از آن ضربالمثل مشهور باید گفت: با تیر تخصص در میدان نقد درست و علمی می توان دوشانه زد.

مطلب شایان اشاره و مهمی که در مبحث (تخصص در ادبیات) باید بدان پرداخت این است که موضوع (اهمیت و ضرورت تخصص در ادبیات) و لزوم رویکرد به یک متن یا فن ادبی به معنی بی توجهی مطلق و عدم مطالعه و بررسی آثار و علوم دیگر نیست، نمونه را پژوهنده ای که در زمینه شاهنامه و دانش شاهنامه شناسی به مطالعه و تحقیق و تصحیح مشغول است هرگز نباید فراگیری دستور، سبک شناسی، علوم بلاغی، نقد ادبی، عروض و تاریخ ادبیات را از نظر دور بدارد و از مطالعه آثار مهم نظم و نثر پارسی که معلوم همگان است و نیازی به ذکر نامشان نیست، سرباز زند، تنها بدین دست آویز و دلیل نامعتبر که محدوده کار تخصصی او (شاهنامه شناسی) است، چون شاهنامه پژوه یا متخصص هر متن و علم ادبی دیگر در مرحله نخست و پیش از هر چیزی، دانشجو، استاد و محقق ادبیات پارسی به معنای عام آن است و اثر و دانشی که وی به عنوان گرایش ویژه خود برگزیده جزئی

است از این کل. بر این اساس آموختن علوم ادبی و خواندن متنهاى مهم و حتى نه چندان مهم و درجه دو و سه ادب پارسی از ضرورتهاى ناگزیر هر متخصص است چرا که در غیر این صورت مفهوم (تک بُعدی بودن) مصداق پیدا می کند آن هم به گونه منفی و قابل انتقاد و اعتراض که نتایج ناسودمند و نواقص حاصل از آن بیش و پیش از همه به عرصه فعالیت تخصصی کشیده می شود، بدین معنی که چون (ادبیات پارسی) مجموعه آثار نظم و نثر را شامل می شود در هر یک از آنها نکات، واژه ها، بیتها و اشاراتی آمده که ممکن است در گشایش دشواریها و رفع ابهامات متنی دیگر به کار آید یا چنان شاهدهی مستند در استوارداشت مفهوم و نکته مذکور در آن استفاده شود، حال محقق که صرفاً به متن مورد تخصص خویش پرداخته و سایر آثار را بررسی نکرده است از چنین امکان مفید و در مواردی راهگشا و حل کننده بی بهره می ماند و چه بسا به دریافت درست نکته ها و مفاهیم متن مورد بررسی خود و حصول نتیجه ای علمی و معتبر نیز به سبب بودن کلید گشاینده ابهام یا دشواری در متنی دیگر نایل نمی شود، برای نمودن درستی این گفته و اهمیت آن به دو نمونه از شاهنامه اشاره می شود:

(۱) در تحمیدیه آغاز شاهنامه، فردوسی می فرماید:

ز نام و نشان و گمان برتر است

نگارنده بر شده گوهر است
در این بیت درباره ترکیب (برشده گوهر) معانی مختلفی بیان شده است اما با توجه به بیتی از گرشاسپ نامه می توان آن را (جان) دانست:

چنین دان که جان برترین گوهر است
نه زین گیتی از گیتی دیگر است^۲

(۲) ترکیب مهم (آب رز) در داستان رستم و اسفندیار که رستم، تیرگز را بدان آغشته می کند در برخی از فرهنگها بنادرست (زهر) معنی شده است، در نظریات محققان هم روزگار مفهوم (شراب) برای آن

پیشنهاد و پذیرفته شده که این بیت از حقیقه سنایی دقیقاً تأیید گمان یاد شده است:

ای ندیده ز آب رز هستی

تاکی آخر ز عشق رز مستی^۴
استقصا در متون گوناگون، شواهد دیگری را نیز برای این موضوع به دست می دهد که نمونه های بسیاری از آن در کتابها و مقالات تحقیقی استادان و پژوهندگان دیده می شود. نکته دیگری که در پیوند با این بحث باید گفت این است که مفهوم این سخن که پژوهشگران غیرمتخصص توانایی تدریس و تحقیق در اندازه های یک محقق متخصص را ندارند استثنای پذیر است و باید با قید (اکثر و بیشتر) همراه باشد، چون بررسی تاریخ تحقیقات ادبی و استادان و پژوهندگان معاصر ممکن است چهره های برجسته ای را هویدا کند که با وجود عدم اشتغال به تخصص در یک متن و گرایشی نبون فعالیتهاى آنها، در چند زمینه مسلط و درحد تخصص بوده اند، برای نمونه چنین دانشمندان جامع الاطرافى از میان محققان در قید حیات استاد دکتر شفیعی کدکنی را - که دیر زیاد و هرکجا هست خدایا به سلامت دارش - می توان نام برد که تقریباً درباره هر دانش ادبی و یا هر یک از متون که تحقیقی کرده و نظریه ای ارائه نموده اند، قولشان حجت و رایشان صائب بوده است، هرچند که با دقت نظر می شود نشانه هایی از گرایش به سبک شناسی، نقد ادبی و عرفان و متون عرفانی و گونه ای تخصص پوشیده در این زمینه ها را در آثار ایشان یافت و باز به (اهمیت و ضرورت تخصص در ادبیات) گریز زد. از استادان و محققانی که به اهمیت تخصص پی برده و سالها بر سر گرایش خاص خود نهاده اند می توان به: شادروان استاد بدیع الزمان فروزانفر (مولوی شناس)، دکتر منوچهر مرتضوی (حافظ شناس)، دکتر بهمن سرکاراتی (اسطوره شناسی شاهنامه)، دکتر جلال خالقی مطلق (شاهنامه شناس)، دکتر جلیل دوستخواه (اسطوره شناسی شاهنامه)، دکتر جلیل تجلیل



(متخصص علوم بلاغی)، دکتر بدرالزمان قریب (متخصص زبان سغدی)، مرحوم دکتر احمد تفضلی (متخصص زبان پهلوی)، دکتر بهروز ثروتیان (نظامی‌شناس)، دکتر خسرو فرشیدورد (گرایش به دستورشناسی)، آقای بهاءالدین خرمشاهی (حافظ‌شناس)، دکتر سیروس شمیسا (گرایش به سبک‌شناسی و نقد ادبی) اشاره کرد. بی‌گمان اسامی دانشوران متخصص دیگری را نیز می‌توان بر این فهرست افزود که به سبب عدم حضور ذهن نگارنده از قلم افتاده‌اند، اما به هر روی شمار آنها در برابر استادان و پژوهشگران پراکنده کار اندک ولی سطح علمی نظریات و آثار و مقالات آنها در بیشتر موارد بسیار برتر و درست‌تر است. از باب مثال مقالات دکتر سرکاراتی در زمینه اساطیر ایرانی عموماً و مباحث اسطوره‌شناختی شاهنامه خصوصاً، مرجع جهانی و در سراسر عالم معتبر و مورد استناد است یا آرای دکتر خالقی مطلق درباره موضوعات مربوط به شاهنامه، نمونه مؤید این مطلب مقاله «پری، تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی» از استاد سرکاراتی است که در سال (۱۳۵۰ ه. ش.) در نشریه دانشکده ادبیات تبریز چاپ شده اما به همان دلیل مهم تخصص بالای نویسنده آن از چنان ارزش علمی و گفتارهای سودمندی بهره‌مند است که دانشمندی چون بیوار، ایران‌شناس انگلیسی، در مقاله خود در جشن‌نامه مری بویس (۱۹۸۵ م) بدان اشاره و استناد کرده است.^۵

در زمینه نامیدن (استادان متخصص) به این نکته باریک ولی مهم باید دقت داشت که به منظور رعایت بار معنایی درست الفاظ و ارج و احترام متخصصان واقعی و تلاشهای توان‌سوز آنها، تفاوت معنایی ظریف بین دو واژه (شناس) و (پژوه) در دادن القاب به محققان، شایسته توجه است؛ توضیح این که افزودن (شناس) به آخر نام یک متن یا فن ادبی مانند: شاهنامه‌شناس، سبک‌شناس و... و انتساب آن به استادان و پژوهندگان فقط سزاوار کسانی است که عمری بر سر یک متن یا

دانش گذاشته‌اند و به تعبیر مشهور دود چراغ خورده‌اند و (پژوه) ویژه محققانی که در آغاز راه پژوهش و مطالعه یک گرایش خاص هستند یا اثری را در آن باب فراهم آورده‌اند، بر همین پایه هرکسی را که یک شرح یا دو مقاله و کتاب درباره موضوعی تألیف کرده و یا تدریس یکی از متون یا فنون را عهده‌دار است یا صفت (...شناس) خواندن، نادیده گرفتن زحمات متخصصان واقعی آن رشته و بی‌احترامی به عالمان صاحب‌نظر فن یا متن مربوط است. چنین بی‌پرواییهایی از نظر جامعه‌شناسی زبان تجاوز به حریم معنایی واژگان محسوب می‌شود.

در بایستگی و سودمندی (تخصص در علم) ازجمله در ادبیات، داستانی جدید و امروزی نیست بلکه فرزنانگان پیشین نیز با وجود محدودیت قلمرو دانش و بودن دانش‌مردان آشنا با تمام یا بیشتر علوم، کم و بیش بر اهمیت این موضوع واقف بوده‌اند، شیخ بهایی، دانشمند معروف روزگار شاه‌عباس، می‌گوید: «من با دانشمندان نامدار که ذی‌فنون بودند و در رشته‌های گوناگونی کار کرده و در هر علمی اطلاعات وسیعی به دست آورده بودند وارد بحث و مذاکره شدم و در همه آنها پیروز گشتم ولی هر موقع با (متخصص) یک فن یعنی کسی که تمام نیروی خود را در یک رشته به کار برده بود به گفتگو پرداختم، سخت مغلوب شدم زیرا در اثر متناهی بودن نیروی فکری و دماغی، زوایایی در هر علمی برای من مخفی مانده بود».^۶

اما درباره دیدگاه دانشمندان معاصر قبلاً باید این مطلب را بیان کرد که امروزه در مباحث ادبی بویژه در بحثهای دست‌ورزبان پارسی، معمولاً دو نظرگاه (ادبیاتی‌ها) و (زبان‌شناسان) مطرح و بررسی می‌شود، حال اگر این مسأله را به موضوع (گرایشی شدن ادبیات) نیز تعمیم دهیم و آن را از منظر دو گروه نام برده بسنجیم، ملاحظه خواهیم کرد که برخلاف بسیاری از نظریات دستوری، در باب این موضوع مهم هر دو گروه هم‌سخن و موافق هستند و این دقیقه را می‌توان از نظر

دو تن از استادان برجسته هر دو گروه فرادست آورد، علامه مرحوم استاد جلال‌الدین همایی به عنوان یکی از بزرگترین ادیبان هم‌روزگار شالها پیش در مقاله‌ای نوشته‌اند: «به نظر این حقیر هرکسی درخور شاهنامه‌دانی نیست، شاهنامه‌دانی فن مستقلاً است که سرمایه علمی و ادبی و ذوق کافی واقعی و تتبع متمادی در نظم و نثر قدیم فارسی لازم دارد و در این باره شایسته است که اشخاص ادیب فاضل اهل، کارهای متفرقه را کنار بگذارند و محض و خالص یک‌جا چندین سال وقت خود را صرف خواندن و تحقیق در شاهنامه کنند تا با زبان فردوسی و دقایق معانی کلمات و عبارات او آشنا شوند و گفته‌های او را همان‌طور که در ذهن گوینده آمده و مراد و مقصود خود او بوده است بفهمند و درک کنند، نتیجه آن را به دیگران هم بیاموزند و بفهمانند و خلاصه این که شاهنامه‌دان و فردوسی‌شناس از کار درآیند و گر نه از آن دسته اشخاص که یک بار هم شاهنامه را نخوانده و با فنون نظم و نثر ادبی و اسالیب سخن فارسی تتبع و آشنایی کافی نداشته باشند کاری ساخته نیست و به قول معروف: «با این دیگهای چوبی حلوا نمی‌توان خورد».

البته در مورد آن کسانی که در خط شاهنامه‌شناسی و تخصص در شاهنامه‌دانی می‌افتند، شرط اصلی آن است که در فطرت و غریزه جبلی دارای طبع و ذوق سلیم و سلیقه مستقیم و همان‌طور که اشاره شد از علوم و ادب فارسی کاملاً بهره‌مند باشند و به علاوه به عقیده من باید خود آنها شاعر موزون طبع و از رموز فصاحت و بلاغت و سخنوری و سخنندانی علماً و عملاً آگاه باشند و نمونه‌های نثر قدیم دری را بسیار خوانده و با آن مانوس شده باشند تا درک کنند که فردوسی در نظم شاهنامه چه هنری به خرج داده است. من معتقدم و پیشنهاد می‌کنم که دولت و دانشگاه اقدام کنند مجمعی از دانشجویان مستعد یا کلاسی مخصوص فوق‌لیسانس تشکیل بدهند که هدف و برنامه‌اش فقط شاهنامه‌دانی باشد نظیر آن را برای مثنوی مولوی نیز در سخنرانیهای خود



پیشنهاد کرده‌ام و اینجا تکرار می‌کنم.^۷ این نظریه استاد را که به اقتضای مقام درباره شاهنامه است می‌توان گسترد و بر سایر متون و علوم ادبی هم شامل کرد چنان که خود از مثنوی نام برده‌اند. دکتر علی محمد حق شناس نیز که یکی از زبان‌شناسان برگزیده ایران به شمار می‌رود در مقاله‌ای^۸ پس از ذکر اختلاف میان مفهوم شناخت و آشنایی در عرصه علم به روش غالب جامع‌العلوم شدن در مشرق زمین - چه در گذشته و چه اکنون - و روی‌کرد به فعالیت‌های گرایشی در مغرب در عصر حاضر اشاره کرده، اهمیت تخصصی کار کردن در حل مسائل آموزشی و پژوهشی را بیان کرده‌اند. مایه بسی شادمانی و اومیدواری به درخشان‌تر شدن آینده ادبیات پرمایه ایران است که ضرورت گرایشی شدن رشته زبان و ادبیات پارسی مورد توجه استادان و صاحب‌نظران قرار گرفته و در هفتمین همایش زبان و ادب پارسی (بهمن ۷۸) پیشنهاد آن طرح و پذیرفته شده است^۹ و اومید است که به مرحله عمل و اجرا نیز درآید:

کرد پیش آر و گفت کوتاه کن

با چنین گفت، کرد همره کن
درباره شعار اندک استادان متخصص و بی‌علاقگی بسیاری از محققان (تخصصی کار کردن) دو دلیل مهم را می‌توان ذکر کرد، نخستین و اصلی‌ترین مانع، این مشکل آموزشی - دانشگاهی است که در مراکز آموزش عالی ایران، یک فرد در مقام استاد زبان و ادبیات پارسی و مدرس دانشگاه، موظف است که متون و فنون ادبی گوناگون و بعضاً ناسازگار از نظر زمینه و درونمایه را (مانند: شاهنامه حماسی، مثنوی عرفانی و غزلیات غنایی سعدی) تدریس کند و در برابر آن حق التدریس و حقوق دریافت دارد و این تعلیم عمومی خود بزرگترین علت بی‌توجهی استادان به یک اثر یا دانش خاص است. به سخنی دیگر سازمان آموزشی و ضرورت تأمین معیشت و نیازهای مادی به صورت غیرمستقیم موضوع بنیادی کیفیت برتر آموزش را زیر تأثیر منفی خود قرار

می‌دهد، حال آن‌که اگر برنامه‌ریزی دانشگاه‌های کشور به نوعی باشد که تدریس هر متن و فن ادبی به متخصص آن و کسی که ساختار روحی و علاقه ذهنی و پژوهشی وی با آن متناسب است سپرده شود و از نظر مالی به همان میزان تدریس عمومی و غیرتخصصی و در مواردی - با عنایت به اعتبار علمی متخصص مدرس - بیشتر تأمین گردد و به گفته فردوسی: «به دینارشان یکسر آباد کرد» با گذر زمان، خود بخود متخصصان توانایی در زمینه‌های مختلف ادبیات پرورش می‌یابند و به تبع آن، سطح علمی و چگونگی تعلیم و تعلم در عرصه دانشگاه‌ها و تحقیق و نقد در میدان پژوهش‌های ادبی بسیار غنی‌تر و ارزش‌های گوناگون نهفته در بطن آثار فرهنگ و ادب ایران بیش از پیش بر جهانیان شناخته می‌شود. دو دیگر در تاریخ فرهنگ و ادب ایران و حوزه دروس دانشگاهی رشته ادبیات آثار، شاعران، نویسندگان و علومی وجود دارد که غنا و سترگی و اهمیت چندان ندارند و صرف سالها بر سر مطالعه و بررسی آنها نه اصولی و علمی است و نه در مواردی به سبب محدودیت ممکن. نمونه را: رودکی و فرخی و منوچهری یا عروض و بیان، برای رفع این دشواری نیز چنین پیشنهادی قابل بیان و اجراست: می‌توان چند مورد از این افراد و آثار یا فنون را با روی‌کرد به پیوند زمانی، فکری، سبکی، موضوعی و همانندی‌هایی از این نوع در کنار هم مطالعه و بررسی کرد، مثلاً: معانی و بیان و بدیع را با هم و زیر عنوان علوم بلاغی یا شاعران سبک خراسانی را مجموعاً، به استثنای بزرگانی که هر یک پهنایی نیازمند تخصص هستند. مهمترین دست‌آوردهای این شیوه، دوری از تمرکز و محدودیت تخصص‌ها، مطالعه و تحقیق دقیق و عمیق بیشتر آثار و مظاهر فرهنگ و ادب ایران از فردوسی تا گم‌نام‌ترین صاحب اثر تاریخ ادب پارسی و سرانجام رسیدن به استنتاج‌های درست و باریک و رهایی از کلی‌گویی‌های استقرایی است، دراین صورت ما به همراه (خاقانی‌شناس) و (متخصص ادبیات معاصر)،

(متخصص آثار نثر مصنوع) و (متخصص گویندگان مکتب وقوع) و امثالهم نیز خواهیم داشت، یقیناً انجام چنین طرحی و تعیین تخصص‌ها و بخش‌بندی گرایش‌های ادبی مستلزم مدتها رای‌زنی استادان و صاحب‌نظران و متخصصان موجود و بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های روشمند و جامع و علمی است و باید با امان نظر ژرف به تمام جوانب پنهان و آشکار ادبیات کهن و معاصر ایران صورت بگیرد، چنان‌که در آخرین مجمع استادان زبان و ادبیات، گرایش‌های ویراستاری، نقد ادبی، ادبیات معاصر و تاریخ ادبیات به تصویب رسیده است.^{۱۰} پیشاپیش این گمان زده می‌شود که شاید عده‌ای بر موضوع (تخصص در ادبیات) این خرده را بگیرند که توجه صرف به یک متن یا دانش باعث (تک‌بعدی شدن) می‌شود. در برابر چنین انتقاد احتمالی دو نکته آورده می‌شود، اول این که (یک‌سویگی جامع و عمیق) با آن نتایج گفته آمده، بسی کارآمدتر و مفیدتر از (همه‌جانبگی پراکنده و سطحی) است و (تخصص) از این نظر و با توجه به گستردگی و ژرفنای فرهنگ و ادب ایران و نیاز به استواری و پیشرفت پژوهش‌های ادبی نه تنها (یک بعدی بودن) به مفهوم منفی آن نیست بلکه امتیازی مثبت و سودمند نیز شمرده می‌شود و بزرگان صاحب‌نظر گذشته و حال نیز با به خاطر نشانیدن این مهم، اهمیت و ضرورت آن را اذعان و تأکید کرده‌اند. از دیگر سو، در عصر حاضر (ادبیات) یک علم است که وابستگان آن (اعم از استاد و محقق و دانشجو و علاقه‌مند واقعی) در پی علمی‌تر و روشمند کردن تدریس و تحقیق و عرضه‌اش هستند، لذا زمانی که در دیگر علوم بشری مسأله (تخصص) پذیرفته شده و به مرحله عمل درآمده است - برای نمونه در دانش پزشکی که با عنوان‌هایی چون (تخصص قلب) و (متخصص چشم) و... روبرو هستیم - کدام دلیل متقن می‌تواند مانع از انجام آن در عرصه علم ادبیات عموماً و در فرهنگ و ادب بسیار کهن پیشینه و شگرف ایران بطور ویژه شود؟ پس از این همه دراز کشیدن سخن در باب ارزش و

تخصص

دریابستگی تخصص در ادبیات و مسائل مختلف مربوط، راه کار نیل بدان چنین جمع بندی می شود: گرایشهای تخصصی باید در دوره کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات پارسی مورد توجه قرار بگیرد اما این اقدام زمانی برآیند علمی مطلوب را خواهد داشت که پیش زمینه و بنیادهای اولیه آن از قبل فراهم آمده باشد. به عبارت دیگر در دوره کارشناسی ادبیات که بیشتر جنبه آشنایی عمومی با آثار و فنون ادبی را دارد از همان آغاز سال نخست، دانشجویان باید به یاری استادان بر اهمیت موضوع تخصص واقف شوند و با رویکرد به تناسبات روحی و ذهنی و علایق درونی و تواناییهای خویش، مطالعه و بررسی گرایشی را هر چند به صورت مقدماتی و سطحی آغاز کنند و همراه با مطالعات و آشناییهای کلی لازم، بنیانهای فعالیت تخصصی خود را استوارتر کنند تا در مراحل بالاتر به جهت دهی اصولی و علمی اندوخته های پیشین، راه توان سوز و زمان بر تخصص در یک اثر یا فن را با آمادگی و شناخت بهتر بپیمایند و این گونه نباشد که دانش پژوه ادبی بی هیچ آگاهی و مطالعه و فعالیت تحقیقی در پایان دوره سه یا چهار ساله کارشناسی در سر آغاز راه کار گرایشی واقع شود. این پیشنهاد در حیطه تحقیق و تعلیم دانشگاهی و شرط تحقق آن برنامه ریزی خاص نظام آموزشی برای تقسیم تخصصها و تأمین حقوق کافی فارغ التحصیلان متخصص است. پژوهشگران و علاقه مندان آزاد و خارج از محیط تعلیمات دانشگاهی نیز خود می توانند با تنظیم برنامه های مناسب مطالعاتی و پژوهشی ضمن تحصیل آشنایی کلی و عمومی لازم با دانشها و آثار ادبی به وادی (تخصص) گام نهند و دوشادوش استادان و دانشجویان با تألیفات و نقدها و مباحث تخصصی، سبب اعتلای بیشتر فرهنگ و ادب ایران زمین شوند. چکیده گفتار این که: اگر برنامه ریزی نظام آموزشی ما به گونه ای باشد که برای بیست یا سی سال آینده، متخصصانی در هر یک از علوم و آثار و موضوعات زبان

و ادب پارسی پرورده شود به موفقیت علمی بسیار بزرگ و سودمندی دست خواهیم یافت. به هر حال، مطالبی که در این مختصر بیان شد واقعیت مهمی بود به مصداق: «بگوی آن چه دانی که حق گفته به» و به هیچ روی بی توجهی به کوششهای شایسته سیاس و مفید هیچ یک از استادان و محققان پهنه فرهنگ و ادب ایران نیست که هر کلمه و سطر از تحقیق و تدریس آنها، بار و برگ دفتر ادب پارسی را افزون تر کرده و بر پرمایگی آن افزوده است و جمله دانشجویان و علاقه مندان و بسیاری از استادان و امدار آنها هستند، بر همین بنیاد اگر عرایض ناچیز نگارنده در پیشگاه آن بزرگان، گستاخی و بی ادبی شمرده شود - که چنین مباد - پیشاپیش از جسارت خویش پوزش می خواهم و یقین دارم که: **الْعَدْرُ عِنْدَ الْإِنْسَانِ مَقْبُولٌ**.

یادداشتها:

- (۱) قابوسی نامه، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم ۱۳۷۵، ص ۴۹.
- (۲) نصرتی، عبدالله: که این شیوه ختم است بر دیگران، ادبستان، شماره ۵۶، مرداد ۱۳۷۳، ص ۵۱.
- (۳) گرشاسب نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، کتابفروشی بروخیم ۱۳۱۷، ص ۱۱، بیت ۱.
- (۴) حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم ۱۳۷۴، ص ۱۱۴، بیت ۹.
- (۵) A. D. H. BIVAR, "A Persian Fairy land" Acta Iranica 24, Papers in Honour of Professor Mary Boyce, Leiden 1985, PP 25-42.
- (۶) سبحانی، جعفر: رمز پیروزی مردان بزرگ، انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم ۱۳۶۸، ص ۵۳.
- (۷) شاهنامه فردوسی، شاهکار سخنوری و سخنرانی، مقالات ادبی، انتشارات هما ۱۳۶۹، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.
- (۸) آشنایی و اکنون شناخت در زمینه زبان شناسی همگانی، مقالات ادبی - زبان شناختی، انتشارات نیلوفر ۱۳۷۰، ص ۳۲۴-۳۲۶.
- (۹) و (۱۰) کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، شماره ۲۹ و ۳۰، اسفند ۷۸ و فروردین ۷۹، ص ۶۱.

آتشی و شعر نو

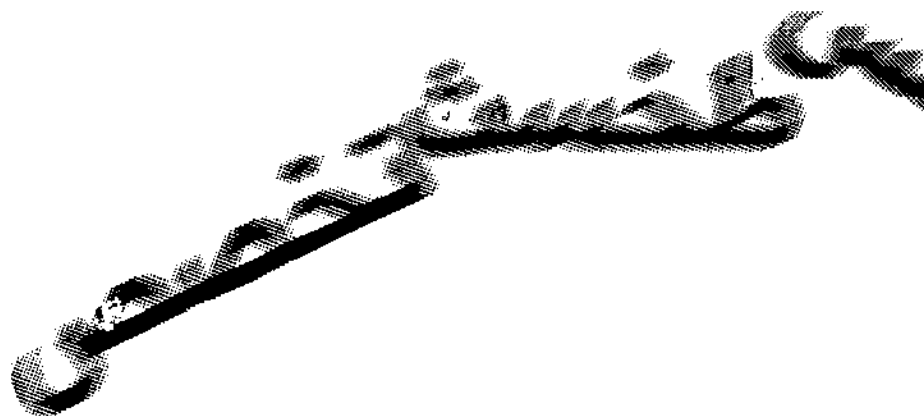
بررسی جریان موج نو در شعر معاصر با سخنرانی منوچهر آتشی به همت کانون ادبی دانشگاه تهران روز ۱۶ آبان ماه در دانشکده علوم این دانشگاه برگزار شد. آتشی در ابتدا به صورت های مکتوب از سرایش های آیینی و کهن ترین سروده های شاعرانه به جا مانده در کتب مذهبی و دیگر کتب اشاره ای کوتاه کرد و گفت: تمامی سروده ها و شعرگونه ها مبتنی بر شناخت ابتدایی مجهول بزرگ، ستایش از او، حفظ و حراست گوهر حیات بوده است و این خصلتی است که به هرگونه شعری در هر زمان دیگری به میراث رسیده است.

وی تأکید کرد که در اشاره به نوگرایی باید به چند عرصه توجه داشته باشیم و گفت: جامعه بر زبان هنری و کنش هنری اثر می گذارد و اثر هنری هم بر جامعه، و این تأثیر و تأثر مدام تکرار می شود.

آتشی افزود: هنر راستین متوجه آزادی ذهن، زبان و جان آدمی است و لحظه سرایش، لحظه آزادی مطلق ذهن و جان هنرمند است. وی مهمترین عرصه بالندگی را بعد از زندگی، زبان معرفی کرد و تمامی زبانها را موضوع هنر و تمامی هنرها را موضوع زبان دانست و گفت: هنر به عنوان پدیده ای از ذهن و زبان انسان در بطن جامعه، حرکت می کند و بیرون از آن نیست و هنر بزرگ در همان حال تن به هجوم مفاهیم پیچیده نمی دهد تا نو و ماندگار باشد.

منوچهر آتشی سپس به عرصه فلسفه به عنوان زیرساخت بسیاری از تفکرات جدید اجتماعی و ادبی پرداخت.

وی در پایان سخنانش چند اثر تازه سروده شده خود را برای حاضران در جلسه قرائت کرد. گفتنی است جلسه پرسش و پاسخی نیز بعد از سخنان آتشی برقرار بود. آتشی در پاسخ به سؤالی که از او و سبک شعری اش پرسیده شده بود گفت: افتخارم این است که خودم را شاعر خلف نیما می دانم و در عین حال که بسیار متأثر از گذشته ها و کودکی خودم و معلم های بومی خودم مثل فایز دشتستانی هستم به همان نسبت سعی کردم در شناخت راهی که نیما را از دره های یوش به قله ها رساند، دور نمائنده باشم و در عرصه شعر مطالعه کرده باشم و فکر می کنم از نظر خودم، شیوه درست راه رفتن و درست متحول شدن و درست دیگرگونه سرودن را با تجربیات پنجاه ساله، آموخته باشم.



خدایا! یاریمان ده مراقب باشیم که مراقب نباشیم^۱

عنوان به ظاهر متناقض نمای این متن جان مایه اصلی رمان نیمه غایب نوشته حسین سناپور است. در پس پشت این رمان چنان تلاش عظیمی برای فروگاهیدن از فرازهای روایت آشکار است که رمان نوشتن را کاری ساده و آسان می‌نمایاند. رسیدن به چنین جایگاهی نیازمند درونی کردن هم وزنی دو عامل دانایی و توانایی است. متأسفانه در پهنه ادبیات داستانی ما، همواره سنگینی کفه ترازو به یک سمت بوده است. برخی توانا در نگاشتن هستند اما کمتر دانا نسبت به رمان به عنوان یک ارگانیزم. و عده‌ای به وجوه مختلف رمان دانایند ولی ناتوان در فراوری آن به مثابه یک اثر هنری.

آن دسته از نویسندگان که توانایی هنری‌شان در آفریدن به اثبات رسیده است وقتی می‌خواهند به دنبال دانایی بروند بیشتر روی زبان متمرکز می‌شوند، آن هم به مفهوم عمیق آن. مثلاً چیزی که بارت در تقابل زبان و قدرت می‌گوید و ادبیات را به عنوان حیل‌ای برای گریز از فاشیسم زبان پیشنهاد می‌کند. بلکه زبان را چیزی می‌گیرند در حد نحو جملات که در عمل منجر می‌شود به تولید نوعی جمله‌سازی فارسی که در زمان خاصی

مرسوم بوده، بی‌توجه به کارکرد آن در نمایش آن مفهوم خاص. اما سناپور با چاپ چند مقاله ژرف که در آن مفاهیم جدیدی را تولید و پیشنهاد می‌کند نشان می‌دهد که نگاهش به همه وجوه رمان است و سعی دارد دانایی‌اش را در تمام زمینه‌ها گسترش دهد. میزان توانایی‌اش را هم که با نیمه غایب نشان می‌دهد. با به یاد نگاه داشتن سخن بالا در ادامه تلاش می‌کنم سوی نگاهم را به لایه‌های پنهان‌تر رمان ببیانم.

□

در این بخش، بررسی رمان را بر دو پایه اساسی بنیان می‌نهیم. دو فرضی که خود نویسنده پیشنهاد کرده است.

فرض اول: هم اسم رمان — نیمه غایب — و هم یادداشت نویسنده در پشت جلد کتاب، به ما گوشزد می‌کند شخصیت‌های رمان همه در پی نیمه غایب خویشند.

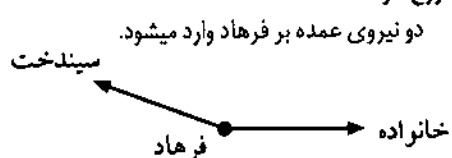
فرض دوم: بخشی از یک مقاله حسین سناپور. «داستان‌نویس حتی وقتی که براساس یک شخصیت واقعی داستان می‌نویسد نه فقط او را از میان هزارها آدم انتخاب می‌کند، بلکه یک یا چند خصوصیت او را هم از میان بیشمار خصوصیاتش جدا می‌کند و داستان خود را براساس آن می‌نویسد. در چنین حالی ماجرای داستان هم یکی از بسیار ماجراهایی است که بر آن فرد واقعی رفته، یا می‌توانسته برود. در واقع نویسنده با انتزاع فرد، خصوصیت اخلاقی، و ماجرا، داستانی می‌نویسد که فقط شباهت‌هایی با زندگی واقعی دارد. پس انتزاع شخصیت از زندگی به معنای گزینش شخصیت در چهارچوب زمانی و مکانی یک ماجرا، حول مسئله‌ای خاص است.»^۲

در اینجا سناپور به ما یادآور می‌شود در پدید آوردن یک شخصیت داستانی و نیز در نقد آن باید توجه داشت که تنها می‌توان از میان هزاران عامل ریز و درشت روی یک یا دو نیرو سرمایه‌گذاری کرد. از طرفی چون در نیمه غایب شخصیت‌ها و سرگذشت‌شان بیشترین سهم را در اختیار خود قرار داده‌اند، می‌شود و شاید هم باید — شالوده بررسی رمان را هم بر همین پایه گذاشت.

در ادامه سعی می‌کنیم نیروهای موثر بر هر شخصیت را نشان دهیم و ببینیم آیا جهتی که رمان به عنوان برآیند حرکت آن شخصیت نشان داده، نتیجه طبیعی این نیروها هست یا خیر.

* فرهاد

«یک چیز دیگر دارد تمام میشود بی این که چیز دیگری شروع شود.»^۳



خانواده یا تمام بایست‌هایش تلاش می‌کند فرهاد را به سمت خود بازگرداند. اما از آن سو فرهاد هم با همه وجود خود را به سمت سیندخت می‌کشانند. طبیعی است که دو کلمه «خانواده» و «سیندخت» برای سهولت و نیز همراهی با نشانه‌های آشنا در متن آمده است. وگرنه می‌توان برابری برای این دو واژه در بیرون متن آورد. مانند «سنت» و «تجدد»، «بند» و «آزادی» و واژگانی هم‌ارز با این دو که همه در جای خود درست هستند. چنان‌چاه ژرفی میان فرهاد و سیندخت است که از همان ابتدا آشکار است، هیچ نوری این مفاک را روشن نمی‌کند. تفاوت از همان اولین قدم شروع می‌شود.

محمد حسن شهسواری

امتیاز نیمه غایب

فرهاد می‌خواهد به جایی برسد که سیندخت از آنجا شروع کرده است. فرهاد قصد گریز از قیود خانواده را دارد که این دقیقاً چیزی است که سیندخت سال‌هاست سرگشته آن است. خانواده. خانواده فرهاد خانواده‌ای است با پیوندهای محکم درون گروهی اما سیندخت از آن خانواده‌ای است از هم گسیخته، فرهاد در یک خانواده مردسالار بزرگ شده ولی مادر سیندخت حداقل به طور غیرمستقیم پدر را به خاک سیاه نشانده، خانواده فرهاد خودساخته است و تازه به دوران رسیده و رو به پیشرفت (پدر از کارگری شروع کرده و فرخنده خواهر فرهاد از در بیمارستان تا بخش به همه یکی یک دویست تومانی می‌دهد) اما سیندخت از یک خاندان اشرافی، پوسیده و رو به افول است به طوری که مجبور است برای گذران زندگی مستاجر بیاورد. به همین سبب است هنگامی که فرهاد دست لاستیکی پدر را می‌گیرد و می‌گوید «باشد»، گمان می‌کند همه چیز را از دست داده اما سیندخت، هم غم خوار پدر است و هم تمام زندگی‌اش را به توهمی از مادر استوار کرده است. به این گفتگو میان آن دو توجه کنید.

فرهاد می‌گوید مادرم گفت: «از وقتی رفتی دانشگاه از خانواده و کس و کارت دوری می‌کنی، این‌ها بیشتر از هرکسی به درد آدم می‌خورند.»

سیندخت: «بی راه هم نمی‌گوید.»

و بعد ادامه می‌دهد: «دلت می‌خواست هیچ وقت، هیچ کس منتظرت نبود؟»^۴

انگار دارد از خودش حرف می‌زند و از چاه میانشان. این تفاوت حتی در فیزیک و جایی که تنفس می‌کنند هم تاثیر می‌گذارد. فرهاد با غیظ از خانه می‌کند و خانه‌ای برای خود اجاره می‌کند اما سیندخت انگار با همان شدت غیظ تمام وسایل قدیمی خانه را تکه

داشته. حتی ناکارآمدترین شان را.

«الهی» در جایی می‌گوید: «سیمین دارد سنت و میراث اجدادی را حفظ می‌کند. اما او امروزی‌ترین آدمی است که من در زندگی‌ام دیده‌ام.»^۵

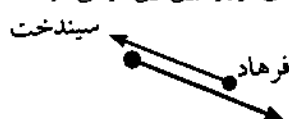
در حال حاضر با قسمت اول کار دارم. به «امروزی‌ترین آدم» در بخش ویژه سیندخت خواهیم پرداخت. سیندخت حتی مادر را هم ابتدا به خاطر گذشته‌ها نمی‌بخشد. تنها زمانی که نشانه‌ای از گذشته - قاب عکس - میانجی می‌شود او حاضر می‌شود پقی بزند زیر خنده و بعد هم گریه. اصلاً در جایی سیندخت جان کلام و تفاوت بنیادین بین خود و فرهاد را بیان می‌کند.

«باور نکرده هنوز که نمی‌تواند از زیر سایه پدر تنومندش بیرون بیاید. من می‌دانم، من که خودم سایه‌ای را گوشت و خون می‌دهم تا تن بگیرد.»^۶

اما فرهاد و سیندخت یک تفاوت عمده دیگر هم دارند. هرچه فرهاد مانند سلف تاریخی خود آرمان‌گرا و ایده‌آلیست است، سیندخت رئالیست است و واقع‌گرا. شواهد این تفاوت در رمان آن قدر زیاد است که اشاره به تک تک آنها اطاله کلام است. بیشتر دیالوگ‌های بین آن دو، قضاوتشان درباره انسان‌ها (مثلاً فرح و بیژن)، روبرو شدن با مواد مخدر، مهمانی رفتن و پیداترین و نشانه‌دارترین آنها امضاء کردن ورقه تعهد. فرهاد ورقه‌ای را امضاء نمی‌کند که سیندخت نگاه نکرده آن را امضاء می‌کند. «اصغر زاده» به خوبی اشاره می‌کند که: «ترکیب این دو تا میشود پست مدرن خالص، فضای طبیعی توی دل ساختمان عبوس و سخت باروکی.»^۷ ضمن این که فرهاد برای رسیدن به هدفش تقریباً هیچ کار معقولی نمی‌کند. مانند همه ایده‌آل‌گراها. چون طرفدار تنوری «همه یا هیچ» است. یعنی وقتی یک بار

سیندخت می‌گوید: «نه»، همه چیز برای او تمام می‌شود، اما سیندخت برای رسیدن به هدفش مثل همه رئالیست‌ها تمام راه‌های ممکن را طی می‌کند و به آن هم البته می‌رسد. او پیرو روش «الهی» است. پیشوای همه رئالیست‌های رمان زمانی که می‌گوید: «مثل ماهیگیری است. تا حالا امتحان کرده‌اید؟ نه انگار. چوب و قلاب مناسب برمی‌داری، یک نقطه مناسب پیدا می‌کنی، قلابت را می‌اندازی و صبر می‌کنی، آن قدر تا خودش پیداش شود. بی سر و صدا، بدون هیچ‌ان زده شدن، فقط هشیار و صبور همان‌جا می‌مانی. اگر جایب را بد انتخاب کرده باشی، باید عوضش کنی، بی‌گله‌گذاری و بی‌یأس. بعد دوباره از اول، وقتی هم که ماهی به قلاب افتاد - اسمش هرچه می‌خواهد باشد، زن، پول، مقام، شهرت - تازه اول کار است. عجله نمی‌کنی، عصبانی نمی‌شوی، باهاش نمی‌جنگی، برعکس می‌گذاری که او بجنگد و خودش را خسته کند. فقط هر کار لازم است برای نبریدن اتصالات انجام می‌دهی. آن وقت خودش، سماجت و اراده‌ت را که دید، کم کم می‌آید پیشات - به هر جهت، پیروز یا شکست خورده، نباید گله‌مند بود. آن قدرها که اول فکر می‌کنیم با هم فرق ندارند.»^۸

این دقیقاً کاری است که فرهاد نمی‌کند. پس اگر نیرویی به میزان مشخص فرهاد را به سمت سیندخت می‌کشاند نیرویی قوی‌تر او را باز می‌گرداند. شکل صحیح نیروهای موجود بین این دو می‌شود.

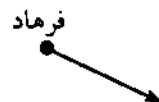


فرهاد می‌گوید: «چرا او به هرچیز جور دیگری نگاه می‌کند؟ احساس می‌کنم بعد از همه تلاشی که برای



نزدیک کردن او به خودم، یا خودم به او کرده‌ام، حالا تنها چیزی که تصبیم شده، نأفهمی و شک به خودم و او و هر چیز دیگر است.^۹

با حذف سیندخت از زندگی فرهاد، برآیند دو نیروی فوق می‌شود.



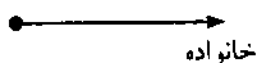
اما یک حلقه ارتباطی دیگر نیز داشتیم. خانواده-فرهاد. درباره خانواده فرهاد و نوع ساختار درونی آن پیش از این مطالبی گفتیم. این دست از خانواده‌ها هیچ‌گاه از کوشش برای رسیدن به مقصود خسته نمی‌شوند زیرا هر چه را که به دست آورده‌اند به سختی بوده پس به آسانی آن را از دست نمی‌دهند. اما از آن طرف کاملاً مشخص است که فرهاد از آن دست آدم‌هایی نیست که برای رسیدن به هدفش همه چیز را زیر پا بگذارد. جوانی که حتی به خاطر تمکین مادر به خواستگاری مصلحتی می‌رود. او مانند بیژن یا سیندخت نیست که چشمی معطوف به هدف داشته باشد. او باز می‌گردد. زیرا در افق دید او غیر از خود، دیگران نیز دیده می‌شوند. سیندخت انگار درباره اوست که می‌گوید: «آدم همیشه برای به دست آوردن چیز تازه است که راه می‌افتد و می‌رود، حتا اگر آن چیز تازه، چیزی جز مرگ نباشد. همیشه هم چیزی که نه از دست می‌رود که ممکن است آن قدرها هم کهنه نبوده و ارزش نگه داشتن داشته. برگشتن اما گاهی برای دوباره به دست آوردن همان چیز کهنه و از دست رفته است؛ گرچه کم‌تر هم به نتیجه می‌رسد.»^{۱۰}

پس نیروی کشش خانواده بسیار بیشتر از نیروی گریز درونی فرهاد است. در نتیجه شکل کامل این حلقه

ارتباطی می‌شود:



که با حذف نیروی درونی فرهاد و کم کردن آن برآیند می‌شود:



حال با ترکیب این دو حلقه ارتباطی (خانواده-فرهاد، فرهاد - سیندخت) برآیند کلی نیروهای وارده بر فرهاد می‌شود:



می‌بینیم که سوی پویش فرهاد، حرکتی است به سمت خانواده اما نه منطبق با آن و البته خلاف میل قلبی او.

«انگار صدای کس دیگری بود که از گلی او بیرون می‌آمد و او هم ایستاده بود و به آن صدا گوش می‌داد. باشد، می‌کنم.»^{۱۱}

یا «چون که دانایی من، پیش از همه چیز فرییم داده بود. چون که دانایی من چیزی بیش‌تر از درنگ لحظه‌هایی نبود که آنها که درون من اند و از گلو و دهان من برای حرف‌هاشان استفاده می‌کنند، خاموش می‌مانند. و گرنه این جا نبودم. حالا هم نباید این جا باشم.»^{۱۲}

فرهاد انسانی‌ترین چهره را نسبت به دیگر شخصیت‌ها دارد. او تنها کسی است که به چیزی که می‌خواهد نمی‌رسد. نیمه غایب - و نزدیک می‌شود به چیزی که از آن فرار کرده است. او بیشتر از همه فداکاری

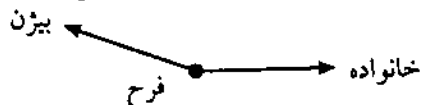
می‌کند. چون مهم‌ترین چیزش را زیرپای می‌گذارد. خودش را. شاید به همین واسطه است که می‌گوید: «ایا از عشق جز شهادت نصیبی نبود؟»

در انتها او شاید جزو همان شهدایی باشد که با فداکاری بی انتها و برخی بدون هویت و حتی بدون جسد پس از سالها به آغوش وطن بازگشته‌اند.

* فرح

«این منم، چویم من»^{۱۳}

فرح در نقطه‌ای قرار گرفته است، میان دو نیرو. یکی کشش مفرط به بیژن و هرچه که نماینده اوست. و دیگری فشار خانواده با همه خرده‌فرمایش‌ها و...



در نگاه اول شاید به نظر رسد فرح شرایطی شبیه فرهاد دارد. به لحاظ شرایط خانوادگی چیزی در همان حد و حدود است گیریم در اندازه‌های کوچک‌تر. و نیز شاید به نظر رسد هجوم فرح به سمت بیژن و پیرامونش معادل میل فرهاد است به سیندخت، که این هم در کلیات حرف بی ربطی نیست. اما پس چرا برآیند نیروهای وارد بر فرح او را به جایی نمی‌رساند که فرهاد را برد؟ این تغییر به سبب تفاوت ماهوی فرح با فرهاد است که خیلی هم وابسته به جنسیت آنها نیست. فرح یک موجود غریزی است. فرهاد درباره خود می‌گوید: «کاش فکر نبود، حساب‌گری نبود و غرور و قدرت تحمل و اختیار نبود، و پا نابه‌خود دنبالش می‌رفت و زبان می‌گفت هرچه که بود و بی تفاوتی را نقاب نمی‌کرد تا بتواند بگوید باشد.»^{۱۴}

فرح هیچ چیز را نقاب نمی‌کند. او غریزی عمل



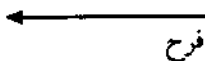
اما خانواده یعنی همان قبیله که تمام اقتضائات خود را با شدت حفظ می‌کند. با آن تلگراف تهدیدکننده و با لحنی که انگار همه چی پیش از این مقدر شده است. عمه هم با همه حسن نیت‌اش اما انگار عقبه قبیله است که در تهران فرح را محاصره کرده. او هم هنگام رد پیشنهاد فرح از قوم و خویش می‌گوید: «می‌خواهی کاری کنی که اگر پام را گذاشتیم شمال قوم و خویشم با چوب سر به دنبال بگذارند.»^{۲۰}

عباس هم با این که مثلاً امروزی تر است و کارمند، برای پس زدن حرف فرح می‌گوید: «دیگر اقام نمی‌تواند تو چشم آقای اسرافیلی و فامیل نگاه کند. فامیل هم کینه به دل می‌گیرند و تشنه خون هم می‌شوند.»^{۲۱}

اما همه اینها نمی‌تواند فرح را از پا بنشانند چون غریزی عمل می‌کند. به فتح سنگر به سنگر می‌اندیشد و مثل فرهاد انتها را نگاه نمی‌کند و بعد بگوید: «مگر فرقی هم می‌کند؟». در جواب مکش خانواده فرح هم با تمام نیرو آنها را پس می‌زند.



که با حذف قوم و قبیله برآیند نیروهای وارد بر فرح در این موضع می‌شود:



سرنوشت فرح شاید زندگی زن ایرانی در تمام این سالها باشد. چون بیشتر در بازی شرکت کرده بیشتر به دست آورده است. فرح نه مثل سیندخت - یک مورد

تلفن خانه، چون تنها اوست که می‌تواند با جسمش و پوست‌های حساس یک انسان اولیه بر پوست بیرون دست بکشد و آن را احساس کند. بقیه شخصیت‌ها انگار بیرون را کمتر می‌بینند. یک بار دیگر دقت کنید و ببینید که فرح بیشتر از دیگران فضای بیرونی را توصیف می‌کند و به صورت کلی اجتماع را تحلیل می‌کند. فرهاد، سیندخت یا الهی اگر تحلیلی از بیرون می‌دهند بیشتر موردی است. و مگر همین غریزه طبیعی نیست که به او یاد می‌دهد در انتهای کار، سهمی از دیگران نخواهد. برعکس فرهاد که همه چیز را در بهترین حالت می‌خواهد یا بیژن که انگار از دنیا طلب‌کار است. و البته همه اینها باعث نمی‌شود که زن نباشد و به بیژن نگوید: «دلم می‌خواهد همیشه اگر از لباس پوشیدن‌ام، یا مدل موهام یا هر چیز دیگری که در من می‌بینی، خوست نیامد بگویی. نمی‌خواهم جور دیگری غیر از آن که تو دوست داری باشم. اگر نگوئی خیال می‌کنم که دیگر برات مهم نیست. دلم می‌خواهد ازم سوال کنی. از هرچی دلت خواست، کارهایی که می‌کنم، جاهایی که می‌روم، فکرهام، خانواده‌ام.»^{۱۹}

اما این دنیایی که فرح می‌خواهد به تمامی خود را در آغوش آن بیاندازد با شدت هر چه تمام‌تر او را پس می‌زند. در رمان به فرح بیشتر از هرکسی شوک وارد می‌شود. او از معصومیت شالی و باران پرتاب می‌شود به دلالتی مواد مخدر و رشوه. اگر سیندخت و متعلقا تش به فرهاد فقط می‌گوید: «نه» و تمام، بیژن و پیرامونش به فرح تف می‌کند. با شدت.



که وقتی بیژن حذف شود برآیند نیروهای وارد بر فرح در این موضع می‌شود:

می‌کند و برای هرچه که می‌خواهد می‌جنگد. توجه شدید او در طول رمان به تن و بدن و جسمش موید همین موضوع است. اصلاً در شروع فصل او؛ توجه شدیدش را به جسم می‌بینیم. به بینی‌اش فکر می‌کند و نیم سانت اضافه آن. در تمام نقاط عطف و توجه برانگیز زندگی توجه او معطوف به جسمش است. در واقع انگار تنها تن و بدنش وظیفه پاسخگویی به محرک‌ها را دارند. در جایی که تلگراف از خانه می‌رسد و او تصمیمش را می‌گیرد این‌گونه توصیف می‌شود: «حالا تمام حواسش به سر و بدن خودش است و جز آن چیزی وجود ندارد.»^{۱۵}

بعد از بیرون آمدن از محل کار بیژن و رفتن به خانه و بالای پشت‌بام هم این‌گونه توصیف می‌شود: «یک مرتبه تمام می‌شود. همه آن رفت و بازگشت‌ها و بودن و نبودن‌ها تمام می‌شود. تنش سفت و سخت می‌شود و خودش را شفاف و روشن می‌بیند.»^{۱۶}

در آنجا که سیندخت را خراب و مضمحل در حمام می‌بیند در جواب او که می‌گوید: «این معده و شکم و باقی تن هستند که دشمن آدم‌اند»، می‌گوید: «آره، راست می‌گویی. اما نمی‌شود که انداختشان دور.»^{۱۷}

حتی زمانی که بیژن او را در بزرگراه رها می‌کند این جسمش است که پاسخگو است. «نمی‌داند، نمی‌فهمد، فقط جوشش و به هم ریختن چیزی را توی سر و تنش حس می‌کند.»^{۱۸}

دست آخر هم می‌فهمیم نیم سانت بینی اضافه‌اش را چاره کرده است. اصلاً به همین دلیل است که فرح بیش از هر شخصیتی با پلشتی‌های بیرون اجتماع درگیر است و آنها را به ما نشان می‌دهد. کوچه‌های پیچ‌پیچ سیداسماعیل، پیاده‌روی کتاب به‌دست‌ها، ماشین‌های سپر به سپر و زنجیروار، دفتر کار بیژن، مهندس چشم پفی و رشوه‌خوار و جعبه‌های مکعبی

استثناء — صبر ماهیگیر را دارد و نه مثل فرهاد معصومیت شهید. چون بیشتر می‌بازد، بیشتر به دست می‌آورد. پس نه به تمامی؛ افق مستقیم پیش رو را تمکین می‌کند و نه برای همیشه از طیف مغناطیس خانواده و آبا و اجداد دور می‌شود. پس نه راه راحت جان می‌گیرد، نه مقام مصاف، نه جای امن و امان می‌نشیند و نه البته طریق خطر در پیش. این برآیند حرکت اوست. در نهایت.



فرح مثل هر موجود غریزی دیگر روش سعی و خطا را پیش می‌گیرد. هم در اتاقی تنها در تهران زندگی می‌کند و نه پیش خانواده و هم به تشییع پیکر پسر عمه شهیدش می‌رود. یک بار دیگر او را از دید فرهاد در پایان فصل اول ببینید! او چوب است و به هر شکلی در می‌آید.

❖ الهی «بود همان شی بود»^{۲۲}

سیندخت درباره او می‌گوید: «کاری اگر بکنند یا نکنند از روی حساب است».^{۲۳} الهی آنقدر پخته است و آن قدر به گاه و ستجیده که ما انتظار هیچ چیز پیش‌بینی نشده در زندگی‌اش نمی‌کشیم. او حداقل به آن میزان که ما در رمان می‌بینیم تحت تاثیر تنها یک نیرو است. خودش و دلش بیست سال است میان تهران و نیویورک سرگردان است. «کشش به سوی ثریا» تعریف رمان از اوست. هر چند آدم زمان خواندن رمان از این همه کار بلدی و به‌هنگامی لذت می‌برد اما چون الهی تعارضی ندارد یا حداقل آن قدر نیست که بتواند در برابر نیرو و کشش ثریا مقاومت کند آدم فکر می‌کند وسیله‌ایست برای

بازکردن دیگر گره‌های رمان.

«ذهنش در مروری تند بر جوانی، به صرافت چیزهایی می‌افتد که در آن سال‌های نداری و بی پدری، آن همه به‌شان فکر کرده بود، چون پیش از هر چیز دیگری دور از دسترس بودند؛ اما هیچ رویایی از زن در خیالش نمی‌یابد. چون از دواج و زندگی با یکی‌شان (هر که بود) بدیهی به نظر می‌آمد، البته تا وقتی ثریا را ندیده بود. اما حالا در ابتدای میان سالی به این یقین قطعی رسیده بود که به کلی قضیه را برعکس فهمیده. این گمان برایش جدی‌تر شده بود که سرنوشتش همین بوده و او از نوجوانی برای گریز از فلاکتی که فکر می‌کرد در انتظارش است، با تمام توان، خود را از مسیری دیگر به فلاکت انداخته بود. در واقع سرنوشتش به او کلک زده بود».^{۲۴}

به ما نیز هم. اما نیروی مؤثر بر الهی.

الهی ← ثریا

و چون نیروی دیگری وجود ندارد برآیند همین می‌شود.

❖ سیندخت

«یک نفر باید تاوان آزادی مادر را بدهد»^{۲۵}

سیندخت ← مادر

که برآیندش می‌شود.

سیندخت →

که حرکت نهایی در جهت حرکت مادر است.

اما چرا برخلاف دیگر شخصیت‌ها که ابتدا شرایط را تبیین می‌کردم بعد جهت نیروها را نشان می‌دادم، این بار ابتدا جهت نیروها را نشان دادم؟ در تمام بخش‌های پیشین من کاری نمی‌کردم جز آن که نشانه‌های موجود در متن را بیرون بکشم و بر جهت نهایی حرکت هر

شخصیت منطبق کنم. در سه مورد قبلی دقیقاً چنین بود. یعنی نشانه‌هایی که نویسنده داده بود منطقاً در جهت برآیندی بود که به ما می‌گفت. اما در مورد حلقه مادر — سیندخت، سناپور جهتی را برای حرکت سیندخت نشان می‌دهد که با نشانه‌ها نمی‌خواند که البته کاستی از سوی مادر است و نه سیندخت.

در مورد سیندخت از همان اواسط رمان میل مفرطش را به مادر می‌بینیم. کنار زدن فرهاد، فرار از همه غل و زنجیرهای دور و بر و حتی یک مراسم کامل قربانی شدن در توهمی از مادر. او چون تنها به مادر و به معنای دقیق‌تر به توهم مادر تعهد دارد دیگر به هیچ چیز دیگر متعهد نیست. برای همین الهی می‌گوید

اماماد! او تا جایی که زن است قابل پذیرش است و تحسین، اما به عنوان مادر بی مبالات و سودایی. ما (حداقل من) تا جایی که او از خانه فرار می‌کند و خود را از چنبره شوهر نجات می‌دهد، حق می‌دهیم. سیندخت می‌گوید: «می‌خواست برود دانشگاه که شوهرش دادند. می‌خواست درس بخواند، کلاس موسیقی و تئاتر برود، رانندگی یاد بگیرد، مهمانی و مسافرت».^{۲۶}

او رئالیست است و حق اعمال قدرت به سرنوشت خود را دارد. کلی هم از این که می‌بینم یک زن ایرانی قدرت‌مندانه متکی به خود است لذت می‌برم. از دید الهی است که: «چون دیده بود زنی هست که این را می‌داند و می‌تواند صاف تورو همه، حتی سرنوشت بایستد و هرچه به او داده‌اند دور بریزد و برای پیدا کردن خودش برود در غریب‌ترین جاها گم و گور شود».^{۲۷}

عارفی^{۲۸} می‌گوید: «المعرفه ان لا تعجب من شیء». «معرفت آن است که از چیزی تعجب نکنی»^{۲۹} و این دقیقاً حال ثریا است هنگام ورود به ایران و شاید در تمام زندگی شخصی. رها است و آسان‌گیر و به همین سبب برنده. و اگر اصلاً بخواهیم در نیمه غایب برنده و بازنده بازی کنیم، زن‌ها برنده‌اند. ثریا هم سیندخت را به دست می‌آورد، هم شوهر را تمکین



نمی‌کند و هم الهی را دارد. سیندخت هم مادر را به دست می‌آورد و هم یک شوهر آمریکایی که نه به گذشته‌اش کار دارد و نه به آینده‌اش. حتی فرح هم استقلال‌اش را حفظ می‌کند.

خب تا جایی که ثریا به خاطر خودش عملی را انجام می‌دهد حق را به او می‌دهیم اما از آن جایی که می‌خواهد نشان دهد به فکر سیندخت است، حرفش غیرقابل باور است. به خصوص این که سیناپور به ما می‌گوید نیروی کشش مادر به سیندخت بیشتر است از سیندخت به مادر. چون این سیندخت است که به دنبال مادر حرکت می‌کند. ما نشانه‌هایی مناسب مبین بر این در متن نمی‌بینیم. مادر بهانه‌هایی می‌آورد که در برخی جاها توی ذوق می‌زند. مثلاً جاهایی که می‌گوید مقنعه سرش می‌کرده یا با دیدن فیلم‌های خبری از بیماران تنش می‌لرزیده. نقشه عجیب و غریب فرار و پیشنهاد خام پول به پدر و یک جمله محو درباره این که چرا بعد از مرگ پدر بر نمی‌گردد ایران. این زمانی بیشتر جلوه می‌کند که گرانیگاه رمان حلقه ارتباطی سیندخت-مادر است. یعنی بقیه شخصیت‌ها بر اساس آنها تعریف می‌شوند. مادر در ملاقات با سیندخت چنان خامی نشان می‌دهد که انسان گمان می‌کند این رمانی است درباره بی‌مبالاتی یک مادر. در آن ملاقات او نشان می‌دهد که انگار اصلاً نمی‌داند در این بیست و دو سال چه بلایی بر سر این دختر آورده است و مرتب هم می‌گوید گذشته را فراموش کن! اما حرف نهایی و درست را سیندخت، خودش به ما و او می‌گوید در آنجا که مادر می‌گوید: «خودت را گرفتار دیوانگی‌های پدرت نکن». سیندخت جواب می‌دهد: «من خودم را گرفتار دیوانگی‌های مادرم کردم».^{۳۰}

پس ما از مادر نشانه‌هایی در رمان نمی‌بینیم تا چنان قوی باشد که متقاعدشان کند جهت حرکت سیندخت سمتی است که رمان پیشنهاد می‌کند.

□

تا اینجا تمرکز روی عنصر شخصیت پردازی بود. اما

لازم است اشاره‌ای هم به اختلالی در سیستم روایت رمان شود. بی‌هیچ تردیدی گرانیگاه رمان حلقه ارتباطی سیندخت-مادر است. اما رمان با فرهاد شروع می‌شود. در حالت کنونی خواننده که هنگام ورود به رمان با فرهاد آشنا می‌شود- آن هم در بیشترین حجم- به حق گمان می‌کند، جنبه‌ای از او گرانیگاه است. به همین سبب است که بیشتر خوانندگان سیندخت را با همین نام- نامی که فرهاد او را صدا می‌کند- می‌شناسند. این در حالی است که در طول رمان بقیه شخصیت‌ها او را با اسم‌های دیگری هم صدا می‌کنند اما چیزی که خواننده قبول می‌کند و اصیل می‌داند همین نام است. این اختلال- نامناسب بودن گرانیگاه و جهت ورود به رمان- چیزی است که خواننده تا انتها با آن دست به گریبان است.

□

در انتها باید گفت بزرگترین امتیاز نیمه غایب ارزش تاریخی آن است. البته آدمی متخصص‌تر از من باید از لحاظ «روان‌شناسی اجتماعی» بررسی کند که چرا جهت خلافت نویسنده‌گان زمانه ما به سمت هرچه نامتوازن کردن روایت، زبان آوری و تنفس در فضاهای فانتزی، سوق پیدا کرده است. مرحوم گلشیری در جایی به برخی از علل آن اشاره کرده است. اما همو با انتشار آینه‌های درد دار راه را به کسانی که او را در داستان نویسی جهت می‌شمارند نشان داده است. نیمه غایب جزو معدود رمان‌های چاپ شده است که وقایع پس از انقلاب را می‌کاود در عین حالی که شعار نمی‌دهد (چه برچه با)، موضع انفعالی نمی‌گیرد، نان را به نرخ روز نمی‌خورد، دروغ نمی‌گوید و از همه مهم‌تر یک داستان را خوب تعریف می‌کند. چیزی که پس از گذشتن هشتاد سال داستان نویسی بسیار دیرپاب است.

اما روی سخن آخر با دوستان نویسنده‌ام است حالا دیگر پیدا کردن خریدار برای بهانه‌های ما در ننوشتن سخت شده است. دوستان! سواری را جدی بگیریم زیرا که گوی توفیق و کرامت را در میان افکنده‌اند.

پی نوشت:

۱- قطعه شعرست از تی.اس. الیوت که سالهاست بر سر در آموزشکده‌های بازیگری نصب می‌کنند تا به هنرجویان یادآور شوند نهایت کار، آموختن فنونی است که بر روی صحنه تو را از به کار بستن هر فنی رها سازد.

۲- سنابور، حسین، ضدافستر و مغلظه تیپ، مجله کارنامه، شماره ۱۰، صفحه ۲۹.

۳- سنابور، حسین، نیمه غایب، نشر چشمه، چاپ دوم ۱۳۷۹، ص ۱۴.

۴- همان / ص ۷۴

۵- همان / ص ۱۰۹

۶- همان / ص ۲۳۹

۷- همان / ص ۱۰۱

۸- همان / ص ۱۰۹

۹- همان / ص ۶۹

۱۰- همان / ص ۷۰

۱۱- همان / ص ۳۶

۱۲- همان / ص ۳۷

۱۳- همان / ص ۱۵۹

۱۴- همان / ص ۴۳

۱۵- همان / ص ۱۴۷

۱۶- همان / ص ۱۷۹

۱۷- همان / ص ۱۹۳

۱۸- همان / ص ۲۱۹

۱۹- همان / ص ۱۷۱

۲۰- همان / ص ۱۸۵

۲۱- همان / ص ۲۰۸

۲۲- همان / ص ۲۹۴

۲۳- همان / ص ۳۱۳

۲۴- همان / ص ۲۹۳

۲۵- همان / ص ۱۲۰

۲۶- همان / ص ۱۲۰

۲۷- همان / ص ۲۷۹

۲۸- عبدالله مبارک

۲۹- خرمشاهی، بهاء‌الدین، حافظ نامه، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ص ۷۱۸.

۳۰- سنابور، حسین، نیمه غایب، نشر چشمه، چاپ دوم ۱۳۷۹، ص ۳۲۱.



□ محمدخانی: در ادامه سلسله نشستهای نقد و بررسی کتاب که از سوی کتاب ماه ادبیات فلسفه برگزار می‌شود در این جلسه به بحث و گفتگو درباره ترجمه‌های دکتر عبدالرحمن صدریه از کتاب طبل حلبی و کفچه ماهی گونترگراس می‌پردازیم. همان طور که دوستان اطلاع دارند این دو کتاب در یکی دو ماه اخیر وارد بازار نشر شده است. با توجه به اینکه گونترگراس هم از نویسندگان برجسته آلمانی زبان است و امسال هم برنده جایزه نوبل بود و کتاب طبل حلبی نیز از کتاب‌های مهم ایشان است در این جلسه خدمت دکتر صدریه و دوستان هستیم که بحث و گفتگویی را در این زمینه آغاز کنیم. چون به اعتقاد ما برای اعتلای فرهنگی جامعه باید به فضای بحث و گفتگو بیشتر بها بدهیم و در حوزه رونق کتابخوانی و اهمیت و کیفیت ترجمه‌ها و خود تالیف‌ها بحث و گفتگو با حضور پدیدآورندگان کتاب‌ها می‌تواند به این فضا کمک بکند و قطعاً ادب و علم و فلسفه و هنر و غیره بدون نقد و تحلیل و بررسی جایگاه خود را پیدا نخواهد کرد.

من در ابتدا می‌خواستم جلسه را با این سؤال شروع کنم که انگیزه شما از ترجمه طبل حلبی و کفچه ماهی گونترگراس چه بوده و راجع به مراحل کار ترجمه خودتان توضیح دهید که چه مدتی طول کشید و از چه زبانی ترجمه کردید؟ آیا مستقیماً از زبان آلمانی به فارسی ترجمه کردید؟

■ دکتر صدریه: ترجمه این دو کتاب مطلقاً مربوط به زبان حال و بعد از بردن جایزه ادبیات از طرف آقای گونترگراس نیست. این دو کتاب حدود پانزده تا بیست سال قبل ترجمه شده و در خانه من خاک می‌خورده و ناشر نداشته، البته مشکلات دیگری هم بود. بعد از اینکه گونترگراس جایزه نوبل را برد و در مطبوعات ایران از او بطور مفصل صحبت شد ناشرین آماده شدند که اینها را چاپ کنند. طبل حلبی حدود چهار سال قبل حروف چینی شده و حداقل دو سال در وزارتخانه بود، ولی کفچه ماهی برای اولین بار بعد از همین اواخر مثلاً حدود دو ماه پیش به حروف چینی رفته است. اما به نظر من آدم‌ها پیامد دوران و عصر خود هستند از جمله آقای گونترگراس و شاید تاحدی خود من. آقای گونترگراس زمانی جوان بوده و طبل حلبی را نوشته که آلمان بعد از

گذراندن فلاسفه، دانشمندان، هنرمندان و صاحبان تکنیک خیلی با شهرت به دوره هیتلر و هیتلریسم می‌رسد و هیتلر و هیتلریسم باعث می‌شود که یک سوم خاک آلمان از دست برود، از جمله پروس شرقی و شهر محبوب گونترگراس یعنی دانزیک. بعدش هم آنها تیکه مثل گونترگراس (که خود از جوانان هیتلری بوده) و انسانهای باهوش و فهیم می‌فهمند که کشورشان گرفتار چه فاجعه بزرگی شده است. به قول کُنراد آدناوئر یک collective shoultd یعنی یک گناه دسته جمعی و عمومی که فرد فرد افراد آلمانی به نحوی از انحاء در این گناه دسته جمعی شریک هستند. آنگاه باقیمانده‌ی کشور آلمان به دو کشور سوسیالیستی و دموکراسی غربی تبدیل می‌شود و یک مساله مهم دیگر بروز می‌کند. دوران بدبختی‌های بعد از جنگ قبل از تبدیل رایش مارک به دی مارک. دوران گرایش مطلق به پول در آوردن بعد از جریان یافتن دی مارک و بالاخره بقیه مسایلی که ما که در آنجا درس می‌خواندیم و کمابیش با آنها آشنا شدیم. همه اینها روی همه‌ی آدم‌ها اثر می‌گذارد، ولی اگر این آدم شخصیتی دارای یک استعداد فوق‌العاده و یک دانش گسترده و یک روحیه پویا و جویا مانند گونترگراس باشد، تاثیرگذاریش به مراتب بیشتر خواهد بود و به همین دلیل وقتی آقای گونترگراس کفچه ماهی را می‌نویسد در حقیقت کفچه ماهی بروز تمامی آن چیزهایی است که در وجود یک انسان فرهیخته که از این روندها گذشته انباشته شده است و ناگهان اینها بیرون می‌ریزد. در نهایت بین کفچه ماهی و طبل حلبی اختلاف شدیدی وجود دارد. طبل حلبی برون داد احساسات و انباشته‌های یک انسان است، در صورتیکه کفچه ماهی اثر ساخته و پرداخته یک هنرمند ادیب است. این دو با هم بسیار فرق دارد و اما این دو به اضافه یک کتاب دیگر به نام سالهای سگی، هر سه متکی به دانسته‌ها و عشق و علاقه آقای گونترگراس به دانزیک و به منطقه‌ای که قبلاً حالت‌های دیگری داشته است که شاید در کفچه ماهی این موضوع بهتر روشن شود. این عشق و علاقه ظاهراً با ناسیونالیسم یا وطن پرستی یا میهن پرستی فرق دارد. این عشق و علاقه، عشق و علاقه‌ای به یک زادگاه، خواستگاه به جایی که انسان دبستان، دبیرستان رفته با بچه‌های هم سن و سالش بزرگ شده می‌باشد، همان عشق و علاقه‌ای که ما هر کدام به موطن خود داریم ولی اینها هم دلیل بر این نیست که کتابی مثل طبل حلبی ساخته و پرداخته بشود، برای اینکه آقای گونترگراس

کتاب‌های دیگری نیز نوشته است که حداقل از نظر من که تمام کتاب‌هایش را خوانده‌ام فاقد چنین ارزش‌هایی است. تنها در طبل حلبی است که این امکان شگفت‌انگیز فراهم می‌شود که از تمامی مصالح ساخت یک داستان یعنی لغت، جمله، اصطلاح، استعاره، حکایت، روایت، تاریخ، سیاست، مسایل اجتماعی و... همه یکجا استفاده شود و این استفاده یکجا از تمامی مصالح به هیچ عنوان خواننده را ناراحت، سردرگم یا آزرده خاطر نمی‌کند. اینچنین اثری شاید در تاریخ ادبیات کم نظیر بوده و کمتر پیش بیاید، البته بازمی‌پرسد نه اینکه نباشد ولی خیلی کم. من معتقدم که کفچه ماهی برجسته‌ترین اثر نیمه دوم قرن بیستم است البته کفچه ماهی نه، بلکه طبل حلبی، ولی خوب اگر یک ادیب مورد را بررسی کند خواهد گفت که کفچه ماهی ادیبانه‌تر و پخته‌تر و از هر لحاظ پیراسته‌تر از یک کار ادبی کامل است. دیگر هم گونترگراس موفق به انجام چنین کارهایی نشد و گرچه یک ادیب بزرگ و ملک الشعرا باقی ماند و هیچ کس در ملک الشعرا بودنش تردید نداشت ولی اثری را به خوانندگانش داد که دیگر از تمام مصالح ساخت داستان استفاده نشده بود، فقط از یکی یا دو یا سه تا استفاده شده بود و مثلاً فرض کنید که ماده موش یا وزغ یا موش و گربه یا امثال اینها هیچکدام این حال و هوا را ندارد، حتی بعضی وقتها حال و هوایی دارد که آدم خیال می‌کند ادبیات پروگرامی یعنی با یک خواست مشخص و یک نظریه و ایدئولوژی سیاسی مشخص اثر نوشته شده است و دیگر از حالت اثر خالصانه ادبی خارج شده است و این ایراد را بر او گرفته‌اند که او هم مثل دیگر انسانها در روند تکامل خود نقطه اوجی دارد که وقتی که به نقطه اوج خود رسید و کارش را انجام داد دیگر بعداً قادر به رسیدن به نقطه اوج خود نیست.

خوب اجازه بدهید چند کلمه هم راجع به خودم صحبت بکنم. من در دوران فاصله بین ۱۳۲۰ تا آمدن مرحوم مصدق بر راس کار جوانی بودم که شبانه روز کتاب می‌خواندم و طبیعتاً تاثیرگذاری شدید روی کارها و اخلاق من داشته و بعد از آن به آلمان رفتم، که در ابتدا گرایش شدیدی به ادبیات کلاسیک داشتم و در آلمان آرام آرام درک کردم که هنر و ادبیات پویاست و همراه با پویایی اجتماعات و انسانها حرکت می‌کند و انسان هم بایستی دنبال این حرکت برود و این که یک اثر کلاسیک زمانی بسیار معتبر است و اعتبارش مربوط به زمان خلق شدنش است و امروز نمی‌شود که از آن تقلید

نقد و بررسی ترجمه صدریه از طبل حلبی و کفچه ماهی

مین گرد ترجمه آثار

کرد و اثری مثل آن نوشت، بلکه امروز بایستی با توجه به پویایی جوامع بشری با توجه به تکامل تفکر انسانی، توجه به گستره شناخت‌های انسانی از بسیاری از مسایل از جمله کاینات سعی کرد چیزی نوشت که مطابق با زمان باشد.

□ محمدخانی: آقای دکتر چند سال در آلمان تشریف داشتید؟

■ نه سال.

□ محمدخانی: آیا همه آثار گونترگراس را خوانده‌اید؟ درباره گونترگراس آثاری به غیر از آثار خودش را خوانده‌اید که درباره وی باشد؟

■ بله از این‌ور و آن‌ور نیز چیزهایی خوانده‌ام.

□ محمدخانی: ترجمه کتاب کفچه ماهی چه مدت طول کشید و درباره این بیست سال توضیح دهید؟

■ دکتر صدریه: من تا قبل از انقلاب کارمند عالی رتبه دولت بودم و وقت بسیار مختصری برای ترجمه داشتم و سرگرمی‌ام ترجمه بوده است. البته من در سال ۱۳۴۶ قصر کافکا را منتشر کردم. در حدود ۱۳۵۰ اولین برشت‌ها را ترجمه کردم ولی کارم در دستگاه دولت

خیلی مشکل شد و جز وقت کمی، دیگر وقتی برای ترجمه نداشتم، بنابراین شاید ترجمه کفچه ماهی دو سال طول کشیده باشد، ولی بعد از انقلاب که من از کار کنار رفتم این سرگرمی به حرفه تبدیل شد، من از بیست سال گذشته بطور مرتب روزی چهار ساعت ترجمه می‌کردم و طبل حلبی شاید در عرض سه ماه ترجمه شد.

□ محمدخانی: از توضیحاتی که دکتر صدریه بیان کردند سیاست‌گزارم. برای اینکه وارد بحث بشویم مقدمه خوبی بیان کردند و جا دارد در اینجا برای زحماتی که ایشان برای ترجمه کشیده‌اند تشکر کنیم. حالا برای اینکه بیشتر به بحث گونترگراس و بعد به ترجمه‌هایش بپردازیم از آقای نجفی و آقای عبداللهی که بیشتر در زمینه ترجمه آثار آلمانی کار کرده‌اند، می‌خواهم توضیحات بیشتری بدهند.

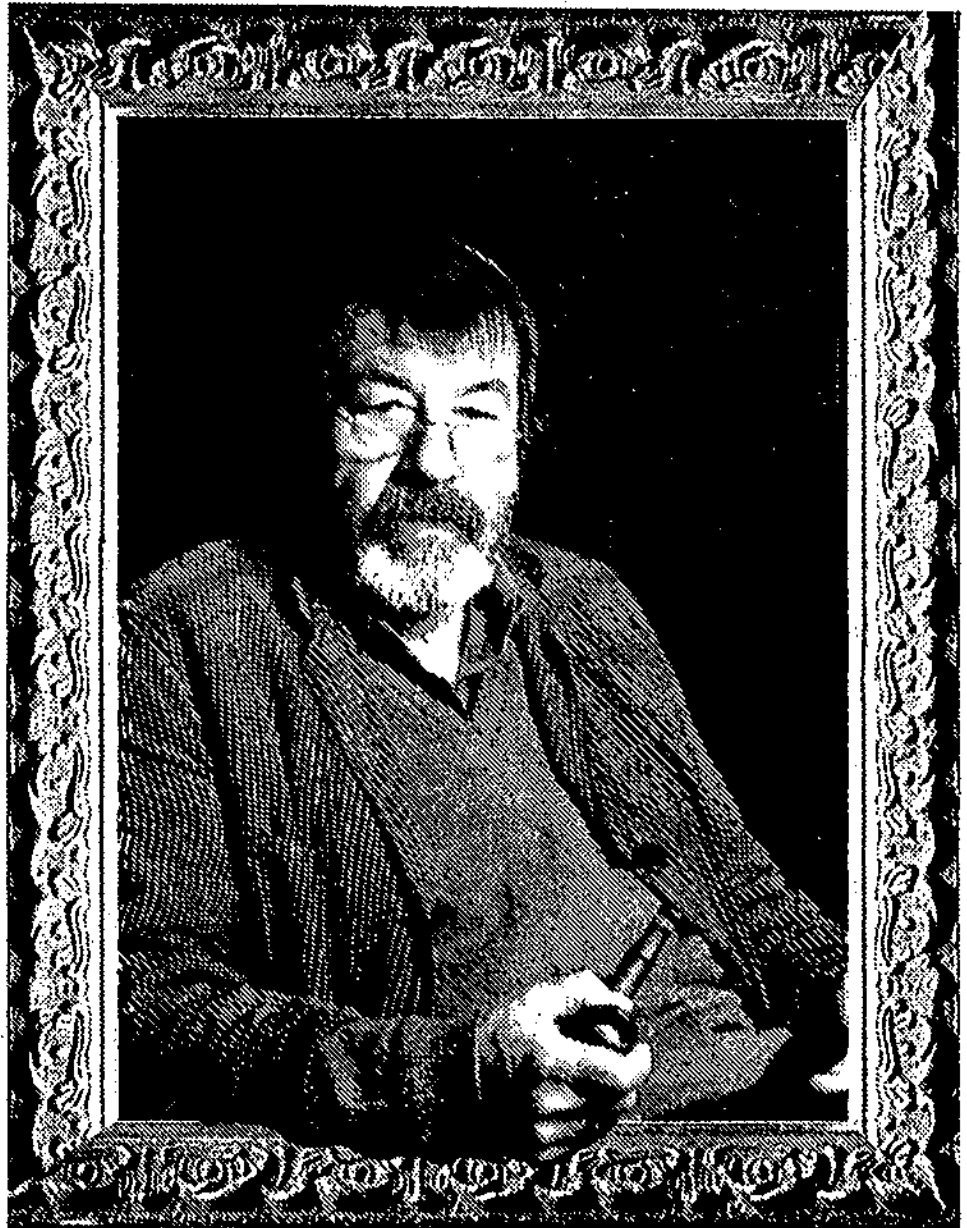
□ نجفی: من ابتدا از دکتر صدریه به خاطر ترجمه دو کار عظیم گراس تشکر می‌کنم. برای مقدمه می‌باید یادآور شد که گراس در ایران به درستی شناخته نشده است. کارهای انگشت شماری که از گراس ترجمه شده

است عمدتاً با دشواری‌ها و مشکل‌هایی رو به رو بوده است.

بنده می‌گویم برخی علل این دشواری‌ها را برشمارم. گراس خود نویسنده بسیار دشوار نویسی است. آنانی که به اصل متن آلمانی آثار گراس مراجعه کرده‌اند، بدین امر پی برده‌اند که گراس از زبان متفاوتی بهره می‌برد و با مغلط نویسی‌های خود کار خوانندگان و به‌ویژه کار مترجمان را دشوار می‌سازد. شاید به همین علت است که ما از گراس در فارسی آثار انگشت شماری داریم. آثار گراس با توجه به ساختار پیچیده و دشوار زبانش به راحتی با ساختار زبان فارسی سازگار نمی‌شود. شاید یکی از علل این پیچیدگی از یک سو علاقه‌مندی گراس به سنت‌های ادبی آلمانی که همان مغلط نویسی یا دشوار نویسی است، باشد.

آقای صدریه نیز در مقدمه کتاب اشاره کرده‌اند که گراس علاقه‌ای به ساده نویسی نداشته و در این باره از الگوهای چون توماس مان یا گوته پیروی می‌کرده است. نسبت دشوار نویسی که برخی فلاسفه آلمانی نیز بدان دامن زدند کمابیش تا دوران نازی‌ها پابرجا ماند و تنها پس از جنگ جهانی دوم بیشتر تحت تأثیر ادبیات انگلیسی، نسل جدید نویسندگان آلمانی قدری از این سنت فاصله گرفتند و به ارزش ساده نویسی و شفافیت نثر پی بردند. نمونه بارز این امر هاینریش بل است. جالب آنکه استثنای این نسل نویسندگان جوان چند تن از جمله گونترگراس و پتر هانستکی بودند. بدین ترتیب می‌بینیم که گراس از یکسو وارث سنت مغلط نویسی ادبی نسل گذشته آلمان است و از سوی دیگر به سبب اقامت در فرانسه و تأثیر پذیری از نوگرایی ادبیات فرانسوی، به گونه‌ای مدرنیسم ادبی التفات نشان می‌دهد و خلاصه آنکه آمیزه‌ای از سنت دشوار نویسی آلمانی و گرایش‌های مدرنیستی در آثار گراس، ترجمه کتاب‌های او را با مشکل روبرو ساخته است. شاید به همین سبب است که ما در ایران تنها چهار ترجمه از کارهای گراس سراغ داریم. این چهار ترجمه به ترتیب رمان کوتاه موش و گربه با ترجمه آقای کامران فانی، نمایشنامه کوتاه سیل با ترجمه آقای جاهد جهانشاهی و دو رمان طبل حلبی و کفچه ماهی با ترجمه آقای صدریه هستند.

درباره طبل حلبی و کفچه ماهی در این جلسه صحبت خواهد شد. من فقط یکی دو نمونه بسیار کوچک از ترجمه دو اثر دیگر را بازگو می‌کنم تا شما دشواری بازگردان نثر و ساختار آثار گراس به فارسی را



گونترگراس

مشخصاً ببینید.

ابتدا از ترجمه آقای فانی از کتاب موش و گربه نقل قول می‌آورم: «ما بر روی نیمکت هامان می‌گریسیم و شیعه می‌کشیدیم و زمانی به خود آمدیم که شخصی به سوی کارل و غیره خوش تیپ رفت» یا «نخستین زیردریایی دوپست و پنجاه تنی ما زیر آب برقی، روی آب دیزلی نام پرین حذف شده پرین یو ۴۷ و ناویان یکم پرین بلوط سلطنتی را به اعماق آبها فرستاد - مرده شور همه‌اش را می‌دانیم - و شوهارت سلحشور را غرق کرده و غیره و غیره» البته گویا این ترجمه کار دوران دانشجویی آقای فانی بوده است که اخیراً بدون ویراستاری به همین ترتیب چاپ شده است. اکنون نمونه‌ای از ترجمه آقای جهان‌شاهی از کتاب سیل: «خیلی زحمت کشیدی بخصوص برای دوات‌ها، دوات‌هایی که کوچک و بزرگ و پهن و باریک و برخی هم حالت جهنده دارند» (ص ۱۳) یا «پاهایش سرد بود، سرد و سرد شد نهایتاً تبدیل به یخ شد دوستون یخ در امتداد معبد کوچک شمالگان و در قطب شمالش سفر اکتشافی مسدود شد همه می‌توانستند ناکام بمانند همه، می‌دانید یعنی چه؟ بالا سرت یخ بلند، نه چندان حدوداً بلند به اندازه نصف ارتفاع سیرک باز دوباره درون اتاق یخ ولی ظریف و متحرک» نکته دیگری که درباره ترجمه آثار نویسندگان دشوار نویسی چون گراس باید متذکر شد این است که برای ترجمه آثار برخی نویسندگان مانند: گراس، کافکا و... مترجم افزون بر تسلط بر زبان مبدأ، باید متخصص و مفسر آثار این نویسندگان نیز باشد، یعنی برای اینکه آثار گراس را ترجمه کند باید گراس شناس باشد، کسی که اثر کافکا را ترجمه می‌کند باید کافکاشناس باشد و صرف اینکه زبان مبدأ و مقصد را خوب بشناسد کفایت نخواهد کرد.

□ محمدرضا: آقای عبداللّهی اگر بحث تکمیلی درباره گراس دارید بفرمایید تا بعد بحث را در مورد ترجمه شروع کنیم.

□ عبداللّهی: در مورد آن قسمت‌هایی که درباره زبان گراس توضیح دادند باید نکته‌ای را یادآور بشوم. همانطور که آقای نجفی گفتند زبان گراس پیچیده و به نوعی وامدار زبان رمان مدرن است، اما به هر حال خود گراس چون دوره‌گر است یعنی آلمانی و لهستانی است، زبان آلمانی را به فصاحت توماس مان نمی‌نویسد، یعنی زبان خاص خودش را دارد که ریشه در زادگاه او و نوع کاربرد زبان آلمانی در آنجا دارد که بسیار فشرده است و عناصر گروتسک در آن به چشم می‌خورد و خود رویداد داستانی در این زبان بس که فشرده و بدیع است به پیچیدگی متن می‌افزاید. پیچیدگی زبان و فشرده‌گی عناصر داستانی دست به دست هم می‌دهد و مانع از دریافت سریع و برگردان آن به فارسی یا زبان‌های دیگر می‌شود. حتی می‌توانیم روبرت موزیل را به فارسی در بیآوریم ولی این زبان را نمی‌توانیم، زیرا از وجوه مختلف

بسیار پیچیده است و من فکر می‌کنم با توجه به توضیحاتی که داده شد فارسی این کتاب که الان به بازار آمده ناموفق است و در حضور خود استاد هم اگر قدری از این کتاب خوانده شود، شاید خودشان در مورد برخی نارسایی‌ها جواب‌هایی هم داشته باشند.

یک رمان خوان حرفه‌ای که هیچ زبانی را نداند اگر این ترجمه را بخواند می‌فهمد که این کتاب نتوانسته جای خود را در فارسی پیدا کند و پخته شود. بگذارید برویم سراصل مطلب. من نقد خودم را بر این کتاب به دو بخش تقسیم کرده‌ام: یکی نقد ظاهر کتاب است. این کتاب چند تا بخش دارد. بعد از بخش «دامن گشاد» یک بخش دیگر دارد که به آن چسبیده، در اصل عنوان جدا و فصل جداگانه‌ای داشته که یک دفعه با فصل اول یکی شده است به جای اینکه عنوان جداگانه خودش را برایش بگذارند یا سهل انگاری از نگارش آن گذشته‌اند. به هر حال این نشان می‌دهد که مترجم یا حرف‌چین و یا ناشر کم کاری کرده‌اند. یک مساله دیگر اینکه کتاب در زبان اصلی فهرست دارد و به سه کتاب فرعی تقسیم شده است: کتاب اول از صفحه اول تا صفحه ۲۷۴، کتاب دوم از صفحه ۲۷۴ تا ۵۳۳ و کتاب سوم از ۵۳۳ تا ۷۳۴ که انتهای کتاب است. اینها رعایت نشده و پشت سرهم آمده در صورتی که در خود کتاب (متن آلمانی) همه اینها وجود دارد. این ظاهر کتاب است.

نکته دیگر اینکه در اول کتاب، خود گراس کتاب را به آنا گراس تقدیم کرده (Fur Anna Grass) که در این جا نیست، البته لغزش خیلی کوچکی است ولی در واقع رعایت آن به نوعی حفظ امانت از طرف مترجم است که باید به احترام نویسنده رعایت شود.

بخش دوم اینکه معادل واژه‌ها یا بعضاً اشتباه است یا سهل انگارانه انتخاب شده‌اند. در فصل اول در آنجا وقتی صحبت می‌کند که «روی در اتاق من سوراخی برای نگرستن تعبیه شده است، چشمان پرستار هم از آن چشمان قهوه‌ای است که نمی‌تواند درون من چشم آبی را بنگرد، خوب وقتی که نمی‌تواند بنگرد پرستار هم نمی‌تواند دشمن من باشد...» در اینجا در واقع می‌خواهد بگوید که نمی‌تواند ببیند، البته دشمن من هم نمی‌تواند باشد. در یک جای دیگر مثلاً به رغم وجود «سوراخ نظاره» در واقع این عبارت سوراخی است که می‌شود از آن نگاه کرد و مانع از دیدن او می‌شود که در اینجا "inder" بوده که ترجمه نشده یا اینکه «برای اینکه رضایت خود را نموده باشد گرده‌های خودش را به من نشان می‌دهد». در واقع منظور نویسنده آن دست از کارهای هنری است که با گره از نخ درست کرده یا تازه‌ترین شاهکارهای گره‌هایش است که متن فارسی این را نمی‌رساند. و در این عبارت «قطعا به نمایش گذاردن مخلوقات گرده‌هاش از طرف مطبوعات تأیید می‌شد و خریدارانی را نیز جلب می‌کرد» ولی اینکه آیا او هنرمند است یا نه، بماند. ولی ترجمه درست آن این

است: «ولی قطعاً نمایشگاه دست کارهایش از طرف مطبوعات تأیید می‌شود و خریداران را جلب می‌کند» که در واقع این جمله زمانش درست ترجمه نشده است.

در جمله «چشم‌هایش را یکی پس از دیگری باز کرد» در آلمانی آمده است nach einander یعنی اینکه مرتباً چشم‌هایش را باز می‌کرد نه اینکه پشت سر هم و یکی پس از دیگری، زیرا دو چشم که بیشتر نیست. در مورد ترکیبات مثلاً ترکیب «گرچه متفاوت رشد یافته» این واقعا فارسی نیست یا «دو جهنده تعقیبی را پشت نرده‌ها» اینها و عباراتی از این دست که در کتاب فراوان است واقعا فارسی نیست.

□ محمدرضا: آلمانی آن چگونه است و ترجمه‌اش چیست؟

□ عبداللّهی: آلمانی آن این است: «دو نفری که فرار کردند و جهیدند و الان در حال تعقیب هستند». مثلاً یک مورد جزئی دیگر در صفحه ۲۲ «فقط برای اینکه هیجان را کمی تشدید کرده باشم نام آن شهر دلتای موتلاو را فعلاً نمی‌نامم» نام آن شهر «را نمی‌نامم» در واقع نام آن شهر را نمی‌گویم است. متن آلمانی فعل nennen را آورده ولی نباید آن قدر تحت‌اللفظی آن را ترجمه کرده و بگوییم نام آن شهر را نمی‌نامم، من فکر می‌کنم این دیگر یک مشکل فارسی است، نه رعایت سبک است نه امانت و این جور چیزها. من هم فصل اول و یک فصل دیگر را هم به اتفاق نگاه کردم همین مشکل وجود دارد. یک سری اسامی خاص است که دقیق ترجمه نشده و بسیار هم معروفند، مثلاً پارزیوال که در اصل پارتیسفال است. و در منظر هفتم استاد آورده‌اند «احتمالاً مناسب با احوال هرکسی است چون نظریه است» یعنی «ظاهراً به حال هرکس مناسب است هر کسی که ایده‌ای دارد» نه نظریه‌ای است که اصل آن der eine Idee hat می‌باشد، یعنی کسی که ایده‌ای دارد. باز دوباره در پاراگراف سوم همین فصل، یک پاراگراف جافته‌د که اتفاقاً پاراگراف ساده‌ای هم هست که من خودم آن را سطحی ترجمه کرده‌ام، در صفحه ۵۸۵ بعد از اینکه می‌گویند همچون «پارزیوال دیوانه که اسکار دیوانه درباره او آنقدر کم می‌داند که می‌تواند آزادانه خود را با او یکی بداند» این پاراگراف موضوع خاصی نداشته که باید حذف می‌شد. ترجمه آن این است: «تصویر ناشیانه برایتان به روشنی کفایت خواهد کرد برف، لباس کار یک پرستار است صلیب سرخی که بیشتر پرستارها و Dorotea (دوروتیه) به وسط یقه خود می‌چسبانند به نظر من مثل سه قطره خون آمد که می‌درخشید آنگاه نشستیم و چشمم را از آن برنداشتم» اینها چیزهایی بود که به نظر رسید و با مجالی که جناب دکتر داشتند فکر می‌کنم می‌توانستند وقت بیشتری روی فارسی آن بگذارند و چون در واقع وقتی ما اثری ترجمه کردیم بخش اول کار را انجام داده‌ایم و خیلی بیشتر باید روی فارسی اثر کار کنیم و با

توجه به ویژگی‌هایی که آقای نجفی از زبان گراس گفتند و موفقیت‌هایی که کتاب‌های این نویسنده در آلمان داشته باید گفت ترجمه‌هایش اصلاً موفق نبوده‌اند، روی این کتاب باید بیشتر از این کار می‌شد و فارسی آن طوری می‌بود که خواننده به عنوان کسی که به اصل این متن دسترسی ندارد از این ترجمه لذت ببرد و قدرت کار گراس را می‌توانست ببیند. بهر حال از جسارتی که کردم عذر می‌خواهم و از مترجم بابت زحمتی که کشیده‌اند تشکر می‌کنم.

□ غبرایی: عرض شود بحث درباره ترجمه‌های استاد شاید یک کار مشکلی باشد ولی من با اجازه ایشان که سشنان از من بیشتر است بدون بعضی

ملاحظات نظرم را به صراحت می‌گویم. فکر می‌کنم آقای عبداللّهی با احتیاط زیادی از نشر ترجمه‌های ایشان صحبت کردند. من باز هم عذر می‌خواهم که با این صراحت می‌گویم ایرادهای کتاب‌های ایشان از این مسایل جدی‌تر است. کاش فقط این ایرادها فقط به کتاب‌های گونترگراس مربوط می‌شد، چون گونترگراس به هر صورت مشکل می‌نویسد. من هرچند به زبان آلمانی وارد نیستم ولی از سوی متن انگلیسی به نمونه‌هایی برخورد کردم. دو تا ترجمه از ترجمه‌های گونترگراس همراه من است طبل حلبی و سال‌های سگی. به نظر آنها نگاهی کردم و همانطور که دوستان اشاره کردند بهر حال مشکل است. اما ما با ترجمه‌های آقای صدریه حداقل تا آن جایی که من یادم می‌آید از پروسترویکا به بعد آشنایی‌هایی پیدا کردیم. اگر درست خاطرم باشد خانه اشباح را ایشان از روی خانه ارواح ایزابیل آئنده ترجمه کردند، من با عذرخواهی مجدد با صراحت تمام می‌خواهم بگویم که من نتوانستم بیش از چند صفحه از هر کدام از این کتاب‌ها را بخوانم و متأسفم. البته زحمت ایشان سرچایش چون ایشان کار فرهنگی می‌کنند. سال‌ها به این کار مشغولند. اشکالاتی در کار ایشان است که مربوط به ساختار نحوی و دستور زبان فارسی می‌شود.

از ایشان حداقل می‌پرسم چون من خواندم و آن مواردی که آقای عبداللّهی اشاره کردند به زحمت می‌شود با کشف و شهود و زحمت درک کرد ولی مواردی که من در یک فصل از کتاب کفچه ماهی برخورد کردم برایم واقعاً سؤال شد. هر دورا بعداً باز می‌کنم اگر احتیاج باشد راه حلی هم پیشنهاد می‌کنم. اما موردی را که ارایه می‌دهم یا دوستان مطرح می‌کنم و ایشان حضور دارند اگر لازم دانستند توضیح دهند. فرض بفرمایید جمله‌ای به این صورت آمده: «در زمانی که در ۱۶۰۲ پس از گوشت و پوست شدن مسیح» من هرچه به عقل ناقص خودم فشار آوردم نتوانستم بفهمم گوشت و پوست کردن مسیح یعنی چه؟ «پوشال مرگ شانزده هزار و نهصد و نوزده بچه انسان را» - این را راحت می‌شد کودک گذاشت یا بچه - «در کوچه‌های شهر ثروتمند داننر یک سوزانده‌اند طاعون بسیاری از مدلهایم را از من گرفت مدلهایی که به عنوان نقاش شهر برای تصویری دیواری به آنها نیاز داشتیم؛ تصویر رستاخیز که قرار بود به عنوان تذکر قربانی بنای آرتوز هوف با آن بیاریم تا معتمدان شهر و تجار مقدس را از طاعون که مدام از نو شیوع می‌یافت حفظ کنیم» واقعاً آدم در برابر این می‌ماند و اگر مترجمی بود که تازه یک یا دو کتاب ترجمه کرده بود می‌گذشتم، ولی از کسانی که سال‌ها کار می‌کنند انتظار بیشتری داریم و من به هیچ وجه نمی‌پذیرم که نشر گونترگراس این طوری است. زیرا فکر می‌کنم - باز هم با عذرخواهی - که از منطق به دور است، نظیر این جملات کم نیست نمی‌خواهم وقت جلسه را بگیرم، اگر



احتیاج می‌دانید من هفت تا هشت جمله دیگر در همین فصل پیدا کردم که شاید الان نیازی نباشد. ولی اگر نیاز بود حتماً می‌خوانیم بعداً به چرایی آن می‌رسیم و بعد راه حلی که به نظرم می‌رسد ارائه می‌دهم، باز هم از ایشان به علت اینکه پیشکسوت ما هستند عذر می‌خواهم.

□ پورجعفری: خیلی ممنون هستیم که آقای صدریه تشریف آوردند و مشخص است که این کار آن طوری که دوستان گفتند کار بسیار دشواری است. البته من آلمانی نمی‌دانم و به خصوص درباره آثار گونترگراس بحث می‌کنم و مثل آقای غبرایی به کارهای دیگر ایشان کاری ندارم. البته کارهای دیگر ایشان را که از برشت و دیگران ترجمه کرده‌اند خوانده‌ام. اما در مورد گراس این نشر فارسی که موجود است معلوم می‌کند که کار بسیار دشواری است ولی به هر صورت هر قدر که دشوار باشد باز هم به نظر من می‌شود به فارسی درآید. تنها اشکالی که به نظر من کار آقای صدریه دارد، تنها یک نکته است و آن این که کار را به دست ویراستار نسپردند؛ ویراستاری که با ایشان هم فکری بکند. این کار، کار بسیار سودمند و دوست داشتنی است که آدم کتابش را به کسی بدهد که خودش به کار او اعتماد و اعتقاد دارد و او این کار را به دقت نگاه بکند، جمله به جمله مقابله بکند و با هم فکری هم یک کار واحد به جامعه عرضه بکنند. من فکر می‌کنم کار طبل حلبی جزو ثروت و میراث فرهنگی ما محسوب می‌شود. یک ترجمه وقتی وارد می‌شود ما باید آن را بپذیریم. نمی‌توانیم قبولش نکنیم. حالا باید این به بهترین شکل باشد. فرض کنید اگر خود گونترگراس فارسی بلد بود، اگر این کتاب را می‌خواند او هم حس می‌کرد که اینجا همکاری و همفکری صورت نگرفته است و فکر می‌کنم اگر همکاری با ویراستار صورت می‌گرفت این کار به بهترین شکل در می‌آمد.

البته من هم مواردی را که آقای غبرایی گفتند ناشی از همین مسأله می‌دانم. من فکر می‌کنم که همه آلمانی‌ها را درست ترجمه کردند، من از روی کار این را حس می‌کنم مثلاً فرض کنید که «با ایلزه بیل که از کفچه‌ماهی است می‌شود اسب دزدید، آستن پیشرفته در هفتمین ماه آرزویش این است که...» من فکر می‌کنم منظور از آستن پیشرفته در هفتمین ماه، احتمالاً کسی است که در هفتمین ماه آبستنی است. این را می‌شد خیلی ساده تر گفت، این الان آلمانی است و باید فارسی شود، مهم این است که گونترگراس به چه چیزی نگاه می‌کند، به چه چیزی توجه می‌کند. آن قهرمانی را که راجع به آن صحبت می‌کند آن اهمیت دارد. گراس با زبان آلمانی مطرح نیست. گراس با زبان جهانی مطرح است که تصادفاً این ابزار زبان آلمانی در اختیارش است که همانطور که ما چیزی می‌نویسیم با زبان فارسی با جهان ارتباط برقرار می‌کنیم. اگر ما در همان شکل محلی خود باقی بمانیم و بگوییم که ما خودمان باشیم این نقض غرض است. یا مثلاً اینجا اصطلاحاتی که

وجود دارد می‌شد یک ویراستار آن را نگاه بکند و درست کند. «مواردی جدی را آرزو می‌کند، مواردی جدی را باعث می‌شود، زنی ماجراجو که بر پردهٔ پهن سینما تحرکی عظیم، پرو بسوی غرب تملک پرخطر زمینها را به رویاها می‌بیند» این را یک خواننده جوان ایرانی که می‌خواهد با کار گونترگراس آشنا شود، واقعاً متوجه نمی‌شود. «در پیراهن و همواره در جهت مخالف باد» یا مثلاً «خانه‌مان را سرخ پوستان با اعمال پیش‌بینی نشده تهدید نمی‌کنند، حتی در رهن هم نیست (به تحقیق سیلاب آخر زمانی که دریچه سدها بسته شد و قایق جسر»

□ محمدخانی: آقای دکتر معنی جسر چیست؟

■ دکتر صدریه: قایقی که آب آن را تکان می‌دهد و به این ور و آن ور می‌برد.

□ پورجعفری: من فکر می‌کنم اصلاً این را نمی‌شود فهمید.

■ دکتر صدریه: انگلیسی آن Free است یعنی تخته پل متحرک که در فارسی نیز موجود است.

□ پورجعفری: جسر کلمه‌ای عربی است که خیلی از جوان‌های ما متوجه نمی‌شوند. منظور من این است که یک ویراستار با مشورت خود شما اینها را حل می‌کرد، اگر شما ایشان را قانع می‌کردید که همان جسر، باشد دیگر حرفی نیست. ببینید منظورم بیشتر این جنبه‌های قضیه است، تمام این کار پر از این چیزها است که در یک ویرایش دقیق و صمیمی و هماهنگ می‌شد با خود مترجم اشکالات برطرف شود.

□ محمدخانی: من خودم که هم طبل حلبی را خواندم و هم کفچه ماهی را زبان آلمانی نمی‌دانم ولی یک نکته را آقایان عبداللّهی و نجفی و هم چنین جناب دکتر صدریه می‌توانند توضیح دهند. زبان آلمانی جملاتش بسیار طولانی است و گاهی دیده می‌شود که یک صفحه یک جمله است. من موقعی از مرحوم دکتر زرین‌کوب پرسیدم که چرا شما در فارسی جملات طولانی به کار می‌برید؟ ایشان گفتند: بخاطر این که من در ۱۸ سالگی در دوره سربازی زبان آلمانی را یاد گرفتم و بر روی نثر فارسی بنده اثر کرده است. من وقتی که ترجمه‌های طبل حلبی و کفچه ماهی را دیدم احساس کردم همان ساختار زبان آلمانی به زبان فارسی منتقل شده و این انتقال، زبان فارسی را از بین برده است. من بحث بر سر امانت ندارم، فکر می‌کنم اگر این ساختار زبان آلمانی به زبان فارسی تبدیل می‌شد مشکلات ترجمه رفع می‌شد. این نیاز به یک ویراستار داشت که جملات را می‌شکست، یعنی جملات آلمانی شکسته می‌شد، فعل‌ها متعدد می‌شد و جملات مفهوم می‌شد. من به یک نکته دیگر پی بردم که فکر می‌کنم اشکال در این جاست. حال اگر بخواهیم برای هر بخش شاهد بیاوریم به نظر من باید اشکال کلی را پیدا کنیم و بعد

بحث کنیم. ممکن است دوستان توصیه‌هایی داشته باشند که مترجم دیگری نپذیرد و مثلاً بخشی از آن را بپذیرد و در جاهای دیگر اعمال کند. نظریه‌های مختلفی در ترجمه است و ترجمه یک مبانی و اصولی دارد که مترجم باید براساس آن اصول و مبانی حرکتی کند و بتواند براساس آن مبانی و اصول بر ترجمه‌اش استدلال داشته باشد و دفاع بکند ولی سلیقه‌ها متفاوت هستند.

□ امرایی: عرض کنم خدمتان که بهرحال کاری که شده کاری عظیم است. کار نویسنده بسیار بزرگ است و این کار به فارسی برگردانده شده است. آقای صدریه در صحبت‌های اولیه خود فرمودند که این کار ۱۴-۱۵ سال پیش انجام شده، حالا ناشر پیدا نمی‌شده یا به هر دلیلی مانده بود و خاک می‌خورد و من البته فکر می‌کنم بعد از این مدتی که خاک می‌خورده زمانی که آقای گراس نوبل برده، دکتر صدریه یا فرصت نکردند یا لازم ندیدند که دستی در این ترجمه ببرند. من خودم شخصاً هیچکدام از پاک‌نویس‌هایم مطابق با آخرین پیش‌نویس‌هایم نیست. دوستانی که مرا می‌شناختند و کارهایم را دیده‌اند، این را می‌دانند. یعنی همیشه این تغییر را می‌دهم. من فکر می‌کنم آقای صدریه این کار را انجام نداده‌اند، افزون بر این که دیدگاه ایشان که مترجم رسمی زبان آلمانی هستند یک نوع دید مکانیکی به ترجمه است. ایشان معتقدند که اگر قرار است ما یک اثر را به زبان فارسی برگردانیم عیناً باید آن ساختار زبان اصلی را حفظ کنیم نه پیام را. اما واقعیت این است که در ترجمه ادبی اگر بخواهیم به ساختار زبان پایبند بمانیم، زبان خودمان را از بین می‌بریم؛ همان مطلبی که دوستان تقریباً اشاره کردند. من یک سری از کارهای گونترگراس را پیش از اینکه نوبل را ببرد به انگلیسی خوانده بودم و آقای غبرایی در جریان هستند که به من پیشنهاد شد که دو مورد از کارها را ترجمه کنم ولی من گفتم که معذورم و این کار را انجام نمی‌دهم. واقعیت این است که زبان آلمانی زبانی سخت است و سخت‌تر از آن افرادی هستند که در زبان خودشان به صاحب سبک معروف هستند، البته ما در انگلیسی نیز داریم افراد مشابهی که صاحب سبک هستند مانند: هنری جیمز، دی.اچ. لارنس و یا درجدیدترها دونالد بارتمی.

اینها کسانی هستند که لغت می‌سازند یعنی افرادی هستند که لغت وارد زبان می‌کنند. حالا در یک متن ادبی اگر بخواهیم به این لغت‌سازی‌ها برسیم باید مترجمی این کار را انجام بدهد که در خودش توان لغت‌سازی را می‌بیند. ما همینطوری نمی‌توانیم سراغ هنری جیمز برویم هر چند که کلاسیک نویس است. ما همین معضل را با گونترگراس داریم، ما همین معضل را با نویسندگان دیگر آلمانی داریم، مثل روبرت موزیل.

اینها کسانی هستند که هم صاحب سبک هستند، هم در زبان خودشان لغت ساز هستند. ما برای لغت‌های موجودی که الان این زبان‌ها دارند معادل نداریم و اگر بخواهیم آنها را برگردانیم با مشکل برخورد می‌کنیم.

من معتقدم که یک ویراستار نباید بیاید در واقع به من مترجم فارسی یاد بدهد، یعنی اگر یک ویراستار با من مقابله بکند پس خودش ترجمه کند؛ در این صورت من می‌شوم مترجم درجه یک این مملکت که در حقیقت این ظلم به ویراستار است. این است که من فکر می‌کنم یک ویراستار در مقام مشاور خوب است. من می‌دانم مثلاً آقای غبرایی کار را ترجمه می‌کند بعد از آن می‌دهد آقای پورجعفری و دوستان دیگر می‌خوانند و از نظریات آنها استفاده می‌کند. من فکر می‌کنم یک ویراستار تا این حد می‌تواند به مترجم کمک کند، شما در واقع نمی‌توانید بیایید و یک اثر مرده را زنده کنید. در این دو کاری که من به همراه کارهای دیگر از آقای صدریه خواندم احساس کردم که آقای صدریه دیدشان به ترجمه دقیقاً یک دید مکانیکی است، با این تأکید که ما موظفیم که هر چه در زبان مبدأ آمده در زبان مقصد هم به کار ببریم. من فکر می‌کنم این عیب اساسی این اثر است. من زمانی که طبل حلبی را خواندم با توجه به شناختی که از گراس داشتم در مطبوعات، در سخنرانهایش و در مطالبی که از او خوانده بودم گفتم که خیلی پیچیده نوشته و شاید در اصل همین طوری است. اثر را دوباره خواندم و حس کردم که نمی‌فهمم تا اینکه با ترجمه انگلیسی آن مطابقت دادم البته نه در حدی که بخواهم بررسی مقابله‌ای بکنم، فقط بخاطر اینکه به درک خودم صیقل بدهم. من دیدم که ترجمه انگلیسی آن را بهتر از ترجمه فارسی‌اش می‌فهمم، با تأکید به این نکته که زبان فارسی زبان مادری من است ولی زبان انگلیسی نیست.

عرض کنم خدمتان که این ترجمه را دقیقاً با یک ساختار زبان انگلیسی می‌توانیم مقایسه بکنیم، البته با زبان فارسی دوتا فرق دارد. زبان انگلیسی با توجه به اینکه از نظر ساختار زبان جزو زبان‌های رومانیتیک و انگلوساکسون است این قابلیت را دارد - چون زبان آلمانی و انگلیسی ریشه مشترک دارند - به نظر من در انگلیسی موفق است و حتی جملات طولانی دارد ولی با زبان فارسی که طبل حلبی و کفچه ماهی را خواندم مشکل داشتم و البته با توجه به نتیجه‌ای که خودم به آن رسیدم باید بگویم که احتمالاً این مطالب قابل ترجمه به زبان فارسی نیستند و بهرحال زحمت مترجم هدر رفته است. البته فقط در این دو کتاب (طبل حلبی و کفچه ماهی) ولی موش و گربه نیز مشکلات خاص خودش را دارد.

□ اقلیدی: عرض کنم که صحبت‌های من همان صحبت‌های دوستان است، چیزی که باید اضافه کنم

یکی راجع به ترجمه انگلیسی طبل حلبی گونترگراس است که تصادفاً در ادبیات انگلیسی مشهور است یعنی ترجمه رالف مانهایم که یک جور شاهکار مضاعف است برای اینکه مانهایم هنگامی که می‌خواست بخصوص طبل حلبی را ترجمه کند مدتها رفت بخشی که سنگ‌شکن‌ها و حجارها در دانزیک قرار داشتند، گدانسک جارگن و اینها را یاد بگیرد و بسیار زحمت کشید برای این کار و ترجمه را خیلی خوب پرآورد. ضمناً در مورد یک مطلب نباید بی‌انصافی کنیم به قول معروف:

گر رسم شود که مست گیرند

در شهر هر آنکه هست گیرند
من هیچ ستایش و تملقی از کار آقای دکتر عبدالرحمن صدریه نمی‌کنم. من ترجمه قصر کافکای ایشان را در زمان جوانیم که همین سواد ناقص انگلیسی را هم نداشتم خوانده‌ام و آنچه می‌خواستم از آن کتاب گرفته‌ام، هر چند کتاب ربطی به کافکا ندارد و کار خود آقای صدریه است بنابراین مدیونش هستم و همینکه ایشان در این سن و سال با عشق و علاقه به ترجمه می‌پردازد جای شکرگزاری دارد، زیرا هر کاری غیر از آن یکند سود بیشتری می‌برد. ولی مشکلی که اصلاً ما در ترجمه داریم بخصوص ترجمه آثار ادبی گاهی اوقات دقیقاً ایشان دچار یک سوء تفاهم راجع به ترجمه هستند. البته بسیار عذر می‌خواهم و آن امانت مخلی است که ایشان دارند تازه همین امانت هم رعایت نمی‌شود. امانت مخمل همانطور که می‌فرمودند و کاملاً صادقانه و معصومانه می‌گفتند «آخر این که دیگر آلمانی در نمی‌آید، این که دیگر گونترگراس نیست» می‌خواستم بگویم که این که گونترگراس نیست، عبدالرحمن صدریه است. تازه صدریه‌ای که هیچ از آثارش نمی‌فهمم، نه فارسی است و نه آلمانی اما خلاف نظر ایشان و کار ایشان مکتب آقای دریابندری را داریم. آقای دریابندری جزو مترجمان بنام هستند و همه ما

هم که رمان دوست داریم رمان‌هایی را به ترجمه ایشان خوانده‌ایم. آقای دریابندری اثر را زنده می‌کند، اما آقای صدریه آن را از بین می‌برد.

مطلب این است که بطور کلی طبل حلبی ترجمه‌اش به دلایل مختلف مشکل است؛ اول اینکه من براساس ترجمه رالف مانهایم می‌گویم که جزو ترجمه‌های مشهور جهان است که ابوالحسن نجفی این ترجمه را سالها پیش ستایش کرد و همین مطلبی که من نقل کردم از ایشان نقل می‌کنم که رفت منطقه گدانسک که آنجا زبان و جارگن‌های آنها را یاد بگیرد. مثلاً بازی با کلمه ویرجین که در انگلیسی آمده و فرض کنیم که اسکار به نگیهان برونو می‌گوید که برو برایم کاغذ ویرجین [یا کره] بخر و سر به سر برونو می‌گذارد، برونو کمی خل است به او می‌گوید باید بگویم ویرجین پیپر (Virgin Paper) چون مطلب ادبی است باید ببخشید البته کمی بی‌ادبی است ولی باید بگویم برونو به فروشنده زن می‌گوید «I want some virgin paper» یا چیزی در همین حدود بعد که برمی‌گردد از دست اسکار ناراحت و عصبانی است و به او می‌گوید وقتی که من به او آن چیزی که تو گفته بودی گفتم آن دختر از خشم سرخ شد: I ask of virgin paper and The sell girl blashed like mad before getting it

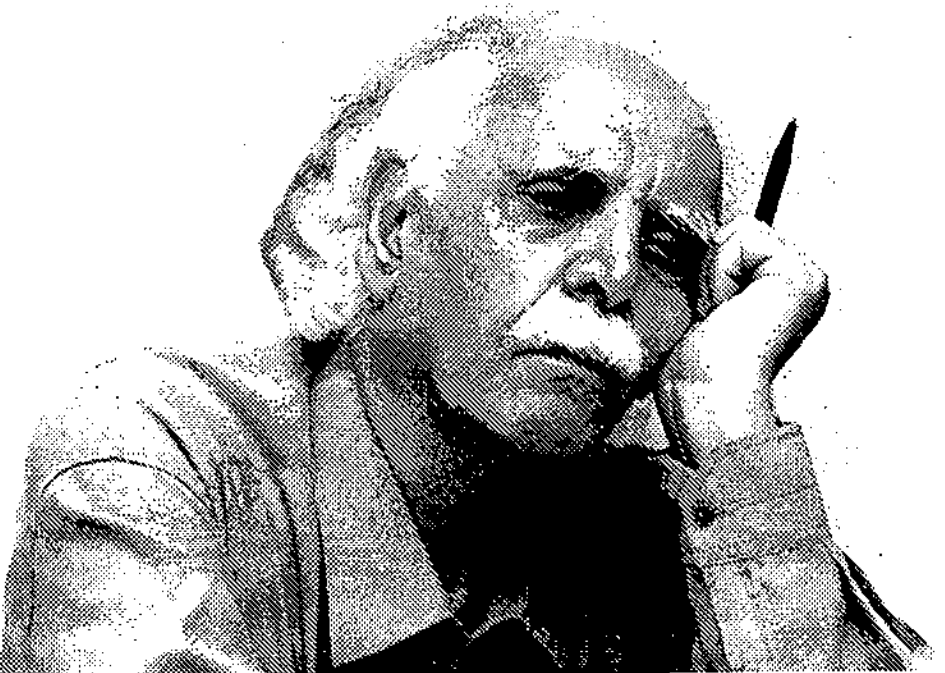
یعنی از شرم سرخ شد. کلمه virgin به معنای دوشیزه را آنجا نمی‌شود به کار برد البته معنی باکره می‌دهد که استاد در ترجمه خودشان «پاک» ترجمه کرده‌اند. و مشکل این است که ایشان آنقدر علاقه به ادبیات دارند که نظرگاه‌های خود را با امانتی که البته خودشان در نظر دارند و اصلاً ضد امانت است باعث می‌شود اثر ادبی را آنطور که می‌خواهیم در نیاید. البته در عین حال اگر روزی پرونده خودم در مورد ترجمه رو بشود از ایشان کمتر در مورد ترجمه مورد سؤال قرار نخواهم گرفت. دو سه مورد دیگر هم بود مثلاً درباره mental hospital به نظر می‌رسد «بازپروری» کلمه مناسبی

نیست و بد است، مثلاً من ساکن بیمارستان روانی هستم، دیگر بازپروری لازم نبود.

«My keeper's eyes is shade of brown that can never see true a blue eye type like me»

که قضیه فقط نگریستن ساده نیست معانی انضمامی دارد همانطوری که آقای عبداللّهی اشاره کردند حواسمان باشد که گونترگراس فقط زبان آلمانی ندارد یعنی جارگن‌هایی که برای آن محل بوده و آن میراث را با آلمانی مخلوط کرده، بهرحال فکر می‌کنم حرف من تمام شد.

□ گودرزی: من به عنوان خواننده تقریباً جرفه‌ای رمان، خودم در این یکی دو ساله سعی کردم که ماهی سه‌هزار صفحه مطلب بخوانم یعنی روزی صد صفحه بطور متوسط. فکر می‌کنم با اینکه امروز پنج، شش تن از مترجمین در اینجا حضور دارند فرصت خوبی است که من حرف دلم را بزنم. درباره مسائل کلی ترجمه که خاص هم می‌شود این است که اگر بحث را زیربنایی‌تر کنیم باید ببینیم هدف مترجم از ترجمه چیست؟ آیا این انتقال ادبیات و فرهنگ بیگانه است؟ البته بیگانه به معنای منفی آن نیست به معنای زبان غیرفارسی. آیا هدف از ترجمه ارتقای فرهنگ خودی است؟ یا اینکه صرفاً ایجاد لذت از یک اثر هنری برای خواننده؟ من فکر می‌کنم باید تمام این موارد را در نظر بگیریم. البته بحث تجارت جداست که جالب نیست در این موضوع وارد شویم و آن بحث جای خودش را دارد. البته ناچار هستم بگویم که حدوداً ۹۰ درصد کارها و بحث‌ها تجاری است همه این بحث‌ها ظاهری و برای دل خوش کردن است و اصل بحث تجاری است. حالا با توجه به همه این اهداف باید ببینیم وقتی متنی ترجمه می‌شود آیا یک خواننده ایرانی، یک جوان علاقه‌مند به ادبیات از خواندن آن ترجمه لذت می‌برد؟ آیا مفاهیم مستتر در متن را می‌فهمد؟ آیا فضاهایی که در کتاب است ممکن است برای نویسندگان جوان باعث تقلید بشود؟ (همانطوری که در کتاب غلط نویسیم ابوالحسن نجفی می‌بینیم که چه غلط‌هایی فقط براساس ترجمه در زبان فارسی ما به مرور وارد شده است) وقتی ما اینها را در نظر می‌گیریم در اصطلاح عامیانه یک نوع بی‌انصافی است که یک کتاب نویسنده شاخص را ترجمه کنیم و پدرخوانده را دریابوریم، یعنی وقتی می‌خواند و یک جایی از آن مبهم است من فکر می‌کنم مقصر مترجم است و من این را وقتی که خانه اشباح را خواندم، درک کردم و بعد از آن خانه ارواح کامرانی را خواندم، خیلی فرق می‌کرد البته در بحث فارسی بسیار تفاوت داشت. ما ایرانیها یک تقدیری داریم و ناچاریم که به طریق کلی مطالب را بگیریم - نویسندگان فارسی زبان ناچارند بخاطر برخی مسائل خیلی از مطالب را



عبدالرحمن صدریه

نویسند. بعد ما با ذهن خود جای خالی را پر می‌کنیم. در ترجمه هم خیلی از جمله‌ها را نمی‌فهمیم باید با ذهن خودمان جای اینها را پر کنیم. آقای اقلیدی می‌گویند که من مفهوم کلی قصر کافکا را فهمیدم ولی این مفهوم کلی یک طرف قضیه است و اگر ترجمه فارسی هم ناقص باشد همان مفهوم کلی هم گرفته نشده، این است که ما باید یک متن ترجمه شده در دستان باشد که اول لذت خواندن را در خواننده ایجاد کند. دوم اینکه مفاهیم را از نظر اجتماعی درک کند و سوم عناصر داستانی را بتوان از آن گرفت. البته ایشان کارهای ساراماگو را ترجمه کرده‌اند. کتاب مبانی خطاطی و نقاشی آنرا خواندم البته نقدی هم بر آن نوشتم که بعدها چاپ خواهد شد. من در متن فارسی کفچه ماهی حدوداً در چهار صفحه به نظم رسید که حدوداً ده مورد ایراد بزرگ وجود دارد (البته از نظر زبان فارسی) اگر نوشته خود گوئترگراس هم اینقدر اشکال دارد که دیگر به درد من نمی‌خورد و من اصلاً نمی‌توانم با نوشته ایشان (گوئترگراس) ارتباط برقرار کنم. در اینجا ما باید ببینیم که آن چیزی که ترجمه می‌شود تا چه حد می‌تواند این خلاقیت را انتقال بدهد و آن زیبایی و شیوایی باید در متن‌های ادبی موجود باشد تا برای رشد و شکوفایی زبان‌خوانان مثمر ثمر واقع شود. نه اینکه ما بگوییم این مفهوم کلی را به ما می‌رساند و می‌خواهیم ببینیم که فقط نویسنده چه گفته است. ولی در یکی دو مورد اصلاً بعضی از واژه‌ها اضافه است مثلاً «با تهدید به تنبیه توسط آوا و جمع زنان مشاور». کلمه «توسط» را که حتی آقای ابوالحسن نجفی گفته‌اند آوردنش در زبان فارسی و ترجمه غلط است می‌شود در این جمله حذف کرد بدون اینکه جمله تغییری نکند. و یا در جایی دیگر آمده «تمهید مقدمه» که تمهید یا مقدمه یکی است و تمهید همان مقدمه چینی است. به موارد دیگر کار ندارم ولی کلاً منظور من این است که دوستانی که ترجمه می‌کنند نباید به فروش کتاب توجه کنند، چون فکر می‌کنم اگر فروش هم بکند بخاطر اسم نویسنده است. اما اگر رمانی مثل کوری چهار ترجمه داشته باشد من خواننده درباره مترجم آن با حوصله فکر می‌کنم که کدام ترجمه کتاب را بخوانم و یا همین شازده کوچولو با ترجمه قاضی و شاملو و اخیراً با ترجمه ابوالحسن نجفی وارد بازار شده است. در این مواقع است که خواننده با توجه به متن و مترجم می‌تواند از کتاب لذت ببرد و در عین حال از آن استفاده کند.

□ نجفی: عرض شود یکی از مشکلاتی که در این باره با آن روبرو هستیم مقوله ویراستاری است و اینکه آیا ویراستاری وظیفه ناشر است یا مترجم؟ آیا زمانی که ناشر هزینه ویراستاری نمی‌پردازد، مترجم باید به رغم

حق‌الترجمه نازل خود، ویراستار سر خود باشد یا نه؟ با این حال پرسش دوم این است که مترجم تا چه حد موظف است ساختار زبان خارجی را حفظ بکند و تا چه حد باید به ساختار زبان فارسی وفادار باشد. آقای صدریه از این نظر دفاع کردند که ترجمه باید کاملاً مطابق با ساختار زبان مبدأ باشد و اعتقاد داشتند که در غیر این صورت متن، متن نویسنده نخواهد بود. اما به اعتقاد من جدا از اینکه باید پیچیدگی‌ها و سختی‌های زبان گراس نشان داده شود - چون خود خواننده آلمانی نیز با این پیچیدگی روبروست - درستی یا نادرستی ترجمه در زبان فارسی نیز می‌باید مد نظر قرار گیرد. به بهانه وفاداری به متن اصلی نباید دستور زبان فارسی و ساختار فارسی را نادیده گرفت. اگر برای نمونه و براساس ساختار زبان آلمانی جمله «Wir gehen auf der Strasse» را ترجمه کنیم: «ما روی خیابان می‌رویم» این دیگر وفاداری به زبان و ساختار متن اصلی نیست، بلکه لغزش و غلط‌نویسی در زبان فارسی است. ما به چنین ترجمه‌ای می‌گوییم ترجمه از آلمانی ولی نه ترجمه به فارسی! ترجمه آقای صدریه نیز گرچه از آلمانی است ولی به فارسی نیست. اما کاستی‌های ترجمه ایشان به همین مورد ختم نمی‌شود. من فقط بیست صفحه از ترجمه طبل حلبی ایشان را خواندم و در همین بیست صفحه آغازین کتاب لغزش‌هایی را یافتیم که بسیاری از آنها صرفاً به عدم ویراستاری اثر محدود نمی‌شود. این لغزش‌ها از این قرارند:

الف - ساختار غیرفارسی و ترجمه مکانیکی

ب - معادل‌های نارسا یا واژه‌های مهجور

پ - اشتباه در فهم متن

ت - حذف برخی موارد

ث - مشکلات ویرایش و دستوری

ج - عدم انتقال پیچیدگی‌ها و بازی‌های زبانی برخی نمونه‌هایی که برخوایم شمرد، شاید ناچیز به شمار آیند و تلقی بر بی‌انصافی بنده شود، اما نباید از یاد برد که من این نمونه‌ها را نه از سراسر متن هفتصد صفحه‌ای، بلکه تنها از همان بیست صفحه آغاز کتاب یافته‌ام و بی‌شک لغزش‌های فاحش‌تر در صفحات دیگر نیز موجودند.

از مورد الف (ساختار غیر فارسی) فقط دو نمونه از دو صفحه اول ترجمه کفچه ماهی نمونه می‌آورم و باقی موارد را از ترجمه طبل حلبی نقل می‌کنم.

- «ایلزه بیل متعاقباً نمک زد. اوایل اکتبر بود، بنابراین غذا، کتف گوسفند با لوبیا سبز و گلابی. قبل از

آنکه تولید مثل شود با دهانی پرگفت...»

- «گرچه ایلزه بیل با دهان هنوز پرگفت که چون همان‌سان که پزشکش توصیه کرده، قرص‌ها را در مستراح ریخته، ممکن است سنگینی‌اش کند یا نفخ

بیاورد، ولی با وجود این شنیدم که گفته شد: اول باید رختخواب به حشش برسد و بعد آشپز نخواست.»
و اکنون دو سه نمونه از مورد ب (معادل‌های نارسا و واژه‌های مهجور):

- هلو به جای سلام صفحه ۱۰

- ترجمه Heiden (قهرمانان) به شجاعان صفحه ۱۲ که با توجه به بافت متن که درباره قهرمانان رمان صحبت می‌شود، اصولاً معادل شجاعان نادرست است.
- «سه مرد رسید، گرچه متفاوت رشد یافته» صفحه ۱۶ به جای «سه مرد بالغی که گرچه به گونه‌ای متفاوت تربیت شده بودند»

- به کار بردن واژه‌های مهجوری مانند «حشفه» (صفحه ۲۰) و «بورت» (ص ۲۱)

همچنین در برخی موارد لغزش در فهم متن (مورد پ) وجود دارد، برای نمونه ایشان ترجمه کرده‌اند: «تا هولوگ پیش آمد... در هولوگ از نظر ناپدید شد» (ص ۱۶)

اما Holweg برخلاف فهم ایشان نام مکانی خاص نیست، بلکه معنای آن معبر و گذرگاه است. در ترجمه ایشان مواردی از حذف نیز دیده می‌شود که با توجه به اصرارشان در ترجمه واژه به واژه تعجب‌برانگیز است. برای نمونه در صفحه ۱۰ در جمله «... آدمک خطی رسم می‌کنند» واژه‌های Langgezogene و Unanständige به معنای مذموم و شرم‌آور که صفت‌های واژه Strichmännchen هستند، نیامده است. در صفحه ۲۱ آمده است: «هدف بیسائو نبود، بیشتر در سمت رامکاو» که مشخصاً جمله ناقص است حال آنکه در متن آلمانی می‌بینیم: «... Das lag» که این عبارت حذف شده و جمله را ناقص ساخته است. در همان صفحه عنوان بخش (Unterm Floss) حذف شده است.

مشکلات دستوری و ویرایش متن بیش از حد تصور است. در سراسر کتاب استفاده از فعل «می‌بایست» به جای فعل «باید»، استفاده از واژه «یک» برای نکره ساختن، به کار بردن ترکیبات طولانی و زائد مانند «مورد توجه قرار دادن» و... موارد مشابهی از این دست به وفور دیده می‌شود. شما فقط همین جمله را ببینید: «مشخص شد که آنان بلند و باریک و شغلشان به واسطه اونیفورمی که بر تن داشتند، ژاندارم است.» (ص ۱۸)

گمان می‌کنم حتی بدون مراجعه به متن اصلی و بدون آگاهی از زبان آلمانی هم می‌توان دست کم جمله را اینچنین اصلاح کرد: «به سبب اونیفورمی که آن دو مرد بلندقد و باریک اندام بر تن داشتند، معلوم شد که شغلشان باید ژاندارمی باشد.»

مشکل دیگر ترجمه طبل حلبی عدم انتقال پیچیدگی‌ها و بازی‌های زبانی گراس است. فقط دو

"er schaffte es bis zum Holweg, war kaum klein und breit im Holweg verschwunden/da Kletterte auch schon lang und dünn die Beiden andren/ die inzwischen die zieglei besucht haben mochten über den Horizont"

«تا رسیدن به گذرگاه از پس راه برآمد، هنوز مرد کوتاه قامت و پت و پهن در گذرگاه از نظر پنهان نشده بود که آن دو مرد دیگر که بلندقد و باریک اندام بودند و در این میان کارگاه آجرپزی را هم کاویده بودند، از خط افق نیز فراتر آمدند.»

□ عبداللهی: از گفته‌های استاد چنین برمی‌آید که ایشان قصد داشته‌اند سبک را رعایت کنند. شما گفتید که اگر این مشکلات نباشد، اگر همه چیز سراسر است باشد، دیگر ترجمه آلمانی نیست. این طور که نشان می‌دهد ایشان خواستند که سبک را نعل به نعل رعایت کنند ولی غافل از اینکه ما وقتی می‌گوییم که مثلاً «فلانی زیباست مثل ماه» در آلمانی نمی‌گوییم، چون ماه اصلاً جلوه‌ای ندارد "Mondgesicht" چهره احمقانه است نه زیبا. اینجا دیگر مسئله امانت فرق دارد. صحبت از انگاره‌ها و پسندها و ملاحظات فرهنگی - تاریخی ست. مثلاً شما می‌خواهید سبک را ارائه دهید. شما در مورد رعایت سبک می‌توانید دست‌کم معادل‌ها را سنجیده‌تر انتخاب کنید. در این اثر صفتها و برخی لغات سنجیده انتخاب نشده و نمی‌توان گفت به بهانه سبک چون بعضی جاها به فارسی نمی‌خورد و معادل فارسی ندارد باید حذف کنیم. چون الان بعضی جاها حذف شده و آن صفت و قید به فارسی نمی‌توانسته بیانگر حالت باشد و خود به خود حذف شده و این یک جور شگفتی در زبان است و همان معادل را می‌توانید سنجیده‌تر انتخاب کنید. دیگر اینکه آیا واقعاً هزار اشتباه در یک متن باز هم طبیعی است؟ من که بعید می‌دانم واقعاً استاد به این جمله اعتقاد داشته باشند.

□ امرایی: یکی دو مورد بود که به هر حال برای اینکه خودم متوجه بشوم سؤال می‌کنم، ایشان گفتند که «زن‌ها و مردها در حوضچه‌هایی که در آخرین باران بزرگ در آنها آب جمع شده و تبخیر می‌شود استحمام می‌کنند همه با لباس استحمام می‌کنند» پراگنده

ترجمه پیشنهادی من این است: «نفس نفس زدن، لرزیدن و دست بر زانو کوفتن را از یاد برد: محیط همچون روز ازل یا روز واپسین ساکت بود.»

توجه دارید که فعل vergass نه تنها به سرفه کردن بلکه به موارد دیگر نیز باز می‌گردد و شخصیت داستان نه تنها سرفه کردن، بلکه لرزیدن و دست به زانو کوفتن را از یاد برده بود که در ترجمه این نکته به گونه دیگری فهمیده شده است، همچنین مترجم ضمیر es را که به محیط برمی‌گردد از نظر انداخته و گمان کرده است که شخصیت داستان سکوت کرده است.

ایشان در صفحه ۱۵ ترجمه خود آورده‌اند: «بازگشتند، از نو خیز برداشتند، یکی از آنان به نظر رسید کوتاه و پهن باشد که دو نفر دیگر از روی او نیز چپیدند.» در متن اصلی چنین آمده است:

"einer kehrt, nahm neuen Anlauf, schein Kurz und breit zu sein/ kam auch drüber, über die Ziegelei"

ترجمه پیشنهادی: «یکی از آنان بازگشت، از نوخیز برداشت، به نظر می‌رسید کوتاه قد و پت و پهن باشد، آجرپزی را هم پشت سر گذاشت.»

هیچ نیازی نیست موارد نادرست را برشمارم و یا شما به متن آلمانی رجوع کنید، تصور اینکه «دو نفر دیگر از روی او نیز چپیدند» به اندازه کافی شگفت‌انگیز است.

از این پرسش‌ها باز هم در ترجمه وجود دارد در صفحه ۱۶ آمده است: «آن کوتاه و پهن هم در حال پرش از روی دودکش و آن طرف افق بود» با مراجعه به متن آلمانی و حتی بدون مراجعه می‌توان فهمید که آدم نمی‌تواند «از روی دودکش و آن طرف افق» پرش کند، بلکه قضیه به سادگی این است که شخصیت داستانی از سمت دودکش به سمت پایین خط افق پیش آمده بود. و برای پایان سخنانم بدون هیچ توضیح دیگری توجه شما را به ترجمه آقای صدریه، متن آلمانی و ترجمه پیشنهادی موردی دیگر جلب می‌کنم.

«تا هول‌وگ پیش آمد به محضی که کوتاه و پهن در هول‌وگ از نظر ناپدید شد آن دو نفر بلند و باریک ولی نه لاغر، روی گل‌ها چکمه زدند»

نمونه را ذکر می‌کنم. در صفحه ده Strichmännchen آدمک خطی ترجمه شده اما با توجه به اینکه در آلمانی Strichjunge و Strichmädchen به معنای جوان هرزه و دختر هرزه به کار می‌رود و با توجه به صفت‌های این واژه «مذموم» و «شرم‌آور» که البته آقای صدریه آن را نیاورده‌اند؛ این واژه دوپهلوست و می‌باید به صورت قبیحه و تصاویر مستهجن ترجمه می‌شد. یا در صفحات ده و یازده سخن از خرید «کاغذ پاک» است و اینکه دختر خانم فروشنده از شنیدن واژه «کاغذ پاک» به شدت سرخ می‌شود. در متن آلمانی برای صفت پاک Unschuldig آمده که نجیب و عقیف هم معنا می‌دهد که در واقع این معادل با توجه به متن مورد نظر بوده است. در پایان به عنوان نمونه‌هایی کلی، چند مورد را ذکر می‌کنم و به مثابه مشت نمونه خروار از اطناب کلام چشم می‌پوشم: «یکی از هول‌وگ بیرون پرید از بالا با بشمانی سیاه وحشیانه به اطراف نگرست [...] در له‌اش چشمانی داشت» (ص ۱۷) اصل آلمانی جمله چنین است:

"einer aus dem Holweg sprang, sich über Schwarzem Schnauz wild umsah [...] Augen im Kopf hatte...."

ترجمه پیشنهادی من این است: «یکی از گذرگاه بیرون پرید، با آن سبیل سیاهش وحشیانه به اطراف نگرست [...] سراپا مراقب بود.»

در این ترجمه جدا از اینکه واژه گذرگاه (Holweg) ترجمه نشده، سبیل به چشمان ترجمه شده و اصطلاح Augen im Kopf haben که به معنای سراپا مراقب بودن است به شکل خنده‌دار «در کلاهش چشمانی داشت» ترجمه شده است.

در صفحه ۱۷ ایشان ترجمه کرده‌اند: «سرفه کردنش تمام شد، می‌لرزید و دست روی زانو؛ چون روز نخست یا روز آخر ساکت بود.»

اصل آلمانی جمله چنین است:

"Vergass das Keuchen, Zittern und Hand aufs Knie: still war es wie am ersten Tag oder am letzten."



«بعد از نجات اسلامی اخلاق ویکتوریایی بر اینجا حاکم شده است» من اینجا هرچه فکر کردم که چه معنی می تواند داشته باشد عقلم به جایی نرسید و گفتم شاید خود استاد بتوانند توضیح دهند. مورد دیگر راجع به یک مقامی صحبت می کند و می گوید که «به ملاقات نخست وزیر سابق بنگال شرقی رفت پیرمردی در جامه سفید پنبه ای که در اثر جریان هوا تکان می خورد برابزش نشسته بود، نه او عضو حزب کمونیست مارکسیسم است و از پیروان مسکو نیست بدون ناراحتی شکست خود را عنوان می کند و اسکو مطلع می شود چگونه ناتورالیست ها تجزیه شدند... ناتورالیست ها چون توفیق نیافتند همه اخبار مربوط به سرزمینهای آزاد شده تبلیغات چینی ها بود. شروع کردند رفقای سابق خود حدود چهارصد مارکسیسم را بکشند. نه! مائوئیسم قابل اشاعه در هند نیست درواقع تفکر رادیکالیسم ناتورالیسم چیزی جز تظاهری از ناتوانی شهروندان نبود» یعنی واقعا این جمله را هرچه کردم نفهمیدم. اولاً مارکسیسم یک عقیده است و فرد نمی تواند باشد و عضو کمونیست مارکسیسم با توجه به اینکه مارکسیسم های طرفدار پکن خود را کمونیست مارکسیسم لنینیسم می دانستند تنها چیزی که شاید به نظر من ممکن است مفهومی در این متن بگنجد همین است. یا «بسیاری جوان روشنفکر»، درباره یک فرد صحبت می کند حتی اگر راجع به گروه باشد نمی توانیم بگوئیم «بسیاری جوان روشنفکر» باید بگوئیم بسیار جوان روشنفکر یا حداقل افرادی از آن گروه را بنامیم.

□ محمدخانی: جناب دکتر صدریه دوستان یک سری نکات را مطرح کردند اگر شما توضیحاتی دارید بفرمائید؟

■ دکتر صدریه: عرض کنم مطالبی که جنبه سلیقه ای داشت که باید بگوئیم سلیقه دیگران بهتر از من است کاری نمی شود کرد. ولی مطالبی که آقای گودزی فرمودند برای من خیلی اهمیت داشت. عرض کنم که ایشان چند نکته اساسی را گفتند که خیلی جالب است. اول اینکه به نظرشان رسید یا به این نتیجه رسیدند که مترجمین در این مملکت کار مهمی انجام نداده اند. در حالیکه من معتقدم که مترجمین از زمان قاجار تا به حال خدمات بزرگی به زبان فارسی کرده اند و آن را به زبان پویای زنده ای تبدیل کرده اند که امروز هر متنی را در هر زمینه می شود به این زبان ارائه داد، یعنی تمام رشته های علمی و ادبی را می توان به زبان فارسی

بیان کرد. و این کار را مترجمین کردند. مترجمین در این همه سال از قاجار تا به حال شاید هزاران هزار لغت ساخته اند، لغت جعل کرده اند و اصطلاحاتی را بوجود آورده اند که قبلاً وجود نداشته. بسیاری از این ها را جامعه ایرانی زبان نپذیرفته ولی تعداد بسیار زیادی از آن ها پذیرفته شده و امروز چنان جزء لایتجزای زبان فارسی شده که اصلاً نمی توانیم بفهمیم که این را روزی یک مترجم برای اولین بار به کار برده است. من درباره شخص خودم بگویم که زمانی مرحوم احمد شاملو مجله ای منتشر کرد به اسم خوشه و من در آن مجله مقالات اقتصادی می نوشتم و برای اولین بار لغت «داده» را مصرف کردم. شما امروز ببینید از این لغت چه ریشه هایی پیدا شده که کارهای بزرگی با آن انجام می شود و آدم بطور قطعی موقعی نیاز داشته و پیش بینی کرده است. همچنین در موارد دیگر در همین کتاب لغت کفچه ماهی را من جعل کردم اینچنین لغتی در زبان فارسی وجود ندارد. در اول کتاب هم نوشته ام که من بر این اساس این لغت را جعل کرده ام، تردیدی هم ندارم. بنابراین این نکته اصلی را استدعا می کنم بپذیریم که مترجمین از زمان قاجار تا حالا نسبت به زبان فارسی خیلی کمک کرده اند. اما این مترجمین از همان زمان به چند دسته مختلف تقسیم می شدند. دسته ای که معتقد بودند که بایستی کتابی را به خواننده ایرانی عرضه کرد که خواننده ایرانی دوست بدارد و بخواند و خوشش بیاید و آثاری را ترجمه یا بقل خودشان استنباط کردند و چیزهایی را به آن اضافه کردند که هنوز است به تعداد بسیار زیادی چاپ می شود و در اختیار مردم قرار می گیرد و هنوز که هنوز است خوانندگان در به در به دنبال عایشه بعد از یغمیر می گردند. من برای اینها خیلی ارزش قائلم. هر کدام که بودند. چون اینها بهتر از هر دسته دیگری از مترجمین توانستند در ایران خواننده به وجود بیاورند، در مملکتی که تعداد خواننده بسیار محدود است و تعدادش نسبت به جمعیت باسواد ایرانی یک نسبت اسفبار است. دسته دوم گروهی بودند که کار ترجمه را به عنوان یک کار خلاقه برای مدت خیلی خیلی طولانی دنبال کردند. من یاد می آید جناب دکتر مشعوف پیامبر خلیل جبران را در طول ده سال ترجمه کرد و بالاخره نشر آبی این کتاب را چاپ کرد و جزو آثار برجسته زبان فارسی است، با اینکه یک اثر پنجاه شصت صفحه ای است ولی ده سال دکتر مشعوف روی آن کار کرده است. از این کارها باز هم بوده نمایشنامه شکسپیر بوده که من خبر دارم مترجمش حدود پانزده

سال روی آن کار کرده است. گروهی دیگر از مترجمین بودند که زبان فارسی دوران مجله سخن را مبنای استاندارد قرار دادند و بر اساس آن ترجمه کردند، کارهای خیلی خیلی خوبی عرضه داشتند، شاید مرحوم قاضی از بهترینهای آنها بودند اینها هم کارهای خیلی بزرگی انجام دادند و خیلی هم مورد احترام همه ما هستند. اما اگر شما تمام کتابهای مرحوم قاضی را بخوانید همه انشای مرحوم قاضی است و ربطی به نویسنده ها ندارد. یک عده مترجم های کم بضاعتی بودند مثل من که تصمیم داشتند لغت، جمله، اصطلاح، متن، همه چیز را با هم به فارسی منتقل کنند. این ترجمه ها محبوب نیست و هیچ وقت هم محبوب نبوده، گاهی کتابهای من هشت بار چاپ شده ولی نه به خاطر محبوب بودن ترجمه ام، بلکه بخاطر محبوب بودن متن. پروسترویکا هفت بار چاپ شده یا از برتولد برشت، چهره های سیمون ماسار، هفت بار چاپ شده ولی اینها بخاطر محبوبیت ترجمه من نبوده بخاطر محبوبیت متن بوده و این متن را تغییر نداده، من اگر زنده بودم و باز هم اگر کتاب ترجمه کنم هم لغت را می آورم و هم جمله را و هم اصطلاح را به زبان فارسی بر نمی گردانم و به زبان خود متن می آورم و هم موضوع را می آورم و هم سبک را. و اگر سه کتاب مرا با هم بخوانید می بینید که سه چیز مختلف است و هیچ شباهتی با هم ندارند. این سلیقه را خیلی ها نمی پسندند ولی آنها صاحبان سلیقه دیگری هستند. ولی از اینکه بگذریم بضاعت من هم حد و اندازه ای دارد. بضاعت هر شخصی حد و اندازه ای طبیعی است که در عملکرد یک کتاب هفتصد صفحه ای اگر کسی بخواهد جمله به جمله بخواند هزاران جمله و لغت غلط پیدا می کند ولی این یک امر طبیعی است و با عرض معذرت خیلی زیاد از آقایانی که در امر ویراستاری هستند) عرض کنم که ویراستارها نمی توانند در این زمینه هیچ کمکی بکنند. چون آنها یک استاندارد در مغزشان است که من آن استاندارد را قبول ندارم. من آن چیزی را می خواهم که استانداردش برای خودم است. شما کتاب شازده احتجاب را بخوانید، بعد آینه های درد را بخوانید، من در مقاله ای نوشتم که آینه های درد را شبیه است به یک سینی قلمکار اصفهانی که هیچ نقشی در آن وجود ندارد ولی من این سینی را به دیوار اتاقم آویزان نمی کنم. این یک مسأله دیگری است و کاملاً متفاوت است. طبل حلبی و کفچه ماهی را آلمانی زبان ها نیز نمی فهمند. ۹۹ درصد از مردم آلمان هم نمی فهمند، آنها تیکه می خرنند و می خوانند فقط

می‌خرند و می‌خوانند برای اینکه الزام‌آور است که طبل حلبی و کفچه ماهی را خوانده باشند. یک تعداد محدودی از آدم‌ها می‌فهمند. من هم به اندازه خودم فهمیدم و به اندازه خودم هم ترجمه کردم و بقیه کارها هم همین‌طور است. آقای گورباچف در عرض دو ماه یک کتابی را دیکته می‌کند، نمی‌نویسد. آقای گورباچف رئیس یک حکومتی است و در یک موقعیت سیاسی جهانی قرار گرفته که اصلاً از این موقعیت حساس‌تر ممکن نیست. طبیعی است که در دیکته کردن این کتاب تمام نکات حساس تفکر سیاسی خود را رعایت می‌کند، طوری دیکته می‌کند که مبدا هیچ‌کس در دنیا پیدا شود و از کلمات این کتاب بهره‌برداری سیاسی نکنند. من هم این کتاب را دقیقاً دو ماه بعد از اینکه در دنیا چاپ شد در ایران چاپ کردم، یعنی مثلاً در لندن و برلین و پاریس و مسکو منتشر شده بود که دو ماه بعد من در ایران آنرا چاپ کردم. ترجمه آن طوری بود که صفحه به صفحه به حروفچینی می‌رفت و حروفچینی آن liner type بود. بعد این طبیعی است که جملاتی دارد که بسیار مشکل و نامفهوم است. اخیراً چاپ هفتم آن که درآمده دوباره

خواندم و اصلاحش کردم. شما گفتید که سالها قبل ترجمه شده و من نخواندم، طبل حلبی الآن چهار پنج سال است که حروفچینی شده است و من دیگر نخواندم ولی کفچه ماهی را قبل از اینکه به حروفچینی بدهم بار دیگر خواندم و خیلی هم در آن دست بردم، ولی خوب این کارها حد و حدودی دارد و من هم که دیگر ۲۵ یا ۲۶ کتاب چاپ کردم فرض کنید ۲، یا ۳ کتاب دیگر هم چاپ خواهم کرد. امیدوارم ترجمه دیگری که از طبل حلبی به زودی درمی‌آید، بهتر باشد. مگر از اسکارلت چهار ترجمه درنیامد یا از خانه اشباح دو ترجمه نشد. شاید آنها بهتر باشد ولی بهرحال این است. اگر یک جوان درصدد است که بفهمد در دنیا چگونه می‌نویسند خوب هیچ وقت نمی‌تواند گونترگراس را با هاینریش هاینر کنار هم بگذارد. نمی‌شود توماس مان را کنار ویکتور هوگو گذاشت. روزی پروفیسوری در تلویزیون می‌گفت که توماس مان کشیف‌ترین زبان آلمانی را نوشته برای اینکه من مطلبی را دیدم که سه صفحه در ۳۸ خط نوشته که یک نقطه دارد، ولی همان پروفیسور گفت ما چه کنیم که توماس مان یکی از بزرگترین نویسندگان ماست و من قویاً این را می‌گویم که اکنون سی سال است آرزو دارم که یوسف و برادرانش را ترجمه کنم هر وقت این کتاب را برداشتم دیدم که هرچه بنویسم هیچ فارسی‌زبانی نمی‌فهمد.

□ عبداللّهی: البته ترجمه‌ای از آن در حال چاپ است.
■ دکتر صدریه: خوب خدا را شکر. داستان این است. از همه آقایان معذرت می‌خواهم.

□ محمدخانی: البته من فکر می‌کنم که صحبت‌های آقای دکتر صدریه خیلی روشن و واضح بود و تمام نکات را بیان کردند و دقیقاً به مطلب اشاره کردند. ایشان در ترجمه این استنباط را دارند که برای مخاطب‌های خاص ترجمه نمی‌کنند و عامه را در نظر دارند و سلیقه خودشان را بیان کردند. اگر دوستان نکاتی دارند برای پایان بحث بفرمایند.

□ محمودری: آقای دکتر نظر من راجع به نقش مترجمین اصلاً این طور که شما استنباط کردید نبود. نقش مترجمان در ایران بسیار بالا بوده و هست. من منظورم ترجمه‌ای است که ترجمه را به فارسی سلیس و شیوا نمی‌نویسد.

□ امرایی: البته خوشبختانه آقای دکتر صدریه ضمن اینکه صحبت‌های خودشان را بیان کردند و از سبک خود دفاع کردند، برخلاف بعضی از دوستان که اشتباه می‌کنند و بر اشتباه خود مصرّ هستند، ایشان خیلی

صمیمانه گفتند «این کاری است که من کردم ممکن است کسانی باشند که کارشان از من بهتر باشد. این حد بضاعت من است»، من فکر می‌کنم که صرف بیان همین نکته بسیار بارز است. ما مترجم‌ها و من شخصاً خودم بدون اینکه بخواهم تعمیم بدهم باید از این سخن درس بگیرم.

□ نجفی: به رغم نکاتی که ما عرض کردیم باید اعتراف کنم که اگر قرار بود من دست به چنین کاری بزنم صد برابر انتقادات بیشتری متوجه بنده می‌شد، اما فقط یک سؤال دارم. شما فرمودید که طبل حلبی را در سه ماه ترجمه کردید، فکر نمی‌کنید این مدت برای ترجمه کتابی چنین سنگین کافی نبوده و اگر بیش از این زمان صرف می‌کردید، حاصل کار بهتر نمی‌شد؟

■ دکتر صدریه: دقیقاً یادم نیست که چقدر کار برده، اگر هم گفته‌ام سه ماه دقیق نبوده، صرفنظر از این که طبل حلبی را بعد از اینکه ترجمه کردم تا زمانی که برای حروفچینی فرستادم لااقل ده نفر آن را خواندند از جمله آقای دکتر مجابی.

طبل حلبی چیزی نبوده که من ترجمه کنم و زود به حروفچینی برود افراد مختلفی این کار را خوانده‌اند. چون همیشه من با ماشین کار می‌کنم ماشین شده‌اش را همه خواندند، ولی من بطور عادی و معمولی، سه تا چهار ساعت در روز کار می‌کنم یعنی حدوداً ۱۰ تا ۱۵ صفحه، حالا طبل حلبی چقدر وقت گرفته نمی‌دانم. بعد از اینکه کارم تمام شد یکبار خودم می‌خوانم اگر ادبی باشد به دیگران هم برای خواندن می‌دهم اگر هم غیرادبی باشد بعد از اینکه حروفچینی شد ویراستار ناشر آن را می‌خواند، البته فقط از لحاظ اینکه مبادا غلط املائی یا فعل نادرست داشته باشد نه اینکه به سبک من کار داشته باشد.

□ محمدخانی: از دکتر صدریه و دوستان که این بحث را انجام دادند تشکر می‌کنم. هدف از جلسات و بحث‌هایی که برگزار می‌شود این است که فضای سالمی برای بحث و گفتگو راجع به اثر پیش بیاید، تا مخاطب ما و جامعه فرهنگی ما قضاوت خودشان را درباره اثر ارائه دهند. در ایران بخصوص در بیست، سی سال اخیر ترجمه‌های ادبی بسیار رونق داشته و رو به گسترش است. از لحاظ زبان معیاری که اشاره کردید ترجمه‌هایی داریم در حوزه ادبیات و فلسفه که مترجمان درجه یک روی آثار برجسته آمریکای لاتین و اروپا کار می‌کنند و به نظرم کم‌کم به یک زبان معیار خوب نزدیک می‌شویم.



۱۳ آذرماه مصادف با اولین سالگرد درگذشت مرحوم دکتر مهین دخت صدیقیان است. دکتر صدیقیان عضو هیئت علمی و رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی بود.

از وی کتاب‌هایی چون فرهنگ واژه‌نمای حافظ، فرهنگ اساطیری - حماسی ایرانی بر اساس منابع اسلامی، فرهنگ چینی به فارسی و فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی به چاپ رسیده است. همچنین چهل مقاله دستوری و ده مقاله راجع به نقد از او به جامانده است.

به مناسبت انتشار جلد سوم فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی با دکتر ابوطالب میرعابدینی، همسر ایشان که همکار وی نیز بوده است گفتگویی انجام داده‌ایم که در پی می‌آید:

□ آقای دکتر میرعابدینی در ابتدا مختصری از تاریخچه فرهنگ بسامدی و واژه‌نامه‌نگاری و آغاز کار آن در ایران بفرمائید؟

■ واژه‌نامه‌نگاری نخست در انگلستان پا گرفت و

سپس در آمریکا به شکوفایی رسید. واژه‌نمای شکسپیر در سال ۱۸۹۴ به کوشش جان بارت چاپ شد. اما کار بر روی واژگان ادب کهن ایران را، ایران‌شناسان آلمانی آغاز کردند، کریستیان بارتولومه با فرهنگ ایرانی باستان که حاوی واژه‌نمای تمامی واژگان متون اوستایی و پارسی باستان است از آغازگران این کار در ایران بود. اما نخستین ایران‌شناسی که به بسامدنویسی آثار کلاسیک فارسی پرداخت فریتس ولف بود که فرهنگ بسامدی شاهنامه فردوسی را در دهه ۱۹۳۰ فراهم آورد. کار برجسته وی، تبیین واژه‌های چندمعنایی برحسب معنی مطروحه در متن شاهنامه است.

به طور کلی باید بگویم بسامدنویسی در ایران از دو دهه پیش آغاز شده است. و نخستین دستاوردهای آن به صورت بسامدهای سروده‌های شهید بلخی و مقدمه شاهنامه ابومنصوری انتشار یافت و تحول بعدی آن با واژه‌نمای مثنوی معنوی ادامه یافت.

واژه‌نمای دیوان حافظ نیز گامی دیگر در این جهت بود و جدا از قالب عروضی، وزن، قافیه و ساخت به پژوهشگر امکان می‌دهد که به مطالعه بر جنبه‌های سبکی، بینشی، نگرشی و زبانشناختی دیوان بپردازد.

□ روش کار مرحوم دکتر صدیقیان و شما که همکار ایشان بوده‌اید در تهیه فرهنگ واژه‌نمای سعدی به چه صورت بود؟

■ در این فرهنگ همه کلمات موجود در غزلیات

سعدی برحسب حروف الفبا فهرست شده است و کلمات اصلی عنوان قرار گرفته‌اند. در اسم و صفت، صورت مفرد کلمه عنوان قرار گرفته و صورت‌های دیگر مثل جمع و معنادار صفت تفضیلی و یا یکی از انواع (ی) بعد از صورت ساده کلمه آورده شده است. در برابر هر مدخل، مصراع‌هایی که کلمه موردنظر در آن به کار رفته به ترتیب شماره صفحه و غزل و بیت آمده است.

البته در کلمات پرسامد مثل حروف اضافه و ضمائر شاهد شعری آورده نشده و تنها به ذکر بسامد آن اکتفا شده است.

صیغه‌های هر فعل، زیر عنوان مصدر آمده، ابتدا صیغه‌هایی که با ریشه ماضی بوده و سپس صیغه‌هایی با ریشه مضارع. صفت مفعولی هم اگر در معنی وصفی در شعر به کار رفته باشد زیر مصدر با عنوان فرعی آمده است.

قاعده بر این گذاشته شده است که شاهد مثال یک مصراع از یک بیت باشد. اگر گاه به جای یک مصراع یک بیت آمده مقصود آن بوده تا معنی کلمه موردنظر که در یک مصراع روشن نیست، روشن شود. مثلاً اگر جزئی از فعل مرکب در مصراع اول و جزء دیگر در مصراع دوم آمده باشد برای پابندی به قوانین، همه کلماتی که میانشان کسره اضافه بوده است، هرچند مفهومی ترکیبی داشته‌اند جدا ضبط شده است. مثل ید بیضا.

کلمات عربی بجز حرف‌ها و ضمیرها از هم جدا شده و هر یک دارای مدخلی شده‌اند. مسئله دیگر که در

فاطمه و کیلی

گفت و گو با ابوطالب میرعابدینی

اهمیت فرهنگ‌های بسامدی

این واژه‌ها و هم در چاپ دوم واژه‌نمای حافظ، انجام شده، جدا کردن معنی کلمات یک شکل است. کاری بی‌نهایت دشوار و خواهان دقتی زیاد. برای یافتن تفاوت‌های معنایی به تمام فرهنگ‌های موجود در زبان فارسی مراجعه شده و اگر در آن فرهنگ‌ها مفهوم آن کلمه مخصوص یافت نشده با توجه به قرائن موجود در شعرهای مختلف، معنی شده است.

از نتایج بسیار عمده که در تفکیک معانی یک کلمه مثلاً «آوردن» به دست آمده، یکی محدود شدن فعلهای مرکب است.

□ آقای دکتر فرهنگ‌های بسامدی و واژه‌ها چه کاربردی دارند؟

■ بدون اطلاعات داده شده در فرهنگ‌های بسامدی، هرگونه تحقیق، حتی در جزئیات کاستی خواهد داشت و قابل اطمینان نیست، چه رسد به تحقیقاتی نظیر سبک‌شناسی یک دوره یا بررسی تاریخ زبان و یا نوشتن تاریخ ادبیاتی مستند و درست. اگر بخواهیم ادبیات درخشان گذشته ما به صورت درسی علمی درآید و شعبات آن را علوم ادبی بنامیم و نه مباحثی برخاسته از روی سلیقه‌های شخصی و ذوقی، باید به درستی بدانیم هر واژه‌ای کی به وجود آمده و در هر دوره چه معنایی داشته و بسامد آن در هر اثری چه اندازه بوده است و در چه مقطع زمانی دچار تغییرات شده و معنای دگرگونه‌ای یافته، معنی اولی آن از میان رفته و واژه دیگری حامل آن معنی شده است.

اگر بر متن‌های معتبر هر دوره، فرهنگ‌های بسامدی فراهم آید، امکان تألیف فرهنگ‌هایی برای هر دوره فراهم می‌شود. و تأثیرپذیری هر شاعر و نویسنده را از شاعران و نویسندگان پیشین با استناد به جزئیات معین می‌کند و امکان گشودن پرونده ادبیات تطبیقی فراهم می‌شود و در آن صورت رسم منحنی‌های علمی در حوزه زبان و ادبیات امکان می‌یابد.

از طرفی ما فرصت پیدا نکرده‌ایم که یک نقد ادبی علمی داشته باشیم و کار ما مستند نیست و خیلی از کتابهایمان را نمی‌شناسیم. با این فرهنگ می‌توان مستقیماً به هویت فرهنگی کمک کرد. اما بیش از همه، کار فرهنگی واژه‌ها این است که به محقق کمک می‌کند تا بتواند دیدگاه‌های تازه به دست آورد.

□ برای این کار تحقیقی از چه منابع و نسخه‌هایی استفاده شده است؟

■ نسخه اصلی، نسخه یتیمی است و اشکالات نسخه در مقدمه کتاب توضیح داده شده است و برای اینکه خواننده دچار مشکل نشود به نمونه دیوان‌های غزلیات سعدی به سه نمونه تصحیح یتیمی، فروغی و صارمی اشاره کرده‌ایم.

□ از دیگر کارهایی که ایشان انجام داده‌اند و ناتمام مانده، بفرمایید و اینکه در حال حاضر این کارها در حال تکمیل شدن است یا نه و چه کسی یا گروهی این کار را برعهده گرفته است؟

■ در پژوهشگاه علوم انسانی، اسرار التوحید در حال تکمیل شدن است. مدخل‌یابی کامپیوتری آن انجام شده و همه واژه‌ها بر اساس تکرارشان در متن و شواهد مثالشان داده شده و بعد باید توسط پژوهشگر بر اساس معنا تفکیک شود.

کار دیگری که ایشان طرحش را دادند، بسامد غزلیات شمس است و از شاهکارهای کار ایشان می‌تواند باشد که در حال حاضر خانم مینو فطوره‌چی بر روی آن کار می‌کنند. و البته کارها کامپیوتری شده و به نسبت واژه‌نمای حافظ که تمام کارها با فیش‌نویسی دستی انجام می‌شد، سرعت بیشتری پیدا کرده است.

حدود هشت مقاله تحقیقی از فیش‌هایی که ایشان از کار سعدی تهیه کرده‌اند، نوشته‌ام مثلاً راجع به سرو، حروف اضافه در اشعار سعدی و ترکیبات در شعر سعدی و... که آماده چاپ است. جلد دوم فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام (جلد دوم: کیانیان) که جلد اول آن در پاییز ۷۵ منتشر شده بود اکنون آخرین مراحل خود را می‌گذراند.

کتاب تصحیح دیوان زب‌النساء (مخفی)، شاعر پارسی‌گوی هندی در انتشارات امیرکبیر زیر چاپ است. فرهنگ واژه‌نمای حافظ هم در حال حاضر با تجدیدنظر و افزودن مترادفات هر کلمه به چاپ دوم سپرده شده است. همچنین در نظر دارم برخی از نوشته‌ها و یادداشت‌های نثر ایشان را با نام دلانه آماده چاپ کنم.

گرداندن □ ۹۱۳

گناه تو است که رخسار دلستان داری (۲)	۵ / ۷۸.۷۳	دست‌های غم‌ناک تاراج عشق کردی (۱)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۲ / ۱۳۲.۳۹۹		دروغ به دوزخ برم از کوی خرابات (۱)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
گر به رخسار چو ماهت صفا می‌نگرم (۱)	۷ / ۱۲۱.۱۰۶	دیده‌های رخت بود یا مجال دوست (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۱ / ۲۵۴.۳۷۲		عشق به تاراج داد رخت صبوری دل (۱)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
من بر گلی شقایق رخسار می‌کنم (۲)	۳ / ۱۶۵.۳۲۰	دست‌های غم‌ناک به پنهان‌کون شود (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۲ / ۲۰.۱۱۹		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست (۱)	۵ / ۲۰۲.۴۴۴	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۹ / ۵۰.۱۶۰		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
رخسار (ت‌ضمیر اضافه)	۸ / ۲۵۲.۳۷۲	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
اگر مانند رخسار گلی در بوستانستی (۱)	۸ / ۳.۱۰۷	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۱ / ۳۲.۳۳۲		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
که دید برگ بهاری به رنگ رخسار (۱)	۸ / ۲۲.۱۲۱	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۹ / ۱۲۳.۳۹۳		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
رخسار (ش‌ضمیر اضافه)	۸ / ۳۶.۱۳۱	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
ز شرم رنگ رخسار چو نیلوفر در آبتی (۲)	۱ / ۲۲۰.۳۵۲	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۲ / ۳۲.۳۳۲		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
نیز نک. رخساره، ماهر رخسار	۶ / ۲۲۰.۴۵۴	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
رخساره (۶ بار)		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
ماه رخساره نبوشی تو بت پنهانی (۱)	۴ / ۱۳۰.۳۹۸	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۹ / ۱۱۹.۱۰۵		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
رنگ رخساره خیر می‌دهد از سر نهانم (۲)		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۱ / ۶۵.۳۵۴		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
آب از گل رخساره او عکس پذیرفت (۱)		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۳ / ۱۹۱.۳۲۷		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
رخساره زمین چو تو خالی نیافت (۲)	۷ / ۳۰۴.۵۰۸	دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸
۱ / ۲۳۷.۳۶۲		دست‌های غم‌ناک و رخت ما پنهانی تو (۲)	۱۲ / ۲۹۱.۵۱۸



چهارمین یادروز حافظ

اندیشه‌های حافظ و اشعارش پرداخت و با تأکید بر عدالت‌پیشگی و مهرورزی حافظ وی را شاعری دانست که به ارادت شناخته می‌شود. وی در ادامه افزود: حافظ شیفته عدالت است، رنج آدمیان را تحمل نمی‌کند و چاره را در حفظ حرمت انسان می‌بیند. حافظ ذوالفقار زبان را جز در هشدار صاحبان مکتب و زهد ریایی نمی‌گرداند.

در ادامه برنامه، استاد حسن صفری با تک‌نوازی به اجرای برنامه «حافظ و گوته» پرداخت. سپس توسط ذاکری عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، صحراییان استاندار فارس و سازگارتزاد نماینده مردم شیراز در مجلس، به پاسداشت خدمات ارزنده دکتر سلیم نیساری در طول سالیان دراز، لوح تقدیری از طرف مرکز حافظ‌شناسی به وی اهدا شد. هم‌چنین برای تجلیل از مقام علمی و ادبی استاد بهاءالدین خرمشاهی برای اولین بار نشان شهروند افتخاری از طرف رجبی، شهردار شیراز به وی اهدا گردید. پایان‌بخش مراسم این شب، اجرای کنسرت موسیقی توسط گروه سیمبرغ بود.

در روز چهارشنبه بیستم مهرماه در ساعت ۸/۳۰ صبح در تالار حافظ نشست‌های علمی این یادروز آغاز گردید. در این روز سه نشست علمی با حضور صدها علاقه‌مند و پژوهشگر برگزار شد که طی آن ۱۲ محقق و حافظ‌پژوه از سراسر کشور جنبه‌های مختلف زندگی و اندیشه حافظ شیرازی را مورد بحث و بررسی قرار دادند. دکتر منصور رستگار فسایی، استاد ادبیات دانشگاه شیراز در سخنانی با عنوان «گونه‌های شعر حافظ» به درون‌مایه‌های شعر حافظ پرداخت. وی افزود: درون‌مایه‌های شعر حافظ باید نسبت به فرهنگ و تفکر خاص وی شناخته شود و مورد بررسی قرار گیرد. محمود درگاهی استاد دانشگاه، در سخنانی با عنوان «حافظ منتقد و مصلح یا مدیحه‌گو؟» ابراز داشت: زندگی و اندیشه حافظ نمی‌تواند مطابق با زندگی و اندیشه یک مصلح باشد و او هیچ‌گاه خود را یک مصلح اجتماعی نخواند. حافظ را مصلح اجتماعی خواندن هم تحریف اندیشه و شعر اوست و هم تحریف اندیشه‌های مصلحانه و وی در شعر خود چیزی کم ندارد که بخواهیم جنبه‌های دیگری به آن بیافزاییم.

دکتر اسحاق طغیانی از دانشگاه اصفهان با عنوان «شمس‌الدین حافظ شیرازی و امین‌الدین محمد بلینی» به تأثیر امین‌الدین بلینی بر حافظ اشاره کرد. دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در سخنانی با

جهت تعلقش به دنیای علم و فرهنگ، مرز شرق و غرب را نمی‌شناسد و با اعجاز مسیحایی خویش زمان را درنور دیده و در دل و جان همگان منزل نموده است. بسیاری از بزرگان ادب و اندیشه جهان همدلانه با اشعار حافظ انس یافته و او را ستایش کرده‌اند و بدین‌سان حافظ شاعر همه عصرها و زمان‌ها شده است.

به راستی سز این ماندگاری در چیست؟ شاید دلیل اصلی ماندگاری حافظ در فرهنگ ایرانی-اسلامی، هنری است که حافظ در آمیزش دو فرهنگ پرمایه به خرج داده است. نکتهٔ بدیهی که درخور تأمل است آن است که تفکر ایرانی، اندیشه ایرانی و احساس ایرانی، علی (ع) را خالصانه می‌ستاید و حافظ را نیز به جان و دل دوست می‌دارد. در پایان نیز ابراز امیدواری کرد که در سال آینده که سال گفت و گوی تمدن‌هاست، علاوه بر تندیس حافظ در مکانی بایسته، تندیس مشترک گوته و حافظ نیز در حافظیه نصب گردد.

در ادامه، دکتر کاووس حسن‌لی شعری در منقبت مولای متقیان، امیرالمؤمنین علی (ع) قرائت نمود. پس از آن جلیل سازگارتزاد، مدیر مرکز حافظ‌شناسی ضمن تبریک تقارن میلاد حضرت علی (ع) و بیستم مهرماه، یادروز حافظ، به بررسی

سه‌شنبه شب، ۱۹ مهرماه، همزمان با فرا رسیدن ولادت باسعادت حضرت علی (ع) از سوی مرکز حافظ‌شناسی و با همکاری نهادهای استان فارس مراسم یادروز شاعر پرآوازه، شیخ شیراز حافظ شیرازی با حضور حافظ‌پژوهان و حافظ‌دوستان و نیز جمعی از نمایندگان مجلس و مدیران استان و علاقه‌مندان به شعر پارسی، در جوار آرامگاه همیشگی‌اش، حافظیه شیراز باشکوه و جلال فراوان برگزار گردید.

در این مراسم پس از تلاوت قرآن کریم و خیرمقدم به میهمانان، صحراییان استاندار فارس با اشاره به تقارن میلاد مولای عاشقان جهان و یادروز حافظ طی سخنانی گفت: تمامی آنانی که در دل و جان خویش سودای عشق پرورده‌اند، حافظ را به عنوان شاعر ملی ایرانیان به خوبی می‌شناسند، شاعر بلندآوازه‌ای که به



رمان برگزیده پکا

آمده است: توجه هستی‌شناسانه داستان به فرهنگ جامعه ایران در وضعیت موجود، انسجام و استحکام ساختار روایی داستان و توفیق آن در بهم پیوستن اجزای سازنده متن بدون حضور محسوس نویسنده و دخالت مستقیم او، تأکید بر فردیت ممتاز شخصیت‌ها و عرصه رنده داستان و گزینش مضمونی شکل گرفته از سبایل مبتلا به در جامعه و آرایه داستانی به گونه‌ای که رشد و تحول شخصیت‌های داستان را بر اساس تقابل شخصیت‌ها با یکدیگر و با موقعیت تاریخی آنان به روشنی باز نماید.

علیرضا زرگر، مدیرعامل پکا نیز گزارشی از روند شکل‌گیری این جایزه، اهداف آن و برنامه‌های آن برای سال‌های آینده ارائه کرد و افزود: این کار جزو برنامه‌های اولیه پکا بود که به دلیل نبود توان مالی، متوقف ماند و سرانجام با حرکت فرهنگی یک بانوی خیر و اختصاص مبلغ یک میلیون تومان برای این جایزه، این برنامه شکل گرفت.

آنگاه، دکتر حق‌شناس، عضو هیئت‌داوران، درباره نیاز انسان مدرن به رمان سخن گفت و افزود: جهان جدید به مقتضای سرشت انسان مدار و بی‌فردطلبش چشم به راه زایش نسل نوینی است که بیش از همه قائم به ذات باشد و متکی به خرد خام خود، و خطرپذیر و حاضر به گسستن از گذشته باشد. چنین نسل نوینی از انسان، انسان نامتناهی، البته نمی‌تواند در قالب‌های کهن صورت‌بند و بیابد و به بار بنشیند.

حق‌شناس رمان و داستان نورا به صرف فارغ بودن از سنت‌های دیرین قالبی دانست که فرد آدمی در آن فرصت می‌یابد آزادانه از الگوهای خود ساخته با مسئولیت خود پیروی کند.

کامران فانی، عضو دیگر هیئت‌داوران، نیز در سخنان خود به تاریخچه جایزه‌های ادبی جهان و مشکلات داوری آن و سپس وضعیت جوایز ادبی در ایران پرداخت و گفت: جوایز ادبی هیچ‌گاه وضع به سامانی در ایران نداشته است. مسئله اصلی در جوایز ادبی، داوران هستند. جایزه ادبی باید با نقد ادبی همراه باشد و مبنای درست جوایز ادبی، نقد ادبی است.

فانی همچنین با نگاهی به رچونگی و جایگاه جوایزی چون نوبل، کنگورد، پولیتزر و بوکر افزود: البته نوع دیگر جایزه هم جایزه مردم است که با خرید و استقبال خود از یک کتاب، به آن می‌دهند.

وی در پایان راجع به تأثیر جایزه ادبی در شکوفایی ادبیات، به خصوص ادبیات داستانی سخن گفت.

اولین دوره مراسم اهدای جایزه بهترین رمان سال، مهرگان، در مؤسسه پکا و با حضور دکتر عطاءالله مهاجرانی، احمد مسجدجامعی و تنی چند از مسئولان این وزارتخانه و با حضور گسترده نویسندگان و علاقه‌مندان عرصه ادبیات، روز چهارشنبه ۲۷ مهرماه برگزار شد.

دکتر مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در رابطه با اهمیت جوایز ادبی گفت: جوایز ادبی باعث رشد و شکوفایی در این حوزه خواهند شد. البته جوایز نباید فقط در حوزه زمان محدود بماند. باید در عرصه‌های دیگر ادبی نیز جوایزی همچون مهرگان ترتیب داده شود.

وی افزود: وزارتخانه‌ها در ایجاد ارتباط نزدیک با اهالی فرهنگ محدودیت‌های زیادی دارند، اما نهادهای غیردولتی این مشکلات را ندارند. دکتر مهاجرانی تأکید کرد: در عرصه فرهنگ نباید فقط منتظر بود و به جوایز دولتی اکتفا کرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: دولت باید همیشه در حاشیه اراده ملی قرار بگیرد و به نخبگان که برگزیدگان ملت هستند و به ویژه کسانی که به کار خلاقه می‌پردازند بهایی خاص بدهد.

مهاجرانی درباره ظرفیت فرهنگی کشور تصریح کرد: ایران کشوری تمدن‌ساز بوده است. در پشت سر ما خیام، فردوسی، سعدی، ابوالحسن سینا و... قرار دارند. این سابقه نشان می‌دهد که کشور ما ظرفیت زیادی برای بروز استعدادها دارد، اما از این ظرفیت‌ها استفاده نمی‌شود. در صورتی که سایر ملل که از پیشینه‌ای درخشان هم برخوردار نیستند از تمام ظرفیت‌های خود استفاده می‌کنند.

در این مراسم، هیئت‌داوران ضمن تقدیر از اثر داستانی تعلیق، نیمه غایب نوشته حسین سنایور را برنده لوح تقدیر بهترین رمان سال ۱۳۷۸ اعلام کرد.

این جایزه توسط احمد محمود به وی اهدا شد.

در بیانیه هیئت‌داوران که توسط کریم امامی، دبیر هیئت‌داوران قرائت شد ضمن جمع‌بندی نظرات داوران متشکل از کریم امامی، ثریا قزل‌ایاغ، حسن میرعابدینی، دکتر علی محمد حق‌شناس، عنایت سمیعی، کامران فانی و قرخ امیر فریار درباره دلایل شایستگی نیمه غایب برای دریافت جایزه مهرگان،

عنوان «آیا حافظ یک معماست؟» گفت: خود حافظ گفته است که وجود ما معمایی است حافظ. ما اجرای پایان‌ناپذیر حافظ، ما اجرای زندگی است، نه فقط یک زندگی در یک دوره کوتاه بلکه زندگی بشریت. این معما، معمای ملت ایران و تاریخ است و حافظ سخنگوی قوم ایرانی و وجدان ناآگاه وی است.

دکتر محمد فشارکی طی سخنانی با عنوان «سعدی و حافظ» گفت: حافظ چون فکر می‌کرد که در زمینه غزل نمی‌تواند با سعدی برابری کند مسایل و موضوع‌های مختلف را در آن وارد کرده و با توجه به کلمات و صور خیال و استعاره کلمات، طرحی نو در انداخته است.

نصرالله امامی، اصغر دادبه و سلیم نیساری در سخنان خود با عنوان «شناخت مفاهیم و حل مشکلات غزل‌های حافظ»، «بلبل صبا یا بلبل سحر» و «دفتر دیگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ» به بررسی غزل‌های حافظ از جنبه‌های مختلف پرداختند.

بهرروز ثروتیان، صالح حسینی و عبدالرسول خیراندیش سخنرانان دیگری بودند که طی سخنانی با عنوان «تاریخ در آینه غزل حافظ»، «تفسیر بیتی از حافظ بر اساس قرائت جدید» و «ترک شیرازی گذری و نظری در وضع ترکان در عصر حافظ» ابعاد دیگری از اشعار حافظ را مورد بررسی قرار دادند.

در ادامه میزگردی با عنوان داشته‌ها و بایسته‌های حافظ‌شناسی، با حضور دکتر سلیم نیساری، دکتر اصغر دادبه، علی‌اصغر محمدخانی و کورش کمالی برگزار گردید که طی آن کارنامه حافظ‌پژوهی در سال ۱۳۷۸ مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بر توجه به پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در مورد حافظ در بیست سال گذشته تأکید شد. هم‌چنین ضرورت توجه کیفی به آثار منتشر شده در مورد حافظ مورد تأکید قرار گرفت.

در پایان این مراسم، در آرامگاه حافظ، مراسم شب شعر و موسیقی برگزار گردید که طی آن، صدرا ذوالریاستین، نصرالله مردانی، قاسمیان و زبردست اشعاری در مدح و منقبت مولای متقیان و نیز حافظ قرائت کردند و گروه موسیقی سیمرخ نیز برنامه موسیقی عرفانی خویش را اجرا نمود.

لازم به ذکر است که ۳۰۰ تن از هنرمندان جوان شیراز، در روز حافظ «نقشی از حافظ» را در فضای حافظیه بر بوم‌های خود رقم زدند و ضمن بازدید رایگان دوستداران حافظ از حافظیه به کسانی که غزلی از حافظ را از حفظ خواندند، هدایایی اهدا شد.

همایش باباطاهر همدانی

خوشحال، «باباطاهر عرفانی‌کننده دوبیتی‌های عاشقانه محلی» منوچهر دانش‌پژوه، «تأیید باباطاهر بر سبک عراقی» عبدالرضا مدرس‌زاده، «وزن فهلویات کمی است» تقی وحیدیان کامیار، «تصویرپردازی در دوبیتی‌های باباطاهر» سیدعلی رضوانی، «سلاجقه و صوفیان» عزت‌الله نوذری، «خدا، انسان، طبیعت در دوبیتی‌های باباطاهر» غلامرضا رحمدل، «وصف در شعر باباطاهر» مرادعلی واعظی، «تأثیر قرآن و حدیث در دوبیتی‌های باباطاهر» سید ابوالقاسمی، «زبان دوبیتی‌های باباطاهر» حسینعلی یوسفی و «نافه سخن در دست نسیم نماد» نسیم علی‌اکبری.

همچنین همزمان با برپایی این همایش شب شعری با حضور میهمانان همایش و مردم فرهنگ‌دوست شهر همدان در محل آرامگاه باباطاهر در روز اول همایش برگزار گردید. در این مراسم ضمن عرض خیرمقدم توسط مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی، شاعران استان همچون سیدابوالحسن روح‌القدس، مجرد همدانی و احمد خوانساری به قرائت اشعار خود در وصف باباطاهر و یا تضمین دوبیتی‌های او پرداختند. در خاتمه برنامه موسیقی سنتی حاوی اشعار باباطاهر به اجرا درآمد.

در روز دوم این همایش مقالات «باباطاهر عریان از قطب فرقه قلندریه» شیرین بیانی، «زیباشناسی در شعر باباطاهر» قهرمان شیر، «باباطاهر کوه‌آشفشان عشق الهی» رحیم نژادسلیم، «اشعار پورفریدون در نسخه‌های چاپی اشعار باباطاهر» جمشید صداقت‌کیش، «باباطاهر همدانی عارف و شاعر ترانه‌پرداز» حسن دانشفر، «باباطاهر و خاورشناسان» ابوالقاسم رادفر، «وزن ترانه کهن‌ترین محل احساس ایرانی» علی‌اکبر سامخانیانی، «سوته دلی از تبار قلندران عاشق» فاطمه مدرسی، «جلوه‌های قرآن و حدیث در دوبیتی‌های باباطاهر» علی‌اصغر باباصفری، «باباطاهر ملیس به حریر وحدت وجودی» حسین نوین رنگرز، «فهلویات و دوبیتی‌های باباطاهر» محمود جعفری و «گلپانگ پهلوی باباطاهر همدانی و فایز دشتستانی» سیداحمد حسینی کازرونی قرائت گردید. در خاتمه مراسم فصلنامه همایش قرائت شد و مقرر گردید که هرساله برنامه بزرگداشت باباطاهر در همدان برگزار گردد و یک روز در سال با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به نام باباطاهر انتخاب گردد.

در جهت معرفی ابعاد شخصیت باباطاهر بتواند در جلب توجه مسئولان برای کوشش در راه ارتقای فرهنگی و علمی استان نیز مؤثر باشد. وی با اشاره به تهاجم فرهنگی دشمنان افزود: در این رابطه ادبا، شعرا و اندیشمندان عرصه ادب کشور وظیفه سنگینی برعهده دارند و لازم است که با ثروت ارزشمند شعر و آمیختگی آن با هنرهای دیگر و ارائه آن به نسل جوان به مقابله با تهاجم فرهنگی بپردازند.

در ادامه برنامه دکتر هادی خانیکی مشاور رئیس‌جمهور و معاون فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری با تأکید بر لزوم پاسداشت قله‌های عشق و عقل خاطرنشان کرد: یکی از اهداف طرح گفتگوی تمدن‌ها برقراری ارتباط نسل‌ها با یکدیگر و شناخت نسل جوان از بزرگان و مفاخر گذشته است. وی یادآور شد: نگاه ما به باباطاهر تاریخی نیست بلکه زنده و پویاست و نسل جوان و دانشجو با آن گفتگو دارد. در ادامه مراسم مقالات برگزیده توسط صاحبان مقاله ارائه شد.

در روز اول این همایش مقالات زیر به ترتیب قرائت شد: «باباطاهر و سبک خاصی که در شعر فارسی گشود» محمدعلی اسلامی ندوشن، «هماندی‌های فکری باباطاهر و عین‌القضات همدانی» طاهره

همایش بزرگداشت باباطاهر به منظور بررسی ابعاد شخصیت این عارف و شاعر دوبیتی‌سرای ایران در روزهای ۱۶ و ۱۷ شهریور ماه سال جاری توسط دانشگاه بوعلی‌سینا و همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان در سالن اجتماعات دانشگاه بوعلی‌سینا با حضور اساتید و صاحب‌نظران ادبیات کشور برگزار گردید.

مراسم افتتاحیه این همایش با پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، توسط مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان آغاز شد. در این پیام با اشاره به شعر گرانقدر فارسی‌او که سرشار از درون‌مایه معنوی است و توانسته اذهان مفتکران بزرگ تاریخ را به خود مشغول سازد آمده است: باباطاهر در زمره عرفایی است که اشعارش هم جنبه تعلیمی و آموزشی دارد و هم احساسات ناب و عواطف خالص و شورانگیز او عرفان را در قالب دوبیتی بیان می‌کند. همچنین خلوص و صمیمیتی که در اشعار باباطاهر مشاهده می‌گردد و تنوع مضامینی که دربرگیرنده تمام دغدغه‌های عارفانه است، از وی شاعری مردمی و همه‌پسند ساخته است. در ادامه دکتر شفق دبیر علمی همایش ضمن ارائه گزارشی از چگونگی برگزاری این همایش گفت: پس از اعلام فراخوان در بهمن ماه سال گذشته تعداد ۱۳۹ مقاله و خلاصه مقاله به دبیرخانه همایش رسید که در نهایت ۲۶ مقاله جهت ارائه در همایش به صورت سخنرانی و تعدادی نیز جهت چاپ انتخاب شد. سپس دکتر غلامی رئیس دانشگاه بوعلی‌سینا ضمن تجلیل از مقام بزرگان ادب و مفاخر علمی و فرهنگی آن را از وظایف دانشگاه برشمرد و افزود: باباطاهر از مفاخر بزرگ ادبی و مذهبی ماست که به «بابای عارفان» معروف است و امیدواریم که این همایش بتواند منابع غنی و مهم از آثار دالالت‌کننده بر شناخت بیشتر وی را به ما معرفی کند.

آن‌گاه دکتر جابریان استاندار همدان جایگاه رفیع باباطاهر را در ادب و عرفان ایران شایسته توجه بیشتر دانست و گفت: امید است این همایش علاوه بر تلاش



● اخبار اهل قلم

از جنبه‌های مختلف ساختاری و محتوایی و مقایسه آن با آثار قبلی نویسنده همچون سرود ارون‌درو، پرداخت.

اصلان‌پور، تعداد حوادث و سرعت ماجراها، اغتشاش طرح، حضور مستقیم نویسنده، فراوانی شخصیت‌ها و خاص بودن گفتگوها را از جمله ویژگی‌های این داستان برشمرد.

محسن مؤمنی نیز هدف داستان را، نمایش چگونگی تباه‌شدن یک زن دانست که در بستر حوادث اجتماعی اتفاق می‌افتد.

محمدعلی گودینی، شخصیت‌پردازی این کتاب را

حسین سنایور آن را گردآوری کرده است، از دیگر کتاب‌های زیر چاپ است. در این کتاب مجموعه‌ای از قصه‌ها و کارهای گلشیری آمده است، همچون قصه چاپ نشده آتش زرتشت. گفتنی است این کار در زمان حیات گلشیری آغاز شده و قرار بود مجموعه‌ای در مورد نویسندگان باشد که با فوت گلشیری این کار نیمه تمام ماند.

● جشنواره داستان کوتاه در کردستان

دومین جشنواره داستان کوتاه به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بانه از ۲۲ تا ۲۴ شهریور در تالار مجتمع فرهنگی و هنری ارشاد برگزار شد.

در این همایش که محمدجواد نجفی، مدیرکل ارشاد سنندج و گروهی از نویسندگان و مترجمان کردزبان در آن حضور داشتند، محمدجواد جزینی، سرپرست هنرستان ادبیات داستانی، درباره ماهیت داستان کوتاه سخن گفت.

وی ضمن اشاره به ویژگی‌های داستان نو به بیان وجوه افتراق این داستان با قصه سنتی پرداخت و گفت: جهان داستان کوتاه، امروز آپستن شکل‌های تازه‌ای است که ما موظف به آشنایی با آنها هستیم. جزینی افزود: داستان نو، علیرغم همه ویژگی‌هایش به جوهره قصه نیاز دارد، پند من به قصه نویسان این است که یا «قصه بگو یا بمیر».

داستان باید میل شنیده شدن را در خواننده ایجاد کند و متأسفانه برخی از داستان‌های مدرن فاقد این عنصر هستند.

عطاءالله نهایی دیگر سخنران این جشنواره، در مورد «حقیقت و داستان» صحبت کرد و گفت: در زبان‌کردی آثار جذاب و قابل طرحی وجود دارد که به دلیل محدودیت‌های زبان کردی و غیرقابل فهم بودن آن برای خوانندگان ایرانی، این آثار مطرح نشده، در حالی که استحقاق انتشار در داخل و خارج کشور را دارد. داستان‌خوانی و میزگرد پرسش و پاسخ از بخش‌های پایانی این جشنواره بود.

● ای کاش گل سرخ نبود

بیست و هشتمین جلسه نقد رمان حوزه هنری با موضوع بررسی رمان ای کاش گل سرخ نبود نوشته منیژه آرمین، برگزار شد.

در این جلسه سمیرا اصلان‌پور به بررسی این رمان

● تازه‌هایی از فلسفه و رمان

بارت، فوکو، آلتوسر نوشته مایکل بین با ترجمه پیام یزدانجو، روسو و نقد جامعه مدنی نوشته لوچوکوتی با ترجمه حسن شمس‌آوری راهی بازار نشر شد.

همچنین رمان نازارین نوشته بنیتو پرت گالدوس و ترجمه کاوه میرعباسی، شصت داستان از دینو بوتزاتی



با ترجمه محسن ابراهیم و داستان آن سوی روح مادر بزرگ از امیرحسین روحی، کتاب‌هایی هستند که تا پایان آبان ماه منتشر خواهند شد.

● رمان ما

رمان ما از یوگنی زامیاتین با ترجمه انوشیروان دولتشاهی رمانی است تخیلی، که آینده جهان را پیش‌بینی می‌کند و در واقع جزو کتاب‌هایی چون ۱۹۸۴ جورج اورول و دنیای قشنگ نو هاکسلی به حساب می‌آید.

● شناخت نامه گلشیری

کتاب دیگری با عنوان شناخت نامه گلشیری که



ملموس و موفق دانست و به ضعف در فضاسازی مکان‌ها و زاید بودن فصل آخر اشاره کرد. گفتنی است تاکنون آثار متعددی از آرمین همچون سرود ارون‌درو، راز لحظه‌ها، آن روز که عمه خورشید مرد، کیمیاگران نقش و بوی خاک منتشر شده است.

● فریدون گرایلی درگذشت

فریدون گرایلی، شاعر و نویسنده نیشابوری، ۱۵ مهرماه بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

گرایلی در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی در نیشابور متولد شد، دوره‌های ابتدایی و متوسطه را در نیشابور گذراند و سپس در دانشگاه اصفهان در رشته تاریخ تحصیلات خود را به پایان رساند و در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش درآمد.

وی در مدت ۳۹ سال به سبب علاقه وافر به تاریخ ایران، به تحقیق و تفحص تاریخ نیشابور پرداخت که حاصل تلاش و تحقیق وی، کتاب‌های نیشابور شهر فیروزه، مشاهیر نیشابور، شهر قلمدان‌های مرصع و نیشابور محکمه حکیم عمر خیام است.

این شاعر نیشابوری همچنین اشعار فراوانی درباره ذات اقدس الهی، حضرت علی و امام حسین (ع) و ائمه اطهار (ع) سروده است.

وی ۱۵ مهرماه پس از شرکت در یک مراسم یادبود و شعرخوانی، دچار ناراحتی قلبی شد و پس از انتقال به بیمارستان درگذشت.

نگاهی به ادبیات و هنر پایداری

پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری اقدام به برگزاری سلسله سخنرانی‌هایی با موضوع ادبیات و هنر پایداری کرده است.

در مبحث نخست این سخنرانی‌ها که درباره ادبیات پایداری است ده سخنرانی از تاریخ ۸ تا ۲۹ آبان ماه ایراد می‌شود. مبحث بعدی این سخنرانی‌ها به نقاشی، سینما، موسیقی و پیکره‌تراشی خواهد پرداخت.

عنوان سخنرانی و سخنران هر جلسه به این شرح است: ادبیات پایداری در میان مرز نشینان جنوب ایران، سید قاسم یا حسینی / جامعه‌شناسی ادبیات جنگ، دکتر مسعود کوثری / ریخت‌شناسی خاطرات، علیرضا کمره‌ای / سیر ادب مقاومت در ایران، دکتر محمدرضا سنگری / نگاهی به نمایش پایداری: تئاتر نیاسی، جمشید خانیان / مفاهیم مشترک در شعر پایداری اعراب و ایران، موسی بیدج / نگاهی به زبان گزارش‌نویسی در جنگ، هدایت‌الله بهبودی / ساختارشناسی شعر پایداری، دکتر فرزانه سجودی / بررسی آرایه‌ای مقدس‌پنداری در ادبیات، فرهاد ساسانی / ادبیات پایداری و تاریخ‌نگاری، پرویز سعادت.

این سخنرانی‌ها در ساعت ۱۶ تا ۱۸ در محل پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی واقع در حوزه هنری، تقاطع خیابان حافظ و سمیه برگزار می‌شوند.

شکار انسان

شکار انسان نوشته خوتانو اوبالدو ریبریو با ترجمه احمد گلشیری منتشر می‌شود.

نشر آفرینگان که آغاز به انتشار شاهکارهای کوتاه کرده است، تصمیم دارد مجموعه‌ای از شاهکارهای کوتاه نویسندگان بزرگ جهان را با ترجمه احمد گلشیری منتشر کند.

پنج کتاب از این مجموعه با نام‌های زندگی من، نفرین ابدی بر خواننده این برگه‌ها، از عشق و دیگر اهریمنان، پدرو پارامو و ناپدیدشدگان پیش از این

منتشر شده است.

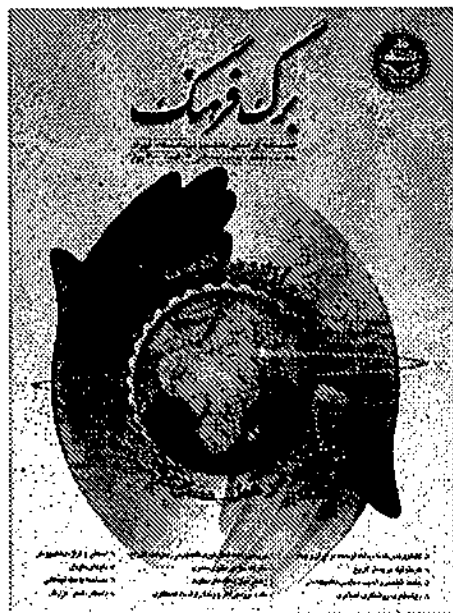
گفتنی است گلشیری قصد دارد، چهل عنوان از شاهکارهای ادبیات جهان را پس از گزینش و ترجمه در همین مجموعه در شکل و ساختاری یکسان منتشر کند.

در شاهکارهای کوتاه جهان، علاوه بر داستان، چکیده‌ای از زندگینامه و عکس نویسنده نیز آمده است.

برگ فرهنگ منتشر شد

شماره پنجم برگ فرهنگ، فصلنامه فرهنگی دانشجویی دانشگاه تهران منتشر شد. برگ فرهنگ در بخش‌های فرهنگ، دین، ادب، هنر و گوناگون به آرایه مقاله و گزارش پرداخته است.

آفتاب معرفت از فریده داودی مقدم، نظریه‌پرداز حق در مثنوی معنوی از اصغر باباسالار، زندگی میان لحظه‌های



سکوت از حنا به بابایی، نقد و بررسی آثار و زندگی ارنست همینگوی از فرخ یگانه، خوانش شعر اخوان ثالث از دکتر مرتضی کاخی و حتی روزی که دیگر نیاشم (تأویل یک شعر شاملو) از امیر نصری از بخش‌های ادبی این نشریه است. اساطیر و تراژدی یونان از دکتر عطاءالله کوپال، صدا و سکوت دراماتیک از حمید هاشمی، بررسی تطبیقی آثار یک نویسنده از کمال حاجی‌پور، نام‌های جاودان از سیامک صحافی و گفتگو با مانا نیستانی بخش‌های هنری مجله را تشکیل می‌دهند.

دیراشنای گنجینه‌های خطی فارسی، گفتگو با استاد احمد منزوی، نگاه عرفانی نهج‌البلاغه به دنیا از علی فتح‌اللهی، تاریخچه مطالعات اسلامی از ریچاردس، مارتین با ترجمه رامین سلطانی، اسلام و بوم‌شناسی ترجمه شهریار محمدرضایی، سوگ سرود از سیامک صحافی، موعظه‌ای برای پرنده‌گان (خطبه)

سن فرانچسکو آسیزی) از ناصر احمدزاده و نگاهی به احوال و آثار خاورشناس بزرگ، لویی ماسینیون از بخش‌های دیگر این نشریه دانشجویی هستند.

ادبیات و گفتگوی تمدن‌ها

سمینار ادبیات و گفتگوی تمدن‌ها، اول آبان‌ماه با حضور اندیشمندان و نویسندگان ایرانی و اسپانیایی برگزار شد.

دکتر بهزاد شاهنده، معاون امور بین‌الملل مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها، ایران و اسپانیا را دو کشوری دانست که در پیشینه تاریخی یکدیگر سهیم هستند. وی تمامی فرهنگ‌ها را تأثیرگذار بر یکدیگر عنوان کرد و گفت: در ادبیات هم همین مسأله وجود دارد. به عنوان مثال در ادبیات اسپانیا، کاوش‌هایی هست که توسط سفیر شاه عباس در آن کشور نوشته شده است.

دکتر خوان خواربستی، رئیس کتابخانه ملی و برنده جایزه بزرگ ادبی اسپانیا در این سمینار با این تأکید که فرهنگ، ادبیات و شعر از پیش آمدن عدم تفاهم جلوگیری می‌کنند، افزود: ادبیات اسپانیا با آزاد شدن از سلطه پادشاهان، ادبیاتی آفرید که باعث و بانی یک مفهوم جهانی شد.

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نیز با اشاره به این مطلب که اشعار حافظ خلاصه تاریخ و فرهنگ ایران زمین است، گفت: در جهان، حافظ یکی از معدود شاعرانی است که هم عامه مردم و هم قشر باسواد جامعه اشعار او را درک می‌کنند و با زبان او ارتباط برقرار می‌کنند. وی در بخش دیگری از سخنانش، عشق را محور محتوایی اشعار حافظ دانست.

دکتر فرناندو سانچی دراگو، در ادامه این سمینار با سخنانی تحت عنوان «اسپانیا: الگویی برای همزیستی فرهنگی» تمدن اسلامی را یکی از تمدن‌هایی دانست که بر فرهنگ اسپانیا تأثیر زیادی گذاشته است، وی افزود: من با همان روحیه‌ای به این جا می‌آیم که در قرن ۱۲ اولین مسافر اروپایی به ایران آمد، البته نه تنها برای دیدن بلکه بازگو کردن آنچه دیده بود.

گفتنی است دکتر جواد جدیدی درباره تأثیر سعدی بر ادبیات اروپایی، دکتر خورونیمو پائزلوپز درباره پروژه میراث اندلس، مجمع شبیری درباره تأثیرات متقابل ادبیات ایران و اسپانیا بر یکدیگر و فریدزاده نیز درباره شعر به مثابه پایداری برای گفتگوی تمدن‌ها سخنرانی کردند. اختتامیه این سمینار با سخنان خوزه ماریو آرنار، نخست‌وزیر اسپانیا و دکتر حبیبی برگزار شد.

زبان و ادب

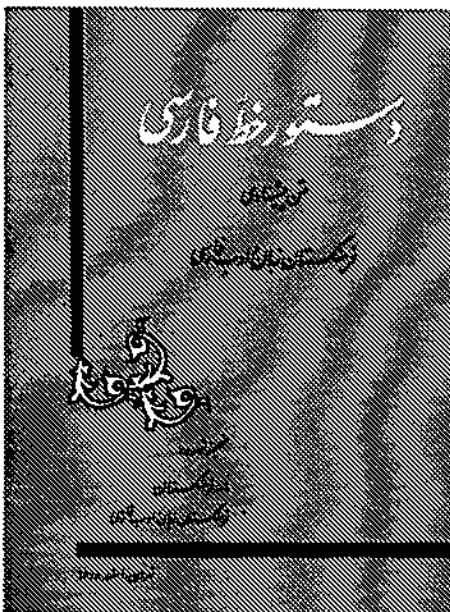
شماره پیوسته نهم و دهم زبان و ادب، نشریه دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی منتشر شد. در این شماره مطالبی

● اخبار اهل قلم

نفیس و قابل اعتنای دیوان خواجه شیراز، معرفی و در دسترس اهل نقد و حافظ‌شناسان و دیگر علاقه‌مندان قرار گیرد. کار تصحیح و اهتمام در چاپ‌سپاری و ویرایش این اثر را دکتر حسن ذوالفقاری و ابوالفضل علی محمدی برعهده خواهند داشت.

● انتشار دفتر دستور خط فارسی

متن پیشنهادی دستور خط فارسی از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شد. دکتر غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اعلام این خبر به ضرورت و لزوم تدوین دستور خط فارسی پرداخت و گفت: موضوع خط و زبان فارسی، از ابتدای تأسیس فرهنگستان مدنظر بود. این کار با جدیت بسیار همراه بود و سرانجام به تدوین دفتر حاضر به نام دستور خط فارسی منتهی شد.



دکتر حدادعادل سپس به این نکته اشاره کرد که این دفتر، پیش از تصویب نهایی به حضور استادان فن، صاحب‌نظران زبان و ادبیات و معلمان فرستاده شد تا از نظریات آنها برای تکمیل و بهبود آن استفاده شود. حدادعادل افزود: ما سعی کرده‌ایم آنچه در حوزه خط، محل اشکال است، در این متن لحاظ شود و برای رفع ابهام در تلفظ هم از اعراب استفاده شود. صاحب‌نظران تا آخر آذرماه فرصت دارند تا با ارائه نظرات و پیشنهادات و انتقادات و معرفی این متن از طریق مطبوعات به ما کمک کنند و پس از آن تا پایان امسال بررسی‌های نهایی را در شورای فرهنگستان انجام می‌دهیم و در بهار، بعد از تأیید رئیس‌جمهور، دستور خط فارسی را به عموم مردم ارائه می‌کنیم و بعد از دستور رئیس‌جمهوری به مراکز و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، امیدواریم این دستور خط در همه جا رعایت شود.

انگلیسی، مکالمه زبان فارسی، رباعیات عمر خیام، تاریخ ادبیات ایران به زبان چینی، گزیده اشعار ایران به زبان چینی، بوستان و گلستان به زبان چینی، دو جلد کتاب درسی فارسی، لیلی و مجنون و فرهنگ وفایی هستند.

همچنین این مرکز در تلاش است کتابهای شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، بوستان و گلستان سعدی با تجدیدنظر و تکمیل، رباعیات عمر خیام با تجدیدنظر، کتاب درسی فارسی برای دوره پیشرفته و فرهنگ ضرب‌المثلها را در آینده به زبان چینی منتشر کند.

● یادنامه صمد بهرنگی

جلد چهارم از مجموعه فرهنگ افسانه‌های مردم ایران تألیف علی اشرف درویشیان و رضا خندان (مهابادی) به همت نشر کتاب و فرهنگ منتشر می‌شود. این کتاب که مجموعه‌ای پانزده جلدی است بصورت یک دایرةالمعارف از جلد اول (حرف الف) تا جلد سیزده (حرف ی) و دو جلد تکمله افسانه‌های مردم ایران را دربر دارد. این انتشارات همچنین یادنامه صمد بهرنگی به کوشش علی اشرف درویشیان را نیز زیر چاپ دارد. در این یادنامه مجموعه‌ای از مقاله‌ها که نویسندگان مختلف درباره صمد بهرنگی نوشته‌اند آمده است.

همچنین عکس‌های منتشر نشده‌ای از بهرنگی و مصاحبه‌هایی که درویشیان به تازگی با دوستان و نزدیکان وی انجام داده، به همراه کتابشناسی بهرنگی از بخش‌های قابل توجه این یادنامه است.

● حافظ به روایت شهریار

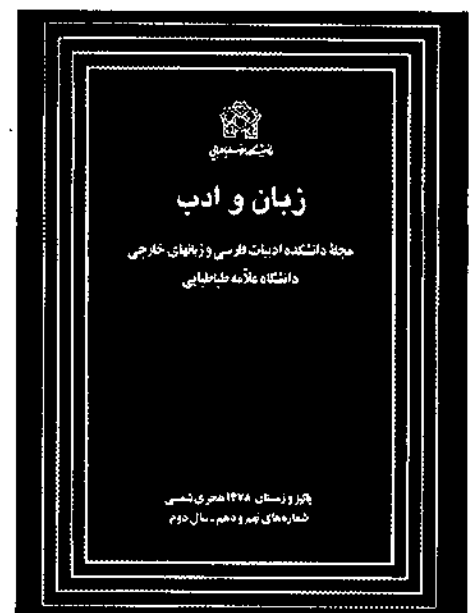
دیوان حافظ فرصت‌الدوله شیرازی با حواشی و تقریرات استاد غزلسرای معاصر - شهریار - به زودی توسط نشر چشمه روانه بازار نشر می‌شود. در سال‌های ۱۳۶۵ تا هنگام مرگ استاد شهریار، بخش عمده‌ای از دیوان حافظ توسط یکی از شاگردان خاص وی، ابوالفضل علی محمدی، شاعر و نویسنده تبریزی در قالب بیش از یکصد نوارکاست جمع‌آوری شده است که استاد نظرات خود را درباره غوامض و قرائات غزلیات حافظ بیان کرده است.

اساس نسخه مورد استفاده و استاد استاد شهریار، دیوان حافظ چاپ سنگی، به اهتمام فرصت‌الدوله شیرازی بوده است. از خلال این بازخوانی، ضمن آشنایی با افکار و عقاید غزلسرای بزرگ معاصر درباره حافظ به نکات ارزنده و قابل توجهی دست می‌یابیم که در نقد شعر و مباحث حافظ‌شناسی جایگاه و ارزشی والا دارد.

تصحیح دیوان حافظ فرصت‌الدوله در کنار این مجموعه نیز فرصتی است مقتنم تا یکی از نسخه‌های

چون بررسی التقای مصوت‌ها در زبان فارسی، تکواژ میانجی یا واج میانجی؟ از ویدا شقاقی، باروخ اسپینوزا و مسئله ثنویت از حسین کلباسی اشتری، آفرین پیمان پهلوی یا پیمان کدخدایی از سعید عریان، نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب از آریتا افراشی، بررسی میزان طبیعی بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای نظریه صرف طبیعی از فریده حقی‌بین آمده است.

همچنین تصحیح چهار بیت از سعدی براساس سنت‌های ادبی از معصومه موسایی، پیشینه فرآیند اشتقاق از دیدگاه دانشمندان مسلمان از پروانه فرخنده، شعر نو، شهر کهن، وجوه اشتراک و افتراق از فرزانه سجودی، شباهت واژه‌ها در زبان‌های فارسی و انگلیسی از حسین ملانظر، معرفی اجمالی معنی‌شناسی منطقی از کورش صفوی، تکواژ «خانه» و عملکرد معنایی آن در ساخت واژه زبان فارسی از بهروز



محمودی بختیاری، ساخت منطقی و طرح یک مسئله از محمد راسخ مهند و نگاه انتقادی به کتاب مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی از اسماعیل تاج‌بخش از بخش‌های دیگر این تشریه است. گفتنی است دو مقاله از احمد صدیقی و فلور سیاتو، بوستانمنت نیز به زبان انگلیسی در زبان و ادب آمده است.

● از سوی

● مرکز پژوهشهای فرهنگ ایران کتابهای ایرانی منتشر می‌شوند

مرکز پژوهشهای فرهنگ ایران با حمایت دانشگاه تهران اقدام به ترجمه انتشار کتابهای ایرانی کرده است. به گزارش خبرنگار ما این کتابها با موضوعات ادبی و تاریخی بدین شرح‌اند: فرهنگ فارسی به چینی، فرهنگ چینی به فارسی، تاریخ مفصل ایران به زبان

خانه کتاب ایران
کتاب ماه
ادبیات

فهرست کتابهای منتشر شده در مهرماه ۱۳۷۹

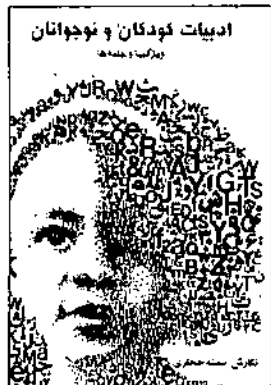
ادبیات (آثار ادبی) ۸۰۰

۱- ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگیها و جنبهها.

بنفشه حجازی - تهران: روشنگران و مطالعات زنان - ۳۰۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Children's and young adults literature ... شابک: ۹۶۴-۵۵۱۲-۳۱-۲



در فصل نخست کتاب، تمایزی از ادبیات، ادبیات کودکان و اهداف این دو فراهم آمده است. نویسنده در این فصل خاطر نشان می‌کند که «با توجه به محدودیتها و نیازهای کودکان هر آنچه - افسانه، شرح حال، مطالب علمی و... خارج از برنامه درسی و آموزش مستقیم، هنرمندانه نوشته و تنظیم شود، ادبیات کودکان خواننده می‌شود. در فصل دوم کتاب تاریخچه ادبیات کودکان در جهان و ایران ذکر می‌شود، سپس در فصل بعدی مباحثی درباره خصوصیات و مراحل رشد جسمی و روانی مطرح می‌گردد. فصل چهارم به مقوله انتخاب کتاب اختصاص یافته و در آن نکته‌هایی درباره ظاهر و محتوای کتاب، نویسنده و نظایر آن خاطر نشان گردیده است. نویسنده در فصل پنجم انواع ادبیات کودکان و نوجوانان را - اعم از انواع داستان، افسانه، متن‌های علمی، کتاب‌های مرجع و همانند آن - تشریح می‌کند. پارامتر دیگری از مباحث این کتاب بدین قرار است: «ادبیات کودکان و نوجوانان و وسایل ارتباط جمعی، جنبه‌های تلخیص، بازنویسی، ترجمه و ویرایش در ادبیات کودکان، شیوه‌های علاقه‌مند کردن کودکان به مطالعه، ادبیات کودکان معلول، نقد و ادبیات کودکان» و «ادبیات کودکان و صلح». در انتهای کتاب ارجاعات، فهرست اعلام و فهرست منابع جمع آمده است.

فلسفه و نظریه ۸۰۱

۲- نقد ادبی: رشته زبان و ادبیات فارسی.

عبدالحسین زرین کوب - تهران: دانشگاه پیام نور - ۲۲۳ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۱۰۰ ریال - چاپ هشتم / ۴۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۵۵-۰۳۰-۷

چاپ اول

۳- نویسنده، نقد و فرهنگ.

جورج لوکاس، مترجم: علی اکبر معصوم بیگی - تهران: دیگرا - ۲۸۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۱۸۸-۰۱-۳



مقاله‌ای که در این کتاب از جورج لوکاس (۱۹۷۱ - ۱۸۸۵) به فارسی ترجمه شده عمدتاً به دوره دوم زندگی لوکاس، یعنی سال‌های کناره‌گیری او از سیاست و روی‌آوری به حوزه نقد و فلسفه، مربوط می‌شود. لوکاس در مقاله «روایت یا توصیف» (اولین مقاله) بر آن است که دو شیوه هنری دوره سرمایه‌داری را نقد و معرفی کند. وی دو نماینده رئالیسم را در مرحله نخست سرمایه‌داری، «بالزاک» و «استندال» می‌داند که به شیوه «روایت» گرایش دارند؛ سپس «فلور» و «زولا» را به مثابه دو نماینده ناتواالیسم در حوزه منحن سرمایه‌داری، معرفی می‌کند. قیافه‌شناسی فکری در شخصیت - پردازی مقاله‌ای است که به تشریح کنش متقابل، همچنین کنش فراگیر و چند وجهی شخصیت‌ها با یک دیگر، جامعه و مسائل بزرگ اختصاص دارد. لوکاس در این مقاله فقدان کنش متقابل را نشانه تباهی ادبیات و گسیختگی دنیای قهرمانان از یک دیگر و از جهان پیرامون می‌داند. در مقاله «نویسنده و منتقد» لوکاس برای منتقد، یگانگی سه عنصر فلسفه، تاریخ ادبی و نقد ادبی را

ضروری به حساب می‌آورد. سه مقاله بعدی در این کتاب - «دست‌آویزی»، «توماس مان در جستجوی انسان بورژوا» و «تأملات درباره شکسپیر» به نقد و بررسی کار سه شخصیت یاد شده اختصاص می‌یابد. در نوشته انتهای این کتاب (فرهنگ کهن و فرهنگ نو) «لوکاس» غلبه فرهنگ را بر حوزه اقتصاد و نمودار رهایی بشر از ستم اقتصادی و آغاز فرهنگ نو به شمار می‌آورد.

فن نگارش و بیان، و مجموعه - های ادبی ۸۰۸

۴- ادبیات کودکان. علی‌اکبر شماری‌نژاد - تهران: اطلاعات - ۲۱۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ نوزدهم / ۲۱۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۲۲۳-۳۳۳-۴

چاپ اول

۵- الگوهای یاددهی و یادگیری گام به گام انشای فارسی (گفتاری - نگارشی) در دوره ابتدایی ویژه معلمان ...

عبدالرحمان صفارپور - تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه - ۲۸۸ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۲۵۲-۰۲۲-۱

چاپ اول

۶- انشاء راهنمایی: موضوعات انشاء همراه با پاسخ تمرینات فارسی و سوالات بدیع برای ...

اسماعیل علمدارنیاکی - تهران: جواهری - ۱۹۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۵۷۲-۰۷-۶

چاپ اول

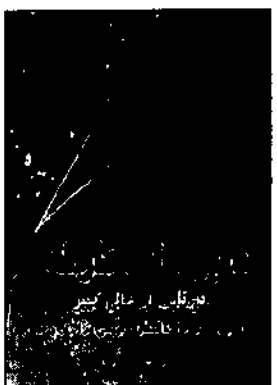
۷- پرورش فکر و آشنایی با انشاءنویسی.

علی فرخ‌مهر - تهران: عابد - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۴-۷

۸- دایره‌المعارف، بازتابی از عالم کبیر: بررسی تحلیلی دایره - المعارف نویسی در ایران و جهان. مهشید مشیری، نادرقلی قورچیان، ویراستار: کامبیز بنی‌هاشمی - تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی - ۱۳۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Encyclopedia, the reflection of macrocosm: and analytical... شابک: ۹۶۴-۵۵۱۵-۳۲-۷

چاپ اول



در فصل نخست این کتاب سیر دایره - المعارف نویسی در جهان در قالب چهار دوره (عصر آینه‌های امپراتور، عصر روشنگری، عصر نگرش علمی، و عصر نسل دانش و آگاهی) معرفی می‌شود. فصل دوم کتاب شرحی است از دایره - المعارف نویسی در ایران که نگارنده آن را در سه دوره مجزا تشریح می‌کند: عصر دایره‌المعارف نویسان بحرالعلوم، عصر آشنایی با غرب، و عصر دانش‌نامه نویسی علمی - فارسی. در فصل سوم کتاب «دانشنامه بزرگ فارسی (د.ب.ف.)» معرفی شده و در انتهای کتاب فهرست منابع فارسی و انگلیسی درج گردیده است.

۹- زبان و نگارش فارسی.

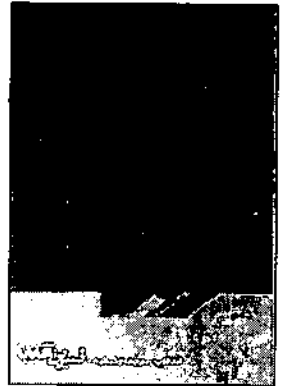
حسن احمدی‌گیوی، ... (و دیگران) - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۱۸۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ شانزدهم / ۴۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Persian language and writing شابک: ۹۶۴-۳۵۹-۴۰۵-۳

چاپ اول

۱۰- صخره ناقوس. گردآورنده: سرین آقابابا - تهران: آبان -

مهر، ۹۳ ص. - پالتویی (شمیز)،
۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۶۴-۱-۳



در کتاب دو داستان کوتاه جمع آمده است. داستان نخست (صخره ناقوس) سرگذشت جوانی است به نام 'آندرو' که ماموریت یافته برای دو شهر ساحلی 'پرت' و 'تاندی' ناقوسی از 'آمستردام' تهیه کند تا بدین وسیله دریانوردان از خطر برخورد کشتی با آن صخره در امان باشند زیرا ناقوس به هنگام طوفانی شدن هوا و شدت باد به صدا درمی آید. 'آندرو' بعد از آن که ناقوس را می خرد با دختری آشنا می شود که سخت مجنون او واقع شده است. 'آندرو' بعد از آن که به کمک اهالی ناقوس را در محل مورد نظر نصب می کند به دیار محبوب خود می شتابد تا از پدرش خواستگاری نماید. پدر نیز در برابر خواسته 'آندرو' به او می گوید که باید دوازده هزار گیلدر پول داشته باشد تا با دخترش ازدواج کند؛ پولی که به نظر 'آندرو' تنها از طریق فروش ناقوس - به بهای به خطر افتادن جان دریانوردان - می تواند فراهم آید و...

چاپ اول

۱۱- کارگاه انشا: آموزش انشا و آیین نگارش: برای دانش آموزان اول راهنمایی.

روداپه کمالی زیر نظر: مریم روحانی. - تهران: قدیانی، کتابهای بنفشه. - ۸۸ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۴۴۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۷-۳۷۱-۶

چاپ اول

۱۲- کارگاه انشا: آموزش انشا و آیین نگارش: برای دانش آموزان دوم راهنمایی.

روداپه کمالی زیر نظر: مریم روحانی، فرزانة کریمی. - تهران: قدیانی، کتابهای بنفشه. - ۹۶ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۱۷-۳۷۲-۴

چاپ اول

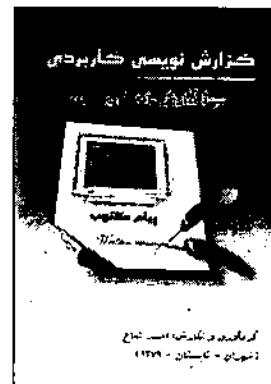
۱۳- کارگاه انشا: آموزش انشا و آیین نگارش: برای دانش آموزان سوم راهنمایی.

روداپه کمالی زیر نظر: مریم روحانی. - تهران: قدیانی، کتابهای بنفشه. - ۸۸ ص. - جلد سوم. - وزیری (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۴۴۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۷-۳۷۳-۲

چاپ اول

۱۴- گزارش نویسی کاربردی: شیوه نگارش نامه های اداری. گردآورنده: احمد شاع. - تهران: واگویی. - ۱۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۶۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Applied report writing
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۶۹-۱-۰



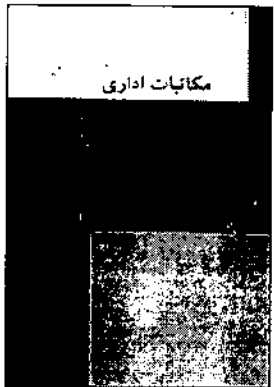
کتاب با معرفی انواع نامه های اداری آغاز گردیده، در پی آن، مراحل چهارگانه گزارشی نویسی با این مقولات تشریح شده است: مطالعه مقدماتی، طرح ریزی، نگارش گزارش و بازنگری. بخشی از کتاب به این مباحث اختصاص دارد: نشانه گذاری در متن نامه های اداری با استفاده از علائمی جهت نمایش قطع، وصل، ارتباط یا اختتام جمله ها و مباحثی از این قبیل.

چاپ اول

۱۵- مکاتبات اداری. خسرو قاسمیان. - شیراز: زر. - ۲۲۳ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۲۱-۱۰-۸

مکاتبات اداری: کتابی است که در چهارده فصل تدوین شده و مبحث نخستین آن به نکاتی درباره زبان، زبان -

شناسی و فرق زبان و ادبیات اختصاص یافته است. مباحث بدی کتاب عبارتند از: شیوه های نامه نگاری، انواع نامه ها، تجربه های نگارش، تنظیم بخشنامه، راه های نوشتن، نکته های نگارش، اصول گزارش نویسی، گزارش های اداری، کاربرد نشانه گذاری، تنظیم صورت جلسه، انتخاب واژه ها، شیوه های



نوینستدگی و نکته هایی درباره ویرایش. در پایان هر فصل پرسش ها و تمرین هایی تحت عنوان 'خودآزمایی' گردآمده است. در پایان کتاب نیز واژه های اداری تشریح گردیده است.

معانی و بیان

چاپ اول

۱۶- بدیع: از دیدگاه زیبایی شناسی.

تقی وحیدیان کامیار، یوراستار: رضا انزلی - نژاد. - تهران: دوستان. - ۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۰۷-۰۷-۳



نگارنده در این کتاب بر آن است فن 'بدیع' و انواع آرایه های ادبی را با نگاهی نو شرح و تبیین نماید. وی عنصر اصلی شعر را در زیبایی می داند و از این رهگذر آرایه هایی را در کتاب مطرح می سازد که با عنصر زیبایی مرتبط باشند. کتاب با نکاتی درباره شعر و ادب، زیبایی و

مختصات بدیع آغاز می شود؛ سپس انواع آرایه ها در هشت فصل تشریح می گردد و برای هر یک شواهد و مثال هایی فراهم می آید. انتهای هر فصل شامل تمریناتی از موضوع مورد بحث است.

۱۷- بیان (یا تجدید نظر و اضافات).

سیروس شمیس. - تهران: فردوس. - ۳۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۰۹-۱۲-۲

بررسی و تمرین

۱۸- آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۱) سال اول نظام جدید.

حسن لاجوردی. - تهران: آزمون. - ۲۴۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۹۲-۸

۱۹- آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۲) سال دوم نظام جدید.

نادر پورخانی، احمد پورعلی. - تهران: آزمون. - ۲۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۹۳-۶

۲۰- آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۶) سال سوم نظام جدید رشته علوم انسانی.

نادر پورخانی، احمد پورعلی. - تهران: آزمون. - ۳۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۸۱-۲

۲۱- ادبیات فارسی: راهنمای دبیران، دانش آموزان دبیرستانها و داوطلبان کنکور عمومی و اختصاصی ...

غلی سلطانی گدرفراصرزی. - تهران: میتکران. - ۵۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و ششم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۹۳-۲۷-X

چاپ اول

۲۲- ادبیات: از پایه تا کنکور برای دوره کامل دبیرستان داوطلبان کنکور سراسری شامل: خلاصه درس ...

علی باقری. - تهران: صدیقه. - ۲۸۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۱۸-۵۴-۸

ص. - وزیری (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۶۵۱-۰۰-۴

۲۳- پرسشهای چهارگزینه ای استاندارد ادبیات فارسی (۱) و (۲) پیش دانشگاهی - رشته علوم انسانی ...

حسن ذوالفقاری، پرویز ارسطو. - تهران: استادی. - ۳۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۲۲-۲۲-۹

چاپ اول

۲۴- پرسشهای چهارگزینه ای استاندارد زبان و ادبیات فارسی (۱) و (۲) پیش دانشگاهی - کلیه رشته ها.

محمدرضا سنگری، اکبر میرجعفری، موسی نعیمی. - تهران: استادی. - ۳۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۲۲-۳۱-۸

چاپ اول

۲۵- راهنمای فارسی پیش دانشگاهی ۱ و ۲ شامل: شرح مشکلات و مفاهیم ...

بهمن نجفی مقدم. - تهران: سیمین دخت. - ۴۲۵ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۱۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۷۲۳-۱-۳

چاپ اول

۲۶- راهنمای گام به گام طلایی ادبیات (۱ و ۲) پیش دانشگاهی.

کیهان ناظری. - تهران: کانون گسترش علوم. - ۲۳۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۲۴۰-۱۶۷-۷

۲۷- زبان فارسی (۵) سال سوم نظام جدید رشته ادبیات و علوم انسانی: با توجه به آخرین تغییرات کتب درسی.

مهدی سبهری. - تهران: راه رشد، منتشران. - ۱۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۱۸-۵۴-۸

۲۸- زبان و ادبیات فارسی عمومی (پیش‌دانشگاهی).

هامون سبلی. - تهران: اندیشه سازان. - ۱۴۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۴۹-۴۷-۷

۲۹- فارسی عمومی: شامل ادبیات پیش‌دانشگاهی، ادبیات دانشگاهی، متون نشر، دستور جامع زبان فارسی - ...

مهدی ماحوزی. - تهران: اساطیر. - ۵۴۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۸۵۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۶۰-۱۷-۷

چاپ اول

۳۰- مجموعه طبقه‌بندی شده آموزش ادبیات فارسی (۵) سال سوم شاخه نظری (تجربی و ریاضی).

حسنعلی محمدی. - تهران: کانون فرهنگی آموزش. - ۱۶۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۱۱۴-X

۳۱- مجموعه طبقه‌بندی شده زبان و ادبیات فارسی دبیرستان پیش‌دانشگاهی.

گردآورنده: سیدالله زارع کاریزی. - تهران: کانون فرهنگی آموزش. - ۱۸۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۱۱۹-۰

۳۲- مجموعه طبقه‌بندی شده زبان و ادبیات فارسی دبیرستان پیش‌دانشگاهی.

گردآورنده: سیدالله زارع کاریزی. - تهران: کانون فرهنگی آموزش. - ۱۸۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۱۱۹-۰

مجموعه‌ها و جنگها

چاپ اول

۳۳- برگزیده‌ی متون و نگارش فارسی.

یدالله بهمنی. یدالله طالشی. - تهران: جانان. - ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۵۹۴-۰۶-۹

۳۴- زبان و ادبیات فارسی عمومی: برگزیده‌ی متون ادبی طی پانزده فصل شیوه‌ی نگارش فارسی مباحث دستور و...

حسن ذوالفقاری. غلامرضا عمرانی. فریده کریمی‌راد. - تهران: نشر چشمه. - ۵۴۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۳۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۹۴-۱۴-۱

چاپ اول

۳۵- فارسی عمومی و آیین نگارش (برای استفاده دانشجویان و علاقه‌مندان ...).

به‌اهتمام: عسکری ابراهیمی‌جویباری. - او دیگران. - قم: توسعه علوم. - ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۲۲-۱۰۰-۰

چاپ اول

۳۶- فارسی عمومی: برگزیده متون ادب فارسی.

به‌اهتمام: عبدالرضا مدرسی‌زاده. - قم: مطبوعات دینی. - ۲۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۹۰-۲۹-۷

۳۷- گزیده قصاید سعدی.

به‌اهتمام: جعفر شعارمقدمه: حسن انوری. - تهران: علم. - ۲۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۰۵-۰۴۶-۰

چاپ اول

۳۸- گزیده‌هایی از: متون ادب پارسی بر اساس مباحث تعیین شده از طرف ستاد انقلاب فرهنگی.

ابوالفتح حکیمیان. زرگری مرندی. علی ایمانی. - زنجان: نیکان کتاب. - ۲۸۸ ص. - وزیری (شمیز). - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Selection of: persian literary prose

شابک: ۹۶۴-۹۲۶۹۴-۳-۶

تاریخ، توصیف، نقد و بررسی

چاپ اول

۳۹- تاریخ ادبیات ایران (رشته کتابداری).

توفیق هاشم‌پور سبحانی/ویراستار: نعمت‌الله موسوی. - تهران: دانشگاه پیام نور. - ۴۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۷۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۵۵-۷۶۵-۴

۴۰- تاریخ ادبیات ایران: خلاصه جلد چهارم: بخش اول - دوم - سوم تاریخ ادبیات در ایران از آغاز سده دهم تا ...

ذبیح‌الله صفا/گردآورنده: محمد ترابی. - تهران: فردوس. - ۷۰۸ ص. - جلد چهارم. - وزیری (شمیز). - ۲۹۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۰-۰۰۳-۵

موضوعات خاص

چاپ اول

۴۱- تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی.

علی‌اصغر حلبی. - تهران: اساطیر. - ۳۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۴۶۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۰۶۰-۴

اشعار غنایی و تغزلی

چاپ اول

۴۲- آن‌جا که صدا مهتاب بود: مجموع شعر و موسیقی، تصنیف-هاو سروده‌های ایرانی.

گردآورنده: حسین میرکافلی. - گرگان: آژینه. - ۹۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۴-۰۶-۳-۴

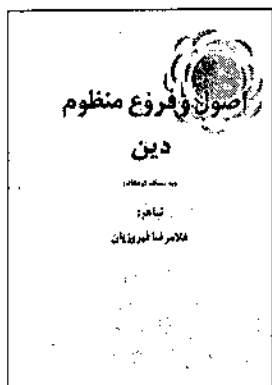


کتاب مجموعه‌ای است از تصنیف و سروده‌های 'سید حسین میرکافلی' که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: درخت غم به جانم کرده ریشه / به درگاه خدا نالد همیشه / عزیزان قدر یکدیگر بدویند / اجل سنگ است و آدم مثل شیشه.

اشعار مذهبی، عرفانی، اخلاقی

چاپ اول

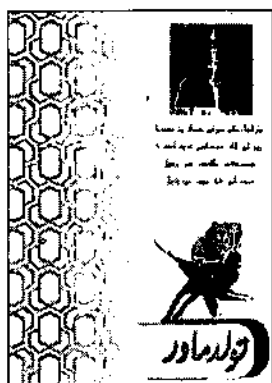
۴۳- اصول و فروع منظوم دین. شاعر: غلامرضا فیروزیان. - تهران: بنیاد بعثت. - ۲۲ ص. - جیبی (کلاسه). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۰۹-۱۶۸-۶



در کتاب، اصول و فروع دین به شیوه پرسش و پاسخ و در قالب شعر معرفی می‌شود.

چاپ اول

۴۴- تولد مادر. محمد اخوندی. - تهران: جوان امروز. - ۵۶ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۲۵۸-۰۰۰-۳



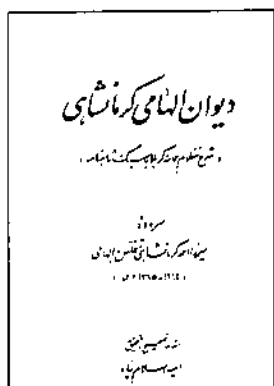
در کتاب، عمدتاً اشعاری در مدح 'خدایچه' - همسر پیامبر اکرم (ص) - و منقبت حضرت زهرا (ش) به نظم درآمده

است. 'صبح شفق' شعری است در تولد حضرت زهرا (س): صبح شفق تجلی آیات کوثر است / از نور او سراسر گیتی منور است / زیباترین نهال نبوت جوانه زد / تسبیح بلبل سحر الله اکبر است /...

چاپ اول

۴۵- دیوان الهامی کرمانشاهی (شرح منظوم حماسه کرپلا به سبک شاهنامه).

شاعر: احمدبن‌رستم الهامی - کرمانشاهانی/مقدمه: امید اسلام‌پناه. - تهران: مرکز نشر میراث مکتوب. - ۴۷۶ ص. - وزیری (کالینگر). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۸۱-۴۲-X



چاپ حاضر از دیوان الهامی کرمانشاهی (وفات: ۱۲۷۵ ق) براساس پنج نسخه تصحیح شده و در ابتدای آن ذکری از احوال و آثار شاعر، به همراه مختصات شعری او، به میان آمده است. کتاب حاضر بیش از شانزده هزار بیت است که در آن حماسه کرپلا به شیوه شاهنامه فردوسی به نظم کشیده شده است. کتاب از چهار خیابان (بخش) تشکیل یافته است. خیابان اول متضمن اشاری است در توجیه بار، نیایش پروردگار، و ستایش بزرگان دین. خیابان دوم نیز با ستایش خدای پیامبر (ص) و امام علی (ع) و امام زمان (عج) آغاز می‌شود، سپس وقایع روز عاشورا در آن به توصیف درمی‌آید. در خیابان سوم، پس از نعت رسول خدا و ائمه هدی، وقایع پس از شهادت امام حسین (ع) تشریح می‌شود. خیابان چهارم نیز در ستایش پروردگار، و نعت پیامبر و منقبت علی (ع) و اولاد اوست که افزون بر آن یک ساقی‌نامه و شرح حال 'مختار' در آن جمع آمده است. در انتهای کتاب اشعاری از 'دکتر عبدالحسین الهامی' (فرزند شاعر) درج گردیده است.

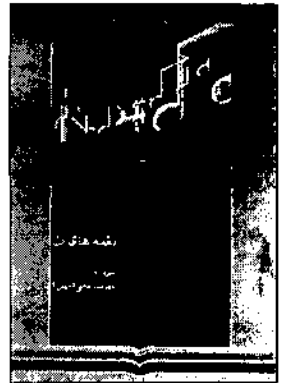
۴۶- کلیات هفت جلدی خزان‌الاشعار. شاعر: عباس جوهری. - قم: مسجد

مقدس صاحب‌الزمان (جمکران). - ۲۶۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۰۵-۲۵-۱

چاپ اول

۴۷- نغمه‌های دل

شاعر: عصمت امامی. - شیراز: نوید. - ۳۱۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۱۰-۱۰-۱



نغمه‌های دل مجموعه‌ای است از غزل‌های 'عصمت امامی (مهین)' اغلب با مضامین عرفانی که از آن جمله است: ای که در دیده من غیر سراپای تو نیست / در دلم جز هوس روی دل آرای تو نیست / چه غمم گر نبود با تو مرا خلوت انس / غیر خلوت‌نگه دل منزل و ماوای تو نیست...

۴۸- نغمه‌های عاشورا: مجموعه نوحه‌ها و مرثی‌های محرم

امور فرهنگی هیئت مجانب‌الرضا (ع). - تهران: نذیر. - ۱۷۰ ص. - جیبی (شمیز). - ۳۰۰۰۰ ریال. - ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۰۹-۳



در این کتاب، اشعاری در رثای امام حسین (ع) و وقایع روز تاسوعا و عاشورا، همچنین شهادت یاران امام گردآمده است.

۴۹- نغمه‌های ولایت ۹ اشعار و سرودهای ماه شعبان

شاعر: محمدعلی شهاب. - تهران: نذیر.

۱۰۰ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۲۲-۸

چاپ اول



در این مجموعه اشعاری با مایه‌های مذهبی به ویژه با موضوع تولد بزرگان مذهب تشیع، به نظم درآمده است. برای نمونه شعر 'ولادت امام حسین (ع)' این گونه آغاز می‌شود: ساقی‌ام در کف گرفته جام والای حسین / ریزد او در ساغر قلبم ز صبهایی حسین / از شراب عشق او مست ولایت شد دلم / شهره شهر جنونم، مست و رسوای حسین...

شعر فارسی

چاپ اول

۵۰- برگزیده اشعار فرخی و کسایی: دو شاعر برجسته زبان پارسی.

رضا اشرف‌زاده. - تهران: اساطیر. - ۸۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۰۴۷-۷

شعر فارسی قرن ۴

چاپ اول

۵۱- داستانهای نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی: پادشاهی-هرمزد (پسر اتوشیروان).

به‌اهتمام: محمد دبیرسیاقی. - تهران: قطره. - ۱۳۲ ص. - جلد بیست و چهارم. - رقصی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۶۶۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۰۹۲-۷

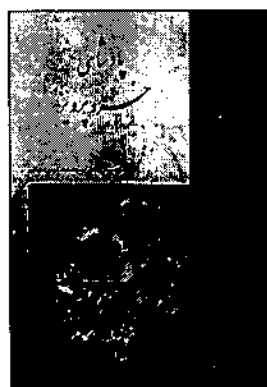


در شماره ۲۴ از مجموعه حاضر ابتدا وقایع مربوط به 'پادشاهی هرمزد پسر اتوشیروان' به نثر بازگو می‌شود؛ سپس متن اصلی شاهنامه همراه با معانی پاره-ای از واژگان و عبارات به طبع می‌رسد. در این بخش از وقایع شاهنامه ابتدا چگونگی به تخت نشستن هرمزد روایت می‌شود و در پی آن ماجراهای گوناگونی در دوره حکومت دوازده ساله او رخ می‌دهد که شورش 'بهرام چوبینه' از آن جمله است.

چاپ اول

۵۲- داستانهای نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی: پادشاهی-خسرو پرویز.

به‌اهتمام: محمد دبیرسیاقی. - تهران: قطره. - ۳۳۰ ص. - جلد بیست و پنجم. - رقصی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۶۶۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۰۹۳-۵

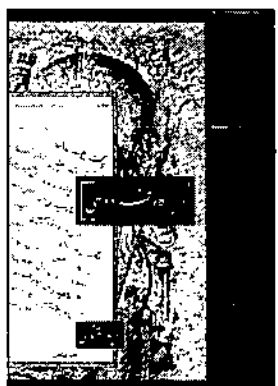


شماره ۲۵ از مجموعه 'داستان‌های نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی' شامل پادشاهی 'خسرو پرویز' است که ابتدا 'سید محمد دبیر سیاقی' اصل ماجرا را به نثر بازگو می‌کند و در پی آن متن اصلی را همراه با معانی برخی واژگان و عبارات به طبع می‌رساند. یادآور می‌شود که 'پادشاهی خسرو پرویز' در شاهنامه با اشوب تیسفون آغاز می‌شود و زندانیان خود را از بند رها می‌سازند و آن‌گاه از آنان به بارگاه 'هرمزد' حمله می‌برند و او

را نابینا می‌کنند. به دنبال این حوادث 'گیتهم' فرستاده‌ای نزد 'خسرو' می‌فرستد و او را از وقایع آگاه می‌کند و...

چاپ اول

۵۳- در بارگاه فردوسی. منوچهر احتشامی. - تهران: بیکان. - ۳۴۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۸-۰۷۰-۵



کتاب با شرحی از زندگی و عصر فردوسی آغاز می‌شود و در پی آن دوره اساطیری شاهنامه و پادشاهان پیشدادی معرفی می‌گردد. این کتاب که روایتی است از داستان‌های شاهنامه، با شرح بررسی داستان‌هایی چون داستان افراسیاب، داستان سیاوش، داستان رستم و رخش، رستم و سهراب، رستم و اسفندیار همراه شده است. نویسنده در لایه‌لای کتاب از اشعار شاهنامه بهره گرفته و در انتها نیز بزرگی‌ها و آزادگی 'رستم' را در بخشی جداگانه تجزیه و تحلیل نموده است.

۵۴- شاهنامه فردوسی: متن کامل.

ابوالقاسم فردوسی. - تهران: قطره. - ۱۳۷۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۵۰۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۳۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۵۸-۱۲-۱

۵۵- فرهنگ نامهای شاهنامه

منصور رستگارفسائی. - تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. - ۱۲۸۲ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: A comprehensive glossary of proper names in shahnamih of ...

شابک: ۹۶۴-۳۳۶-۰۷۴-۰

۵۶- فرهنگ نامهای شاهنامه

منصور رستگارفسائی. - تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. - ۱۲۸۲ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: A comprehensive glossary of proper names in shahnamih of ...

شابک: ۹۶۴-۳۳۶-۰۷۵-۹

۵۷- کسانی مروزوی: زندگی، اندیشه و شعر او

محمدامین ریاحی. - تهران: علمی. - ۱۵۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۲۳۰۰ نسخه.

شعر فارسی قرن ۵

۵۸- دیوان منوچهری دامغانی با حواشی و تعلیقات و تراجم احوال و ...

احمدبن قوص منوچهری: به‌اهتمام: محمد دبیرسیاقی. - تهران: زوار. - ۴۳۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۰۱-۰۰۱-۹

۵۹- رباعیات عمر خیام به یازده زبان: فارسی، عربی، روسی، ارمنی، ترکی، ژاپنی، ...

عمر بن ابراهیم خیام: مصحح: مسعود میرزایی مقدمه: محسن فرزانه: خطاط: حسین خسروی. - تهران: پارسا. - ۱۶۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۴۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: The rubaiyat of omar khayyam and ...

شابک: ۹۶۴-۵۵۳۳-۳۸-۴

شعر فارسی قرن ۶

۶۰- پرده سحر سحری: گزیده مخزن الاسرار حکیم نظامی گنجوی (همراه متن کامل).

گردآورنده: رضا انزلی‌نژاد. - تهران: جامی. - ۲۱۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

۶۱- منطق الطیر عطار

فاطمه صنعتی‌نیا، کامل احمدنژاد. - تهران: زوار. - ۱۷۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰ نسخه.

۱۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۰۱-۰۸۹-۲

شعر فارسی قرن ۷

۶۲- بانگ نای (داستانهای مثنوی مولوی).

گردآورنده: محمدعلی جمالزاده/مقدمه: محمدحسن فروزانفر - تهران: راد - ۴۱۴ ص. - وزیری (کالیگور) - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۸۲۹-۱۶-X

چاپ اول

۶۳- بر باهمای آسمان: گزیده‌ای موضوعی از مثنوی معنوی.

به‌اهتمام: سامیه بصیرمژدهی. - تهران: فرزاد روز. - ۲۹۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۳۸-۷۲-۱



کتاب، برگزیده‌ای است از مثنوی مولوی که در ابتدای آن سخنرانی زندیاد استاد عبدالحمید زرین کوب - که در سال ۱۳۷۳ در آمریکا ایراد شد - به چاپ رسیده است. اشعار این کتاب براساس هفتاد و هشت موضوع از جمله: در ایمان، در علم، در توحید، در عشق، در فقر، در ذکر، در رجا، در وجد، در ادب، در دعا، در قلب و در روح فراهم آمده است. کتاب با معانی برخی از عبارات و اشعار همراه است.

چاپ اول

۶۴- در مصاف تندباد (تجربه‌های عرفانی مولوی).

بخشعلی قنبری. - تهران: برسات. - ۹۶ ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۳۷۷-۱-۵



کتاب از چهار فصل تشکیل یافته و فصل نخست آن متضمن مطالبی است درباره زندگی، احوال و آثار مولوی بلخی. نگارنده در فصل دوم و سوم کتاب بر آن است ابتدا با ذکر نکاتی در باب تجربه‌های عرفانی، تجربه مولانا را در امر عرفان شرح و تحلیل نماید. فصل پایانی کتاب مربوط به روزهای پایانی زندگی مولوی و مرگ اوست. نگارنده در بخشی از کتاب یادآور می‌شود: خدایی که مولوی معرفی می‌کند، حیرت و اله شدن و شیدایی آدمیان را افزون می‌سازد و هرچه در صحن پروردگار بنگریم بر این حیرت اضافه می‌شود. به ویژه وقتی که عارف تجربه‌گرا در صفات کمال و جلال سیر کند.

چاپ اول

۶۵- شرح مثنوی.

جعفر شهیدی. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. - ۶۸۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۲۵-۲۶۶-۶

۶۶- شرح مثنوی شریف: مشتمل بر شرح ابیات از (۱) تا (۸۹۸).

محمدحسن فروزانفر. - تهران: زوار. - ۲۵۸ ص. - جلد اول. - وزیری (کالیگور). - (دوره) ۶۳۰۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۲۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۰۱-۰۱۰-۸

۶۷- شرح مثنوی شریف: مشتمل بر شرح ابیات از ۹۰۰ تا ۱۹۱۲.

محمدحسن فروزانفر. - تهران: زوار. - ۴۲۸ ص. - جلد دوم. - وزیری (کالیگور). - (دوره) ۶۳۰۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۲۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۰۱-۰۶۰-۴

۶۸- شرح مثنوی شریف: مشتمل بر شرح ابیات از ۱۹۱۳ تا ۳۰۱۲۵.

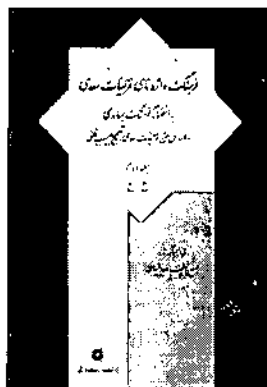
محمدحسن فروزانفر. - تهران: زوار. -

۵۰۶ ص. - جلد سوم. - وزیری (کالیگور). - (دوره) ۶۳۰۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۲۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۰۱-۰۶۱-۲

چاپ اول

۶۹- فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی به انضمام فرهنگ یسامدی (براساس متن غزلیات سعدی، تصحیح حبیب یغمائی).

گردآورنده: مهین دخت صدیقان، با همکاری: ابوطالب میرعباسی، ... و دیگران. - تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. - ۷۵۲ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - ۲۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: A concordance to sadi's ghazals ... شابک: ۹۶۴-۴۳۶-۱۲۰-۸



جلد دوم از 'فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی' متضمن واژگان و عباراتی است که براساس متن غزلیات سعدی، تصحیح حبیب یغمائی فراهم آمده است. واژگان و عبارات این جلد از حرف 'خ' آغاز می‌شود و تا پایان حرف 'ع' را در برمی‌گیرد. در هر مدخل بیت‌های مورد نظر و شماره آن براساس تصحیح مذکور به چاپ رسیده است.

۷۰- کلیات سعدی: گلستان، بوستان، غزلیات: تصحیح شده از روی نسخه فروغی.

مصطفی‌بن عبدالله سعدی/به‌اهتمام: ناصر احمدزاده. - تهران: نگاه. - ۱۳۳۰ ص. - وزیری (کالیگور). - ۳۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۵۰۳-۰۸-X

مثنوی معنوی.

جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی/مصحح: رینولدالین نیکلسون. - تهران: ققنوس. - ۱۲۶۸ ص. - وزیری (کالیگور). - ۳۹۰۰۰ ریال. - چاپ

چهارم / ۴۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۱۰۹-۱

چاپ اول

۷۲- مثنوی معنوی.

جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی. - تهران: پل. - ۱۰۴۲ ص. - وزیری (کالیگور). - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۲۵-۱۳-۱

۷۳- مثنوی معنوی: مشتمل بر ۲۵۷۱۲ بیت در شش دفتر با انضمام کشف‌الایات ...

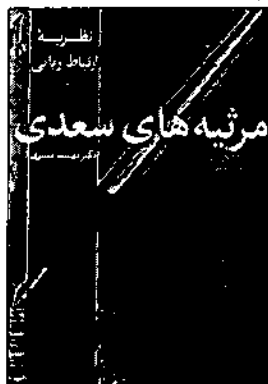
جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی/به‌اهتمام: جواد اقبال/مقدمه: جواد سلماسی/زاده. - تهران: اقبال. - ۱۱۸۶ ص. - وزیری (کالیگور). - ۴۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۰۶-۰۸۱-۴

چاپ اول

۷۴- نظریه ارتباط زبانی و مرثیه‌های سعدی.

مهشید مشیری. - تهران: آگاهان آینده. - ۵۸ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: The elegies of saadi ...

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۱۵-۸-۷



ابتدای این نوشتار، سخنی است در باب شیوه موثر زبان سعدی در موعظه و پند، و مرثیه که در پی آن چند مرثیه از او به چاپ می‌رسد که عبارت‌اند از: 'مرثیه سعد بن ابوبکر (ترجیع‌بند)', 'مرثیه امیر فخرالدین ابی‌بکر', 'مرثیه عزالدین احمد یوسف', 'مرثیه ابوبکر بن سعد زنگی', 'مرثیه سعد بن ابوبکر', 'مرثیه‌ای بر زوال خلافت بنی عباس'.

شعر فارسی قرن ۸

۷۵- آیین مردم هنری 'ابن یمین' شاعر مردم‌مدار.

به‌اهتمام: علی‌اصغر شریعت‌زاده/خطاط:

محمدرضا سعیدی. - تهران: یازینه. - ۶۰۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۷۲۲-۰۹-۸

چاپ اول



کتاب حاضر 'کلیات دیوان ابن یمین فریومدی' است که با مقدمه مفصل نگارنده درباره احوال و آثار ابن یمین، همچنین بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر و مختصات شعر او به طبع رسیده است. نگارنده در مقدمه کتاب تلاش کرده چهره مردمی ابن یمین را بر اساس شعر او نمایان سازد.

چاپ اول

۷۶- خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی و قرن بیست و یکم تولدی دیگر.

مهدی پرهام. - تهران: شالوده. - ۳۷۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۳۳۸-۵-۹



نویسنده در این کتاب بر آن است راز ماندگار بودن حافظ را در عصر جدید تبیین نماید و از این رهگذر اندیشه و سخن حافظ را به مخاطبان نشان دهد. وی در بخشی از این کتاب خاطر نشان می‌کند: 'مخاطب این رند جهان‌بین آینده‌نگر فقط شاه شجاع و شاه پخی و شاه محمود و امثال این تفاله‌های تاریخ

نیست. بر کل ادیبانی خطاب می‌کند که می‌پنارند با تهدید و ارباب جنگ می‌شود بر جهان و خلق جهان حکومت کرد. این حافظی است که انسان به وضوح می‌بیند عصر، عصر اوست و می‌توان قیاس کرد که فردا هم باز به همین دست است چون او متصرف زمان است. همان کاری که عرفا می‌کنند و گذشته و آینده را در حال به سهولت می‌نگرند، کاری که بعدها امکانش را اینشتین به طریق علمی ثابت کرد. بدین ترتیب کتاب متضمن نقلاقی است که نگارنده می‌کوشد میان آرمان‌های حافظ و آرمان‌های عصر تناسب و سختی بیابد. در پیوست کتاب دو مطلب تحت عنوان "عرفان و عصر انفورماتیک" و "عشق زیربنای جامعه" به چاپ رسیده است.

۱۷۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۳۳۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۴۱-۰۳۶-۲

چاپ اول

۸۲- دیوان حافظ: براساس نسخه علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی.

شمس‌الدین محمد حافظ - تهران: جاجر- ۲۴۰ ص. - جیبی (گالینگور). ۶۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۶۶-۳۴-X

چاپ اول

۸۳- دیوان خواجه حافظ به انضمام فال حافظ و توضیحات عرفانی ادبی وازگان.

به‌اهتمام: احمد دانشگر، نوبهار: مریم دانشگر - تهران: حافظ نوین - ۶۳۰ ص. - وزیری (گالینگور). ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۱۸۰-۴۹-۲

۸۴- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ.

خطاط: محمد تقی سرمست؛ مقدمه: حسین نیکام - تهران: نکتر - ۳۳۲ ص. - وزیری (گالینگور). ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ ششم / ۴۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۳۹۴-۰۰۰

۸۵- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی.

مقدمه: حسین الهی قمشه‌ای؛ خطاط: اسماعیل نژادفر دراستانی - تهران: محمد - ۳۷۴ ص. - جیبی (گالینگور). ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ هفتم / ۵۱۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۶۶-۵۳-۲

چاپ اول

۸۶- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی.

شمس‌الدین محمد حافظ؛ به‌اهتمام: محمد قزوینی، قاسم غنی - تهران: لوح محفوظ - ۴۲۶ ص. - جیبی (سلفون). ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۷۰-۲۳-۱

۸۷- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی: با مقابله نسخه تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی.

مقدمه: یان رییکا؛ خطاط: عباس ولیزاده.

تهران: هنرور - ۲۲۰ ص. - جیبی (سلفون). ۹۰۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۰۰۱-۰۰۵

چاپ اول

۸۸- دیوان شمس‌الدین محمد خواجه حافظ شیرازی: به همراه فالنامه جدولی.

شمس‌الدین محمد حافظ؛ خطاط: دانش نظری - تهران: قصه گو، سروای دانش - ۵۲۲ ص. - وزیری (گالینگور). ۲۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۰۸۵-۱-۳

۸۹- دیوان غزلیات مولانا شمس‌الدین محمد خواجه حافظ شیرازی: با معنی واژه‌ها و شرح ابیات و ذکر وزن و بحر ...

به‌اهتمام: خلیل خطیب‌رهبر - تهران: صفی علی‌شاه - ۷۳۰ ص. - وزیری (گالینگور). ۲۶۰۰۰ ریال - چاپ بیست و هشتم / ۴۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۲۶-۱۸-۸

۹۰- صدای سخن عشق: گزیده غزل‌های حافظ.

گردآورنده: حسن انوری - تهران: سخن - ۴۰۸ ص. - رقصی (شمیز). ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۸۳-۵۸-۴

۹۱- کلیات دیوان حافظ (خواجه شمس‌الدین محمد).

شاعر: شمس‌الدین محمد حافظ؛ خطاط: اسماعیل نژادفر دراستانی - تهران: یاسین - ۵۲۴ ص. - جیبی (گالینگور). ۵۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۹۵-۸۲-۵

۹۲- کلیات اشعار شاه نعمت‌الله ولی.

به‌اهتمام: جواد نوربخش - تهران: بلنفاقم - ۸۶۲ ص. - وزیری (گالینگور). ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۷۳۵-۰۵-۵

چاپ اول

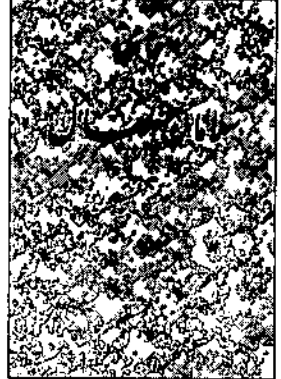
۹۳- منظومه سلمان و اقبال.

نورالدین عبدالرحمن جامی؛ مقدمه:

محمدعلی فرزبود - تهران: سروش - ۱۰۸ ص. - وزیری (شمیز). ۸۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Salaman and absal

شابک: ۹۶۴-۴۳۵-۰۲۶-X



"سلمان و اقبال" یکی از هفت مثنوی "عبدالرحمن جامی" است که شاعر ضمن روایت اصل داستان، حکایات متعدد دیگری نیز می‌آورد و در انتهای داستان تمثیری عرفانی از آن به دست می‌دهد. اصل داستان از این قرار است: "سلمان" فرزند "آرماتوس" - پادشاه روم، یونان و مصر - عاشق دایه خود می‌شود و ناگزیر با او به دیار غربت فرار می‌کند و سختی‌ها می‌بیند، اما در این هنگام "ایسال" جان می‌سپارد و سلمان نیز توسط حکیم از مهلکه نجات می‌یابد.

شعر فارسی قرن ۱۰ و ۱۱

چاپ اول

۹۴- اشعاری از صائب به انتخاب خود ایشان.

شاعر: محمدعلی صائب؛ به‌اهتمام: س. وحیدنیا - تهران: آینه ادراک - ۲۲۲ ص. - وزیری (شمیز). ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۶۶۶-۱-۵



اشعار کتاب براساس سفته‌ای از "صائب تبریزی" به چاپ رسیده و در ابتدای آن

نیز تصویری از اصل سفته با خط عارف قزوینی درج گردیده است. سفته حاضر متضمن تک بیت‌هایی از صائب تبریزی است که ظاهراً به انتخاب خود ایشان ترتیب و نظام یافته است.

شعر فارسی قرن ۱۴

چاپ اول

۹۵- اقبال یا چهارده روایت.

محمد بقایی - تهران: فردوس - ۳۳۶ ص. - رقصی (شمیز). ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.



در مجموعه حاضر چهارده نوشته درباره اقبال، اندیشه و آثار او به طبع رسیده که از این قرارند: اقبال، شاعری که باید او را درست شناخت؛ محیط طایبایی؛ "آرتسی" همسر و "خسودی" اقبال؛ م.ب.ماکان، اقبال و معرفت شهیدی؛ انور - م.ب.ماکان، "هنر شاعری اقبال" احمدعلی رجایی، "عشق و عقل از دیدگاه اقبال" م.ب.ماکان، اقبال، شاعر زندگی؛ غلامحسین یوسفی، "مفهوم "الحق" در نزد اقبال" م.ب.ماکان، "تحلیلی از جاویدنامه" احمدعلی رجایی، "چرا اقبال به غرب می‌تازد؟" سید جعفر شهیدی، "رابطه فرد و جامعه از دیدگاه اقبال" سیدین - م.ب.ماکان، "معیار ارزش‌های انسانی از دیدگاه اقبال" محمد مهدی ناصح، "قرآن و اقبال" محمد علوی مقدم، "مقصود اقبال از بازسازی اندیشه دینی" م.ب.ماکان و "ماخذ و مصادر فلسفه اقبال" وحید عشرت. در انتهای کتاب فهرست نام‌ها و موضوعات آمده است.

چاپ اول

۹۶- بازسازی اندیشه دینی اسلام.

محمد اقبال لاهوری؛ مترجم: محمد بقایی - تهران: فردوس - ۳۵۰ ص. - رقصی (شمیز). ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.



کتاب با نوشته‌ای از «محمدعلی اسلامی ندوشن» تحت عنوان یادی از «گلچین گیلانی» آغاز می‌شود؛ سپس نگارنده شرحی از زندگی «گلچین گیلانی» (شاعر معاصر) و معرفی آثار او به دست می‌دهد؛ آن گاه در بخشی دیگر (جستجوهای در شعرها) اشعار «گلچین گیلانی» را - با ذکر از آرای صاحب نظران در باب شاعر - نقد و بررسی می‌کند. بخش سوم کتاب گزیده‌ای است از اشعار «گلچین گیلانی» و در بخش چهارم پنج سروده نامبرده همراه با ترجمه انگلیسی فراهم می‌آید که عبارت‌اند از: «برگ»، «برده افتاده»، «خواب مستی»، «سایه»، «درخت بزرگ» و «راه». کتاب‌شناسی مآخذ و مراجع در انتهای کتاب به چاپ رسیده است.

۱۰۴- بر باد رفته.

شاعر: فاطمه زارع‌قلاتی. - شیراز: تخت جمشید. - ۶۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۹۴-۲۳-۲



«بر باد رفته» عنوان دفتر شعری است که جماعتی با مضمون عشق و به شیوه نو سروده شده است. «زخمی عشق» نمونه‌ای از اشعار این مجموعه است که این گونه آغاز می‌شود: چشم بر خدا افق / تکیه بر سنگ سکوت / راهی هجرت درد / اودم / توشه‌ام مهر کن / که کنون یا غم و زخم آمیخته / پشت بر دروازه عشق / سوی نیزار وسیع غربت / ایستاده و



شاعر در این دفتر، چهل و یک سروده به سبک و سیاق نو فراهم آورده که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: با کدام افسانه تسلی دهم / اندوه دلی را / که قرار ندارد / و آشفته تلنگر بادهاست / سر به سنگ می‌گذارم / و می‌دانم / تلخ‌تر از این افسانه‌ها / شوکرانی‌ست / که بر مزارم می‌روید.

چاپ اول

۱۰۲- اشک‌هایم را ریخته‌ام: مجموعه شعر. شاعر: فخری دشتی. - تهران: سارگل. - ۶۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۶۷۶-۳-۳



محتوای این کتاب ۲۲ سروده به سبک نوست که برای نمونه یکی از آنها - تحت عنوان «دندان عقل» - درج می‌گردد: در آینه چهره سفیدم را می‌بینم / با دندان‌های ردیف / می‌خندم / دندان عقلم درآمده / در دهان سی و دو دندان دارم / سی و دو دندان تیز / برای دریدن / جوین.

چاپ اول

۱۰۳- با ترانه باران: زندگی و شعر گلچین گیلانی. کامیار عابدی. - تهران: ثالث. - ۲۹۶ ص. - رقمی (گالینگور). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

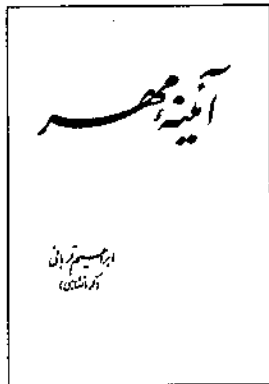
۲۲۰ ص. - وزیری (گالینگور). - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Alyneh-e mehr

۹۶۴-۵۵۱۰-۲۷-۳

شابک:



سروده‌های اصلی این مجموعه اغلب در قالب غزل است که در انتها چند قطعه و مثنوی نیز فراهم آمده است. لغزش مستانه نمونه‌ای است از غزلیات «ابراهیم قربانی» در این مجموعه: من خود از غیرت عشق تو چه مضمون سازم / یا چه آینه به سودای رخت پردازم / فکر موهوم عبارت به سراپم فکند / کاش عریان شوم و خویش در آب انظارم...

چاپ اول

۱۰۰- آینه‌ی بی تصویر: مجموعه شعر.

شاعر: فروغ باقری. - تهران: تهران صدا. - ۴۸ ص. - پالتویی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۴۳۱۱-۴۵-۲



اشعاری کوتاه به سبک نو محتوای این مجموعه است: برای نمونه «پادهای موسمی»: انگشت اشاره / دری نیمه باز / آینه‌ای بی تصویر.

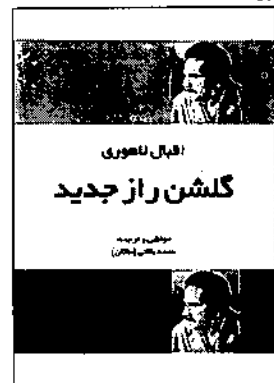
چاپ اول

۱۰۱- از حوالی برد و بلوط. شاعر: فروغ رمضان. - خرم‌آباد: افلاک. - ۶۶ ص. - رقمی (شمیز). - چاپ اول / ۱۲۰۰ نسخه.

۱۳۲۶ به چاپ رسید و اقبال وضعیت سرزمین‌های آسیا را بدان گونه که تحت تأثیر فکر و نحوه زندگی غربیان پیش می‌رفت توصیف می‌کند. او برترین وظیفه جامع شرق را پیوند حکومت و دین و زدودن آلودگی‌های جهان می‌داند. او در بخشی از این مثنوی مردم را اندرز می‌دهد که از دنیاالروی غرب دست بردارند و برای شناخت «نوار و اسرار حق» به میراث فرهنگی خویش رو کنند. مثنوی حاضر با مدح پیامبر (ص) خاتمه می‌یابد. ترجمه حاضر با مقدمه‌ای از دکتر سید جعفر شهیدی همراه است.

چاپ اول

۹۸- گلشن راز جدید. محمد اقبال لاهوری: مترجم: محمد بقایی. - تهران: فردوس. - ۲۰۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.

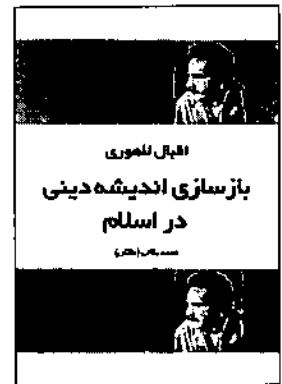


ترجمه حاضر شرحی است از «احمد بشیردار» به زبان انگلیسی بر مثنوی «گلشن راز جدید» سروده اقبال لاهوری که همراه با مثنوی دیگری از او به نام «بندگی‌نامه» در یک مجلد انتشار یافته است. اقبال در این مثنوی برخلاف «گلشن راز» سروده «شیخ محمود شبستری» در برابر تقدیر و سرنوشت بی‌ترجم، به فلسفه رضا و تسلیم تن در نمی‌دهد، بلکه با طرح و دفاع از نظریه «خودی» یعنی هسته مرکزی اراده پر قدرت انسان، نه تنها از جهان ماده و محسوسات به زوایای تاریک روح نمی‌خزد، بلکه فعالیت در جریان زمان غوطه می‌خورد تا مسیر آن را به سوی نیازهای بشری باز گرداند. مثنوی «بندگی‌نامه» نیز تمیزی است از وضع جامعه مسلمانان که تحت انقیاد سیاسی و فرهنگی امپریالیسم غرب قرار گرفته‌اند. اقبال در این مثنوی، زبانی گزنده دارد.

شعر فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

چاپ اول

۹۹- آینه مهر. شاعر: ابراهیم قربانی. - تهران: ما. -



انتر حاضر از «اقبال لاهوری» مشتمل بر هفت گفتار فلسفی در باب تفکر دینی در اسلام است. که اینک ترجمه‌ای از آن به دست داده می‌شود. اقبال در «بازسازی اندیشه دینی در اسلام» سعی دارد با بررسی دین در بستر علم و فلسفه، ذهن خواننده را متوجه پویایی دین نماید. از همین روست که در صفحات آغازین کتاب خاطر نشان می‌کند: «با پیشرفت اندیشه علمی حتی قابلیت تصور ما در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد. فرضیه اینشتین دید تازه‌ای از جهان ارائه می‌دهد و راه‌های جدیدی در بررسی مسائل، هم در برابر دین می‌نهد و هم پیش پای فلسفه می‌گشاید. بنابراین جای عجیبی نیست که نسل جوان مسلمان در آسیا و آفریقا طالب جهت‌یابی تازه‌ای در دین و ایمانشان باشند. بدین ترتیب روشی که اقبال در «بازسازی اندیشه دینی» در پیش می‌گیرد مثنوی بر واقعیات است و به همین سبب او به «بازسازی» (Reconstruction) توجه دارد نه به «آیاء» (Revival).

چاپ اول

۹۷- چه باید کرد؟

محمد اقبال لاهوری: مترجم: محمد بقایی. - تهران: فردوس. - ۲۳۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.



کتاب حاضر ترجمه‌ای است از شرح احمد بشیر دار (اقبال‌شناس پاکستانی) به زبان انگلیسی بر مثنوی «پس چه باید کرد؟» سروده «علامه اقبال لاهوری». در این مثنوی که نخستین بار در سپتامبر

سنگین شده‌ام...

چاپ اول

۱۰۵- پر بال نور: نوشتاری چند در مدایح امام عصر ارواحنا فداه، غیبت و انتظار.

عبدالحسین فخاری - تهران: نیا - ۹۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۸۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۴۳-۲۵-۶

چاپ اول

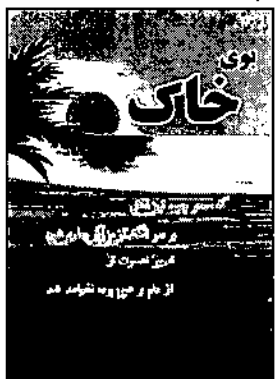
۱۰۶- بروا وقتی مرد شدی بیا! شاعر: روح‌الله ساریجلو - تهران: حمید - ۸۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۵۱۶-۲۸-۹



مجموعه اشعار این دفتر که به شیوه نو سروده شده غالباً دارای مضامین عاشقانه است. در قطعه 'سنگ صبور' از این مجموعه می‌خوانیم: 'آشک‌هایم را در کوچه ریخته‌ام / همه چیزها باز شدند / فقط تو / به خاطر من خیس شدی.'

چاپ اول

۱۰۷- بوی خاک: دفتر شعر. شاعر: محمدصادق طالبی زاده - تهران: آدنا - ۷۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۶۹۲-۸۸-۸

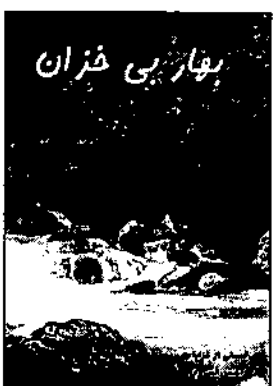


محمدصادق طالبی زاده در این دفتر

مجموعه‌ای از اشعار به شیوه سنتی و نو فراهم آورده است که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: باد در انبوه موج گیسوانش لحظه‌ای لرزید / دخترک برگشت و در چشمان من خندید / من نمی‌دانم چه گفت او یا من / اما من چنین گفتم: / تا کدامین شعر من روزی به یاد تو / ناخودآگاهانه در پوشینه الفاظ / خاطر این لحظه را آموزد او پرواز.

چاپ اول

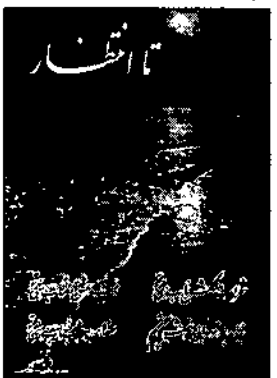
۱۰۸- بهار بی خزان: غزلیات. شاعر: محمد خسروی - تهران: محمد خسروی، یکان - ۱۲۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۵۰-۴۶۴-۶



محمد خسروی در این مجموعه بخشی از غزلیات خود را فراهم آورده است. ابیات آغازین غزل 'کوچه زلف' از این مجموعه بدین قرار است: سر به سودای تو آغشته به خون شد جگرم / عشق تو زد به سرم کوچه زلفت گدزم / من به هر کوچه و بازار که شدم بهر خرید / دل نشد مایل هر مانده متاعی بخرم...

چاپ اول

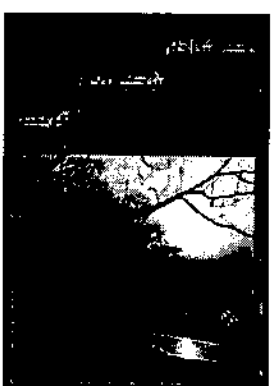
۱۰۹- ... تا انتظار. شاعر: مهران شمس - تهران: کوثر - ۹۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۵۴۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۳۱-۰۱-۷



'تا انتظار' مجموعه‌ای است از دوبیتی‌های 'مهران شمس' که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: من آن مرغ شیم، خوش رنگ و خوش ناز / که شوق دلبرم، آرد به آواز / رسد چون بوی او بر من / شبانگاه / فراز آسمان گیرم به پرواز.

چاپ اول

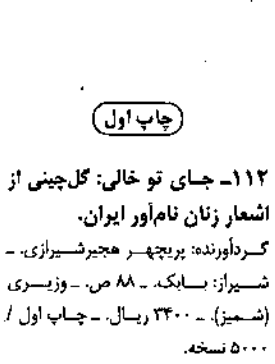
۱۱۰- تک شاخه شکسته غریبت. شاعر: عباس سپهری بروجنی - تهران: دانش آرا - ۱۰۰ ص. - جلد اول - پالتویی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۱۷۳-۰۹-۵



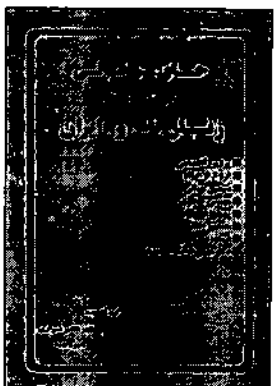
در کتاب عمدتاً اشعاری به سبک نو و با مضامین عاشقانه، سیاسی و اجتماعی فراهم آمده است. بخش آغازین شعر 'ویرانه‌ها' چنین است: جند شومی هست / هر شب می‌نشیند / بر سر بام / سرای ما / جند شومی هست می‌نشیند / می‌زند منتقام، از مقدار خود بر می‌کشد / فریاد / با فریاد خود مقدار خود را باز می‌گوید...

چاپ اول

۱۱۱- جانتاب. شاعر: لیلا ابراهیمی - تهران: نذیر - ۶۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۳۷-۱



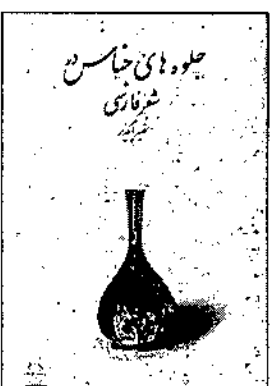
شابک: ۹۶۴-۵۶۷۹-۰۳-۶



در این کتاب، منتخبی از اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، مهستی گنجوی و دیگران فراهم آمده است.

چاپ اول

۱۱۳- جلوه‌های جناس در شعر فارسی. تصویر پایگذار - تهران: بوته - ۱۱۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۰۵-۰۶-X



شاعر در مقدمه کتاب تعریفی از 'جناس' در شعر فارسی به دست داده، سپس رباعیات، دوبیتی‌ها و تک بیت‌هایی فراهم آورده که به نوعی دارنده آرایه جناس هستند، برای نمونه: دل برد ز من به دلبری، دلداری / شکست دل و ناد به من، دلداری / گفتم که چرا دل مرا شکستی / گفتا: عجب، مگر تو هم دل داری؟

چاپ اول

۱۱۴- در جستجوی نیشابور: زندگی و شعر محمدرضا شفیعی کدکنی. مجتبی پشردوست - تهران: ثالث - ۵۸۰ ص. - رقصی (گالینگور) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۴۰۴-۸۷-۱



پژوهش حاضر شرحی است بر زندگی محمدرضا شفیعی کدکنی (شاعر و محقق معاصر) همچنین نقدی بر آثار او که با برگزیده‌ای از سروده‌های شاعر فراهم آمده است. در بخش نخست کتاب زندگی و خاطرات دکتر شفیعی کدکنی بازگو می‌شود. در فصل دوم (شعر و شناخت) خلاصه‌ای از آرای شفیعی کدکنی درباره زبان، شعر و هنر ذکر گردیده است. نگارنده در این بخش از سه کتاب او یعنی 'موسیقی شعر'، 'صور خیال در شعر فارسی' و 'ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت پهره برده است. وی در فصل سوم تحت عنوان 'سط شعر' یکایک دفاتر آیینهای برای صداها را تفسیر کرده و از این رهگذر، از آرای متفکران غربی به ویژه منتقدان ساختارگرا، ساختار شکن و پدیدارشناس استفاده نموده است. نویسنده در فصل چهارم 'آنا لب حیرت' به چند عنصر محوری مجموعه 'هزاره دوم آهوی کوهی' اشاره کرده که از آن جمله است: نسبت صورت و معنا، طریق دیالوگ با سنت، و ویژگی منظره و مکالمه در اثر یاد شده. فصل پنجم کتاب متضمن معرفی برخی ترجمه‌ها، تالیفات و مقالات شفیعی کدکنی است که گاه با نقد و بررسی نگارنده همراه شده است. در فصل ششم کتاب برگزیده‌ای از سروده‌های شفیعی کدکنی در مجموعه‌های 'آیینهای برای صداها' و 'هزاره دوم آهوی کوهی'، همراه با فهرستی از دفاتر شعری، تالیفات و تحقیقات نامبرده فراهم گردیده است. پایان بخش کتاب شامل فهرست منابع و ساخت و چند تصویر از شفیعی کدکنی، دوستان، آشنایان و خانواده وی است.

چاپ اول

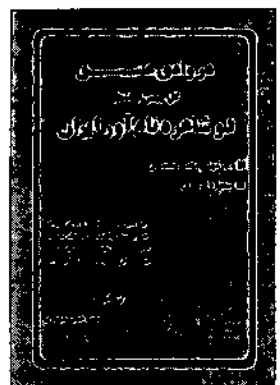
۱۱۵- در ستایش پدر. بهاهتمام: شهرام رحیمزاده - تهران: پارس - ۱۲۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۸۴۵-۲۴-۶



کتاب در دو بخش نظم و نثر سامان یافته و در آن ابتدا اشعاری از شعرای فارسی زبان در باب 'پلتر' جمع آمده، سپس قصه 'یعقوب و یوسف' از تفسیر 'سورآبادی' نوشته 'ابوبکر عتیق' به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۱۱۶- در وادی عشق: گل چینی از اشعار دو شاعره نام‌آور ایران- دکتر مهین دخت معتمدی، مستوره اردلان. شاعر: علی محمد بشارتی: گردآورنده: پریچهر هجیر شیرازی. - تهران: بابک. - ۱۳۳ ص. - رقی (شمیز). - ۳۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۷۹-۰۴-۴



مجموعه حاضر برگزیده‌ای است از اشعار 'مهین دخت معتمدی' و 'مستوره اردلان' که در قالب‌های سنتی از جمله غزل، دوبیتی و رباعی به نظم درآمده‌اند. 'خانه بر دوش' عنوان غزلی است از 'مهین دخت معتمدی' تا بود داغ غمت نقش به پیشانی ما/ کی به پایان رسد این سر به گریبانی ما/ همچو موی تو به روی تو پریشان شده‌ایم/ که نشانی است خوش از بی سر و سامانی ما/.

۱۱۷- دریا در من: گزینشی ترانه- ۱۳۷۴-۱۹۹۵-۱۳۴۸-۱۹۹۵. شاعر: شهیار قنبری. - تهران: جاویدان. - ۱۹۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۱۰۰۰

ریال. - چاپ سوم / ۱۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۷۳۲-۴۱-۷

چاپ اول

۱۱۸- دریا، همینجا که باید باشد. شاعر: غلامعلی نعمتی. - تهران: دژ. - ۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۵۸-۱۶-۸



کتاب عمدتاً حاوی اشعاری است به سبک نو که اغلب با مضمون عشق و زندگی فراهم آمده‌اند، برای نمونه: می- آیم/ آسمان‌هایمان را/ با هر سقفی توپوش می‌کنیم/ و بس/ نقری یک سطل رنگ بزمی داریم.

چاپ اول

۱۱۹- دستهای آفتابی. شاعر: معصومه‌شپین ناز فتابی. - تهران: سمر. - ۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۵۰۸-۱۸-۹

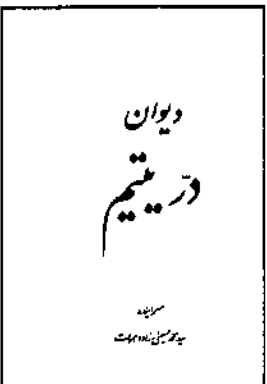


کتاب متضمن هفده سروده نوست که اینک بخشی از یک سروده - ریشه‌ها را نرسید - درج می‌گردد: با تمام ای قاصدک بیگانه/ آسمان، مردمک چشم من است/ این زمین/ ریشه و هم خوش من است/ می‌دانی؟! خاک با بوی نمش/ دشت با خار و شش/ باغ و گلستان من است/ می‌دانی؟! ریشه‌ها را نرسید/ ریشه‌ها داده به سرو این همه ناز/

ریشه‌ها کرده سر سرو و صنوبر به هوا/.

چاپ اول

۱۲۰- دیوان در یتیم. شاعر: محمد حسینی زاده هرات: ویراستار: حمید حسینی زاده. - تهران: ما. - ۵۱۲ ص. - وزیری (گالینگور). - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۱۰-۵۳-۸



'دیوان در یتیم' مجموعه اشعاری است از 'سید محمد حسینی زاده هرات' که با موضوعات مختلف اجتماعی، مضامین مذهبی و عارفانه، به نظم درآمده است، از جمله: به چشم اهل نظر این جهان چو زنجان است/ که این جهان دنی جای خوش بنیان است/ قدم به راه طریقت گزار ای سالک/ که انتهای رهش ابتدای انسان است/.

چاپ اول

۱۲۱- زبانۀ گزیده شعر. شاعر: محمود رکن. - تهران: فواد. - ۸۸ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۳۹-۷۱-۴



کتاب متضمن سروده‌هایی است در قالب غزل، قطعه و گونه‌های پراکنده. یکی از سروده‌های کتاب در سوک 'مهیدی حمیدی شیرازی' (شاعر معاصر) است: رفت آن که امیر کاروان بود/ با رهن شوخ سرگران بود/ رفت آن که به عمق تازی شب/ رهپوی و دلیر و راهنان بود/

دم بست به بوستان هزاری/ کش سوسن طبع سد زبان بود/.

چاپ اول

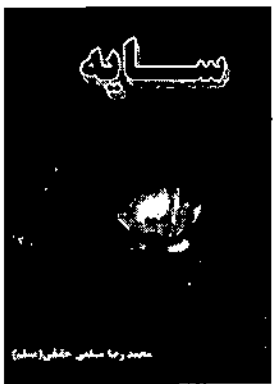
۱۲۲- زمستانی که در پیش است. ابوالفتح پاشایوری. - تهران: نذیر. - ۸۸ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۲۲-۰



عشق، راز و نیاز، و فراق محتوای اصلی سروده‌های این دفتر را تشکیل می‌دهد که اغلب به شیوه سنتی به نظم درآمده- اند: برای نمونه: تا به کی باید کشیدن درد بی تو/ گشته‌ام آواره و شکرگرد بی تو/ تو تمام فصل‌هایت سبز بی من/ من تمام فصل‌هایم زرد بی تو/.

چاپ اول

۱۲۳- سایه. شاعر: محمدرضا مسلمی حقیقی. - شیراز: تخت جمشید. - ۶۲ ص. - رقی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۹۴-۴۲-۴



منظومه حاضر در قالب مثنوی، حاوی مضامین عرفانی 'دعای کمیل' است. ابیات آغازین این منظومه پانصد بیتی چنین است: ختم می‌دان گر بجا مانده سرینست/ در مسیر متخط لایشرعی است/ پیش از این با کاهن مشعل فروز/ بارها گفتم که نادانم هنوز/ لطف کن

شایستگی از من مخواه/ راه خودگیر و میبچانم ز راه/.

چاپ اول

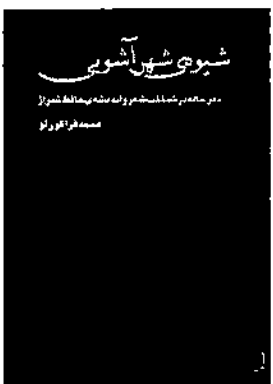
۱۲۴- سوار شعر. شاعر: حامد حجت‌خواه. - تهران: شرکت تعاونی رویکرد نوین. - ۹۴ ص. - رقی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۰۴۳-۸-۵



فصل نخست این مجموعه متضمن اشعاری است که در قالب رباعی به نظم درآمده و در فصل دوم اشعاری دیگر، عمدتاً در قالب غزل به طبع رسیده است. نمونه‌ای از سروده‌های این مجموعه چنین است: آن عاشق خستهای که گویند منم/ آن تار گسسته‌ای که گویند منم/ در سینه درد خیز مردان بزرگ/ آن قلب شکسته‌ای که گویند منم.

چاپ اول

۱۲۵- شیوه‌ی شهر آشوبی: ده رساله‌ی عرفانی، فلسفی و سیاسی در شناخت منش و کنش شعر، اندیشه و زندگی حافظ ... شاعر: محمد قراگوزلو. - تهران: ایران جام. - ۲۹۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۴۴۹-۹-۴



کتاب متضمن ده رساله عرفانی، فلسفی

و سیاسی در شناخت شعر، اندیشه و زندگی حافظ شیرازی است. نگارنده درباره حافظ چنین خاطر نشان می‌کند: برخلاف کسانی که حافظ را شاعری سیاسی نمی‌دانند و او را تا حد قدسین به عرش اعلی می‌برند، نگارنده معتقد است که حافظ نه تنها شاعری سیاسی است، بلکه در مبانی جهان‌شناسی و اصول فکری سیاسی، اجتماعی خود از چارچوب اندیشه‌های مشخص پیروی می‌کند. حافظ به هر پدیده و مفهومی جز وحدت وجود عشق - به دیده تردید می‌نگرد و خود را در موضع انتقاد قرار می‌دهد. او در مقابل ناهنجاری‌های اجتماعی روزگار زبان به اعتراض می‌گشاید و گاه تا آن جا پیش می‌رود که حتی دست به نقد ساختارهای حاکم و سرشت و روش آدمیان زمانه خود می‌زند و...

۱۲۶- صحیفه سجادیه منظوم.

شاعر: محمدحسین سلطانی. - تهران: آرون. - ۲۸۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۴۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۳-۶-۱

چاپ اول

۱۲۷- طعم دهان سبب.

شاعر: داریوش اسدی کیارس. - تهران: آدین. - ۴۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۴۴۳-۱۶-۸



کتاب متضمن ۲۷ سروده است که در دو بخش: 'زیر درخت کنار' و 'عاطفه به ماه' به چاپ رسیده است. 'یوسف و زلیخا' عنوان یکی از این سروده‌هاست؛ یا به جای پایت گذاشتم / راهی را که رفته بودی تا فلق / یوسف را دیدم / افتادم کنار جویی / و مردم از زلیخا بودن.

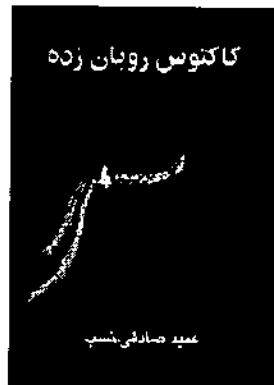
چاپ اول

۱۲۸- کاکتوس روبان زده.

شاعر: عمید صادقی نسب. - تهران:

حمید. - ۸۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۵۱۶-۲۶-۲



در این کتاب اشعاری به شیوه نو، به همراه سه غزل، جمع آمده است. این اشعار عمدتاً حاوی مضامین سیاسی و اجتماعی هستند که از آن جمله است: شعر آستجالت: گله گی نکن / این جاده کورهای بیش نیست / که بر بازوی نوزادانشان / زیتون خالکوبی می‌کنند / و مردانشان از چوب درختان زیتون / نیزه می‌سازند / همیشه کنار این جاده کوری نشسته / و در حدقه چشمانش / گل سرخی کاشته است / گل گیوه‌هایش / بوی گور منتظر می‌دهد...

چاپ اول

۱۲۹- گذری در شالیزار نیما (مجموعه شعر).

شاعر: حفیظ الله ممبینی (غمگین). - تهران: به نگار. - ۱۷۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۳۳۲-۴۲-۰



شاعر در این مجموعه عمدتاً اشعاری را به سبک نو فراهم آورده که قطعه در راه نمونه‌ای از آنهاست: تکتسوار خسته در راهی / که تند می‌راند / به سر منزل مقصود نمی‌رسد / مگر آن کس / که یال ابریشمین اسبش را / با خیال گیسوی بلند تو / در پنجه گرفته و / به شوق وصال تو / می‌تازد.

۱۳۰- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر.

شاعر: صابر امامی. - تهران: نیستان. - ۱۰۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۷-۰۰۱-۱



شماره حاضر از 'گزیده ادبیات معاصر' متضمن ۲۵ غزل، یک مثنوی کوتاه و ۲۱ سروده نو از 'صابر امامی' است که اینک نمونه‌ای از آن تحت عنوان 'آینه گردانی' درج می‌گردد: غریبا به حیرانی‌ام می‌کشانی / به شب‌های ویرانی‌ام می‌کشانی / دلم سخت تنگ است و قلبم گرفته / به چشمان بارانی‌ام می‌کشانی / مرا می‌فریبی به جادوی چشم / به میدان قربانی‌ام می‌کشانی...

چاپ اول

۱۳۱- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر.

شاعر: محمدرضا محمدنیکو. - تهران: نیستان. - ۹۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۷-۰۰۸۲-۸



در شماره حاضر از 'گزیده ادبیات معاصر' ۲۲ رباعی، ۱۳ غزل و ۲۴ سروده نو از 'محمدرضا محمدنیکو' به چاپ رسیده است. 'قصرچام' نمونه‌ای از اشعار این مجموعه است: میوه / در انتهای کمال خود می‌افتد / برگ / در ابتدای زوال خود /

بستر چگونگی می‌افتی مرد / مانند میوه سرخ / یا مثل برگ زرد.

چاپ اول

۱۳۲- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر.

شاعر: مسعود ارشادی فر. - تهران: نیستان. - ۱۰۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۷-۰۰۲۱-۶



چهل و هفت غزل در شماره حاضر از مجموعه 'گزیده ادبیات معاصر' سروده 'مسعود ارشادی فر' به طبع رسیده که از آن جمله است: وقتی نسیم عشق از آن دورها وزید / توفان نشست و پنجره از شوق پر کشید / از پشت ابر، ماه نگاهی به جاده کرد / خورشید را میان زمین گرم جلوه دید...

چاپ اول

۱۳۳- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر.

شاعر: عبدالرضا موسوی. - تهران: نیستان. - ۹۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۷-۰۰۹۷-۶



چهل و پنج غزل از 'سید عبدالرضا موسوی' در این شماره از مجموعه 'گزیده ادبیات معاصر' به چاپ رسیده که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: نمی‌دانم کدام ابلیس جانم را به غارت برد / کدامین دست پنهان آسمانم را به غارت برد...

برد / من اما خواستم حرفی، کلامی گفته باشم / لیک / هجوم وحشت از بوجی زبانت را به غارت برد...

۱۳۴- گزیده اشعار ملک الشعرای بهار.

به اهتمام: مهرش طهری ویراستار: طه رحمان. - تهران: قدیانی. - ۲۵۰ ص. - پالتویی (سلفون). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۱۷-۱۳۰-۶

چاپ اول

۱۳۵- مردگان آفتاب: مجموعه شعر.

شاعر: فرشته رجبی. - تهران: برنامه. - ۵۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۸۲-۰۸-۳



'مردگان آفتاب' سروده‌هایی است به شیوه نو از 'فرشته رجبی'. یکی از این سروده‌ها 'صدای او' نام دارد: من از صدای تو / رودخانه‌ها را پر از موج می‌کنم / و در خلوت سنگ‌هایش با تو سخن می‌گویم / و میوه ترک خورده تجربه را / در آب زلالش رها می‌کنم...

چاپ اول

۱۳۶- منظومه‌ی سمفونی خردل و سیانور.

فاروق صفی‌زاده. - تهران: نذیر. - ۳۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۰۸-۵



کتاب از یک منظومه درباره فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه و نوشته‌ای در توصیف آن، شکل گرفته است. در بخشی از این منظومه آمده است: حلبچه را لبخندهای بود / بر لبان بهار / و درد ناگاه در رسید / به هیات مرگی غبارین / سکوت / همه شادی را در خود کشید / باران خردل / خیابان‌ها را تر کرد...

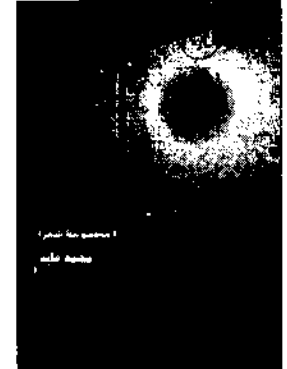
چاپ اول

۱۳۷ - مهر در شفق (مجموعه شعر).

شاعر: محمد عابد - تهران: سروش - ۲۳۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Love in the twilight (collection of poems)

شابک: ۹۶۴-۳۳۵-۴۰۹-۵



کتاب مجموعه‌ای است از اشعار مذهبی سروده محمد عابد. اینک یک رباعی از او تحت عنوان 'شب قدر: امشب نفس صبحگاهان پر خون شد / خاک سیه از خون علی گلگون شد / شد قدر علی به لیلہ‌القدر قرین / قدر شب قدر از علی افزون شد.

چاپ اول

۱۳۸ - نبض برگ.

شاعر: سیلوانا سلمانپور، مقدمه: علی موسوی گرماردی. - تهران: قدیانی. - ۱۲۰ ص. - رقی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۴۴۰۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۴۱۷-۳۵۲-X



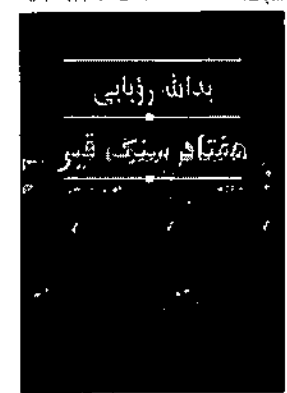
خاتم 'سیلوانا سلمانپور' در مجموعه 'نبض برگ' سروده‌هایی چند در شمر نیمایی فراهم آورده که شعر 'هجوم' نمونه‌ای از آنهاست: با واژه‌های نرم / رویای کودکی را / بر لوحه کهولت / ترسیم می‌کنم / آرام می‌نویسم، تا شاید / خواب لطیف دفتر من / نگلد از هم / اما / گلوآه‌های سرکش و عصیانگر / از نسل پر شهامت طوفانند.

چاپ اول

۱۳۹ - هفتاد سنگ قبر [دفتر شعر ۱۳۷۰ - ۱۳۷۰].

بدالله رویایی. - تهران: آژینه. - ۱۶۲ ص. - رقی (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۹۲۴-۵-۹



'هفتاد سنگ قبر' سروده‌هایی است از 'بدالله رویایی' طی سال‌های ۱۳۶۰ الی ۱۳۷۰ که به شیوه 'موج نو' فراهم گشته است. عامل وحدت دهنده مفهومی سروده‌ها مقوله 'مرگ' است. از جمله: رویایی ریخته / دره زیبا / مرگ / هر بار که بال لا شخور و سایه قاری / گیسوی دره را / از ریخته‌های خیال‌های یافته در فریب زغن / تاریک می‌کند / سیاهام را ای زایر / لنگر میان گیسو کن / تا جای مرگ را بشناسی.

چاپ اول

۱۴۰ - همچو شرور خندیدن.

شاعر: محمد صالحی آرام. - تهران: اطلاعات. - ۱۴۰ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۱۵۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۲۲۳-۴۵۲-۹



کتاب مجموعه‌ای است از اشعار طنزآمیز که در قالب‌های سنتی و با مضامین گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به طبع رسیده است. 'گلایه' عنوان نخستین شعر از این مجموعه است: هر جناحی کو بود از جمله، رویش بیشتر / زیر سقف نیلگون هم، های و هویش بیشتر / صدر هر محفل نشیند، هر چهول بی کلاس / سنگ نادانان خورد، هر کس بود، درویش تر...

چاپ اول

۱۴۱ - همنا با مرغ سحر: زندگی و شعر علی اکبر دهخدا.

بلیس سلیمانی. - تهران: ثالث. - ۳۰۰ ص. - رقی (گالینگور) - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۶۴۰-۹۸-۷



اثر حاضر شرح و روایتی است از زندگی سیاسی، علمی و فرهنگی 'علی اکبر دهخدا' که با ارزیابی وجوه سیاسی و فرهنگی نامبرده و نقد آثار او به طبع رسیده و در انتها منتخبی از اشعار 'دهخدا' درج گردیده است. نگارنده در پنج فصل نخست کتاب، چهره سیاسی و مبارزات دهخدا را - در قالب فراز و فرود زندگی او - بر می‌نماید. فصل‌های بعدی کتاب که به ویژگی نثر دهخدا، اندیشه عدالت گرایانه وی، معرفی لغت-نامه و امثال و حکم دهخدا، همچنین مختصات شعری و نقد و بررسی اشعار دهخدا - اعم از فکاهی، مستجدانه و سنتی - اختصاص یافته این عناوین را در بردارد: 'علامه علی اکبر دهخدا، مبتکر یا مؤسس نثر نوین فارسی'، 'دهخدا و سوسیالیسم'، 'لغت‌نامه بنایی سترگ'، 'در کسوت شاعری'، 'شعر فکاهی'، 'اشعار مستجدانه' و 'شعر سنتی'. در این کتاب، فهرست منابع (کتاب و مطبوعات) قبل از 'گزینه شعرها' به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۱۴۲ - بر بال پرستوها: مجموعه اشعار دانش‌آموزان برگزیده استان قزوین.

تهران: نادى تربیت. - ۶۴ ص. - رقی

(شمیز). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۳۳۸-۰۰۸-۹



در این مجموعه، اشعار برگزیده بیست و پنج دانش‌آموز از استان 'قزوین' به چاپ رسیده است. برای نمونه، 'سلام به بهار' سروده‌ای است از 'اکبر رضایتی': سلام ای همیشه سبز من / ای بهار / که همچون قیاقی از طراوت‌ها / بر روی آبشار زمان می‌گردد / و من سراسیمه و مضطرب / با هم آغوشی سبز / پرواز خواهم کرد / و مانند بارانی / بر روی پام - های کاه‌گلی / مضرب خواهم گرفت /

چاپ اول

۱۴۳ - در ستایش مادر.

به‌اهتمام: شهرام رجسزاده. - تهران: پارس. - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۵۸۴۵-۲۳-۸



در مجموعه حاضر، ابتدا اشعاری از خاقانی شروانی، نظامی گنجهای، عطار نیشابوری، سعدی، ایرج میرزا، پروین، نیما یوشیج، شهریار، محمود کیانوش و عمران صلاحی در مقام و منزلت 'مادر' انتخاب می‌گردد. در بخش دوم نیز نوشته‌ای از ابوالفضل بهقی تحت عنوان 'مادر حسنگ'، همچنین مطالبی از تفسیر سوره‌آبادی (فرمان‌برداری از مادر) و نوشته‌ای از عطار نیشابوری (رضای مادر) و در انتها یک حکایت از گلستان سعدی به چاپ رسیده است. حکایت سعدی (جهل جوانی) چنین است: 'وقتی به

جهل جوانی بانگ بر مادر زدم: دل از رده به کنجی نشست و گریان همی گفت: مگر خردی فراموش کردی که درشی می‌کنی؟'

۱۴۴ - در ستایش معلم.

به‌اهتمام: شهرام رجسزاده. - تهران: پارس. - ۵۶ ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال. - ۵۰۰۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۵۸۴۵-۲۵-۴

۱۴۵ - گل‌واژه‌های کوهسار: مجموعه سرودهای کوهستان.

گردآورنده: رسول زندی. - کرمان: خدمات فرهنگی کرمان. - ۱۶۸ ص. - جیبی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Mountainous songs شابک:

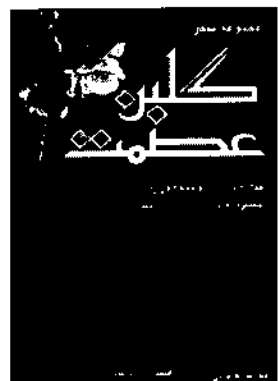
۹۶۴-۹۰۵۵۷-۷-۰

چاپ اول

۱۴۶ - گلبن عصمت: مجموعه شعر: مدایح و مراثی و نوحه در رثای حضرت فاطمه زهرا (ع).

گردآورنده: محسن حافظی. - تهران: کتابفروشی اسلامیه. - ۲۰۴ ص. - رقی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۴۸۱-۱۰۱-۱



فصل اول این مجموعه تحت عنوان 'میلادیه‌ها' متضمن اشعاری است در ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) که در پی آن مدیحه‌ها، مرثیه‌ها و نوحه‌هایی برای آن حضرت از شمرای مختلف به چاپ رسیده است.

نمایشنامه فارسی معاصر

چاپ اول

۱۴۷ - داستان‌های زیر بازارچه نظر بیگ.

میرزا رضویان. - تهران: کیوان. - ۸۰

ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۸۱-۲۳-۰



نویسنده در این کتاب نه داستان کوتاه به چاپ رسانده که عمدتاً طرحی از خاطرات کودکی اوست. داستان اول 'اکبر بلند' تصویری است از یک بازارچه قدیمی، یعنی بازارچه نظریک همدان و وقایع روزانه‌ای که در آن رخ می‌دهد است. راوی در این داستان که در نزدیکی بازارچه منزل دارد فضای سنتی بازارچه، نحوه معیشت و شیفته‌های کودکی خود را توصیف می‌کند.

چاپ اول

۱۴۸- دم‌دوز: نمایشنامه
عروسکی بر اساس قصه‌های ایرانی.
جواد ذوالفقاری، شادی پورمهدی. -
تهران: نوروز هنر. - ۶۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۴۷-۶-۲



نمایش‌نامه عروسکی این کتاب که براساس یک قصه ایرانی ساخته شده ماجرای یک موش است که دمش را از دست می‌دهد. او به همراه 'بازی ساز' قصه در پی افراد مختلف روان می‌شود تا دمش را بدو زند. اما هر یک از او خواستهای دارد که به نوعی با آب باران مرتبط است. سرانجام موش قصه رو به آسمان می‌کند و...

داستان فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

چاپ اول

۱۴۹- از یاد رفته.
حبیب قیطاسی. - تهران: گوبش. - ۹۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۵۲-۱-۴



داستان، ماجرای عاشقانه‌ای است که در آن پسری به نام 'سمید' که در روستا زندگی می‌کند با دختری به نام 'شیوا' آشنا می‌شود. 'شیوا' با پدر و مادرش در تهران به سر می‌برد و اینک برای تعطیلات تابستان به روستا آمده است. روابط دوستانه میان 'سمید' و 'شیوا' از طریق نامه ادا می‌یابد، اما یک روز سمید نامه‌ای از 'شیوا' دریافت می‌کند که تعادل روحی او را به هم می‌زند و...

چاپ اول

۱۵۰- بامداد خمار.
فناخته حاج‌سیدجواد. - تهران: پیکان. - ۴۴۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۴۲-۲۵۶-۲

چاپ اول

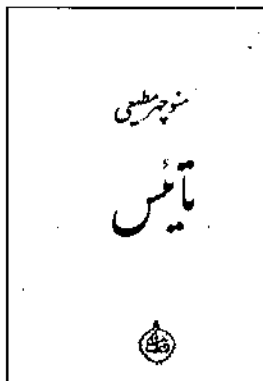
۱۵۱- پنجمین روز آفرینش.
فرهاد فیروزبخش. - تهران: فرهنگ و هنر. - ۸۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۵۹-۳۹-X



کتاب داستانی است تمثیلی به زبان حیوانات که در آن روابط طولی‌ها با کبوتران و چلچله‌ها به تصویر کشیده می‌شود. پرندگان در این داستان پس از فعالیت‌های گوناگون و گذران زندگی مادی، به این نتیجه می‌رسند که راهی برای اندیشیدن و عشق بیابند و چندان خود را سرگرم زندگی مادی نسازند.

چاپ اول

۱۵۲- تائیس.
منوچهر مطیعی. - تهران: رفعت. - ۴۹۶ ص. - وزیری (کالینگور). - ۲۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۸۶۷-۰۳-۰



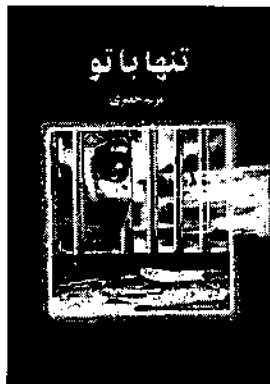
کتاب متشکل از چند داستان تاریخی است که در نخستین آن داستانی به نام 'تائیس' یا ماجرای آتش زدن تخت جمشید به طبع رسیده است. در این داستان، 'تائیس' دختری است بی‌اندازه زیبا و دلخیز از اهالی اورشلیم که در بازار برده فروشان یونان به حراج گذاشته می‌شود و سرانجام به دربار 'فلیپ' پادشاه مقدونی راه می‌یابد و پسرش 'اسکندر' شیفته زیبایی او می‌گردد. اسکندر در حمله به ایران 'تائیس' را به همراه خود می‌آورد و...

چاپ اول

۱۵۳- تنها با تو.
مریم (امینی) جعفری. - تهران: چکاوک. - ۳۱۶ ص. - رقصی (سلفون). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۴۳-۷۳-۷

داستان سرگذشت دختری است به نام 'عاطفه' که پدری متاد و بیکار دارد و مادرش ناگزیر هزینه زندگی خانواده را با کاری طاقت‌فرسا برعهده گرفته است. فقر و فلاکت، و از طرفی اختلاف و نزاع

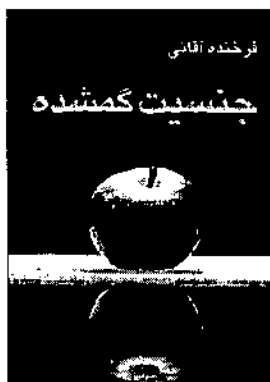
میان پدر و مادر، عاطفه را شخصیتی بسیار حساس و شکننده بار آورده، به



ویژه آن که 'عشق' نیز در این گیر و دار وارد زندگی او می‌شود و...

چاپ اول

۱۵۴- جنسیت گمشده.
فرخنده آقائی. - تهران: البرز. - ۱۸۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۲۴۲-۲۲۸-۱



داستان، شرحی است از زندگی پسری که دچار اختلال در جنسیت می‌شود و سرانجام بدون پیش‌بینی وضعیت آینده - با عمل جراحی - تغییر جنسیت می‌دهد. اما او با این تغییر در جامعه سنتی که دارای هنجارهای خاصی است با مشکلات عدیده‌ای رو به رو می‌شود و...

چاپ اول

۱۵۵- چاوآن.
آیت محمدی. - تهران: گفتمان. - ۱۱۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۸۴-۰۰۰-۲

در این داستان، 'چاوآن' دختری است از ایلات کوه‌های زاگرس که زندگی او در

میان کوچ‌نشینان ایل و عشق او به 'سیاوخش' - پسر عمویش - بازگو می‌شود و طس آن به گوشه‌هایی از آداب، رسوم و فرهنگ ایلات و عشایر اشاره می‌گردد.



۱۵۶- حسرت دیدار تو.
مریم (امینی) جعفری. - تهران: چکاوک. - ۳۸۰ ص. - رقصی (سلفون). - ۱۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۴۳-۵۹-۳

چاپ اول

۱۵۷- خیابان رویت.
جهانگیر خسروشاهی. - تهران: منادی تربیت. - ۶۴ ص. - پالتویی (شمیز). - ۳۷۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۰۰۶-۲



در داستان حاضر، سرگذشت خانواده‌ای روایت می‌شود که یکپند در فقر و تنگنا زندگی کرده عاقبت وضع مالی آنها بهبود یافته و اوقات را با خوشی سپری می‌کرده‌اند. 'سالار' پسر بزرگ خانواده است که دل در گرو دختری به نام 'کیما' می‌سپارد، اما او وقتی که درمی‌یابد برادرش شیفته کیمیاست از عشق خود دست می‌کشد و...

چاپ اول

۱۵۸- خیابان رویت.
جهانگیر خسروشاهی. - تهران: منادی تربیت. - ۶۴ ص. - پالتویی (شمیز). - ۳۷۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۰۰۶-۲



در این کتاب شش داستان کوتاه فراهم آمده که نخستین آن (به کلی سری) تصویر دیگری است از مقاومت، ایثار و صداقت رزمندگان در جنگ تحمیلی.

۱۵۸- داستان لیلی و مجنون (نظامی گنجوی).
گردآورنده: مزگان شیخی، نویر استار: حسین فتاحی. - تهران: قدیانی. - ۲۴۴ ص. - پالتویی (سلفون). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۱۷-۰۳۶-۹

۱۵۹- درخت آتش.
مهری ماهوتی. - تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه. - ۴۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۲۳۶-۷۶۷-۷



در کتاب، هفت داستان کوتاه مذهبی گردآمده که 'درخت آتش' یکی از آنهاست. این داستان، تصویری است از محبوب شدن حضرت موسی (ع) به پیامبری و ماموریتی که برای مبارزه با فرعون برعهده می‌گیرد.

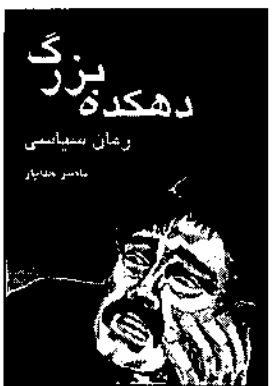
۱۶۰- دلواپسی.
هادی غلام‌دوست. - تهران: برنامه. -

۱۰۴ ص. - رقی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۸۲-۰۶-۷



داستان که با تصویری از طبیعت زیبای شمال همراه است، روایتی است از زندگی یک جانباز که خاطرات گذشته خود را به یاد می‌آورد و با آه و حسرت به طبیعت سرسبز می‌نگرد. او همسری باوفا به نام 'صدیق' دارد که مراقب جسم عیالش است و از خوبی‌ها و فداکاری خویش هیچ نمی‌کاهد و...

۱۶۱- دهکده بزرگ.
ناصر خدایار. - تهران: شیوه. - ۲۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۹۷۵۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۷۷۸-۸-۴



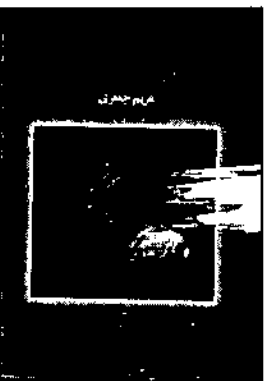
قهرمانان این داستان معرف شخصیت‌های جابر حکومت پهلوی، همچنین چهره‌های مبارز و مظلوم آن عصر است که به گونه نمادین حوادث آن در دهکده‌ای بزرگ رخ می‌دهد. 'شیخ موسی' یکی از شخصیت‌های این رمان سیاسی و یکی از روحانیان درباری است که با نقش ریا و سالوس خود قصد دارد مبارزات مردمی را به انحراف بکشد. چهره او در داستان نماد 'دکتر حسن روحانی' در دوره 'مصفا' است. او اعتقادات مذهبی را به مثابه وسیله‌ای برای تحکیم پایه‌های قدرت به کار می‌گیرد و...

۱۶۲- رقص پروانه.
محسن وثاقتی جلال. - تهران: خلاقی. - ۱۳۶ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۰۲۸-۶-۲



رقص پروانه داستان زندگی جوانی است به نام 'منصور'. او در کارگاه قالبیافتی واقع در ملایر کار می‌کند. 'منصور' صبح‌ها به کوه می‌رود و پس از آن با اشتیاق تمام مشغول به کار می‌شود و از نقش و نگار قالی‌ها لذت می‌برد. اما وجود منصور از عشقی پنهان لیریز است. عشقی که سرپای وجود او را در برگرفته و داستان براساس آن شکل گرفته است.

۱۶۳- رویای من.
مریم (امینی) جعفری. - تهران: چکاوک. - ۲۵۶ ص. - رقی (سلفون). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۴۳-۷۱-۲

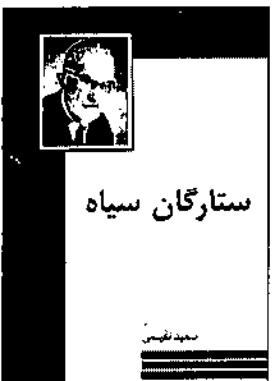


راوی در این داستان دختری است که از مصائب زندگی خود، از جمله زندگی در کنار نامادری و توطئه‌های او سخن می‌گوید؛ با این همه او تمامی موانع را پشت سر می‌گذارد و در کنار محبوب خود 'شهرزاد' زندگی شیرینی را می‌گیرد.

۱۶۴- سایه‌های محبت.
علی نوروزی. - تهران: گلریز. - ۱۲۸

ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۳۷-۰۲-۳

چاپ اول
۱۶۵- ستارگان سیاه.
سعید نفیسی. - تهران: مجید. - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۲۵۳-۰۳۲-۰



'ستارگان سیاه' مجموعه‌ای است از سی و یک داستان کوتاه اثر 'سعید نفیسی' که عنوان کتاب برگرفته از نخستین داستان این مجموعه است. در این داستان جوانی به نام 'نصیرالدین' فرزند 'علی‌عبداللین'، پس از فروپاشی حکومت پدر راهی دیار هندوستان می‌شود و به کارشناسی روزگار می‌گذراند. این امیرزاده گمنام همواره دو ستاره سیاه را در آسمان مشاهده می‌کند و هیچ گاه از رنج و بدبختی رهایی نمی‌یابد. او در یک روز بهاری گوسفندان را به پای قصر زیبایی به چرای می‌برد. قصر از آن خونخواه‌های است که دوازده زن زیبا را ربوده و در آن جا گرفتار ساخته است. سرانجام یکی از زن‌های قصر، راهی به بیرون پنا می‌کند و یکچند همدم 'نصیرالدین' می‌شود، در حالی که...

چاپ اول
۱۶۶- سوگلی حرمسرا.
پروین قائمی. - تهران: حسام، پورنگ. - ۵۲۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۸۵-۱۱-۱

در این داستان تاریخی، 'فرخ میرزا' پسر فتحعلی شاه که به تازگی حکومت شیراز را به جنگ آورده در اندیشه ازدواج با دختری است که شاید او را صاحب فرزند کند، زیرا او پیش از این دختران بسیاری را که از او صاحب بچه نشده‌اند به قتل

رسانده غافل از آن که خود نمی‌تواند صاحب فرزند شود. ماجرای اصلی داستان، از آنجا آغاز می‌شود که هیچ یک از اهالی شیراز حاضر به وصلت با شاهزاده نیستند و 'حاج مصباح' از جمله



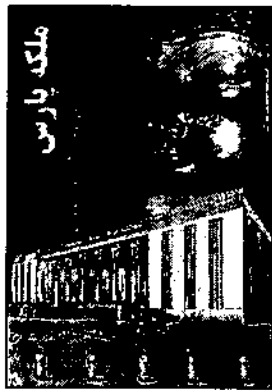
کسانی است که فراتر از شاهزاده، دختر او را برگزیده‌اند و او نیز ناگزیر کنیز خود را به جای دخترش مرفعی می‌کند که 'نگین' نام دارد. 'نگین' اینک با آگاهی کامل از وضعیت شاهزاده پایی به حرمسرای او می‌گذارد و با ترفند تمام امور حرمسرا را در اختیار می‌گیرد و...

۱۶۷- شازده احتجاب.
هوشنگ گلشیری. - تهران: نیلوفر. - ۹۶ ص. - رقی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۴۸-۱۳۲-۱

۱۶۸- شازده احتجاب.
هوشنگ گلشیری. - تهران: نیلوفر. - ۱۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۵۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۴۸-۱۳۲-۱

چاپ اول
۱۶۹- شقایق‌های عاشق.
اعظم سبحانیان. - شیراز: تخت جمشید. - ۹۰ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۹۴-۳۵-۱

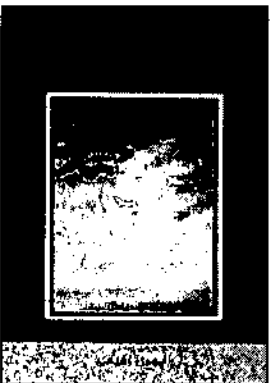




در این داستان تاریخی، اگرادات یا کوروش ابتدا مخفیانه نزد «میتزادات» شیان «آزادی‌هاک» - پادشاه ماد - بزرگ می‌شود، اما پس از ماجراهایی «آزادی-هاک» درمی‌یابد که کوروش زنده است، از این رو قصد دارد او را به درخیمان بیاورد. از طرفی کوروش سخت شیفته دختر «آرتیمارس» است که «اسپینوی» نام دارد. در ادامه داستان عشق و وفاداری از یک سو، و جدال قدرت از سوی دیگر روایت می‌شود که سرانجام همه امور به پیروزی کوروش می‌انجامد و «اسپینوی» ملکه پارس می‌شود.

چاپ اول

۱۸۰- مهاجر تنها.
مهدی رحیمی - تهران: نیا - ۱۱۶ ص.
- رقصی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۲۳-۲۴-۸



«مهاجر تنها» سرگذشت پسر بچه‌ای است که خانواده خود را در اثر بیماریان عراقی - ها از دست داده و بی‌پناه و آواره به دنبال مأوا می‌گردد. تنها خویشتان پسرک، خاله اوست که در تهران زندگی می‌کند از همین رو، ناگزیر به این شهر می‌آید و...

۱۸۱- نگین محبت.

فریده رحمانا - تهران: لیوسا - ۸۱۸ ص.
- رقصی (کالینگور) - ۳۲۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۳-۰۶-۷

مردی دیگر ازدواج کرد. با این همه، بچه‌ها به تدریج بزرگ می‌شوند و بر



مشکلات فائق می‌آیند و سرانجام هر یک تشکیل خانواده می‌دهند و...

چاپ اول

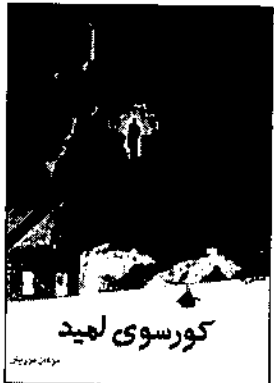
۱۷۸- لحظه‌های خداحافظی.
عباس سپهری بروجنی، ویراستار: طاهره تقایی - تهران: دانش آرا - ۶۸ ص.
- پالتویی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۱۷۲-۰۱-X



راوی در این داستان از چگونگی آشنایی خود با دختری به نام «شقایق» سخن می‌گوید. شقایق به دلیل مشکلات خانوادگی از خانه فرار کرده بود و اینک به «سهیل» (راوی داستان) پناه آورده است. آشنایی این دو سرانجام به ازدواج منجر می‌شود، اما...

چاپ اول

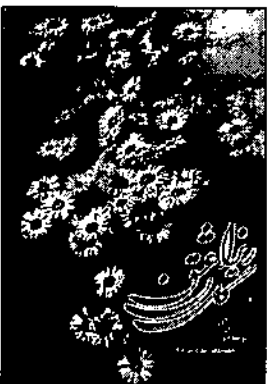
۱۷۹- ملکه پارس: اسپینوی فاتح قلب کوروش.
بهرام افراسیابی - تهران: گنجینه فرهنگ - ۳۷۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۳۶-۰۰-۰



در این داستان «حمید» جوانی است که صمیمانه به «نسرین» دختر دلخواه خود - عشق می‌ورزد و به خاطر او حتی از زندگی و آینده خود دست می‌کشد و...

چاپ اول

۱۷۶- گلریزان عشق.
مصطفی قربانزاده - تهران: نذیر - ۹۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۱۵-۸



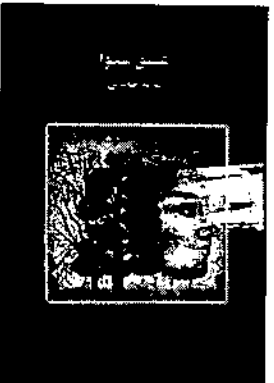
«گلریزان عشق» سرگذشت زندگی پسری است متدین و سر به راه که در دام عشق دختری گرفتار می‌آید که ظاهراً هیچ تناسب و سنجی با یک دیگر ندارند، زیرا «سیده» هیچ یک از خصوصیات خواستگار خود - «حمید» - را ندارد، با این همه...

چاپ اول

۱۷۷- گیوه‌های کودکی.
عباس سپهری بروجنی - تهران: دانش آرا - ۵۶ ص. - پالتویی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۱۷۲-۰۰-۱

راوی در این داستان از فقر و بدبختی ایام کودکی خود سخن می‌گوید و این که چگونه پدرش از دنیا رفت و مادرش او و دو خواهرش را تنها گذاشت و با

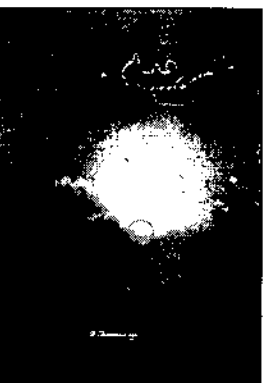
پسر خاله او «یمان» است که نقشی



اساسی در زندگی او ایفا می‌کند و ارتباط این دو زمینه اصلی داستان را می‌آفریند و...

چاپ اول

۱۷۳- غریبه.
عباس سپهری بروجنی - تهران: دانش آرا - ۵۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۱۷۲-۰۵-۲



«غریبه» داستان عاشقانه‌ای است که راوی در آن از عشق دلخواره خود و حوادث پیرامون آن سخن می‌گوید.

۱۷۴- قصه‌های بی‌بی.

رفیع افتخار - قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات - ۹۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Qesseha-ye bibi (the granny's tales)

چاپ اول

شابک: ۹۶۴-۳۲۴-۷۵۱-۵

۱۷۵- کورسوی امید.

مژگان نوربان - قم: فاطمه الزهرا (س). - ۲۰۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۶۸-۱۲-۷

در این داستان عاشقانه، بخشی از زندگی مردم ایلات و عشایر، به ویژه عشایر قشقایی بازگو می‌شود و طی آن بخشی از آداب، رسوم و درگیری‌های قومی که زندگی دختران و پسران ایلی را دستخوش تغییر می‌سازد، روایت می‌گردد.

چاپ اول

۱۷۰- طالع سرخ.
مریم حسینی - تهران: پیکان - ۲۴۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۰۴۲-X

چاپ اول

۱۷۱- عشق پنهان.
مریم مقدم - تهران: آنوس - ۱۷۳ ص. - رقصی (سلفون) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۳۳۳-۰۰۹-۱



«عشق پنهان» ماجرای زندگی سه برادر است که در اثر حادثه‌ای پدر خود را از دست می‌دهند و برادر بزرگتر بار سنگین زندگی را و مسئولیت دو برادر دیگر را به دوش می‌کشد. اما برادر دوم در مسیری اثبات‌شده از ناپاکی‌ها گرفتار می‌آید و زندگی اطرافیان را نیز دستخوش تغییر می‌سازد. حال آن که برادر سوم با درک صحیح از زحمات برادر بزرگتر، عشق را جایگزین تمام ناکامی‌ها می‌سازد و...

چاپ اول

۱۷۲- عشق شیوا.
مریم (امینی) جعفری - تهران: چکاوک - ۲۹۲ ص. - رقصی (سلفون) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۴۳-۷۷-۱

رمان، سرگذشت دختری است به نام «شیوا» که وقایع زندگی او از دوره کودکی، تا ایام جوانی و عشق روایت می‌شود. همبازی دوره کودکی شیوا،

۱۸۲- هزار و نه: مجموعه داستان.

اکبر صحرایی: ویراستار: احمد اکبرپور - تهران: کنگره سرشاران و چهارده هزار شهید استان فارس - ۱۰۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۳۷۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۷۱۹-۳۶-۴

چاپ اول

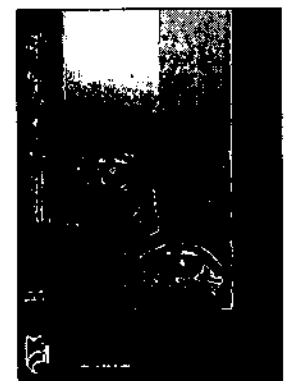


کتاب متشکل از هشت داستان کوتاه است که در آنها به نوعی وقایع جنگ تحمیلی و بازتاب آن در زندگی مردم انعکاس یافته است.

چاپ اول

۱۸۳- یک قطره، دو چشم: مجموعه داستان دفاع مقدس.

به‌اهتمام: بابک طیبی - تهران: کنگره سرشاران و چهارده هزار شهید استان فارس - ۱۵۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۳۷۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۷۱۹-۳۴-۸

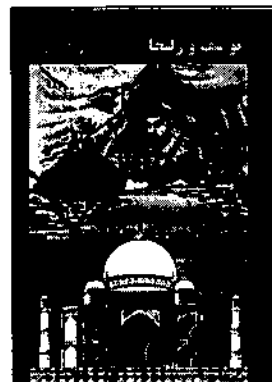


کتاب متضمن سیزده داستان کوتاه است که آنها را 'شاهرخ تندرو صالح'، اکبر صحرایی، 'بزرگ صفری'، 'سید محمدحسن امانت'، 'تاریوش مهبودی'، 'حنیف راست گفتار'، 'حمید قاسم زادگان'، 'چهرمی'، 'بیزن کیبا' و 'حسین ساختمانیان' به رشته تحریر درآورده‌اند. هر یک از این داستان‌ها روایتی است از

جنگ تحمیلی و پایداری رزمندگان در برابر دشمن.

چاپ اول

۱۸۴- یوسف و زلیخا. اسماعیل شاهرویی - تهران: جرس - ۲۰۰ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۸۶-۱۳-۴

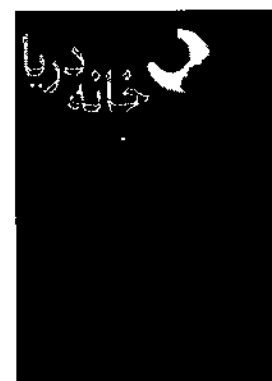


'یوسف و زلیخا' یکی از قصص قرآنی است که اینک به نثر فارسی بازآفرینی شده است. داستان حاضر مجموعه‌ای است از امور متضاد از جمله فراق و شادی، غنا و فقر، عشقی هوسناک و پاکدامنی، اندوه و خوشحالی، نهمت و تیرا، و امارت و اسارت.

چاپ اول

۱۸۵- خانه‌ی دریا: مجموعه داستان.

ویراستار: حسن معمار، مهیلا عبدالحسینی: به‌اهتمام: دفتر هنر و ادبیات - ایثار - تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، دفتر هنر و ادبیات ایثار - ۱۵۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۵۰-۰۶-۰۰



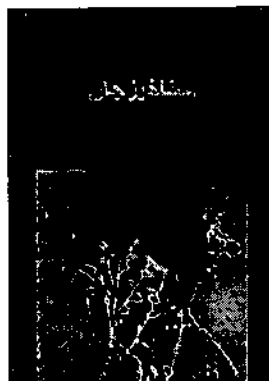
در کتاب، هشت داستان کوتاه عمدتاً با مضمون ایثار، جبهه و جنگ فراهم آمده که نخستین آن (خانه دریا) تصویری است از مبارزات مردم مسلمان ایران در

برابر رژیم شاهنشاهی.

مقاله‌های فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

چاپ اول

۱۸۶- رستاخیز جان. مرتضی آوینی - تهران: ساقی - ۱۹۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۸۹۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۷۵-۱۳-۸



'رستاخیز جان' (هفتمین کتاب از مجموعه آثار 'شهید مرتضی آوینی') مشتمل بر مجموعه مقالاتی است که طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ در حوزه هنر، ادبیات و فرهنگ در برخی مطبوعات ایران به چاپ رسیده است. عناوین پاره‌ای از مقالات عبارت‌اند از: ادبیات آزاد یا متعهد، 'زمان و انقلاب اسلامی'، 'آزادی قلم'، 'رستاخیز جسم و رستاخیز جان'، 'زبان و فضا'، 'یادداشتی ناتمام در باب هویت و حقیقت انسان'، 'چرا روشنفکران مورد اتهام هستند؟' و 'ویدئو در برابر رستاخیز تاریخی انسان'.

چاپ اول

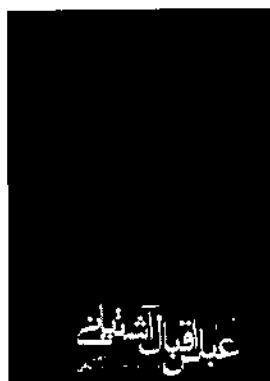
۱۸۷- مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی.

محمد دبیرسیاقی - تهران: روزنه - ۶۳۸ ص. - جلد اول - وزیر (شمیز) - ۳۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۲۴-۰

چاپ اول

۱۸۸- مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی.

گردآورنده: محمد دبیرسیاقی - تهران: روزنه - ۶۸۰ ص. - جلد دوم - وزیر (شمیز) - ۲۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۲۵-۹



کتاب حاضر، بخش دوم از مجموعه مقالات 'عباس اقبال آشتیانی' است که با موضوعات متعدد تاریخ، فرهنگ، ادبیات و نظایر آن - در مجله‌های عصر از مجله 'مهتر'، 'ایران امروز' و 'یادگار' - به طبع رسیده است. 'هولاکو و مستصم خلیفه'، 'یکی از نسخ نفیس شاهنامه'، 'بهرامشاه سلجوقی، ممدوح مخزن-الاسرار'، 'خدمات ایرانیان به تمدن عالم'، 'چند فایده ادبی'، 'شمر سعدی در چین'، 'کتاب درسی و لغت سازی'، 'تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران' و 'نوروز ملی و آداب قومی' از مقالات این کتاب هستند. در این کتاب مجموعاً ۶۴ مقاله گردآمده است.

۱۸۹- نموده‌های فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی.

محمود روح‌الامینی - تهران: آگاه - ۲۸۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۱۶۰-۲۹-۰

نامه‌های فارسی قرن ۱۳

چاپ اول

۱۹۰- نامه‌های علامه اقبال لاهوری.

مترجم: محمدیونس جعفری، فرهاد یالیزدار: ویراستار: مریم بهمن‌پور - تهران: همرا - ۱۸۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۹۲۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۳۱۹-۳۲-۷



جلد اول از کتاب، متضمن نامه‌های اقبال لاهوری - شاعر و اندیشمند پاکستانی - است که به دوستان، آشنایان و شخصیت‌های گوناگون نوشته شده است. در برخی از این نامه‌های اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی اقبال لاهوری انعکاس یافته است.

طنز و هجو و هزل (از سال ۱۳۲۰-)

۱۹۱- بی‌ستون.

ابراهیم نبوی - تهران: روزنه - ۳۷۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۱۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۴۰-۱۶-۳

۱۹۲- تهرانجلس: مجموعه داستان کوتاه طنز.

ابراهیم نبوی - تهران: روزنه - ۱۲۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۳۹۵۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۵۹-۳

۱۹۳- راپورت‌های یومیه و تذکره‌ها.

ابراهیم نبوی - تهران: روزنه - ۲۸۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۹۵۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۷۳-۹

۱۹۴- روزنامه سسقی همشگرمی.

فرهاد حسن‌زاده: نقاش: داود صفری - تهران: افق، کتابهای فندق - ۱۵۲ ص. - جلد اول - رقمی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۴۲-۰۳-۳

چاپ اول

۱۹۵- گزیده رساله دلگشا.

به‌اهتمام: ابراهیم نبوی: ویراستار: پروین اردلان - تهران: روزنه - ۱۸۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۴۰-۲۵-X

کتاب برگزیده‌ای است از 'رساله دلگشا' اثر 'عبید زاکانی' که به اهتمام 'سید ابراهیم نبوی' با شرحی از او درباره طنز و جایگاه عید در طنزنویسی، فراهم آمده

است. در بخش دیگر کتاب نیز شماری



از طنزهای سید ابراهیم نبوی به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۱۹۶- لبخند با بزرگان: حکایتهای شیرین و خواندنی از بزرگان تاریخ و ادب فارسی. گردآورنده: محمود برآبادی، نقاش: احسان برآبادی، نویسنده: سیروس صدوقی. تهران: طرح و اجرای کتاب، ۹۶ ص. - پالتویی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۹۳-۰۳-۶

۱۹۷- یک فنجان چای داغ. ابراهیم نبوی، نویسنده: شهرام شکبیا. تهران: روزنه، ۳۲۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۹۹۵۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۹۶-۸

چاپ اول

۱۹۸- از گلستان من ببر ورقی: داستانها و قطعات طنز. عمران صلاخی. تهران: همراه، ۱۶۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۳۱۹-۳۷-۸



کتاب مضمّن حکایات و داستانهای

طنزآمیزی است که با موضوعات مختلف اجتماعی و سیاسی به رشته تحریر درآمده است.

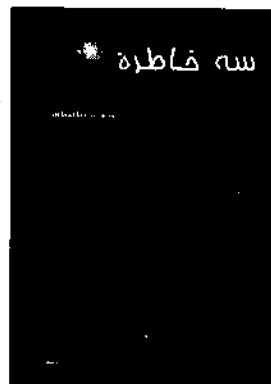
لطیفه‌های فارسی معاصر

۱۹۹- لطیفه‌ها و لبخندها. گردآورنده: احمد شیشه‌گران. قم: ام ایها (س) - ۱۲۸ ص. - جیبی (شمیز) - ۲۸۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۵۲۷-۱-۷

نوشته‌های گوناگون فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

چاپ اول

۲۰۰- سه خاطره. محمد آخوندی. تهران: جوان امروز، ۱۸۵ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۲۵۸-۰۱-۱



محمد آخوندی* در این نوشتار از خاطرات و مبارزات خود، قبل از انقلاب اسلامی و از زندانی شدن خود در «وین» سخن می‌گوید. او همچنین خاطراتی از بعد از انقلاب و هجوم گروه فشار، و مهاجرت خود و سرانجام چگونگی زندانی شدن خود روایت می‌کند.

نثر ادبی قرن ۵ و ۶

۲۰۱- درس زندگی: گزیده قاپوس‌نامه. یککوس‌بن اسکندر عنصرالمعالی: گردآورنده: غلامحسین یوسفی. تهران: علمی، ۲۵۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۳۴۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Selections from qabus-nameh

شابک: ۹۶۴-۵۹۸۳-۰۸-۸

چاپ اول

۲۰۲- برگزیده سندبادنامه. محمدبن علی ظهیری سمرقندی، به اهتمام: محمدباقر کمال‌الدینی. یزد: کمال، ۱۰۶ ص. - وزیر (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۱۹۱-۰۰-۸



«سندبادنامه» کتابی است از نظر ترکیب و ساختمان شبیه «کلیله و دمنه» که در آن یک داستان اصلی با حکایات و قصص دیگر روایت می‌شود. داستان اصلی سندبادنامه از این قرار است که پادشاهی در هند بعد از نظر و درخواست از خاندان صاحب پسر می‌شود. پادشاه پسر را برای تربیت به «سندباد حکیم» می‌سپارد. پس از بالنده شدن پسر، یکی از زنان حرمسرای شاه شیفته زیبایی او می‌گردد و ... در این داستان ابتدا برگزیده‌های از سندبادنامه به چاپ می‌رسد و در پی آن ترجمه عبارات و اشعار عربی درج می‌گردد.

۲۰۳- چهار مقاله.

احمدبن عمر نظامی، به اهتمام: محمد معین. تهران: صدای معاصر، ۱۴۰ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۳۴۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۴۵۱-۲-۵

۲۰۴- کلیله و دمنه: ۱- رشته زبان و ادبیات فارسی.

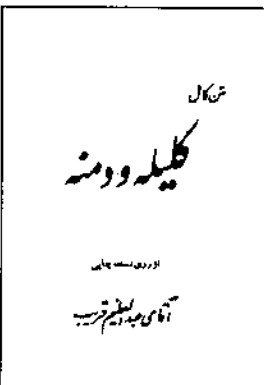
نورالدین مقصودی، نویسنده: رسول شایسته. تهران: دانشگاه پیام نور، ۲۸۳ ص. - وزیر (شمیز) - ۱۰۶۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۵۵-۰۰۵-۶

۲۰۵- کلیله و دمنه: باب یزویه طیب، باب شیر و گاو، باب بازجست کار دمنه با معنی واژه‌ها و شرح بیتها و ... به اهتمام: خلیل خطیرهریر، تهران:

مختاب، ۱۳۶ ص. - وزیر (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۶۲-۲۸-۲

چاپ اول

۲۰۶- متن کامل کلیله و دمنه. عبدالعظیم قریب، مقدمه: منوچهر دانش-بزرگ. تهران: نازنین، ۳۲۰ ص. - وزیر (گالینگور) - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۰۹-۰۲-۸



کتاب حاضر، متن «کلیله و دمنه» اثر «نصیرالله منشی» است که از روی نسخه مرحوم «عبدالعظیم قریب» به طبع رسیده است. در پایزرقی کتاب، ترجمه اشعار عربی و معانی واژه‌های دشوار فراهم آمده است.

نثر ادبی قرن ۷-۹

۲۰۷- دامنی از گل: گزیده گلستان سعدی.

مصحح: غلامحسین یوسفی. تهران: سخن، ۴۷۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۲۲۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Selections from golesan by sa'di شابک: ۹۶۴-۶۹۶۱-۰۱-۰

۲۰۸- گلستان.

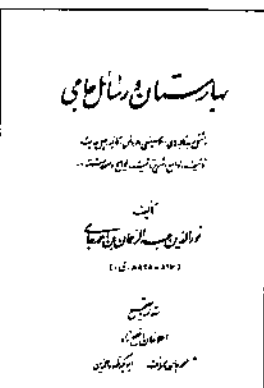
مصحح: عبدالله سعدی، مصحح: حسین استادولوی. تهران: قدیانی، ۴۲۴ ص. - پالتویی (سلفون) - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ بیستم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۱۷-۰۰۲-۴

۲۰۹- مجموعه کامل مرزبان‌نامه به زبان فارسی ساده: شامل چندین گفتگو و ۶۵ داستان حکمت‌آمیز از زبان حیوانات. به اهتمام: حسین سجادی. تهران:

آرون، ۳۶۸ ص. - وزیر (شمیز) - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۳-۰۶-۶

چاپ اول

۲۱۰- بهارستان و رسائل جامی (مشمول بر رساله‌های: موسیقی، عروض، قافیه، چهل حدیث نائیه، ...). عبدالرحمان بن احمد جامی، مصحح: اعلاخان افصح‌زاده، ... [و دیگران]. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، مرکز مطالعات ایرانی، ۵۰۶ ص. - وزیر (گالینگور) - ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۸۱-۲۲-۲

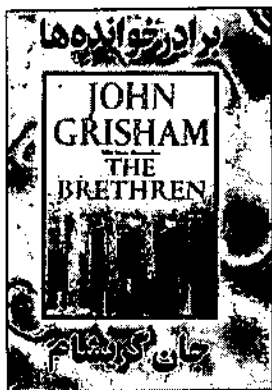


«بهارستان» کتابی است از «عبدالرحمان جامی» که به پیروی از گلستان سعدی نگاشته شده و اینک متن تصحیح انتقادی این اثر براساس پنج نسخه به چاپ رسیده است. نگارنده علاوه بر بهارستان، رساله‌های وی را نیز تصحیح کرده که عبارتند از: رساله موسیقی، رساله عروض، رساله قافیه، همچنین رساله چهل حدیث نائیه - که دارای چهل حدیث و ترجمه منظوم آن از جامی است - رساله نائیه یا شرح نی نامه مثنوی مولوی، لوامع (شرح قصیده میمه خمربه فارسیه)، شرح قصیده نائیه ابن فارض، لوامع (در بیان معارف و معانی)، و رساله سررشته (در مراقبه و آداب ذکر).

نثر ادبی قرن ۱۴

چاپ اول

۲۱۱- از خوبی و زیبایی. علیرضا سپاهی لاین، نقاش: عادل رستم‌پور. تهران: قو، ۸۸ ص. - پالتویی (شمیز) - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۴۱۲-۳۰-۸



داستان حاضر مربوط به گروهی از زندانیان امریکا است که پیش از این در مناصب دولتی عالی رتبه صاحب مقام بودند. "برادر خوانده‌ها" در اصل رمانی است که از مافیای قدرت و فساد مالی در صحنه سیاسی امریکا حقایقی را آشکار می‌کند و از لایه‌های درونی آن. حوادث و ماجراهایی را بازگو می‌سازد.

چاپ اول

۲۲۰- جانی لیدل در جستجوی سایه‌ی پنهان.
فرانک کین: مترجم: محمدرضا رخشانفر، پیراستار: ابوالفضل رحیمی، زهره مظفری - تهران: چکاد، امیربهار. - ۲۴۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Barely seen
۹۶۴-۶۸۹۲-۰۰۰۰-۰



کتاب متضمن داستانی است جانی که در آن ذکاوت و زیرکی کارآگاه "جانی لیدل" در برابر خشونت و بی‌رحمی مردی توصیف می‌شود که به خاطر حفظ منافع دست به جنایات متعدد زده است. این کتاب در واقع تصویری است از فساد و خشونت در شهرهایی نظیر نیویورک که عواطف انسانی در چهره ناموزون زندگی گم می‌شود.

چاپ اول

۲۲۱- خود را جای من بگذار.
ریموند کارور: مترجم: مصطفی مستور.

"لورن کلاین" معرفی می‌کند. او مدعی



است که از پیکر "لورن" جدا شده است و ...

چاپ اول

۲۱۸- این بچه‌ها ...
ویلیام سارویان: مترجم: مسعود اوحدی. - تهران: سروش. - ۱۸۴ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Little children
۹۶۴-۴۲۵-۰۲۸-۶



"این بچه‌ها" مجموعه‌ای است شامل نوزده داستان کوتاه از "ویلیام سارویان" (۱۹۰۸ - ۱۹۸۱) نویسنده ارمنی تبار آمریکایی، داستان‌های "سارویان" در این مجموعه متضمن تعبیر شاعرانه‌ای است از تجربه زندگی، به ویژه درباره کودکان که دنیایی عاری از آلودگی دارند و پیچیدگی‌های زمانه را در آن راه نیست. خلوص، صفا، صمیمیت و پاکی مضمون اصلی این داستان‌ها به شمار می‌آید.

چاپ اول

۲۱۹- برادر خوانده‌ها.
جان گریشام: مترجم: هادی عادلپور. - تهران: کوشش. - ۲۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۱۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۳۲۶-۶۲-۵

شابک: ۹۶۴-۹۰۵۵۶-۶-۵



دفتر شعر حاضر که به زبان گیلکی (گویش گالشی) سروده شده شامل "بزه میلجه" (سه شعر بلند در قالب نو) و "گیلان جان" (مجموعه دوبیتی‌ها) است که با آوا نگرانی لاتین به چاپ رسیده است. بخش "بزه میلجه" با ترجمه فارسی همراه بوده و در بخش دوم (گیلان جان) معانی برخی واژگان و عبارات به دست داده شده است.

شعر آمریکایی

۸۱۱

۲۱۶- پیامبر.
جبران خلیل جبران: مترجم: حسین الهی - قمشاهی. - تهران: روزنه. - ۱۹۰ ص. - خشتی (شمیز). - ۱۴۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

The prophet
۹۶۴-۶۱۷۶-۳۳-۸

شابک:

داستان آمریکایی

۸۱۲

چاپ اول

۲۱۷- اگر حقیقت داشت.
مارک لوی: مترجم: مهدی قراچه‌داغی. - تهران: پیکان. - ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۳۳۸-۱۰۰۰۰

در این داستان تخیلی، دختری به نام "لورن کلاین" برای گذراندن دوره پزشکی در بیمارستان کار می‌کند. یک روز در اثر سانحه اتومبیل به شدت زخمی می‌شود و او را به بیمارستان انتقال می‌دهند. "لورن" مدتی طولانی به حالت اغما فرو می‌رود و در آن‌جا با دختری روبرو می‌شود که خود را روح

ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۵۲-۰۰۰-۶

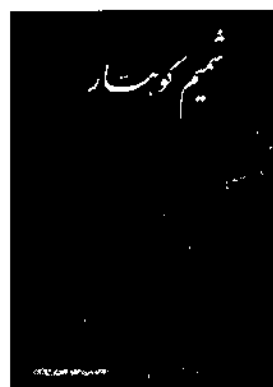


در این مجموعه، ابتدا مختصری از زندگی دو شاعر کرد زبان ایلامی - "شاکه" و "خان منصور" - روایت شده، سپس اشعاری پراکنده از این دو تن به زبان کردی فراهم آمده است.

چاپ اول

۲۱۴- شمیم کوهسار: اشعار کردی.

شاعر: روضان کمزری‌زنگنه. - تهران: کوثر. - ۱۱۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۶۸-۹-۳



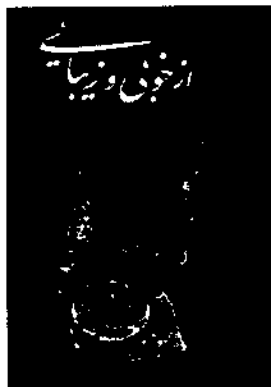
"شمیم کوهسار" مجموعه‌ای از اشعار کردی به لهجه کرمانشاهی که عمدتاً با موضوعات اجتماعی، عشق و مسائل بومی به نظم درآمده است. یکی از اشعار این مجموعه در "وصف ماهیدشت" است.

شعر گیلکی

۹/۳۱۱۵۸

چاپ اول

۲۱۵- بزه میلجه: سه منظومه گیلکی (به گویش گالشی) و گیلان جان.
شاعر: مجتبی روحانی. - رشت: گیلکان. - ۱۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.



کتاب متشکل از چند قطعه ادبی است. برای نمونه: "چه کسی می‌داند که در سراسر تاریخ، چقدر آدم‌ها به هم رسیدند و یادشان رفت به هم سلام کنند. انسان، چه سال‌های زیادی بدهکار تاریخ است. در این تاریخ، ما مسئول پرداخت بدهکاری انسانیم. به نیابت از همه آدم‌هایی که به هم رسیدند و یادشان رفت به یک دیگر سلام کنند. سلام؟"

چاپ اول

۲۱۲- کوچه باغ دل.
زهره عین‌آبادی. - تهران: وزارت آموزش و پرورش، اداره کل فعالیت‌های دانش - آموزی، معاونت پرورشی. - ۶۴ ص. - پالتویی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۳۳۸-۰۰۱-۱



"کوچه باغ دل" مجموعه‌ای است از قطعات ادبی که با موضوعاتی چون "بهار"، "پرتو محبت"، "مادر"، "زندگی"، "معلم" و "کوی عشق" به رشته تحریر درآمده است.

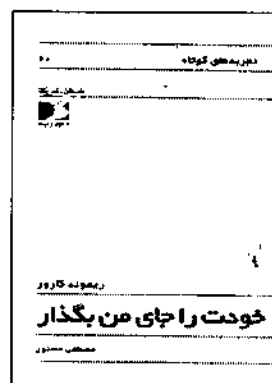
شعر کردی

۹/۳۱۱۵۸

چاپ اول

۲۱۳- دیوان اشعار و زندگینامه شاکه و خان منصور.
علی‌محمد سهراب‌نژاد. - تهران: گویش. - ۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۳۵۰۰۰

تهران: تجربه - ۳۰ ص. - پالتویی (مقوایی) - ۱۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۸۱-۹۸-۱



شماره حاضر از داستان‌های تجربه کوتاه داستانی کوتاه از نویسندگانی آمریکایی است. قهرمانان این داستان خانم و آقای «مایرز» هستند که برای تعطیلات عید به دیدن دوستان آقای «مورگان» رفته‌اند. آقای «مورگان» در منزل خود برای آقای «مایرز» خاطره‌ای تعریف می‌کند که به زعم او می‌تواند موضوعی برای داستان‌های آقای «مایرز» باشد. زیرا آقای «مایرز» نویسنده ماهری است که می‌تواند خواسته «مورگان» را عملی کند...

۲۲۲- دختر خانه سبز
لوسی سود مونگرمی: مترجم: امین مدرس - تهران: سروش - ۳۲۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۱۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: Anne of green gables
شابک: ۹۶۴-۲۲۵-۰۲۹-۲

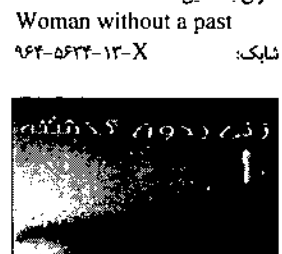
چاپ اول
۲۲۳- در دسر ماه جولای
ارسکین کالدول: مترجم: نازیلا داوری: نویسنده: جابوید جهان‌شاهی - تهران: اندیشه‌وران - ۲۵۴ ص. - رقمی (شمیز) - چاپ اول / ۳۱۵۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۷۶-۱-۵



۲۲۴- رویاهای انیشتین
آلن لایتین: مترجم: مهتاب مظلومان - تهران: نشر چشمه - ۱۱۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: Einstein's dreams
شابک: ۹۶۴-۶۱۹۴-۱۵-X

۲۲۵- زنی بدون گذشته
فیلیس ایام وینتی: مترجم: مریم زویبی - تهران: لیوسا - ۲۵۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۷۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: Woman without a past
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۴-۱۳-X

چاپ اول
۲۲۶- ساس طلایی
ادگار آلن پو: مترجم: نسرين آقابابا - تهران: آبان‌مهر - ۷۰ ص. - پالتویی (شمیز) - ۳۲۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: The gold-buy and other tales
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۶۴-۳۰۰



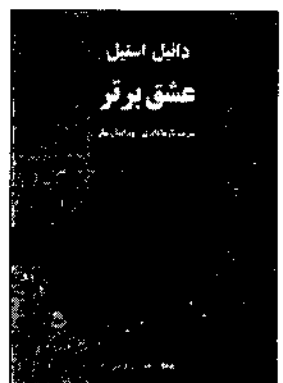
شخصیت اصلی این داستان خانم «مالی هانت» نویسنده‌ای موفق است که در اثر حادثه‌ای درمی‌یابد او به خانواده‌ای دیگر تعلق دارد و فرزند گمشده خانواده‌ای ثروتمند است که در کارولینای جنوبی زندگی می‌کنند. او سرانجام پس از کوشش‌های پیگیر، خواهر دو قلویش - «امیلیا» - و مادر خود را ملاقات می‌کند. اما حضور «مالی» در میان خانواده جدید وقایعی عجیب و هولناک را پدید می‌آورد که ماجراهایی اساسی داستان بر پایه آن شکل گرفته است.

۲۲۷- عشق برتر
دانیل استیل: مترجم: نازیلا داوری - تهران: اندیشه‌وران - ۴۷۰ ص. - وزیر (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۱۵۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۷۶-۳-۱

۲۲۸- تراژدی رومئو و ژولیت
ویلیام شکسپیر: مترجم: هوشنگ آزادی‌ور - تهران: مرداد - ۱۴۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: The tragedy of romeo and juliet
شابک: ۹۶۴-۷۱۱۶-۰۰۴-۷

کتاب حاضر ترجمه دیگری است از نمایش‌نامه «رومئو و ژولیت» که در پنج پرده و ۲۳ صحنه تنظیم یافته است. ماجرای اصلی این اثر در دو شهر ایتالیا - «رونا» و «مانتوا» - رخ می‌دهد و تقریباً از دو داستان جداگانه شکل می‌گیرد. «رومئو» و «ژولیت» دو دلداه هستند که زندگی آنان به نوعی با اختلاف دو خانواده اشرافی «مونتاگو» و «کاپولت» پیوند خورده است. دلمه این اختلاف به حدی است که اطرافیان و خدمتکاران را نیز در برمی‌گیرد و سرانجام با مرگ

خود را با جهان بیرون سپری می‌کند. «آلکسیس» اینک در عنوان جوانی با مردی پنجاه ساله رابطه عاشقانه‌ای پیدا

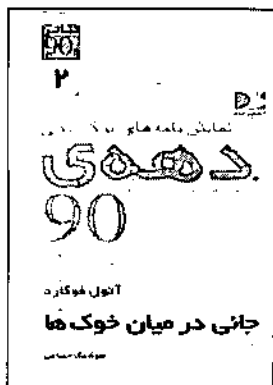


کرده که با دخالت و منع برادرش «جورج» مواجه می‌شود و ...
نمایشنامه انگلیسی
۸۲۲

چاپ اول
۲۲۹- جانی در میان خوک‌ها
آنتول فوگارد: مترجم: هوشنگ حسامی - تهران: تجربه - ۶۴ ص. - پالتویی (شمیز) - ۲۸۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۸۱-۷۵-۲



نمایش‌نامه حاضر ترجمه دیگری است از تراژدی شکسپیر (۱۵۶۴ - ۱۶۱۶) که در پنج پرده و ۲۳ صحنه تنظیم یافته است. ماجرای اصلی این اثر در دو شهر ایتالیا - «رونا» و «مانتوا» - رخ می‌دهد و تقریباً از دو داستان جداگانه شکل می‌گیرد. «رومئو» و «ژولیت» دو دلداه هستند که زندگی آنان به نوعی با اختلاف دو خانواده اشرافی «مونتاگو» و «کاپولت» پیوند خورده است. دلمه این اختلاف به حدی است که اطرافیان و خدمتکاران را نیز در برمی‌گیرد و سرانجام با مرگ



نمایش‌نامه حاضر براساس داستان «پاول ناوروتسکی» سرباز فراری از ارتش شوروی در جنگ دوم جهانی، تدوین گردیده است. «پاول ناوروتسکی» بعد از فرار چهل و یک سال در یک خوک‌دانی مخفی شده بود. حال در این نمایش‌نامه «پاول» از ترس این که مبادا او را محاکمه کنند که نتیجه‌اش مجازاتی سخت است همچنان در خوک‌دانی می‌ماند، اما دوست او پراسکویا از او می‌خواهد که خود را تسلیم کند و ...

۲۳۰- رومئو و ژولیت (رومیو و جولیت)
ویلیام شکسپیر: مترجم: علاءالدین بازارگادی - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - ۲۲۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ هفتم / ۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: Tragedy of romeo and juliet
شابک: ۹۶۴-۲۴۵-۱۶۷-۸



نمایش‌نامه «رومئو و ژولیت» اثر

شکسپیر که در پنج پرده و بیست و سه صحنه تنظیم شده اولین تراژدی شکسپیر به شمار می‌آید. وقایع داستان در دو شهر 'روما' و 'مانتوا' در ایتالیا روی می‌دهد و خود نمایش‌نامه مرکب از دو داستان جداگانه است. یکی داستان دو دل‌داده یعنی 'رومئو' و 'ژولیت' و دیگری داستان دو خانواده از اشراف روما یعنی 'مونتاگو' و 'کاپولت' که با یک دیگر اختلاف داشته و دامنه آن به اطرافیان و خدمتکاران آنها هم کشانده می‌شود و همین اختلاف به مرگ آن دو دل‌داده - رومئو و ژولیت - منجر می‌گردد، اما با مرگ این دو، سران دو خانواده دشمنی را کنار می‌گذارند و با یک دیگر آشتی می‌کنند.

۲۳۱- لیر شاه.

ویلیام شکسپیر؛ مترجم: جواد پیمان. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. - ۲۹۶ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۵-۲۵۱-۸

داستان انگلیسی

۸۳۳

چاپ اول

۲۳۲- آخرین پناهگاه.

آرچیبالد جوزف کرونین؛ مترجم: نسرين آقابابا. - تهران: آبان مهر. - ۱۳۲ ص. - وزیري (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

The citadel

۹۶۴-۹۰۱۶۴-۰۰۶

شابک:



داستانی که در این کتاب آمده شرح حال طبیعی است که ابتدا با مکر و دستان با بیماران روبه‌رو می‌شود و صفاقت را در حرفه خود به فراموشی می‌سپارد، اما در انتها دست از این کار می‌شویید و به خدمت مردم و عبادت خالق روی می‌-

آورد.

۲۳۳- در جستجوی صدف.

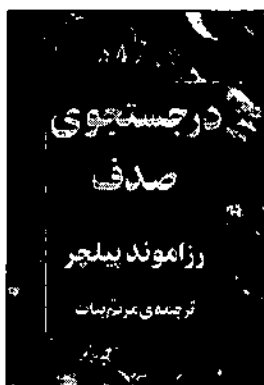
رزاموند ییلچر؛ مترجم: مریم بیات. - تهران: البرز. - ۷۷۶ ص. - رقی (شمیز). - ۳۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

The shell seekers

۹۶۴-۳۳۷-۱۲۸-۰۰

شابک:

چاپ اول



در جستجوی صدف سرگذشت زندگی دختری است به نام 'پنه لوبه کیلینگ' که به طریق 'جریان سیال ذهن' بازگو می‌شود. او دختر نقاش معروفی به نام 'لارنس اشترن' است که در عهد 'ویکتوریا' - اوایل قرن بیستم - به سر می‌برده است. 'پنه لوبه کیلینگ' صاحب سه فرزند می‌شود و زندگی ساده و بی‌آلایشی را پی می‌گیرد. بخش اصلی زندگی او مربوط به جنگ جهانی دوم است. او در این بخش از زندگی، از زبان پناهجویان آلمانی سخن می‌گوید. ضمن آن که در لابه‌لای داستان و به گونه روایتگر، زندگی گروهی از هنرمندان فرانسه و انگلیس را به تصویر می‌کشد و از ویژگی‌های سبک امپرسیونیسم نیز نکات ارزنده‌ای را یادآور می‌شود.

چاپ اول

۲۳۴- زیر سایبان مهر.

الیزابت راسینر؛ مترجم: اصغر اندرودی. - تهران: البرز. - ۳۲۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

A marriage of convenience

۹۶۴-۴۴۲-۲۶۲-۷

زیر سایبان مهر داستان زندگی زن و مردی است که هر یک پیش از این همسران خود را از دست داده‌اند. 'چینی' زنی است که دو پسر یتیم دارد و ناگزیر به ازدواجی حسابگرانه تن می‌دهد و با

'ماتیو' که صاحب دو دختر و یک پسر است زندگی جدیدی را آغاز می‌کند. بدین ترتیب، داستان حاضر تلاش پیگیر زنی حساس است که می‌کوشد برای



همانک شدن با زندگی تازه و با انسان‌های متفاوت با خود کنار بیاید.

چاپ اول

۲۳۵- شب فاجعه انگلستان در اعماق دریا: داستان علمی - تخیلی.

جان بنین هریس؛ مترجم: هوشنگ قدیمی. - تهران: پوینده. - ۱۷۴ ص. - رقی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Out of the deeps

۹۶۴-۹۰۴۴۳-۳-۷

شابک:



در این داستان تخیلی، موجودات ناشناخته‌ای خارج از فضای منظومه شمسی به زمین می‌آیند و در قصر اقیانوس‌ها منزل می‌گیرند و سرانجام با موجودات زمینی به مبارزه برمی‌خیزند. دانه این مبارزه به سطح اقیانوس‌ها، سپس جزایر کوچک و سرانجام به جزیره بریتانیا می‌رسد. این موجودات با سلاح مرموزی با آدمیان نبرد می‌کنند و...

۲۳۶- عملیات آخر: تالاسا (نغمه-های زمین دور دست) رمان علمی - تخیلی.

آرتور چارلز کلارک؛ مترجم: پیمان

اسماعیلیان خامنه‌نیر؛ مترجم: احمد بروجرودی. - تهران: افق. - ۳۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

The songs of distant earth

۹۶۴-۶۰۰۳-۸۷-۷

شابک:

۲۳۷- ماتیلدا: برای جوانان.

روال دال؛ مترجم: شهلا طهماسبی. - تهران: نشر مرکز. کتاب مریم. - ۲۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Matilda

۹۶۴-۳۰۵-۳۳۷-۷

شابک:

چاپ اول

۲۳۸- معجزه عشق.

باربارا کارلتند؛ مترجم: اختر حجت؛ مترجم: کتیون منشی‌زاده. - تهران: آبی. - ۱۸۴ ص. - رقی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک:

۹۶۴-۵۷۰۹۰۰۶-۷

شابک:



رمان 'معجزه عشق' نوشته خاتم باربارا کارلتند، داستانی است که وقایع آن در روسیه تزاری و امپراتوری عثمانی می‌گذرد و طی آن ماجرابی از عشق - که با فناکاری و ایثار همراه است - میان یک شاهزاده خانم روسی و یک لرد انگلیسی روایت می‌شود.

چاپ اول

۲۳۹- مممای آقای ریپلی (به ضمیمه مختصری درباره نویسنده و نوشته‌هایش).

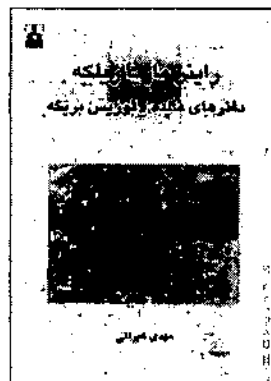
روایاها و خویشتن دوستی اسکندر را در
چنبره زمان تشریح می‌کند.

چاپ اول

۲۴۱- دفترهای مالد لائوریس
بریکه.

راینر ماریا ریلکه؛ مترجم: مهدی غبرائی -
تهران: دانشستان - ۲۷۲ ص. - وزیری
(شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ اول /
۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۸۵۲-۰-۲



دفترهای مالد لائوریس بریکه اثر
'راینر ماریا ریلکه' (تولد: ۱۸۷۵ در پراگ)
رمانی است که به شیوه خاطرات نوشته
شده است. قهرمان داستان جوانی است
به نام 'مالده' که رفتار روزمره زندگی
خود و دغدغه‌های مرگ را در حین
خاطرات آشکار می‌سازد. نویسنده درباره
این کتاب اذعان می‌دارد: 'به نظرم حالا
دیگر خیلی چیزها در درونم شکل خواهد
گرفت. زیرا این خاطرات چون شالوده‌ای
است که هر گاه به گسترش تازه‌ای می-
رسد، همین که بتواند بر این زمین بلند
متکی شود، فضای بیشتری دور و برش
... بینا مالد [قهرمان داستان] چنین
زرق غرق فلاکت می‌آغازد و به معنای
دقیق به سعادت ابدی می‌رسد؛ او قلبی
است که یک پرده کامل را می‌نوازد؛ پس
از او هر نعمتی را می‌توان سرود. بدین
ترتیب، خاطرات مالد رشته‌های به ظاهر
از هم گسسته‌ای است که در انتها نوعی
پیوند در آنها برقرار شده است. این
خاطرات در واقع بخشی از زندگی، عقاید
و روحیات خود 'ریلکه' است که در آن
سیر تحول درونی یک انسان به نمایش
گذاشته می‌شود، انسانی که در جستجوی
معنای هستی، زندگی، عشق و مرگ
است و بینش هنرمندانه و شاعرانه قدری
از آلام او را فرو می‌کاهد.

۲۴۲- طبل حلبی.

گوتتر گراس؛ مترجم: عبدالرحمن صذرریه.
تهران: نوقلم - ۲۷۶ ص. - رقصی
(شمیز) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ دوم /
۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Die blechtrommel

شابک: ۹۶۴-۹۱۱۳۰-۲-۹

ادبیات زبانهای رومانس

فرانسوی

۸۴۰

چاپ اول

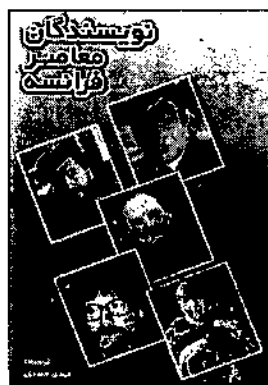
۲۴۳- نویسندگان معاصر
فرانسه.

پاتریسیا لاسین، میشل دنف، دومینیک
بارت؛ مترجم: مهدی حیدری - تهران:
نشر علوم دانشگاهی - ۸۲ ص. - رقصی
(شمیز) - ۳۷۰۰ ریال - چاپ اول /
۱۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Contemporary french
writers

شابک: ۹۶۴-۶۸۲۲-۱۱-۳



مجموعه حاضر شرح مختصری است از
زندگی دو تن از نویسندگان معاصر
فرانسه، همچنین معرفی و تجزیه
و تحلیل آثار آنان که عبارتند از:
'مارگريت دوراس' (تولد: ۱۹۱۴) و
'میشل تورنیه' (تولد: ۱۹۲۴) در پایان هر
بخش از کتاب، کتابشناسی انتقادی و
نموداری از آثار نویسنده مورد نظر به
چاپ رسیده است.

نمایشنامه فرانسوی

۸۴۲

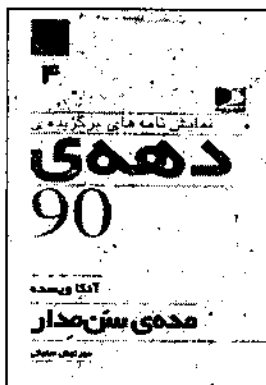
چاپ اول

۲۴۴- مدهی سن‌مدار.

انکا ویسندامتر؛ مترجم: مهرنوش
سلوکی؛ ویراستار: مهشید نونهالی -
تهران: تجربه - ۶۲ ص. - پالتویی
(شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول /
۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

La medee de saint-medard
شابک: ۹۶۴-۶۴۸۱-۸۳-۳



نمایش‌نامه حاضر روایت خانواده‌ای است
در عصر جدید که در عین حال، دغدغه-
های معنوی و روحی را از یاد نبرده
است. 'انی' همسر 'دومینیک' در ابتدای
نمایش خاطراتش می‌کند که درخواست
والدین بیچه‌های مدرسه، مبنی بر تشکیل
کلاس‌های تئاتر یا مخالفت روبرو شده از
این رو او درصدد است تشکیل این
کلاس‌ها را که امری حیاتی است محقق
سازد. زیرا او نمی‌خواهد جوانانشان تنها
با انضباط ورزشی و انبوهی از اطلاعات
پرورش یابند بلکه در کنار آن، قوه
تخیل آنان نیز باید بالنده شود...

داستان فرانسوی

۸۴۳

۲۴۵- به یاد یک پرنسس.

کنیز مراد؛ مترجم: مریم بیات - تهران:
پیکان - ۸۵۲ ص. - وزیری (کالینگور).
۴۵۰۰۰ ریال - چاپ چهارم /
۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۲۹-۲۲-۰

چاپ اول

۲۴۶- فراتر از بودن و موتسارت
و یاران.

کریستیان بوبن؛ مترجم: نگار صدقی -
تهران: ماه‌ریز - ۱۳۸ ص. - رقصی
(شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول /
۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

La plus que vive

شابک: ۹۶۴-۷۰۳۹-۰۵-۶

کتاب از یک داستان بلند (فراتر از بودن)
و یک داستان کوتاه (موتسارت و یاران)
اثر 'کریستیان بوبن' (نویسنده فرانسوی،
تولد: ۱۹۵۱) تشکیل یافته است. 'فراتر از
بودن' داستانی است براساس خاطرات
که طی آن راوی از گذشته‌ها و روزهای
خوش زندگی پیشین سخن می‌گوید.
راوی مردی است که همسرش 'زیسلن'
را از دست داده و به نوعی در این
نوشته‌ها با او به گفت و گو می‌نشیند و با

صمیمیت تمام از زندگی بی‌پیرایه او یاد



می‌کند، همچنین از عشقی سخن می-
گوید که مرگ سبب نابودی آن نشده
است.

۲۴۷- کلمبیا و زهره شهر ایل -
ارواح عالم برزخ.

پروسیر مریمه؛ مترجم: ضیاءالدین
دهشیری - تهران: شرکت انتشارات
علمی و فرهنگی - ۳۴۴ ص. - رقصی
(شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ دوم /
۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Colomba: la venus dille les

شابک: ۹۶۴-۴۴۵-۲۰۲-۸

داستان ایتالیایی

۸۵۳

چاپ اول

۲۴۸- الیاس پورتولو.

گراتزیا دلانا؛ مترجم: بهمن فرزانه -
تهران: بدیهه - ۲۵۶ ص. - رقصی
(شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول /
۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Elias portolu

شابک: ۹۶۴-۶۷۰۱-۱۰-۸



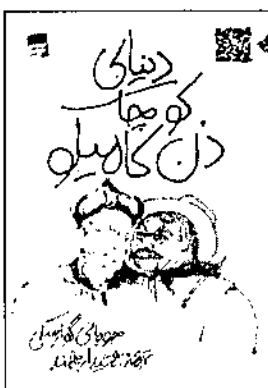
وقایع داستان در یکی از جزایر ایتالیا رخ
می‌دهد و ماجرای اصلی آن مربوط به
خانواده‌ای روستایی است که با رنج و

تلاش روزگار می‌گذرانند. در این داستان،
'الیاس' کشیش جوانی است که میان
غریب و عقاید او نوعی کشمکش درونی
وجود دارد. او عاشق دختری است به نام
'مادالنا' که قرار است با برادر الیاس -
'پیترو' ازدواج کند. بهرغم علاقه شدید
'الیاس' به 'مادالنا'، 'پیترو' زندگی
مشترک خود را با همسرش آغاز می‌کند،
اما علائق 'الیاس' به 'مادالنا' همچنان در
پرده اختفا می‌ماند. او سرانجام تصمیمی
می‌گیرد که وقایع اصلی داستان براساس
آن شکل گرفته است.

چاپ اول

۲۴۹- دنیای کوچک دن کامیلو.

جووانی گوارسکی؛ مترجم: جمشید
ارجمند - تهران: کتاب پرواز - ۲۶۴
ص. - رقصی (شمیز) - ۱۵۵۰۰ ریال -
چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۸۲۱-۳-۱



'دن کامیلو' - قهرمان اصلی داستان‌های
طنزآمیز این مجموعه - کشیشی است
ساده لوح، جوانمرد خشن و جزم‌اندیش
که با شهردار منطقه خود آقای 'په پونه'
از نظر عقیده و سلیقه اختلاف اساسی
دارد. زیرا 'په پونه' دارای عقاید
مارکسیستی است. محیط عمل و میدان
تعارض این دو شخصیت، قصبه‌ای است
در کنار رودخانه‌ای در حاشیه یکی از
شهرهای ایتالیایی. لجاجت و نزاع
همیشگی این دو بر سر امور ظاهراً بیش
یا افتاده این قصبه است که از اختلاف
در بینش و ایدئولوژی هر یک نشأت
می‌گیرد. قهرمان سوم این داستان‌ها
مجسمه عیسی مسیح است که 'دن
کامیلو' از او برای حل مشکلات و
مؤانش یاری می‌خواهد.

۲۵۰- کنیز ملکه مصر (جلد ۱ و ۲)
، ویرایش جدید.

میکل پیرامونتر؛ مترجم: دبیرالله منصوری -
تهران: زرین - ۷۰۸ ص. - وزیری
(کالینگور) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ
نوزدهم / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۰۷۰۰۹۸-۴

چاپ اول

۲۵۱- نازارین

بنیتو پرت گالدوس: مترجم: کاوه میرعباسی - تهران: نشر مرکز - ۳۶۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه عنوان به لاتین:

Nazarin

شابک: ۹۶۳-۳۰۵-۵۳۲-۹

نازارین

رمان "نازارین" اثر نویسنده شهر اسپانیایی بنیتو پرت گالدوس (۱۸۴۳ - ۱۹۲۰) که با الهام از "دون کیشوت" نوشته شده روایتی است از زندگی یک کنش به نام "نازارین". او تخیلی را با خواندن انجیل برمی انگیزد و شیوه زندگانی مسیح را سرمشق خویش قرار می دهد. "نازارین" با برهنه و در هیئت سائلی سرگردان جاده های روستایی را می پیماید و موعظه می کند. دو زن عامی و نادم از گناه نیز ملازم "نازارین" هستند و او را همراهی می کنند. نازارین با قصد کاهش نیازها از مادری راهی دهات می شود و این عمل او تا حدی دلنگی از نظام سرمایه داری را به یاد می آورد. بدین ترتیب، رمان "نازارین" عرصه تجلی تضادهای جامعه اسپانیایی اواخر سده نوزدهم در ارتباط با مقوله "تجدد" (مدرنیته) است.

ادبیات پرتغالی

چاپ اول

۲۵۲- سال مرگ ریکاردوریش

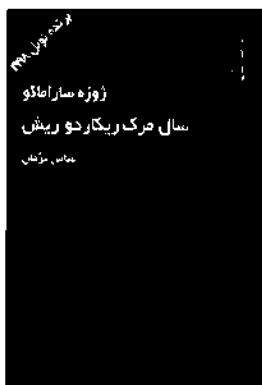
ژوزه ساراماگو: مترجم: عباس پژمان - تهران: هاشمی - ۶۲۳ ص. - رقمی

(شمیز) - ۳۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه

عنوان به لاتین:

O ano da morte de ricardo reis : reomance

شابک: ۹۶۳-۷۱۹۹-۰۲-۳



"سال مرگ ریکاردوریش" اثر ژوزه ساراماگو رمانی است که در آن به شیوه استعاری، مصاف فکری نویسنده با "فرناندو پسوا" (شاعر پرتغالی) و "بورخس" به تصویر کشیده شده است. در این رمان، دکتر "ریکاردوریش" با کشتی "هایلند بریگید" به "لیسبون" برمی گردد. "ریکاردوریش" از کتابخانه "هایلند بریگید" کتابی به امانت گرفته که فراموش می کند آن را به کتابدار برگرداند و از این رو کتاب را با خود به "لیسبون" آورده است. نام کتاب "خاندون هزار تو" نوشته "هربرت کوئین" ایرلندی است. این کتاب در واقع همان است که "خورخه لوئیس بورخس" یک نسخه از آن را در اختیار داشته و به خانمی امانت داده است. قهرمان "سال مرگ ریکاردوریش" در سراسر رمان مشغول خواندن "خاندون هزار تو" است که البته از صفحات اول آن جلو تر نمی رود. دکتر ریکاردوریش در پایان کتاب، رمان "خاندون هزار تو" را زیر پل می گذارد و با خود به آن دنیا می برد تا بشریت را از دست یک "مما" راحت کند. در "سال مرگ ریکاردو" هزار توهایی بی شماری که استاره از "پیچیدگی" است می توان یافت. روایت رمان هم که به شیوه تلغی های گوناگون و در پارهای از مواقع "جزایر سیال ذهنی" است، یادآور هزار تو است؛ همین طور جمله نخست و پایانی کتاب که هر دو یکی است: "این جا ذریا به پایان می رسد و خشکی آغاز می شود." یادآور می شود "پسوا" عقیده داشت که باید به تماشای دنیا قناعت کرد و عاقل کسی است که به تماشای دنیا قناعت کند. اما "ساراماگو" گوئی در این رمان پسوا را به تماشای زشتی های دنیا - از جمله ظهور فاشیسم و حمله ایتالیا به اتیوپی - فرا می خواند.

ادبیات زبانهای آفریقایی -

آسیایی (حامی و سامی)

۸۹۲

۲۵۳- دیوان بهجه و فرح:

المجموع من القصائد والهوسات للموالید والاعراس.

زکيه اسدی - قم: دهقانی - ۱۷۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۳-۶۱۰۶-۰۶-۴

چاپ اول

۲۵۴- شعر عربی در عهد جاهلی.

کارل بروکلن: مترجم: جنگیز پهلوان - تهران: گبو - ۲۲۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه

عنوان به لاتین:

Geschichte der arabischen literatur

شابک: ۹۶۳-۹۲۰۲۳-۶-۶



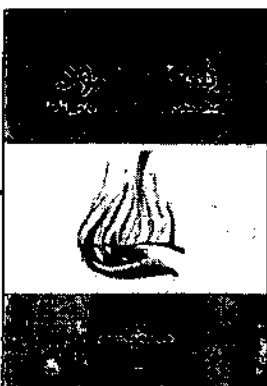
اثر حاضر تالیف "کارل بروکلن" (۱۸۶۸ - ۱۹۵۶) خاورشناس آلمانی، تحقیقی است در باب شعر عربی در دوره جاهلی که با توصیفی از مترجم درباره مولف و حوزه کار او آغاز می شود: سپس "کارل بروکلن" در مقدمه مفصل کتاب، قلمرو تاریخ ادبیات عرب، منابع و آثار مورد نظر، همچنین دوره های تاریخ ادبیات عرب را معرفی می کند. مباحث اصلی کتاب با تصویری از زبان و شعر عربی آغاز می شود و در پی آن قالبهای شعر عربی در دوره جاهلی معرفی می گردد. "طبیعت شعر قدیم عربی"، "روایت شعر عربی"، "منابع شناخت شعر جاهلی" و "معرفی شاعران عصر جاهلی" از دیگر موضوعات این کتاب هستند. در انتهای کتاب نشر دوره جاهلی و آثار متور آن عهد به اختصار معرفی شده است. مطالب کتاب با "فهرست جامع نامها" پایان می پذیرد.

۲۵۵- شعله کبود: رسائل خطی

جبران خلیل جبران به می زیاده. جبران خلیل جبران: مترجم: مهیندخت مستندی - تهران: باغ نو - ۲۱۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۳-۹۰۲۳۸-۷-۵

چاپ اول



کتاب مشتمل بر نامه هایی است از "جبران خلیل جبران" به محبوب خود "خاتم" می زیاده که مترجم در باب این نامه ها چنین توضیح می دهد: "محبت میان 'جبران' و 'می' زاییده نگاه و لیختی که به سلام و گفتار متنی می شود نبود، بلکه محبتی است شورانگیز که در خلال مراسلات ادبیانه و نوآوری ها، تمایلات فکری و روحی که میان دو قلب تنها و دو روح غربزده به وجود آمده است و هر یک از آنان در خواب و بیداری، همتای روح خویش را می چست و آرزوی رسیدن به آن کانون عشق را داشته که جوهر نفس انسانی است و در اعلی درجه صفات او وجود دارد... هر گاه این نامه ها را که نبض حیات در آنها می زند و بوی صفاقت و یکرنگی از آنها به مشام می رسد به دقت بنگریم، درمی یابیم که محبت شدید 'جبران' به 'می' و علاقه 'می' نسبت به او نمایانگر مهری است والا و عشقی سرشار که به عشق صوفیانه شباهت دارد..."

چاپ اول

۲۵۶- مشارق الدرداری: تشریح

تألیف ابن فارض.

شارح: سعید بن سعید فرغانی: مقدمه: جلال الدین آشتیانی - تهران: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات - ۹۴۸ ص. - وزیری (کالینگور) - ۵۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۳-۷۶۳-۷۶۳-۹

مشارق الدرداری

شرح تألیف ابن فارض

چاپ

سیال پرتغالی

۸۰۰ ص

شبهه

نشر: پیرامون

کتاب شرحی است از "شیخ المشایخ سعید بن سعید فرغانی" بر قصیده ثانیه "ابن فارض" که با موضوع عشق الهی به رشته تحریر درآمده است. کتاب با مقدمه مفصل استاد سید جلال الدین آشتیانی آغاز می شود. در این مقدمه از احوال سراینده قصیده و شارح او سخن به میان آمده همچنین مطالبی در باب درجات سلوک و عرفان فراهم گشته است. افزون بر آن، کتاب دارای مقدمه ای از "آبوالعمالی صدرالدین قنوی" است و در پی آن شرحی عرفانی از ابیات ابن فارض فراهم می آید. پایان کتاب شامل فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اشعار فارسی و عربی، فهرست اعلام، و فهرست اصطلاحات و تعبیرات است.

چاپ اول

۲۵۷- مواکب و موزونها.

جبران خلیل جبران: مترجم: جعفر مویدی - شیرازی - تهران: فرزنان روز - ۱۴۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۸۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۳-۳۲۱-۰۷۱-۵



در ترجمه حاضر ابتدا زندگینامه "جبران خلیل جبران" (۱۸۸۳ - ۱۹۳۱) تحت عنوان "سپیده دم" فراهم می آید. سپس مترجم نوشته ای را به قلم خود با عنوان "بنیاد اندیشه گری های جبران" به چاپ می رساند و در انتها ترجمه اشعار "مواکب" و "موزونها" همراه با متن اصلی، درج می گردد. گفتنی است منظومه مواکب نوعی شعر فلسفی - عرفانی و هنری

است که اندیشه‌ها و هنر شاعری "جبران خلیل را دربر دارد

چاپ اول

۲۵۸- نصوص من التثر و الشعر منذ صدور الاسلام حتى سقوط بغداد.

نادر نظام‌تهران، سعید واعظ. - تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. - ۲۲۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Nosus-on mena-an-nasr-e va-se'r monzo asrel eslam

شابک: ۹۶۴-۶۵۳۲-۵۲-۷

تهران: اندیشه نو. - ۱۸۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۳۱-۲۷-۴



"بختیار وهاب‌زاده" در این مجموعه اشعاری را به زبان ترکی در دو قالب ستنی و نو فراهم آورده است.

چاپ اول

۲۶۰- سفر به آینده دیگری. انیس باتور مترجم: حمید فرازنده. - اصفهان: نقش خورشید. - ۲۱۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: MIRROR Travelling through the other's mirror

شابک: ۹۶۴-۶۹۳۱-۱۵-X



کتاب مجموعه‌ای است از اشعار انیس باتور، شاعر معاصر ترکیه که با چند نوشته از او، همچنین نقد و بررسی اجمالی از شعر وی، نیز گفت و گویی با خانم "باتور" تحت عنوان "پوند شعر و اندیشه" به چاپ رسیده است. در بخشی از کتاب که نقدی است از "کیوان باجفلی" درباره شعر انیس باتور، آمده است: "روایت باتور، روایتی است بر گذشته از بیج و خم‌های تو در توی عصر مدرن، گاه سرخورده، گاه سرکش؛ با دزدکی‌ها و امیدهایش تا "من" خواننده با واپاشی در "من"‌های پاره پاره زبان، دست نایافتنی‌تر شود. حضور روایت در

اشعار باتور، شعر را به ژانر تازه داستان کوتاه کوتاه نزدیک می‌کند. در این ژانر، داستان‌ها گاه در مقام "میناتورهای شاعرانه" خودنمایی می‌کنند.

۲۶۱- سینوهه: پزشک مخصوص فرعون "متن کامل". میکاتومی والتاری: مترجم: ذبیح‌الله منصوری. - تهران: زرین. - ۵۱۲ ص. - جلد اول. - وزیری (گالینگور). - چاپ سی و پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Sinuhe the egyptian: a novel

شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۰۶۸-۲

۲۶۲- سینوهه: پزشک مخصوص فرعون "متن کامل". میکاتومی والتاری: مترجم: ذبیح‌الله منصوری. - تهران: زرین. - ۵۲۶ ص. - جلد دوم. - وزیری (گالینگور). - چاپ سی و پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Sinuhe the egyptian: a novel

شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۰۶۹-۰

چاپ اول

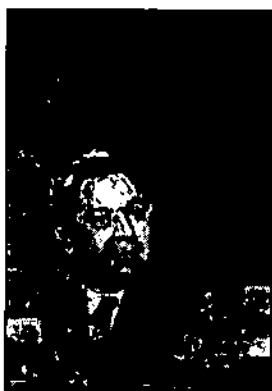
۲۶۳- صدای مظلومان. شاعر: رضا مهدوی. - قم: دارالنشر اسلام. - ۳۲۸ ص. - جلد پنجم. - جیبی (گالینگور). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۷۵-۰۴۹-۷

چاپ اول

۲۶۴- صفای مظلومان. شاعر: رضا مهدوی. - قم: دارالنشر اسلام. - ۲۶۲ ص. - جلد ششم. - جیبی (گالینگور). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۷۵-۰۴۷-۰

۲۶۵- عصریم، طالعیم منیم سنجیلیمیش شعرلر. شاعر: زینال خلیل بهاهتمام: محمدرضا هیئت. - تهران: زوفا. - ۱۲۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - ۱۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Esrim, taleyim menim

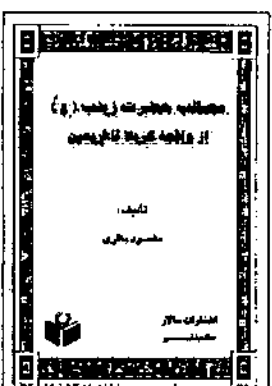
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۶-۹-۰



کتاب مجموعه‌ای است از سی شعر "زینان خلیلی" - شاعر آذربایجانی - که به زبان ترکی سروده شده و در دو بخش، با خط فارسی سپس خط لاتین، به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۲۶۶- مصائب حضرت زینب (ع) از واقعه کربلا تا اربعین. شاعر: مقصود باقری. - تبریز: سالار. - ۱۷۶ ص. - جیبی (گالینگور). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۸۷-۳۳-X



این کتاب شامل اشعاری است به زبان ترکی که در آن زبان حال حضرت زینب (ع) و مصایب او پس از قیام کربلا تا اربعین، توصیف شده است.

چاپ اول

۲۶۷- نقد و تحلیل آثار و احوال مخدومقلی فراغی. نورقلیچ فداکار. - تهران: احسان. - ۳۴۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۷۳-۹۶-۰

پژوهنده در این اثر زندگی و شعر "مخدوم قلی فراغی" (تولد: ۱۱۳۶ ه.ق) را براساس دیوان مخدوم قلی و آثار دیگر نقد و تحلیل کرده است. چهار فصل نخست کتاب شرحی است از زندگی و

احوال شاعر که به دنبال آن تاریخچه و ویژگی‌های آثار مخدوم قلی را چنین



برمی‌شمارد: "مردمی بودن"، "آباز و قصر و چیرگی منی بر لفظ"، "قدرت کلام"، "انتخاب قاعده جدید"، "تأثیرپذیری از قرآن و حدیث"، "تأثیر عرفان"، "پیوستگی مفاهیم"، "به کار بردن تشبیهات زیبا"، "استفاده از پرسش - پاسخ"، "معمکوبی"، "حرف‌گرایی"، "طبیعت‌گرایی"، "به کار بردن طبایق (تضاد)" و "استفاده از ارسال المثل یا تمثیل". نگارنده در فصل ششم، اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روزگار مخدوم قلی را تشریح می‌کند. "مخدوم قلی در عالم عرفان و تصوف، دنیا از دیدگاه مخدوم قلی فراغی، "سیری بر مناجات مخدوم قلی فراغی" و نقد و بررسی عقاید متقدمان اشعار مخدوم قلی فراغی از دیگر مباحث این کتاب هستند.

چاپ اول

۲۶۸- وفای مظلومان. شاعر: رضا مهدوی. - قم: دارالنشر اسلام. - ۳۲۲ ص. - جلد پنجم. - جیبی (گالینگور). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۷۵-۰۴۶-۲

چاپ اول

۲۶۹- یادگار مهدوی: جلد هفتم از ندای مظلومان. شاعر: رضا مهدوی. - قم: رضا مهدوی. - ۲۶۰ ص. - جیبی (گالینگور). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۷۵-۰۴۸-۹

نمایه عنوان

آینه مهر ۹۹
آخرین پناهگاه ۲۳۲
آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۱) ۱۸
سال اول نظام جدید

آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۲) سال دوم نظام جدید ۱۹
آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۶) سال سوم نظام جدید رشته علوم انسانی ۲۰
آن‌جا که صدا مهتاب بود: مجموع شعر و موسیقی، تصنیف‌ها و سرودهای ایرانی ۴۲
آینه‌ی بی‌تصویر: مجموعه شعر ۱۰۰
آیین مردم هنری 'ابن‌یمین' شاعر مردم‌مدار ۷۵
ادبیات فارسی: راهنمای دبیران، دانش-آموزان دبیرستانها و داوطلبان کنکور عمومی و اختصاصی ... ۲۱
ادبیات کودکان ۴
ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگیها و جنبه‌ها ۱
ادبیات: از پایه تا کنکور برای دوره کامل دبیرستان داوطلبان کنکور سراسری شامل: خلاصه درس ... ۲۲
از حوالی برد و بلوط ۱۰۱
از خوبی و زیبایی ۲۱۱
از گلستان من ببر ورقی: داستان‌ها و قطعات طنز ۱۹۸
از یاد رفته ۱۴۹
اسکندر: زمان و هم ۲۲۰
اشعاری از صائب به انتخاب خود ایشان ۹۴
اشک‌هایم را ریخته‌ام: مجموعه شعر ۱۰۲
اصول و فروع منظوم دین ۴۲
اقبال یا چهارده روایت ۹۵
اگر حقیقت داشت ۲۱۷
الگوهای یاددهی و یادگیری گام به گام انشای فارسی (گفتاری - نگارشی) در دوره ابتدایی ویژه معلمان ... ۵
الیاس پورتولو ۲۴۸
انشاء راهنمایی: موضوعات انشاء همراه با پاسخ تمرینات فارسی و سوالات بدیع برای ... ۶
اوره‌ک دمدیر سوزون کوکو ۲۵۹
این بچه‌ها ... ۲۱۸
با ترانه باران: زندگی و شعر گلچین گیلانی ۱۰۳
بازسازی اندیشه دینی اسلام ۹۶
بامداد خمار ۱۵۰
بانگ نای (داستانهای مثنوی مولوی) ۶۲
بدیع: از دیدگاه زیبایی‌شناسی ۱۶
بر یاد رفته ۱۰۴
بر بال پرستوها: مجموعه اشعار دانش-آموزان برگزیده استان قزوین ۱۴۲
بر بال نور: نوشتاری چند در منابع امام عصر ارواحنا فداه، غیبت و انتظار ۱۰۵
بر باه‌های آسمان: گزیده‌های موضوعی از مثنوی مثنوی ۶۳
برادر خوانده‌ها ۲۱۹
برگزیده اشعار فرخی و کسایی: دو شاعر برجسته زبان پارسی ۵۰
برگزیده سندیانامه ۲۰۲
برگزیده‌ی مثنوی و نگارش فارسی ۳۳
بروا! وقتی مرد شدی بیا! ۱۰۶
بزه میلجه: سه منظومه گیلکی (به

گویش گالشی) و گیلان جان ۲۱۵
بوی خاک: دفتر شعر ۱۰۷
به یاد یک پرنسس ۲۳۵
بهار بی خزان: غزلیات ۱۰۸
بهارستان و رسائل جامی (مشمول بر رساله‌های: موسیقی، عروض، قافیه، چهل حدیث نایه، ...) ۲۱۰
بی‌ستون ۱۹۱
بیان (با تجدید نظر و اضافات) ۱۷
برده سحر سحر: گزیده مخزن الاسرار حکیم نظامی گنجوی (همراه متن کامل) ۶۰
پرسه‌های چهارگزینه‌ای استاندارد ادبیات فارسی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی - رشته‌ی علوم انسانی ... ۲۳
پرسه‌های چهارگزینه‌ای استاندارد زبان و ادبیات فارسی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی - کلیه رشته‌ها ۲۴
پرورش فکر و آشنایی با انشاعونویسی ۷
پنجمین روز آفرینش ۱۵۱
پیامبر ۲۱۶
... تا انتظار ۱۰۹
تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی ۴۱
تاریخ ادبیات ایران (رشته کتابتاری) ۳۹
تاریخ ادبیات ایران: خلاصه جلد چهارم: بخش اول - دوم - سوم تاریخ ادبیات در ایران از آغاز سده دهم تا ... ۴۰
تائیس ۱۵۲
تراژدی رومو و ژولیت ۲۲۸
تک شاخه شکسته غربت ۱۱۰
تنها با تو ۱۵۳
تولد مادر ۴۴
تهرانجلس: مجموعه داستان کوتاه طنز ۱۹۲
جانی در میان خوک‌ها ۲۲۹
جانتاب ۱۱۱
جانی لیل در جستجوی سایه‌ی پنهان ۲۲۰
جای تو خالی: گل‌چینی از اشعار زنان نام‌آور ایران ۱۱۲
جلوه‌های جناس در شعر فارسی ۱۱۳
جنسیت گذشته ۱۵۴
چلوان ۱۵۵
چه باید کرد؟ ۹۷
چهار مقاله ۲۰۳
حسرت دیدار تو ۱۵۶
خانه‌ی دریا: مجموعه داستان ۱۸۵
خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی و قرن بیست و یکم 'تولد دیگر' ۷۶
خودت را جای من بگذار ۲۲۱
خیابان رویت ۱۵۷
داستان لیلی و مجنون (نظامی گنجوی) ۱۵۸
داستان‌های زیر بازارچه نظر بیگ ۱۴۷
داستانهای نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی: یادشای‌خسرو پرویز ۵۲
داستانهای نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی: یادشاهی هرمزد (پسر انوشیروان) ۵۱
دامنی از گل: گزیده گلستان سعدی ۲۰۷
دایره‌المعارف: بازتابی از عالم کبیر:

بررسی تحلیلی دایره‌المعارف‌نویسی در ایران و جهان ۸
دختر خانه سبز ۲۲۲
در بارگاه فردوسی ۵۳
در جستجوی صدف ۲۲۳
در جستجوی نیشابور: زندگی و شعر محمدرضا شفیعی کدکنی ۱۱۴
در ستایش پدر ۱۱۵
در ستایش مادر ۱۴۳
در ستایش معلم ۱۴۴
در مصاف تندباد (تجربیه‌های عرفانی مولوی) ۶۴
در وادی عشق: گل‌چینی از اشعار دو شاعر نام‌آور ایران دکتر مهین‌دخت متمدنی، مستوره اردلان ۱۱۶
درخت آتش ۱۵۹
دردس ماه جولای ۲۲۳
درس زندگی: گزیده قابوس‌نامه ۲۰۱
دریا در من: گزیده‌ی ترانه‌ها ۱۹۹۵-۱۹۶۹ ۱۱۷
دریا، همین‌جا که باید باشد ۱۱۸
دستهای آفتابی ۱۱۹
دفترهای مالد لائوریس بریگه ۲۴۱
دل‌پرسی ۱۶۰
دردوز: نمایشنامه عروسکی بر اساس قصه‌های ایرانی ۱۲۸
دنای کوچک دن کامیلو ۲۲۹
دهکده‌ی بزرگ ۱۶۱
دیوان اشعار و زندگینامه شاکه و خان منصور ۲۱۳
دیوان الهامی کرمانشاهی (شرح منظوم حماسه کربلا به سبک شاهنامه) ۴۵
دیوان بهجه و فرح: المجموع من القصائد والهوالت للموالید والاعراس ۲۵۳
دیوان حافظ شیرازی ۷۷-۷۸
دیوان حافظ شیرازی: از نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم‌غنی ۷۹
دیوان حافظ: از نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم‌غنی ۸۰
دیوان حافظ: بر اساس نسخه علامه قزوینی به انضمام مقابله با دیگر نسخ معتبر ... ۸۱
دیوان حافظ: براساس نسخه علامه قزوینی و دکتر قاسم‌غنی ۸۲
دیوان خواجه حافظ به انضمام فال حافظ و توضیحات عرفانی ادبی وازگان ۸۳
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ ۸۴
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی ۸۵-۸۶
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی: به همراه قائله جدولی ۸۸
دیوان غزلیات مولانا شمس‌الدین محمد خواجه حافظ شیرازی: با معنی وواژه‌ها و شرح ابیات و ذکر وزن و بحر ... ۸۹
دیوان منوچهری نامغانی با حواشی و

تعلیقات و تراجم احوال و ... ۵۸
رایورت‌های یومیه و تذکرها ۱۹۳
راهنمای فارسی پیش‌دانشگاهی ۱ و ۲ شامل: شرح مشکلات و مفاهیم ... ۲۵
راهنمای گام به گام طلایی ادبیات (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی ۲۶
رباعیات عمر خیام به یازده زبان: فارسی، عربی، روسی، آلمانی، ترکی، ژاپنی، ... ۵۹
رستاخیز جان ۱۸۶
رقص پروانه ۱۶۲
روزنامه سقّی همشآگردی ۱۹۳
روم و ژولیت (روم و جولیت) ۲۳۰
رویاها و آتش ۲۲۴
رویای من ۱۶۳
زبان فارسی (۵) 'سال سوم نظام جدید' رشته ادبیات و علوم انسانی: با توجه به آخرین تغییرات کتب درسی ۲۷
زبان و ادبیات فارسی عمومی (پیش-دانشگاهی) ۲۸
زبان و ادبیات فارسی عمومی: برگزیده‌ی مثنوی ادبی طس پانزده فصل شیوه‌ی نگارش فارسی مباحث دستور و ... ۳۴
زبان و نگارش فارسی ۹
زبان 'گزیده شعر' ۱۲۱
زمستانی که در پیش است ۱۲۲
زنی بدون گذشته ۲۲۵
زیرسایبان مهر ۲۳۳
ساس طلایی ۲۲۶
سال مرگ ریکاردویش ۲۵۲
سایه ۱۲۳
سایه‌های محبت ۱۶۴
ستارگان سیاه ۱۶۵
سفر به آینه‌ی دیگری ۲۶۰
سوار شعر ۱۲۴
سواکی حرمسرا ۱۶۶
سه خاطره ۲۰۰
سینویه: پزشک مخصوص فرعون 'متن کامل' ۲۶۱-۲۶۲
شازده احتجاب ۱۶۷-۱۶۸
شاهنامه فردوسی: متن کامل ۵۳
شب فاجعه انگلستان در اعماق دریا: داستان علمی - تخیلی ۲۳۵
شرح مثنوی ۶۵
شرح مثنوی شریف: مشتمل بر شرح ابیات از (۱) تا (۸۹۸) ۶۶
شرح مثنوی شریف: مشتمل بر شرح ابیات از ۹۰۰ تا ۱۹۱۲ ۶۷
شرح مثنوی شریف: مشتمل بر شرح ابیات از ۱۹۱۳ تا ۳۰۱۲ ۶۸
شعر عربی در عهد جاهلی ۲۵۴
شعله کبود: رسائل خطی جبران خلیل جبران به می‌زاده ۲۵۵
شقایق‌های عاشق ۱۶۹
شمیم کوهسار: اشعار کردی ۲۱۴
شیوه‌ی شعر آشوبی: ده رساله‌ی عرفانی، فلسفی و سیاسی در شناخت مثنوی و کنش شعر، اندیشه و زندگی حافظ ... ۱۲۵
صحیفه سجادیه منظوم ۱۲۶
صخره ناقوس ۱۰

صدای سخن عشق: گزیده غزل‌های حافظ ۹۰
صدای مظلومان ۲۶۳
صفای مظلومان ۲۶۴
طالع سرخ ۱۷۰
طبل حلبی ۲۴۲
طعم دهان سیب ۱۲۷
عشق برتر ۲۲۷
عشق پنهان ۱۷۱
عشق شیوا ۱۷۲
عصریم: طلسم منیم سنجیمیش شعرلر ۲۶۵
عملیات آخر: تالاسا (نظم‌های زمین دور دست) رمان علمی - تخیلی ۲۳۶
غریبه ۱۷۳
فارسی عمومی و آیین نگارش (برای استفاده دانشجویان و علاقه‌مندان ...) ۳۵
فارسی عمومی: برگزیده مثنوی ادب فارسی ۳۶
فارسی عمومی: شامل ادبیات پیش-دانشگاهی، ادبیات دانشگاهی، مثنوی نثر، دستور جامع زبان فارسی ... ۲۹
فراتر از بودن و موتسارت و باران ۲۴۶
فرهنگ نامهای شاهنامه ۵۵-۵۶
فرهنگ واژه‌های غزلیات سعدی به انضمام فرهنگ بسامدی (براساس متن غزلیات سعدی، تصحیح حبیب یغمائی) ۶۹
قصه‌های بی‌بی ۱۷۴
کارگاه انشاء: آموزش انشا و آیین نگارش: برای دانش‌آموزان اول راهنمایی ۱۱
کارگاه انشاء: آموزش انشا و آیین نگارش: برای دانش‌آموزان دوم راهنمایی ۱۲
کارگاه انشاء: آموزش انشا و آیین نگارش: برای دانش‌آموزان سوم راهنمایی ۱۳
کاکتوس روپان‌زده ۱۲۸
کسانی مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او ۵۷
کلبا و زهره شهر ایل - ارواح عالم برزخ ۲۴۷
کلیات اشعار شاه نمطالله ولی ۹۲
کلیات دیوان حافظ (خواجه شمس‌الدین محمد) ۹۱
کلیات سعدی: گلستان، بوستان، غزلیات: تصحیح شده از روی نسخه فروغی ۷۰
کلیات هفت جلدی خزائن الاشعار ۴۴
کلیله و دمنه ۱: رشته زبان و ادبیات فارسی ۲۰۴
کلیله و دمنه: باب پرزویه طیبی، باب شیر و گاو، باب بازجست کار دمنه با معنی واژه‌ها و شرح بیتها و ... ۲۰۵
کنیز ملکه مصر (جلد ۱ و ۲، ویرایش جدید) ۲۵۰
کوچه باغ دل ۲۱۲
کورسوی امید ۱۷۵
گذری در شالیزار نیما (مجموعه شعر) ۱۲۹
گزارش‌نویسی کاربردی: شیوه نگارش نامه‌های اداری ۱۴
گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۱۳۰-

۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳	مراثی محرم	۳۸	الهامی کرمانشاهانی، احمدبن رستم	۴۵	حجازی، بنفشه	۱	ساراماگو، ژوزه	۲۵۲
۱۳۴	نغمه‌های ولایت ۹ اشعار و سرودهای ماه شعبان	۳۹	الهی قمشه‌ای، حسین	۸۶-۲۱۶	حجت، اختر	۲۳۸	سارویان، ویلیام	۲۱۸
۱۹۵	نقد ادبی: رشته زبان و ادبیات فارسی	۲	امامی، صابر	۱۳۰	حجت‌خواه، حامد	۱۲۴	ساریچلو، روح‌الله	۱۰۶
۳۷	نقد و تحلیل آثار و احوال مخدومقلی فراغی	۲۶۷	امامی، عصمت	۳۷	حناد، محمود	۲۳۰	سیحانیا، اعظم	۱۶۹
۲۸	نگین محبت	۱۸۱	امور فرهنگی هیئت محبان	۴۸	حسامی، هوشنگ	۲۲۹	سیطی، هامون	۲۸
مجموعه	نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی	۱۸۹	اندرودی، اصغر	۲۲۳	حسن‌زاده، فرهاد	۱۹۴	سیاهی لاین، علیرضا	۲۱۱
۱۴۵	نویسندگان معاصر فرانسه	۲۴۲	انزایی‌نژاد، رضا	۱۶-۶۰	حسینی‌زاده، حمید	۱۲۰	سپهری بروجنی، عباس	۱۷۸-۱۷۷-۱۷۳-۱۱۰
گلین عصمت: مجموعه شعر: منابع و مراثی و نوحه در رثای حضرت فاطمه زهرا (ع)	نویسنده، نقد و فرهنگ	۳	انوری، حسن	۳۷-۹۰	حسینی‌زاده‌هرات، محمد	۱۲۰	سپهری، مهدی	۲۷
۱۴۶	وفای مظلومان	۲۶۸	اوحدی، مسعود	۲۱۸	حسینی، مریم	۱۷۰	سجادی، حسین	۲۰
۱۷۶	هزار و نه: مجموعه داستان	۱۸۲	ایزدی، رضا	۷۹	حکیمیان، ابوالفتح	۲۸	سرمست، محمدتقی	۸۴
۲۰۸	هفتاد سنگ قبر [دفتر شعر - ۱۳۶۰]	۱۳۹	ایمانی، علی	۳۸	حلبی، علی‌اصغر	۴۱	سعدی، مصلح‌بن عبدالله	۷۰-۲۰۸
۹۸	همچو شر خندیدن	۱۴۰	باتور، انیس	۲۶۰	حیدری، مهدی	۲۴۳	سعدی، محمدرضا	۷۵
۱۷۷	همینا با مرغ سخن: زندگی و شعر علی- اکبر دهخدا	۱۳۱	بارت، دومینیک	۲۴۳	خدایار، ناصر	۱۶۱	سلطانی‌گردفرامیزی، علی	۲۱
۱۷۸	یادگار مهنوی: جلد هفتم از ندای مظلومان	۲۶۹	باقری، علی	۲۲	خسروشاهی، جهانگیر	۱۵۷	سلطانی، محمدحسین	۱۲۶
۱۹۹	یک فتنان چای داغ	۱۹۷	باقری، فرح	۱۰۰	خسروی، حسین	۵۹	سلماسی‌زاده، جواد	۷۳
۲۳۱	یک قطره، دو چشم: مجموعه داستان	۱۸۳	باقری، مقصود	۲۶۶	خسروی، محمد	۱۰۸	سلماسی‌زاده، سیلوانا	۱۳۸
۲۳۷	دفاع مقدس	۱۸۳	بختیار، پژمان	۸۰	خطیب‌هریر، خلیل	۸۹-۲۰۵	سلوکی، مهرونوش	۲۴۴
۲۰۶	یوسف و زلیخا	۱۸۴	برآبادی، احسان	۱۹۶	خلیل جبران، جبران	۲۵۵-۲۵۷	سلوکی، مهرونوش	۱۴۱
۷۲-۷۱	منوی منوی		برآبادی، محمود	۱۹۶	خلیل، زیلال	۲۶۵	سلیمانی، یاقیس	۲۴
در شش دفتر بانضمام کشف‌الایات، ۷۳...	منوی معنوی: مشتمل بر ۲۵۷۱۲ بیت		بروجردی، احمد	۲۳۶	خیام، عمر بن ابراهیم	۵۹	سنگری، محمدرضا	۲۴
مجموعه طبقه‌بندی شده آموزش ادبیات فارسی (۵) سال سوم شاخه نظری (تجربی و ریاضی)	مجموعه طبقه‌بندی شده زبان و ادبیات فارسی دبیرستان پیش‌دانشگاهی ۳۱-۳۲		بروکلمن، کارل	۲۵۴	دال، روال	۲۳۷	سهراب‌نژاد، علی‌محمد	۲۱۲
۳۰	مجموعه کامل مرزبان‌نامه به زبان فارسی ساده: شامل چندین گفتگو و ۶۵ داستان حکمت‌آمیز از زبان حیوانات ۲۰۹		بشارتی، علی‌محمد	۱۱۶	دانش‌پژوه، منوچهر	۲۰۶	شاهروزی، اسماعیل	۱۸۴
۲۴۴	مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی ۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹		بشرخوست، مجتبی	۱۱۴	دانشگر، احمد	۸۳	شایسته، رسول	۲۰۴
۱۳۵	مدنی سن‌مدر		بصیرمژده‌ای، سامیه	۶۳	دانشگر، مریم	۸۳	شریعت‌زاده، علی‌اصغر	۷۵
۲۵۶	مردگان آفتاب: مجموعه شعر		بقایی، محمد	۹۵-۹۶-۹۷-۹۸	داوری، نازیلا	۲۲۷-۲۲۳	شمار، جعفر	۳۷
۲۳۲-۲۳۶-۱۰	مشارق‌الدرازی: شرح تائیه ابن فارض ۲۵۶		بنی‌هاشمی، کامییز	۸	دیرسیاقی، محمد		شعاری‌نژاد، علی‌اکبر	۴
۱۵۴	مصائب حضرت زینب (ع) از واقعه کربلا تا اربعین		بوین، کریستیان	۲۴۶		۵۱-۵۲-۵۸-۱۸۷-۱۸۸	شعاع، احمد	۱۴
۲۲۶	معجزه عشق		بهرمن‌پور، مریم	۱۹۰		۲-۱۰۲	شکسپیر، ویلیام	۲۳۱-۲۳۰-۲۲۸
۱۸۶	معصای آقای ریسی (به ضمیمه مختصری درباره نویسنده و نوشته‌هایش) ۲۳۹		بیات، مریم	۲۳۳-۲۴۵		۱۸۵	شکیبا، شهرام	۱۹۷
۳۵	مکاتبات اداری		پادشاهی، یثا	۲۳۰		۲۳۳	شمسی، مهران	۱۰۹
۱۱۱	ملکه پارس: اسپینوی فاتح قلب کوروش ۱۷۹		پادشاهی، یثا	۱۲۲		۲۴۷	شمیسا، سیروس	۱۷
۵۳	منطق الطیر عطار		پادشاهی، یثا	۱۹۰		۱۴۸	شهاب، محمدعلی	۳۹
۷۰	منظومه سلمان و ابراهیم		پادشاهی، یثا	۱۱۳		۲۴-۲۳	شهیدی، جعفر	۶۵
۶۱	منظومه‌ی سمفونی خردل و سیانور ۱۲۶		پادشاهی، یثا	۲۵۱		۲۳۳	شیخی، مژگان	۱۵۸
۹	مواکب و موزونها		پادشاهی، یثا	۷۶		۱۱۵-۱۴۳-۱۴۴	شیشه‌گران، احمد	۱۹۹
۲۴۹	مهاجر تنها		پادشاهی، یثا	۲۵۲		۱۳۵	صادق‌نژاد، صفر	۸۱
۱۹۵	مهر در شفق (مجموعه شعر)		پادشاهی، یثا	۲۰-۱۹		۱۳۲	صادقی‌نسب، عمید	۱۲۸
۲۳	نازارین		پادشاهی، یثا	۴۰-۱۹		۱۳۲	صالحی‌آرام، محمد	۱۴۰
۱۳۲	نامه‌های علامه اقبال لاهوری		پادشاهی، یثا	۱۳۸		۲۳۰	صائب، محمدعلی	۹۴
۴۵	نبض برگ		پادشاهی، یثا	۲۵۴		۱۸۰	صحرایی، اکبر	۱۸۲
۲۳۶	نصوص من الشعر و الشعر مستند		پادشاهی، یثا	۲۵۰		۲۳۰	صدریه، عبدالرحمن	۲۴۲
۵۰	صدرا سلام حتی سقوط بغداد ۲۵۸		پادشاهی، یثا	۲۳۳		۵۵-۵۶	صدقی، نگار	۲۳۶
۷۸	نظریه ارتباط زبانی و مرتبه‌های سعدی ۷۳		پادشاهی، یثا	۲۳۱		۲۱۱	صوفی، سیروس	۱۹۶
۱۷۳	نظمه‌های دل		پادشاهی، یثا	۴۰		۱۴۷	صدیقیان، مهین‌دخت	۶۹
۱۷۹	نظمه‌های عاشورا: مجموعه نوحه‌ها و		پادشاهی، یثا	۱۷۸		۱۲۱	صفا، ذبیح‌الله	۴۰
۲۱۰			پادشاهی، یثا	۲۱۰		۱۰۱	صفاری‌پور، عبدالرحمان	۵
۷۳			پادشاهی، یثا	۲۱۶		۱۸۹	صفری، داود	۱۹۴
۹۸-۹۷-۹۶			پادشاهی، یثا	۹۳		۲۱۵	صفی‌زاده، فاروق	۱۳۶
۱۸۲			پادشاهی، یثا	۲۱۶		۱۱-۱۲-۱۳	صلاحی، عمران	۱۹۸
			پادشاهی، یثا	۱۹۰		۱۳۹	صنعتی‌نیا، فاطمه	۶۱
			پادشاهی، یثا	۱۷۲-۱۶۳-۱۵۶-۱۵۳		۱۸۱	طالبی‌زاده، محمدصادق	۱۰۷
			پادشاهی، یثا	۶۲		۵۷	طالشی، یثا	۳۳
			پادشاهی، یثا	۲۴		۸۷	طاهری، فرزانه	۲۳۹
			پادشاهی، یثا	۲۲۳		۲۴۱	طهماسبی، شهلا	۲۳۷
			پادشاهی، یثا	۱۵۰		۳۱-۳۲	طهوری، مهروش	۱۳۴
			پادشاهی، یثا	۷۷-۷۸-۷۹		۱۰۴	طیعی، بابک	۱۸۳
			پادشاهی، یثا	۹۱-۸۸-۸۵-۸۲-۸۰		۲	ظهوری‌سمرقندی، محمدنیل علی	۲۰۲
			پادشاهی، یثا	۱۴۶		۱۴۵	عابد، محمد	۱۳۷
			پادشاهی، یثا			۲۲۵	عابدی، کامیار	۱۰۳

عادلپور، هادی	۲۱۹	لا یتمن، آلن	۲۲۴	نیکلسون، رینولدالین	۷۲	اسلامی، تهران	۱۸۵	انتشارات مدرسه: تهران	۱۵۹-۵
عبدالحسینی، سهیلا	۱۸۵	لوکاس، جورج	۳	نیکام، حسین	۸۴	بوته: تهران	۱۱۲	سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم	
عبدالمالکی توپسرکائی	۷۲	لوی، مارک	۲۱۷	واعظ، سعید	۲۵۸	به نگار: تهران	۱۲۹	انسانی دانشگاهها (سمت): تهران	۹
علمدارنیاکی، اسماعیل	۶	ماجوزی، مهدی	۲۹	والثاری، میکاتومی	۲۶۱-۲۶۲	پارس: تهران	۱۱۵-۱۲۳-۱۴۴	ساقی: تهران	۱۸۶
عمرانی، غلامرضا	۳۴	مان، کلاوس	۲۴۰	واناقتی جلال، محسن	۱۶۲	پارسا: تهران	۵۹-۸۰	سالار: تبریز	۲۶۶
عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر	۲۰۱	ماهوئی، مهروی	۱۵۹	وحیدنیا، س.	۹۴	بازینه: تهران	۷۵	سخن: تهران	۲۰۷-۹۰
عین آبادی، زهرا	۲۱۲	محبی نژاد، غلامعلی	۷۷	وحیدیان کامیار، تقی	۱۶	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات		سرروی دانش: تهران	۸۸
غبرانی، مهدی	۲۴۱	محمدی، آیت	۱۵۵	ولیزاده، عباس	۸۷	فرهنگی: تهران	۵۵-۵۶-۶۹	سروش: تهران	۹۳-۱۳۷-۲۱۸-۲۲۲
غلامدوست، هادی	۱۶۰	محمدی، حسنعلی	۳۰	وهابزاده، بختیار	۲۵۹	یگانه: تهران	۷۰	سمر: تهران	۱۱۹
غنی، قاسم	۸۵	محمدی نیکو، محمدرضا	۱۳۱	ویتنی، فیلیس ایام	۲۲۵	یل: تهران	۷۱	سیمین دخت: تهران	۲۵
فتاحی، حسین	۱۵۸	مدرس، امین	۲۲۲	ویسنده، انکا	۲۴۴	پورنگ: تهران	۱۶۶	شالوده: تهران	۷۶
فخاری، عبدالحسین	۱۰۵	مدرسزاده، عبدالرضا	۲۶	هاشمپورسیحانی، توفیق	۳۹	پوینده: تهران	۲۳۵	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی:	
فداکار، نورقلیچ	۲۶۷	مراد، کنیز	۲۴۵	های اسمیت، پاتریشیا	۲۲۹	پیام عدالت: تهران	۷۸	تهران	۶۵-۲۳۱-۲۳۷-۲۴۷
فرزانه، حمید	۲۶۰	مزدی، زرگری	۲۸	هجرشیرازی، پریچهر	۱۱۲-۱۱۶	پیکان: تهران	۵۳-۱۵۰-۱۷۰-۲۱۷-۲۴۵	شرکت تعاونی رویکرد نوین: تهران	۱۲۴
فرخ مهر، علی	۷	مریم، پروسپر	۲۴۷	هریس، جان شین	۲۲۵	تجربه: تهران	۲۲۱-۲۲۹-۲۳۴	شیوه: تهران	۱۶۱
فردوسی، ابوالقاسم	۵۴	مستور، مصطفی	۲۲۱	هیئت، محمدرضا	۲۶۵	تخت جمشید: شیراز	۱۰۴-۱۲۲-۱۶۹	صلای معاصر: تهران	۲۰۳
فرزانه، بهمن	۲۴۸	مسلمی حقیقی، محمدرضا	۱۲۳	یوسفی، غلامحسین	۲۰۱-۲۰۷	تکتیر: تهران	۸۴	صنیریه: تهران	۲۲
فرزانه، محسن	۵۹	مشیری، مهشید	۷۳-۸			توسعه علوم: قم	۳۵	صفی علیشاه: تهران	۸۹
فرزبوند، محمدعلی	۹۳	مطمینی، منوچهر	۱۵۲			تهران صدا: تهران	۱۰۰	طرح نو: تهران	۲۳۹
فرغانی، سعید بن محمد	۲۵۶	مظلومان، مهتاب	۲۲۴	نمایه ناشر				طرح و اجرای کتاب: تهران	۱۹۶
فروزانفر، محمدحسن	۶۲	مظهری، زهره	۲۲۰					عابد: تهران	۷
فروزانفر، محمدحسین	۶۸-۶۷-۶۶	معتمدی، مهیندخت	۲۵۵	آبان مهر: تهران	۲۳۲	جامی: تهران	۸۲	علم: تهران	۲۷
فلسفی، امیراحمد	۸۰	معصوم بیگی، علی اکبر	۳	آبان مهر: تهران	۱۰-۲۶۶	جانان: تهران	۳۲	علمی: تهران	۵۷-۲۰۱
فنائی، معصومه شهین ناز	۱۱۹	معمار، حسن	۱۸۵	آبوس: تهران	۱۷۱	جاویدان: تهران	۱۱۷	فاطمه الزهرا (س): قم	۱۷۵
فوکارد، اتول	۲۲۹	ممن، محمد	۲۰۳	آبی: تهران	۲۳۸	جرس: تهران	۱۸۴	فردوس: تهران	۱۷-۴۰-۹۵-۹۶-۹۸-۹۹
فیروزبخش، فرهاد	۱۵۱	مقدم، مریم	۱۷۱	آذنه: تهران	۱۰۷	جوان امروز: تهران	۲۴-۲۰۰	فرزان روز: تهران	۶۳-۲۵۷
فیروزیان، غلامرضا	۴۳	مقصودی، نورالدین	۲۰۴	آذین: تهران	۱۲۷	جواهری: تهران	۶	فروغ: تهران	۷۷
قاسمیان، خسرو	۱۵	ممبینی (غمگین)، حفیظ الله	۱۲۹	آرون: تهران	۲۰۹-۱۲۶	چکاد: تهران	۲۲۰	فرهنگ و هنر: تهران	۱۵۱
قائمی، بروین	۱۶۶	منشی زاده، کتابون	۲۲۸	آزمون: تهران	۱۸-۱۹-۲۰	چکاوک: تهران	۱۵۳-۱۵۶-۱۶۲-۱۷۲	فواد: تهران	۱۲۱
قدیمی، هوشنگ	۲۳۵	منصوری، ذبیح الله	۲۵۰-۲۶۱-۲۶۲	آژینه: کرگان	۴۲-۱۲۹	حافظ نوین: تهران	۸۲	فدایانی: تهران	۱۳۴-۱۳۸-۱۵۸-۲۰۸
قراچه داغی، مهدی	۲۱۷	منوچهری، احمد بن قوص	۵۸	آگاه: تهران	۱۸۹	حسام: تهران	۱۶۶	فدایانی، کتابهای بنفشه: تهران	
قراگوزلو، محمد	۱۲۵	موسوی، عبدالرضا	۱۳۳	آگاهان آینده: تهران	۷۴	حمید: تهران	۱۰۶-۱۲۸		۱۱-۱۲-۱۳
قربانزاده، مصطفی	۱۷۶	موسوی گرماردی، علی	۱۲۸	آینه ادراک: تهران	۹۴	حوزه علمی، دفتر تبلیغات اسلامی،		قصه گو: تهران	۸۸
قربانی، ابراهیم	۹۹	موسوی، نعمت الله	۳۹	احسان: تهران	۲۶۷	مرکز انتشارات: قم	۱۷۳-۲۵۶	قطره: تهران	۵۱-۵۲-۵۴-۸۱
قریب، عبدالعظیم	۲۰۶	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد	۷۱-۷۱	اداره کل فعالیتهای دانش آموزی: تهران		خدمات فرهنگی کرمان: کرمان	۱۴۵	ققنوس: تهران	۷۲
قزوینی، محمد	۸۵		۷۲-۷۳		۲۱۲	خلاق: تهران	۱۶۲	قو: تهران	۲۱۱
قنبری، بخشعلی	۶۴	مونتگمری، لوسی مود	۲۲۲	اساطیر: تهران	۲۹-۴۱-۵۰	دارالنشر اسلام: قم	۲۶۳-۲۶۴-۲۶۸	کانون فرهنگی آموزش: تهران	
قنبری، شهریار	۱۱۷	موبدی شیرازی، جعفر	۲۵۷	استادی: تهران	۲۳-۲۴	دانش آرا: تهران	۱۱۰-۱۱۲-۱۷۲-۱۷۸		۳۰-۳۱-۳۲
قورچیان، نادرقلی	۸	مهدوی، رضا	۲۶۳-۲۶۴-۲۶۸-۲۶۹	اطلاعات: تهران	۴-۱۴	دانشگاه پیام نور: تهران	۲-۳۹-۲۰۴	کانون گسترش علوم: تهران	۲۶
قیطاسی، حبیب	۱۴۹	میرجعفری، اکبر	۲۴	افق: تهران	۲۴۶	دانشگاه علامه طباطبائی: تهران	۲۵۸	کتاب پرواز: تهران	۲۴۹
کارلند، بابارازا	۲۳۸	میرزایی، مسعود	۵۹	افق، کتابهای فندق: تهران	۱۹۴	دژ: تهران	۱۱۸	کتاب مریم: تهران نشر مرکز، کتاب مریم	
کارور، ریموند	۲۲۱	میرعبادی، باهمکاری: ابوطالب	۶۹	افلاک: خرم آباد	۱۰۱	دشتستان: تهران	۲۴۱	کتابفروشی اسلامی: تهران	۱۴۶
کاکایی، دهمکردی، رضا	۷۹	میرعباسی، کاوه	۲۵۱	اقبال: تهران	۷۳	دفتر هنر و ادبیات ایثار: تهران	۱۸۵	کتابهای بنفشه: تهران	
کالدول، ارسکین پرستون	۲۲۳	میرکاظمی، حسین	۴۲	البرز: تهران	۱۵۳-۲۳۳-۲۳۴	دوستان: تهران	۱۶	کتابهای بنفشه: تهران	
کرونین، آرچیبالد جوزف	۲۲۲	ناظری، کیهان	۲۶	ام ایپها (س): قم	۱۹۹	دهاقتی: قم	۲۵۳	کتابهای فندق: تهران	
کریمی زاده، فریده	۳۴	نبوی، ابراهیم	۲۶	امیربهادر: تهران	۲۲۰	دیگر: تهران	۲-۲۴۰	کمال: یزد	۲۰۲
کریمی، فرزانه	۱۲		۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۵-۱۹۷	اندیشه سازان: تهران	۲۸	راه: تهران	۶۲	کنگره سرداران و چهارده هزار شهید	
کلارک، آرتور چارلز	۲۳۶	نخعی مقدم، بهمن	۲۵	اندیشه نو: تهران	۲۵۹	راه رشد: تهران	۲۷	استان فارس: تهران	۱۸۲-۱۸۳
کمال الدینی، محمدباقر	۲۰۲	نژادقدرلرستانی، اسماعیل	۸۶-۹۱	اندیشه وزان: تهران	۲۲۷	رضا مهدوی: قم	۲۶۹	کوتر: تهران	۱۰۹-۲۱۴
کمالی، رودابه	۱۱-۱۲-۱۳	نظام تهران، نادر	۲۵۸	اندیشه وزان: تهران	۲۲۳	رفعت: تهران	۱۵۲	کوشش: تهران	۲۱۹
کمری زنگنه، روضان	۲۱۲	نظامی، احمد بن عمر	۲۰۳	ایران جام: تهران	۱۲۵	روزنه: تهران	۱۸۷-۱۸۸-۱۹۱-۱۹۲	کیوان: تهران	۱۴۷
کین، فرانک	۲۴۰	نظری، دانش	۸۸	بابک: شیراز	۱۱۲-۱۱۶	روشنگران و مطالعات زنان: تهران	۱۹۳-۱۹۵-۱۹۷-۲۱۶	گفتن: تهران	۱۵۵
گراس، گوئتر	۲۴۲	نعمتی، غلامعلی	۱۱۸	باغ نو: تهران	۲۵۵	روز شیراز	۱۵	گلریز: تهران	۱۶۴
گریشام، جان	۲۱۹	نیمی، موسی	۲۴	بدیهه: تهران	۲۴۸	زیرین: تهران	۲۵۰-۲۶۱-۲۶۲	گنجینه فرهنگ: تهران	۱۷۹
گلشیری، هوشنگ	۱۶۸-۱۶۷	نفیسی، سعید	۱۶۵	برسات: تهران	۶۴	زوار: تهران	۵۸-۶۱-۶۶-۶۷-۶۸	گویش: تهران	۱۴۹-۲۱۲
گلکار، شهرام	۲۵۹	نوربخش، جواد	۹۲	برنامه: تهران	۱۳۵-۱۶۰	زوق: تهران	۲۶۵	گیلکان: رشت	۲۱۵
گوارسکی، جوانی	۲۴۹	نوروزی، علی	۱۶۴	بنیاد بعثت: تهران	۴۳	سارگل: تهران	۱۰۲	گیو: تهران	۲۵۴
لاجوردی، حسن	۱۸	نوریان، مژگان	۱۷۵	بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی: تهران	۸	سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی:		لوح محفوظ: تهران	۸۵
لاسن، پاتریسیا	۲۲۳	نونهالی، مهشید	۲۴۴	بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب		لیوسا: تهران	۱۸۱-۲۲۵		

۱۲-۹۹	ما: تهران	مرکز نشر میراث مکتوب: تهران ۲۵-۲۱	میلاد: تهران	۷۹	نشر مرکز: کتاب مریم: تهران	۲۳۷	واگویه: تهران	۱۲
۲۴۶	ماه‌ریز: تهران	مسجد مقدس صاحب‌الزمان (جملکران):	نازین: تهران	۲۰۶	نقش خورشید: اصفهان	۲۶۰	وزارت آموزش و پرورش: تهران	۲۱۲
۲۱	مبتکران: تهران	قم	نیا: تهران	۱۸۰-۱۰۵	نوروز هنر: تهران	۱۴۸	هاشمی: تهران	۲۵۲
۱۶۵	مجید: تهران	مطبوعات دینی: قم	نذیر: تهران	۳۸-۴۹-۱۱۱-۱۳۲-۱۳۶	نوقلم: تهران	۲۴۲	همراه: تهران	۱۹۸-۱۹۰
۸۶	محمد: تهران	معاونت پرورشی: تهران	۲۱۲	۱۷۶	نوید: شیراز	۲۷	هنرور: تهران	۸۷
۱۰۸	محمد خسروی: تهران	منادی تربیت: تهران	۱۵۷-۱۲۲	۲۳۴-۲۲	نیستان: تهران	۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳	یاسین: تهران	۹۱
۲۲۸	مرداد: تهران	منتشران: تهران	۲۷	۲۴۳	نیکان کتاب: زنجان	۲۸	نیکان: تهران	۱۰۸
۲۱۰	مرکز مطالعات ایرانی: تهران	مهتاب: تهران	۲۰۵	۲۵۱	نیلوفر: تهران	۱۶۷-۱۶۸	یلداقلم: تهران	۹۲

بهای اشتراک

الف (کتاب هفته : شش ماه (۲۶ شماره) یکسال (۵۲ شماره)

تهران		شهرستان	
شش ماهه	یکساله	شش ماهه	یکساله
۴۲۰,۰۰۰ ریال	۶۴۰,۰۰۰ ریال	۲۴۰,۰۰۰ ریال	۳۸۰,۰۰۰ ریال

ب (کتاب ماه : شش ماه (۶ شماره) یکسال (۱۲ شماره)

موضوع	تهران		شهرستان		موضوع	تهران		شهرستان	
	شش ماهه	یکساله	شش ماهه	یکساله		شش ماهه	یکساله	شش ماهه	یکساله
کلیات	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	هنر	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال
دین	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	ادبیات و فلسفه	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال
علوم اجتماعی	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	تاریخ و جغرافیا	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال
علوم و فنون	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	کودک و نوجوان	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال	۱۲,۵۰۰ ریال	۲۲,۵۰۰ ریال

(مبالغ فوق شامل هزینه های ارسال نیز می باشد)

نحوه اشتراک

جدول زیر را تکمیل و بر اساس جداول بالا بهای اشتراک را محاسبه و به شماره حساب ۱۸۵۲۰۸۶۹ بانک تجارت شعبه انقلاب فلسطین واریز نموده و اصل فیش را به همراه جدول زیر به نشانی تهران، صندوق پستی ۱۳۱۳۵-۱۳۱۳۵ و یا تهران خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین، ساختمان شماره ۱۱۷۸ خانه کتاب ارسال فرمائید. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۶۲۶۵۶۲۵ تماس حاصل فرمائید.

نام / موسسه / سازمان :

نشانی :

تلفن :

موارد درخواستی :

- ☐ کتاب ماه کتاب هفته
☐ کتاب ماه کلیات
☐ کتاب ماه دین
☐ کتاب ماه علوم اجتماعی
☐ کتاب ماه علوم و فنون
☐ کتاب ماه هنر
☐ کتاب ماه ادبیات و فلسفه
☐ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
☐ کتاب ماه کودک و نوجوان

تاریخ وصول درخواست :

لطفاً در این مکان چیزی ننویسید

شروع اشتراک :

لطفاً در صورت تمایل به دریافت شماره های قبلی با ما مکاتبه نمائید.

فرم اشتراک کتاب ماه ادبیات و فلسفه داخل کشور

زبان‌شناسی

۴۱۰

۱- اصول و روش ترجمه: رشته مترجمی زبان انگلیسی. کاظم لطفی پور ساعدی؛ ویراستار: رضا نبیلی پور. - تهران: دانشگاه پیام نور. - ۳۵۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۵۵-۵۶۵-۱

چاپ اول

۲- زبان. لئونارد بلومفیلد؛ مترجم: علی محمد حق- شناس؛ ویراستار: علی اکبر رزفام. - تهران: مرکز نشر دانشگاهی. - ۷۶۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۵۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Language

شابک: ۹۶۴-۰۱۰-۰۹۷۷-۰

ترجمه به فارسی

زبان

میراث و زبان

کتاب حاضر روایت تجدید نظر شده‌ای از اثر دیگر لئونارد بلومفیلد به نام "درآمدی بر مطالعه زبان" است که در سال ۱۹۱۴ منتشر شده. روایت جدید در این کتاب نسبت به روایت قدیم، مبسوط تر است و مخاطبان آن علاوه بر دانشجویان زبان‌شناسی، خوانندگان عادی هستند. مباحث این کتاب، تصویری از نظام زبان و سطوح مختلف ساختار آن به دست می‌دهد و در کنار آن: روش تحقیق و روال‌های کشف و توصیف زبان‌شناسی را براساس دیدگاه تحقیقی و تجربی نویسنده، در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. مترجم کتاب نیز کوشیده مطالب کتاب را به زبانی ساده عرضه کند. برخی مباحث این کتاب بدین قرار است: "مطالعه زبان"، "کاربرد زبان"، "زبان‌های جهان"، "انواع واج‌ها"، "انواع جمله"، "نحو"، "ساخت واژه"، "جغرافیای گویش‌ها"، و "نوسان در بسامد صورت‌ها".

۳- زبان شناخت.

سیما وزیریا. - تهران: قطره. - ۳۳۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۰۸۸-۹

چاپ اول



مولف در پیش گفتار کتاب اذعان داشته است: "زبان شناخت" حاوی اطلاعات متنوعی درباره زبان است که در آن از یافته‌های دانش‌هایی مانند زیست-شناسی، ارتباطات شناسی، روان‌شناسی بالینی، روان‌شناسی تربیتی و زبان‌شناسی استفاده شده است؛ بنابراین شناختی است چندوجهی از زبان که در آن میزان اطلاعات جنبی درباره زبان هم سنگ اطلاعات زبان شناختی است. یعنی به همان میزان که از مهارت‌ها در کارکردهای زبان یا خاستگاه و سطوح آن بحث شده، به آسیب‌شناسی و آموزش زبان و نیز ارتباط آن با فرایندهای عالی ذهن توجه شده است. وی کتاب را ذیل نه فصل با این عناوین تدوین کرده است: "زبان چیست؟"، "زمینه‌های زیست‌شناختی تکامل زبان"، "سطوح زبان"، "جهان زبان"، "رشد زبان"، "زبان و فرایندهای عالی ذهن"، "آسیب‌شناسی زبان"، "مبانی نظری آموزشی زبان" و "زبان و ارتباط".

چاپ اول

۴- مبانی زبان. رابرت لارنس ترسک؛ مترجم: علی فایمان. - تهران: نشر مرکز. - ۳۵۶ ص. - رقی (شمیز). - ۲۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Language, the basics

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۵۰۸-۶

نویسنده در فصل نخست کتاب به ویژگی‌های زبان انسان و تفاوت‌های ساختاری آن با نظام ارتباطی جانوران

اشاره می‌کند. وی در فصل دوم از دستور به مثابه "ستون فقرات زبان" یاد می‌کند و سعی دارد تصویری روشن از قواعد دستوری به دست دهد. در فصل سوم خواننده با مفاهیم و اصطلاحات اولیه معناشناسی آشنا می‌شود. و فصل چهارم نیز به مباحث بنیادی جامعه‌شناسی زبان از جمله تنوع زبانی، زبان و هویت فردی



و اجتماعی، و زبان و جنسیت اختصاص می‌یابد. در فصل پنجم امر تغییر و دگرگونی در زبان تشریح می‌شود و در خلال آن از خانواده زبان‌های هند و اروپایی نخستین و خانواده "نوستراتیک" نخستین سخن به میان می‌آید. مولف مباحث فصل ششم را به مسائل کاربردشناسی و خط اختصاص می‌دهد. در فصل هفتم، جنبه‌های زیست شناختی زبان و اختلالات گفتار را تشریح می‌کند. مخاطبان در فصل هشتم کتاب علاوه بر بررسی مراحل فراگیری زبان کودکان، با دیدگاه‌های مختلف این فرایند از جمله فرضیه فطری‌گرایی "نوام جومسکی" آشنا می‌شوند. نویسنده در فصل پایانی کتاب نگرش‌های گوناگون به زبان و برخی اقدامات دولت‌ها در سره‌گرایی را توضیح می‌دهد و برای نمونه به برنامه ریزی زبانی کشور نروژ و سرزمین "باسک" اشاره می‌کند.

زبانهای ایرانی

چاپ اول

۵- آموزش گام به گام زبان (۱) سال اول نظام جدید. م. قنبریان. - تهران: پسر. - ۸۵ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۱۸-۸۸-۱

چاپ اول

۶- آموزش گام به گام زبان فارسی (۱) سال اول نظام جدید. حسن لاجوردی. - تهران: ازمون. - ۸۰

ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۹۷-۹

چاپ اول

۷- آموزش گام به گام زبان فارسی (۲) سال دوم نظام جدید. حسن لاجوردی. - تهران: ازمون. - ۱۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۷۰۴-۵

۸- فرهنگ کوچک زبان پهلوی. دیوید نیل مکنزی؛ مترجم: مهشید میرفخرایی. - تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. - ۴۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۱۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۱۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: A concise pahlavi dictionary

شابک: ۹۶۴-۴۲۶-۰۷۶-۷

دستور زبان فارسی

۵۴۴

۹- دستور زبان فارسی. حسن احمدی گیوی، حسن اتوری. - تهران: فاطمی. - ۲۶۴ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۸-۰۰۶-۹

۱۰- دستور زبان فارسی: کتاب حروف اضافه و ربط مشتمل بر: تعریف و تقسیم و شرح اصطلاحات و معانی و کاربرد... به اهتمام: خلیل خطیب رهبر. - تهران: مهتاب. - ۵۶۸ ص. - وزیری (گالینگور). - ۳۲۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۱۷۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۶۲-۱۰-X

چاپ اول

۱۱- راهنمای زبان فارسی (۱) سال اول دبیرستان شامل: آموزش- کامل کتاب، شرح مفاهیم ... حسین قاسم پور مقدم. - تهران: منشور دانش. - ۱۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۳۴-X

۱۲- راهنمای زبان فارسی (۱) سال اول دبیرستان شامل: آموزش کامل کتاب، شرح مفاهیم ... حسین قاسمپورمقدم - تهران: منشور دانش - ۱۳۸۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۴۴-X

چاپ اول

۱۳- راهنمای زبان فارسی (۲) سال دوم دبیرستان شامل: آموزش کامل کتاب، شرح مفاهیم ... حسین قاسمپورمقدم - تهران: منشور دانش - ۱۳۸۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۴۴-۲

چاپ اول

۱۴- کتاب کار و خودآزمون هدفدار فارسی: سال اول راهنمایی برای معلمان و دانش-آموزان. سیما وزیرنیا، حسین قاسمپور، نویراستار: معصومه رضوانفر، [و دیگران] - تهران: شورا - ۱۴۰۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۸۶-۱

چاپ اول

۱۵- مبانی زبان و دستور زبان فارسی (برای دانش-آموزان و داوطلبان کنکور - نظام جدید). اسدالله عبادی - تهران: زاوش - ۱۳۸۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۸۶۳-۰۰-۶

چاپ اول

۱۶- نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب نحو برنامه کمینگی. علی میرعمادی - تهران: فرهیخته - ۲۰۰۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۳۳۹-۶۰-۳

موضوع اصلی کتاب، توصیف و تبیین نحو زبان فارسی و مقایسه آن با نحو زبان انگلیسی است که در قالب 'نظریه کمینگی' عرضه شده است. یادآور می-شود 'برنامه کمینگی' را 'نوام چامسکی' در سال ۱۹۹۳ معرفی نمود و سپس

زبان‌شناسان دیگر آن را به بحث و بررسی گذاشتند. کتاب حاضر در ده بخش و یک اصطلاح نامه توصیفی تدوین شده است. در بخش نخست



کتاب، چستی دستور زبان، همچنین شرایط و ویژگی آن و این که به چه مسائلی باید پاسخ دهد، شرح و بررسی می-شود. مباحث بخش دوم به مقوله-های دستوری شامل مقوله‌های نحسی واژگانی، و تخصص‌ها و ضمایر مربوط می-شود. موضوع بخش سوم، ساختار عبارت و جمله و سازه‌های تشکیل دهنده و قوانین حاکم بر آنهاست. در بخش چهارم از عناصری در زبان سخن می-رود که حضور منوی دارند، اما فاقد حضور مادی و آوایی هستند. ضمایر مفعوله یا مقوله‌های تهی از مباحث این بخش به شمار می-آیند. مباحث بخش پنجم عمدتاً مربوط به زبان انگلیسی است. در بخش ششم، موضوع 'حرکت عامل' بررسی می-شود. بخش هفتم درباره افعال فعل مانند فاعل و مفعول، و ادات است. موضوع بخش هشتم عبارت است از بررسی علل حرکت و جابه‌جایی سازه‌ها در جمله. در بخش نهم گروه‌های فعلی و وابسته‌ها یا افعال آنها بررسی می-شود و سرانجام در بخش دهم نظام تطابق یا انطباق در زبان شرح و بررسی می-گردد. در پایان هر بخش از کتاب چکیده‌ای از مباحث عرضه شده و در انتها معانی اصطلاحات و واژه‌های فنی درج گردیده است.

۱۷- دستور زبان فارسی.

حسن انوری، حسن احمدی-گیوی. - تهران: فاطمی - ۲۸۳ ص. - جلد دوم - وزیری (شمیز) - ۱۶۵۰۰ ریال - چاپ نوزدهم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۸۰-۰۰۷-۷

۱۸- دستور زبان فارسی ۱.

حسن انوری - تهران: دانشگاه پیام نور - ۱۸۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۸۰۰ ریال - چاپ دوازدهم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۲۵۵-۲۷۷-۶

۱۹- دستور زبان فارسی ۲.

حسن انوری. - تهران: دانشگاه پیام نور - ۲۲۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ دوازدهم / ۴۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۲۷۶-۸-۴۵۵

گویش‌های ایرانی

۲۰- خودآموز و مکالمات ترکی آذربایجانی قابل استفاده جهانگردان، مسافران آذربایجان، و علاقمندان ... حسین فیض‌اللهی. - تبریز: تلاش - ۲۹۴ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۷۵-۲۱-۰

زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها

چاپ اول

۲۱- فرهنگ جامع اختصارات: انگلیسی - انگلیسی - فارسی. مرتضی امامی‌پور. - تهران: فردوس - ۶۳۶ ص. - وزیری (سلفون) - ۴۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

The english - english - persian abbreviation dictionary

شابک: ۹۶۴-۳۲۰-۳۸-۸

۲۲- فرهنگ جدید دانش آموز = The new student dictionary: english - persian

عظیم سلیمانی‌زاده، علیرضا سلیمانی‌زاده. - تهران: پارس - ۱۸۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ یازدهم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۰۹۷-۴-۴

۲۳- فرهنگ دانش انگلیسی به فارسی (با تلفظ فارسی).

مهری ریاحی، زهرا ریاحی. - تهران: ایمان - ۷۷۲ ص. - جیبی (گالینگور) - ۱۸۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Danesh pronouncing english - persian dictionary شمسایک: ۹۶۴-۹۰۷۶۷-۲-۵

۲۴- فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی. سلیمان حبیب‌نویراستار: محمدرضا باطنی. - تهران: فرهنگ معاصر - ۷۵۴ ص. - جیبی (گالینگور) - ۱۸۵۰۰ ریال - چاپ بیست و پنجم / عنوان به لاتین:

The shorter english persian dictionary

شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۰۴-۸

چاپ اول

۲۵- فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی. محمدرضا جعفری. - تهران: نشر نو - ۱۱۰۸ ص. - جیبی (سلفون) - ۲۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Little english - persian dictionary

شابک: ۹۶۴-۹۲۷۳۱-۰۰-۷

۲۶- فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی. محمدرضا باطنی، [و دیگران]. - تهران: فرهنگ معاصر - ۱۰۲۶ ص. - وزیری (گالینگور) - ۴۲۰۰۰ ریال - چاپ ششم. عنوان به لاتین:

Farhang moaser english - persian dictionary

شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۲۶-۹

چاپ اول

۲۷- فرهنگ نوین انگلیسی - فارسی (درس به درس) سال سوم دبیرستان. بهروز کلاتری. - تهران: فرهنگ نوین - ۱۸۲ ص. - جیبی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Dictionary english - persian

شابک: ۹۶۴-۹۲۲۲۰-۶-۵

۲۸- واژه‌نامه زبان انگلیسی: کتاب‌های دبیرستان و پیش-دانشگاهی. بهروز غفریان، رضا علیرزاده‌ستین. - تهران: آیندگان - ۲۰۸ ص. - پالتویی (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۱۴-۰۱-۲

29- Collins gem dictionary of synonyms and antonyms. گردآورنده: A.H. Irvine. - تهران:

سیمین قلم - ۴۴۸ ص. - جیبی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

30- English vocabulary in use. Felicity Michael McCarthy. O'dell. - تهران: بوستان - ۳۰۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

31- Longman dictionary of contemporary english. ویراستار: Della Summers. - تهران: شهر آب - ۱۳۱۴ ص. - رقصی (شمیز).

چاپ اول

32- Longman lexicon of contemporary english. Tom McArthur. - تهران: شهر آب - ۹۱۲ ص. - رقصی (شمیز) - چاپ اول.

33- Oxford Elementary Learner's Dictionary. ویراستار: Angela Crawley. - تهران: هنرور - ۴۲۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

34- Oxford advanced learner's dictionary. A.S. Hornby. Jonathan Crowther. - تهران: سیب سرخ - ۱۵۶۴ ص. - وزیری (سلفون) - ۴۸۰۰۰ ریال - ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

35- Oxford advanced learner's dictionary. A.S. Hornby. Jonathan Crowther. - تهران: محسن - ۱۵۶۴ ص. - وزیری (سلفون) - ۴۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.

36- Oxford advanced learner's dictionary of current english. A.S. Hornby. Jonathan Crowther. عباسی - ۱۴۴۴ ص. - وزیری (سلفون) - ۴۶۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

37- Oxford elementary learner's dictionary.

چاپ اول

ویراستار: Angela Crawley
Michael Ashby. تهران: یاس. - ۲۳۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

38- Oxford elementary learner's dictionary.
ویراستار: Angela Crawley
Michael Ashby. تهران: دانش بیگی. - ۴۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

39- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley
تهران: شهرآب. - ۲۲۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

40- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley
تهران: قلم زن. - ۲۲۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

41- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley
تهران: قلم زن. - ۲۲۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

42- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley
Michael Ashby. تهران: وحید. - ۲۲۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

43- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley
تهران: زرین قلم. - ۲۲۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

44- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley
تهران: دانش پرور. - ۴۳۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

45- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley
تهران: طلوع. - ۴۳۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۱۰۳-۰۷-۲

چاپ اول

46- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley
تهران: آذین. - ۴۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۷۰۰۰ نسخه.

47- Oxford elementary learner's dictionary 2000.

ویراستار: Angela Crawley
تهران: عباسی. - ۴۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

48- Synonyms and antonyms.

تهران: سیمین قلم. - ۲۴۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۶۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

دستور زبان انگلیسی

۲۲۵

۴۹- آزمون زبان و گرامر انگلیسی: برای استفاده دانشجویان، دانش آموزان و ...

جواد عسکری. تهران: عطایی. - ۵۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ چهل و دوم / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۱۳-۰۱۶-۹

چاپ اول

۵۰- آزمون‌ها و مفاهیم زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی (۱ و ۲) و سالی‌های اول، دوم و سوم دبیرستان برای تمامی ...
علی حیاتی. تهران: منشور دانش. - ۳۳۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۳۳۰۰۰

ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۵۹-۸

۵۱- آزمونهای زبان انگلیسی ویژه دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی.
زهرا آریین‌مجد. تهران: بدر. - ۶۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
English language tests for the second grade students...
شابک: ۹۶۴-۵۷۲۹-۰۸-۲

۵۲- آزمونهای زبان انگلیسی ویژه دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی.
زهرا آریین‌مجد. تهران: بدر. - ۷۲ ص. - رحلی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ دوازدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
English language tests for the second grade students ...
شابک: ۹۶۴-۵۷۲۹-۰۸-۲

چاپ اول

۵۳- آموزش گام به گام انگلیسی سال دوم راهنمایی.
منصور احمدی. تهران: آزمون. - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۲۶۱-۷۰۶-۱

چاپ اول

۵۴- آموزش گام به گام زبان (۲) سال دوم نظام جدید.
م. قنبریان. تهران: پر. - ۲۳۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۱۸-۸۹-X

چاپ اول

۵۵- آموزش گام به گام زبان (۳) سال سوم نظام جدید.
م. قنبریان. تهران: پر. - ۲۴۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۱۸-۸۶-۵

چاپ اول

۵۶- آموزش گام به گام زبان انگلیسی دوم راهنمایی.
م. قنبریان. تهران: پر. - ۲۰۸ ص. -

وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۱۸-۶۲-۸

چاپ اول

۵۷- آموزش گام به گام زبان انگلیسی سال دوم راهنمایی.
محمود زعفرانیان. مشهد: گلی. - ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۱۵۱-۸۱-۷

۵۸- انگلیسی عمومی "گرامر" بر اساس کتاب 'English sentence structure' محمد مهدی خادم‌زاده. تهران: رهنما. - ۳۸۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
General english (grammar)
شابک: ۹۶۴-۶۹۵۱-۳۷-۶

۵۹- ۲۰ آزمون کنکور زبان انگلیسی: ۱۸۰۰ سؤال چهارگزینه‌ای با جواب تشریحی و توضیح نکات.
مسعود آریانی. تهران: مبتکران. - ۲۸۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۲۸۶-۱۲۷-۲

۶۰- پرسش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد زبان انگلیسی (سالی‌های اول، دوم و سوم نظام جدید) "کلیه رشته‌ها".
محمدرضا عنایتی‌سرآب. جهانبخش نیکوپور. تهران: استادی. - ۲۰۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۷۳۲-۳-۲

۶۱- تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی مخصوص سوم راهنمایی.
سهراب غلامپور. تهران: آزمون نوین. - ۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۳۷-۳۶-۳

۶۲- تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی نوین مخصوص دوم راهنمایی.
سهراب غلامپور و ویراستار: حجت‌الله سلیمی. تهران: آزمون نوین. - ۱۴۴

ص. - وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۵-۱۵۲-۲

۶۳- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی مخصوص سوم راهنمایی.
پرویز تاجیک. تهران: تاجیک. - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ سی و پنجم / ۲۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۰-۵-۲۰-۶

۶۴- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی مخصوص دوم راهنمایی.
پرویز تاجیک. تهران: تاجیک. - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ بیست و نهم / ۲۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۰-۵-۱۹-۲

۶۵- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی مخصوص سوم راهنمایی.
پرویز تاجیک. تهران: تاجیک. - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ سی و ششم / ۲۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۰-۵-۲۰-۶

۶۶- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی ۱ دوره پیش-دانشگاهی.
پرویز تاجیک. تهران: تاجیک. - ۱۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ دهم / ۲۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۶۶۹-۷-۱

۶۷- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی ۱ دوره پیش-دانشگاهی.
پرویز تاجیک. تهران: تاجیک. - ۱۸۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ چهاردهم / ۲۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۶۶۹-۷-۱

۶۸- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی ۲ دوره پیش-دانشگاهی.
پرویز تاجیک. تهران: تاجیک. - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۲۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۰-۵-۱۱-۷

۶۹- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی ۲ دوره پیش-دانشگاهی.
پرویز تاجیک. تهران: تاجیک. - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۲۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۰-۵-۱۱-۷

۶۹- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۳: قابل استفاده برای دانش‌آموزان سال سوم نظام جدید ...

پرویز تاجیک - تهران: تاجیک - ۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ بیستم / ۲۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۲-۰

۷۰- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۱: مخصوص سال اول دبیرستان.

پرویز تاجیک - تهران: تاجیک - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ سی و دوم / ۲۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۱-۳

۷۱- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۲: مخصوص سال دوم دبیرستان (نظام جدید).

پرویز تاجیک - تهران: تاجیک - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ بیست و یکم / ۲۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۲-۲

۷۲- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۲: مخصوص سال دوم دبیرستان (نظام جدید).

پرویز تاجیک - تهران: تاجیک - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ بیستم / ۲۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۲-۲

۷۳- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۱: مخصوص سال اول دبیرستان.

پرویز تاجیک - تهران: تاجیک - ۱۶۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ سی و یکم / ۲۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۱-۳

۷۴- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۱: مخصوص سال اول دبیرستان.

پرویز تاجیک - تهران: تاجیک - ۱۶۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ سی و چهارم / ۲۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۱-۳

۷۵- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۱: مخصوص سال اول دبیرستان قابل استفاده برای دانش‌آموزان ...

پرویز تاجیک - تهران: تاجیک - ۱۶۶

ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ سی و سوم / ۲۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۱-۴

۷۶- جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۳: قابل استفاده برای دانش‌آموزان سال سوم نظام جدید ...

پرویز تاجیک - تهران: تاجیک - ۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ بیست و یکم / ۲۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۳-۰

چاپ اول

۷۷- جمله‌بندی در زبان انگلیسی همراه با اطلاعات دستوری و تست.

علیرضا فاضلی - شیراز: نو - ۱۲۳ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۴۱۲-۳۹-۱

۷۸- خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۱) دوره پیش-دانشگاهی.

عبدالصمد تمدن - تهران: آزمون - ۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۲۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۹۸-۷

۷۹- خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۲) دوره پیش-دانشگاهی.

عبدالصمد تمدن - تهران: آزمون - ۱۵۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ هفتم / ۲۰۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۷۱۲-۴

۸۰- خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۲) سال دوم نظام جدید.

عبدالصمد تمدن - تهران: بوستان - ۲۶۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۱۱۰-۱۲۳-۶

چاپ اول

۸۱- خودآموز و راهنمای زبان سوم راهنمایی.

م. قنبریان - تهران: پر - ۲۱۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۵۵۱۸-۷۷-۶

۸۲- خودآموز و راهنمای زبان انگلیسی سوم راهنمایی.

مسعود فرهنگ - تهران: پیکان - ۲۲۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۳۳۸-۱۰۳-۵

۸۳- راهنما و خودآموز زبان انگلیسی سال اول نظام جدید.

علیرضا ساداتمند - تهران: گلی - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۱۵۱-۵۱-۵

۸۴- راهنمای انگلیسی (زبان ۱) قابل استفاده برای دانش‌آموزان سال اول دبیرستان داوطلبان متفرقه و ...

فریبا تاجیک، الهه موسی‌فر - تهران: تاجیک - ۱۲۰ ص. - رحلی (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۴-۳

چاپ اول

۸۵- راهنمای انگلیسی (زبان ۳) قابل استفاده برای دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان ...

فریبا تاجیک، الهه موسی‌فر - تهران: تاجیک - ۱۵۲ ص. - رحلی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۶-X

۸۶- راهنمای انگلیسی سوم راهنمایی.

تهیه و تنظیم: علیرضا ساداتمند - تهران: گلی - ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۱۵۱-۵۲-۲

۸۷- زبان انگلیسی (۱) سال اول دبیرستان آموزش کامل کتاب شامل: تدریس گرامر، ترجمه، تلفظ، تمرین و ...

علی حیاتی - تهران: منشور دانش - ۲۳۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۲۵-۳

۸۸- زبان انگلیسی (۲) سال دوم دبیرستان آموزش کامل کتاب شامل: تدریس گرامر، ترجمه، تلفظ، تمرین و ...

علی حیاتی - تهران: منشور دانش - ۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰

ریال - چاپ یازدهم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۲۶-۱

۸۹- زبان انگلیسی (۳) سال سوم دبیرستان.

علی حیاتی - تهران: منشور دانش - ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ یازدهم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۲۷-X

۹۰- سوالات چهار جوابی و گرامر انگلیسی از دبیرستان تا دانشگاه مخصوص: دبیرستان - پیش-دانشگاهی - کنکور.

عباس فرزام - تهران: باستان - ۲۳۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۶۰۰۰ ریال - چاپ بیست و هفتم / ۲۰۰۰ نسخه عنوان به لاتین: English grammar and test

شابک: ۹۶۴-۹۰۷۶۸-۰۰-۸

چاپ اول

۹۱- گرامر زبان انگلیسی و تست.

محمد صدرالحفاظی - تهران: شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران - ۱۵۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۵۷۶-۰۰-۱

۹۲- گنجینه پرسش‌های طلایی زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی (۱).

کریم خلیلی - تهران: آندگان - ۲۲۸ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۴۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۹۱۴-۵۴-۳

چاپ اول

۹۳- مجموعه آموزش، نکته و سنجش زبان انگلیسی (۲) پیش-دانشگاهی.

عباس صفی - تهران: کانون گسترش علوم - ۱۶۰ ص. - رحلی (شمیز) - ۱۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۳۴۰-۱۰۸-۱

۹۴- مجموعه طبقه‌بندی شده زبان انگلیسی نظام جدید، پیش-دانشگاهی، نظام قدیم:

کنکورهای سراسری و آزاد ... گردآورنده: کریم خلیلی - تهران: کانون

فرهنگی آموزش - ۳۲۸ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۸۵۰۰ ریال - چاپ بیست و پنجم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۰۵-۸

۹۵- مجموعه طبقه‌بندی شده زبان انگلیسی نظام جدید، پیش-دانشگاهی، نظام قدیم: کنکورهای سراسری و آزاد ...

گردآورنده: کریم خلیلی - تهران: کانون فرهنگی آموزش - ۳۲۸ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۸۵۰۰ ریال - چاپ بیست و ششم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۰۵-۸

۹۶- ۱۰۰۰ نکته در ??? طبقه-بندی شده زبان انگلیسی ۱ و ۲ و ۳ نظام جدید.

بهروز غفاریان - تهران: آندگان - ۲۰۰ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۱۰۰۰ ریال - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۴-۶۹۱۴-۳۵-۴

چاپ اول

۹۷- ۷۷۷ تست زبان پیش-دانشگاهی.

تهیه و تنظیم: نجم‌الدین شهاب - اراک: فتح دانش - فتح‌میلان - ۱۰۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه

عنوان به لاتین: 777 tests in basic english

چاپ اول

98- Basic grammar in use.

Raymond Murphy - تهران: قلمستان هنر - ۲۶۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه

99- A contrastive analysis of persian and english....

Lotfollah Yarmohammadi - تهران: دانشگاه پیام نور - ۲۷۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۱۴۰۰ ریال - چاپ سوم / ۱۰۰۰ نسخه

عنوان به فارسی: بررسی مقایله‌ای ساخت جمله فارسی و انگلیسی (گروه زبان‌انگلیسی)

شابک: ۹۶۴-۳۵۵-۰۶۵-X

چاپ اول

100- English sentence structure.

Robert Krohn - قم: مهدیه -

۲۳۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۷۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۶۴۲-۸-۰

چاپ اول

101- English vocabulary in use.

Stuart Redman. - تهران: بوستان. - ۲۷۲ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

102- Grammar One.

Jennifer Seidl. - تهران: بوستان. - ۸۰ ص. - جلد اول. - رحلی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

103- Grammar Two.

Jennifer Seidl. - تهران: بوستان. - ۹۶ ص. - جلد دوم. - رحلی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

104- Grammar in use.

Raymond Murphy. - تهران: قلمستان هنر. - ۳۲۲ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

105- Grammar through patterns.

Mohammad mehdi Khademzadeh. - تهران: پشوتن. - ۲۹۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۶۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۱۳۶-۰۴-۸

چاپ اول

106- Systems in english grammar.

Peter Master. - تهران: آتیه. - ۳۰۸ ص. - جلد اول. - وزیر (شمیز). - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۷۳-۸۲-۶

کاربرد زبان انگلیسی معیار

۱۰۷- آموزش و خودآموز گرامر انگلیسی آکسفورد برای شما (از سطح مبتدی تا سطح عالی). - تهران: اشرفالکتابی. - ۳۲۸ ص.

۲۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۰۹-۴

۱۰۸- انگلیسی آمریکایی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی آمریکایی با ترجمه فارسی و تلفظ ...

تهیه و تنظیم: حسن اشرفالکتابی. - تهران: استاندارد. - ۲۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۱۵-۹

۱۰۹- انگلیسی تخصصی برای دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین‌المللی.

پرویز علوی. - تهران: علوم نوین. - ۹۸ ص. - جلد اول. - وزیر (شمیز). - ۴۲۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

English for students of political science and international

شابک: ۹۶۴-۶۱۳۳-۳۲-۰

۱۱۰- انگلیسی در سفر = English on trip (plus) دوره متوسطه و پیشرفته.

گردآورنده: حسن اشرفالکتابی. - تهران: استاندارد. - ۲۰۸ ص. - جلد دوم. - رقی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۱۱-۶

۱۱۱- انگلیسی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی با ترجمه فارسی و تلفظ واژه‌ها با الفبای فارسی ...

حسن اشرفالکتابی. - تهران: استاندارد. - ۲۴۰ ص. - رقی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

English on trip

شابک: ۹۶۴-۹۱۴۴-۷-۲

چاپ اول

۱۱۲- درسی‌نامه جامع پزشکی (علوم پایه) زبان تخصصی.

گردآورنده: منصور مینزایی‌قمی، بهنام نبوتی‌زیر نظر: افسانه دهناد. - تهران: کتاب میر. - ۲۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۵۶۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

panion textbook of basic medical science - technical english

شابک: ۹۶۴-۶۴۴۹-۵۳-۰



چهاردهمین کتاب از مجموعه کتاب‌های درس نامه جامع پزشکی علوم پایه یا عنوان 'زبان تخصصی' به چاپ رسیده است. بخش نخست این کتاب شامل متون زبان تخصصی پزشکی و ۲۰۶ پرسش چهار گزینه‌ای است که همراه با پاسخ کلیدی به چاپ رسیده است. کتاب متضمن متنی است با عنوان 'معارف اسلامی' در پایان کتاب واژه‌نامه انگلیسی به فارسی آمده است.

چاپ اول

۱۱۳- راهنمای جامع انگلیسی برای دانشجویان رشته آموزش و پرورش ...

منصور کوشا: مترجم: پوران علیزاده. - تهران: فرهنگستان زبان. - ۱۱۲ ص. - وزیر (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

A comprehensive guide english for student of preschool ...

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۷۵-۴-۲

چاپ اول

۱۱۴- راهنمای زبان پیش‌نیاز دانشگاهی.

ابوالقاسم محرابی. - قم: مهدیه. - ۲۷۲ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۷۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۲۶۲-۰۱-۹

چاپ اول

۱۱۵- راهنمای کامل زبان تخصصی رشته حسابداری دانشگاه پیام‌نور.

نیلی تهرانی: مترجم: علی هوجفانی: امیر امینی. - تهران: حقوق اسلامی. - ۱۴۴ ص.

ص. - جلد دوم. - وزیر (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۰۸-۴



راهنمای کامل زبان تخصصی رشته حسابداری (۲) در بیست و سه درس تدوین شده و در آن علاوه بر متن انگلیسی، ترجمه فارسی درس‌ها فراهم گردیده است. انتهای هر درس شامل تمرینات متن اصلی کتاب است: بدین معنا که کلیه تمرین‌ها و پرسش‌های کتاب اصلی به فارسی ترجمه گردیده است. 'فرایند حسابداری'، 'سود سهام'، 'حسابداری شعب'، 'تنظیم بودجه'، 'گزارش دهی به مدیریت'، 'حسابرسی کامپیوتری' و 'تجزیه و تحلیل مالی' از جمله مباحث این کتاب هستند.

چاپ اول

۱۱۶- راهنمای کامل زبان تخصصی مطالعه متون علوم اجتماعی (رشته علوم اجتماعی) دانشگاه پیام‌نور.

جعفر سخاوت: مترجم: محمد شاطرلو. - تهران: حقوق اسلامی. - ۱۶۰ ص. - جلد اول. - وزیر (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۰۴-۱



این کتاب راهنما که مربوط به زبان تخصصی رشته 'علوم اجتماعی' است متضمن ترجمه متن اصلی کتاب است که موضوعاتی از این دست را در بر می-

گیرد: دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، 'جامعه‌شناسی چیست؟'، 'علم جامعه‌شناسی'، 'جهت‌گیری نظریه‌ای در جامعه‌شناسی امروز کدام است؟'، 'چرا مطالعه فرهنگ مهم است؟' و 'اجتماعی کردن چیست؟'. در هر فصل از کتاب 'سوالات مروری'، 'پاسخ‌ها' و 'معادل فارسی لغات' جمع آمده است.

۱۱۷- راهنمای کامل مکالمات روزمره آمریکایی و انگلیسی.

حسن کاظمی: مترجم: پناه: ویراستار: محمدرضا مصباحی. - مشهد: به نشر. - ۲۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۸۲۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۳۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Newest and most comprehensive book on american and english..

شابک: ۹۶۴-۲۳۳-۰۷۳-۷

۱۱۸- زبان تخصصی گروه پزشکی.

فرید نوبخت‌حقیقی. ... (و دیگران). - تهران: مجتمع فنی تهران. - ۲۸۰ ص. - جلد اول. - وزیر (شمیز). - ۱۵۴۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۱۳-۹۱-۴

۱۱۹- مجموعه طبقه‌بندی شده واژگان زبان انگلیسی پیش-دانشگاهی ۱ و ۲: طبقه‌بندی شده بر اساس هر درس ...

مهدی میرزاحمدخانی: مترجم: علیرضا یوسفزاده. - تهران: کانون فرهنگی آموزش. - ۱۶۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۰۵-۰۰-X

۱۲۰- مکالمات روزمره انگلیسی.

فرشید اقبال. - با همکاری: س. مونی. - تهران: اقبال. - ۲۵۶ ص. - بیاضی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

English phrase book

شابک: ۹۶۴-۴۰۶-۰۴۴-X

۱۲۱- مکالمات روزمره انگلیسی با تلفظ آمریکایی بانضمام: مختصری از دستور زبان انگلیسی.

مهدی اوحدی. - تهران: اشراقی. - ۲۴۰ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۶۶-۲۷-۲

122- 101 american customs.

چاپ اول

Joke Harry Collins: تماش: Kohl. تهران: هزار و یکشب. ۱۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

123- American writes: learning english through american. Rosemary Judith Kay Gelshenen. تهران: فواد. ۳۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

124- A basic course in reading english: for university students. F. A. Jafarpur ویراستار: Mohammad Sadighi Hassan Tahririan. تهران: صبح صادق. ۲۱۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

125- A Basic course in reading english: for university students. Faranak A. Jafarpur M.H. Tahririan. Sadeghi. تهران: دانش پرور. ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

126- A basic course in reading english: for university students. F. Sadighi A. Jafarpur M.H. Tahririan. تهران: بلائی. ۲۲۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

127- Basic english for science. تهران: نو پردازان. ۱۵۶ ص. - بیاضی (شمیز). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

128- Basic english for university students.

Parviz Birjandi ویراستار: Parviz Maftoon. تهران:

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۵۴۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

انگلیسی پیش دانشگاهی برای دانشجویان دانشگاهها

شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۳۱۵-۴

129- A course in language testing.

Abdoljavad Jafarpur. تهران: دانشگاه پیام نور. ۳۰۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۸۰۰ ریال. چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

آزمون سازی زبان (رشته مترجمی زبان انگلیسی)

شابک: ۹۶۴-۴۵۵-۲۸۶-۵

چاپ اول

130- Developing reading skills: beginning.

Linda Markstein. بوشهر: راشین. ۱۶۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

131- East. west: basic student book.

Alison Kathleen Graves Rice. تهران: زبانسرا. ۱۲۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

132- East. west: basic workbook.

David P. Rein. تهران: زبانسرا. ۶۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

133- East. west: student book.

David P. Kathleen Graves Rein. تهران: زبانسرا. ۱۲۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

134- East. west: student book.

David P. Kathleen Graves Rein. تهران: زبانسرا. ۱۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۳۰۰۰ ریال. چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

135- East. west: work-book.

Kathleen David P. Rein Graves. تهران: زبانسرا. ۵۶ ص. - جلد اول. - رحلی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

136- English for students of medical records administration.

[et al]. Samad Sajjadi. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۲۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته ضبط آمار و مدارک پزشکی

شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۴۵۰-۹

137- English for students of physical education & sport science.

Mohammad Ali Mahmoodi Khosrow Babak Dabir Ebrahim. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۱۵۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته فیزیک

شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۴۵۶-۵

138- English for students of sciences.

[et al]. B. Akhavan. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۲۱۶ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. چاپ دوازدهم / ۱۵۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته های علوم پایه

شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۰۰۶-۶

139- English for the students of social sciences I.

Farhad Moshfeghi. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۱۸۶ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. چاپ سیزدهم / ۱۵۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم اجتماعی ۱

شابک:

۹۶۴-۴۵۹-۰۰۷-۴

چاپ اول

140- English for university students: a basic reading course.

Mohammad Hasan Gholam Reza Tahririan Hadi Farjami Zarei. اصفهان: چهار باغ. ۲۴۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: انگلیسی عمومی برای دانشجویان دانشگاه

شابک: ۹۶۴-۹۲۶۳۷-۴-۸

چاپ اول

141- English sentence structure.

[et al]. Robert Krohn. دانش پرور. ۳۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

142- English tests for a preparatory english course.

Muhammad Ali Eslami. تهران: طلوع آگاهی. ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۳۳۳-۰۰۰

143- Follow me :programmes 1-15.

Barry Tomalin. تهران: زبان آموز. معرفت. ۲۷ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

144- General english (reading).

Mohammad mahdi Khademzadeh. تهران: پشتون. ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

145- Handbooks for the english classroom assessment

Paul Michael Harris McCann. تهران: صبح صادق.

۹۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

146- Headway student's book: elementary.

John Soars Liz Soars. تهران: زبان آموز. معرفت. ۱۲۸ ص. - رحلی (شمیز). - (دوره) ۲۵۰۰۰ ریال. چاپ چهارم / ۵۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

147- Headway video: activity book upper-intermediate.

John Gisela Szpytko ویراستار: Liz Soars Soars. تهران: غزل سرا. ۷۲ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۵۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

148- Headway: workbook elementary.

John Soars Liz Soars. تهران: معرفت. زبان آموز. ۸۰ ص. - رحلی (شمیز). - (دوره) ۲۵۰۰۰ ریال. چاپ چهارم / ۵۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

149- Kish air beginner: workbook.

Tim Falla. تهران: کریلا. ۴۸ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

150- Kish air intermediate B-3: workbook.

Jocelyn Andy Hopkins Potter. تهران: کریلا. ۳۲ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

151- Kish air preintermediate A-2: student's book.

Jocelyn Andy Hopkins Potter. تهران: کریلا. ۶۴ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

152- Kish air pre-intermediate B-2: student's book.

Jocelyn Andy Hopkins Potter. تهران: کریلا. ۶۴ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

نسخه.

چاپ اول

153- Kish air upperintermediate A-4: workbook. Jocelyn Andy Hopkins Diane Hall Potter تهران: کرپلا. ۳۲ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

154- Kish air upper-intermediate B-4: workbook. Jocelyn Andy Hopkins Potter تهران: کرپلا. ۳۲ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

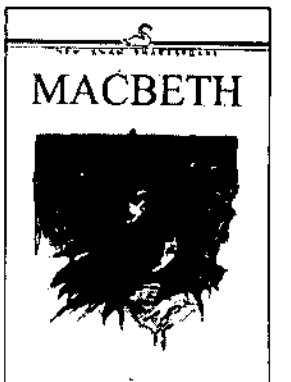
چاپ اول

155- Kish air: pre-intermediate B-2: workbook. Jocelyn Andy Hopkins Potter تهران: کرپلا. ۳۲ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

156- The life and strange surprising adventures of robinson crusoe. Danid Defoe تهران: فرهنگستان زبان. - ۴۸ ص. - پالتویی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: رابینسون کروزو

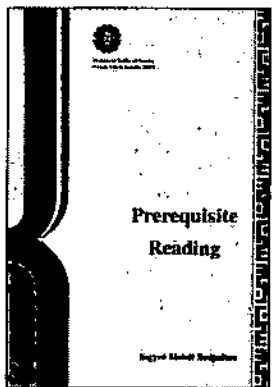
چاپ اول

157- Macbeth. William Shakespeare نویراستار: Bernard Lott تهران: رهنما. ۲۹۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



در این کتاب، نمایشنامه "مکبث" اثر شکسپیر (۱۵۶۴ - ۱۶۱۶) به زبان ساده

مقطع کارشناسی - به ارزش ۲ واحد - تدوین شده و در واقع منبع اصلی درس خواندن و درک مفاهیم در دوره پیش نیاز به شمار می آید. کتاب در پانزده



درس فزاهم آمده که در هر درس ابتدا متنی به منظور قرائت عرضه می شود، سپس چند تمرین و پرسش به طبع می رسد.

163- Reading. Mehdi Akbar Mirhassani Sadjadian تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۱۷۰ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: خواندن و درک مفاهیم شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۱۳۲-۱

چاپ اول

164- Reading english objectively : stage 1. Linton Stone تهران: فواد. - ۱۸۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

165- Reading through reading general english for university students. Hossein Minno Varzegar Parviz Maftoon Farhady تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۴۴۶ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ سیزدهم / ۲۰۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: انگلیسی عمومی شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۱۳۲-۲

166- Scottforesman parade: starter. Mario Herrerd Salazar Theresa Zanatta تهران: شکوه اندیشه. - ۷۸ ص. - رحلی (شمیز). -

چاپ چهارم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

167- Spectrum 1A: a communicative course in english. Diane Warshowsky تهران: شکوه اندیشه. - ۲۱۸ ص. - رحلی (کالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۴-۱۰۰-۲

168- Spectrum 1B: a communicative course in english. Joan Dye Nancy Frankfort نویراستار: Donald R.H. Byrd تهران: شکوه اندیشه. - ۱۰۴ ص. - رحلی (کالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

169- Spectrum 2A: a communicative course in english. Joan Dye Nancy Frankfort نویراستار: Donald R.H. Byrd تهران: شکوه اندیشه. - ۱۰۴ ص. - رحلی (کالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

170- Spectrum 2B: a communicative course in english. Nancy Frankfort تهران: شکوه اندیشه. - ۲۱۸ ص. - رحلی (کالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

171- Spectrum studentbook 4A: a communicative course in english. Diane Warshowsky Donald R.H. Byrd تهران: شکوه اندیشه. - ۹۶ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

172- Spectrum studentbook 4B: a communicative course in english. Diane Warshowsky Donald R.H. Byrd تهران: شکوه اندیشه. - ۲۳۶ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

173- Spectrum workbook 1A: a communicative course in english. تهران: شکوه اندیشه. - ۶۰ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ پنجم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۴-۱۰۰-۱

174- Study skills: for students of english as a second language. Richard C. Yorkey تهران: معرفت، زبان آموز. - ۲۵۰ ص. - وزیری

(شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

175- Vocabulary builder. Bernard Seal تهران: شهراب. - ۹۶ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - چاپ اول.

چاپ اول

176- Vocabulary builder. Bernard Seal تهران: شهراب. - ۹۶ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - چاپ اول.

چاپ اول

177- Vocabulary in use intermediate. With Ellen Stuart Redman Shaw تهران: رهنما. - ۲۶۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

زبان آلمانی - واژه نامه ها

چاپ اول

۱۷۸- فرهنگ جامع فارسی - آلمانی. هنریش یونکر، بزرگ علوی. - تهران: انتشارات. - ۸۸۰ ص. - وزیری (سلفون). - ۳۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۱۵-۰۱-۱

کاربرد زبان آلمانی معیار

چاپ اول

179- Themen neu: lehrwerk fur deutsch als fremdsprache kursbuch 3. تهران: معرفت، زبان آموز. - ۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

دستور زبان فرانسوی

چاپ اول

۱۸۰- راهنمای دستور زبان فرانسه (دربردارنده کلیه قواعد دستوری). خلیل نعمت. - تهران: جوان. - ۱۶۶ ص.

رقعی (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ
اول / ۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین:
Guide de grammaire
۹۶۴-۷۱۱۲-۰۰-۹
شابک:



کتاب حاضر ترجمه‌ای است از بخش نخست کتاب 'Grammaire' نوشته 'البرت هومان' که به مباحث درباره آواندازی، واژگان و سازه‌شناسی اختصاص یافته است. در این کتاب سعی گردیده نکات ضروری دستور زبان فرانسه و جزئیات آن تشریح گردد.

زبانهای هند و اروپای شرقی و سلتی

۱۸۱- روسی در سفر.
مترجم: جان‌الله کریمی‌مظفر،
عبدالمصاحب سلیمان‌نژاد، محمدرضا
محمدی. - تهران: استاندارد، ۲۴۰ ص.
- رقی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ
دوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۱۳-۲

چاپ اول

۱۸۲- مکالمات روزمره اردو به فارسی.
شعبان آزادی‌کناری. - تهران: اشراقی. -
۲۶۴ ص. - رقی (شمیز) - ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۹۶۶-۵۲-۳

زبان عربی

۱۸۳- آزمون و آموزش عربی
سال اول راهنمایی.
عادل اشکبوس. - تهران: تاجیک. - ۸۸
ص. - وزیر (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال -
چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۳۸-۹

۱۸۴- آزمون و آموزش عربی
سال دوم راهنمایی.
عادل اشکبوس. - تهران: تاجیک. - ۱۱۲
ص. - وزیر (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال -
چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۳۷-۰

۱۸۵- آزمون و آموزش عربی
سال سوم راهنمایی.
عادل اشکبوس. - تهران: تاجیک. - ۹۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال -
چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۱۸-۴

چاپ اول

۱۸۶- آزمون‌ها و مفاهیم طبقه-
بندی شده زبان عربی ویژه
تمامی رشته‌ها.
حجت‌الله گنجی. - تهران: منشور دانش،
۱۹۴ ص. - رحلی (شمیز) - ۱۴۰۰۰
ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۵۸-X

۱۸۷- آموزش زبان قرآن برای
دانشجویان (راهنمای جامع
المنهج القویم).
ابوالقاسم شهلاهی، علی فتاحی. - تهران:
نقش و نگار. - ۱۳۶ ص. - وزیر
(شمیز) - ۴۲۰۰ ریال - چاپ هشتم /
۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۲۳۵-۰۳-۴

۱۸۸- آموزش گام به گام عربی
(۱ و ۲) دوره پیش‌دانشگاهی
'رشته ادبیات و علوم انسانی'.
مجید نوری. - تهران: آزمون. - ۲۹۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال -
چاپ یازدهم / ۱۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۶۱۱-۲۳۳-۵

۱۸۹- البهجه المرضیه علی الفیه
ابن مالک.
عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی به اهتمام:
قاسم حسینی. - قم: دارالفکر. - ۶۰۸
ص. - وزیر (گالینگور) - ۱۵۰۰۰ ریال -
چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۰۱۳-۱۵-۹

چاپ اول

۱۹۰- پرسش‌های چهارگزینه‌ای
استاندارد زبان عربی ۳ (سال
سوم نظام جدید - با پاسخ
تشریحی) کلیه رشته‌ها.
عیسی متقی‌زاده، علی چراغی. - تهران:

استادی. - ۲۰۸ ص. - رحلی (شمیز) -
۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۷۲۲-۲۶-۱

چاپ اول

۱۹۱- ترجمه و توضیح معنی-
الادیب.
علی حسینی. - قم: دارالتفسیر. - ۳۶۸
ص. - جلد اول - وزیر (شمیز) -
۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۹۸-۴۵-۶

۱۹۲- ترجمه و شرح معنی
الادیب با تجدیدنظر و اضافات
کلی.
شارح: غلامعلی صفایی. - قم: قدس. -
۴۰۸ ص. - جلد دوم - وزیر (شمیز) -
۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۹۵-۰۲-۳

چاپ اول

۱۹۳- ترجمه و شرح معنی
الادیب با تجدیدنظر و اضافات
کلی.
غلامعلی صفایی. - قم: قدس. - ۴۰۸
ص. - جلد دوم - وزیر (شمیز) -
۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۹۵-۰۲-۳

۱۹۴- تعلیم اللغة العربیه (جلد ۴
- ۳).
تهران: مجمع علمی اسلامی. - ۳۶۸
ص. - وزیر (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال. -
چاپ یازدهم / ۱۰۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۹۵-۰۲-۳

۱۹۵- تمرینات و مجموعه
سوالات عربی مخصوص سال
دوم راهنمایی.
حبیب‌الله درویش. - تهران: آزمون نوین.
۱۴۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۵۵۰۰
ریال. - چاپ یازدهم / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۲-۱

۱۹۶- تمرینات و مجموعه
سوالات عربی مخصوص سال
دوم راهنمایی.
حبیب‌الله درویش. - تهران: آزمون نوین.
۱۴۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۵۵۰۰
ریال. - چاپ سیزدهم / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۲-۱

چاپ اول

۱۹۰- پرسش‌های چهارگزینه‌ای
استاندارد زبان عربی ۳ (سال
سوم نظام جدید - با پاسخ
تشریحی) کلیه رشته‌ها.
عیسی متقی‌زاده، علی چراغی. - تهران:

۱۹۷- تمرینات و مجموعه
سوالات عربی مخصوص سال
دوم راهنمایی.
حبیب‌الله درویش. - تهران: آزمون نوین.
۱۴۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۵۵۰۰
ریال. - چاپ دوازدهم / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۲-۱

۱۹۸- تمرینات و نمونه سوالات
عربی مخصوص سوم راهنمایی:
شامل ساختار، شناخت و تبدیل
انواع فعل، ...
حبیب‌الله درویش. - تهران: آزمون نوین.
۱۶۶ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۰۰۰
ریال. - چاپ پانزدهم / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۱-۳

۱۹۹- جواهر البلاغه (متن
درسی).
احمد هاشمی. - قم: حوزه علمیه قم،
مرکز مدیریت. - ۳۶۰ ص. - وزیر
(گالینگور) - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول /
۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۱۸-۰۴-۲

چاپ اول

۲۰۰- خودآزمون هدفدار عربی
دوم راهنمایی.
نیره شکرچیان، نویراستار: علی اشرف-
پرگاری. - تهران: عابد. - ۲۳۲ ص. -
وزیر (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ
اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

چاپ اول

۲۰۱- خودآزمون هدفدار عربی
سال اول راهنمایی.
عیسی متقی‌زاده، حمیدرضا میرحاجی،
قاسم کریمی. - تهران: شورا. - ۱۱۲ ص.
- وزیر (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ
هفتم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۴۸-۹

چاپ اول

۲۰۲- خودآزمون هدفدار عربی
سال اول راهنمایی.
نیره شکرچیان. - تهران: عابد. - ۲۵۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

چاپ اول

۲۰۳- خودآزمون هدفدار عربی
سال دوم راهنمایی.
نیره شکرچیان. - تهران: عابد. - ۲۵۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

۲۰۴- دفتر تمرین عربی (۲)
سال دوم راهنمایی.
قاسم کریمی. - تهران: شورا. - ۱۴۴ ص.
- وزیر (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ
سوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۵۶-X

۲۰۵- خودآزمون هدفدار عربی
سال دوم راهنمایی.
قاسم کریمی. - تهران: شورا. - ۱۲۸ ص.
- وزیر (شمیز) - ۵۱۰۰ ریال - چاپ
پنجم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۵۲-۷

۲۰۶- خودآزمون هدفدار عربی
سال سوم راهنمایی.
قاسم کریمی. - تهران: شورا. - ۱۲۸ ص.
- وزیر (شمیز) - ۵۱۰۰ ریال - چاپ
پنجم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۵۲-۷

۲۰۷- خودآزمون هدفدار عربی
سوم راهنمایی.
نیره شکرچیان، نویراستار: علی اشرف-
پرگاری. - تهران: عابد. - ۲۱۶ ص. -
وزیر (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ
اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

۲۰۸- درک متون و مفاهیم عربی:
راه آسان در آموزش درک متون و
مفاهیم عربی ۱.
فریدون مظلوم‌گرمجانی. - تهران:
آبرنگ. - ۲۴۰ ص. - وزیر (شمیز) -
۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۷۴-X

۲۰۹- دفتر تمرین عربی (۲)
سال دوم راهنمایی.
قاسم کریمی. - تهران: شورا. - ۱۴۴ ص.
- وزیر (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ
سوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۵۶-X

۲۱۰- خودآزمون هدفدار عربی
سال اول راهنمایی.
نیره شکرچیان. - تهران: عابد. - ۲۵۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

۲۱۱- خودآزمون هدفدار عربی
سال اول راهنمایی.
نیره شکرچیان. - تهران: عابد. - ۲۵۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

چاپ اول

۲۱۲- خودآزمون هدفدار عربی
سال اول راهنمایی.
نیره شکرچیان. - تهران: عابد. - ۲۵۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

چاپ اول

۲۱۳- خودآزمون هدفدار عربی
سال اول راهنمایی.
نیره شکرچیان. - تهران: عابد. - ۲۵۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

چاپ اول

۲۱۴- خودآزمون هدفدار عربی
سال دوم راهنمایی.
نیره شکرچیان. - تهران: عابد. - ۲۵۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

۲۱۵- خودآزمون هدفدار عربی
سال دوم راهنمایی.
نیره شکرچیان. - تهران: عابد. - ۲۵۶
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۶۰-۲

۲۱۰- دفتر تمرین عربی سال سوم راهنمایی.

چاپ اول

قاسم کریمی. - تهران: شورا. - ۱۲۰ ص.
- وزیر: (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۲۶-۸

۲۱۱- دفتر تمرین و آموزش عربی سال اول دبیرستان.

حسین اعتمادی، محمد چمنی محضی.
- تهران: آبرنگ. - ۱۶۰ ص. - وزیر: (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۱۱-۱

۲۱۲- دفتر تمرین و آموزش عربی سال اول دوره راهنمایی تحصیلی.

حسین اعتمادی، ویراستار: عسکر ستوده.
- تهران: آبرنگ. - ۱۰۲ ص. - وزیر: (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۲۶-۶-۲

۲۱۳- دفتر تمرین و آموزش عربی سال اول دوره راهنمایی تحصیلی.

حسین اعتمادی، ویراستار: عسکر ستوده.
- تهران: آبرنگ. - ۱۲۸ ص. - وزیر: (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۲۶-۶-۲

۲۱۴- دفتر تمرین و آموزش عربی سال دوم دوره راهنمایی تحصیلی.

حسین اعتمادی، ویراستار: عسکر ستوده.
- تهران: آبرنگ. - ۱۰۶ ص. - وزیر: (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۲۶-۷-۰

۲۱۵- دفتر تمرین و آموزش عربی سال دوم دوره راهنمایی تحصیلی.

حسین اعتمادی، ویراستار: عسکر ستوده.
- تهران: آبرنگ. - ۱۵۲ ص. - وزیر: (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۲۶-۷-۰

۲۱۶- دفتر تمرین و آموزش عربی سال سوم دوره راهنمایی تحصیلی.

حسین اعتمادی، ویراستار: عسکر ستوده.
- تهران: آبرنگ. - ۱۲۲ ص. - وزیر: (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۱۴-۶

۲۱۷- دفتر تمرین و آموزش عربی سال سوم دوره راهنمایی تحصیلی.

حسین اعتمادی، ویراستار: عسکر ستوده.
- تهران: آبرنگ. - ۱۲۲ ص. - وزیر: (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۱۴-۶

چاپ اول

۲۱۸- راه آسان در آموزش چگونگی پاسخگویی به پرسشهای تفکیکی و موضوعی طبقه‌بندی شده زبان عربی ...
فریدون مظلوم گرمجانی. - تهران: آبرنگ. - ۲۱۶ ص. - جلد سوم. - وزیر: (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۷۶-۶

چاپ اول

۲۱۹- راه آسان در آموزش زبان عربی کتاب کار عربی.
فریدون مظلوم گرمجانی. - تهران: آبرنگ. - ۲۷۲ ص. - جلد چهارم. - وزیر: (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۷۷-۴

چاپ اول

۲۲۰- راه آسان در آموزش صرف و نحو کاربردی زبان عربی.
فریدون مظلوم گرمجانی. - تهران: آبرنگ. - ۳۲۰ ص. - جلد دوم. - وزیر: (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۷۵-۸

چاپ اول

۲۲۱- راهنمای عربی پیش-دانشگاهی ۱ و ۲.
مهران نجفی مقدم. - تهران: سیمین-

دخت. - ۲۸۸ ص. - وزیر: (شمیز). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۱۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۷۲۳-۰۰-۵

چاپ اول

۲۲۲- راهنمای گام به گام طلایی عربی (۲).
محسن عمرانی. - تهران: کانون گسترش علوم. - ۱۲۰ ص. - وزیر: (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۴۰-۱۳۳-X

چاپ اول

۲۲۳- زبان عربی کنکور عمومی تمام رشته‌ها: عربی ۱، ۲، ۳ ...
احمد محمدی سهروردی. - تهران: پیش دانشگاهیان. - ۱۹۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۴۱۹-۵۵-۰

۲۲۴- زبان قرآن: دفترچه تمرین صرف متوسطه.
حمید محمدی. - قم: دارالعلم. - ۱۷۶ ص. - جلد اول. - وزیر: (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ چهل و هشتم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۷۶-۹۱-X

عربی (۳)

۲۲۵- پیمان بودری، ویراستار: قاسم شفیعی. - تهران: اندیشه سازان. - ۳۷۶ ص. - وزیر: (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۴۹-۷۳-۴

۲۲۶- عربی (۳) ویژه دانش-آموزان سال سوم دبیرستان (نظری، فنی و حرفه‌ای) و داوطلبان ورود به دانشگاه.

اباذر عجاجی، قادر پریز. - تهران: رزمندگان اسلام. - ۲۲۴ ص. - وزیر: (شمیز). - ۸۸۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۱۴-۴۸-۷

۲۲۷- عربی به زبان ساده: راهنمای داوطلبان آزمون سراسری قابل استفاده دانش‌آموزان نظام فعلی و نظام جدید ...
ایاد ایللی. - تهران: مبتکران. - ۵۲۸ ص.

- وزیر: (شمیز). - ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ سی و هشتم / ۴۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۸۶-۰۲۲-۵

چاپ اول

۲۲۸- عربی نوین: برای دانش-آموزان - داوطلبان کنکور - دانش‌پژوهان تربیت معلم - دانشجویان دانشگاهها.
رضا پرتوی زاده. - تهران: منادی تربیت. - ۳۰۴ ص. - وزیر: (شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۸-۰۲۸-۳

چاپ اول

۲۲۹- عربی: از پایه تا کنکور برای دوره کامل دبیرستان داوطلبان کنکور سراسری شامل: خلاصه درس دوره ...
علی باقری. - تهران: صدربه. - ۲۶۰ ص. - وزیر: (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۶۵۱-۱-۲

چاپ اول

۲۳۰- فرهنگ واژه‌های هم-خانواده عربی در کتابهای فارسی دوره راهنمایی.
منوچهر مظفریان. - شیراز: نوید. - ۱۹۲ ص. - وزیر: (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۸۱-۰۰۲-۰

۲۳۱- قرائت عربی (۱) (رشته زبان و ادبیات فارسی).
مصطفی شمار. - تهران: دانشگاه پیام نور. - ۱۲۰ ص. - وزیر: (شمیز). - ۵۲۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۴۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۵۵-۱۳۰-۳

۲۳۲- گنجینه پرسش‌های طلایی عربی پایه تا کنکور.
حمید طاهری. - تهران: آندگان. - ۳۳۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۳۲-۰۲-۱

۲۳۳- گنجینه پرسش‌های طلایی عربی پایه تا کنکور.
حمید طاهری. - تهران: آندگان. - ۳۳۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۶۰۰۰ ریال. -

چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۳۲-۰۲-۱

۲۳۴- گنجینه سوالات طبقه‌بندی شده نوین عربی کلاس اول راهنمایی.

تهیه کننده: اسکندر حسین زاده. - تهران: تبلور دانش. - ۱۰۴ ص. - وزیر: (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۲۴۴-۴۲-X

۲۳۵- گنجینه سوالات طبقه‌بندی شده نوین عربی کلاس سوم راهنمایی.

تهیه کننده: حسین اسکندرزاده. - تهران: تبلور دانش. - ۱۲۰ ص. - وزیر: (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۲۴۴-۴۶-۶

۲۳۶- گنجینه سوالات طبقه‌بندی شده نوین عربی کلاس دوم راهنمایی.

تهران: تبلور دانش. - ۱۰۴ ص. - وزیر: (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۲۴۴-۴۵-۸

۲۳۷- اللغة العربیه الحدیثه.
محمدعلی آذرشب. - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۳۲۸ ص. - وزیر: (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
The modern arabic language
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۱۲۹-۱

۲۳۸- مبادئ العربیه فی الصرف و النحو.
رشید شرتونی. - تهران: اساطیر. - ۲۲۲ ص. - جلد دوم. - وزیر: (شمیز). - ۸۲۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۶۰-۲۰-۷

۲۳۹- مجموعه طبقه‌بندی شده از مدرستین استعدادهای درخشان: عربی نظام جدید: شامل ۱۰۰۰ تست از کتابهای عربی ...
تقی اقصه. - تهران: کانون فرهنگی آموزش. - ۱۳۶ ص. - رحلی (شمیز). -

۱۱۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۰۰۷-۰

۲۴۰- مجموعه طبقه‌بندی شده عربی اختصاصی علوم انسانی: قابل استفاده دانش‌آموزان نظام جدید و نظام قدیم ...
ایاد فیلی - تهران: کانون فرهنگی آموزش - ۲۴۸ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۲۸-۹۸-۵

۲۴۱- مجموعه طبقه‌بندی شده عربی نظام جدید کنکورهای سراسری و آزاد همراه با تستهای سال ۷۹ با پاسخ تشریحی.
گردآورنده: سهیلا خاکبازنژاد - تهران: کانون فرهنگی آموزش - ۲۸۰ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۲۵۰۰ ریال - چاپ بیست و هفتم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۱۰۷-۷

۲۴۲- ۱۰۰۰ نکته‌دار؟؟؟ طبقه‌بندی شده عربی (پایه تا کنکور) نظام جدید.
صدرالدین عارف - تهران: آیندگان - ۲۰۴ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۱۴-۴۸-۹

زبانهای اوایل آسیایی، سیبریایی و دراویدی ۴۹۲

۲۴۳- فرهنگ ترکی استانبولی انگلیسی - فارسی.
قدیر گلکاریان - تهران: رهنما - ۷۹۰ ص. - وزیری (گلنگور) - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۵۱-۳۱-۷

چاپ اول
۲۴۴- مکالمات روزمره ترکی آذربایجانی: با تلفظ فارسی و لاتین.
قدیر گلکاریان - تهران: رهنما - ۲۱۶ ص. - وزیری (شمیز) - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۵۱-۳۹-۲

این کتاب حاوی جملات، عبارات و واژگان روزمره ترکی آذربایجانی است

که با تلفظ فارسی و لاتین و ترجمه فارسی به چاپ رسیده است. در ابتدای کتاب حروف زبان ترکی آموزش داده



می‌شود و در انتها نیز واژه‌نامه ترکی - فارسی فراهم می‌آید.

زبانهای گونه‌گون ۲۹۹

چاپ اول

۲۴۵- فرهنگ جامع اسپرانتو - فارسی.
عارف آذری - تهران: کاکتوس - ۷۴۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Plena Esperanto Persa Vortaro
شابک: ۹۶۴-۵۹۴۲-۰۵-۵

نمایه عنوان

101 american customs 122
American writes: learning english through american 123
A basic course in reading english: for university students 124-125-126
Basic english for science 127

Basic english for university students 128
Basic grammar in use 98
Collins gem dictionary of synonyms and antonyms 29
A contrastive analysis of persian and english... 99
A course in language testing 129
Developing reading skills: beginning 130
East. west: basic student book 131
East. west: basic workbook 132
East. west: student book 133-134

East. west: workbook 135
English for students of medical records administration 136
English for students of physical education & sport science 137
English for students of sciences 138
English for the students of social sciences I 139
English for university students: a basic reading course 140
English sentence structure 100-141
English tests for a preparatory english course 142
English vocabulary in use 30-101
Follow me :programmes 1-15 143
General english (reading) 144
Grammar One 102
Grammar Two 103
Grammar in use 104
Grammar through patterns 105
Handbooks for the english classroom assessment ...145
Headway student's book: elementary 146
Headway video: activity book upper-intermediate 147
Headway: workbook elementary 148
Kish air beginner: workbook 149
Kish air intermediate B-3: workbook 150
Kish air pre-intermediate A-2: student's book 151
Kish air pre-intermediate B-2: student's book 152
Kish air upper-intermediate A-4: workbook 153
Kish air upper-intermediate B-4: workbook 154
Kish air: pre-intermediate B-2: workbook 155
The life and strange surprising adventures of robinson crusoe 156
Longman dictionary of contemporary english 31
Longman lexicon of contemporary english 32
Macbeth 157
Meet the press: reading skills for upper intermediate and ... 158
New generation I 159-160
Oxford Elementary Learner's Dictionary 33
Oxford advanced learner's dictionary 34-35
Oxford advanced learner's

dictionary of current english 36
Oxford elementary learner's dictionary 37-38
39-40-41-42-43-44-45-46
Oxford elementary learner's dictionary 2000 47
Poetry in english 161
Prerequisite reading 162
Reading 163
Reading english objectively: stage I 164
Reading through reading general english for university students 165
Scottforesman parade: starter 166
Spectrum 1A: a communicative course in english 167
Spectrum 1B: a communicative course in english 168
Spectrum 2A: a communicative course in english 169
Spectrum 2B: a communicative course in english 170
Spectrum studentbook 4A: a communicative course in english 171
Spectrum studentbook 4B: a communicative course in english 172
Spectrum workbook 1A: a communicative course in english 173
Study skills: for students of english as a second language 174
Synonyms and antonyms 48
Systems in english grammar 106
Themen neu: lehrwerk fur deutsch als fremdsprache kursbuch 3 179
Vocabulary builder 175
Vocabulary in use intermediate 177
آزمون زبان و گرامر انگلیسی: برای استفاده دانشجویان، دانش‌آموزان و ... ۴۹
آزمون و آموزش عربی سال اول راهنمایی ۱۸۳
آزمون و آموزش عربی سال دوم راهنمایی ۱۸۴
آزمون و آموزش عربی سال سوم راهنمایی ۱۸۵
آزمون‌ها و مفاهیم زبان انگلیسی پیش-دانشگاهی (۱ و ۲) و سالهای اول، دوم و سوم دبیرستان برای تمامی ... ۵۰
آزمون‌ها و مفاهیم طبقه‌بندی شده زبان عربی "ویژه تمامی رشته‌ها" ۱۸۶
آزمونهای زبان انگلیسی ویژه دانش-آموزان پایه دوم راهنمایی ۵۱

آزمونهای زبان انگلیسی ویژه دانش-آموزان پایه سوم راهنمایی ۵۲
آموزش زبان قرآن برای دانشجویان (راهنمای جامع المنهج القویم) ۱۸۷
آموزش گام به گام انگلیسی سال دوم راهنمایی ۵۳
آموزش گام به گام زبان (۱) سال اول نظام جدید ۵
آموزش گام به گام زبان (۲) سال دوم نظام جدید ۵۴
آموزش گام به گام زبان (۳) سال سوم نظام جدید ۵۵
آموزش گام به گام زبان انگلیسی دوم راهنمایی ۵۶
آموزش گام به گام زبان انگلیسی سال دوم راهنمایی ۵۷
آموزش گام به گام زبان فارسی (۱) سال اول نظام جدید ۶
آموزش گام به گام زبان فارسی (۲) سال دوم نظام جدید ۷
آموزش گام به گام عربی (۱ و ۲) دوره پیش‌دانشگاهی رشته ادبیات و علوم انسانی ۱۸۸
آموزش و خودآموز گرامر انگلیسی آکسفورد برای شما (از سطح مبتدی تا سطح عالی) ۱۰۷
اصول و روش ترجمه: رشته مترجمی زبان انگلیسی ۱
انگلیسی آمریکایی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی آمریکایی با ترجمه فارسی و تلفظ ... ۱۰۸
انگلیسی تخصصی برای دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین‌المللی ۱۰۹
انگلیسی در سفر (= English on trip) plus دوره متوسطه و پیشرفته ۱۰
انگلیسی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی با ترجمه فارسی و تلفظ واژه‌ها با الفبای فارسی ... ۱۱۱
انگلیسی عمومی "گرامر" بر اساس کتاب "English sentence structure" ۵۸
البهجه المرضیه علی الفیه ابن مالک ۱۸۹
۲۰ آزمون کنکور زبان انگلیسی: ۱۸۰ سوال چهارگزینه‌ای با جواب تشریحی و توضیح نکات ۵۹
پروژه‌های چهارگزینه‌ای استاندارد زبان انگلیسی (سالهای اول، دوم و سوم نظام جدید) "کلیه رشته‌ها" ۶۰
پروژه‌های چهارگزینه‌ای استاندارد زبان عربی ۳ (سال سوم نظام جدید - با پاسخ تشریحی) "کلیه رشته‌ها" ۱۹۰
ترجمه و توضیح معنی‌الادیب ۱۹۱
ترجمه و شرح معنی‌الادیب با تجدیدنظر و اضافات کلی ۱۹۲-۱۹۳
تعلیم الفه العربیه (جلد ۳ - ۴) ۱۹۴
تمرینات و مجموعه سوالات عربی مخصوص سال دوم راهنمایی ۱۹۵-۱۹۶
۱۹۷-

تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی ۶۱
تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی نوین
مخصوص دوم راهنمایی ۶۲
تمرینات و نمونه سوالات عربی
مخصوص سوم راهنمایی: شامل ساختار،
شناخت و تبدیل انواع فعل، ... ۱۹۸
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات
انگلیسی مخصوص دوم راهنمایی ۶۳
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات
انگلیسی مخصوص سوم راهنمایی
۶۴-۶۵
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات
انگلیسی ۱ دوره پیش دانشگاهی ۶۶-۶۷
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات
انگلیسی ۲ دوره پیش دانشگاهی ۶۸
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات
انگلیسی زبان ۱: مخصوص سال اول
دبیرستان ۷۳-۷۴-۷۵
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات
انگلیسی زبان ۱: مخصوص سال اول
دبیرستان قابل استفاده برای دانش آموزان
... ۷۵
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات
انگلیسی زبان ۲: مخصوص سال دوم
دبیرستان (نظام جدید) ۷۰-۷۱
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات
انگلیسی زبان ۳: قابل استفاده برای
دانش آموزان سال سوم نظام جدید ... ۶۹
۷۲-
جمله بندی در زبان انگلیسی همراه با
اطلاعات دستوری و تست ۷۷
جواهر البلاغه (متن درسی) ۱۹۹
خودآزمون هدفدار عربی دوم راهنمایی
۲۰۰
خودآزمون هدفدار عربی سال اول
راهنمایی ۲۰۱-۲۰۲
خودآزمون هدفدار عربی سال دوم
راهنمایی ۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵
خودآزمون هدفدار عربی سال سوم
راهنمایی ۲۰۶
خودآزمون هدفدار عربی سوم راهنمایی ۲۰۷
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۱)
دوره پیش دانشگاهی ۷۸
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۲)
دوره پیش دانشگاهی ۷۹
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۳)
سال دوم نظام جدید ۸۰
خودآموز و راهنمای زبان سوم راهنمایی
۸۱
خودآموز و راهنمای: زبان انگلیسی سوم
راهنمایی ۸۲
خودآموز و مکالمات ترکی آذربایجانی
قابل استفاده جهانگردان، مسافران
آذربایجان، و علاقمندان ... ۲۰
درستامه جامع پزشکی (علوم پایه) زبان
تخصصی ۱۱۲
درک متون و مفاهیم عربی: راه آسان در

آموزش درک متون و مفاهیم عربی ۲۰۸۱
دستور زبان فارسی ۱۷-۹
دستور زبان فارسی ۱ ۱۸
دستور زبان فارسی ۲ ۱۹
دستور زبان فارسی: کتاب حروف اضافه
و ربط مشتمل بر: تعریف و تقسیم و
شرح اصطلاحات و معانی و کاربرد ... ۱۰
دفتر تمرین عربی (۲) سال دوم
راهنمایی ۲۰۹
دفتر تمرین عربی سال سوم راهنمایی ۲۱۰
دفتر تمرین و آموزش عربی سال اول
دبیرستان ۲۱۱
دفتر تمرین و آموزش عربی سال اول
دوره راهنمایی تحصیلی ۲۱۲-۲۱۳
دفتر تمرین و آموزش عربی سال دوم
دوره راهنمایی تحصیلی ۲۱۴-۲۱۵
دفتر تمرین و آموزش عربی سال سوم
دوره راهنمایی تحصیلی ۲۱۶-۲۱۷
راه آسان در آموزش چگونگی
پاسخگویی به پرسشهای تفکیکی و
موضوعی طبقه بندی شده زبان عربی ... ۲۱۸
راه آسان در آموزش زبان عربی کتاب
کار عربی ۲۱۹
راه آسان در آموزش صرف و نحو
کاربرد زبان عربی ۲۲۰
راهنما و خودآموز زبان انگلیسی سال
اول نظام جدید ۸۳
راهنمای انگلیسی (زبان ۱) قابل استفاده
برای دانش آموزان سال اول دبیرستان
داوطلبان متفرقه و ... ۸۴
راهنمای انگلیسی (زبان ۳) قابل استفاده
برای دانش آموزان سال سوم دبیرستان
... ۸۵
راهنمای انگلیسی سوم راهنمایی ۸۶
راهنمای جامع انگلیسی برای دانشجویان
رشته آموزش و پرورش ... ۱۱۳
راهنمای دستور زبان فرانسه (دربردارنده
کلیه قواعد دستوری) ۱۸۰
راهنمای زبان پیش نیاز دانشگاهی ۱۱۴
راهنمای زبان فارسی (۱) سال اول
دبیرستان شامل: آموزش کامل کتاب،
شرح مفاهیم ... ۱۱۱-۱۱۲
راهنمای زبان فارسی (۲) سال دوم
دبیرستان شامل: آموزش کامل کتاب،
شرح مفاهیم ... ۱۲
راهنمای عربی پیش دانشگاهی ۱ و ۲۲۱۲
راهنمای کامل زبان تخصصی رشته
حسابداری دانشگاه پیام نور ۱۱۵
راهنمای کامل زبان تخصصی مطالعه
متون علوم اجتماعی (رشته علوم
اجتماعی) دانشگاه پیام نور ۱۱۶
راهنمای کامل مکالمات روزمره
امریکایی و انگلیسی ۱۱۷
راهنمای گام به گام طلایی عربی (۲/۲۲۲)
روسی در سفر ۱۸۱
زبان ۲
زبان انگلیسی (۱) سال اول دبیرستان
آموزش کامل کتاب شامل: تدریس

گرامر، ترجمه، تلفظ، تمرین و ... ۸۷
زبان انگلیسی (۲) سال دوم دبیرستان
آموزش کامل کتاب شامل: تدریس
گرامر، ترجمه، تلفظ، تمرین و ... ۸۸
زبان انگلیسی (۳) سال سوم دبیرستان ۸۹
زبان تخصصی گروه پزشکی ۱۱۸
زبان شناخت ۳
زبان عربی کنکور عمومی تمام رشته ها:
عربی ۱، ۲، ۳ ... ۲۲۳
زبان قرآن: دفترچه تمرین صرف
متوسطه ۲۲۴
سوالات چهار جوابی و گرامر انگلیسی از
دبیرستان تا دانشگاه مخصوص:
دبیرستان - پیش دانشگاهی - کنکور ۹۰
عربی (۳) ۲۲۵
عربی (۳) ویژه دانش آموزان سال سوم
دبیرستان (نظری- فنی و حرفه ای) و
داوطلبان ورود به دانشگاه ۲۲۶
عربی به زبان ساده: راهنمای داوطلبان
آزمون سراسری قابل استفاده دانش-
آموزان نظام فنی و نظام جدید ... ۲۲۷
عربی نوین: برای دانش آموزان -
داوطلبان کنکور - دانش پژوهان تربیت
معلم - دانشجویان دانشگاهها ۲۲۸
عربی: از پایه تا کنکور برای دوره کامل
دبیرستان داوطلبان کنکور سراسری
شامل: خلاصه درس دوره ... ۲۲۹
فرهنگ ترکی استانبولی انگلیسی -
فارسی ۲۴۲
فرهنگ جامع اختصارات: انگلیسی -
انگلیسی - فارسی ۲۱
فرهنگ جامع اسپرانتو - فارسی ۲۴۵
فرهنگ جامع فارسی - آلمانی ۱۷۸
فرهنگ جدید دانش آموز =
The new student dictionary:
english - persian ۲۲
فرهنگ دانش انگلیسی به فارسی (یا
تلفظ فارسی) ۲۳
فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی ۲۴-
۲۵
فرهنگ کوچک زبان پهلوی ۸
فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی ۲۶
فرهنگ نوین انگلیسی - فارسی (درس
به درس) سال سوم دبیرستان ۲۷
فرهنگ واژه های هم خانواده عربی در
کتابهای فارسی دوره راهنمایی ۲۳۰
قرائت عربی (۱) (رشته زبان و ادبیات
فارسی) ۲۳۱
کتاب کار و خودآزمون هدفدار فارسی:
سال اول راهنمایی برای معلمان و دانش-
آموزان ۱۴
گرامر زبان انگلیسی و تست ۹۱
گنجینه پرسش های طلایی عربی پایه تا
کنکور ۲۳۲-۲۳۳
گنجینه پرسش های طلایی زبان
انگلیسی پیش دانشگاهی (۱) ۹۲
گنجینه سوالات طبقه بندی شده نوین
عربی کلاس اول راهنمایی ۲۳۵

گنجینه سوالات طبقه بندی شده نوین
عربی کلاس دوم راهنمایی ۲۳۶
گنجینه سوالات طبقه بندی شده نوین
عربی کلاس سوم راهنمایی ۲۳۷
اللغه العربیه الحديثه ۲۳۷
مبایء العربیه فی الصرف والنحو ۲۳۸
مبانی زبان ۴
مبانی زبان و دستور زبان فارسی (برای
دانش آموزان و داوطلبان کنکور - نظام
جدید) ۱۵
مجموعه آموزش، نکته و سنجش زبان
انگلیسی (۲) پیش دانشگاهی ۹۲
مجموعه طبقه بندی شده از مدرسن
استفاده های درخشان: عربی نظام جدید:
شامل ۱۰۰۰ تست از کتاب های عربی ... ۲۳۹
مجموعه طبقه بندی شده زبان انگلیسی
نظام جدید، پیش دانشگاهی، نظام قدیم:
کنکورهای سراسری و آزاد ... ۹۴-۹۵
مجموعه طبقه بندی شده عربی
اختصاصی علوم انسانی: قابل استفاده
دانش آموزان نظام جدید و نظام قدیم ...
۲۴۰
مجموعه طبقه بندی شده عربی نظام
جدید کنکورهای سراسری و آزاد همراه
با تستهای سال ۷۹ با پاسخ تشریحی ۲۴۱
مجموعه طبقه بندی شده واژگان زبان
انگلیسی پیش دانشگاهی ۱ و ۲: طبقه -
بندی شده بر اساس هر درس ... ۱۱۹
مکالمات روزمره اردو به فارسی ۱۸۲
مکالمات روزمره انگلیسی ۱۲۰
مکالمات روزمره انگلیسی با تلفظ
امریکایی بانضمام: مختصری از دستور
زبان انگلیسی ۱۲۱
مکالمات روزمره ترکی آذربایجانی: با
تلفظ فارسی و لاتین ۲۴۳
نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب نحو
برنامه کمینگی ۱۶
واژه نامه زبان انگلیسی: کتاب های
دبیرستان و پیش دانشگاهی ۲۸
۱۰۰۰ نکته در ??? طبقه بندی شده زبان
انگلیسی ۱ و ۲ و ۳ نظام جدید ۹۶
۱۰۰۰ نکته در ??? طبقه بندی شده عربی
(پایه تا کنکور) نظام جدید ۲۴۲
۷۷۷ تست زبان پیش دانشگاهی ۹۷

نمایه پدیدآور

Abbott, Janice 158
Akhavan, B. 138
Ashby, Michael 38-39-41
Beaumont, Digby 160
Birjandi, Parviz 128
Byrd, Donald R.H. 168
169-171-172
Collins, Harry 122
Crawley, Angela 33-37-38
39-40-41-42-43-44-45-46-
47
Crowther, Jonathan 34-35

36
Dabir, Babak 137
Defoe, Danid 156
Dyc, Joan 168-169
Ebrahim, Khosrow 137
Ellen Shaw, With 177
Eslami, Muhammad Ali 142
Fallah, Tim 149
Farhady, Hossein 165
Farjami, Hadi 140
Frankfort, Nancy 168-169
170
Gelshenen, Rosemary 123
Granger, Colin 159-160
Graves, Kathleen 131-133
134-135
Hall, Diane 153
Harris, Michael 145
Herrerd Salazar, Mario 166
Hopkins, Andy 150-151-152-153-154-155
Hornby, A.S. 34-35-36
Irvine, A.H. 29
Jafarpur, A. 124-125-126
Jafarpur, Abdoljavad 129
Kay, Judith 123
Khademzadeh, 144
Mohammad mahdi
Khademzadeh, 105
Mohammad mehdi
King, David 159
Kohl, Joke 122
Krohn, Robert 100-141
Lott, Bernard 157
Maftoon, Parviz 106-128
165
Mahmoodi, Mohammad
Ali 137
Markstein, Linda 130
Master, Peter 106
McArthur, Tom 32
McCann, Paul 145
Mecarthy, Michael 30
Mirhassani, Akbar 106-163
Moshfeghi, Farhad 139
Murphy, Raymond 98-104
O'dell, Felicity 30
Potter, Jocelyn
150-151-152-153-154-155
Redman, Stuart 101-177
Rein, David P. 132-133
134-135
Rezai, Abbas Ali 161
Rice, Alison 131
Sadeghi, Faranak 125
Sadighi, F. 124-126
Sadjadian, Mehdi 163
Sajjadi, Samad 136
Seal, Bernard 175-176
Seidl, Jennifer 102-103
Shakespeare, William 157
Soars, John 146-147-148
Soars, Liz 146-147-148
Stone, Linton 164
Summers, Della 31
Szpytko, Gisela 147
Tahririan, M.H. 125-126
Tahririan, Mohammad Ha-
san 140

Tahririan, Mohammad Hassan	124
Tomalin, Barry	143
Varzegar, Minno	165
Warshawsky, Diane	171
Warshowsky, Diane	167
Yarmohammadi, Lotfollah	174
Yorkey, Richard C.	174
Zanatta, Theresa	166
Zarei, Gholam Reza	140
Jla te[...]	141
sadjadian, Mehdi	162
آذرشب، محمدعلی	۲۳۷
آذری، عارف	۲۴۵
آریانا، مسعود	۵۹
آرین مجد، زهرا	۵۱-۵۲
آزادی کناری، شمعان	۱۸۲
احمدی گیوی، حسن	۱۷-۹
احمدی، منصور	۵۳
اسکندرزاده، حسین	۲۳۴
اشرف الگلستانی، حسن	۱۰۷-۱۰۸-۱۱۰
اشرف پرکاری، علی	۲۰۰-۲۰۷
اشکیبوس، عادل	۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵
اعتمادی، حسین	۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴
اقبال، فرشید	۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷
اقمشه، تقی	۱۲۰
امامی پور، مرتضی	۲۳۹
امینی، امیر	۲۱
انوری، حسن	۱۱۵
اوحدی، مهدی	۱۹-۱۸-۱۷-۹
باطنی، محمدرضا	۱۲۱
باقری، علی	۲۵-۲۶
بلومفیلد، لئونارد	۲۲۹
بودری، پیمان	۲
پرتوی زاده، رضا	۲۲۵
پریز، قادر	۲۲۸
تاجیک، قربا	۲۲۶
ترسک، رابرت لارنس	-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱
تمدن، عبدالصمد	۸۰-۷۹-۷۸
تهرانی، نبیلی	۱۱۵
ثبوتی، بهنام	۱۱۲
جعفری، محمدرضا	۲۴
چراغی، علی	۱۹۰
چمنی محمضی، محمد	۲۱۱
حسین زاده، اسکندر	۲۳۵
حسینی، علی	۱۹۱
حسینی، قاسم	۱۸۹
حق شناس، علی محمد	۲
حیاتی، علی	۸۹-۸۸-۸۷-۵۰
حییم، سلیمان	۲۵
خادم زاده، محمد مهدی	۵۸
خاکباز زاده، سهیلا	۲۲۱
خلیب رهبر، خلیل	۱۰
خلیلی، کریم	۹۵-۹۴-۹۳
درویش، حبیب الله	۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸

دهانه، افسانه	۱۱۲
رژد، علی اکبر	۲
رضوان فر، معصومه	۱۴
ریاحی، زهرا	۲۳
ریاحی، مهتری	۲۳
زعفرانیان، محمود	۵۷
ستوده، عسکر	۲۱۷-۲۱۶-۲۱۵-۲۱۴-۲۱۳-۲۱۲
سقاوت، جعفر	۱۱۶
سعادتمند، علیرضا	۸۳-۸۶
سلیمان زاده، عبدالصاحب	۱۸۱
سلیمانی زاده، عظیم	۲۲
سلیمانی زاده، علیرضا	۲۲
سلیمی، حجت الله	۶۲
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر	۱۸۹
شاطرلو، محمد	۱۱۶
شروتونی، رشید	۲۳۸
شمار، مصطفی	۲۳۱
شفیعی، قاسم	۲۲۵
شکرچان، نیره	۲۰۰-۲۰۱-۲۰۷
شهاب، نجالدین	۹۷
شهلائی، ابوالقاسم	۱۸۷
صدرالحقانی، محمد	۹۱
صفایی، غلامعلی	۱۹۲-۱۹۳
صفی، عباس	۹۳
طاهری، حمید	۲۳۲-۲۳۳
عارف، صدرالدین	۲۴۲
عیاجی، ابادر	۲۲۶
عسکری، جواد	۳۹
علوی، بزرگ	۱۷۸
علوی، پرویز	۱۰۹
علیزاده، پوران	۱۱۳
علیزاده متین، رضا	۲۸
عمادی، اسدالله	۱۵
عمرانی، محسن	۲۲۲
عنانی سراب، محمدرضا	۶۰
غفارزاد، بهروز	۲۸-۹۶
غلامپور، سهراب	۶۱-۶۲
فاضلی، علیرضا	۷۷
فامیان، علی	۴
فتاحی، علی	۱۸۷
فرزام، عباس	۹۰
فرهنگ، مسعود	۸۲
فیض الهی، حسن	۲۰
فیلی، ایاد	۲۳۷-۲۳۸
قاسم پور، حسین	۱۴
قاسم پور مقدم، حسین	۱۱-۱۲-۱۳
قنبریان، م.	۵-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵

آموزش و پژوهش در فلسفه
۱۰۷

۱- آموزش فلسفه.

محمدتقی مصباح - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل - ۳۹۶ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۰۴-۰۸۷-۹

۲- آموزش فلسفه.

محمدتقی مصباح - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل - ۴۶۴ ص. - جلد دوم - وزیری (شمیز) - ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۰۴-۰۸۸-۷

معرفت‌شناسی (نظریه شناخت)
۱۲۱

۳- هرمنوتیک، کتاب و سنت:
فرآیند تفسیر وحی.

محمد مجتهدشیرازی - تهران: طرح نو - ۳۹۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۹۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۳۳۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Hermeneutic, the scripture and the tradition
شابک: ۹۶۴-۵۶۲۵-۵۰-۵

پیرا روانشناسی و علوم غریبه
۱۳۳

۴- پرواز روح: خودآموز خارج کردن روح از بدن در ۳۰ روز.

کایت هاراری، پاملا ویتروپ، مترجم: رضا جمالیان - تهران: درسا - ۲۷۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ نهم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Have an out-of-body experience in 30 days.
شابک: ۹۶۴-۶۱۰۴-۱۰-X

چاپ اول

۵- پیشگویی‌های دانیال نبی.

گردآورنده: صیدال شیناری - تهران: جرس - ۱۸۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۸۶-۱۴-۴

پیشگوئیهای دانیال نبی



نوشتار حاضر شامل دوازده باب است که هر باب به یکی از ماه‌های سال اختصاص دارد. در خصوص هر باب درباره معنی و مفهوم و پی‌آمدهای مربوط به بیست و پنج حادثه، در هر ماه خاص، توضیح داده شده است.

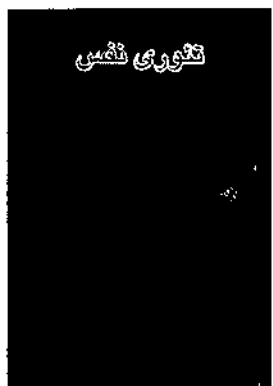
چاپ اول

۶- تئوری نفس.

محمد رضا پورحقانی - تهران: به دید - ۲۵۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

The theory of soul
شابک: ۹۶۴-۶۹۵-۲۱-۷

تئوری نفس



کتاب متشکل از سه فصل است. در فصل اول، عوامل اثر گذار براندیشه انسان در طول تاریخ، ذیل این متدها بررسی و تبیین می‌شود: متد قیاسی، متد استقرای، متد دیالکتیک و متد بدوی. در فصل دوم از ترتیب نزول آیات و موضوع آن‌ها در سال اول بعثت سخن به میان آمده و در فصل سوم موضوعاتی چون انسان، قبر و برزخ، روح و نفس از منظر آیات قرآن تشریح شده است.

۷- در آغوش نور ...

یتی‌جین ایدی، مترجم: فریده مهدوی - دامغانی - اهواز: تیر - ۱۶۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ دوازدهم / ۴۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Embraced by the light

شابک: ۹۶۴-۹۰۷۷۳-۰۰-۸

چاپ اول

۸- زندگی بهتر با فنگ شوی.

پک‌تین لی، هلن ییپ، مترجم: شهنام طاهری - تهران: شیاویز - ۱۴۸ ص. - پالتویی (شمیز) - چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Change your life with

شابک: ۹۶۴-۵۵۵۵-۰۷-۸



در این کتاب مصور برخی اصول و مبانی 'فنگ شوی' (Feng Shui) برای علاقه‌مندان به رشته‌های ساختمانی و تزیینات تشریح شده است. گفتنی است 'فنگ شوی' هنری چینی با قدمت زیاد است که در اصل: هنر تعیین و انتخاب مکان مناسب ساختمان‌های مسکونی، اداری و... شیوه چین 'درست' وسایل و اثاثیه برای بردن بیشترین سود از انرژی به وجود آمده است.

چاپ اول

۹- طالع‌بینی چینی.

توماس موریسون، مترجم: فروغ کشاورز - تهران: محور - ۲۵۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Complete chinese horoscopes

شابک: ۹۶۴-۶۷۹۶-۱۲-۵



کتاب شامل مطالبی است درباره متولدین ماه‌های دوازده‌گانه سال که با شرحی از خصوصیات شخصیتی، اخلاقی، جسمی و روانی زنان و مردان تدوین شده است.

چاپ اول

۱۰- طالع‌بینی هندی.

سونترا سینگ، مترجم: نغمه تقوی - تهران: ناژین - ۲۴۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک:



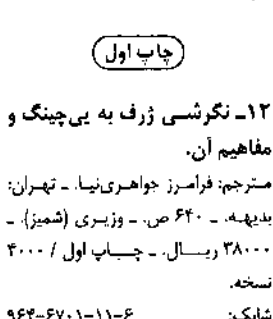
کتاب شامل مطالبی است درباره متولدین ماه‌های دوازده‌گانه سال که با شرحی از خصوصیات شخصیتی، اخلاقی، جسمی و روانی زنان و مردان تدوین شده است.

چاپ اول

۱۱- فال‌نامه حافظ.

تدوین: غلامعلی محبی‌نژاد - تهران: ندای فرهنگ - ۲۴۰ ص. - جیبی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

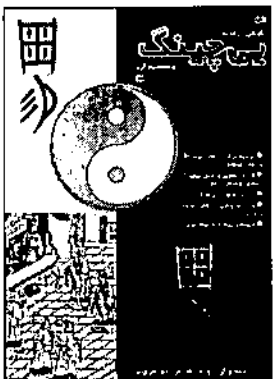


چاپ اول

۱۲- نگرشی ژرف به پی‌چینگ و مفاهیم آن.

مترجم: فرامرز جواهری‌نیا - تهران: بدیده - ۶۴۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۳۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه.

شابک:



این کتاب مشتمل بر پیش‌گویی‌ها و نوعی فال‌گیری چینی است که نگارنده با درهم آمیختن سه کتاب "جیمز لگ"، ریچارد ویلهم و "گزارش لی وانگ"، همچنین شیوه‌های فال‌زنی پیشرفته به تدوین کتاب حاضر دست زده است.

روایاها و رازواره‌ها

۱۳۵

چاپ اول

۱۳- تعبیر خواب از داتال پیغمبر - ابن سیرین شامل: ویژگیهای خواب، انواع خواب با شیوه ساده، بهاهتمام: محمدرضا وفائی - قم، وفائی، ۳۵۲ ص. - جیبی (شمیز)، ۴۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۱۳-۳۳-۰

چاپ اول

۱۴- متن کامل تعبیر خواب محمدابن سیرین و داتال پیغمبر (ص). حبیب‌بن‌ایرهم تقلیسی. - تهران: اهورا، ۳۴۴ ص. - وزیری (سلفون)، ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۸۲۱-۷-۹



در این کتاب ذیل عناوین مختلف که براساس القای فارسی سامان یافته تعبیر و تفسیرهای ابن سیرین از خواب فراهم آمده است. "بیماری"، "خست"، "رفو کردن"، "روزه داشتن"، "زکام"، "سبب"، "سبیل"، "شیر" و "غرق شدن" از جمله عناوین این کتاب هستند.

روانشناسی

۱۵۰

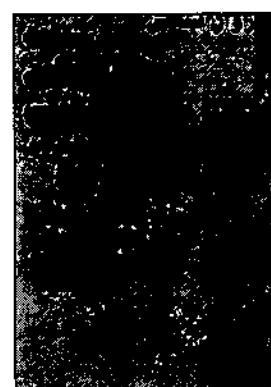
۱۵- درسنامه جامع پزشکی (علوم پایه) روان‌شناسی. زیر نظر: بهروز بیرشک؛ گردآورنده: منصور میرزایی، شهریار ناطق. - تهران:

میر. - ۳۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۳۳۰۰ ریال. - ۳۳۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Companion textbook of medical basic sciences: behavioral...

شابک: ۹۶۴-۶۴۴۹-۵۱-۴



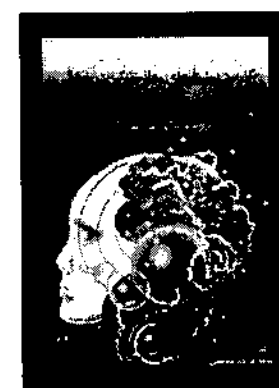
"روان‌شناسی" عنوان دوازدهمین کتاب از مجموعه کتاب‌های "درس نامه جامع پزشکی علوم پایه" است که به منظور شرکت در امتحانات جامع علوم پایه پزشکی، دندان پزشکی، داروسازی و پیراپزشکی تدوین شده است. در پایان هر فصل پرسش‌های چهار گزینه‌ای همراه با پاسخ کلیدی آمده است. عناوین برخی از فصل‌ها عبارت‌اند از: ماهیت روان‌شناسی، رشد و مراحل روان اجتماعی، احساس و ادراک، یادگیری و واکنش‌های شرطی، حافظه، و انگیزش و هیجان.

چاپ اول

۱۶- کاربرد پیشرفت‌های روانپزشکی در زندگی (روانپزشکی در یک نگاه).

داود حسینی. - تهران: سالم، ۱۲۸ ص. - جیبی (شمیز)، ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۴۱۸-۶-۸



در این کتابچه، توصیه‌ها و دستورالعمل‌های کوتاهی درباره کاربرد روان‌شناسی در زندگی روزمره فراهم آمده است. این

توصیه‌ها با مضامینی از این دست تدوین شده است: وسواس، ازدواج، اضطراب، اختلالات خواب، خشم، افسردگی‌های فصلی، خوش‌بینی، و ترس مرضی.

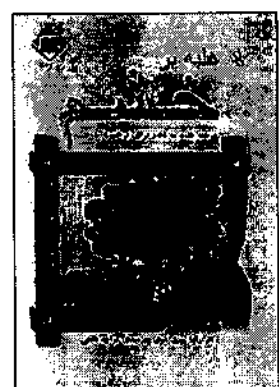
ادراک حسی، حرکت، هیجانات و سائقه‌ها

۱۵۲

چاپ اول

۱۷- غلبه بر خشم: برنامه قدم به قدم برای برخورد با خشم. رنوا یوریفوی؛ مترجم: مهدی قراچه‌داغی. - تهران: اوحیدی، ۲۸۸ ص. - رقی (شمیز)، ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۶-۶۷-۲



نگارنده در این کتاب با استفاده از تمرینات، پرسش‌نامه و مثال‌های عملی، شیوه‌های کنترل و غلبه بر خشم را عرضه می‌کند. وی ابتدا از چگونگی شکل‌گیری خشم، ماهیت و اشکال گوناگون آن سخن می‌گوید؛ سپس روش‌هایی را توضیح می‌دهد که از طریق آن بتوان از خشم به مثابه عنصری مثبت و سازنده استفاده کرد. در بخشی از کتاب نیز درباره شرم، خجالت، رنجش، غیظ، حسادت و صمیمیت مطالبی ذکر گردیده است.

هوش، عقل و قوای ذهنی

۱۵۳

۱۸- اندازه‌گیری هوش کودک.

گردآورنده: ابوالفضل کرمی. - تهران: روان‌سنجی، ۱۰۴ ص. - وزیری (شمیز)، ۷۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Child intelligence measurment

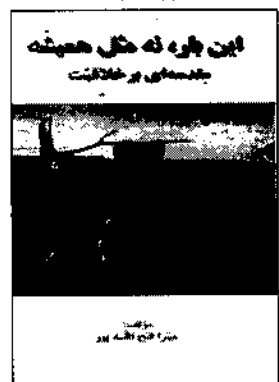
شابک: ۹۶۴-۹۲۷۷۲-۱-۵

۱۹- این بار، نه مثل همیشه: مقدمه‌ای بر خلاقیت.

میترا فتح‌الله‌پور. - تهران: سیمای جوان، ۷۲ ص. - پالتویی (شمیز). - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۰۴۸-۱-X

چاپ اول



مؤلف در این جزوه مفاهیم اساسی خلاقیت و کاربردهای آن در زندگی را بیان داشته و علاوه بر ذکر مبانی علمی خلاقیت، روش‌های ساده به کارگیری آن را نیز تشریح نموده است.

۲۰- راه هنرمند: بازیابی خلاقیت. جولیا کمرون؛ مترجم: کیتی خوشدل. - تهران: پیکان، ۲۸۸ ص. - وزیری (شمیز)، ۱۴۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The artist's way: a spiritual path to higher creativity

شابک: ۹۶۴-۶۲۲۹-۸۶-۷

روانشناسی ناخودآگاه و دگرگونی

حالت ضمیر

۱۵۴

چاپ اول

۲۱- نکته برای خواب راحت.

پل ویلسون؛ مترجم: سپیده خلیلی؛ ویراستار: حسن فتاحی. - تهران: قدیانی، ۸۰ ص. - رقی (شمیز)، ۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The little book of sleep

شابک: ۹۶۴-۴۲۱۷-۳۴۲-۲

در این مجموعه، صد و پنجاه رهنمود درباره "خواب راحت" گردآمده که از آن جمله است: "قهوه خود را زودتر بخورید"، "قبل از خواب حمام کنید"، "به اندازه بخورید و بخوابید"، "خیالپردازی"، "مطالعه کنید"، "جلوی نور نباشید" و "آقای را آبی کنید".



چاپ اول

۲۲- هیپنوتیزم بالینی درمان اختلالات اضطرابی و هیستری. علی‌اکبر محمدزاده. - تبریز: درمانگر، ۳۱۸ ص. - وزیری (شمیز)، ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۷۴۰-۲-۸



مؤلف طی دوازده فصل این کتاب، نظریات متفاوت روان درمانی و آسیب‌شناسی اضطراب را همراه با شیوه‌های هیپنوتراپی اختلالات اضطرابی و هیستری (اختلالات تبدیلی) تشریح می‌کند. در قسمت‌های مختلف کتاب شرح حال و روان درمانی بیماران متعددی ذکر شده است. عناوین فصل‌های کتاب به این قرار است: تگاهی به روان درمانی و شیوه‌های آن، "هیپنوتراپی"، "آسیب‌شناسی روانی اضطراب"، آموزش هیپنوتیزم، "علائم اضطراب منتشر"، اختلالات فوبیک، اختلال هراس، اختلال وسواس، اختلال استرس ناشی از ضربه، اختلالات اضطرابی کودکان، "هیستری" و "دارو درمانی اختلالات اضطرابی".

روانشناسی افتراقی و روانشناسی رشد

۱۵۵

چاپ اول

۲۳- اعتماد به نفس: دستیابی به

آن و زندگی با آن

باربارا دی انجلیس؛ مترجم: شهروزاد لولایی. - تهران: اوجدی. - ۱۱۰ ص. - رقی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Confidence finding it and living it

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۶-۶۶-۵



در این کتاب ضمن بررسی راههای دستیابی به اعتماد به نفس کاربردهای آن در زندگی تشریح شده است. نگارنده در آغاز علاوه بر به دست دادن تمرینی از اعتماد به نفس، انواع آن را یادآور شده است. وی سپس روش‌های پیش‌گیری از تضعیف خود و ایجاد اعتماد به نفس، همچنین ماندگاری آن را توضیح داده است. چرا ترک عادت خود کم‌بینی دشوار است؟ و مهارت درک سه نوع اعتماد به نفس (اعتماد رفتاری، اعتماد به خود و اعتماد معنوی) موضوعات بدی کتاب هستند.

چاپ اول

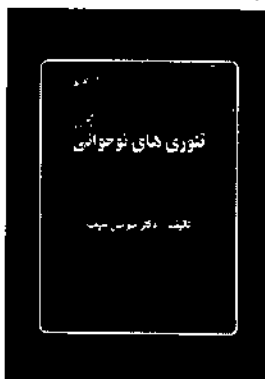
۲۴- تئوریهای نوجوانی

سوسن سیف. - تهران: آینه ادراک. - ۱۶۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Theories of adolescence ...

شابک: ۹۶۴-۹۲۶۶۶-۰۷-۷



بررسی و تحلیل تئوری‌های نوجوانی مستخرج در کتاب 'Rolf-Muuss'

مباحث این نوشتار را تشکیل می‌دهد. در این نوشتار، دوره‌های مختلف رشد، تحولات و ویژگی‌های مربوط به هر دوره و ارتباط این دوره‌ها با یکدیگر با استناد به تئوری‌های روان‌شناسان - از زوایای مختلف - بررسی و تبیین می‌گردد: تئوری روانکاوی رشد نوجوان، تئوری اجتماعی - روانی اریکسون، تئوری تأثیرپذیری رشد نوجوان از روابط فردی، تئوری خودمندی نوجوان و آنگاهای دوستی و اثرات گروه همسال عناوین برخی از فصول کتاب است.

چاپ اول

۲۵- رشد و تکامل حرکتی: راهنمای مربیان ورزش دانشجویان تربیت بدنی و والدین

کلین هی‌وود، تامس لافری؛ مترجم: ابوالقاسم دباغان. - تهران: فتح. - ۸۸ ص. - رقی (شمیز). - ۳۷۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Motor development

شابک: ۹۶۴-۷۰۸۰۰۰-X



کتاب حاضر حاوی مباحثی است در زمینه رشد، تکامل و آمادگی جسمانی جوانان و نوجوانان که در فصل نخست به راهها و شیوه‌های حفظ سلامت بدن اشاره شده است. فصل دوم شامل مباحثی در زمینه تأثیر ورزش در قیافه ظاهری نوجوانان است و مطالب فصل سوم به برخی دست‌آوردهای ورزشی در زمینه کسب انواع مهارت‌های جسمی اختصاص یافته است. در دو فصل انتهایی کتاب، اهمیت روانی - اجتماعی ورزش و نقش ورزش در 'سازگاری' افراد بررسی شده است.

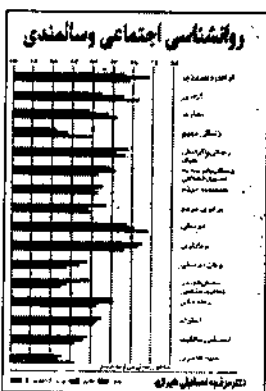
چاپ اول

۲۶- روانشناسی اجتماعی و سالمندی

مرزیه اسماعیلی شیرازی. - شیراز: تخت جمشید. - ۱۷۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۱۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰

نسخه. شابک:

۹۶۴-۶۷۹۲-۲۶-۲



در این کتاب، مولف با استناد به اصول روان‌شناسی اجتماعی، تحلیلی از رفتار، ارتباطات و کنش‌های متقابل سالمندان به دست می‌دهد؛ سپس راههای پیش‌گیری از تنش‌ها و افسردگی‌های دوران سالمندی را به تفصیل بیان می‌کند. کتاب متشکل از سیزده فصل است که عناوین برخی از آنها بدین قرار است: 'تعریف سالمندی'، 'سالمندی و روان‌شناسی اجتماعی'، 'پازنشتگی، پیری و سازگاری'، 'سالمندی، تنش و بیماری'، 'افسردگی سرشتی و مقایسه افسردگی در سالمندی'، 'همدلی درمانی و بهبود افسردگی در رفتار درمانی' و 'نگرانی‌ها و سازگاری‌های سالمندان در مورد مردن'.

چاپ اول

۲۷- روانشناسی شخصیت: نظریه، تحقیق، کاربرد

محمدتقی فراهانی. - تهران: دانشگاه تربیت معلم. - ۵۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

personality psychology (theory, research, application)

شابک: ۹۶۴-۶۷۰۶-۱۸-۵



کتاب حاضر طی سه بخش اصلی برای دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی تدوین

شده است. بخش نخست با عنوان 'مقدمه‌ای بر روان‌شناسی شخصیت' مشتمل بر مباحثی در خصوص ماهیت نظریه شخصیت، روش‌های مطالعه شخصیت و تحقیق در شخصیت است. در بخش دوم نظریه‌های اصلی حوزه روان‌شناسی شخصیت، همچون: نظریه روان‌پویایی شخصیت فروید، 'روان‌شناسی فردی آدلر'، 'نظریه صفات در شخصیت گوردون آلپورت' و 'تیپ‌شناسی زیستی آیزیک' بررسی و ارزیابی می‌گردد. بخش سوم به تحلیل نقش نظریه‌های شخصیت در رشد و تحول روان‌شناسی شخصیت معاصر اختصاص دارد.

۲۸- روانشناسی نوجوان

علی‌اکبر شعاری‌نژاد. - تهران: فاخر. - ۲۴۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۴۰-۳۹-۲

۲۹- زنان شیفته: روانشناسی محبت بی تناسب

رایین نورود؛ مترجم: مهدی قراچه‌داغی؛ ویراستار: شهلا ارزنگ. - تهران: ذهن آویز. - ۱۸۴ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Women who love too much: when you keep wishing

شابک: ۹۶۴-۹۲۰۶۹-۱۰-۴

چاپ اول

۳۰- نکته برای آسودگی خاطر

پل ویلسون؛ مترجم: سپیده خلیلی؛ ویراستار: حسین فتاحی. - تهران: قدیانی. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The little book of calm

شابک: ۹۶۴-۳۱۷-۳۴۰-۶



کتاب حاضر طی سه بخش اصلی برای دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی تدوین

این کتاب حاوی سخنان کوتاه، توصیه‌ها و نکاتی درباره کنترل و کاهش فشارهای روانی، و دستیابی به آرامش است که با جملاتی از این دست به طبع رسیده است: لباس‌های سفید بپوشید، 'دوست خوب انتخاب کنید، همیشه ده دقیقه زودتر حرکت کنید، در همه چیز به دنبال بهترین باشید، از کودکان درس بگیرید و با دیگران ارتباط برقرار کنید'.

روانشناسی عملی

۱۵۸

چاپ اول

۳۱- به دنبال شادکامی

کن کایز، تالی بورکان؛ مترجم: فد سجری، فد شاهلویی‌پور. - تهران: انجمن قلم ایران. - ۱۹۶ ص. - رقی (شمیز). - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

How to make your life work

شابک: ۹۶۴-۵۹۲۰-۰۷-۸



مخاطبان در این کتاب، رهنمودهایی در باب چگونگی دستیابی به شادکامی مطالعه می‌کنند. این رهنمودها ذیل موضوعات مختلف تدوین شده که از آن جمله است: راهی از عادت‌های ناهنجار، برنامه‌ریزی فکری، کنترل توقعات و عادت‌ها، کسب آرامش روانی، واکنش در مقابل رویدادهای بیرونی، و دوستی و محبت.

۳۲- جادوی فکر بزرگ

دیوید جوزف شوارتز؛ مترجم: ژنا بخت‌آوزیر؛ ویراستار: محمود میرزاده. - تهران: فیروزه. - ۳۰۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The magic of thinking big

شابک: ۹۶۴-۹۰۴۸۵-۰۰-۲

۳۳- چگونه شخصیت سالم‌تر بیابیم؟ (غلبه بر عصبیت).

وین دایو: مترجم: بدرزمان نیک‌فطرت - تهران: علم - ۲۶۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ هفتم / ۳۳۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Your erroneous zones

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۱۰۳-۳

۳۴- درخت دوستی نشان.

اندرو ماتیوز: مترجم: وحید افشاری‌راد - تهران: انتشارات نیرویز - ۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Making Friends

شابک: ۹۶۴-۹۱۵۳۸-۳-۷

۳۵- ده فرمان عزت نفس: چگونه قدر و منزلت خود را بدانید؟

کاترین کاردینال: مترجم: نفیسه معتکف: مترجم: حمیده رستمی - تهران: دفتر نشر داد - ۸۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۱۰۰ نسخه.

۳۶- راز شاد زیستن.

اندرو ماتیوز: مترجم: وحید افشاری‌راد - تهران: انتشارات نیرویز - ۱۵۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ نوزدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Being happy

شابک: ۹۶۴-۹۱۵۳۸-۱-۰۰

۳۷- روانشناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم.

دوان شولتز: مترجم: گیتی خوشدل - تهران: پیکان - ۲۲۳ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۰۵۰۰ ریال - چاپ هشتم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Growth psychology: models of the healthy personality

شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۱۰۸-۶

۳۸- زندگی در روشنایی.

شباکتی گایون: مترجم: مژگان بانو مومنی - تهران: روزبهان - ۱۹۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Living in the light: a guide to personal and planetary...

شابک: ۹۶۴-۵۵۲۹-۰۱-۸

۳۹- سرگذشت آنتونی رابینز و رازهای موفقیت او.

مایکل بولناک: مترجم: هومن مجردزاده - کرمانی - تهران: راه بین - ۱۸۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The life story of anthony robbins

شابک: ۹۶۴-۶۲۷۶-۱۴-۸

چاپ اول

۴۰- ۶۰ نکته برای زندگی بهتر.

لیندا فیلد: مترجم: سیده خلیلی: مترجم: حسین فاتحی - تهران: قدیانی - ۶۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

60 ways to change your life

شابک: ۹۶۴-۴۱۷-۲۳۹-۲



چاپ اول

۴۱- فتح گنج.

سانایا رومن: مترجم: گیتی خوشدل - تهران: پیکان - ۳۲۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۰۷۳-X

در کتاب حاضر، توصیه‌ها، همچنین دستورالعمل‌هایی برای موفقیت در زندگی، کسب و کار و راه‌های دستیابی به پول و ثروت طی چهار بخش فراهم آمده است. در بخش نخست نگارنده راه‌های آفرینش توانگری در خود را توضیح

می‌دهد. در بخش دوم، روش‌های پرورش مهارت، اعتماد به نفس، به جریان انداختن پول و کامروایی را مطرح



می‌کند و در دو بخش دیگر کتاب 'آفرینش کار دل‌خواه' و 'جذب دارایی و تاثیر دارایی بر زندگی' را به تفصیل شرح می‌دهد.

چاپ اول

۴۲- مشاوره و حمایت از کودکان در برابر نااملایمات.

سونیا شارب، هلن گاوی: مترجم: سوسن آقاجانلو: مترجم: سوسن اصغری - تهران: آتیسه - ۱۶۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Conunselling & supporting children: in distress

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۳-۹۳-۱



کتاب متضمن مسائل حساس دوره کودکی و گذار از این مرحله به دوره نوجوانی است که با مباحثی درباره دشواری‌های این دوره حساس فراهم آمده که از آن جمله است: استرس‌ها و پریشانی‌های دوران بلوغ، واکنش کودکان در مقابل مرگ، ترس و هراس، پرخاشگری و رفتارهای تهاجمی و اعتراض‌آمیز. در ارتباط با هر یک از این مسائل نقش والدین، معلمان و همسالان بررسی شده و در پایان رهنمودهایی به دست داده شده است.

۴۳- مفاهیم و کاربردها در مشاوره با کودکان.

محمد حسین نژاد - تهران: سپند هنر - ۲۷۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۳۹۰۰ ریال - چاپ اول / ۷۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۳۸۹-۴-۸

چاپ اول



مؤلف کتاب، نخست به عوامل موثر در بروز مشکلات کودکان و روش‌های درمان آن اشاره می‌کند؛ سپس فنون مشاوره‌ای و روش‌های برقراری ارتباط با کودک و نظریه‌های مشاوره و کاربرد هر یک را شرح می‌دهد. بخشی از کتاب نیز به مراحل بازی درمانی و روش‌های شناخت ذهنی و عینی کودکان اختصاص دارد.

چاپ اول

۴۴- مقابله با مشکلات زندگی.

کریس کلینک: مترجم: ایرج والی - پور: پوراستار: نیره توکلی - تهران: دانشگاه صنعتی شریف، موسسه انتشارات علمی - ۳۹۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Coping with life challenges

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۹-۷۶-۱

۴۵- مقدمات راهنمایی و مشاوره: مفاهیم و کاربردها (رشته علوم تربیتی).

عبدالله شفیع‌آبادی - تهران: دانشگاه پیام نور - ۱۵۸ ص. - وزیری (مقوایی) - ۶۲۰۰۰ ریال - چاپ سیزدهم / ۴۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۵۵-۳۲۴-۱

۴۶- یک دقیقه برای خودم.

اسپنسر جانسون: مترجم: صدیقه فخار (ابراهیمی) - تهران: دایره - ۱۲۴

۴۷- چکیده منطق: شرح کوتاه بر منطق مظهر (ره) به گونه پرسش و پاسخ.

احمد فقیه‌نی‌ریزی - تهران: حقوق اسلامی - ۸۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۵۰-۱۰-۶

منطق

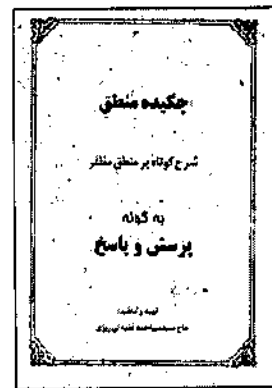
۱۶۰

چاپ اول

۴۷- چکیده منطق: شرح کوتاه بر منطق مظهر (ره) به گونه پرسش و پاسخ.

احمد فقیه‌نی‌ریزی - تهران: حقوق اسلامی - ۸۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۵۰-۱۰-۶



'منطق مظهر' یکی از کتاب‌های درسی حوزه علمیه است که در نوشتار حاضر، مباحث آن به گونه فشرده و در قالب ۳۴۴ پرسش و پاسخ فراهم می‌آید. برخی از مباحث کتاب عبارتند از: تصور و تصدیق، دلالت، مفهوم مصداق، کلیات خمس، انواع تریف، اقسام قضیه، 'موجهات' راه‌های استدلال و 'صناعات خمس'.

چاپ اول

۴۸- المنطق.

محمدرضا مظهر: گردآورنده: علی شیروانی - قم: دارالعلم - ۲۵۲ ص. - وزیری (کالینگور) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۷۶-۸۳-۹

چاپ اول

۴۹- منطق و تفکر انتقادی.

حسن ممعلی - قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - ۱۲۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۷۴-۷۳-۱

اخلاق

۱۷۰

چاپ اول

۵۰- در راستای هدف.

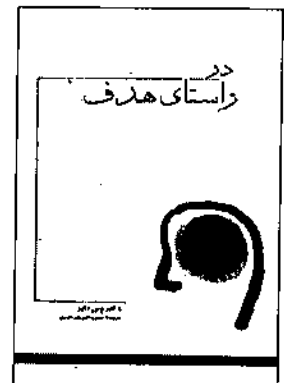
وین دایز: مترجم: حسن اکبریان طبری - تهران: مهرنوش - ۱۰۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Staying on the path

۹۶۴-۹۱۳۳۱-۲-۷

شابک:



در راستای هدف: حاوی نصایح، توصیه‌ها و سخنان کوتاهی درباره خودسازی است که نمونه‌هایی از آن بدین قرار است: شکست، تصور و برداشت دیگران است که به شما تحمیل شده است، شاید یکی از ویژگی‌های برجسته آدم‌های سالم، شوخ طبعی آمیخته با صمیمیت است و تحول درونی و رشد جسمانی اهمیت می‌دهند.

چاپ اول

۵۱- زندگی یک فوریت نیست.

ریچارد کارلسون: مترجم: فاطمه معتمدی: مترجم: مهشید تهرانی - تهران: روزنه - ۱۷۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۸۹۵۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۱۷۶-۸۹-۵

چاپ اول

۵۲- طب روح: اخلاق اصیل.

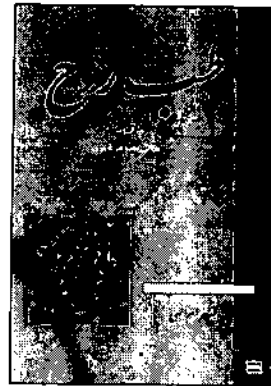
بهرام الهی: مترجم: نوشین رادفر - تهران: جیحون - ۱۶۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Medicine de lame

۹۶۴-۶۵۳۴-۳۸-۴

شابک:



مؤلف در این کتاب به روش علمی و با استفاده از قیاس میان فرآیندهای فیزیولوژیک و معنوی، بر آن است نشان دهد در دنیای کنونی، خلأ معنویت زندگی بشر را دچار مخاطره ساخته از همین رو، توجه به معنویت ضرورتی اجتناب ناپذیر است. وی مخاطبان را به ایجاد دگرگونی اساسی در طرز فکر خود نسبت به معنویت واقعی دعوت می‌نماید تا از محدودیت‌های معنوی سنتی خارج شوند. مؤلف شناخت عقلانی را بر احاطه اشراقی و حسی اولویت داده و آن را ضرورتی می‌داند که ریشه در فطرت انسان دارد.

۵۳- طب روح: اخلاق اصیل:

مبانی معنویت فطری. بهرام الهی: مترجم: نوشین رادفر - تهران: جیحون - ۱۶۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Medicine de lame

۹۶۴-۶۵۳۴-۳۸-۴

شابک:

اخلاق جنسی و تولد

۱۷۶

۵۴- آنچه باید همسران جوان بدانند.

ناوم میخائیلویچ خوداکوف: مترجم: بهروز میمتا: مترجم: ناهید حجازی - تهران: عطایی - ۱۹۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۹۸۰۰ ریال - چاپ هفدهم / ۲۵۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۳۱۴-۴۵۲-۰

اخلاق اجتماعی

۱۷۷

چاپ اول

۵۵- مهندسی دوستی‌ها.

افشین چیت‌ساز - تهران: آقبال - ۸۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال -

چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۳۰۶-۲۲-۵



مؤلف در این نوشتار نخست عوامل مؤثر در حفظ روابط دوستانه را بر می‌شمارد سپس با تشبیه این عوامل به اصول هندسی، نمونه‌های واقعی درباره اهمیت و کارکرد هر یک از این عوامل ذکر گردیده است: اصل، رسم، سنت، ارجحیت، حرمت، تقدم و تاخر، انتخاب و اغماض و توقع.

دیگر معیارهای اخلاقی

۱۷۹

۵۶- قلبهای شکسته: چطور می‌توان

فراموش کرد.

چارلز کلاین: مترجم: نفیسه معتکف: مترجم: حمید رستمی - تهران: دفتر نشر داد - ۱۲۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۱۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۹۰۹۳۴-۹-۴

فلسفه شرق

۱۸۱

۵۷- اصول فلسفه و روش

رئالیزم.

محمدحسین طباطبایی: مقدمه: مرتضی مطهری - تهران: صدرا - ۱۴۰ ص. - جلد سوم - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ یازدهم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۵۶۰۰۰-۸۴-۷

۵۸- اصول فلسفه و روش

رئالیزم.

محمدحسین طباطبایی: مقدمه: مرتضی مطهری - تهران: صدرا - ۱۴۰ ص. - جلد چهارم - وزیری (شمیز) - ۴۸۰۰ ریال - چاپ هشتم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۵۶۰۰۰-۸۵-۵

۵۹- عرفان و فلسفه.

والتر ترنس استیس: مترجم: بهاءالدین

خرمشاهی - تهران: سروش - ۳۸۴ ص.

- رقمی (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Mysticism and philosophy

۹۶۴-۲۲۵-۲۲۹-۷

شابک:

چاپ اول

۶۰- گنجینه بهارستان (مجموعه

۱۸ رساله در منطق، فلسفه، کلام و عرفان).

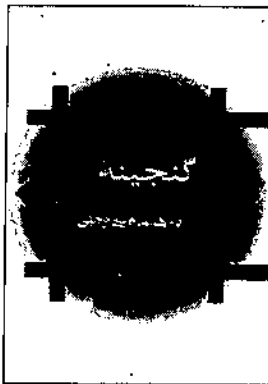
بهاء‌الحماد: علی اوجبی - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات - ۵۹۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۲۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Ganjine-ye baharestan

۹۶۴-۲۲۲-۲۵۶-۳

شابک:



گنجینه بهارستان مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی کم حجم کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که در قالب هشت موضوع اصلی تدوین یافته است: ۱- علوم قرآنی و روایی ۲- حکمت (منطق، فلسفه، کلام، عرفان) ۳- فقه و اصول ۴- ادبیات فارسی ۵- ادبیات عرب ۶- تاریخ و جغرافیا ۷- اخلاق ۸- علوم و فنون. کتاب حاضر، نخستین دفتر از این مجموعه است که هجده رساله را با این مشخصات شامل می‌شود: ۱- منطق صغری / میر سید شریف جرجانی ۲- الدرر / میر شمس‌الدین جرجانی ۳- شرح ایساغوجی / حسام‌الدین کانی ۴- الایانه عن وجدانیة الله / کندی ۵- ترتیب السعادات / ابوعلی مسکویه ۶- ماهیت نفس / ابن سینا ۷- تجوهر الأجسام / غیاث‌الدین منصور دشتکی ۸- اشفاء القلوب / غیاث‌الدین منصور دشتکی ۹- کیفیه میبه الواجب / صدرالمتألهین شیرازی ۱۰- رساله اعتقادی / خواجه نصیرالدین طوسی ۱۱- خلق الاعمال / میرداماد ۱۲- بررسی‌ها و پاسخ‌های حکمی / ملاعلی نوری ۱۳- معاد (از موفقی ناشناخته) ۱۴- نصایح / نجم

چاپ اول

۶۱- مبانی معرفت دینی.

محمد حسین زاده‌نوراستار: محمود پاک‌روان - قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - ۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۷۴-۷۳-۳

فلسفه غرب در قرون وسطی

۱۸۹

چاپ اول

۶۲- حدیث اندیشه: گفتگوهای

در باب تاریخ فلسفه اسلامی.

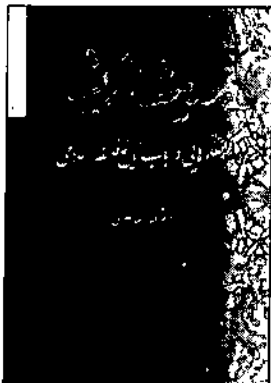
عبدالله نصری - تهران: سروش - ۵۲۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Adventures of thought

۹۶۴-۴۳۵-۴۸۵-۰

شابک:



مجموعه حاضر شامل بحث‌ها و گفت‌وگوهای است که نگارنده با برخی از اندیشمندان و پژوهشگران صورت داده است. در این بحث‌ها به تاریخ اندیشه‌های فلسفی و آرای فیلسوفان جهان اسلام اشاره شده، همچنین ابعاد مختلف اندیشه‌های متفکران بررسی شده است. عناوین برخی مباحث به این قرار است: ۱- کندی، گفتگو با دکتر غلامرضا انوائی، ۲- زکریای رازی، گفتگو با دکتر مهدی محقق، ۳- فارابی، گفتگو با دکتر رضا داوری، ۴- سجستانی، گفتگو با دکتر ابراهیم دیباجی، ۵- آخوان‌الصفاء، گفتگو با دکتر جلال‌الدین مجتویی، ۶- عین‌القضاة، گفتگو با دکتر

پرویز ادکایی ۷- آبن باجه، گفتگو با دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی.

فلسفه آلمان و اتریش

چاپ اول

۶۳- فراسوی زنجیرهای پندار. اریک فروم مترجم: بهزاد برکت. تهران: سرواژید، ۲۲۲ ص. - رقی (شمیز)، ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Beyond the chains of illusion: my encounter with marx ... شابک: ۹۶۴-۶۰۲۶-۸۲-۶

وی در بخشی از کتاب می‌نویسد: اقرار می‌کنم که هشدارهای پیامبرانی همچون اشعیا، اموص و هوشع در مورد فجایی که در صورت سرکشی است نازل می‌شد، برایم چشم‌گیر نبود، بلکه نویدی که درباره روز واپسین می‌دادند جانم را از شادی می‌آکند.

چاپ اول

۶۴- واگنر در بایرویت، نیچه علیه واگنر. فریدریش ویلهلم نیچه، مترجم: ابوتراب سهراب، عباس کاشف. - تهران: آگاه، ۱۵۲ ص. - رقی (شمیز)، ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Untimely meditations شابک: ۹۶۴-۴۱۶-۱۲۸-۹



در این مجموعه، دویخش از نوشتارهای 'فریدریش ویلهلم نیچه' (۱۸۴۴-۱۹۰۰) گرد آمده است: 'واگنر در بایرویت' (بخش چهارم از مجموعه 'تاملات ناپهنگام است') و 'نیچه علیه واگنر'. در این نوشته‌ها مقوله موسیقی، روان‌شناسی و فلسفه از دیدگاه نیچه بررسی و تشریح می‌گردد، همچنین آرا و اندیشه‌های ریشارد واگنر (۱۸۱۳-۱۸۸۲) از منظر نیچه تبیین می‌شود. 'نیچه در نوشته‌هایی درباره واگنر به ستایش از جنبه‌های فرهنگی و آموزشی جشنواره بایرویت می‌پردازد و شاهکارهای تراژدی در آثار واگنر را درسی برای کسانی معرفی می‌کند که در پیکار در راه دادگری و مهر آماده مرگاند'. نیچه در این کتاب، حاضر نیست کار هنری را جدا و مستقل از منش و شخصیت آفریننده آن بسنجد. از این رو از دیدگاه او جنبه هنری هیچ گاه ممکن نیست از جنبه اخلاقی استقلال پیدا کند. به همین مناسبت در بخش‌های پایانی 'تولد تراژدی' ریشارد واگنر را می‌ستاید و مردی معرفی می‌کند که با بازآفرینی اوضاع و احوال اساطیری و کیش ورزی عصر تراژدی‌های سوفوکلس همت خواهد گماشت... از نظر نیچه، واگنر

کامل‌ترین و سرشارترین انسانی بود که تاکنون دیده است. لکن اخلاق خودپسندانه واگنر و هم‌چنین غرور و تکبر او باعث گردید نیچه از او جدا شده و کتابی را با نام نیچه علیه واگنر انتشار دهد. این کتاب در سال ۱۸۹۵ انتشار یافت... آن طور که نیچه در این کتاب به صراحت اظهار می‌دارد، او و واگنر نقیض یکدیگرند و از نظر روحیات و خلیقات دو فرد کاملاً متمایزند. این کتاب از نظر نگارندگان دایره‌المعارف بریتانیکا، از جنبه ادبی از زیباترین و شیواترین آثار لوست و دارای نثری فخیم و متعالی است. نیچه در این کتاب ابتدا به نقاظ مثبت، سپس جنبه‌های منفی آثار و آرا واگنر اشاره می‌کند، سپس نقدی از آن فراهم می‌آورد. چه چیز مورد تحسین من است؟ واگنر به مثابه یک خطر، موسیقی بی آینده، 'موقف واگنر در کجاست'، 'چگونه از واگنر بریدم' و 'روانشناس سخن می‌گوید' عناوین فصل‌های کتاب است که مجموعه 'تاملات ناپهنگام'، 'انسانی، بسی انسانی'، 'آواره و سایه‌اش'، 'حکمت شادان'، 'فراسوی نیک و بد و تبارشناسی اخلاق' اقتباس شده است.

۶۵- هگل و سیاست مدرن. رامین جهانگللو. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۱۶ ص. - رقی (شمیز)، ۵۸۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۶۴۱-۶۳-۶

فلسفه فرانسه

۶۶- میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنیوتیک با موخرهای به قلم میشل فوکو. هیوبرت تریفوس، بل رابینو مترجم: حسین بشیریه؛ گردآورنده: مرتضی هدایت، ... (و دیگران). - تهران: نشر نی، ۲۷۶ ص. - رقی (شمیز)، ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Michel foucault: beyond structuralism and hermeneutics شابک: ۹۶۴-۳۱۲-۲۷۱-۹

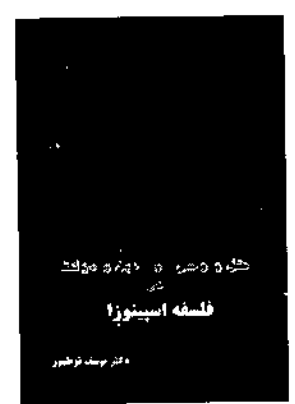
فلسفه دیگر مناطق جهان

چاپ اول

۶۷- عقل و وحی و دین و دولت در فلسفه اسپینوزا. یوسف نوظهور. - تهران: پایا، ۳۰۸

ص. - رقی (شمیز)، ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Reason & revelation religin & fiale in philosophy of ... شابک: ۹۶۴-۶۷۴۸-۲۷-۹



کتاب حاضر، متن تکمیل شده رساله دکتری نگارنده است که به بررسی و ارزیابی 'عقل و وحی'، همچنین 'دین و دولت' از دیدگاه فیلسوف قرن هفدهم یعنی 'بندیکت اسپینوزا' (۱۶۳۲-۱۶۷۷) اختصاص دارد. نگارنده در این باره چنین اذعان داشته است که 'ارزیابی اسپینوزا در خصوص معرفت وحیانی و نبوت و معجزه و دین و... و مسائلی از این قبیل، صرفاً در چارچوب جو فکری قرن هفدهم اروپا - خصوصاً هلند - و در زمینه نسبت فلسفه او با دینات یهود و نیز مسیحیت، قابل فهم است'. وی در فصل نخست: به بررسی مقام عقل در فلسفه اسپینوزا می‌پردازد، سپس در فصل دوم: وحی و نبوت از دیدگاه وی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در فصل سوم: معجزه و قانون طبیعت از دیدگاه اسپینوزا تبیین می‌گردد. عناوین فصل‌های بعدی عبارتند از: 'روش تفسیری اسپینوزا'، 'مفهوم قانون الهی و قوانین مربوط به سنن دینی'، 'انتقاد اسپینوزا از ادعای برگزیده بودن قوم یهود' و 'دین، عملکرد اجتماعی آن و دولت از نظر اسپینوزا'.

نمایه عنوان

آموزش فلسفه ۲-۱ آنچه باید همسران جوان بدانند ۵۴ اصول فلسفه و روش رئالیسم ۵۸-۵۷ اعتقاد به نفس: دستیابی به آن و زندگی با آن ۲۳ اندازه‌گیری هوش کودک ۱۸ این‌بار، نه مثل همیشه: مقدمه‌ای بر خلاقیت ۱۹ به دنبال شادکامی ۳۱ پرواز روح: خودآموز خارج کردن روح از

بدن در ۳۰ روز ۴ پیشگویی‌های دانیال نبی ۵ تئوری نفس ۶ تئوریهای نوجوانی ۲۴ تعبیر خواب از دانیال پینمبر - ابن سیرین شامل: ویژگیهای خواب، انواع خواب با شیوه ساده ۱۳ جادوی فکر بزرگ ۳۲ چکیده منطق: شرح کوتاه بر منطق مظفر (ره) 'به گونه پرسش و پاسخ' ۴۷ چگونه شخصیت سالم‌تر بباییم؟ (غلبه بر عصبیت) ۳۳ حدیث اندیشه: گفتگوهای در باب تاریخ فلسفه اسلامی ۶۲ در آغوش نور ... ۷ در راستای هدف ۵۰ درخت دوستی بنشان ۲۴ درسنامه جامع پزشکی (علوم پایه) روان - شناسی ۱۵ ده فرمان عزت نفس: چگونه قدر و منزلت خود را بدانید؟ ۳۵ راز شاد زیستن ۳۶ راه هنرمند: بازیابی خلاقیت ۲۰ رشد و تکامل حرکتی: راهنمای مربیان ورزش دانشجویان تربیت بدنی و والدین ۲۵ روانشناسی اجتماعی و سالمندی ۲۶ روانشناسی شخصیت 'نظریه، تحقیق، کاربرد' ۳۷ روانشناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم ۳۷ روانشناسی نوجوان ۲۸ زنان شیفته: روانشناسی محبت بی تناسب ۲۹ زندگی بهتر با فنگ شوی ۸ زندگی در روشنائی ۳۸ زندگی یک فوریت نیست ۵۱ سرگذشت آنتونی و ابیز و رازهای موفقیت او. ۳۹ ۶۰ نکته برای زندگی بهتر ۴۰ ۱۵۰ نکته برای خواب راحت ۲۱ ۱۵۰ نکته برای آسودگی خاطر ۳۰ طالع‌بینی چینی ۹ طالع‌بینی هندی ۱۰ طب روح: اخلاق اصیل ۵۲ طب روح: اخلاق اصیل: مبانی معنویت فطری ۵۳ عرفان و فلسفه ۵۹ 'عقل و وحی' و 'دین و دولت' در فلسفه اسپینوزا ۶۷ غلبه بر خشم: برنامه قدم به قدم برای برخورد با خشم ۱۷ فال‌نامه حافظ ۱۱ فتح گنج ۴۱ فراسوی زنجیرهای پندار ۶۳ قلبهای شکسته: چطور می‌توان بخشید وقتی نمی‌توان فراموش کرد ۵۶ کاربرد پیشرفت‌های روانپزشکی در

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / آبان ۱۳۷۹ ۱۲۹

زندگی (روانشناسی در یک نگاه)	۱۶	بخت‌آور، ژنا	۳۲	شوارتز، دیوید جوزف	۳۲	میرزاده، محمود	۳۲	دانشگاه صنعتی شریف، موسسه	۳۲
گنجینه بهارستان (مجموعه ۱۸ رساله در منطق، فلسفه، کلام و عرفان)	۶۰	برکت، بهرادر	۶۳	شولتز، دوان	۶۳	میرزایی، منصور	۳۷	انتشارات علمی: تهران	۳۴
مبانی معرفت دینی	۶۱	بشیریه، حسین	۶۶	شیروانی، علی	۶۶	میمنه، بهروز	۴۸	دایره: تهران	۴۶
متن کامل تعبیر خواب محمدابن سیرین و دانیال ینمیر (ص)	۱۴	بورکان، تالی	۳۱	شیناری، صیبال	۳۱	ناطق، شهریار	۵	درسا: تهران	۴
مشاوره و حمایت از کودکان در برابر ناملایمات	۴۲	بولناک، مایکل	۳۹	طاهری، شهنام	۳۹	نصری، عبدالله	۸	درمانگر: تبریز	۲۲
مفاهیم و کاربردها در مشاوره با کودکان	۴۳	پیرشک، بهروز	۱۵	طباطبایی، محمدحسین	۱۵	نوروزی، رابین	۵۸-۵۷	دفتر نشر داد: تهران	۵۶-۳۵
مقابله با مشکلات زندگی	۴۴	پاکروان، محمود	۶۱	فتاحی، حسین	۶۱	نظهور، یوسف	۳۰-۳۰-۲۱	ذهن آویز: تهران	۲۹
مقدمات راهنمایی و مشاوره: مفاهیم و کاربردها (رشته علوم تربیتی)	۴۵	پورحقانی، محمدرضا	۶	فتح‌الله‌پور، میترا	۶	نیجه، فریدریش ویلهلم	۱۹	راه بین: تهران	۳۹
المنطق	۲۸	پیوریوی، رنوا	۱۷	فخار (ابراهیمی)، صدیقه	۱۷	نیک‌فطرت، بدرزمان	۴۶	روان‌سنجی: تهران	۱۸
منطق و تفکر انتقادی	۳۹	تقلیسی، حبیب‌بن‌ابراهیم	۱۴	فراهانی، محمدتقی	۱۴	والی‌پور، ایرج	۲۷	روزبهان: تهران	۳۸
مهندسی دوستی‌ها	۵۵	تقوی، نغمه	۱۰	فروم، اریک	۱۰	وفائی، محمدرضا	۶۳	روزنه: تهران	۵۱
میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک با موجه‌های قلم میشل فوکو	۶۶	توکل، نیره	۴۴	فقیه‌ریزی، احمد	۴۴	ویلسون، بل	۳۷	سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل: تهران	۲۰-۲۱
نگرشی ژرف به بی‌چینگی و مفاهیم آن	۱۲	تهرانی، مهشید	۵۱	فیلد، لیندا	۵۱	وینتروپ، پاملا	۴۰	سالم: تهران	۴
واگنر در بایرویت، نیجه علیه واگنر	۶۴	جانبسون، اسپنسر	۴۶	قراچه‌داغی، مهدی	۴۶	هزارری، کایت	۲۹-۱۷	سپند هنر: تهران	۴۳
هرمنوتیک، کتاب و سنت: فرآیند تفسیر وحی	۳	جمالیان، رضا	۴	کاردینال، کاترین	۴	هنایت، مرتضی	۳۵	سروش: تهران	۶۲-۵۹
هگل و سیاست مدرن	۶۵	جواهری‌نیا، فرامرز	۱۲	کارلسون، ریچارد	۱۲	هی‌وود، کتلین	۵۱	سینمای جوان: تهران	۱۹
هیپنوتیزم بالینی درمان اختلالات اضطرابی و هیستری	۲۲	جهانگلو، رامین	۶۵	کاشف، عباس	۶۵	ییب، هلن	۴۲	شباویز: تهران	۸
یک دقیقه برای خودم	۴۶	چیت‌ساز، افشین	۵۵	کاوی، هلن	۵۵		۳۱	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی: تهران	۶۵
		حجازی، ناهید	۵۳	کایز، کن	۵۳		۱۸	صدرا: تهران	۵۸-۵۷
		حسین زاده، محمد	۶۱	کرسی، ابوالفضل	۶۱		۹	طرح نو: تهران	۲
		حسین‌نژاد، محمد	۴۳	کشاورز، فروغ	۴۳		۵۶	عطایی: تهران	۵۴
		حسینی، داود	۱۶	کلاین، چارلز	۱۶		۲۴	علم: تهران	۳۳
		خرم‌شاهی، بهاءالدین	۵۹	کلینک، کریس	۵۹		۲۸	فاخر: تهران	۲۵
		خلیلی، سیده	۴۰-۳۰-۲۱	کمرن، جولیا	۴۰-۳۰-۲۱		۲۵	فتح: تهران	۳۲
		خوداکوف، نانوم میخانیلوویچ	۵۴	گاوین، شاکتی	۵۴		۲۳	فیروزه: تهران	۳۰-۳۰-۲۱
		خوشدل، گیتی	۴۱-۳۷-۲۰	لافوری، تامس	۴۱-۳۷-۲۰		۸	قندیانی: تهران	۹
		دایر، وین	۵۰-۳۳	لولاچی، شهرزاد	۵۰-۳۳		۳۶-۳۴	محور: تهران	۶۳
		دباغان، ابوالقاسم	۲۵	لی، یک‌تین	۲۵		۳۱	مروارید: تهران	۶۳
		دریغوس، هیوبرت	۶۶	مانیوز، اندرو	۶۶		۳۶-۳۴	موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره): قم	۶۱-۳۹
		دی‌انجلیس، باربارا	۲۳	مجتهدشیرازی، محمد	۲۳		۳	مهرنوش: تهران	۵۰
		رایینو، بل	۶۶	مجردزاده کرمانی، هومن	۶۶		۳۹	میر: تهران	۱۵
		رادفر، نوشین	۵۳-۵۲	محبی‌نژاد، غلامعلی	۵۳-۵۲		۱۱	نازین: تهران	۱۰
		رستمی، حمیده	۵۶-۳۵	محمدزاده، علی‌اکبر	۵۶-۳۵		۲۲	نمای فرهنگ: تهران	۱۱
		رومن، سانایا	۴۱	مصباح، محمدتقی	۴۱		۲-۱	نشر نی: تهران	۶۶
		سهراب، ابوتراب	۶۴	مطهری، مرتضی	۶۴		۵۸-۵۷	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: تهران	۶۰
		سیف، سوسن	۲۴	مظفر، محمدرضا	۲۴		۴۸	وفایی: قم	۱۳
		سینگ، سوترا	۱۰	مستکف، نفیسه	۱۰		۵۶-۳۵		
		شارپ، سونیا	۳۲	معتمدی، فاطمه	۳۲		۵۱		
		شاهلویی‌پور، ف.	۳۱	معلمی، حسن	۳۱		۴۹		
		شجری، ف.	۳۱	موریسون، توماس	۳۱		۹		
		شماری‌نژاد، علی‌اکبر	۲۸	مومنی، مژگان‌بانو	۲۸		۳۸		
		شفیع‌آبادی، عبدالله	۴۵	مهدوی‌دامغانی، فریده	۴۵		۷		

نمایه ناشر

نمایه پدیدآور

